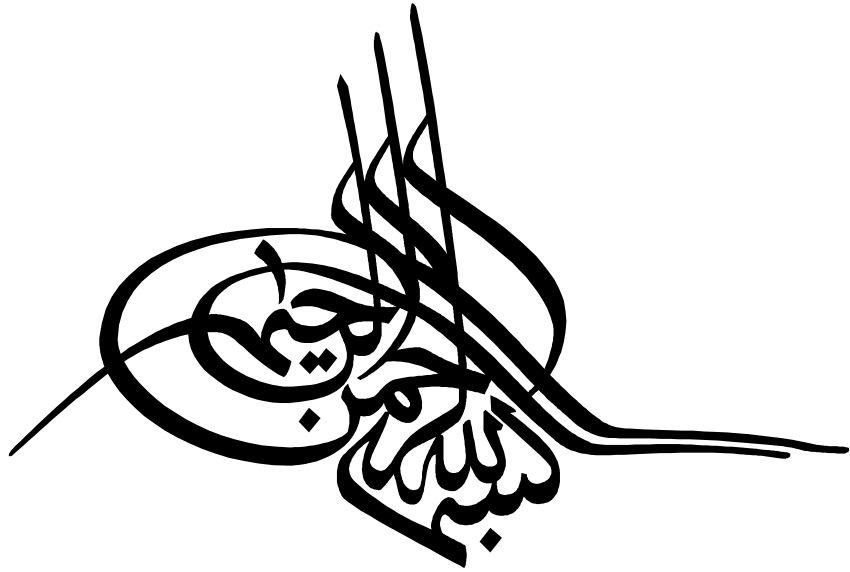


۱۷	طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تربیتی محمدحسن متقی شهری، فرزاد غفوری، حبیب هنری، جواد شهلائی باقری
۳۹	تبیین عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای وحید ساعت‌چیان، محمد کشتی‌دار، مژگان رعنائی، بهادر عزیزی
۶۱	تحلیل محتوای پژوهش‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در ایران حمید قاسمی، میثم عسگرشمسی
۸۵	مدل ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان امیر دانا، صالح رفیعی، المیرا گوزلزاده، مریم شمسی
۱۰۷	ارائه الگوی استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی (با کاربرد نظریه داده‌بنیاد) اسکندر حسین‌پور، قدرت‌اله باقری، ابراهیم علیدوست قهفرخی، مجتبی امیری، مجید جلالی فراهانی
۱۲۹	نقش دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان در نیات رفتاری آنان نسبت به پوشاک ورزشی تقلبی عابد محمودیان، بهزاد ایزدی، وحید دلش، سارا غریبی
۱۴۹	تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش میانجی خرد سازمانی علی صابری، صمد گودرزی
۱۶۹	مدل رابطه‌های فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران) علیرضا حجی‌پور، مهرزاد حمیدی، سید نصرالله سجادی، محمد خبیری
۱۹۳	تأثیر کیفیت ادراک‌شده پخش تلویزیونی و وابستگی بینندگان به تلویزیون بر قصد حضور در استادیوم فوتبال مسعود فریدونی، معصومه کلاته‌سیفری
۲۱۳	شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد) محمدصادق افروزه، حسین زارعیان، بهلول کاظمی کرانی
۲۳۵	اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی با میانجیگری نقش رسانه و قابلیت تعاملی افراد فاطمه مولایی فرد پیله‌رود، میرحسن سیدعامری، رحیم رضائی‌نژاد
۲۵۷	بررسی کیفیت خدمات آموزشی دانشکده‌های علوم ورزشی با رویکرد گسترش کیفیت عملکرد (مطالعه موردی: دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان) مهرعلی همتی‌نژاد، سپیده شبانی، رسول فرجی
۲۸۵	تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده‌بنیاد جواد کریمی، همایون عباسی، حسین عیدی
۳۰۷	مدل‌یابی اثر حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر ناصر بای، اکرم اصفهانی‌نیا

7	Designing the Subjective Well-being Pattern of Athletes Participating in Educational Sport M. H. Mottaghi Shahri, F. Ghafouri, H. Honari, J. Shahlaee Bagheri
8	Explaining the Factors Affecting the Success of the Intramural Sports V. Saatchian, M. Keshtidar, M. Ranaei, B. Azizi
9	Content Analysis of Physical Education and Student Sport Researches in Iran H. Ghasemi, M. Asgarshamsi
10	Structural Model of Identity Styles, Identity Commitment and Adherence to Prayer among Young Athletes A. Dana, S. Rafiee, E. Gozalzadeh, M. Shamsy
11	Presenting a Model to Establish Safety in Sporting Environments (Using Grounded Theory) E. Hosseinpour, Gh. Bagheri, E. Alidoust Ghahfarokhi, M. Amiri, M. Jalali Farahani
12	The Role of Consumer's Knowledge and Ethical Concern on Their Behavioral Intention to Purchase Sport Counterfeit Apparel A. Mahmoudian, B. Izadi, V. Delshab, S. Gharibi
13	The Impact of Knowledge Management on the Effectiveness of the Ministry of Youth and Sports with Emphasis on the Role of Mediator Organizational Wisdom A. Saberi, S. Goodarzi
14	Relational Model of Organizational Culture with Sport Ethics of Elite Athletes in Iran (Case Study: Iran Football League) A. R. Hajipour, M. Hamidi, S. N. Sajjadi, M. khabiri
15	The Impact between the Perceived Quality of Television Broadcasting and the Dependence of Viewers on the Television on the Intention to Attend the Football Stadium M. Freydoni, M. Kalateh Seifari
16	Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach) M. S. Afroozeh, H. Zarean, B. Kazemi Korani
17	The Effect of Sports Participation on Social Capital by Mediating the Role of Media and the Interactive Ability of Individuals F. Molaifard Pilehrood, M. H. Sayyed Ameri, R. Ramezani Nejad
18	Investigating Educational Services Quality in Faculties of Sport Sciences via Quality Function Deployment (QFD) (Case Study of Faculty of Sport Sciences at University of Guilan) M. A. Hematinezhad, S. Shabani, R. Faraji
19	Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory J. Karimi, H. Abbasi, H. Eydi
20	Modeling Effect of Parents' Social Support, Perceived Competence and School Climate on Pleasure from Participation in Physical Activity of Female Students N. Bai, A. Esfehiani Nia





# دو فصلنامه علمی – پژوهشی

## پژوهش در ورزش تربیتی

سال هفتم، شماره شانزدهم

بهار و تابستان ۱۳۹۸

شماره استاندارد بین المللی: ۲۵۲۸-۲۷۲۱

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی  
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان





## دو فصلنامه علمی- پژوهشی

### پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: علی شریف نژاد
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- هیئت تحریریه ( به ترتیب حروف الفبا )
  - ✓ ابولفضل فراهانی (استاد دانشگاه پیام نور -مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی)
  - ✓ حسن اسدی (استاد دانشگاه تهران - مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی)
  - ✓ محمد اسماعیل افضل پور (استاد دانشگاه بیرجند- فیزیولوژی ورزشی)
  - ✓ ولی اله دیدی روشن (استاد دانشگاه مازندران - فیزیولوژی ورزشی)
  - ✓ رضا رجبی (استاد دانشگاه تهران - طب ورزشی)
  - ✓ فرهاد رحمانی نیا (استاد دانشگاه گیلان- فیزیولوژی ورزشی)
  - ✓ محمد حسین رضوی (استاد دانشگاه مازندران - مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی)
  - ✓ مهدی طالب پور (دانشیار دانشگاه فردوسی - مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی)
  - ✓ مهرداد عنبریان (استاد دانشگاه بوعلی سینا- بیومکانیک کلینیکی)
  - ✓ حبیب هنری (دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی - مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرثی
- شماره استاندارد بین المللی : 2538-2721
- شماره پیاپی: ۱۶- بهار و تابستان ۱۳۹۸
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: [journal@ssrc.ac.ir](mailto:journal@ssrc.ac.ir)
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: [Journals.ssrc.ac.ir](http://Journals.ssrc.ac.ir)



## اسامی مشاوران علمی این شماره ( به ترتیب حروف الفباء)

- دکتر محمدرضا اسماعیلی (دکتری مدیریت ورزشی)
- دکتر محسن اسمعیلی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر فرشاد امامی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی)
- دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
- دکتر هادی باقری (استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
- دکتر مهدی بشیری (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
- دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)
- دکتر محسن حلاجی (استادیار دانشگاه فرهنگیان)
- دکتر اسفندیار خسروی زاده (دانشیار دانشگاه اراک)
- دکتر محمد مهدی رحمتی (دانشیار دانشگاه گیلان)
- دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر علی صابری (استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران)
- دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)
- دکتر حسین عیدی (استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه)
- دکتر بیتا عرب نرمی (استادیار دانشگاه دامغان)
- دکتر رسول فرجی (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
- دکتر حمید قاسمی (دانشیار دانشگاه پیام نور)
- دکتر محمدحسین قربانی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
- دکتر محمد کشتی دار (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر احسان محمدی ترکمانی (دکترای مدیریت ورزشی)
- دکتر مینا ملائی (استادیار دانشگاه گیلان)
- دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)



## اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی و پژوهشی

### پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی- پژوهشی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، داوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

#### حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

#### اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهادهای سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید دربردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

### شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی [www.journals.ssric.ac.ir](http://www.journals.ssric.ac.ir) به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

### نحوه تنظیم مقالات

مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin 12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

**فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایبل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می‌گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل‌های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه‌گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی‌داری، آر و منابع استفاده شده برای آزمون یا پرسش‌نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می‌باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

#### **اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:**

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش‌شناسی، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری، تشکر و قدردانی و منابع می‌باشد. کلیه بخش‌های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " : " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش‌های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می‌پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه‌ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه‌ای قابل استفاده باشد.

- **روش‌شناسی:** روش‌شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده‌ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی‌گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه‌های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه‌گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه‌گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون‌های آماری مورد استفاده می‌بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته‌های پژوهش می‌باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می‌بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون‌ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ( $P=۱۲/۰$ ) در آزمون‌های آمار استنباطی ضروری می‌باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می‌شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می‌بایست از قرار دادن تصویر شکل‌ها



خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحا" سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیترو انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

**-بحث و نتیجه گیری:** شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

**نکته:** در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطة و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

#### **نحوه نگارش منابع مورد استفاده:**

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.
- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.
- به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

#### **شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA**

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozechian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. *Sport management studies and Movement Science*, 2, 19-32. (Persian).

#### **شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن**

مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.  
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.  
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.  
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.  
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...  
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

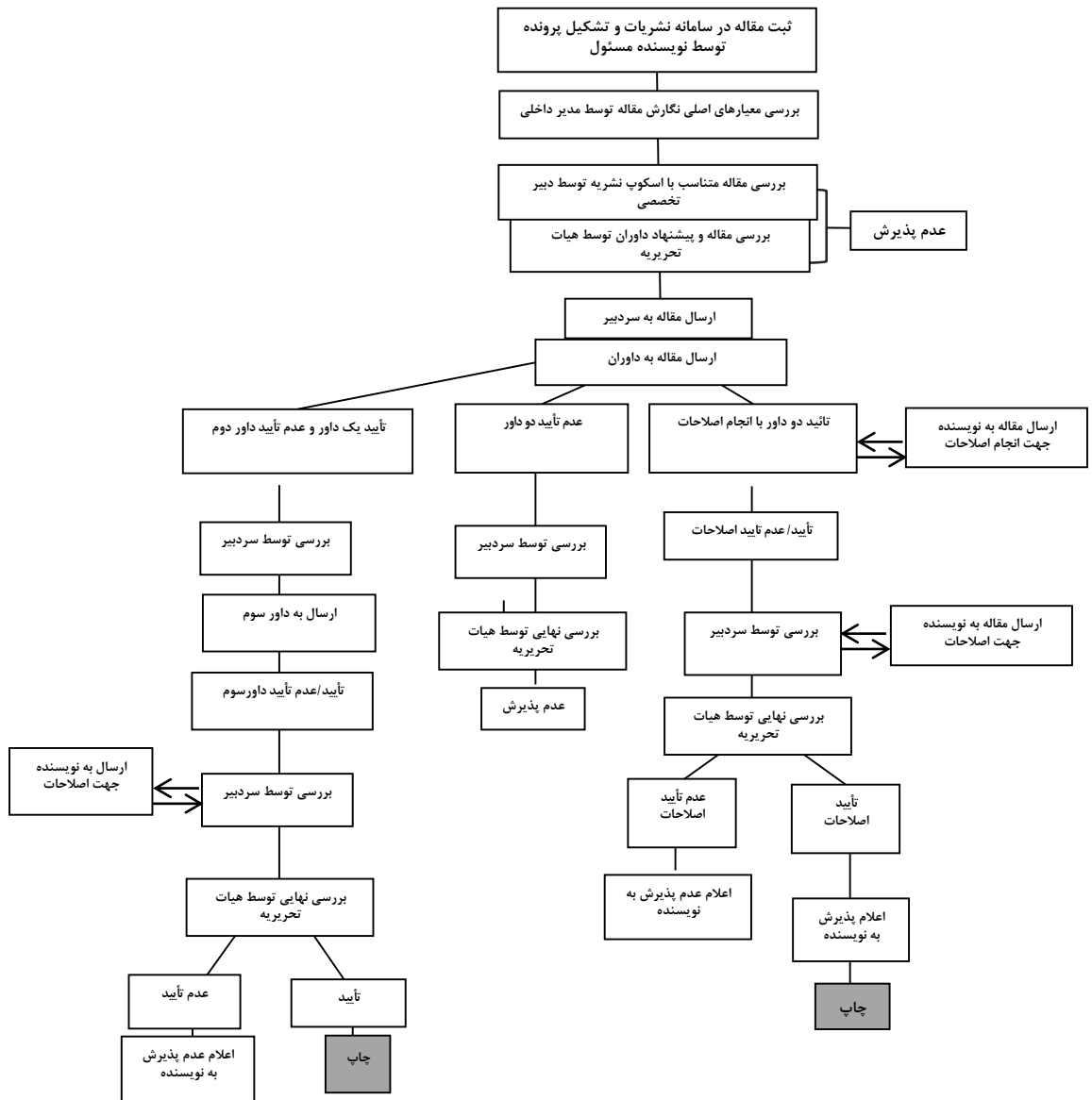
#### نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.  
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.  
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.  
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.  
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز ( برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.  
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.  
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.  
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.  
- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.  
- در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.

نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssrc.ac.ir>

پست الکترونیک نشریه: [journal@ssrc.ac.ir](mailto:journal@ssrc.ac.ir)

## فرایند چاپ مقاله در دو فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	• طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تریپتی محمدحسن متقی شهری، فرزاد غفوری، حبیب هنری، جواد شهلائی باقری
۳۹	• تبیین عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای وحید ساعت‌چیان، محمد کشتی‌دار، مژگان رعنائی، بهادر عزیزی
۶۱	• تحلیل محتوای پژوهش‌های تربیت بدنی و ورزش دانش آموزی در ایران حمید قاسمی، میثم عسگرشمسی
۸۵	• مدل ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان امیر دانا، صالح رفیعی، المیرا گوزل‌زاده، مریم شمسی
۱۰۷	• ارائه الگوی استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی (با کاربرد نظریه داده‌بنیاد) اسکندر حسین‌پور، قدرت‌اله باقری، ابراهیم علیدوست قهفرخی، مجتبی امیری، مجید جلالی فراهانی
۱۲۹	• نقش دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان در نيات رفتاری آنان نسبت به پوشاک ورزشی تقلبی عابد محمودیان، بهزاد ایزدی، وحید دلشب، سارا غریبی
۱۴۹	• تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش میانجی خرد سازمانی علی صابری، صمد گودرزی
۱۶۹	• مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران) علیرضا حجی‌پور، مهرزاد حمیدی، سیدنصرالله سجادی، محمد خبیری
۱۹۳	• تأثیر کیفیت ادراک‌شده پخش تلویزیونی و وابستگی بینندگان به تلویزیون بر قصد حضور در استادیوم فوتبال مسعود فریدونی، معصومه کلاته‌سیف‌ری
۲۱۳	• شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد) محمدصادق افروزه، حسین زارعیان، بهلول کاظمی کرانی
۲۳۵	• اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی با میانجیگری نقش رسانه و قابلیت تعاملی افراد فاطمه مولایی‌فرد پیلهرود، میرحسن سیدعامری، رحیم رضائی‌نژاد
۲۵۷	• بررسی کیفیت خدمات آموزشی دانشکده‌های علوم ورزشی با رویکرد گسترش کیفیت عملکرد (مطالعه موردی: دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان) مه‌رعلی همتی‌نژاد، سپیده شبانی، رسول فرجی
۲۸۵	• تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده‌بنیاد جواد کریمی، همایون عباسی، حسین عیدی
۳۰۷	• مدل‌یابی اثر حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر ناصر بای، اکرم اصفهانی‌نیا



## طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تربیتی

محمدحسن منقی شهری<sup>۱</sup>، فرزاد غفوری<sup>۲</sup>، حبیب هنری<sup>۳</sup>، جواد شهلائی باقری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران\*

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تربیتی انجام شد. در این پژوهش، از طرح‌های پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش همه ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تربیتی در مدارس و دانشگاه‌های مشهد بودند. همچنین، برای بررسی کیفیت پژوهش با ۱۴ نفر از متخصصان مصاحبه شد. در این پژوهش، از مصاحبه و پرسش نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. در بخش اول پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و در بخش دوم، داده‌های حاصل از پژوهش کیفی به شکل ابزار (پرسش نامه) تهیه و تنظیم شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار پی.ال.اس. بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های بهزیستی رشد (توسعه)، بهزیستی سیاسی، بهزیستی جسمانی، بهزیستی اجتماعی، بهزیستی کاری (شغلی)، بهزیستی روان شناختی، بهزیستی روحانی (معنوی) و بهزیستی هیجانی (عاطفه مثبت و منفی) از مهم ترین شاخص‌های سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت کننده در ورزش تربیتی بودند. با توجه به نتایج مشخص شد که ورزش تربیتی به سبب کارکردهای خود نقش مهمی در بهبود سلامت ذهنی افراد به خصوص در بعد بهزیستی رشد دارد؛ از این رو، برنامه ریزی در راستای توسعه میزان مشارکت افراد در ورزش تربیتی در جهت بهبود سلامت ذهنی آنان ضروری می باشد.

**واژگان کلیدی:** سلامت ذهنی، مشارکت ورزشی، ورزش تربیتی.

### مقدمه

یکی از پدیده‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است و تقریباً بر آحاد مردم تأثیر گذاشته است، تربیت‌بدنی و ورزش است. ورزش از فعالیت‌های مهم انسانی است که تقریباً در هر جامعه بشری به‌گونه‌ای موجود بوده است. در طی اعصار گوناگون، بشر با این پدیده آشنایی داشته و هر تمدن رویکردی خاص به آن داشته است. اندیشمندان مسائل تربیتی در روزگاران پیشین به جنبه‌های ارزشی ورزش و نیروی عظیم آن در اجتماعی شدن انسان و بهنجارسازی او و ساختن شخصیت متوازن اجتماعی پی برده بودند. از دیرباز، ارتباط فعالیت‌های ورزشی و تمرین‌ها با بهداشت و سلامت شناخته شده است (فیتزجرالد؛ ۲۰۱۸، ۱۷۶). ورزش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، بهترین سازوکار تأمین سلامت جسمانی و بهداشت روانی محسوب می‌شود؛ از این رو، سرمایه‌گذاری در آن به کاهش هزینه‌ها در بخش‌های بهداشت و درمان و مراکز مبارزه با مفاصل اجتماعی می‌انجامد و موجب پایین آمدن سطح ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌شود (بکر، الانصاری و کرونی، ۲۰۱۷، ۸۷). ورزش و تفریح عامل مهمی در تأمین سلامت جسم و روان، غنی‌سازی اوقات فراغت، گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از زندگی ماشینی و بازگشت به طبیعت است. درحقیقت، امروزه، انگیزه مردم دنیا از شرکت در فعالیت‌های ورزشی، دستیابی به درجه‌های بالا و شعار المپیک (سریع‌تر، بالاتر، قوی‌تر) نیست؛ بلکه ارتقای سلامتی، تندرستی و نشاط، برقراری روابط اجتماعی سالم و دوری جستن از بیماری‌ها است (هامفریز، مک‌لیود و روزسکی، ۲۰۱۴، ۳۳). براساس تقسیم‌بندی نظام جامع توسعه ورزش کشور، ورزش به چهار مؤلفه اصلی تربیتی (آموزشی)، همگانی - تفریحی، قهرمانی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود. ورزش تربیتی یا ورزش مدارس و دانشگاه‌ها با تولید مدارس، مؤسسه‌های آموزشی و دانشگاه‌ها و با دو بخش ساعات تربیت‌بدنی و فوق برنامه‌ها پیگیری می‌شود. ورزش همگانی - تفریحی به ایجاد و امکان‌سازی برای فعالیت جسمانی بدون محدودیت جسمی، جنسی و سنی تأکید دارد که تولید اصلی آن را مدیران ورزش شهری و روستایی برعهده دارند. ورزش قهرمانی همان ورزش مدال‌آور است که فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی برای آن تلاش می‌کنند. مؤلفه آخر، ورزش حرفه‌ای است که توسط باشگاه‌ها پیگیری می‌شود (قاسمی، تجاری، بروجردی، امامی و امیری، ۱۳۹۱، ۱۳۹۶).

از زمان‌های دور، بشر به دنبال آرمان‌شهری بوده است که در آن با رضایت زندگی کند و از زندگی خود خشنود باشد. سلامت ذهنی، رضایت از زندگی و احساس ذهنی بهزیستی (سلامت ذهنی) ۴واژه

- 
1. Fitzgerald, H
  2. Baker, El Ansari & Crone
  3. Humphreys, MacLeod & Ruseski
  4. Subjective Well-Being (SWB)

هایی هستند که امروزه برای بیان این حالت به کار می‌روند. این واژه‌ها در ظاهر با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما به یک موضوع اشاره دارند. برخی از مردم، جایگاه اجتماعی، پول و دسترسی به منابع مادی را عامل اصلی احساس ذهنی بهزیستی می‌دانند؛ ولی پژوهش‌ها این نگرش را تأیید نکرده‌اند. در بیشتر پژوهش‌ها، همبستگی بین درآمد و سلامت ذهنی پایین گزارش شده است (آرگیل، ۱۹۹۹، ۳۵۴). سلامت ذهنی شامل تحلیل علمی این مسئله است که افراد زندگی خود را در لحظه کنونی و نیز در دوره‌های طولانی‌تر همچون یک سال گذشته، چگونه ارزیابی می‌کنند. این ارزیابی شامل واکنش‌های هیجانی افراد به رویدادها، خلق خود و قضاوتی است که درباره رضایت از زندگی، تحقق خود و رضایت از حیطه‌هایی مانند ازدواج و شغل دارند (داینر و سلیگمان، ۲۰۱۸، ۱۷۲). چندین مدل تجربی غیررسمی درباره ساختار سلامت ذهنی وجود دارد. سلامت ذهنی کارکردی از ابعاد مستقل عاطفه مثبت و منفی است (کشدن، ۲۰۰۴، ۱۱۲۶). داینر و سلیگمان (۲۰۱۸) بیان کردند که سلامت ذهنی شامل سه بخش مجزا است: رضایت از زندگی؛ عاطفه مثبت و عاطفه منفی.<sup>۵</sup> پژوهشگران اغلب بین دو بخش شناختی و عاطفی سلامت ذهنی تمایز قائل می‌شوند. رضایت از زندگی به‌عنوان بخش شناختی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا، بر باورهای ارزیابی (نگرش‌ها) از زندگی خود فرد استوار است. برعکس، عاطفه مثبت و منفی بخش‌های هیجانی سلامت ذهنی را ارزیابی می‌کنند و میزان احساسات خوشایند و ناخوشایندی را که افراد در زندگی خود تجربه می‌کنند، نشان می‌دهند (ریف، ۲۰۱۸، ۲۴۳). تجربیات مثبت موجود در میزان زیاد سلامت ذهنی، مفهومی بنیادین در روان‌شناسی مثبت است؛ زیرا آن‌ها زندگی را پاداش‌دهنده می‌سازند (پرلی‌هریس و استیرس، ۲۰۱۸، ۲۴۰).

راهکارهای مدیریتی در امر تربیت‌بدنی و ورزش، با توجه به گستردگی رسالت آن در جامعه با تأکید بر عمومی‌کردن ورزش، توسعه ورزش قهرمانی در رشته‌های دارای اولویت، توسعه ورزش حرفه‌ای، توسعه پژوهش و توجه جدی به تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز مدیریت و برنامه‌ریزی کلان و خرد توسط کارشناسان تربیت‌بدنی و ورزشی، اهمیت زیادی دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه، ورزش به‌لحاظ وسعت دامنه شمول، اجرایی‌بودن در شرایط و اماکن گوناگون، کم‌هزینه و

---

باید متذکر شویم که این اصطلاح در پژوهش‌های مختلف به معنی بهزیستی ذهنی آمده است که در این پژوهش نیز به معنی سلامت ذهنی استفاده می‌شود.

1. Argyle
2. Diener & Seligman
3. Kashdan
4. The Satisfaction with Life (SWL)
5. Positive and Negative Affect (PANA)
6. Ryff
7. Perelli-Harris & Styrc



دردسترس بودن و سهولت اجرا برای تمامی اقشار و سنین مختلف افراد جامعه، به شدت مورد توجه دانشمندان و دانش پژوهان تربیت بدنی و علوم ورزشی قرار گرفته است. ورزش و فعالیت بدنی به مثابه بخش مهمی از سبک زندگی افراد در عصر حاضر می تواند سلامت جسمی و روانی افراد را تضمین کند (هوانگ و هامفریز؛ ۲۰۱۰، ۱۲).

برای توسعه مناسب ورزش در هر کشور باید به هریک از مؤلفه های ورزش به صورت مناسبی توجه و تأکید داشت. نتایج بررسی های مختلف نشان می دهد که توجه و تأکید بر مؤلفه ها و ابعاد مختلف ورزشی، شرایط متعادل و برابری ندارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). بسیاری از نویسندگان از واژه های «بهزیستی» یا «سلامت ذهنی» بدون یک تعریف روشن استفاده می کنند؛ از این رو، ارزیابی های بهزیستی اغلب ارزیابی کننده میزان سلامت ذهنی یا رضایت از زندگی افراد است (رزوسکی، هامفریز، هالمن، ویکر و بروئر؛ ۲۰۱۴، ۳۹۸). سلامت ذهنی می تواند بر شرایط برخی ویژگی های روان شناختی افراد تأثیر بگذارد (کواک و تاتای، ۲۰۱۶، ۲۸). تبسوم و بلگین<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود عنوان کردند که بهبود در وضعیت و شرایط ورزشی ورزشکاران کاراته سبب می گردد تا میزان سلامت ذهنی آنان تحت تأثیر قرار گیرد. ویکر، کواتز و بروئر<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند که زمان صرف شده در حیطه سلامت، به طور قابل توجهی رضایت اوقات فراغت را بهبود می بخشد. مطالعات زیادی وجود دارند که عوامل مؤثر در شادی را بررسی می کنند؛ اما مطالعات محدودی وجود دارند که رابطه بین مشارکت ورزشی و شادی را ارزیابی می کنند (پاولوسکی، بروئر و لیوا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱، ۲۲۵). در مطالعات اخیر، دانوارد و راسکویت<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) دریافتند که مشارکت ورزشی به طور مستقیم در سلامت ذهنی دخیل است. همچنین، نتایج پژوهش رزوسکی و همکاران (۲۰۱۴) حاکی است افرادی که در ورزش مشارکت دارند، سلامت ذهنی بیشتری در زندگی خود دارند.

ادبیات گسترده ای در زمینه عوامل سلامت ذهنی، از جمله مجموعه اطلاعات مورد استفاده در تجزیه و تحلیل ها بررسی شده است که این بررسی ها شامل ادبیات تجربی ضروری ای هستند که تأثیر مستقیم ورزش بر سلامت ذهنی را بررسی می کنند و منعکس کننده رشد آن در اهمیت سیاست هستند. بسیاری از آن ها در اثر تعامل ورزش و فعالیت بدنی، بر سلامت ذهنی متمرکز شده اند (پاولوسکی و همکاران، ۲۰۱۱، ۲۲۵). کومار، مانولی، هودکینسون و دانوارد<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) اشاره کردند

- 
1. Huang & Humphreys
  2. Ruseski, Humphreys, Hallman, Wicker & Breuer
  3. Tebessum & Belgin
  4. Wicker, Coates & Breuer
  5. Pawlowski, Breuer & Leyva
  6. Downward & Rasciute
  7. Kumar, Manoli, Hodgkinson & Downward

که مشارکت ورزشی نقش مهمی در مسیر بهبود سلامت ذهنی دارد. پان، وو، موریسون، هوانگ و هوانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) بیان کردند که حتی حضور در میدان‌های ورزشی از جمله حضور به‌عنوان تماشاگر نیز می‌تواند به بهبود سلامت ذهنی منجر شود. بکچتی، پلونی و روستی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) هیئت اقتصادی-اجتماعی آلمان<sup>۳</sup> را بررسی کردند تا نشان دهند که سلامت ذهنی با افزایش توالی حضور در گردهمایی‌های اجتماعی، حضور در رویدادهای فرهنگی، شرکت در ورزش، انجام کارهای داوطلبانه و حضور در کلیسا یا سازمان‌های مذهبی افزایش می‌یابد. لچنر<sup>۴</sup> آثار مثبت مشارکت ورزشی در سلامت ذهنی در مردان و آثار ناچیز آن در زنان را شناسایی کرد (لچنر، ۲۰۰۹، ۸۴۰). درمقابل، با به‌کارگیری یک روش متغیر ابزاری<sup>۵</sup>، هوانگ و هامفریز (۲۰۱۲) تأثیر مثبت قابل‌توجهی از مشارکت ورزشی بر سلامت ذهنی را برای هر دو جنس مذکر و مؤنث، با استفاده از داده‌های سیستم مداربسته عامل خطر رفتاری به‌دست آوردند. این ارتباط به‌طور گسترده‌ای برای افراد معلول کره‌ای (لی و پارک، ۲۰۱۰) تأیید شد. مطالعات بیشتر مشخص می‌کنند که بخشی از تأثیرات ورزش بر سلامت ذهنی ممکن است به نوع ورزش بستگی داشته باشد؛ مانند اینکه آن‌ها به چه میزان درگیر تعاملات اجتماعی هستند (دانوارد و راسکویت؛ ۲۰۱۱، ۳۳۲) و همچنین، سن افراد می‌تواند در آن دخیل باشد (پاولوسکی و همکاران، ۲۰۱۱، ۲۲۴).

از جمله صورت‌های مهم ورزش در کشور، ورزش تربیتی است. ورزش تربیتی به‌عنوان نوعی از ورزش که با آموزش مهارت‌های مختلف ورزش در توسعه ورزش درمیان افراد از منظر کمی و کیفی سعی دارد، نقش مهمی در مسیر توسعه مهارت‌های روانی- حرکتی در افراد دارد (زیگلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳، ۲۴). به‌طور کلی، ورزش تربیتی به مفهوم برگزاری کلاس‌های آموزشی و توسعه‌ای در یک یا چند ورزش یا مهارت است (مک‌دونالد و کوموکو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸، ۹۹). با توجه به اهمیت و کارکردهای ورزش تربیتی در ابعاد جسمانی (پایس و آمارال<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷، ۷۱۷)، روانی (لوپیانو<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴، ۶)، فرهنگی (رییس<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۳) و اجتماعی (مک‌دونالد و کوموکو، ۲۰۰۸، ۹۸)، نیاز به گسترش آن در هر

1. Pan, Wu, Morrison, Huang & Huang
2. Becchetti, Pelloni & Rossetti
3. German Socio-Economic Panel
4. Lechner
5. Instrumental Variable
6. Lee & Park
7. Downward & Rasciute
8. Zeigler
9. McDonald & Komuku
10. Paes & Amaral
11. Lopiano
12. Reis

جامعه ضروری است. در راستای گسترش ورزش تربیتی در جوامع، به دلایل و شواهدی علمی قوی در خصوص کارکردهای این ورزش در ابعاد و حوزه‌های مختلف نیاز است. این مسئله سبب شده است نیاز به نقش ورزش تربیتی در سلامت ذهنی به‌خوبی مشهود باشد (رزوسکی و همکاران، ۲۰۱۴، ۳۹۸).

اهمیت سلامت ذهنی موجب شده است که امروزه برای بهبود آن به‌ویژه از طریق ورزش تلاش شود. با توجه به اهمیت سلامت ذهنی در جوامع و نیاز برای بهبود آن، ضروری است با انجام پژوهش‌هایی جامع به بررسی تأثیرات انواع مختلف ورزش بر سلامت ذهنی پرداخته شود. با توجه به کارکردهای ورزش تربیتی و لزوم شفافیت در خصوص نقش این ورزش در حوزه‌های مختلف ذهنی و جسمی، ضروری است برای انجام پژوهش‌های جامع، به ایجاد شواهد علمی در خصوص سلامت ذهنی افراد شرکت‌کننده در ورزش تربیتی اقدام شود. به‌نظر می‌رسد که پی‌بردن به کارکردهای ورزش تربیتی به سلامت ذهنی منجر خواهد شد تا ضرورت توسعه ورزش تربیتی به‌صورت علمی تر دنبال شود؛ از این‌رو، انجام پژوهش حاضر می‌تواند علاوه بر ایجاد شواهد علمی درباره مؤلفه‌های سلامت ذهنی افراد شرکت‌کننده در ورزش تربیتی، به تلاش در زمینه افزایش سلامت ذهنی با بهره‌گیری از ورزش تربیتی منجر شود.

با توجه به نبود شواهد کافی درباره کارکردهای ورزش تربیتی در سلامت ذهنی به‌ویژه در کشورمان و نیز با توجه به ویژگی‌های ورزش تربیتی در کشورمان که بیشتر معطوف به مدارس و دانشگاه‌ها شده است، نیاز است به نقش این ورزش در کشور ایران در میزان سلامت ذهنی پی برده شود. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشی در داخل و خارج از کشور با هدف بررسی سلامت ذهنی در ورزش تربیتی انجام نشده است.

خلاً پژوهشی ناشی از نبود پژوهش‌هایی جامع در زمینه سلامت ذهنی افراد شرکت‌کننده در ورزش تربیتی سبب شده است تا عملاً اهمیت ورزش تربیتی در مسیر رشد و ارتقای ویژگی‌های روانی افراد، از جمله سلامت ذهنی درک نشود. این مسئله حتی به کاهش اهمیت ورزش تربیتی در سطح جامعه منجر شده است؛ به‌صورتی که در برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای ورزش کشور، عملاً ورزش تربیتی جایگاه مناسبی ندارد. نبود پژوهش‌هایی جامع درباره نقش ورزش تربیتی در برخی حوزه‌ها از جمله سلامت ذهنی، به شفاف‌نبودن اهمیت این ورزش در سطح جامعه منجر شده است. با توجه به کارکردهای سلامت ذهنی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، نیاز است به بررسی مؤلفه‌های سلامت ذهنی افراد در ورزش تربیتی توجهی ویژه شود؛ بنابراین، این پژوهش با تکیه بر پیشینه پژوهش و با استفاده از نظرهای صاحب‌نظران و مدیران حوزه ورزش کشور، به دنبال طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی است.

## روش‌شناسی پژوهش

### روش‌شناسی کیفی

در این پژوهش، از طرح‌های پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شد؛ زیرا، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره‌ی موقعیتی نامعین با عنوان طراحی مدل تعاملی مشارکت ورزشی و سلامت ذهنی بود. بدین‌منظور، پژوهشگر ابتدا به شناسایی پدیده و گردآوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های اکتشافی پرداخته است و در ادامه، با تدوین الگو و جمع‌آوری داده‌های کمی، الگوی استخراجی مدل تعاملی مشارکت ورزشی و سلامت ذهنی را آزمون کرده است. مصاحبه‌ها در مرحله‌ی کیفی تا حد اشباع نظری ادامه داشتند و سپس، با استفاده از روش تحلیل محتوا و کدگذاری مؤلفه‌های اصلی، پرسش‌نامه‌ای بدین‌منظور طراحی، تدوین و توزیع شد. با توجه به روند انجام کار، نخبگان حوزه‌ی ورزش کشور، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم پزشکی و سلامت و ورزشکاران شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی تربیتی، جامعه‌آماري پژوهش را تشکیل دادند. در بخش کیفی، برای انجام مصاحبه‌ی میدانی، نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه‌ی ورزش، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم پزشکی و سلامت جامعه‌آماري پژوهش را تشکیل دادند. این افراد، به‌صورت هدفمند برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع پژوهش انتخاب شدند.

در بخشی کیفی پژوهش، مشارکت‌کنندگان ۱۴ نفر از افراد متخصص در زمینه‌ی موضوع پژوهش بودند. در نهایت، پس از انجام مصاحبه‌ها، تعداد ۱۴ مصاحبه تحلیل شد. بدین‌منظور، پس از شناسایی خبرگانی که بالقوه می‌توانستند به‌عنوان مشارکت‌کننده در این پژوهش شرکت کنند، برای آن‌ها ایمیلی فرستاده شد که در آن این موارد بیان شده بود: سؤال‌های مصاحبه، ضرورت انجام پژوهش و هدف پژوهش. سپس، هماهنگی زمانی و مکانی برای انجام مصاحبه با آن‌ها انجام شد. فرایند جمع‌آوری داده‌ها شامل مراحل ایمیل، کسب توافق اولیه، انجام مصاحبه و ایمیل‌کردن از مشارکت شرکت‌کنندگان در این پژوهش بود که در مجموع اطلاعات مفیدی از مصاحبه با شرکت‌کنندگان به‌دست آمد. تنظیم و مرتب‌کردن داده‌ها به‌صورت تسلسلی و تقویمی با هدف آسان‌تر شدن تحلیل داده‌ها انجام شد.

در قسمت کیفی پژوهش، برای پی‌بردن به تجربه زیسته افراد با هدف مطالعه‌ی فرایندها و تعامل میان آنها در فرایندهای سلامت ذهنی ورزشکاران، از روش مصاحبه استفاده شد. بعد از انجام مصاحبه و ثبت روزانه‌ی داده‌های استخراجی، ماتریس سؤال‌های مصاحبه و مصاحبه‌شونده شکل گرفت و داده‌های مربوط به ۱۴ مصاحبه‌شونده ثبت شدند و مبنای تحلیل‌ها قرار گرفتند. بدین‌منظور، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این روش، مفاهیم واحد اصلی تحلیل را تشکیل دادند. دومین جزء، مقوله‌ها هستند. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیمی که بیانگر آن‌ها هستند، سطح بالاتری دارند و انتزاعی‌تر هستند.

در حقیقت، مقوله‌ها حاصل گروه‌بندی مفاهیم هستند و سنگ بنای تحلیل‌ها به‌شمار می‌روند. گزاره‌ها جزء سوم تحلیل‌ها هستند که روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن و نیز بین مقوله‌های مجزا به‌شمار می‌روند. بدین‌منظور، ابتدا پیشینه نظری موجود در زمینه سلامت ذهنی ورزشکاران و همچنین، اولویت‌بندی مهم‌ترین شاخص‌های آن، بررسی و گزارش شد.

### روش‌شناسی کمی

در مطالعه حاضر، روش پژوهش کمی شامل روش پیمایشی بود که به‌صورت میدانی انجام شد. در بخش کمی، بعد از گردآوری اطلاعات حاصل از پژوهش کیفی، به ساخت پرسش‌نامه اقدام شد و این پرسش‌نامه در بین ورزشکاران شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی تربیتی توزیع شد. همه ورزشکاران شرکت‌کننده حاضر در ورزش تربیتی در مدارس و دانشگاه‌های مشهد، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. این افراد گروه‌هایی بودند که در کلاس‌های آموزشی فوق‌برنامه در ورزش‌های انفرادی و گروهی در محیط دانشگاه و مدارس، در حال تقویت مهارت‌های خود در یک یا چند رشته ورزشی بودند. در بخش کمی پژوهش، با توجه به تعداد جامعه آماری در بخش‌های ورزش تربیتی، حداکثر تعداد نمونه (با توجه به جدول تعیین حجم نمونه مورگان و کرجسی (۱۹۷۰)؛ یعنی ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در هر دو گروه به‌صورت خوشه‌ای تصادفی بود. خوشه‌های پژوهش حاضر، افراد حاضر در ورزش انفرادی و همچنین، افراد حاضر در ورزش‌های تیمی بودند. برای همگن کردن این افراد سعی شد به نسبت میزان افراد حاضر در کلاس‌های آموزشی در ورزش‌های انفرادی و تیمی، نمونه‌ها انتخاب شوند. در بخش کمی، داده‌های حاصل از پژوهش کیفی به شکل ابزار (پرسش‌نامه) تهیه و تنظیم شدند. این پرسش‌نامه به دو بخش کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سؤال‌هایی متفاوت در هر چهار گروه پژوهش) و سؤال‌های آن که به‌صورت پنج‌گزینه‌ای لیکرتی (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) و در ۷۷ سؤال بود، تقسیم شد. این سؤال‌ها مؤلفه‌های سلامت ذهنی شامل بهزیستی هیجانی (عاطفه مثبت) (سؤال‌های یک تا شش)، بهزیستی هیجانی (عاطفه منفی) (سؤال‌های هفت تا ۱۲)، بهزیستی روان‌شناختی (سؤال‌های ۱۳ تا ۳۰)، بهزیستی اجتماعی (سؤال‌های ۳۱ تا ۴۵)، بهزیستی کاری (شغلی) (سؤال‌های ۴۶ تا ۴۹)، بهزیستی جسمانی (سؤال‌های ۵۰ تا ۶۱)، بهزیستی رشد (توسعه) (سؤال‌های ۶۲ تا ۶۹)، بهزیستی روحانی (معنوی) (سؤال‌های ۷۰ تا ۷۳) و بهزیستی سیاسی (سؤال‌های ۷۴ تا ۷۷) بودند. پایایی این پرسش‌نامه، از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در تمامی مؤلفه‌ها و همچنین، پرسش‌نامه کلی تأیید شد. میزان پایایی کلی این پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۸ مشخص شد. پایایی مدل اندازه‌گیری به‌وسیله ضرایب بارهای عاملی و پایایی ترکیبی ارزیابی شد.

روایی محتوایی این پرسش‌نامه با استفاده از نظرهای ۱۰ تن از اساتید دانشگاهی بررسی شد. روایی محتوا نیز با استفاده از فرم‌های روایی‌سنجی (نسبت روایی محتوایی<sup>۱</sup> و شاخص روایی محتوایی<sup>۲</sup>) تأیید شد. مقدار نسبت روایی محتوایی با توجه به تعداد اساتید (۱۰ نفر) برابر با ۰/۹۹ و مقدار شاخص روایی محتوایی برابر با ۰/۹۹ به دست آمد؛ بنابراین، روایی محتوای ابزار پژوهش تأیید شد. همچنین، روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت و برای شناسایی عوامل از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بدین‌منظور، ابتدا برای بررسی کفایت حجم نمونه‌برداری از آزمون کفایت نمونه‌برداری کیزر-می‌یر-الکین<sup>۳</sup> استفاده شد که میزان این آزمون ۰/۹۴۰ به دست آمد که نشانگر مناسب بودن میزان این آماره است. سپس، برای اینکه مشخص شود همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون کرویت بارلت<sup>۴</sup> استفاده شد که نتایج این آزمون در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که در مجموع، نه مؤلفه (بهزیستی هیجانی (عاطفه مثبت)، بهزیستی هیجانی (عاطفه منفی)، بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی اجتماعی، بهزیستی کاری یا شغلی، بهزیستی جسمانی، بهزیستی رشد یا توسعه، بهزیستی روحانی یا معنوی و بهزیستی سیاسی) ۸۷/۵۲۸ درصد از واریانس کل سؤال‌ها را در بر گرفتند؛ بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده در قسمت پایایی و روایی پرسش‌نامه، می‌توان اعلام کرد که پرسش‌نامه پژوهش حاضر از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بود. همچنین، در قسمت تجزیه و تحلیل کمی پژوهش، از روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی<sup>۵</sup> استفاده شده است.

## نتایج

برای شناسایی مؤلفه‌های سلامت ذهنی، از بررسی نظرهای خبرگان در قالب روش کیفی استفاده شد. پس از انجام کدگذاری‌ها، ویژگی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص شدند. جدول شماره یک، نتایج کیفی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

- 
1. Content Validity Ratio(CVR)
  2. Content Validity Index(CVI)
  3. Kaiser-Meyer-Olkin
  4. Bartlett's Test of Sphericity
  5. Partial Least Square )PLS(

## جدول ۱- کدگذاری باز و محوری

مقوله‌ها	کد مصاحبه‌شوندگان	ویژگی‌های مستخرج از گزاره‌های کلامی
		بشاش بودن، بانشاط بودن، روحیه‌داشتن، شادمانی، آرامش، رضایت، انرژی، تلاشگر بودن، غمیگن بودن، نشاط، عصبی بودن ناآرام و بی‌قرار بودن، ناامید بودن، حس بی‌ارزش بودن، ویژگی‌های شخصیتی، رضایت از گذشته، رضایت از زندگی هدفمند بودن، دچار روزمرگی شدن، پیشرفت در زندگی پیشرفت در کار، روابط خانوادگی، آینده‌نگری
		مسئولیت‌پذیری اتفاق‌های گذشته، مسئولیت‌پذیری اتفاق‌های در حال حاضر، انجام‌دادن تمامی وظایف محول شده در زندگی، زندگی فرایندی مداوم از یادگیری، تغییر و رشد است، کسب تجارب جدید، بخشنده بودن، در اختیار گذاشتن وقت و انرژی در راه دیگران، تغییر در زندگی، عقاید محکم افراد، تأثیر گرفتن از عقاید دیگران، تجربه روابط گرم و صمیمانه،
بهبیستی هیجانی،	(۱)	اطمینان به عقاید خود، ارزش‌های زندگی، پیچیدگی دنیا، تعلق به گروه، نیکی کردن، جبران نیکی، ارزشمندی زندگی، عرضه چیزهای ارزشمند به دنیا، امید به آینده، احساس نزدیکی با افراد گروه، ناامیدی از روزمرگی، درک نکردن دنیا، نبود پیشرفت در جامعه، اهمیت‌ندادن به مشکلات دیگران،
بهبیستی روان‌شناختی،	(۲)	منبع آسایش و راحتی جامعه من، درک از اوضاع جاری کشور، مهربانی مردم، رضایت از محیط، رضایت از کار، نگرانی از سختی زندگی، نگرانی از سختی کار، برخورداری از سلامت جسمانی مناسب، تلاش کامل برای بهبود وضعیت زندگی،
بهبیستی اجتماعی،	(۳)	نداشتن بیماری، برخورداری از تناسب اندام، خستگی مفرط داشتن، برخورداری از قدرت فیزیکی زیاد، برخورداری از استقامت عضلانی، برخورداری از انعطاف‌پذیری، احساس پیری،
بهبیستی کاری یا شغلی،	(۴)	برخورداری از انرژی زیاد، داشتن سرگیجه، داشتن سردرد، داشتن فشارخون، داشتن کبد چرب، احساس جوانی، احساس نشاط، احساس بدبختی، یادگیری مطالب جدید، دسترسی به تجربه جدید، خودکفایی در زندگی، تطبیق با شرایط جدید،
جسمانی،	(۵)	تفکر خلاق در زندگی، دستیابی به علائق شخصی،
رشد یا توسعه،	(۶)	تحقق بخشیدن به رؤیاهای، ارزش‌های مناسب در زندگی
بهبیستی روحانی یا معنوی،	(۷)	ایمان به زندگی ابدی، احساس گناه داشتن
سیاسی	(۸)	اعتقاد به قدرت فراطبیعی، درگیری‌های سیاسی رضایت از اتفاق‌های سیاسی، شرکت در رقابت سیاسی

نتایج توصیفی مربوط به وضعیت جنسیت نمونه پژوهش حاضر نشان داد که ۵۰ درصد از افراد شرکت کننده در پژوهش، پسر و ۵۰ درصد دختر بودند. نتایج آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها نشان داد که داده‌های مطالعه حاضر غیرطبیعی هستند؛ بنابراین، برای انجام پژوهش حاضر از آمار ناپارمتری استفاده شد. براساس نتایج کیفی پژوهش، پس از انجام مصاحبه‌ها، نه مقوله استخراج شدند که این مقوله‌ها شامل بهزیستی هیجانی (عاطفه مثبت)، بهزیستی هیجانی (عاطفه منفی)، بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی اجتماعی، بهزیستی کاری یا شغلی، بهزیستی جسمانی، بهزیستی رشد یا توسعه، بهزیستی روحانی یا معنوی و بهزیستی سیاسی هستند. شکل‌های شماره دو و شماره سه مدل ساختاری و اندازه‌گیری مربوط به عوامل را به‌نمایش گذاشته‌اند.

طبق گفته هیر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، برای تعیین نرمال بودن داده‌ها از چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که کشیدگی بین ۵ و ۵- قرار دارد؛ اما چولگی بین ۳ و ۳- قرار ندارد (در متغیر بهزیستی کاری (شغلی))؛ بنابراین، داده‌ها توزیع طبیعی ندارند؛ از این رو، با توجه به توزیع داده‌ها و همچنین، گفته جاوریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۳، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹)، استفاده از نرم‌افزارهای کوواریانس محور مجاز نیست و باید از نرم‌افزار واریانس محور اسمارت پی.ال.اس استفاده شود. جاوریس (۲۰۰۳، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود بیان کرده است که بهتر است برای پژوهش‌های اکتشافی و کیفی، نخست از پی.ال.اس برای بررسی سؤال‌های پژوهش استفاده شود؛ زیرا، هنوز مدل‌های پژوهش در مرحله بلوغ قرار ندارند. در صورتی که مدل پژوهش با نرم‌افزارهای واریانس محور (پی.ال.اس) تأیید شد، در پژوهش‌های بعدی از نرم‌افزارهای کوواریانس محورها استفاده شود. در این پژوهش نیز مدل پژوهش را مبانی نظری تأیید می‌کند؛ ولی به دلیل اینکه مدل جدیدی است و هنوز به بلوغ نرسیده است، از نرم‌افزارهای واریانس محور استفاده می‌شود.

برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود و پایایی، خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی انجام می‌شود. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی برابر با ۰/۵ است. برای تمامی سؤال‌ها، ضرایب بارهای عاملی سؤال‌ها از ۰/۵ بیشتر است که نشان‌دهنده مناسب بودن این معیار است. در اینجا هیچ‌یک از سؤال‌ها حذف نشدند. مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در هر نه متغیر، از ۰/۷ بیشتر است که حاکی از پایایی مناسب مدل است. در این پژوهش، پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجایی که پایایی تأیید می‌شود، می‌توان به بررسی فرضیه‌ها از طریق معادلات ساختاری پرداخت و نتیجه قابل‌تعمیم به کل جامعه موردنظر است. معیار دوم از

---

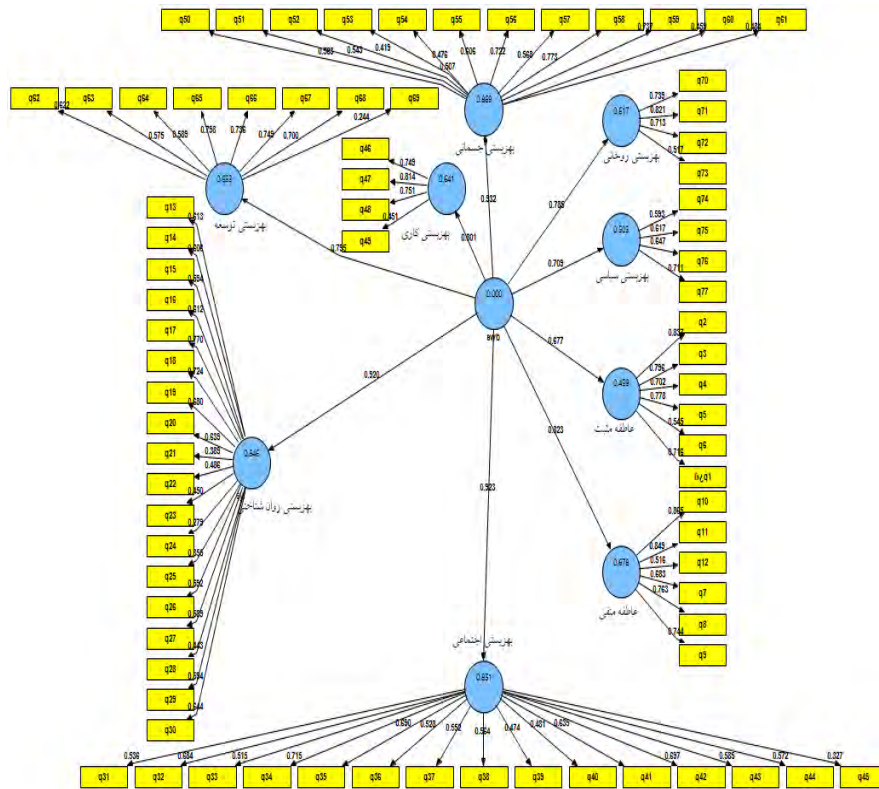
1. Hair  
2. Javris



بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی همبستگی هر متغیر با سؤال‌های (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای همبستگی واریانس استخراج شده<sup>۱</sup> را  $0/4$  به بالا معرفی کرده‌اند، برای تمامی نه متغیر، مقدار میانگین واریانس استخراج شده بیشتر یا مساوی  $0/4$  است. روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که در این پژوهش، در هر دو بخش روش اول (سؤال‌های مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری دارند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم تأیید شد. (در روش دوم، معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌شود، میزان رابطه یک متغیر با سؤال‌هایش در مقایسه با رابطه آن متغیر با سایر متغیرها است؛ به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤال‌های خود دارد تا با متغیرهای دیگر. وقتی روایی واگرا در سطح قابل قبول است که میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد). پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤال‌ها (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شوند.

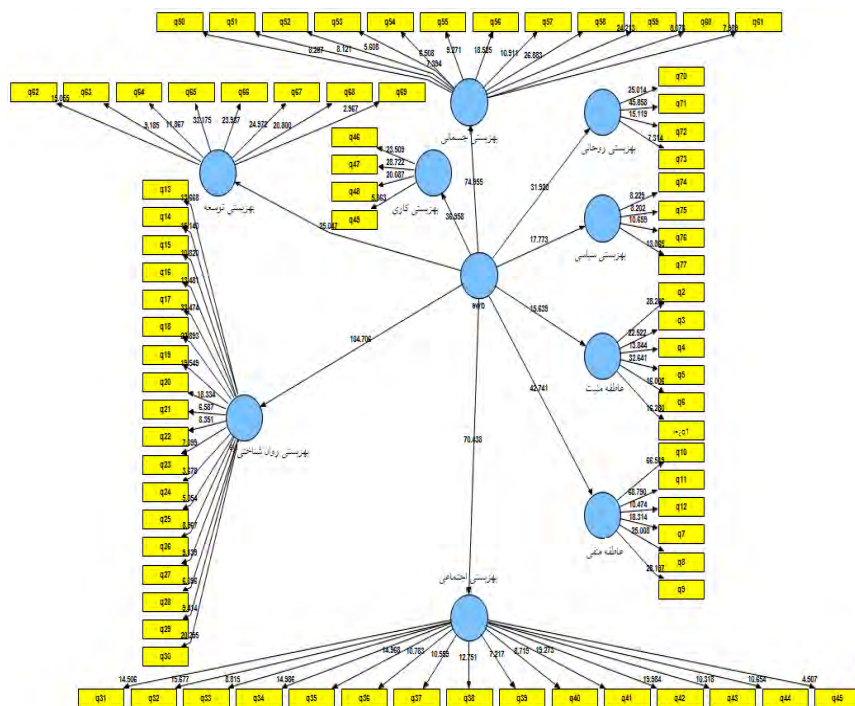
---

1. Average Variance Extracted(AVE)



شکل ۱- مدل اندازه‌گیری سلامت ذهنی شرکت‌کنندگان در ورزش تریپتی

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معناداری تی یا همان مقادیر t-values هستند. در صورتی که مقدار این اعداد از ۰/۹۵ بیشتر شود، نشان‌دهنده صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه، تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۱/۹۶ است؛ البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن‌ها سنجید.



شکل ۲- ضرایب معناداری تی سلامت ذهنی شرکت کنندگان در ورزش تربیتی

مقدار  $R^2$ : این معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری است. در یک پژوهش، ضرایب  $R^2$  مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است.  $R^2$  معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا است و سه مقدار  $0/۱۹$ ،  $0/۳۳$  و  $0/۶۷$  به‌عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شوند. مقدار  $R^2$  برای متغیرهای برون‌زا یا مستقل برابر با صفر است. در این قسمت، نه متغیر درون‌زا وجود دارند که مقدار  $R^2$  آن‌ها در پنج متغیر بیشتر از  $0/۳۳$  و در چهار متغیر بیشتر از  $0/۶۷$  است که به ترتیب برابر با مقدار متوسط و قوی است.

**معیار  $Q^2$** : این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند و در صورتی که مقدار  $Q^2$  در مورد یکی از متغیرهای درون‌زا سه مقدار  $0/۰۲$ ،  $0/۱۵$  و  $0/۳۲$  را کسب کند، به ترتیب نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی متغیر یا متغیرهای برون‌زای مربوط به آن است. این معیار برای یک متغیر درون‌زا (بهزیستی روان‌شناختی) بیشتر از  $0/۱۵$  است که نشان می‌دهد متغیر برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیر وابسته، متوسط است و برای هشت متغیر درون‌زای دیگر بیشتر از  $0/۳۲$  است که

نشان می‌دهد متغیر برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیر وابسته، قوی است و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تاحدودی بار دیگر تأیید می‌کند.

**برازش مدل کلی:** مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. سه مقدار  $0/01$ ،  $0/25$  و  $0/36$  به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای آزمون نیکویی برازش معرفی شده‌اند و در همه متغیرها مقدار به دست آمده از آزمون نیکویی برازش بیشتر از  $0/36$  می‌باشد که نشان‌دهنده برازش کلی قوی مدل است. جدول شماره ۲، شاخص‌های برازش و میزان این شاخص‌ها را در مدل حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

نیکویی برازش	Q <sup>2</sup>	R <sup>2</sup>	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	مؤلفه‌ها
0/497	0/406	0/458	0/540	0/874	بهزیستی هیجانی (عاطفه مثبت)
0/613	0/416	0/678	0/556	0/880	بهزیستی هیجانی (عاطفه منفی)
0/526	0/527	0/846	0/428	0/893	بهزیستی روان‌شناختی
0/533	0/336	0/851	0/435	0/880	بهزیستی اجتماعی
0/564	0/357	0/641	0/497	0/791	بهزیستی کاری (شغلی)
0/541	0/524	0/869	0/438	0/855	بهزیستی جسمانی
0/514	0/325	0/632	0/419	0/843	بهزیستی رشد (توسعه)
0/553	0/530	0/616	0/498	0/795	بهزیستی روحانی (معنوی)
0/455	0/319	0/503	0/413	0/737	بهزیستی سیاسی

## 1. Goodness of Fit Test(GOF)

جدول ۳- الگوی سلامت ذهنی شرکت‌کنندگان در ورزش تربیتی

مؤلفه‌ها	تی	تأثیر
بهبودی هیجانی (عاطفه مثبت)	۱۵/۶۳۹	۰/۶۶۷
بهبودی هیجانی (عاطفه منفی)	۴۲/۷۴۱	۰/۶۲۳
بهبودی روان‌شناختی	۱۰۴/۷۰۶	۰/۹۲۰
بهبودی اجتماعی	۷۰/۴۳۸	۰/۵۲۳
بهبودی کاری (شغلی)	۳۶/۹۵۸	۰/۸۰۱
بهبودی جسمانی	۷۴/۹۵۵	۰/۵۳۲
بهبودی رشد (توسعه)	۲۵/۰۴۷	۰/۷۵۵
بهبودی روحانی (معنوی)	۳۱/۹۲۰	۰/۷۸۵
بهبودی سیاسی	۱۷/۷۷۳	۰/۷۰۹

نتایج پژوهش نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های بهبودی رشد (توسعه)، بهبودی سیاسی، بهبودی جسمانی، بهبودی اجتماعی، بهبودی کاری (شغلی)، بهبودی روان‌شناختی، بهبودی روحانی (معنوی)، بهبودی هیجانی (عاطفه منفی) و بهبودی هیجانی (عاطفه مثبت)، از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های بهبودی رشد (توسعه)، بهبودی سیاسی، بهبودی جسمانی، بهبودی اجتماعی، بهبودی کاری (شغلی)، بهبودی روان‌شناختی، بهبودی روحانی (معنوی)، بهبودی هیجانی (عاطفه منفی) و بهبودی هیجانی (عاطفه مثبت)، از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی هستند. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب مهم است که ورزش تربیتی ظرفیت بهبود و گسترش مؤلفه‌های سلامت ذهنی را به‌خصوص در حوزه مؤلفه‌های بهبودی رشد، بهبودی سیاسی و بهبودی جسمانی دارد. داینر و سلیگمان (۲۰۱۸) اشاره کردند که مؤلفه‌های سلامت ذهنی در محیط‌های مختلف، وضعیت متفاوتی دارند. پان و همکاران (۲۰۱۸) مشخص کردند که حیطه‌های مختلف ورزش تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر دارند که این مسئله سبب شده است مؤلفه‌های سلامت ذهنی در حیطه‌های مختلف ورزش تغییراتی اساسی داشته باشند.

در پژوهش‌های اندکی به بررسی سلامت ذهنی افراد شرکت‌کننده در ورزش تربیتی پرداخته شده است. برور، هالمن و ویکر<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود اشاره کردند که ورزش‌های متفاوت در سطوح

1. Breuer, Hallmann & Wicker

مختلف می‌توانند تأثیرات گوناگونی داشته باشد و سبب رشد برخی مسائل ویژه درمیان گروه‌های افراد شوند. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، مطالعه بلودورث، مک‌نیم و بایلی<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) است. آنان در پژوهش خود پی بردند که ورزش تربیتی می‌تواند علاوه بر بهبود سلامت ذهنی، به ارتقای بهزیستی رشد افراد منجر شود؛ بنابراین، می‌توان چنین گفت که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه بلودورث و همکاران (۲۰۱۲) هم‌خوان است. ورزش تربیتی به‌واسطه نوع فعالیت‌هایی که جنبه آموزشی و علمی دارند، سبب ارتقای مهارت‌های افراد می‌شود (کومار و همکاران، ۲۰۱۸). این مسئله به بهبود تلاش‌های شرکت‌کنندگان در ورزش تربیتی در جهت فراگیری مهارت‌ها منجر می‌شود. در صورتی که تلاش‌های افراد موفقیت‌آمیز باشند، سبب رشد و توسعه سلامت ذهنی آنان خواهند شد. حضور افراد در ورزش تربیتی سبب بهبود مهارت‌های آنان خواهد شد که این مهارت‌ها سبب ارتقای حس پیشرفت و رشد درمیان آن می‌شوند.

پژوهش‌های اندکی به بررسی تأثیر ورزش تربیتی بر افراد پرداخته‌اند. این مسئله سبب شده است شواهد اندکی از فرایند ورزش تربیتی و تأثیرات آن بر افراد وجود داشته باشند. در پژوهش حاضر، به‌خوبی مشخص شد که ورزش تربیتی می‌تواند علاوه بر بهبود سلامت ذهنی ورزشکاران، برخی مؤلفه‌های این سلامت از جمله بهزیستی رشد (توسعه)، بهزیستی سیاسی و بهزیستی جسمانی را بهبود دهد. بهزیستی رشد به‌عنوان احساس افراد از میزان توسعه و بهبود خود در حوزه‌های مختلف است. در پژوهش حاضر، این مؤلفه مهم‌ترین اتفاق‌دراثر انجام ورزش تربیتی است. پیشرفت و رشد از کارکردهای مهم ورزش تربیتی است. ورزش تربیتی با بهبود میزان مهارت‌ها در افراد سبب افزایش احساس رشد و پیشرفت در آنان می‌شود؛ از این‌رو، ورزش تربیتی سبب احساس بهزیستی رشد درمیان افراد می‌گردد (رییس و همکاران، ۲۰۱۵). پاییس و آمارال (۲۰۱۷) اشاره کردند که بهبود مهارت درمیان افراد سبب رشد و گسترش بهزیستی رشد می‌شود. از طرفی، بهزیستی سیاسی به میزان رضایت افراد از تبادلات و حضور در گروه‌ها و حزب‌های سیاسی اشاره دارد. رییس و همکاران (۲۰۱۵) بیان کردند که بهزیستی سیاسی به‌واسطه افزایش تبادلات بین‌فردی در برخی محیط‌ها، از جمله ورزش افزایش می‌یابد. فعالیت افراد در قالب ورزش تربیتی سبب می‌شود ارتباطات بین‌فردی افزایش یابد و آنان ناخواسته در گروه‌های سیاسی و حزبی شرکت نکنند. همچنین، آموزش و فراگیری مهارت‌های مختلف ورزشی در فرایند ورزش تربیتی، منجر به بهبود رضایت افراد از میزان رشد و توسعه عملکرد خود می‌شود. این مسئله سبب می‌شود میزان بهزیستی رشد و بهزیستی درمیان ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی به‌صورت مناسبی رشد کند و ارتقا یابد.

1. Bloodworth, McNamee & Bailey

از طرفی، بهزیستی جسمانی یکی از مؤلفه‌های بهزیستی است که در ورزش تربیتی افزایش می‌یابد. آموزش‌های انجام‌شده در ورزش تربیتی به بهبود توانایی‌های جسمانی افراد منجر می‌شود. به عبارت دیگر، عوامل جسمانی افراد در قالب ورزش تربیتی بهبود مشخص‌شده‌ای خواهند داشت که این مسئله سبب می‌گردد احساس افراد از وضعیت جسمانی خود ارتقا یابد؛ بنابراین، ورزش تربیتی کارکردهای مناسبی در مسیر رشد و ارتقای وضعیت جسمانی افراد خواهد داشت (بلودورث و همکاران ۲۰۱۲).

رزوسکی و همکاران (۲۰۱۴) و لویانو (۲۰۱۴) مشخص کردند که بهزیستی جسمانی به واسطه ورزش تربیتی افزایش می‌یابد. همچنین، برور و همکاران (۲۰۱۱) اشاره کردند که افزایش مهارت‌های ورزشی در میان افراد، علاوه بر رشد مهارتی افراد به بهبود وضعیت جسمانی آن‌ها منجر می‌گردد. آنان اشاره کردند که این مسئله سبب رشد و ارتقای وضعیت بهزیستی جسمانی در میان افراد می‌شود. به نظر می‌رسد که ورزش تربیتی در مرحله اول می‌تواند به افراد استقلال و اعتمادبه‌نفسی مناسب دهد. این مسئله سبب می‌شود ورزش تربیتی به ایجاد شخصیت در میان افراد اقدام کند و علاوه بر آماده کردن ورزشکاران در یک ورزش به خصوص، قوای روانی آنان را نیز تقویت کند؛ از این رو، انتظار اینکه ورزش‌های تربیتی بتوانند به خوبی سبب افزایش بهزیستی رشد شوند، چندان دور از دسترس نیست. ورزش تربیتی می‌تواند ورزشکاران را با گروه‌های مختلف آشنا کند. همچنین، ورزش تربیتی با تقویت مهارت‌های ورزشی افراد، به گسترش تعامل اجتماعی آنان کمک می‌کند که این مسئله از یک سو، به بهبود وضعیت اجتماعی افراد کمک می‌کند و از سوی دیگر، آنان را برای حضور در فعالیت‌های سیاسی آماده می‌کند؛ بنابراین، ورزش‌های تربیتی می‌توانند به خوبی به بهزیستی سیاسی در میان ورزشکاران شرکت‌کننده در این ورزش‌ها منجر شوند.

فقدان توسعه ورزش تربیتی می‌تواند سبب اختلال در مسیر بهبود سلامت ذهنی در جامعه قرار گیرد. از طرفی، دور شدن ورزش تربیتی از ماهیت خود سبب شده است تا این ورزش‌ها از روح و هدف اصلی خود فاصله گیرند که این مسئله نیز به نوعی می‌تواند به ورزشکاران حاضر در این ورزش‌ها آسیب‌های جدی وارد کند. رشد مناسب نکردن سلامت ذهنی ورزشکاران حاضر در ورزش تربیتی می‌تواند بر آینده ورزشی این افراد نیز تأثیر بگذارد. با توجه به حساسیت‌های موجود در توسعه سلامت ذهنی افراد جامعه، به یقین مشخص است که فضای نامناسب ورزش تربیتی حداقل در زمینه رشد سلامت ذهنی ورزشکاران، ناکارآمد است.

ویژگی‌های منحصر به فرد ورزش تربیتی سبب شده است بهزیستی رشد، بهزیستی سیاسی و بهزیستی جسمانی از جمله مؤلفه‌های سلامت ذهنی باشند که در قالب ورزش تربیتی به صورت کاملاً مشخص‌شده‌ای ارتقا یابد. ورزش تربیتی توانسته است بر سلامت ذهنی و تمامی مؤلفه‌های آن تأثیر

بگذارد؛ اما بهزیستی رشد، بهزیستی سیاسی و بهزیستی جسمانی افراد شرکت کننده در ورزش تربیتی بیشترین رشد را داشته‌اند. تغییرات عمیق در مسیر توسعه ورزشکاران در ورزش‌های تربیتی سبب شده است برخی ورزشکاران برای رسیدن به موفقیت دست به فعالیت‌ها، حضور در شرایط و انجام برخی امور بزنند که مخالف با ارزش‌های آنان هستند. این مسئله می‌تواند سلامت ذهنی آنان را دستخوش تغییرات اساسی کند و آنان را از مسیر توسعه ذهنی خود دور کند. این درحالی است که در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در کشور از جمله طرح تحول نظام سلامت کشور، برنامه‌های توسعه پنجم و ششم و همچنین، برخی برنامه‌های اجرایی در وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش و پرورش و ورزش بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فقدان ورزش و برنامه‌ریزی برای توسعه آن به صورت آشکاری مشاهده می‌شود. اهداف عالی بسیاری از این برنامه‌ها توسعه سلامت ذهنی در میان افراد عنوان می‌شود؛ اما جاگیرنشدن ورزش در ابعاد مختلف و متناسب با گروه‌ها در این برنامه‌ها و طرح‌ها سبب شده است تا برنامه‌های کلان در حوزه بهبود سلامت ذهنی با شکست مواجه شوند. این مسئله می‌تواند تاحدی به علت نبود پژوهش‌های علمی برای بررسی تأثیرات گوناگون و متنوع ورزش در سطوح مختلف بر میزان سلامت ذهنی افراد باشد.

با توجه به کارکردهای ورزشی تربیتی در مسیر رشد و گسترش ورزشکاران در ابعاد مختلف، پژوهش حاضر به خوبی شواهدی را در زمینه تأثیرگذاری این ورزش بر سلامت ذهنی در ابعاد مختلف در میان ورزشکاران ارائه کرد. با توجه به کارکردهای ورزش تربیتی در حوزه‌های مختلف سلامت ذهنی از جمله بهزیستی رشد، بهزیستی سیاسی و بهزیستی جسمانی، پیشنهاد می‌شود با توسعه کلاس‌های آموزشی استاندارد در ورزش‌های مختلف، ارتقای وضعیت ورزش تربیتی کشور حاصل شود. از طرفی، با توجه به نامناسب بودن وضعیت برخی مؤلفه‌های سلامت ذهنی در میان ورزشکاران علوم تربیتی از جمله مؤلفه‌های روان‌شناختی سلامت ذهنی، پیشنهاد می‌شود آموزش برخی ورزش‌های مؤثر در بهبود وضعیت روان‌شناختی افراد از جمله ورزش‌های ارتقادهنده وضعیت روانی شامل شنا، بدمینتون و والیبال در دستور کار قرار گیرد. این مسئله به علت ویژگی‌های منحصر به فرد این رشته‌های ورزشی است. اهمیت ورزش‌های شنا (لاوسون و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۸؛ یانگ، کین، هان، لین و چن، ۲۰۱۸، ۲۶۲)، بدمینتون (کومار، ۲۰۱۶، ۱۱۱) و والیبال (کومار و پارامانیک، ۲۰۱۶، ۱۳) در ویژگی‌های ذهنی افراد بررسی و اثبات شده است.

از طرفی، با توجه به اهمیت ورزش تربیتی در سلامت ذهنی افراد، پیشنهاد می‌شود برای ارتقای وضعیت امکانات و تجهیزات به خصوص در مدارس، با استفاده از امکانات و تجهیزات ورزشی سایر

---

1. Lawson

2. Yang, B., Qin, Q. Z., Han, L. L., Lin, J., & Chen, Y



سازمان‌ها به بهبود وضعیت ورزش تربیتی در سطح جامعه اقدام شود. همچنین، با توجه به اهمیت ورزش تربیتی و لزوم گسترش آن در جامعه، پیشنهاد می‌شود با ایجاد برنامه‌های مشترک در وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، فناوری و تحقیقات و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به تقویت برنامه‌های آموزشی نهادهای مربوط به این وزارتخانه‌ها با هدف توسعه ورزش آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها اقدام شود. در این بین، برای کسب اهداف متصور از ورزش تربیتی در راستای بهبود سلامت ذهنی پیشنهاد می‌شود با افزایش مهارت‌های مربیان فعال در ورزش تربیتی، به اثربخشی آموزش‌های آنان اقدام شود.

رقابتی‌شدن ورزش تربیتی در کشور ما و همچنین، بی‌توجهی به رشد جسمانی و روحی ورزشکاران حاضر در این ورزش، سبب شده‌اند تا عرصه ورزش تربیتی در کشور ما میدانی برای نمایش اقتدار و ظرفیت‌های مربیان حاضر در این حوزه شود که خواهان رشد حرفه‌ای خود و ارتقا از ورزش تربیتی به ورزش حرفه‌ای است. با توجه به رقابتی‌شدن ورزش تربیتی در کشور پیشنهاد می‌شود با تقویت فرهنگ ورزشکاران در راستای مهارت‌افروزی و پرهیز از رقابت‌جویی نامناسب به استانداردسازی جو ورزش تربیتی در کشور اقدام شود. در نهایت، پژوهش حاضر علاوه بر بهبود شواهد علمی در خصوص تأثیرگذاری ورزش تربیتی بر مؤلفه‌های سلامت ذهنی، می‌تواند به‌عنوان راهنمایی مناسب موجب توسعه ورزش تربیتی و سلامت ذهنی ورزشکاران حاضر در این حوزه شود.

## منابع

1. Argyle, M., & Crossland, J. (1987). The dimensions of positive emotions. *British Journal of Social Psychology*, 26, 127-137.
2. Baker, C., El Ansari, W., & Crone, D. (2017). Partnership working in sport and physical activity promotion: An assessment of processes and outcomes in community sports networks. *Public Policy and Administration*, 32(2), 87-109.
3. Becchetti, L., Pelloni, A., & Rossetti, F. (2008). Relational goods, sociability, and happiness. *Kyklos*, 61(1), 343-363.
4. Bloodworth, A., McNamee, M., & Bailey, R. (2012). Sport, physical activity and well-being: an objectivist account. *Sport, Education and Society*, 17(4), 497-514.
5. Breuer, C., Hallmann, K., & Wicker, P. (2011). Determinants of sport participation in different sports. *Managing Leisure*, 16(4), 269-286.
6. Diener, E., & Seligman, M. E. (2018). Beyond money: Progress on an economy of well-being. *Perspectives on Psychological Science*, 13(2), 171-175.
7. Downward, P. M., & Rasciute, S. (2011). Does sport make you happy? An analysis of the well-being derived from sports participation. *International Review of Applied Economics*, 25(3), 331-348.
8. Fitzgerald, H. (2018). Sport is not for all: The transformative (im) possibilities of sport for young disabled people. *Sport and physical activity across the lifespan* (pp. 175-191). London: Palgrave Macmillan.

9. Ghasemi, H., Tojari, F., Borojerdi, M., Emami, H., & Amiri, M. (2012). Content analysis of the views of heads of the physical education organization about the components of sport from 1357 to 1388. *Sports Management*, (13), 137-152. (Persian).
10. Humphreys, B. R., MacLeod, L., & Ruseski, J. (2014). Physical activity and health outcome: Evidence from Canada. *Health Economic*. 23(1), 33-54.
11. Huang, H., & Humphreys, B. R. (2010). Sports participation and happiness: Evidence from U.S. micro data. Working Paper No. 2010-09. Edmonton: University of Alberta.
12. Huang, H., & Humphreys, B. (2012). Sports participation and happiness: Evidence for US micro data. *Journal of Economic Psychology*, 33(4), 776-793.
13. Kashdan, T. B. (2004). The assessment of subjective well-being (issues raised by the Oxford happiness questionnaire). *Personality and Individual Differences*, 36, 1225-1232.
14. Koçak, R., & Tatay, E. (2016). Comparison of the academic success, subjective well-being and loneliness levels of the teenagers who have ordinary families and broken families. *The Journal of Academic Social Science Studies International Journal of Social*, 7, 1-14.
15. Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610
16. Kumar, S. (2016). The importance of mental toughness in the game of Badminton. *International Journal of Physical and Social Sciences*, 6(8), 110-112.
17. Kumar, H., Manoli, E. A., Hodgkinson, I. R., & Downward, P. M. (2018). Sport participation: From policy, through facilities, to users' health, well-being, and social capital. *Sport Management Review 2018 Vol.21 No.5* pp.549-562.
18. Kumar, M. S., & Paramanik, M. C. (2016). An analysis of mental toughness among international male volleyball players of 12th south Asian games. *International Education and Research Journal*, 2(6), 11-14.
19. Lawson, L. M., Lauren Foster, O. T. D., Harrington, M. C., MOT, O. L., Oxley, C. A., & MOT, O. L. (2017). Effects of a swim program for children with autism spectrum disorder on skills, interest, and participation in swimming. *American Journal of Recreation Therapy*, 13(2), 17-27.
20. Lechner, M. (2009). Long-run labour market and health effects of individual sports activities. *Journal of Health Economics*, 28(4), 839-854.
21. Lee, Y. H., & Park, I. (2010). Happiness and physical activity in special populations: Evidence from Korean survey data. *Journal of Sports Economics*, 11(2), 136-156.
22. Lopiano, D. A. (2014). It's time for the NCAA and other educational sport governance organizations to get serious about gender equity. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 85(2), 6-7.
23. McDonald, B., & Komuku, H. (2008). Japanese educational sport and the reproduction of identity. *Sport and Cultural Diversity in a Globalized World*, 21, 97-110.
24. Paes, V. R., & Amaral, S. C. F. (2017). Public policies for educational sport in São Paulo: Impacts of the 2016 Olympic Games. *Movimento*, 23(2), 715-728.
25. Pan, S. L., Wu, H. C., Morrison, A. M., Huang, M. T., & Huang, W. S. (2018). The relationships among leisure involvement, organizational commitment and well-being: Viewpoints from sport fans in Asia. *Sustainability*, 10(3), 740-758.

26. Pawlowski, T., Breuer, C., & Leyva, J. (2011). Sport opportunities and local well-being: Is sport a local amenity? In P. Rodriguez, S. Kesenne, & B. R. Humphreys (Eds.), *The economics of sport, health and happiness: The promotion of well-being through sporting activities* (pp. 223-241). Glos, UK: Edward Elgar Publishing.
27. Perelli Harris, B., & Styrc, M. (2018). Mental well-being differences in cohabitation and marriage: The role of childhood selection. *Journal of Marriage and Family*, 80(1), 239-255.
28. Reis, N. S., Santos, S. A., Carneiro, F. H. S., Matias, W. B., Athayde, P. F. A., & Mascarenhas, F. (2015). The educational sport as the theme of knowledge production in the Brazilian scientific journalism: A systematic review. *Pensar a Prática*, 18(3), 12-20.
29. Ruseski, E., Humphreys, B., Hallman, K., Wicker, P., & Breuer, B. (2014). Sport participation and subjective well-being: Instrumental variable results from German survey data. *Journal of Physical Activity and Health*, 11, 396-403.
30. Ryff, C. D. (2018). Well-being with soul: Science in pursuit of human potential. *Perspectives on Psychological Science*, 13(2), 242-248.
31. Tebessum, A., & Belgin, G. (2017). Investigation of mental well-being and aggression level of karate-do athletes. *The Online Journal of Recreation and Sport*, 6(2), 14-32.
32. Wicker, P., Coates, D., & Breuer, C. (2015). Physical activity and subjective well-being: The role of time. *European Journal of Public Health*, 25(5), 864-868.
33. Yang, B., Qin, Q. Z., Han, L. L., Lin, J., & Chen, Y. (2018). Spa therapy (balneotherapy) relieves mental stress, sleep disorder, and general health problems in sub-healthy people. *International Journal of Biometeorology*, 62(2), 261-272.
34. Zeigler, E. F. (2003). *Socio-cultural foundations of physical education & educational sport* (Vol. 2). The Western University of London Ontario.

## استناد به مقاله

متقی شهری، محمدحسن، غفوری، فرزاد، هنری، حبیب، شهلائی باقری، جواد. (۱۳۹۸). طراحی الگوی سلامت ذهنی ورزشکاران شرکت‌کننده در ورزش تربیتی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۸-۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5430.1417

Mottaghi Shahri, M. H., Ghafouri, F., Honari, H., Shahlaee Bagheri, J. (2019). Designing the Subjective Well-being Pattern of Athletes Participating in Educational Sport. *Research on Educational Sport*, 7(16): 17-38. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5430.1417

## تبیین عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای وحید ساعت‌چیان<sup>۱</sup>، محمد کشتی‌دار<sup>۲</sup>، مژگان رعنائی<sup>۳</sup>، بهادر عزیزی<sup>۴</sup>

۱. استادیار گروه علوم ورزشی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد\*

۳. کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان مانه و سملقان

۴. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای از دیدگاه دبیران تربیت‌بدنی، مدیران و اولیای دانش‌آموزان بود. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش همه دبیران تربیت‌بدنی خراسان شمالی، مدیران مدارس و والدین دانش‌آموزان شهرستان مانه و سملقان (۵۳۵ نفر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استناد به درصد تناسب نسبی بین دبیران و مدیران و اولیای دانش‌آموزان، ۱۵۰ نفر در نمونه‌های دبیران، ۵۰ نفر برای اولیای دانش‌آموزان و همچنین، ۵۰ نفر در بخش مدیران مدارس به‌عنوان نمونه‌های نهایی پژوهش انتخاب شدند. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، شش عامل منابع فرهنگی، منابع مالی، منابع انسانی، منابع مادی و تسهیلاتی، منابع مدیریتی و منابع فناوری، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای شناسایی شدند و میزان اهمیت عوامل از دیدگاه آزمودنی‌ها بررسی شد؛ بر این اساس، بالاترین میانگین رتبه در بین مؤلفه‌ها مربوط به مؤلفه «منابع فرهنگی» و پایین‌ترین میانگین رتبه مربوط به مؤلفه «منابع فناوری» بود. درنهایت، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود برای برنامه‌ریزی هرچه بهتر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، به منابع فرهنگی توجه ویژه‌ای شود تا علاوه بر افزایش جنبه‌های مختلف سلامتی دانش‌آموزان، به بهبود روابط اجتماعی مفید در کنار روحیه شاداب آن‌ها پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، ورزش دانش‌آموزی، رویدادهای ورزشی، موفقیت.

### مقدمه

ورزش، از سال ۱۳۰۶ وارد نظام آموزشی کشور شده است و قدمتی ۹۰ ساله دارد. مردم از ساعت تربیت‌بدنی (ورزش) به‌عنوان لحظه‌هایی رؤیایی یاد می‌کنند. فعالیت ورزشی منظم در صورت تداوم می‌تواند باعث آسودگی ذهن شود و این آسودگی به بهتر آموختن، اشتیاق بیشتر و درکل، پیشرفت دانش‌آموز کمک می‌کند. با فعالیت‌های ورزشی و اجرای مسابقات می‌توان شادابی و نشاط را به محیط آموزشی تزریق کرد. همچنین، برگزاری بازی‌ها و رقابت‌های ورزشی از جمله جاذبه‌های تربیت‌بدنی در مدارس و از موضوع‌های موردعلاقه دانش‌آموزان است (سلیمانی و قره‌خانی، ۱۳۹۵، ۴۳). آموزش‌وپرورش نیز در کنار توجه به ارتقای سطح علمی باید به بحث سلامت و ورزش دانش‌آموزی توجه بیشتری داشته باشد؛ زیرا، دانش‌آموزی می‌تواند به‌مراتب علمی برسد که دارای بدنی سالم باشد و این مهم از مسیر توجه به مقوله ورزش به‌دست می‌آید (کوزه‌چیان، ۱۳۸۰، ۹۸).

در این راستا، از جمله اهداف نظام آموزش‌وپرورش کشور، تربیت نسلی شاداب و بانشاط است که در کنار فراگیری علوم مختلف از سلامتی، تحرک و پویایی لازم برخوردار باشند. مدارس کشور به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه تعلیم و تربیت موردتوجه مدیران آموزش‌وپرورش هستند و در کانون توجه برنامه‌ریزی و طراحان تعلیم‌وتربیت قرار دارند. برگزاری بازی‌ها و رقابت‌های ورزشی از جمله جاذبه‌های تربیت‌بدنی در مدارس و از موضوع‌های مورد اقبال و موردعلاقه دانش‌آموزان است و با اجرای مسابقات و فعالیت‌های ورزشی می‌توان شادابی و نشاط را به محیط‌های آموزشی تزریق کرد (جعفری کوپایی، حمیدی و نظری، ۱۳۹۵). از دیرباز، مسابقات ورزشی از ابزارهایی بسیار قوی برای رشد و تعالی دانش‌آموزان در حوزه آموزش‌وپرورش بوده‌اند؛ به‌طوری‌که علاوه بر ارتقای مهارت‌های ورزشی و گذراندن لحظات شاد و بانشاط، تجربیات و مهارت‌های فراوانی را در حوزه‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی به دانش‌آموزان ارزانی داشته است. برای دستیابی به این آرمان‌ها و اهداف آموزش‌وپرورش، معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش‌وپرورش، برگزاری مسابقات ورزشی در قالب المپیداد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را به مدارس سراسر کشور ابلاغ کرده است (سلیمانی و قره‌خانی، ۱۳۹۵، ۴۱).

مسلم است که آموزش‌وپرورش به تربیت کل وجود توجه دارد. با توجه به این مطلب، آموزش‌وپرورش باید طرح‌های ورزشی خود را طوری برنامه‌ریزی کند که بیشتر مؤلفه‌هایی را که سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، در برگیرد. المپیداد ورزشی درون‌مدرسه‌ای نیز از این امر مستثنا نیست. با توجه به مؤلفه‌هایی از قبیل شادی و نشاط، مسئولیت‌پذیری، روحیه جمع‌گرایی، اعتمادبه‌نفس، سلامت جسمی، سلامت روحی، مشارکت فعال همه‌جانبه دانش‌آموزان، تقویت هویت‌های اسلامی در زمان خواندن سرود ملی و سوگندنامه، زمان به‌اهتزاز درآمدن پرچم ملی ایران و پرچم المپیداد، استعدادیابی و نخبه‌پروری، یکی از راه‌های شناسایی استعداد افراد در

زمینه‌های گوناگون، خلق موقعیت‌ها و فضاهایی است که شخص بتواند توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه خود را بروز دهد؛ بنابراین، المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای بهترین فرصت در این زمینه است. در صورتی که المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای کاملاً تخصصی و علمی برنامه‌ریزی شود و عوامل مؤثر در موفقیت آن به‌طور کامل بررسی شوند، می‌تواند موفق و تأثیرگذار باشد و این طرح ملی زیرساخت بسیاری از موفقیت‌های بزرگ ملی و بین‌المللی در سطح ورزشی شود (رعنایی و ساعتچیان، ۱۳۹۵). در این زمینه، هارت‌من<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که بین به‌کارگیری فعالیت‌های ورزشی و عملکرد دانش‌آموزان ارتباطی بسیار قوی وجود دارد. در واقع، شناخت عوامل اجتماعی و شناخت عوامل محدودکننده اجتماعی در تلاش‌های آموزشی دانش‌آموزان مؤثرند. او اشاره کرد که شناخت ماهیت ورزش و فعالیت‌های ورزشی مدارس می‌تواند به برنامه‌ریزی مؤثر برای کسب سلامتی، تشویق به فعالیت‌های آموزشی و پیوندهای اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود. اهمیت بررسی این عوامل مؤثر می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی در جهت عوامل کلیدی منتهی به توسعه و به‌کارگیری برنامه‌های منسجم درون‌مدرسه‌ای باشد. در همین راستا، حلاجی و ابراهیم (۱۳۹۵) با انجام پژوهشی اذعان کردند که امروزه توجه به نهضت داوطلبی در ورزش، کانون فعالیت بسیاری از آموزش و پرورش‌های موفق جهان قرار گرفته است. المپیاد ورزشی با رویکرد مدرسه‌محور کردن فعالیت‌های ورزشی و افزایش مشارکت مدنی افراد، بهره‌مندی از ظرفیت‌های درونی و بیرونی آموزش و پرورش، توأم کردن فعالیت‌های ورزشی با یادگیری منش پهلوانانه و مهارت‌های اجتماعی جذاب، پرنشاط کردن جو مدرسه و هویت‌بخشی به دانش‌آموزان و با اهداف توسعه و ارتقای آمادگی جسمانی، مهارت‌های ورزشی، سطح سلامت جسمی و روحی تمامی دانش‌آموزان حاضر در مدرسه صورت می‌گیرد. همچنین، سلیمانی و قره‌خانی (۱۳۹۵) بهره‌گیری از مشارکت و همیاری داوطلبانه دانش‌آموزان را از جمله مواردی می‌دانند که می‌تواند در فعالیت‌های ورزشی و تربیت‌بدنی به‌ویژه المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای نقش بسیار مشهود و قابل توجهی داشته باشد. ترابی (۱۳۹۳) نیز بیان کرد که المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای دارای اهدافی شامل توسعه و ارتقای آمادگی جسمانی و روحی دانش‌آموزان، کمک به انس بیشتر دانش‌آموزان با فعالیت‌های ورزش همگانی و قهرمانی، کمک به شناسایی و پرورش استعدادها و ورزشی دانش‌آموزان و افزایش گرایش دانش‌آموزان به مدرسه و غیره است. در همین زمینه، حبیب‌نیارمی، دوستی و درویشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مشکلات و مزایای اجرای طرح المپیاد درون‌مدرسه‌ای» دریافتند که در بین مشکلات موجود پیش روی المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، فقدان اطلاع‌رسانی و نبود برنامه‌ریزی درست از سطح وزارتخانه تا ادارات، مهم‌ترین مشکل و در بین مزایایی که درون این طرح وجود دارند، هویت‌بخشی معلمان و درس تربیت‌بدنی، مهم‌ترین مزیت در

---

1. Hartman

برگزاری طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای در استان مازندران است. رشادت‌جو و خادمی (۱۳۹۵) نیز با بررسی تأثیر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دختر دبیرستان شهر تهران دریافتند که دانش‌آموزان دختر ورزشکار نسبت به دانش‌آموزان دختر غیر ورزشکار از سلامت روانی بیشتر و شکایات جسمانی، اضطراب، حساسیت بین‌فردی و افسردگی کمتری برخوردارند. همچنین، رضوی، شعبانی بهار و سجادی (۲۰۱۲) عوامل مؤثر در موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را کارشناسان، معلم تربیت‌بدنی، محتوای آموزشی، تجربه معلم ورزش، امکانات و دیدگاه والدین دانش‌آموزان می‌دانند. همچنین، آن‌ها برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای و نقش آن در سلامت اجتماعی و شخصی برای خانواده و دانش‌آموزان را تأیید می‌کنند و المپیاد ورزشی را به‌عنوان یک عنصر در ایجاد محیطی پرتحرک و پرنشاط و تأثیر آن را بر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان بسیار مهم مطرح می‌کنند. در همین راستا، آردوی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود دریافتند که فعالیت‌های تربیت‌بدنی در مدارس اثری مثبت بر موفقیت درسی دارند و سبب انگیزه دانش‌آموزان می‌شوند. اسمیت و فاکس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان داده است که مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند المپیاد ورزشی مزایای زیادی دارد و باعث سازگاری اجتماعی بیشتری می‌شود. کوری، بلامفیلد و باربر<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) بیان کردند که رابطه مثبتی بین مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و اعتمادبه‌نفس وجود دارد. نیکخو، محمدی و براری (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که مشارکت همه‌جانبه مسئولان، معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان در برنامه‌های ورزشی دانش‌آموزان، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است؛ از این‌رو، دادن مسئولیت به افراد در برگزاری مسابقات می‌تواند علاوه بر ایجاد انگیزه در آن‌ها برای انجام فعالیت‌های ورزشی و برنامه‌ریزی درست باعث شود که ورزش به‌عنوان یکی از عناصر ایجاد محیطی بانشاط، تأثیری بر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین، کلاشی، حسینی، ابراهیمی پور و یمینی فیروز (۲۰۱۵) ورزش و تربیت‌بدنی را به‌طور مستقیم در کاهش جرم مؤثر دانستند و عنوان کردند افرادی که در ورزش و فعالیت‌های بدنی شرکت می‌کنند، از سلامت جسمی و رفتاری زیادی برخوردارند و با داشتن زندگی سالم‌تر، یک جامعه سالم و دور از تنش را ایجاد و حفظ می‌کنند؛ بنابراین، با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از مشارکت خانواده در فعالیت‌های ورزشی و حمایت از دانش‌آموزان و تشویق آن‌ها برای مشارکت، می‌توان کاهش جرم در سطح مدرسه و در نهایت، در سطح جامعه را افزایش داد.

با توجه به موارد ذکرشده و نیز با توجه به مدرسه‌محور کردن فعالیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی و مشارکت‌محور کردن فعالیت‌ها، می‌توان گفت که ظرفیت‌شناسی و بهره‌مندی حداکثری

- 
1. Ardoy
  2. Smith & Fox
  3. Cory, Blomfield & Barber

از ظرفیت‌های درونی و بیرونی آموزش و پرورش، فضای جذاب، بانشاط و سالمی را برای برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای به وجود می‌آورد؛ بنابراین، این پژوهش بر آن است تا مهم‌ترین عوامل مؤثر در اجرای موفق این طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه را از دیدگاه صاحب‌نظران روشن کند و به این سؤال پاسخ دهد که چه عواملی در موفقیت المپیادهای ورزشی درون‌مدرسه‌ای مؤثر هستند؟

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، برحسب هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است که برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شده است. شایان ذکر است که پژوهش پیمایشی به دنبال کشف داده‌ها و اطلاعاتی است که از طریق آن‌ها بتوان روابط بین متغیرها را مورد بحث و بررسی قرار داد. به دلیل ماهیت پژوهش و استقبال بی‌نظیر مدارس استان خراسان شمالی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه (ضمن انجام هماهنگی با آموزش و پرورش استان خراسان شمالی)، اولیای دانش‌آموزان مدارس شهرستان مانه و سملقان، مدیران مدارس و دبیران تربیت‌بدنی این شهرستان، به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند؛ بنابراین، پژوهشگر همه دبیران تربیت‌بدنی، مدیران مدارس و والدین دانش‌آموزان شهرستان مانه و سملقان را به‌عنوان جامعه آماری مدنظر قرارداد. با توجه به نامشخص بودن تعداد دقیق مدیران و اولیای دانش‌آموزان، طبق نوع روش‌شناسی مطالعه حاضر و بنا به انتخاب نمونه بر مبنای ۵ تا ۱۰ نفر برای هر سؤال (آذر و غلامزاده، ۱۳۹۴، ۳۷)، پژوهشگر به توزیع ۲۶۵ پرسش‌نامه در بین نمونه‌های مورد بررسی اقدام کرد. این انتخاب به صورت تصادفی ساده انجام شد. همچنین، با استناد به درصد تناسب نسبی بین دبیران، مدیران و اولیای دانش‌آموزان، ۱۵۰ نفر در نمونه‌های دبیران، ۵۰ نفر برای اولیای دانش‌آموزان (در مدرسی که المپیاد در آنجا اجرا شده است و اولیا عضو انجمن اولیا و مربیان بوده‌اند و نیز اطلاع کافی از برگزاری المپیاد داشتند) و همچنین، ۵۰ نفر در بخش مدیران مدارس به‌عنوان نمونه‌های نهایی پژوهش انتخاب شدند.

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته استفاده شد که این پرسش‌نامه شامل ۲۵ سؤال و دربرگیرنده هفت مؤلفه منابع انسانی، منابع مدیریتی، منابع مالی، منابع فناوری، منابع مادی و تسهیلاتی و منابع فرهنگی بود، بهره گرفته شد. این پرسش‌نامه بر مبنای مطالعات حامدی و حسینی (۱۳۹۳)، جعفری کوپایی، حمیدی و نظری (۱۳۹۴) و سلیمانی و قره‌خانی (۱۳۹۵) و بر اساس مقیاس پنج‌ارزشی لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شد. شایان ذکر است که پرسش‌نامه یادشده که در این مطالعه برای اولین بار توسط پژوهشگر طراحی شده است، برای تعیین روایی (صوری و محتوایی) توسط پنج نفر از اساتید دانشگاهی ارزیابی شد و بعد از انجام اصلاحات موردنیاز و بازبینی مجدد گروه پژوهش، برای توزیع آماده شد. پایایی پرسش‌نامه



با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ به دست آمد. همچنین، برای تأیید روایی محتوایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای طبقه‌بندی نمرات خام، محاسبه فراوانی‌ها و محاسبه شاخص‌های پراکندگی نظیر میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، ابتدا از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> و با توجه به غیرطبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های دوجمله‌ای، آزمون اولویت‌بندی فریدمن و در انتها، از روش تحلیل مسیر و از آزمون‌های معادلات ساختاری برای برآزش مدل آماری پژوهش در دو حالت استاندارد و معناداری بهره گرفته شد. در پژوهش حاضر، از برنامه‌های نرم‌افزاری اس. پی. اس. اس. نسخه ۲۲ و لیزرل<sup>۳</sup> نسخه ۸/۸۰ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

## نتایج

براساس نتایج به دست آمده از پژوهش مشخص شد که ۴۵/۶ درصد از افراد جامعه را آقایان و ۵۴/۴ درصد را بانوان تشکیل دادند. همچنین، براساس وضعیت سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه ۳۱ تا ۳۵ سال با ۳۲ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گروه ۲۰ تا ۲۵ سال با ۵/۲ درصد بود. براساس وضعیت تحصیلی نیز بیشترین فراوانی با ۵۶/۸ درصد مربوط به کارشناسی ارشد و کمترین فراوانی با ۷ درصد مربوط به سطح دیپلم بود (جدول شماره یک).

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

متغیر	وضعیت	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۴۵/۶
	زن	۵۴/۴
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۵/۲
	۲۶ تا ۳۰ سال	۱۸/۴
	۳۱ تا ۳۵ سال	۳۲/۰
	۳۶ تا ۴۰ سال	۲۶/۴
	۴۱ تا ۴۵ سال	۱۰/۸
	بالای ۴۵ سال	۷/۲
تحصیلات	دیپلم	۶/۰
	کارشناسی	۱۴/۴
	کارشناسی ارشد	۵۶/۸
	دکتری	۲۲/۸

1. Kolmogorov-Smirnov
2. SPSS
3. LISREL

در ابتدا، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، عوامل مؤثر شناسایی و بررسی شدند. در این تحلیل، با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و مقادیر ویژه بیشتر از یک، شش عامل انسانی، مالی، فناوری، مادی و تسهیلاتی، مدیریتی و فرهنگی، تعیین و تأیید شدند. جدول شماره چهار نشان می‌دهد که بارهای عاملی تمام سؤال‌ها بیش از مقدار مبنا (۰/۴۰) شدند. همچنین، با توجه به جدول شماره دو، مقدار آماره خی دوی استفاده شده برای این مدل برابر با  $4334/712$  بود که براین اساس، ابعاد مدل تأیید می‌شوند و ابزار عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای، سازه‌ای چندبعدی است. برای تعیین اینکه پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای از چند عامل معنادار اشباع شده است، دو شاخص عمده ۱- مقادیر ویژه و ۲- نسبت واریانس تبیین شده به وسیله هر عامل نیز مورد توجه قرار گرفتند که عوامل شش‌گانه، در کل  $72/42$  درصد از واریانس عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای را تبیین نموده و بدین شکل بر چندبعدی بودن ابزار در ورزش تأکید داشتند.

جدول ۲- نتایج آزمون بارتلت و کیسر- می‌یر و اوکلین

مقدار	پیش فرض
۰/۹۴۶	مقدار کیسر- می‌یر و اوکلین (کفایت حجم نمونه)
$4334/712$	مقدار آماره خی دو
۳۰۰	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد که تمامی پیش فرض‌های مورد نیاز و مربوط به استفاده از روش تحلیل عاملی رعایت شده‌اند. آزمون کیسر- می‌یر و اوکلین شاخصی برای کفایت نمونه است. براساس آزمون کیسر- می‌یر و اوکلین می‌توان میزان تعلق متغیرها به یکدیگر (علیت عاملی) و در نتیجه، مناسب بودن آن‌ها را برای تحلیل عاملی تشخیص داد و همچنین، مناسب بودن هر متغیر را به تنهایی مشخص کرد. با توجه به اینکه مقدار آماره کیسر- می‌یر و اوکلین برابر با  $0/946$  است، قضاوت در مورد آن در حد عالی گزارش می‌شود. در آزمون کرویت بارتلت، فرض همبستگی بین سؤال‌ها بررسی می‌شود. با توجه به مقدار مجذور کای و سطح معناداری ( $P < 0/001$ ،  $X^2 = 4334/712$ )، نتیجه گرفته می‌شود که بین سؤال‌ها همبستگی وجود دارد؛ از این رو، ادامه و استفاده از سایر مراحل تحلیل عاملی جایز است. در ادامه، به بیان تحلیل سؤال‌ها و مؤلفه‌های هر یک از عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد درون مدرسه‌ای پرداخته می‌شود که سهم واریانس هر عامل و درصد واریانس تجمعی آن بررسی شده‌اند (جدول شماره سه).

جدول ۳- نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس در مورد بار عاملی سؤال‌های عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای

گویه‌ها	عامل ۱	عامل‌ها					
		عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	
۱- توجه، تلاش و انگیزه فردی دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۶۳						
۲- کمک به استعدادیابی در ورزش‌های مختلف از طریق دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۹۹						
۳- توسعه روحیه خودباوری ایجادشده در دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۰۰						
۴- بهره‌گیری و دعوت از نخبه‌های ورزشی شهرستان در افتتاحیه و اختتامیه المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۱۲						
۵- افزایش حس رقابت ورزشی در بین دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۵۴						
۶- برنامه‌ریزی و تدوین تقویم ورزشی مدون و مناسب مسئولان کشوری و استانی برای مسابقات و اجرای المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۷۱۴						
۷- کنترل و نظارت مدیران بالادستی بر اجرای المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۷۲۷						
۸- استفاده از دانش‌آموزان فعال مدرسه در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۷۸۳						
۹- حمایت مداوم از طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای توسط مسئولان بالادستی	۰/۴۵۷						
۱۰- ارزیابی عملکرد منسجم از نحوه اجرای المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۴۶۹						
۱۱- برنامه‌ریزی مالی صحیح و تخصیص بودجه به المپیاد ورزشی و رشته‌های ورزشی	۰/۶۵۱						
۱۲- حمایت‌های مالی و پاداش‌های نقدی و غیرنقدی به دانش‌آموزان برتر مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۰/۶۹۵						
۱۳- جذب سرمایه‌گذاری در ورزش دانش‌آموزی توسط ارگان‌های مختلف	۰/۶۲۱						

ادامه جدول ۳- نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس درمورد بار عاملی  
سؤال‌های عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای

عوامل						گویه‌ها			
عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶				
			۰/۶۱۸			۱۴- حمایت رسانه‌های جمعی ورزشی از برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۷۱۲		۱۵- استفاده از امکانات و فناوری‌های روز (تجهیزات الکترونیکی و نرم‌افزارهای خاص هر رشته ورزشی) در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
					۰/۸۰۲	۱۶- توجه خبرنگاران و افزایش نقش نظارتی جامعه خبرنگار در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
			۰/۷۸۵			۱۷- حمایت فضاهای اینترنتی مجازی از برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۷۳۱		۱۸- راه‌اندازی کمیته تحقیقات و انجام پژوهش در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۵۳۵		۱۹- برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های علمی و آموزشی در رابطه با طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
					۰/۵۱۵	۲۰- تعامل و مشارکت صمیمی بین مسئولان و مدیران ارشد در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
					۰/۵۵۷	۲۱- استفاده از اماکن و فضاهای ورزشی مجهز در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۷۲۳		۲۲- کمک به اجتماع‌پذیری دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۸۳۲		۲۳- توسعه نشاط و شادابی در دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۰/۸۲۰		۲۴- کمک به بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
					۰/۶۹۱	۲۵- کمک به بهبود سلامت جسمی و رفتاری دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای			
				۶/۱۷	۱۰/۱۰	۱۲/۴۹	۱۳/۵۵	۱۹/۶۳	درصد واریانس
								۷۲/۴۲	درصد واریانس تجمعی

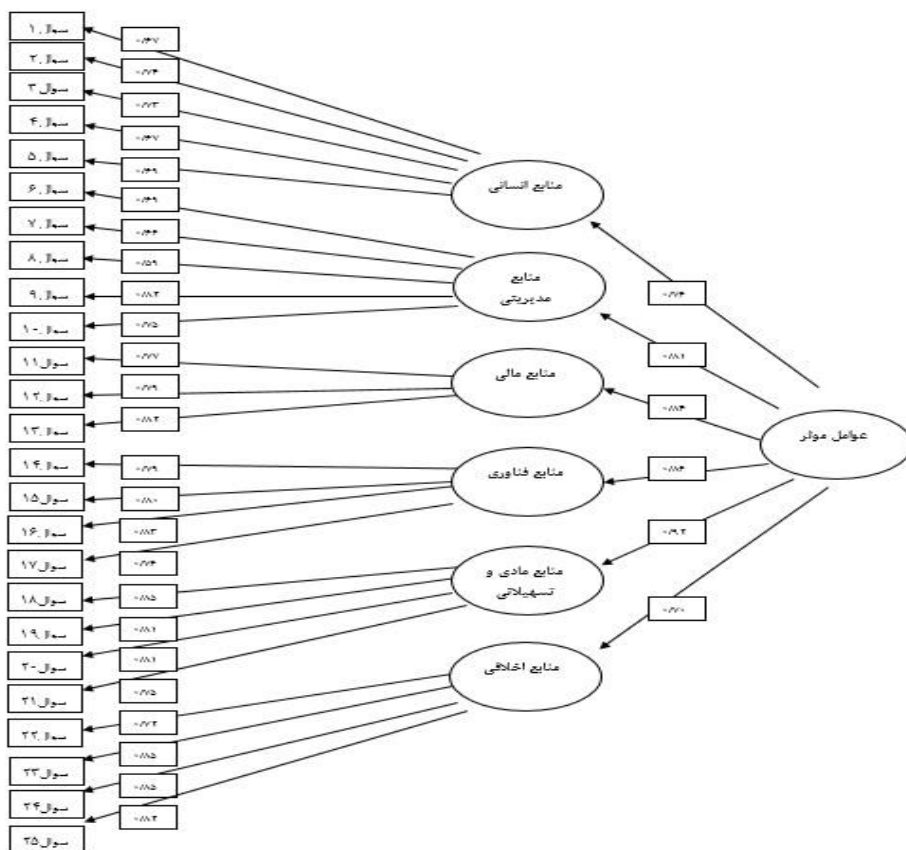
نتایج تحلیل عاملی ارائه شده در جدول شماره سه نشان می دهد که گویه های عوامل مؤثر بر موفقیت المپید ورزشی درون مدرسه ای، در کل شامل ۷۲/۴۲ درصد از کل می شوند. درصدهای واریانس برای عامل یک برابر با ۱۹/۶۳، برای عامل دو برابر با ۱۳/۵۵، برای عامل سه برابر با ۱۲/۴۹، برای عامل چهار برابر با ۱۰/۴۵، برای عامل پنج برابر با ۱۰/۱۰ و برای عامل شش برابر با ۱۶/۱۷ است. نتایج بار عاملی سؤال ها نشان می دهد که بار عاملی تمامی سؤال ها در حد قابل قبول است. همچنین، نتایج پایایی عامل های استخراج شده، به ترتیب برای منابع انسانی برابر با ۰/۸۹، برای منابع مدیریتی برابر با ۰/۹۲، برای منابع مالی برابر با ۰/۸۶، برای منابع فناوری برابر با ۰/۸۷، برای منابع مادی و تسهیلاتی برابر با ۰/۸۱ و برای منابع فرهنگی برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

پس از شناسایی بارهای عاملی گویه های پرسش نامه، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به بررسی روایی سازه پرسش نامه مورد استفاده پرداخته شد که مقادیر شاخص های ریشه میانگین مربعات خطای تخمین<sup>۱</sup> شاخص نیکویی برازش<sup>۲</sup>، شاخص برازش هنجار شده<sup>۳</sup> و شاخص برازش تطبیقی<sup>۴</sup> نیز به ترتیب برابر با ۰/۰۷۴، ۰/۹۴، ۰/۹۶ و ۰/۹۸ بود که این اعداد مناسب بودن ابعاد عوامل مؤثر بر موفقیت المپید ورزشی درون مدرسه ای را تأیید کردند (جدول شماره چهار). برای اندازه گیری تناسب مدل، علاوه بر نسبت خی دو به درجه آزادی، از شاخص برازش تطبیقی، شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش هنجار شده و ریشه میانگین مربعات خطای تخمین استفاده شد. حد مطلوب نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از سه، مقدار بیشتر از ۰/۹۰ برای شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش هنجار شده و کمتر از ۰/۱ برای ریشه میانگین مربعات خطای تخمین است؛ بنابراین، ابزار ارزیابی عوامل مؤثر بر موفقیت المپید ورزشی درون مدرسه ای با توجه به موارد ذکر شده، دارای روایی مناسب است.

- 
1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
  2. Goodness of Fit Index
  3. Normed Fit Index
  4. Comparative Fit Index

جدول ۴- آزمون‌ها و شاخص‌های مدل ابزار ارزیابی عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای

مدل	نسبت خی دو به درجه‌ی آزادی	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	شاخص نیکویی برازش	میانگین مربعات خطای تخمین	سطح معناداری	ریشه‌ی
ابزار عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای	۲/۳۷	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۰۷۴	۰/۰۰۱	



شکل ۱- تحلیل عاملی تأییدی ابزار ارزیابی عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای در حالت استاندارد

در ادامه، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف به بررسی چگونگی توزیع داده‌ها پرداخته شد. با توجه به سطوح معناداری مشخص شد که توزیع داده‌های عوامل مؤثر بر موفقیت المپياد ورزشی درون مدرسه‌ای، غیرطبیعی است؛ از این رو، برای محاسبه همبستگی بین مؤلفه‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره پنج ارائه شده است.

جدول ۵- ماتریس ضریب همبستگی اسپیرمن

منابع انسانی	منابع انسانی	منابع انسانی	منابع انسانی	منابع انسانی	منابع انسانی
منابع مدیریتی	۰/۶۷۶**	منابع مدیریتی	منابع مدیریتی	منابع مدیریتی	منابع مدیریتی
منابع مالی	۰/۴۷۵**	منابع مالی	منابع مالی	منابع مالی	منابع مالی
منابع فناوری	۰/۵۳۷**	منابع فناوری	منابع فناوری	منابع فناوری	منابع فناوری
منابع مادی و تسهیلاتی	۰/۵۴۸**	منابع مادی و تسهیلاتی	منابع مادی و تسهیلاتی	منابع مادی و تسهیلاتی	منابع مادی و تسهیلاتی
منابع فرهنگی	۰/۵۱۲**	منابع فرهنگی	منابع فرهنگی	منابع فرهنگی	منابع فرهنگی

همان‌طور که در جدول شماره پنج نشان داده شده است، بین تمامی مؤلفه‌ها با یکدیگر همبستگی معناداری وجود دارد ( $P < 0/01$ )؛ از این رو، مؤلفه‌های ذکر شده همبستگی مناسبی با یکدیگر دارند. همچنین، برای تعیین اولویت بین مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر المپياد ورزشی درون مدرسه‌ای، از آزمون فریدمن استفاده شد (جدول شماره شش).

جدول ۶- نتایج آزمون فریدمن در خصوص اولویت‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

عوامل	میانگین رتبه	تعداد	خی - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
منابع فرهنگی	۴/۲۶	۲۵۰	۹۷/۴۶۵	۵	۰/۰۰۱
منابع مالی	۳/۸۱				
منابع انسانی	۳/۴۷				
منابع مادی و تسهیلاتی	۳/۴۱				
منابع مدیریتی	۳/۱۱				
منابع فناوری	۲/۹۴				

همان‌طور که در جدول شماره شش ملاحظه می‌شود، سطح معناداری آزمون فریدمن کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، بین مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای اولویت معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، پایین‌ترین میانگین رتبه مربوط به مؤلفه منابع فناوری و بالاترین میانگین رتبه مربوط به مؤلفه منابع فرهنگی است. در ادامه، با توجه به غیرطبیعی بودن توزیع داده‌ها، برای تعیین وضعیت مؤلفه‌های مورد بررسی از آزمون دوجمله‌ای به شرح زیر استفاده شد (جدول شماره هفت).

جدول ۷- آزمون توزیع دوجمله‌ای (تعیین وضعیت مؤلفه‌های پژوهش)

مؤلفه‌ها	طبقه	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معناداری
منابع انسانی	$m \leq 3$	۱۳	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۳۷	۰/۹۵		
منابع مدیریتی	$m \leq 3$	۱۸	۰/۰۷	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۳۲	۰/۹۳		
منابع مالی	$m \leq 3$	۲۴	۰/۱۰	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۲۶	۰/۹۰		
منابع فناوری	$m \leq 3$	۳۰	۰/۱۲	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۲۰	۰/۸۸		
منابع مادی و تسهیلاتی	$m \leq 3$	۲۴	۰/۱۰	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۲۶	۰/۹۰		
منابع فرهنگی	$m \leq 3$	۱۰	۰/۰۴	۰/۵	۰/۰۰۱
	$m < 3$	۲۴۰	۰/۹۶		

براساس نتایج جدول شماره هفت مشخص می‌شود که بین میانگین‌های مشاهده شده با میانگین بهینه تمامی مؤلفه‌ها، در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ تفاوت معناداری وجود دارد. براساس داده‌های جدول شماره هفت، در مورد مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای می‌توان گفت که در تمامی موارد، میانگین مشاهده شده بالاتر از میانگین بهینه (فرضی) بوده است؛ در نتیجه، تمامی مؤلفه‌های پژوهش از وضعیت مناسبی برخوردار هستند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در سه سال اخیر، المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای مورد توجه ویژه مدیران ارشد، والدین و دبیران ورزش آموزش و پرورش قرار گرفته است؛ در نتیجه، باید یک برنامه‌ریزی راهبردی<sup>۱</sup> برای برگزاری المپیاد

### 1. Strategic



ورزشی درون‌مدرسه‌ای در نظر گرفت. لازمه تدوین این برنامه راهبردی، آگاهی کامل از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای و همچنین، در نظر گرفتن اولویت و مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای است که در این پژوهش، مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، ارتباط مؤلفه‌ها با یکدیگر و اولویت مؤلفه‌ها از دیدگاه مدیران، اولیا و دبیران تربیت‌بدنی شناسایی و بررسی شده‌اند. همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، بین مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای اولویت وجود دارد. مؤلفه منابع اخلاقی در اولویت اول، منابع مالی در اولویت دوم، منابع انسانی در اولویت سوم، منابع مادی و تسهیلاتی در اولویت چهارم، منابع مدیریتی در اولویت پنجم و منابع فناوری در اولویت ششم قرار گرفته‌اند. این مطلب با نتایج پژوهش‌های اسپنسر (۲۰۰۷)، اشراقی (۱۳۹۴)، نیارمی، دوستی و درویشی (۱۳۹۵) و رعنائی و ساعتچیان (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. در این زمینه، رعنائی و ساعتچیان (۱۳۹۵) بیان کردند که مؤلفه‌های منابع انسانی (دانش‌آموزان، مدیران، مربیان پرورشی، معلمان ورزش و اولیا از ارکان اجرایی اصلی هستند)، منابع مدیریتی، منابع مالی (بودجه مدرسه و کمک‌های اولیا)، منابع مرتبط با سلامت (سلامت روحی، سلامت جسمی و نشاط و شادابی)، منابع اخلاقی (جوانمردی، منش پهلوانی و هویت ملی)، منابع ورزشی (ورزش همگانی، استعدادیابی و مهارت‌های ورزشی)، منابع تسهیلاتی (امکانات و تجهیزات)، منابع فناوری (اطلاع‌رسانی، تبلیغات و تکنولوژی) و منابع بازاریابی، به‌عنوان عوامل مؤثر در پیشبرد موفقیت‌های طرح‌های ورزشی آموزش‌وپرورش هستند. همچنین، اشراقی (۱۳۹۴) اذعان کرد که فضا، تجهیزات و برنامه‌ریزی، معلمان مجرب، مدیران باکفایت و انگیزش دانش‌آموزان، از عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ داوطلبی در آموزش‌وپرورش با تأکید بر نقش المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای هستند؛ از این‌رو، در ادامه علاوه بر بررسی دقیق ویژگی‌های موفقیت هر مؤلفه، به بیان پیشنهادها کاربردی برای ادامه روند روبه‌پیشرفت این طرح پرداخته می‌شود.

در رابطه با مؤلفه منابع اخلاقی نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با نتایج پژوهش‌های قاسم‌نژاد، حیدری، قربانزاده، غلام‌پور و بهزادنی (۱۳۹۰)، حامدی و حسینی (۱۳۹۳) و شعبانی بهار، عرفانی و اشراقی (۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد و یافته‌های پژوهش حاضر را در زمینه کمک به بهبود سلامت جسمی و رفتاری دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای تأیید می‌کنند.

حامدی و حسینی (۱۳۹۳) طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را مناسب توسعه آمادگی جسمانی و سلامت دانش‌آموزان، به‌دنبال ایجاد فرصت مشارکت وسیع‌تر در فعالیت‌های ورزشی دانستند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که این طرح می‌تواند با پر کردن بخشی از اوقات فراغت دانش‌آموزان، در کاهش آسیب‌های اجتماعی و سلامت رفتاری دانش‌آموزان نقش بسزایی داشته باشد. همچنین،

شعبانی بهار، عرفانی و اشراقی (۱۳۹۳) تربیت‌بدنی و ورزش را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار مختلف جوامع بشری می‌دانند که وجود و حیات دارد و با شتاب هرچه‌بیشتر، در حال رشد، توسعه و تکامل است. این مهم به‌دلیل پذیرش و اعتقاد افکار عمومی به نقش تربیت‌بدنی و ورزش و شناخت خوب غالب افراد جوامع از میزان کارایی و تأثیر مثبت آن بر تأمین سلامتی، تقویت بنیه جسمانی، پرورش ابعاد روحی، روانی، اجتماعی و غنی‌سازی بخشی از اوقات فراغت به‌عنوان بعد همگانی و کسب افتخارات آن است. همچنین، رایت و همکاران (۲۰۰۹) با انجام پژوهش خود بر تأثیر مثبت ورزش بر سلامت روانی و جسمانی تأکید کردند. در همین زمینه، پیل و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی فعالیت جسمانی و سلامت جسمانی را اندازه‌گیری کردند. آن‌ها دریافتند که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی مشکلات روانی کمتر و سلامت جسمانی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دیگر داشتند. همچنین، دینوت (۲۰۰۵) تأثیر فعالیت جسمانی منظم بر سلامت جسمانی و روانی را بررسی کرد. وی دریافت که فعالیت جسمانی منظم باعث کاهش استرس، اضطراب و ناامیدی در افراد می‌شود و در نتیجه، موجب بهبود و افزایش سلامت رفتاری می‌شود. همچنین، قاسم‌نژاد، حیدری، قربانزاده، غلام‌پور و بهزادنیا (۱۳۹۰)، بیان کردند که تربیت‌بدنی و ورزش فرصت مناسبی برای رشد و توسعه ابعاد مختلف شخصیتی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و روانی هستند و کودکان، نوجوانان و جوانان با شرکت در برنامه‌های تربیت‌بدنی و ورزشی، به توسعه و پرورش عادت‌ها و خصلت‌های نیکو می‌پردازند. از این‌رو، با توجه به مطالب ذکر شده و براساس تحلیل موضوعی مؤلفه مورد بررسی می‌توان گفت که نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نظرهای پژوهشگرانی که نتایج مطالعات آنان ذکر شد، همسویی دارد؛ در نتیجه، کارشناسان و مدیران ارشد تربیت‌بدنی باید این نکته را با اهمیت بدانند که ورزش یکی از روش‌های تعدیل‌کننده مسائل روانی افراد است و می‌تواند هیجان‌های آن‌ها را در مسیری درست قرار دهد و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری افراد را تغییر دهد و مسئولان باید این نکته را در بطن المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای نهادینه کنند. همچنین، با توجه به مطالب ذکر شده، به نظر می‌رسد که شرکت دانش‌آموزان در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای باعث کمک به توسعه روحیه اجتماع‌پذیری در آن‌ها می‌شود و با تقویت جنبه‌های نشاط و شادابی در دانش‌آموزان، علاوه بر بهبود سلامت روانی آن‌ها، به افزایش سلامت جسمی و رفتاری‌شان نیز کمک می‌کند؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود برای برنامه‌ریزی هرچه‌بهرتر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای به منبع اخلاقی که از اولویت زیادی برخوردار است، توجه شود. همچنین، توجه ویژه‌ای به نحوه تعاملات رفتاری بین دانش‌آموزان در حین مسابقات از طریق برگزاری مسابقات برای افراد کم‌توان ذهنی و جسمی شود تا علاوه بر افزایش جنبه‌های مختلف سلامتی دانش‌آموزان، به بهبود روابط اجتماعی مفید در کنار روحیه شاداب آن‌ها کمک شود.

در رابطه با مؤلفه منابع مالی، نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با نتایج مطالعات منظمی، علم و شتاب بوشهری (۱۳۹۰)، خداداد کاشی و کریم‌نیا (۱۳۹۲) و اندام، مهدی زاده و تقی پور جهرمی (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد. اندام، مهدی زاده و تقی پور جهرمی (۱۳۹۲) براساس تحلیلی عاملی، عامل توسعه زیرساخت و مدیریت اقتصادی، سرمایه اجتماعی، توسعه و ارتقای همدلی و رفاقت و نیز توسعه فرهنگی را به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در برگزاری رویدادهای ورزشی شناسایی کرد. منظمی، علم و شتاب بوشهری (۱۳۹۰) نیز مجموعه عوامل مالی و امکاناتی را از دیدگاه مدیران زن از بین عوامل چهارگانه‌ای که در پژوهش خود عنوان کرده بودند، در اولویت اول تأثیرگذاری بر توسعه و پیشرفت و موفقیت تربیت‌بدنی قرار دادند. همچنین، جعفری کویایی، حمیدی و نظری (۱۳۹۵) مهم‌ترین نقاطضعف المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را تخصیص‌ندادن اعتبارات و پرداخت‌نشدن حق‌الزحمه به مجریان طرح بیان کردند. در رابطه با جذب سرمایه‌گذاری در ورزش دانش‌آموزی، رعنائی و ساعت‌چیان (۱۳۹۵) بیان کردند که مقوله بازاریابی المپیاد ورزشی فرصتی ارزشمند را برای راه‌اندازی نظام بازاریابی ورزش دانش‌آموزی با تکیه بر حمایت‌های معنوی و مالی کوچک، اما فراگیر در سطح کشور فراهم می‌آورد که این امر از طریق مشارکت‌دادن استانداری‌ها، شهرداری‌ها، شرکت‌ها و هیئت‌های ورزشی، کمک‌های داوطلبانه خانواده‌ها و فدراسیون‌های مختلف کشور محقق می‌شود. همچنین، توجه به مؤلفه‌های رهبری و مدیریت ورزش قهرمانی، ورزش پهلوانی و اطلاع‌رسانی از طریق صداوسیما می‌تواند در موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای مؤثر باشد.

با توجه به مطالب ذکرشده، به نظر می‌رسد که با جذب سرمایه‌گذاری در ورزش دانش‌آموزی، از طریق راه‌اندازی نظام بازاریابی ورزش دانش‌آموزی، برنامه‌ریزی علمی و دقیق مالی، تخصیص بودجه به المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای و حمایت مالی و دادن پاداش‌های نقدی و غیرنقدی به دانش‌آموزان که باعث انگیزه برای دانش‌آموزان شرکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای می‌شود، می‌توان المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را به‌سمت یک طرح ملی موفق و بسیار کارآمد سوق داد؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود از آنجایی که آموزش و پرورش اصلی‌ترین محل پرورش نیروی انسانی است و با سایر نهادها و سازمان‌های اجتماعی تعاملی انکار نشدنی دارد، مشارکت و حضور استانداریان، فرمانداران، بخشداران، شهرداران، نیروی انتظامی و پایگاه‌های بسیج و سایر ذی‌نفعان محلی در مراسم افتتاحیه و برگزاری المپیادهای ورزشی درون‌مدرسه‌ای، در کنار دانش‌آموزان و حمایت از آنها با عنوان‌های مختلف مالی، امنیتی، اجرایی و غیره، بر شکوه المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای می‌افزاید.

در رابطه با مؤلفه منابع انسانی، نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با نتایج مطالعات حلاجی و ابراهیم (۱۳۸۹) و سالاری و بادامی (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد.

با استناد به یافته‌های حلاجی و ابراهیم (۱۳۸۹) و سالاری و بادامی (۱۳۹۳) که رویکرد ورزشی افراد را با دیدگاه آن‌ها از خود به‌عنوان یک ورزشکار و انگیزش پیشرفت ورزشی را با میزان تجارب ورزشکاران مرتبط دانسته‌اند و همچنین، با توجه به اینکه میزان فعالیت افراد تا حد زیادی تحت تأثیر باور آن‌ها دربارهٔ نتایج احتمالی این فعالیت‌ها قرار می‌گیرد، می‌توان چنین برداشت کرد که ورزشکاران موفق به دلیل داشتن تجارب ورزشی در سطوح مختلف رقابتی، انتظاراتشان از توانایی‌های خود به عنوان یک ورزشکار موفق بالا رفته است. این امر سبب می‌شود که برای رسیدن به اهداف و برآورده کردن انتظارات خود و دیگران از هیچ تلاش و پشتکاری دریغ نکنند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، محققانی که نقش عامل منابع انسانی را تأیید کردند، حتی اگر دستیابی به آن نتایج خیلی مشکل باشد، بازهم برای رسیدن به آن‌ها تلاش بیشتری می‌کنند و این میزان تلاش، تفاوت در انگیزش پیشرفت ورزشکاران موفق و ناموفق را توجیه می‌کند.

با توجه به مطالب ذکرشده، به نظر می‌رسد که انگیزه مهم‌ترین عامل بهره‌وری در رویدادهای ورزشی است. با توجه به این مطلب، معلمان تربیت‌بدنی در مدارس باید با عوامل و مؤلفه‌های مربوط به انگیزش پیشرفت ورزشی آشنایی داشته باشند تا بتوانند به‌درستی انگیزش دانش‌آموزان را با انگیزش پیشرفت حفظ کنند و ارتقا دهند و انگیزش دانش‌آموزان کم‌انگیزه را افزایش دهند و بدین ترتیب، در اجرای رقابت‌های المپیاد درون‌مدرسه‌ای در جایگاه موفق قرار گیرند. با توجه به این مطلب باید حس رقابتی ورزشی سالمی با برنامه‌ریزی‌های مناسب در بین دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای ایجاد کرد؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان در تجربیات حرکتی خود به موفقیت برسند و این باعث می‌شود که دانش‌آموزان به روحیهٔ خودباوری و اعتمادبه‌نفس بالا برسند. با آماده کردن چنین شرایطی، دانش‌آموزان داوطلبانه و با انگیزش فراوانی وارد مسابقات المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای می‌شوند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. این امر بهترین شرایط را برای استعدادیابی آن‌ها در اختیار دبیران تربیت‌بدنی قرار می‌دهد تا آن‌ها استعدادها را شناسایی کنند و در مسیری درست هدایت کنند؛ از این‌رو، اگر دانش‌آموزان شایستگی و انگیزهٔ لازم برای فراگیری و انجام مهارت‌های ورزشی داشته باشند، تلاش و پشتکار بیشتری را نشان خواهند داد. به‌طور کلی، توصیه می‌شود معلمان تربیت‌بدنی با برنامه‌ها و طرح درس‌های صحیح و فراهم کردن محیط آموزشی مناسب، به‌گونه‌ای دانش‌آموزان را راهنمایی کنند که به تجربیات موفق در جهت پیشرفت انگیزشی خود در هر سه مؤلفهٔ رقابت‌گرایی، پیروزی‌گرایی و هدف‌گرایی دست یابند. همچنین، پیشنهاد می‌شود تا معلمان تربیت‌بدنی در برنامه‌ریزی هرچه بهتر المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای به منبع انسانی که یکی از عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای است، توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین، معلمان تربیت‌بدنی با مشارکت دادن داوطلبانهٔ دانش‌آموزان و توجه به تلاش و مهیا کردن شرایطی از

قبیل قرار دادن جوایز نقدی و غیرنقدی و تقدیر و تشکر، انگیزه آن‌ها را افزایش دهند و را با برگزاری مسابقات در شرایط و اماکن ورزشی مناسب، حس رقابتی را بین آن‌ها تقویت کنند و درنهایت، به روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس بالایی برسانند تا بتوانند بهترین استعدادها را شناسایی کرده و در مسیر درست هدایت کنند.

در رابطه با مؤلفه منابع مادی و تسهیلاتی، نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با نتایج پژوهش‌های اشراقی (۱۳۹۴) و سامی (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. برگزاری کارگاه‌ها، راه‌اندازی کمیته‌های تحقیقاتی، اطلاع‌رسانی، تعامل و مشارکت مدیران، دبیران تربیت‌بدنی، مربیان پرورشی و اولیا و همچنین، استفاده از اماکن و فضاهای ورزشی مجهز در برگزاری و موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای بسیار مؤثر هستند. پژوهش‌های زیادی درباره تأثیر تجهیزات و فضای ورزشی مناسب بر ساعت‌های تربیت‌بدنی و مسابقات تربیت‌بدنی انجام شده‌اند که از جمله فارسی و همکاران (۱۳۸۶)، افضل‌پور، زرنگ و خوشبختی (۱۳۸۶)، شعبانی‌بهار، عرفانی و اشراقی و همکاران (۱۳۸۴)، رضوی، شعبانی بهار و سجادی (۱۳۹۰)، طلایی (۱۳۹۲) و گودرزی (۱۳۹۲) بر کمبود تجهیزات و فضای ورزشی موجود برای اجرای ساعت‌های درس تربیت‌بدنی و مسابقات تربیت‌بدنی تأکید داشته‌اند. آن‌ها معتقدند که مؤلفه مادی و تسهیلاتی از عوامل مهم و بسیار تأثیرگذار بر موفقیت و توسعه ورزش دانش‌آموزی است. همچنین، حبیب‌نیارمی، دوستی و درویشی (۱۳۹۵) در بین مشکلات موجود در برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، به رعایت نکردن نکات ایمنی و نبود فضای مناسب برای برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای اشاره کردند و آن‌ها را بسیار تأثیرگذار دانستند.

با توجه به مطالب ذکرشده، به نظر می‌رسد که تعامل و داشتن رابطه‌ای صمیمی بین مدیران ارشد و مسئولان برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، توجه به گسترش و احداث فضای ورزشی، در اختیار مدارس گذاشتن امکانات ورزشی، برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های علمی و آموزشی، راه‌اندازی کمیته تحقیقات و انجام پژوهش درباره برگزاری المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای، زیرساخت موفقیت طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای را رقم می‌زند؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که مدیران و مسئولان با ارتقای سطح دانش علمی، فنی و تخصصی مجریان برگزارکننده طرح المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و راه‌اندازی کمیته تحقیقات و همچنین، در اختیار مدارس قرار دادن فضای ورزشی و امکانات ورزشی برای موفقیت المپیاد ورزشی، نقش بسیار مؤثری را ایفا کنند. در رابطه با مؤلفه منابع مدیریتی، نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با نتایج مطالعات منتظری، غفوری و اندام (۱۳۸۹)، مقصودگردان و میرکمالی (۱۳۹۰) و اندام، مهدی زاده و تقی‌پورجهرمی (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد. این پژوهشگران نیز منابع مدیریتی را از

عوامل مهم در توسعه و تعمیم ورزش در مدارس می‌دانند. بسیاری از پژوهشگران مشکلات موجود در برگزاری المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای را ناآگاهی از اهداف و همکاری نکردن عوامل برگزارکننده از جمله معلمان تربیت‌بدنی می‌دانند. یافته‌های افضل‌پور، زرنگ و خوشبختی (۱۳۸۶)، شعبانی‌بهار و همکاران (۱۳۸۷)، رضوی و همکاران (۱۳۹۰) و طلایی (۱۳۹۳) گواه این مطلب هستند. همچنین، بی‌توجهی مسئولان و نبود حمایت و بازخورد آنان به برگزارکنندگان، یکی از مشکلات این طرح است. افضل‌پور، زرنگ و خوشبختی (۱۳۸۶) بیان کردند که نبود پیگیری و نظارت قوی مسئولان تربیت‌بدنی، انجمن اولیا و مربیان در پیشبرد اهداف درس، از عوامل شکست طرح و مسابقات ورزشی است؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود مدیران بالادستی با برنامه‌ریزی دقیق، تدوین تقویم ورزشی، ارزیابی عملکرد منسجم از نحوه اجرای مسابقات المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای، حمایت مداوم مالی، مدیریتی و غیره و به‌کارگیری داوطلبانه دانش‌آموزان فعال مدرسه می‌توانند به موفقیت و تداوم طرح المپیاد کمک کنند. سازمان‌ها و طرح‌های ورزشی همانند اکثر سازمان‌ها و نهادهای سایر حوزه‌ها برای بقا و دوام در عرصه رقابت به سازمانی راهبردی محور تبدیل شده‌اند؛ به‌طوری‌که بسیاری از سازمان‌های ورزشی کشورهای مختلف براساس مأموریت خود راهبرد لازم را تهیه کردند و با اجرای آن به موفقیت‌های خوبی دست یافتند.

در رابطه با مؤلفه منابع فناوری، نتایج نشان داد که این مؤلفه از وضعیت مناسبی برخوردار است که این مطلب با مطالعه جعفری کوپایی، حمیدی و نظری (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. با توجه به شرایط جامعه، دانش و فناوری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت و رشد ورزشی و نیز مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی هستند. همچنین، بی‌توجهی رسانه‌ها، پوشش خبری ضعیف و ناتوانی در بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، از نقاط ضعف المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای هستند. با توجه به مطالب ذکرشده، به‌نظر می‌رسد که رسانه‌های جمعی ورزشی با توجه به اخبار و حواشی این طرح و همچنین، تبلیغ و بازاریابی ورزشی در حاشیه برگزاری رویدادها می‌توانند به‌طور ویژه از طرح المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای حمایت کنند و آن را پوشش دهند. همچنین رسانه‌های جمعی ورزشی، اهمیت این طرح را شفاف‌سازی می‌کند و نیز استفاده از امکانات و فناوری‌ها می‌تواند اثرهای بسیار مفیدی بر موفقیت المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای بگذارد. فضاهای مجازی و اینترنتی زمینه‌ای بسیار مناسب برای تبلیغات و اطلاع‌رسانی این طرح مهم ملی هستند؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود روابط عمومی آموزش و پرورش نیروهای را ویژه اطلاع‌رسانی و پوشش خبری از همه جوانب المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای از افتتاحیه تا اختتامیه، به‌کار گیرد.

### تقدیر و تشکر

از همه دبیران تربیت بدنی، اولیای محترم دانش آموزان و مدیران مدارس شهرستان مانه و سملقان که در انجام این پژوهش، اعضای تیم پژوهش را یاری کردند، تقدیر و تشکر می شود.

### منابع

1. Afzal Pour, M., S., Zarang, M., & Khoshbakhti, J. (2007). Evaluation of the implementation of the physical education course in the first and second elementary schools of South Khorasan province. *Research in Sports Science*, 55, 107-125. (Persian).
2. Andam, R., Mahdizadeh, R., & Taghipour Jahromi, F. (2013). Study the effects of sport events on the host society (Case study of Birjand University hosts eleventh cultural sport Olympiad for female university students across the country). *Contemporary Research in Sport Management*, 6, 73-86. (Persian).
3. Ardoy, D. N., Fernández Rodríguez, J. M., JiménezPavón, D., Castillo, R., Ruiz, J. R., & Ortega, F. B. (2014). A physical education trial improves adolescents' cognitive performance and academic achievement: the EDUFIT study. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 1, 52-61.
4. Azar, A., & Gholamzadeh, R. (2015). *Partial least squares: Structural equation modeling (pls-sem)*. Tehran: Negahe Danesh Publication.
5. Cory, J., Blomfield, B., Barber, L. (2009). Australian adolescent extracurricular activity participation and self-concept. *Journal of Adolescent*, 32(3), 733-739.
6. Sami, S. (2017). Education is the birthplace of sports talents. *The Growth of Physical Education*, 3, 47-51. (Persian).
7. Eshraghi, A. (2015). Intramural sports Olympiad an evolving in the bidding movement. *Physical Education Growth Journal*, 66, 95-100. (Persian).
8. Ghasem Nejad, R., Heydari, S., Ghorbanzadeh, S. G., Gholampour, M., & Behzadnia, B. (2011). Comparison of educational status and social behavior of athletic and non-athlete students from the viewpoint of teachers, *Journal of Sport Sciences*, 13, 67-80. (Persian).
9. Goudarzi, M. (2012). Determine the status of the physical education department of Payame Noor University using SWOT analysis. *Applied Research in Sports Management*, 2(2), 61-74. (Persian).
10. Habib Niarami, S., Doosti, M., & Darvishi, A. (2016). Identifying the problems and benefits of implementing an in-school Olympiad with a case study of Mazandaran province. *New Approaches to Sport Management*, 4(13), 49-59. (Persian).
11. Halaji, M., & Ebrahim, K. (2010). *Understanding the fundamentals and process of sports talent (3rd Ed.)*. Tehran: Bamdad Ketab. (Persian).

12. Hamed, S., & Hosseini, S. H. (2014). Shining effects of indoor school sports Olympiads. *Physical Education Education Growth Magazine*, 53, 50-53. (Persian).
13. Jafari Koupaei, A., Hamidi, M., & Nazari, R. (2015). Developing a strategic plan for the development of elementary sports Olympiads in Isfahan province. Paper presented at The International Conference on New Research Findings in Sport Sciences, Tehran. (Persian).
14. Kalashi, M., Hosseini, S. E., Ebrahimipour, T., Yamini Firooz, M. (2015). Determining the role of sport and physical activity in establishing health society by emphasis on decreasing crimes and substance abuse. The first scientific and expert conference of physical education association and sport science in Iran, Tehran, Shahid Beheshti University.
15. Khodad Kashi, F., Karim Nia, E. (2016). Investigating the impact of economic and social factors on the sporting success of nations in the Olympic Games (1996-2012). *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*, 25, 43-67. (Persian).
16. Kouzehchian, H. (2001). Investigating the quantitative and qualitative status of physical education and sports in Markazi province from the viewpoint of officials and sports coaches. *Sport Management Journal*, 7, 91-99. (Persian).
17. Maghsoudgaran, A., Mirkamali, S. M. (2010). Managing physical education classes in schools and delivering strategies to optimize it. *Growth in Physical Education*, Vol. 17, Issue 2, 48-52. (Persian).
18. Monazami, M., Alam, S., & Shetab Boushehri, N. (2011). Determining the factors affecting the development of physical education and women's sports of the Islamic Republic of Iran. *Sport Management Journal*, 10, 151-168. (Persian).
19. Montazeri, A., Ghafouri, F., Andam, R. (2010). Investigating the relationship between motivation and satisfaction with the commitment of sport volunteers of the 10<sup>th</sup> sporting Olympiad of the country. (Unpublished master' thesis). Allameh Tabatabaei University, Tehran. (Persian).
20. Nikkhoo, M., Mohammadi, N., Barari, A. R. (2015). Relationship between intramural sports Olympiad with achieves the objectives of fundamental transformation document ministry of education. *International Journal of Sport Studies*, 5(7), 890-894.
21. Ranaei, M., & Saatchan, V. (2016). Surveying study of factors influencing the success of the In-School sports Olympiad. Paper presented at The First National Conference on The Achievements of Student Sport in the Country, Sanandaj. (Persian).
22. Razavi, M. H., Shabani Bahar, G., & Sajadi, S. A. (2011). The analysis of factors affecting the quality of the physical education section of secondary schools from the point of view of sports teachers. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 7(4), 103-112. (Persian).
23. Reshadatjoo, S., & Khademi, M. (2015). The effect of school-based sporting Olympiad on mental health of high school girl students in Tehran. Paper presented at



- The Third National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran. (Persian).
24. Salari, K., & Badami, R. (2014). The relationship between social support of physical education teachers and students' motivation for sport activities. *Sports Psychology Studies*, 8, 49-58. (Persian).
  25. Sami, S. (2016). Development of comprehensive partnerships in the field of physical education. Goals, goals, strategies, suggestions. *Physical Education Education Growth Magazine*, 11, 12-20. (Persian).
  26. Shabani Bahar, G., Erfani, N., & Eshraghi, A. (2005). Investigating factors affecting the quality of physical education in secondary schools from the point of view of sports teachers. *Research Journal in Sport Science*, 5(3), 143-156. (Persian).
  27. Smith, A., Fox, T. (2007). From event-led to event-themed regeneration: the 2002 commonwealth games legacy programmed. *Urban Studies*, 5, 1125-1143.
  28. Soleymani, M., & Gharekhani, H. (2016). The role of sports and competitions in the happiness of students with a special look at the school's sport Olympiad. *Physical Education Growth Magazine*, 59, 41-45. (Persian).
  29. Spencer, T. (2007). The role of research in the lives of people with disability: Too little too late? *The Exceptional Parent*, 37(5), 78-82.
  30. Talaei, A. (2014). Identification of barriers to the implementation of national student sports designs in Mazandaran provinces. (Unpublished master' thesis). Mazandaran University, Babolsar. (Persian).
  31. Torabi, A. (2014). Families and intramural sports Olympiad. *Weekly Look at the 20th Century*, 516, 1-3. (Persian).

## استناد به مقاله

ساعت‌چیان، وحید، کشتی‌دار، محمد، رعنائی، مژگان، عزیزی، بهادر. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مؤثر بر موفقیت المپیاد ورزشی درون‌مدرسه‌ای. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۹-۶۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5036.1384

Saatchian, V., Keshtidar, M., Ranaei, M., Azizi, B. (2019). Explaining the Factors Affecting the Success of the Intramural Sports Olympiad. *Research on Educational Sport*, 7(16): 39-60. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5036.1384

## تحلیل محتوای پژوهش‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در ایران

حمید قاسمی<sup>۱</sup>، میثم عسگرشمسی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور

۲. دانشجوی مقطع دکترای مدیریت ورزشی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، دبیر تربیت‌بدنی آموزش و پرورش شهرستان تنکابن و مدرس مدعو دانشگاه پیام نور مرکز رامسر\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل محتوای پژوهش‌های حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در ایران بود. نوع پژوهش، آمیخته و مبتنی بر تحلیل محتوا برای ارزیابی محتوای مقالات بود. نمونه آماری، کل‌شمار و شامل مقالات منتشرشده و مرتبط در نشریات علمی-پژوهشی ایران تا پایان سال ۱۳۹۶، برابر با ۸۴۳ مقاله بود. بیشتر پژوهش‌ها در فصلنامه «رشد و یادگیری حرکتی» دانشگاه تهران با ۸۷ مقاله منتشر شدند. محور اصلی پژوهش‌ها، در حوزه‌های مدیریت ورزشی؛ عوامل رفتار سازمانی دبیران تربیت‌بدنی و دانش‌آموزان، در روان‌شناسی؛ مسائل مربوط به انگیزش، اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان، در رفتار حرکتی؛ مرتبط با یادگیری حرکتی و عملکرد ادراکی- حرکتی، در فیزیولوژی؛ مربوط به علم تمرین، تغذیه و ترکیب بدنی، در طب ورزشی؛ مرتبط با توان‌بخشی و اصلاح ناهنجاری‌های قامتی بودند. در ۵۵ درصد از پژوهش‌ها از روش نیمه‌تجربی استفاده شد. بیش از ۹۷ درصد از پژوهش‌ها دارای هدف کاربردی بودند. گروه دانش‌آموزان با ۶۲ درصد، سطح تحلیل غالب پژوهش‌ها بودند و ۷۲ درصد از مطالعات روی دانش‌آموزان انجام شد. ۹۸/۵ درصد از پژوهش‌ها با داده‌های مقطعی با ابزار پروتکل پژوهش ۵۵/۵ درصد انجام شدند. از داده‌های طولی استفاده نشد. ۱۵ درصد از پژوهش‌ها در تهران و ۱۰ درصد به‌طور ملی انجام شدند که بیشتر توسط سه نویسنده (۷۰/۵ درصد) منتشر شدند. حداقل یک نویسنده زن در ۵۵ درصد از پژوهش‌ها بود. از سال ۱۳۹۰ به بعد، روند پژوهشی در این حوزه رشد چشمگیری دارد؛ بنابراین، انتظار می‌رود این پژوهش‌ها علاوه بر شناسایی مسائل، مشکلات و محدودیت‌های موجود و گذشته، رویکردی آینده‌نگر برای کشف فرصت‌ها و جهت‌دهی کارکنان اجرایی و ستادی به سلامت، خلق ارزش‌های فرهنگی، تربیتی و اخلاقی در ورزش دانش‌آموزی اتخاذ کنند.

**واژگان کلیدی:** تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی، تحلیل محتوا، پژوهش‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی، ایران.

## مقدمه

در دنیای امروز، دانایی یکی از محورها و شاخص‌های اصلی پیشرفت و تعالی هر جامعه به‌شمار می‌رود. سنجش سطح دانایی به میزان تولید و مصرف اطلاعات و گسترش دانایی به دسترسی سریع و آسان به منابع علمی موثق وابسته است. دانسته‌های ما یا با مطالعه منابع اطلاعاتی موجود یا با پژوهش‌هایی که انجام می‌دهیم، به‌دست می‌آیند. اگر این دانسته‌ها بر پایه نتایج پژوهش‌های قبلی باشند، درواقع، به مصرف اطلاعات پرداخته‌ایم و اگر مبتنی بر مشاهده‌ها و تحلیل‌های جاری باشند، تلاش ما به تولید اطلاعات منجر شده است؛ بنابراین، منبع اصلی تولید اطلاعات و دانش جدید حاصل فعالیت‌های پژوهشی‌ای است که انجام می‌شوند. پژوهش، کوشش برای یافتن بهترین راهکارهای ممکن برای حل مشکلات موجود در عرصه‌های زندگی است (غفاری، ۱۳۹۱). قانون اساسی به‌صورت کلی و در اصول متعددی به مسئله مهم مطالعه، پژوهش، نوآوری و خلاقیت اشاره کرده است. بندهای الف و ب اصل دوم قانون اساسی، بندهای دوم و چهارم اصل سوم و اصل ۲۴ قانون اساسی، به بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی از طریق تأسیس مراکز پژوهشی و تشویق پژوهشگران اشاره دارند. طبق اصل سوم، دولت موظف است همه امکانات خود را برای دستیابی به این امور به‌کار بندد؛ بنابراین، یکی از وظایف اصلی مسؤولان حکومت اسلامی، افزایش سطح معلومات عمومی مردم و تقویت پژوهش و تشویق پژوهشگران عنوان شده است (قانون اساسی ج.۱، ۱۳۶۸). پژوهش، گسترش مرزهای دانش در حوزه‌های علمی - پژوهشی و تکامل هر زمینه علمی مانند تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی را فراهم می‌کند. توجه به ورزش و تربیت‌بدنی در جمعیت دانش‌آموزی، مهم‌ترین رویکرد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در جهان است. در ایران نیز طی سال‌های اخیر، اقدامات و برنامه‌های نسبتاً خوبی در جهت افزایش سلامت جسمی و روحی در میان دانش‌آموزان کشور اجرا شده‌اند.

طبق نمودار سازمانی وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش یکی از شش معاونت زیرنظر وزیر آموزش و پرورش است که دارای سه دفتر است: ۱- دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی؛ ۲- دفتر امور سلامت و تندرستی؛ ۳- دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی و همچنین، دارای دبیران و آموزگاران درس تربیت‌بدنی و مراقبان سلامت در بخش عملیاتی در مدارس سطح کشور است. معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان متولی ورزش دانش‌آموزی کشور، طرح‌ها و برنامه‌های متعددی را در جهت رشد و توسعه ورزش در میان جمعیت میلیونی دانش‌آموزی کشور اجرا کرده است. در حال حاضر، کمبود امکانات و زیرساخت‌های ورزش و کمبود معلمان تربیت‌بدنی را می‌توان از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه ورزش در مدارس دانست. با توجه به ارائه برخی آمارهای نگران‌کننده از افزایش استفاده از دخانیات و حتی موادمخدر در میان بخشی از جمعیت دانش‌آموزی کشور و خطرهای جدی آن، ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌توانند

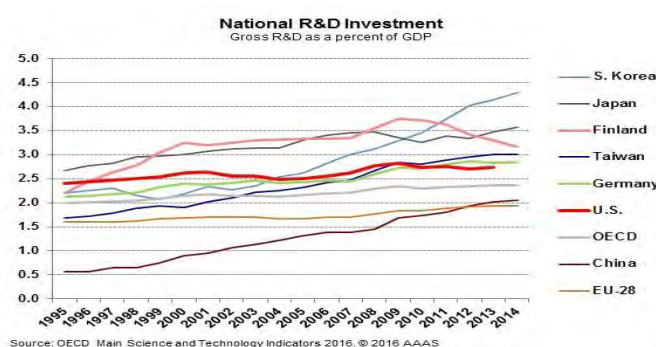
به‌عنوان راهکاری اساسی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در مدارس، به‌کار گرفته شوند. در این میان، نقش معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان متولی این بخش بسیار مهم و حیاتی است (سامانه وزارت آموزش و پرورش).

پژوهش‌های حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران قدمتی بیش از ۲۰ سال دارند و این حوزه، به‌عنوان حوزه علمی مهمی در بین پژوهشگران زیادی مطرح است. امروزه، هم‌زمان با توجه گسترده به پژوهش‌ها در این حوزه، رشد تعداد پژوهشگران، رشد تعداد مقالات منتشرشده، رشد تعداد کنفرانس‌ها و مجلات علمی متمرکز بر حوزه تربیت‌بدنی و ورزش وزارت آموزش و پرورش به‌ویژه دبیران تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در مدارس نیز اتفاق افتاده است که به پراکندگی زیاد پژوهش‌ها و موضوع‌های پژوهشی منجر شده است که بیشتر ناشی از نبود درک یکسان از مفهوم تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در مدارس و دیدگاه متفاوت پژوهشگران و حوزه‌های متنوع علوم ورزشی و تربیت‌بدنی است. از ۲۰ سال گذشته تاکنون، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزان، بیشتر بر پنج حوزه مدیریت، روان‌شناسی، بیومکانیک، فیزیولوژی (تن‌کارکردی) و طب ورزشی در تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی تمرکز کرده‌اند. با تغییرات سریع در نیازها و انتظارات دانش‌آموزان و برنامه‌های متنوع نظیر طرح‌های ملی ورزشی و کتاب‌های راهنمای تدریس درس تربیت‌بدنی و برگزاری المپیادهای ورزشی دانش‌آموزی درون‌مدرسه‌ای، تأمین این نیازها و انتظارات در حال رشد، ضروری است و توجه به سایر جنبه‌ها نظیر ورزش و سلامت روانی و جسمانی کارکنان ستادی و اجرایی در آموزش و پرورش را حیاتی می‌کند.

برای پیشرفت علمی و آموزشی و رسیدن به حداقل‌های توسعه‌یافتگی، پژوهش سنگ بنای اولیه است؛ زیرا، پژوهشگر با نگاهی نقادانه و موشکافانه به پیرامون خود می‌نگرد و برای رفع مشکلات جامعه و ارائه بهترین راهکارهای عملی، اطلاعات موثقی را در اختیار متولیان امور می‌گذارد؛ به گفته گیولوزی<sup>۱</sup> پژوهش عبارت است از دیدن آنچه دیگران دیده‌اند و اندیشیدن درباره آنچه هیچ‌کس نیندیشیده است (اسموکر و گرپندورف،<sup>۲</sup> ۲۰۰۸). پژوهش، موتور محرک پیشرفت و مبنای توسعه است و تضمینی برای استمرار توسعه به‌شمار می‌آید. همچنین، به‌کار بستن نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در هر زمینه به بهبود راهکارها و روش‌های معمول در زمینه‌های موردنظر منجر می‌شود (افشار،<sup>۳</sup> ۱۳۹۱). تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام‌شده از رایج‌ترین اقدام‌ها است.

- 
1. www.medu.ir
  2. Gyorgy
  3. Smucker & Grappendorf

در دنیای امروز، کشورهای پیشرفته جوامعی هستند که به اهمیت پژوهش پی برده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در این بخش انجام داده‌اند؛ زیرا، برای پیشرفت نیازمند نوآوری هستیم و لازمهٔ افزایش نوآوری، داشتن دانش، آگاهی و فناوری است و «پژوهش‌های علمی» به‌طور مستقیم در پیشرفت هر دو عامل تأثیرگذار هستند. با نگاهی اجمالی به شکل زیر می‌توان اهمیت پژوهش را دریافت.



شکل ۱ - پژوهش و توسعهٔ ناخالص به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورها

اما آیا همهٔ ما از ظرفیت‌های نهفته در بخش پژوهش کشورمان بهره می‌بریم؟ آیا به‌سادگی می‌توان تعیین کرد که کدام روش پژوهش در هر حوزه‌ای به موفقیت منجر خواهد شد؟ «مغز ایرانی در بستری رشد می‌کند که اندیشمندانش از امنیت روحی، روانی و اجتماعی لازم برخوردار باشند. در کنار آن، وجود بستر پژوهشی سالم می‌تواند ضامن تولید کالایی فیزیکی یا نرم‌افزاری یا فرهنگی باکیفیت شود. وقتی باوجود تأکیدهای متعدد رهبری دربارهٔ حفظ سطح علمی کشور، سهم بودجهٔ پژوهش در کشور هرگز از نیم‌درصد تولید ناخالص ملی تجاوز نکرده است، با این نگاه متعجربه به مدیریت کشور چگونه می‌توان انتظار داشت که این پژوهشگران بتوانند با پژوهش خود زمینهٔ تولید کالای باکیفیت ایرانی را فراهم کنند. این پولی که در کشور به پژوهش می‌دهند، بیشتر به درد همان خرید و فروش مقاله در میدان انقلاب و روبه‌روی دانشگاه تهران می‌خورد» (آخانی، ۱۳۹۷). انجام پژوهش در زمینهٔ تحلیل محتوای مقالات مدیریت ورزشی در حوزه‌های مختلف در داخل ایران و جهان محدود است. تپه‌رشی (۱۳۸۹) با بررسی محتوای مقالات مدیریت ورزشی نشریات «المپیک»، «پژوهش در علوم ورزشی»، «حرکت» و «علوم حرکتی و ورزشی» در بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ نشان دادند که حوزهٔ مدارس فقط ۱۴/۴ درصد و آموزش ۴/۳ درصد از مجموع مقالات در حوزهٔ مدیریت ورزشی را به خود اختصاص دادند. سجادی، هاشمی، بهنام، احمدی و بخشنده (۱۳۹۵) اظهار کردند که بین اجزای صنعت ورزش، بیشترین مقالات به ورزش دانشگاه و مدارس با ۲۰ درصد

اختصاص داشت. هلالی‌زاده، تقی‌زاده، افشاری و ایرانی (۱۳۹۶) در نتایج پژوهشی تحلیل محتوای نشریه «فیزیولوژی ورزشی» پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی بیان کردند که ۶۴/۳ درصد از مقالات در حوزه سلامت، ۲۲/۴ درصد در حوزه ورزش قهرمانی و ۱۳/۳ درصد در سایر مباحث قرار داشتند. از نظر روش پژوهش نیز ۹/۹ درصد از مقالات، توصیفی و ۷۶/۸ درصد، نیمه‌تجربی بودند. عاشوری، دوستی، رضوی و حسینی (۱۳۹۶) در تحلیل محتوای پژوهش‌های کارآفرینی ورزشی در ایران نشان دادند که این پژوهش‌ها از سال ۱۳۹۰ رشد زیادی داشتند. کان و مک‌کنزی (۲۰۱۷) بر ایجاد محیطی در مدرسه و محله برای تشویق بچه‌ها به انجام فعالیت بدنی و بهبود تناسب‌اندام تأکید کردند. پیتس و پدرسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) با تحلیل محتوای مقالات نشریه بین‌المللی مدیریت ورزشی بیان کردند که حوزه مدیریت و مهارت‌های سازمانی، بازاریابی، تجارت، مدیریت آموزش و اقتصاد، بیشترین تعداد مقالات را داشتند.

مسئله اصلی و تأکید پژوهش حاضر بر سه موضوع الگوهای پژوهشی، روند پژوهشی و گرایش‌های پژوهشی، به شرح زیر خواهد بود:

الف- گرایش پژوهشی: شامل محورهای نشریات موردبررسی و موضوع‌های منتخب و مرتبط با تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی؛ ب- الگوهای پژوهشی: شامل محورهای روش پژوهش، سطح تحلیل، نوع گردآوری داده‌ها، منبع داده‌ها از نظر زمانی و نیز از نظر نوع ابزارگردآوری داده‌ها، توزیع جغرافیایی و مکان انجام پژوهش، تعداد نویسندگان، جنسیت و مشارکت پژوهشی زنان؛ ج- روند پژوهشی که ناظر بر محورهای سال چاپ و انتشار مقاله است.

بر این اساس، مطالعه‌ی حاضر درصدد تحلیل وضعیت محتوای مقالات منتشر شده در نشریات تخصصی علوم ورزشی و تربیت‌بدنی کشور از سال ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۹۶، با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی از منظر سه موضوع کلیدی (گرایش پژوهشی، الگوهای پژوهشی و روند پژوهشی) و پاسخ‌گویی به محورهای ذکرشده است.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع آمیخته و براساس تحلیل محتوا است. در این مطالعه، از رویکرد توصیفی تحلیلی برای توصیف و ارزیابی محتوای مقالات جامعه هدف استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمام مقالات چاپ‌شده با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش در وزارت آموزش و پرورش ایران در نشریات

---

1. Kahan & McKenzie  
2. Pitts & Pedersen

علمی- پژوهشی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های کشور تا پایان سال ۱۳۹۶، به تعداد ۸۴۳ مقاله هستند. برای تعیین جامعه پژوهش، با مراجعه به سایت‌های پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور و دانشکده‌های تحصیلات تکمیلی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی و سازمان‌های مربوط (پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، کمیته و آکادمی ملی المپیک)، نشریات هدف شناسایی و انتخاب شدند (جدول شماره یک). در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری انجام نشد؛ زیرا، تمام جامعه بررسی و تحلیل شده است؛ بنابراین، نمونه آماری برابر با جامعه آماری و تمام شمار است (تعداد = ۸۴۳). برای جمع‌آوری داده‌ها فهرستی طراحی شد که شامل دو بخش بود: ۱- اطلاعات و آدرس وب‌گاه نشریات مرتبط با مقالات؛ ۲- واژه‌های مرتبط با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران در مقالات مورد نظر؛ بنابراین، واژه‌های مورد نظر در سرعنوان‌های موضوعی فارسی و سایت‌های نشریات دانشگاهی جست‌وجو و مستند شدند. واحدهای تحلیل این بررسی برای کدگذاری براساس پرسش‌های نه‌گانه در سه موضوع کلیدی دسته‌بندی شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش، برگه کدگذاری شده براساس دستورالعمل پژوهشگر ساخته (شامل نشریه، محورهای موضوع، روش پژوهش، سطح و جامعه آماری، مدت زمان انجام، نوع ابزار، پراکنش جغرافیایی، تعداد و جنسیت نویسندگان و سال انتشار) بود. همچنین، برای کاهش خطا، افزایش اعتبار نتایج پژوهش، صحت اطلاعات ثبت‌شده و جلوگیری از تعصبات و نظرهای شخصی، تحلیل محتوای مقالات توسط دو پژوهشگر (دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی و دبیر تربیت‌بدنی) انجام شد. به این ترتیب، خطاهای صورت‌گرفته در هر مرحله از پژوهش شناسایی و حذف شدند. در مطالعه مقدماتی، ۳۵ مقاله به صورت تصادفی توسط دو کدگذار مجرب بررسی شدند که ضریب توافق بین کدگذاران آن از طریق فرمول پی‌اسکات (۹۲ درصد) به دست آمد. با توجه به اینکه ضریب توافق بین کدگذاران بیشتر از ۷۰ درصد بود، هریک از کدگذاران می‌توانستند تمام نمونه‌های پژوهش را کدگذاری کنند. روش تحلیل محتوا بهتر از هر روش پژوهش دیگری به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا دقت عمل روش‌شناختی و ژرفانگری را که معمولاً به آسانی به دست نمی‌آید، به شیوه هماهنگی برآورده کند (قاسمی، کشکر، راسخ و کرمی، ۱۳۹۶). برای تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و استنباطی (آزمون پی‌اسکات- ضریب توافق-) و همچنین، نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.<sup>۴</sup> در سطح معناداری  $P \leq 0/05$  استفاده شد.

- 
1. www.SID.ir
  2. www.Magiran.com
  3. Pi Scott
  4. SPSS

## نتایج

با توجه به سه موضوع کلی گرایش‌ها، الگوها و روند پژوهشی، یافته‌های پژوهش در قالب جداول زیر ارائه و نتایج آن گزارش شده‌اند.

**الف- گرایش‌های پژوهشی:** در قالب دو محور نشریه‌ها و موضوع‌های منتخب بررسی شده‌اند. محور نشریه‌ها: جدول شماره یک نشان می‌دهد که از ۴۰ نشریه بررسی شده بیشترین تعداد پژوهش‌ها با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در نشریه «رشد و یادگیری حرکتی» دانشگاه تهران با ۸۷ مقاله چاپ شده است.

جدول ۱- نشریات علمی تربیت‌بدنی به‌همراه تعداد مقاله‌های مرتبط با تربیت‌بدنی و ورزش آموزش و پرورش

### ایران

ردیف	نام مجله / نشریه دانشگاهی	تعداد	ردیف	نام مجله / نشریه دانشگاهی	تعداد
۱	فصلنامه مدیریت و فیزیولوژی ورزشی شمال	۱	۲۱	فصلنامه فیزیولوژی ورزشی پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی	۱۶
۲	نشریه پژوهش در علوم زیستی و فعالیت بدنی - دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱	۲۲	فصلنامه مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش دانشگاه پیام نور گرمسار	۱۷
۳	فصلنامه محققان در علوم ورزشی - دانشگاه آزاد تهران مرکز	۲	۲۳	نشریه علوم زیستی ورزشی دانشگاه تهران	۱۷
۴	مطالعات کاربردی تندرستی در فیزیولوژی ورزش دانشگاه شهید مدنی آذربایجان	۳	۲۴	دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه خوارزمی	۱۹
۵	دوفصلنامه مدیریت منابع انسانی در ورزش دانشگاه شاهرود	۶	۲۵	دوفصلنامه علوم حرکتی و ورزش دانشگاه خوارزمی	۲۰
۶	فصلنامه مدیریت و رفتار سازمانی در ورزش دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب	۶	۲۶	نشریه طب ورزشی دانشگاه تهران	۲۱
۷	نشریه پژوهش در توان‌بخشی ورزشی - دانشگاه بوعلی سینا	۶	۲۷	مطالعات تربیت‌بدنی و علوم ورزشی مرکز توسعه پژوهش‌های نوین ایران	۲۲
۸	دوفصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی (پژوهش در ورزش دانشگاهی)	۶	۲۸	فصلنامه پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش جهاد دانشگاهی	۲۳
۹	دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش دانشگاه گیلان	۷	۲۹	نشریه مدیریت ورزشی دانشگاه تهران	۲۶



## ادامه جدول ۱- نشریات علمی تربیت بدنی به همراه تعداد مقاله‌های مرتبط با تربیت بدنی و ورزش

## آموزش و پرورش ایران

ردیف	نام مجله / نشریه دانشگاهی	تعداد	ردیف	نام مجله / نشریه دانشگاهی	تعداد
۱۰	فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزش دانشگاه علامه طباطبایی (پژوهش‌نامه اقتصاد و بازاریابی ورزشی)	۷	۳۰	روان‌شناسی ورزش - نشریه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی - دانشگاه شهید بهشتی	۲۶
۱۱	فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان	۷	۳۱	فصلنامه علوم ورزش دانشگاه آزاد اسلامی کرج	۲۷
۱۲	مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی (علمی - ترویجی)	۷	۳۲	فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی	۲۸
۱۳	نشریه ورزش و علوم زیست حرکتی - دانشگاه حکیم سبزواری	۷	۳۳	فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور	۲۹
۱۴	فصلنامه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی (انجمن مدیریت ورزشی ایران)	۷	۳۴	فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳۵
۱۵	فصلنامه بیومکانیک ورزشی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان	۹	۳۵	پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی دانشگاه مازندران	۳۸
۱۶	فصلنامه پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان (پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی)	۹	۳۶	فصلنامه مطالعات روان‌شناسی ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳۹
۱۷	نشریه مطالعات کاربردی علوم زیستی در ورزش - دانشگاه بیرجند	۱۳	۳۷	نشریه علمی - پژوهشی المپیک - کمیته ملی المپیک	۴۹
۱۸	نشریه تحقیقات کاربردی علوم ورزشی، آموزش بدون مرز	۱۴	۳۸	فصلنامه رفتار حرکتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی	۷۲
۱۹	فصلنامه مطالعات طب ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی	۱۵	۳۹	حرکت دانشگاه تهران	۸۴
۲۰	دوفصلنامه پژوهش در طب ورزشی و فناوری دانشگاه خوارزمی	۱۵	۴۰	نشریه رشد و یادگیری حرکتی دانشگاه تهران	۸۷
	مجموع مقاله‌ها			۸۴۳	

محور موضوع‌های منتخب: طبق جدول شماره دو، از نظر موضوع‌های مورد مطالعه، بیشترین محور و حوزه مورد مطالعه مربوط به محور عوامل رفتار سازمانی است که مرتبط با رفتار و عملکرد معلمان تربیت بدنی (۴۸/۸ درصد) در حوزه مدیریت ورزشی (۳۵/۷۰ درصد) است. تعداد سایر مطالعات در ۲۲ محور در پنج حوزه مورد بررسی به شرح جدول شماره دو آمده است. محورهای هر حوزه براساس موضوع‌های مرتبط و پرتکرار در مقالات علمی - پژوهشی بررسی شده، استخراج و دسته‌بندی شدند.

جدول ۲- موضوع‌ها به تفکیک محورهای مورد توجه پژوهشگر در مقالات چاپ شده در نشریات ذکر شده در

جدول ۱

ردیف	موضوع	تعداد	درصد	درصد
	برنامه‌دستی تربیت‌بدنی: تحلیل محتوا و مطالعات تطبیقی، نیازسنجی و کیفیت‌بخشی و ارزشیابی یا عوامل مؤثر در اجرا، موانع و تقویت‌کننده‌های توسعه مفهومی و ادراک دانش‌آموزان از این درس و تحقق اهداف آموزشی تربیت‌بدنی، ارزیابی کتاب راهنمای معلم در تدریس، شناسایی مشکلات موجود و هر آنچه مرتبط با برنامه‌دستی تربیت‌بدنی است.	۵۵	۱۸/۳	
	طرح، برنامه‌راهبردی و ارزشیابی: از برنامه‌ها مانند طرح‌ها، المپیادها، مسابقات علمی و تخصصی و دوره‌های ضمن خدمت، تدوین راهبرد، و ساختار و تشکیلات ورزش دانش‌آموزی	۳۱	۱۰/۳	
	فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی: مسابقات دانش‌آموزی، تحلیل‌ها، موانع، استعدادیابی، طرح مدرسه قهرمان و المپیادهای ورزشی درون و برون‌مدرسه‌ای در کانون‌های ورزشی و مشارکت و نهضت داوطلبی	۱۸	۶/۰۰	
	عوامل رفتار سازمانی: که مرتبط با رفتار و عملکرد معلمان تربیت‌بدنی هستند. صلاحیت حرفه‌ای، مسائل شغلی و کاری، رفتار دانش‌آموزان و فرهنگ سازمانی، مدیریت و رهبری کلاس با خلاقیت و نوآوری و غیره	۱۴۷	۴۸/۸	
۱	ارتباطات و رسانه‌های گروهی: مهارت‌های ارتباطی معلم و دانش‌آموزان، ارتباط با باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی و استعدادیابی، کارآفرینی و فناوری اطلاعات در ورزش مدارس	۱۹	۶/۳	۳۵/۰
	فضا، تجهیزات، اماکن ورزشی: ایمنی و استاندارد تجهیزات و اماکن ورزشی مستقل، فضا و حیاط مدارس	۸	۲/۷	
	طرح‌های جامع تربیت‌بدنی در هر پایه تحصیلی ورزش پایه و قهرمانی	۴	۱/۳۰	
	ورزش همگانی و بومی- محلی	۲	۰/۷۰	
	حوزه ورزش دانش‌آموزی	۵	۱/۶۵	
	ورزش تفریحی و اوقات فراغت، حیاط پویا، نرمش صبحگاهی	۵	۱/۶۵	
	ورزش پرورشی (آموزشی و تربیتی)	۵	۱/۶۵	
	اعتباریابی و روایی‌سازی پرسش‌نامه‌ها و آزمون‌ها	۷	۲/۳۰	

ادامه جدول ۲- موضوع‌ها به تفکیک محورهای مورد توجه پژوهشگر در مقالات چاپ شده در نشریات

## ذکرشده در جدول ۱

ردیف	نوع	محورهای مورد مطالعه	تعداد	درصد	نوع پژوهش	درصد
۲	روانشناسی	ویژگی‌ها، روحیه، نگرش، قابلیت و مهارت، سلامت عمومی (جسمانی و روانی) و بهره‌مندی هوشی دانش‌آموزان و دبیران تربیت‌بدنی	۲۱	۲۶	۸۱	۹۶۰
		قصه، رفتار، تصمیم، نیت، گرایش و تمایل، انگیزش و هدف‌گزینی، شادمانی، عزت و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی	۵۴	۶۷		
		اعتباریابی و روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها و مقیاس‌ها	۶	۷		
۳	پنجه حرکتی (فنا حرکتی)	رشد و تکامل حرکتی، نمو و بالیدگی اجتماعی و جسمی، ویژگی‌های آنتوپومتریکی	۳۵	۱۴	۲۴۷	۲۹۳۰
		یادگیری حرکتی، مهارتی و عملکرد حرکتی- ادراکی، تصویرسازی و تمرین ذهنی	۱۲۰	۴۹		
		ترکیبی از رشد و تکامل حرکتی و یادگیری حرکتی و ارزیابی توانایی حرکتی و مهارت	۸۲	۳۳		
		اعتباریابی و روایی‌سازی آزمون‌های جسمانی، مهارتی و عملکردی	۱۰	۴		
۴	فیزیولوژی	فعالیت بدنی و تندرستی، علم تمرین، آمادگی جسمانی و حرکتی	۲۹	۲۱	۱۳۷	۱۶۱۲۵
		تغذیه، ترکیب بدنی، ساختار جسمانی و داروهای مکمل، نیروزا و ممنوع (غیرمجاز)	۲۳	۱۷		
		ترکیبی از علم تمرین، تغذیه و ترکیب بدنی	۸۵	۶۲		
		تمرین حرکات اصلاحی، ارزیابی وضعیت بدن و روند تکامل و ناهنجاری‌های جسمانی	۱۹	۲۴/۵		
۵	پژوهش ورزشی	آسیب‌شناسی ورزشی	۱۰	۱۳	۷۷	۹۱۱۵
		ترکیبی از حرکات اصلاحی و آسیب‌شناسی، برنامه‌توان‌بخشی ناهنجاری‌های بدنی	۳۶	۴۷		
		روایی‌سنجی آزمون، تهیه و طراحی نرم‌افزار نرم استاندارد و هنجاریابی معادلات اندازه‌گیری	۱۲	۱۵/۵		
		مجموع	۸۴۳	۱۰۰		

ب- الگوهای پژوهشی: الگوهای پژوهشی در قالب این هفت زیرالگو بررسی شدند: روش پژوهش، سطح تحلیل، نوع گردآوری داده‌ها، منبع داده‌ها، توزیع جغرافیایی، تعداد نویسندگان و مشارکت پژوهشی زنان.

زیرالگوی یک؛ روش پژوهش: در جدول شماره سه، با بررسی ۸۴۳ مقاله، اغلب از روش نیمه‌تجربی (۵۵ درصد) و کمتر از روش‌های کیفی و سایر روش‌ها (۰/۵۰ درصد و یک درصد) استفاده شد. در جدول شماره چهار، روش پژوهش براساس راهبرد و مسیر اجرای پژوهش‌ها به تفکیک آمده است. در جدول شماره چهار، روش پژوهش بیش از ۹۷ درصد از پژوهش‌ها بر اساس هدف، کاربردی بود.

جدول ۳- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک روش پژوهش

درصد	فراوانی	روش پژوهش
۴۰	۳۳۹	کمی (میدانی/ پیمایش پرسش‌نامه‌ای)
۰/۵۰	۴	کیفی
۵۵	۴۶۵	تجربی (نیمه‌تجربی)
۳/۵۰	۲۹	آمیخته (ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی)
۱	۶	سایر روش‌ها (مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و قوانین و بررسی منابع، تحلیل محتوا)
۱۰۰	۸۴۳	مجموع

جدول ۴- روش پژوهش براساس راهبرد و مسیر اجرا

درصد	فراوانی مجموع	درصد	فراوانی	براساس مسیر اجرا	براساس راهبرد
۴۸	۴۰۷	۰	۰	آزمایشی کامل	تجربی
		۱۰۰	۴۰۷	نیمه‌آزمایشی	
		۰	۰	پیش‌آزمایشی (شبه آزمایشی)	
۴۴	۳۶۸	۱۴	۵۳	پژوهش پیمایشی	توصیفی
		۴۹	۱۷۹	پژوهش همبستگی	
		۰	۰	بررسی موردی	
		۳/۲۵	۱۲	تحلیل محتوا	
		۱۴	۵۲	پژوهش‌های علی- مقایسه‌ای	
		۰	۰	تاریخی	
		۰	۰	فراتحلیل	
۰/۵۰	۲	دلفی			

جدول ۴- روش پژوهش براساس راهبرد و مسیر اجرا

براساس راهبرد	براساس مسیر اجرا	فراوانی	درصد	فراوانی مجموع	درصد
توصیفی	تحلیل سلسله‌مراتبی (تحلیل مسیر)	۲۳	۶/۲۵		
	برنامه راهبردی	۰	۰		
	توصیفی-تحلیلی	۴۷	۱۳		
	مطالعه موردی (موردکاوی)	۲	۴۰		
	گروه متمرکز	۰	۰		
	گروه اسمی	۰	۰		
	تحلیل گفتمان	۱	۲۰	۵	۰/۵۰
کیفی	تاریخی	۰	۰		
	مصاحبه عمیق	۱	۲۰		
	پژوهش مشاهده‌ای	۱	۲۰		
	تجربی و توصیفی	۵۶	۸۹		
	تجربی و کیفی	۲	۳	۶۳	۷/۵۰
آمیخته (ترکیبی)	توصیفی و کیفی	۵	۸		
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۸۴۳	۱۰۰

جدول ۵- روش پژوهش براساس هدف

نوع پژوهش براساس هدف	فراوانی	درصد فراوانی
بنیادی	۱	۰/۱۲
توسعه‌ای	۲۱	۲/۵۰
کاربردی	۸۲۱	۹۷/۳۸
مجموع	۸۴۳	۱۰۰

زیرالگوی دو: سطح تحلیل: نتایج پژوهش در جدول شماره شش نشان می‌دهد که سطح تحلیل غالب در مطالعه گروه دانش‌آموزان مدارس عادی برابر با ۶۲/۲۵ درصد است. میزان مطالعه سایرین در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۶- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک سطح تحلیل

درصد	فراوانی	سطح پژوهش تحلیلی
۰/۱۰	۱	شرکت/ سازمان شامل فدراسیون ورزش دانش‌آموزی/ کانون‌ها و هیئت‌های ورزش دانش‌آموزی
۰/۹۰	۸	اماکن ورزشی (سالن ورزشی مستقل و فضای ورزشی مدارس) ملکی و استیجاری
		گروه دانش‌آموزان مدارس عادی
		پسر
		دختر
		پسر و دختر (مختلط)
۶۲/۲۵	۵۲۳	۱۵۸
		۱۲۷
		۲۳۸
۳/۰۵	۲۶	۱۹
		۰
		۷
۴/۸۰	۴۱	۲۸
		۴
		۹
۱۷/۰۰	۱۴۲	۱۲۹
		۷
		۶
		تربیت‌بدنی
۱/۶۵	۱۴	گروه ترکیبی از دانش‌آموزان، معلمان تربیت‌بدنی و غیرتربیت‌بدنی و مدیران و کارکنان ادارات آموزش و پرورش
۵/۰۰	۴۳	برنامه محتوای درس (کتاب راهنمای معلم) تربیت‌بدنی و ورزش پرورشی در مدارس ایران و سایر کشورها
۱/۲۵	۱۱	طرح‌های ملی و المپیادهای درون‌مدرسه‌ای، استانی و کشوری، آزمون‌های استاندارد و بازی‌های بومی و محلی
۰/۱۰	۱	وبسایت‌های معاونت تربیت‌بدنی وزارتخانه آموزش و پرورش کشور و استان‌ها
۲/۲۵	۱۹	گروه (کارشناسان مسئول تربیت‌بدنی شهرستان‌ها و کارشناسان و مدیران تربیت‌بدنی استانی، و سرگروه‌های آموزشی تربیت‌بدنی شهرستانی و استانی) زن و مرد
۱/۶۵	۱۴	ملی و کشوری (معاونان و مدیران تربیت‌بدنی و سلامت وزارتخانه آموزش و پرورش سرگروه‌های آموزشی تربیت‌بدنی کشوری)، اساتید دانشگاهی و مسئولان فدراسیون و انجمن‌های ورزشی دانش‌آموزی
۱۰۰	۸۴۳	مجموع

در جدول شماره شش مشاهده می‌شود که ابتدا گروه دانش‌آموزان مدارس (عادی، استثنایی و پیش‌دبستانی) و بعد از آن، گروه دبیران تربیت‌بدنی بیشترین سهم فراوانی را در سطح پژوهش‌های بررسی شده دارند. در ادامه، جدول شماره هفت نشان می‌دهد که از ۸۴۳ مقاله تحلیل محتوا شده، ۶۰۸ مقاله به تفکیک سطح تحلیل دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی انجام شده‌اند.

جدول ۷- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک سطح تحلیل دانش آموزان در چهار حوزه تربیت بدنی

درصد	فراوانی مجموع	مدیریت	فیزیولوژی و طب ورزشی	بیومکانیک	روان شناسی	سطح پژوهش تحلیلی	
۰/۶۵	۴	۱	۳	۰	۰	پسر	دانش آموزان
۰/۱۵	۱	۱	۰	۰	۰	دختر	هنرستان
۰/۱۵	۱	۱	۰	۰	۰	مختلط	تربیت بدنی
۰/۸۰	۵	۳	۰	۲	۰	پسر	دانش آموزان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	دختر	پیش دبستانی
۲/۹۵	۱۸	.	۶	۱۲	۰	مختلط	
۱۰/۵۰	۶۴	۰	۲۶	۳۶	۲	پسر	دانش آموزان
۲/۹۵	۱۸	۰	۲	۱۵	۱	دختر	مدارس
۷/۷۰	۴۷	۰	۱۲	۳۲	۳	مختلط	ابتدایی
۱۰/۶۵	۶۵	۱۳	۳۰	۱۷	۵	پسر	دانش آموزان
۵/۲۵	۳۲	۹	۱۱	۸	۴	دختر	مدارس
۲/۶۰	۱۶	۲	۹	۳	۲	مختلط	متوسطه ۱
۱۱/۳۰	۶۹	۸	۴۱	۱۲	۸	پسر	دانش آموزان
۷/۷۰	۴۷	۶	۱۳	۱۸	۱۰	دختر	مدارس
۷/۸۵	۴۸	۲۳	۷	۶	۱۲	مختلط	متوسطه ۲
۲/۳۰	۱۴	۰	۶	۷	۱	پسر	دانش آموزان
۰/۸۰	۵	۰	۲	۳	۰	دختر	ابتدایی و متوسطه
۶/۰۵	۳۷	۶	۱۰	۱۹	۲	مختلط	مدارس استثنایی
۱۰/۸۵	۶۶	۳۶	۲۲	۷	۱	پسر	ترکیبی از دانش آموزان
۳/۹۰	۲۴	۰	۱۱	۱۲	۱	دختر	مقاطع ابتدایی و متوسطه
۵/۰۵	۳۱	۵	۱۱	۱۴	۱	مختلط	
۱۰۰	۶۰۸	۱۰۸	۲۲۲	۲۲۳	۵۳	مجموع	

زیرالگوی سه؛ نوع گردآوری داده‌ها: براساس جدول شماره هشت، بیشتر مطالعه‌ها از بررسی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم (۱۹/۴۵ درصد) و کمتر از یک درصد از مطالعه‌ها از دانش آموزان ایرانی در خارج از کشور، دانش آموزان خارجی، معلمان تربیت بدنی، سایر معلمان غیرایرانی، مدیران،

کارشناسان و دانشجویان و دانش‌آموختگان تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان کشور، دانشجو- معلمان، دانش‌آموزان هنرستان تربیت‌بدنی و دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان حاصل شده‌اند.

جدول ۸- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک گردآوری اطلاعات (جامعه و نمونه پژوهش)

درصد	مجموع فراوانی	مختلط	دختر	پسر	جامعه و نمونه پژوهش
۱۵/۳۰	۱۲۹	۴۷	۱۸	۶۴	دانش‌آموزان مقطع ابتدایی
۱۳/۴۰	۱۱۳	۱۶	۳۲	۶۵	دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول (راهنمایی)
۱۹/۴۵	۱۶۴	۴۸	۴۷	۶۹	دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم
۲/۷۰	۲۳	۱۸	۰	۵	دانش‌آموزان پیش‌دبستانی
۶/۶۰	۵۶	۳۷	۵	۱۴	دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، ابتدایی و متوسطه مدارس استثنایی
۱۴/۳۵	۱۲۱	۳۱	۲۴	۶۶	ترکیبی از دانش‌آموزان از مقاطع ابتدایی و متوسطه
۰/۷۰	۶	۱	۱	۴	دانش‌آموزان هنرستان تربیت‌بدنی
۱۷/۰۰	۱۴۱	۱۲۸	۶	۷	معلمان (آموزگاران و دبیران) درس تربیت‌بدنی مدارس
۱/۵۰	۱۳				کارکنان، کارشناسان، مدیران ستادی (اداره کل تربیت‌بدنی و سلامت استان‌ها، وزارت آموزش و پرورش، فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و کارکنان هیئت‌های ورزشی دانش‌آموزی)، اساتید و خبرگان دانشگاهی
۰/۳۵	۳				مدیران، کارشناسان و دانشجویان و دانش‌آموختگان تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان کشور، دانشجو- معلمان
۰/۲۰	۲				دانش‌آموزان ایرانی در خارج کشور، دانش‌آموزان خارجی، معلمان تربیت‌بدنی و سایر معلمان غیرایرانی
۱	۹				کارکنان، کارشناسان مسئول تربیت‌بدنی و سلامت شهرستان‌ها و سرگروه‌های آموزشی و مسئولان کانون‌ها، انجمن‌ها و هیئت‌های ورزشی دانش‌آموزی شهرستان‌ها
۰/۳۵	۳				دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان



## ادامه جدول ۸- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک گردآوری اطلاعات (جامعه و نمونه پژوهش)

درصد	مجموع فراوانی	مختلط	دختر	پسر	جامعه و نمونه پژوهش
۲/۲۵	۱۹				کارکنان ادارات آموزش و پرورش، معلمان و کارشناسان مسئول شهرستانی و استانی و مدیران مدارس
۰/۹۵	۸				معلمان دبیران تربیت بدنی و غیرتربیت بدنی
۰/۶۰	۵				مدیران و مسئولان (مدارس، باشگاه، رویدادها، فضاهای ورزشی آموزش و پرورش) ملکی و استیجاری
۱/۳۰	۱۱				بررسی اسناد (کتابخانه‌ای، مقالات پژوهشی، اینترنتی، وبسایت‌ها و غیره) جامعه آماری ترکیبی (ترکیبی از مدیران ستادی تربیت بدنی آموزش و پرورش، کارشناسان و مربیان ورزشی مدارس دانش‌آموزان مقطع متوسطه در هنرستان‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور و غیره)
۱۰۰	۸۴۳				مجموع

زیرالگوی چهار؛ منبع داده‌ها: منبع داده‌ها دو حالت دارد: ۱- نوع پژوهش از نظر زمانی داده‌ها در جدول شماره ده و ۲- نوع ابزار گردآوری داده‌های پژوهش در جدول‌های شماره نه.

## جدول ۹- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک نوع ابزار گردآوری‌ها

درصد	فراوانی	منبع داده‌ها (نوع ابزار گردآوری‌ها)
۳۸/۵۰	۳۲۵	پرسش‌نامه
۰/۲۵	۲	مصاحبه
۲/۲۵	۱۹	اسناد و بایگانی، مدارک کتابخانه‌ای، شواهد در دسترس (شامل پایگاه‌های داده‌های دست دوم مراکز آماری) و جست‌وجوی اینترنتی (سندکاوی)، برگه کدگذاری براساس دستورالعمل پژوهشگر ساخته
۳/۵۰	۳۰	ترکیبی (ترکیبی از پرسش‌نامه با مصاحبه یا اسناد و بایگانی، اینترنتی، کتب مرجع و مقالات داخلی و خارجی مرتبط)
۵۵/۵۰	۴۶۷	پروتکل پژوهش (تمرین): پرسش‌نامه، مسائل اندازه‌گیری آنتروپومتریک و آزمون (فعالیت) های بدنی فیزیولوژیک
۱۰۰	۸۴۳	مجموع

براساس جدول شماره نه، بیشتر پژوهش‌های با موضوع تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران، به ترتیب از پروتکل (برنامه پیش‌نویس تمرینی) پژوهش با ۵۵/۵۰ درصد و پرسش‌نامه‌ها با ۳۸/۵۰ درصد و کمترین پژوهش‌ها از ابزار مصاحبه ۰/۲۵ درصد استفاده کرده‌اند. در جدول شماره ۱۰، ۹۸/۵۰ درصد از پژوهش‌ها تنها از داده‌های مقطعی و کمتر از ۱/۵۰ درصد از پژوهش‌ها از ترکیبی از داده‌های طولی و مقطعی استفاده کرده‌اند. استفاده از داده‌های طولی گزارش نشد.

جدول ۱۰- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک دوره (مدت زمان) انجام پژوهش

درصد	فراوانی	مدت زمان انجام پژوهش
۹۸/۵۰	۸۳۱	مقطعی
۰	۰	طولی
۱/۵۰	۱۲	ترکیبی از طولی و مقطعی
۱۰۰	۸۴۳	مجموع

زیرالگوی پنج؛ توزیع جغرافیایی: از نظر توزیع جغرافیایی، مطابق جدول شماره ۱۱، پژوهش‌های با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در مدارس ایران، در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و استانی انجام شده‌اند.

جدول ۱۱- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک پراکنش جغرافیایی

درصد	فراوانی	پراکنش جغرافیایی	درصد	فراوانی	پراکنش جغرافیایی
۱/۶۵	۱۴	استان اردبیل	۰/۶	۵	بین‌المللی (مقایسه ایران با دیگر کشورها)
۱/۶۵	۱۴	استان کهگیلویه و بویراحمد	۱۰/۷۰	۹۰	ملی (کشوری)
۱/۴۰	۱۲	استان قزوین	۱۵/۵۵	۱۳۱	شهر تهران
۱/۴۰	۱۲	استان چهارمحال و بختیاری	۴/۱۵	۳۵	استان تهران (شهرستان‌های تهران)
۱/۴۰	۱۲	منطقه‌ای (در دو استان و بیشتر)	۸/۵۵	۷۲	استان اصفهان
۱/۳۰	۱۱	استان مرکزی	۴/۶۵	۳۹	استان خراسان رضوی
۱/۱۵	۱۰	استان خراسان شمالی	۴/۶۵	۳۹	گیلان استان
۱/۱۵	۱۰	استان یزد	۴/۲۵	۳۶	استان آذربایجان غربی
۱/۰۵	۹	استان کرمان	۳/۹۵	۳۳	استان کرمانشاه
۰/۹۵	۸	استان خراسان جنوبی	۳/۷۰	۳۱	استان همدان
۰/۹۵	۸	استان زنجان	۳/۴۵	۲۹	استان آذربایجان شرقی
۰/۹۵	۸	استان گلستان	۳/۲۰	۲۷	استان خوزستان
۰/۹۵	۸	استان سمنان	۳/۲۰	۲۷	استان فارس
۰/۶۰	۵	استان ایلام	۲/۷۰	۲۳	گزارش نشده (نامشخص)
۰/۳۵	۳	استان هرمزگان	۲/۶۰	۲۲	استان مازندران
۰/۲۵	۲	کشور و شهرهای خارجی (غیر ایرانی)	۲/۴۰	۲۰	استان کردستان
۰/۲۵	۲	استان سیستان و بلوچستان	۲/۴۰	۲۰	استان البرز
۱۰۰	۸۴۳	مجموع	۱/۸۰	۱۵	استان لرستان

زیرالگوی شش؛ تعداد نویسندگان: جدول شماره ۱۲ بیانگر آن است که بیشترین پژوهش‌های با موضوع تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران، با همکاری سه نویسنده (۴۷/۵ درصد) و کمترین آن با مشارکت شش نویسنده (۰/۷۵ درصد) نگاشته شده‌اند.

زیرالگوی هفت؛ مشارکت پژوهشی زنان: از بین پژوهش‌های ذکرشده، ۴۱۶ مقاله (۵۵ درصد) حداقل با مشارکت یک نویسنده زن و ۴۵ درصد از مقالات بدون مشارکت نویسنده زن نوشته شده‌اند.

جدول ۱۲- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک تعداد نویسندگان و مشارکت پژوهشی نویسندگان زن

تعداد نویسندگان	فراوانی	درصد	تعداد نویسندگان	فراوانی	درصد
مقاله با یک نویسنده	۴۶	۵/۵۰	مقاله بدون نویسنده‌ی زن	۳۷۹	۴۵
مقاله با دو نویسنده	۱۹۷	۲۳/۴۰	مقاله با یک نویسنده‌ی زن	۳۱۳	۳۷
مقاله با سه نویسنده	۴۰۱	۴۷/۵۰	مقاله با دو نویسنده‌ی زن	۱۱۶	۱۴
مقاله با چهار نویسنده	۱۶۳	۱۹/۳۵	مقاله با سه نویسنده‌ی زن	۲۸	۳
مقاله با پنج نویسنده	۳۰	۳/۵۰	مقاله با چهار نویسنده‌ی زن	۵	۰/۷۵
مقاله با شش نویسنده	۶	۰/۷۵	مقاله با پنج نویسنده‌ی زن	۲	۰/۲۵
مجموع	۸۴۳	۱۰۰	مجموع	۸۴۳	۱۰۰

ج- روند پژوهشی: روند پژوهشی ناظر بر سال چاپ مقاله است؛ بنابراین، روند پژوهشی در قالب یک محور با عنوان سال چاپ مقاله بررسی شد. جدول شماره ۱۳ نشانگر روند افزایشی پژوهش‌ها در این حوزه است و سال ۱۳۹۰ را می‌توان نقطه آغاز این روند به‌شمار آورد؛ زیرا، بیش از ۷۰ درصد از پژوهش‌ها در این سال و پس از آن منتشر شده‌اند.

جدول ۱۳- فراوانی الگوهای پژوهشی به تفکیک سال انتشار (چاپ) مقاله

سال انتشار (چاپ) مقاله	فراوانی	درصد	سال انتشار (چاپ) مقاله	فراوانی	درصد
۱۳۷۸	۵	۰/۶۰	۱۳۸۸	۳۸	۴/۵۰
۱۳۷۹	۱۰	۱/۲۰	۱۳۸۹	۳۵	۴/۱۵
۱۳۸۰	۱۱	۱/۳۰	۱۳۹۰	۴۵	۵/۳۰
۱۳۸۱	۹	۱/۰۵	۱۳۹۱	۶۶	۷/۸۰
۱۳۸۲	۱۴	۱/۷۰	۱۳۹۲	۷۳	۸/۶۵
۱۳۸۳	۲۲	۲/۶۰	۱۳۹۳	۱۰۲	۱۲/۱۰
۱۳۸۴	۲۲	۲/۶۰	۱۳۹۴	۱۰۱	۱۲
۱۳۸۵	۱۶	۱/۹۰	۱۳۹۵	۱۱۰	۱۳/۵
۱۳۸۶	۳۵	۴/۱۵	۱۳۹۶	۱۰۵	۱۲/۵۰
۱۳۸۷	۲۴	۲/۸۵	مجموع	۸۴۳	۱۰۰

## بحث و نتیجه‌گیری

تأکید این پژوهش به سه موضوع گرایش‌ها، الگوها و روند پژوهشی بود. نتایج تحلیل محتوای پژوهش‌های مربوطه در نشریات داخلی ایران از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۶، نشان داد که حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در طول ۲۰ سال اخیر، موضوع مقالات ماهیت انتخابی دارد؛ یعنی پژوهش‌ها ناشی از مسائل و مشکلات این حوزه نبوده‌اند و بیشتر پژوهشگران با تولید مسأله‌های پژوهشی که الزاماً ناشی از چالش‌های این حوزه نبودند به حل آنها و تکمیل فرآیند پژوهشی خود پرداخته‌اند. ولی موفقیت و دانش‌زبادی پیرامون چالش‌های این حوزه حاصل شده است؛ برای مثال، در حوزه‌های مدیریت ورزشی، روان‌شناسی، رفتار حرکتی، فیزیولوژی و طب ورزشی، در مقایسه با گذشته اکنون اطلاعات بیشتری در دسترس است؛ اما از نظر پژوهشگران، پژوهش‌ها، هدایت‌نشده، غیرمنسجم و پراکنده هستند و هنوز توسعه مفهومی و شناختی یکپارچه‌ای در این حوزه‌ها صورت نگرفته است و چهارچوب‌های پژوهشی مورد توافق نیز به دست نیامده‌اند. از منظر گرایش‌های پژوهشی جدول شماره یک، بررسی ۴۰ نشریه دانشگاهی نشان داد که بیشترین تعداد پژوهش‌ها در فصلنامه «مدیریت ورزشی» (حرکت سابق) دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و نشریه «رشد و یادگیری حرکتی»، به ترتیب با ۸۷ و ۸۴ مقاله منتشر شده است و همچنین، طبق جدول شماره دو در مورد گرایش‌های پژوهشی، توجه بیشتر پژوهشگران به حوزه مدیریت ورزشی (۳۵/۷۰ درصد) و کمتر به حوزه روان‌شناسی (۹/۶۰ درصد) است که این امر ناشی از پذیرش بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این حوزه است. بررسی نتایج محورهای سایر حوزه‌ها، از یک‌طرف نشانگر وجود مسائل زیادی در این محورها در ارتباط با تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی است که مسئولان امر از آن غفلت کرده‌اند یا در اولویت‌های بعدی آنها برای حل این موارد است؛ زیرا، این معاونت همواره با کمبود مالی و نیروی انسانی در تهیه و تجهیز لوازم و امکانات ورزشی در مدارس روبه‌رو است و با وجود بودن طرح‌های جامع ورزشی برای هر پایه تحصیلی، به‌زعم بیشتر دبیران تربیت‌بدنی، با تناسب‌نداشتن امکانات مدرسه برای اجرای آن طرح مواجه است. از طرف دیگر، باید توجه داشت که نیروی اصلی پیش‌برنده پژوهش‌های حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی، رقابت درونی برای انتشار مقاله با جامعه آماری در دسترس است و تقاضای این وزارتخانه بزرگ و نیازهای دست‌اندرکاران آن نقش کمتری در شکل‌دهی به پژوهش‌های مربوط به آن را داشته‌اند؛ زیرا، شاهد مقالاتی با موضوع‌هایی تکراری در جوامع آماری جغرافیایی مختلف هستیم که با اولویت‌های پژوهشی وزارت آموزش و پرورش در مورد تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی با عناوین مقالات بررسی شده ارتباط نزدیکی ندارند. این امر موجب پراکندگی موضوع‌ها و انسجام‌نداشتن آنها شده است؛ به‌طوری‌که این پژوهش‌ها به ایجاد

سیاست‌گذاری دقیقی برای توسعه ورزش دانش‌آموزی در کشور منجر نشده‌اند. همچنین، به چگونگی رشد و پیشرفت آن‌ها که می‌تواند پایه‌ای برای سیاست‌گذاری توسعه سلامت و ورزش همگانی و قهرمانی کشور استفاده شود، کمتر توجه شده است. معاونت تربیت‌بدنی در سه حوزه اصلی تربیت‌بدنی، آسیب‌های اجتماعی و سلامت دانش‌آموزان فعالیت دارد و طبق سند تحول بنیادین، هدف نهایی آن تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان و دستیابی به حیات طیبه است. این هدف دارای چند شاخه است: تکامل شناختی (دانشی)، احساسی و عاطفی (نگرشی)، روانی، حرکتی (مهارتی) و جسمانی. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا قانون‌گذاران محترم و معاونت تربیت‌بدنی به عنوان متولی ورزش دانش‌آموزی در کشور به این اهداف در مدارس دست یافته‌اند یا خیر؟ یعنی حداقل موجب توسعه و شکوفایی جسمانی، ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان کشور شده است و آمار بیماری‌های ناشی از کم‌تحركی در کشور کاهش یافته است یا خیر؟

با اندکی تأمل در ورزش مدارس و مشاهده دانش‌آموزانی که از فقر حرکتی رنج می‌برند، می‌توان فهمید که باوجود چالش‌های این حوزه در تأمین نیروی انسانی، فضا و تجهیزات ورزشی، هنوز راهکارها و پژوهش‌های لازم برای دستیابی به این هدف انجام نشده‌اند؛ بنابراین، صرف بودجه برای برگزاری مسابقات و المپیادها موجب دوری از این هدف اصلی خواهد شد. برای رفع این چالش باید کاملاً هدفمند و برنامه‌محور در صرف بودجه و تأمین نیروی انسانی عمل کرد. توجه به نهادینه کردن و استقرار برنامه درس تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی، کیفیت‌بخشی به برنامه درسی تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی و نیز فراگیرکردن برنامه درس تربیت‌بدنی و تندرستی نظیر حیاط پویا و نرمش صبحگاهی و غیره، از جمله اقدام‌هایی هستند که باید در اولویت قرار گیرند. الگوهای پژوهشی نیز در قالب چندین زیرالگوی تحلیل در جداول شماره سه، شماره چهار، شماره پنج، شماره شش، شماره هفت، شماره هشت، شماره نه و شماره ۱۰ شد. طبق نتایج ارائه شده در جداول شماره سه و شماره چهار، نشان داد که روش غالب پژوهش‌ها، از نظر راهبرد، روش تجربی (نیمه‌تجربی با ۵۵ درصد) و روش‌های توصیفی-کمی (میدانی/پیمایش پرسش‌نامه‌ای با ۴۰ درصد) روش پژوهش مقالات بررسی شده، بودند؛ زیرا، بیشتر مطالعات بر روی انسان انجام شدند و مطالعه انسان در شرایط کامل آزمایشگاهی و آزمایشی کامل، به دلیل ملاحظات اخلاقی، شرعی و منحصر به فرد بودن انسان‌ها، سختی و محدودیت‌های خاصی دارد و روش‌هایی مناسب با توجه به ماهیت موضوع و هدف پژوهش هنوز توسعه نیافته‌اند. براساس یافته‌های جدول شماره پنج، هدف بیش از ۹۷ درصد از پژوهش‌ها، کاربردی است. برپایه چگونگی به‌کار بستن نتایج پژوهش‌ها می‌توان آن‌ها را به دو دسته «کاربردی» و «بنیادی» تقسیم کرد. نتایج پژوهش‌های کاربردی در کوتاه‌مدت و برای رفع مشکلات موجود استفاده می‌شود. به‌بیان دیگر، پژوهش‌های کاربردی در حل مسائل جاری مفیدند. روش کاربردی در پی یافتن راه حل و روشی برای

رفع نیازهای انسانی است؛ بنابراین، بیشتر پژوهش‌ها با هدف یافتن راه حل و روشی برای رفع نیازهای انسانی تدوین شده‌اند. معمولاً نیاز به انجام پژوهش‌های کاربردی زمانی احساس می‌شود که روش‌ها و اطلاعاتی که در اختیار داریم، برای حل برخی از مشکلات موجود کافی نیستند. در مقابل، پژوهش‌های بنیادی به توسعه و تعمیق مبانی علوم مختلف کمک می‌کنند و در درازمدت امکان گسترش مرزهای دانش بشری را فراهم می‌آورند. شاید یک پژوهش بنیادی به‌هنگام انجام، کاربرد عینی و مشخصی نداشته باشد؛ ولی در درازمدت مبنایی برای توسعه دانایی و انجام سایر پژوهش‌ها خواهد بود. متأسفانه، در حوزه ورزش آموزش و پرورش شاهد چنین پژوهش‌هایی بسیار کم هستیم. همچنین، پژوهش توسعه‌ای (۲/۵ درصد) فرایندی است که برای تدوین و تشخیص مناسب بودن یک فرآورده آموزشی (طرح‌ها، روش‌ها و برنامه‌های درسی) انجام می‌شود. هدف اساسی آن، تدوین یا تهیه برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن است که این امر نیز کمتر انجام شده است و به توجه بیشتر پژوهشگران آینده به آن برای نقد طرح و برنامه‌های ورزشی این وزارتخانه نیاز داریم.

طبق جداول شماره شش، شماره هفت و شماره هشت، سطح تحلیل غالب و جامعه آماری پژوهش در بیشتر پژوهش‌های گروهی است و بیشتر مطالعات روی گروه دانش‌آموزان مدارس عادی به‌ویژه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم و معلمان درس تربیت‌بدنی، بیشتر در حوزه‌های رفتار حرکتی، فیزیولوژی و طب ورزشی انجام شده‌اند. سطح تجزیه و تحلیل، برای مثال می‌تواند در سطوح فردی، گروهی، سازمانی، ملی و فراملی (بین‌المللی) باشد. نکته کلیدی در هر پژوهش این است که پژوهشگر متناسب با سطح تجزیه و تحلیل خود به طراحی پژوهش و انجام اقدام‌های لازم مانند انتخاب نمونه و نوع تجزیه و تحلیل متناسب با سطح تجزیه و تحلیل انتخاب شده اقدام کند. یکی از مشکلات روایی برخی از مقالات داخلی ارزیابی شده، بی‌توجهی به سطح تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی، انتخاب نمونه و تجزیه و تحلیل داده‌ها بود. از آنجایی که داده‌های برخی پژوهش‌ها در یک سازمان (مدرسه) جمع‌آوری شده بودند، پژوهشگر در تعمیم نتایج پژوهش خود به سطوح بالاتر (در چندین سازمان) مجاز نبود، زیرا، به دلیل تغییر سطح تجزیه و تحلیل، روایی نتایج پژوهش خود را برهم می‌زند. در یک تقسیم‌بندی کلی، تعمیم نتایج یک پژوهش از یک سطح پایین‌تر (مثلاً فردی) به سطحی بالاتر (مثلاً تیمی) یا تعمیم نتایج از سطوح بالاتر (مانند جامعه یا سازمان) به سطوح پایین‌تر (مانند تیم و فرد)، زمانی که داده‌های جمع‌آوری شده ما به سطح دیگر مربوط نیستند، الزاماً از دیدگاه نظری درست نیست و ممکن است نوعی مغالطه نظری و روش‌شناختی تلقی شود. مطابق جدول شماره نهم، ابزار اصلی در بیشتر پژوهش‌ها، به ترتیب پروتکل پژوهش (برنامه تمرین) به میزان ۵۵/۵ درصد و پرسش‌نامه به میزان ۳۸/۵ درصد بود. پس از آن، درصد اندکی از پژوهش‌ها، از مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک

پیشین برای گردآوری داده‌ها استفاده کردند و پژوهش‌های فراتحلیلی نیز مشاهده نشدند. طبق یافته‌های جدول شماره ۱۰، در بیشتر پژوهش‌ها، داده‌های مقطعی به کار رفته‌اند و استفاده از داده‌های طولی و ترکیبی کمتر رایج بود. در واقع، آسانی دسترسی به نمونه‌های آماری گروه دانش‌آموزان، دبیران تربیت‌بدنی و غیره، قابل دسترس بودن آن‌ها، دردسترس بودن پرسش‌نامه‌های استاندارد و نبود پایگاه داده‌های آماری دقیق از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، موجب تمایل بیشتر پژوهشگران کشور به ارائه پژوهش‌های یک‌سطحی، تک‌مقطعی با موضوع‌های تکراری و کلیشه‌ای براساس پژوهش‌های مرتبط شده‌اند. همچنین، براساس جدول شماره ۱۱، از نظر توزیع جغرافیایی، تعداد زیادی از پژوهش‌ها در سطح شهر تهران و در سطح ملی انجام شده‌اند؛ اما در بین دیگر استان‌ها نیز تعداد زیادی از مقالات انجام شده‌اند؛ یعنی تمرکز دانشجویان، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی آموزش و پرورش در شهر تهران، نتیجه خود را در این حوزه نمایان کرده است؛ به طوری که بیشتر نمونه‌ها و منابع گردآوری داده‌ها در تهران (۱۵/۵ درصد) بودند. همچنین، نتایج جدول شماره ۱۲ نشان داد که ۴۷/۵ درصد از پژوهش‌ها توسط سه نویسنده منتشر شده‌اند و ۵۵ درصد از پژوهش‌ها حداقل دارای یک نویسنده زن بودند. بررسی روندهای پژوهشی در قالب تحلیل روند سال چاپ مقالات در جدول شماره ۱۳ نشان داد که پژوهش‌های مربوطه روندی افزایشی داشته‌اند و از سال ۱۳۹۰ به بعد رشد چشمگیری در بیش از ۷۰ درصد از این پژوهش‌ها در کشور مشاهده می‌شود که ناشی از افزایش ظرفیت دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در دانشگاه‌های کشورمان است.

شیوه انجام و نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا با پژوهش عاشوری، دوستی، رضوی و حسینی (۱۳۹۶) است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به وجود یک اتاق فکر قوی و متخصص و ایجاد دفتر چهارمی علاوه بر سه دفتر حاضر، به نام دفتر تخصصی برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های ورزش دانش‌آموزی در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش هستیم. تا ضمن دریافت بازخورد حقیقی از طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در سطح مدارس و ورزش دانش‌آموزی، هدایت درست پژوهش‌های علمی با هدف حل مسائل و مشکلات بنیادی و توسعه‌ای این بخش، همکاری دو جانبه بین واحدهای تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های تربیت‌بدنی کشور با معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش برای حل مسائل بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی با الگویی جامع در پژوهش‌ها و برنامه درسی دانشجویان مقاطع کاردانی، کارشناسی و بالاتر برای تربیت و آموزش مستمر و به‌روز معلمان تربیت‌بدنی در مدارس صورت گیرد و نیز ایجاد نشریه‌ای علمی-پژوهشی مستقل با موضوع پژوهش در ورزش دانش‌آموزی برای استحکام پایه‌های سلامت و ورزش همگانی و قهرمانی کشورمان، بیش از پیش احساس می‌شود تا به جایگاه مطلوب آن دست یابیم؛ از این رو، بیش از پیش وجود برنامه‌ای منسجم، جامع و پایدار در تربیت‌بدنی و ورزش

کشور و عمل به آن با نظارت کامل و جلوگیری از موازی‌کاری سازمان‌های مختلف با شناسایی دقیق مشکلات و حل مسائل این حوزه و هدایت این ظرفیت نهفته و آینده‌ساز، در کشور احساس می‌گردد. در پایان، نقل قولی از رنانی (۱۳۹۷) در مورد جایگاه نظام آموزشی کشور در توسعه کشور می‌آید: «اگر بخواهیم توانایی یک کشور را در حوزه قابلیت برای توسعه در نظر بگیریم و اینکه این ملت بخواهد در جهان حرفی برای گفتن داشته باشد و قابلیت اول شدن در خاورمیانه را داشته باشد، نباید گفت می‌توانید خودرو بسازید؟ انرژی اتمی دارید یا خیر؟ فقط باید دید آن کشور می‌تواند آدم تربیت کند یا خیر؟ این را از طریق نظام آموزشی آن کشور می‌توان فهمید. اگر توانست آدمی تربیت کند که نرمال، طبیعی، منظم، شاد و با کیفیت باشد، آن کشور توسعه پیدا می‌کند؛ اما اگر نتواند، آن کشور، هر صنعتی هم که بسازد نمی‌تواند توسعه پیدا کند. متأسفانه، مدیران ارشد ما به پژوهش اعتقادی ندارند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن اسیر شدن بدنه مدیریتی کشور در دست تکنوکرات‌های پیری است که سال‌ها از تغییرات شگرف در علم و دانش و حتی مدیریت دور شده‌اند. سیاست‌ها باید به سوی حمایت همه‌جانبه از نخبگان ایرانی، به‌ویژه جذب نخبگانی منجر شود که با آنچه در دنیای امروز در آموزش و پرورش می‌گذرد، آشنایی لازم را دارند»؛ بنابراین، مسئولان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت کشور باید سیاست‌های دقیق و بلندمدت خود را در توسعه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی که رکن اصلی سلامت، ورزش همگانی و قهرمانی آینده کشور است، هماهنگ با برنامه‌های وزارت ورزش و جوانان، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با بهره‌گیری از توان متخصصان و نخبگان علمی و ورزشی داخلی و الگوهای مطلوب دیگر کشورها تنظیم کنند.

## منابع

1. Afshar, A. A. (2012). The necessity and importance of research and its place in the society. Available at: <http://www.tabnak.ir/fa/news/290998>. (Accessed: 13 December 2012). (Persian).
2. Akhane, H. (2018). Year of support for Iranian elites? Shargh Daily. News Code: 3125. Available at: <http://www.sharghdaily.ir/fa/main/archive>. (Accessed: 17 April 2018). (Persian).
3. Ashori, T., Dosti Pasha, M., Razavi Seyed M. H., & Hoseini, A. H. (2018). Content analysis of the sports entrepreneurial researches in Iran. *Applied Research of Sport Management*, 6(3), 75-86. (Persian).
4. Full text of the constitution of the Islamic Republic of Iran along with the reforms of 1989. Available at: (rc.majlis) Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of IRAN. (Accessed: 20 March 2017). [https://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution). (Persian).



5. Ghaffari, A. R. (2012). Research: The first step in support of national production. The economics expert. Ettelaat (The information) newspaper. Wednesday, No. 25285. Available at: <https://www.ettelaat.com/> . News Code: 25285. (Accessed: 11 April 2012). (Persian).
6. Ghasemi, H., Keshkar, S., Rasekh, N., & Karami, A. (2017). Handbook of content analysis of communication messages. Tehran: Andisheh Ara Publishing. (Persian).
7. Helalizadeh, M., Taghizadeh, M. R., Afshari, M., & Irani, R. (2017). Content analysis of sport physiology. Journal of Physical Education and Sport Sciences Institute, 9(34), 17-34. (Persian).
8. Kahan, D., & McKenzie Thomas, L. (2017). School and neighborhood predictors of physical fitness in elementary school students. Journal of American School Health. 87(6), 448-456.
9. Pitts, B. G., & Pedersen, P. M. (2005). Examining the body of scholarship in sport management: A content analysis of the journal of sport management. Sport Management and Related Topics Journal, 2 (1), 33-52.
10. Ranani, M. (2018). Removing the Sampad exam is a great test for the state. Shargh Daily, News Code: 3127. Available at: <http://www.sharghdaily.ir/fa/main/archive>. (Accessed: 19 April 2018). (Persian).
11. Sajjadi, N.A., Hashemi, Z., Behnam, M., Ahmadi, H. R., & Bakhshandeh, H. (2016). Evaluation of scientific research articles about sports management in specialized journals of Iran. Physiology and Sports Management Studies, 8(1), 35-50. (Persian).
12. Smucker, Michael. & Grappendorf, Heidi. (2008). A content analysis of sport management faculty collaboration: Since versus multiple authorship. *The SMART Journal*. 4(2), 47-57.
13. Specialized assembly department of physical education and health. (2017). Available at: <http://www.medu.ir/fa/news/item/818759/>. (Accessed: 12 October 2017). (Persian).
14. Tape Rashi, Giti (2010). Content Analysis of Physical Education Research Reports with Emphasis on Management", Master's Thesis, Physical Education Faculty, Islamic Azad University-Karaj Branch. (Persian).

#### استناد به مقاله

قاسمی، حمید؛ عسگرشمسی، میثم. (۱۳۹۸). تحلیل محتوای پژوهش‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۶۱-۸۴.  
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5917.1467

Ghasemi, Hamid. & AsgarShamsi, Maysam. (2019). Content Analysis of Physical Education and Student Sport Researches in Iran. Research on Educational Sport, 7(16): 61-84. (Persian).  
Doi: 10.22089/RES.2018.5917.1467.

## مدل ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان

امیر دانا<sup>۱</sup>، صالح رفیعی<sup>۲</sup>، المیرا گوزل‌زاده<sup>۳</sup>، مریم شمسی<sup>۴</sup>

۱. گروه تربیت‌بدنی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران\*

۲. استادیار پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی

۳. گروه تربیت‌بدنی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران

۴. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، گرگان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۶

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین روابط ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان بود؛ براین‌اساس، ۳۷۷ ورزشکار جوان مرد با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای ساده از بین ورزشکاران باشگاه‌های شهر گرگان انتخاب شدند و فرم اطلاعات فردی، سیاهه سبک هویت و پرسش‌نامه تقید به نماز را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تحلیل شدند. ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری روابط مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی روابط منفی با تعهد هویت و تقید به نماز داشتند. مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری، به‌صورت مستقیم و مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی، به‌صورت مستقیم و منفی بر تعهد هویت و تقید به نماز اثرگذار بودند. سبک‌های هویت در مجموع توانستند ۴۱ درصد از تغییرات تعهد هویت را تبیین کنند و نیز سبک‌های هویت و تعهد هویت در مجموع ۵۸ درصد از تغییرات تقید به نماز را تبیین کردند. براساس مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم، سبک‌های هویت هنجاری، سردرگم/اجتنابی و اطلاعاتی، به‌ترتیب بیشترین اثر بر تقید به نماز را در نمونه مورد مطالعه داشتند. براساس یافته‌ها، هنجارسازی و ترویج باورهای دینی از طریق افراد مهم در شبکه اجتماعی ورزشکاران می‌تواند موجب افزایش تقید به نماز در آن‌ها شود.

**واژگان کلیدی:** سبک هویت، تعهد هویت، تقید به نماز، ورزشکاران جوان.

## مقدمه

جامعه ۸۰ میلیونی ایران با میانگین سنی ۳۱/۱ سال، یکی از جوان‌ترین جوامع دنیا است که افراد ۱۰ تا ۱۹ سال حدود ۱۳/۹۴ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در ایران، قشر جوان جامعه بیش از هر زمان دیگری در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارد و پرداختن به عواملی که بتواند در پیشگیری از این آسیب‌ها نقش داشته باشد، ضرورتی انکار ناپذیر محسوب می‌شود. مشارکت در ورزش از جمله فعالیت‌هایی است که آثار مثبت روانی و اجتماعی بسیاری بر جوانان دارد (ایمی، یانگ، هاروی، چارتی و پین، ۲۰۱۳) و می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد (هدائیان و دادخواه، ۱۳۹۴). با وجود این مزایا، امروزه جامعه ورزش کشور، به‌ویژه ورزشکاران از گزند انحراف‌ها و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در امان نمانده است. یکی از عوامل بازدارنده احتمالی در این زمینه، پابندی ورزشکاران به باورها و اعتقادات دینی است. مطالعات نشان می‌دهند که باورهای دینی (جعفری و صدری، ۱۳۸۹) و تقید به نماز (صفری، میرآقایی، قاضی و مرادی، ۱۳۹۳) با سلامت روان در ارتباط هستند و باورهای مذهبی و ابعاد آن شامل باورهای اعتقادی، عواطف دینی، پیامدی و مناسکی و تعهد به این باورها، به‌صورت معکوس با نشانگان افسردگی در ارتباط هستند (مهدیزادگان و رئیس، ۱۳۹۴) که تمامی این شواهد بر نقش سازنده باورهای مذهبی در به‌زیستی روان‌شناختی تأکید دارند. علاوه بر این، عمده ورزشکاران نسبت به باورهای دینی و تبعیت از این باورها نگرش مثبت دارند. فضل‌الهی و ملکی (۱۳۹۳) در یک نگرش‌سنجی دریافتند که ورزشکاران در سطوح مختلف رقابتی توکل به خداوند، التزام عملی به دین از جمله نماز خواندن، رازونیز و اعتقاد به امدادهای الهی را در کاهش اضطراب و نیل به موفقیت و تحقق اهداف ورزشی خود مؤثر می‌دانند. لازمه و پیش‌نیاز پابندی به این باورها در ورزشکاران جوان، شکل‌گیری یک هویت دینی قوی است. دین و مذهب بخش مهمی از هویت فرد هستند و با فراهم کردن چهارچوب و مبانی ارزشی به فرد کمک می‌کنند تا به زندگی خود معنا و مفهوم بخشد (علامه جعفری، ۱۳۷۷، به نقل از قربانی، ۱۳۸۴).

بدون شک، شکل‌گیری هویت وجه بنیادین تحول نوجوانی به‌شمار می‌رود. مطالعه علمی هویت در نظریه روانی اجتماعی اریکسون<sup>۲</sup> (۱۹۵۰، ۱۹۶۸) ریشه دارد. براساس این دیدگاه، الگوی تحول در زندگی شامل هشت مرحله است و کیفیت گذشتن از هر مرحله از طریق چگونگی حل چالش‌ها و اهداف آن مرحله مشخص می‌شود. طبق این دیدگاه، حل تعارض مرحله تحولی پنجم - هویت در برابر سردرگمی - در نوجوانی و آغاز دوره بزرگسالی محقق می‌شود. حل چالش تحولی هویت در برابر سردرگمی هویت

- 
1. Eime, Young, Harvey, Charity & Payne
  2. Erikson

منوط بر آن است که فرد براساس مجموعه اهداف، ارزش‌ها و باورهای سازمان‌یافته فردی احساس باثباتی از خود شکل دهد (اریکسون، ۱۹۵۰، ۱۹۶۸، به نقل از بوسچ و کارد، ۲۰۱۲). مارسیا<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) در ردیف نخستین پژوهشگرانی است که مطالعه تجربی مرحله هویت در برابر سردرگمی هویت نظریه اریکسون را عملیاتی کرد. طبق دیدگاه وی، دو وجه اصلی تحول هویت شامل اکتشاف<sup>۳</sup> و تعهد<sup>۴</sup> است. اکتشاف بر جست‌وجوگری فعال اطلاعات درباره ارزش‌ها، باورها و سبک‌های زندگی جایگزین دلالت دارد. تعهد مشتمل بر تلاش برای تصمیم‌گیری درباره این است که کدام امکانات با شخصیت فرد هماهنگی مناسبی دارند و این تصمیم‌ها در گستره وسیعی از موقعیت‌ها به کار گرفته می‌شوند. براساس ابعاد اکتشاف و تعهد، چهار وضعیت هویتی از یکدیگر متمایز می‌شوند: موفق<sup>۵</sup> (اکتشاف و تعهد بالا)، دیررس<sup>۶</sup> (اکتشاف بالا و تعهد پایین)، زودرس<sup>۷</sup> (اکتشاف پایین و تعهد بالا) و سردرگم<sup>۸</sup> (اکتشاف و تعهد پایین). برزونسکی<sup>۹</sup> (۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۲۰۰۸) از طریق بسط الگوی مقوله‌ای وضعیت هویت مارسیا، الگوی فرایندی سبک‌های هویت را مفهوم‌سازی کرد. اصطلاح «سبک هویت»<sup>۱۰</sup> به راهبردهای شناختی و اجتماعی اشاره دارد که افراد به‌طور معمول هنگام رویایی یا اجتناب از تکالیف مربوط به ساخت و تداوم احساس هویت استفاده می‌کنند. در فرایند اکتشاف هویت، سه سبک هویت متشکل از سبک هویت اطلاعاتی<sup>۱۱</sup>، هویت هنجاری<sup>۱۲</sup> و هویت سردرگم/اجتنابی<sup>۱۳</sup> از لحاظ کمی (وجود یا نبود اکتشاف) و کیفی (دلایل فقدان اکتشاف) با یکدیگر تفاوت دارند. سبک هویت اطلاعاتی بر وجود تلاش‌های اکتشافی تأکید دارد. در این سبک، افراد اطلاعات مربوط به هویت را از طریق گستره وسیعی از منابع، به‌طور فعال جست‌وجو می‌کنند و نسبت به تجارب جدید گشودگی نشان می‌دهند. سبک اطلاعاتی سازگارانه‌ترین سبک هویت است که سازوکار کنارآمدن برای اداره موقعیت‌های روزانه را ارائه می‌دهد. سبک هویت هنجاری از طریق فقدان تلاش‌های اکتشافی مشخص می‌شود. در این سبک هویتی، فرد بدون بررسی دقیق و موشکافانه سایر

- 
1. Bosch & Card
  2. Marcia
  3. Exploration
  4. Commitment
  5. Achieved
  6. Moratorium
  7. Foreclosed
  8. Diffuse
  9. Berzonsky
  10. Identity Style
  11. Strategies
  12. Information Style
  13. Normative Style
  14. Diffuse/ Avoidant Style

انتخاب‌ها، اهداف، ارزش‌ها و تعهدات هویتی افراد مهم را می‌پذیرد. در واقع، سبک هنجاری براساس تقلید و تبعیت از افراد مهم در زندگی فرد بنا می‌شود و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی، تعهد غیرمنعطف و یک خودپنداره ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. سبک هویت سردرگم/اجتنابی مانند سبک هنجاری از طریق فقدان تلاش‌های اکتشافی مشخص می‌شود؛ با این تفاوت که افراد دارای سبک سردرگم/اجتنابی معیارهای هویتی توصیف‌شده توسط افراد مهم را نمی‌پذیرند. آن‌ها از اکتشاف درباره هویت اجتناب می‌کنند و ترجیح می‌دهند که مطالبات موقعیتی و نیازهای کوتاه‌مدت فوری تصمیم‌های هویتی آن‌ها را رهبری کند. افراد سردرگم/اجتنابی تاحدی اکتشاف می‌کنند؛ اما چنین تلاش‌هایی اتفاقی هستند. سبک سردرگم/اجتنابی نماد برخورد طفره‌آمیز و مسامحه در مشکلات است و یک نوع راهبرد متمرکز بر هیجان است که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداره همراه است (شوارتز، ۲۰۰۱؛ برزونسکی، ۲۰۰۸).

پایبندی به باورهای دینی و تقید به نماز ممکن است ناشی از تقلید و تبعیت از افراد مهم باشد (سبک هویت هنجاری)؛ اما رسیدن به نگرش دینی عمیق و هویت‌یابی موفق، نیازمند فرایند شک‌کردن، پرسشگری و جست‌وجوگری است (سبک هویت اطلاعاتی). فردی که به پرسشگری می‌پردازد، شاخص‌ها و اصول دینی خود را از نزدیک می‌آزماید و پاسخ‌های قالبی و آماده را نمی‌پذیرد. چنین فردی با تلاش و جست‌وجو، باعث بسط معرفت دینی خود می‌شود. این شک‌ها و پرسشگری‌ها تا زمان رسیدن به پاسخ، باعث ایجاد فشارها و استرس‌هایی در فرد می‌شوند (هانشرگر، پرات و پنس، ۲۰۰۱). پارکر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) معتقد است که افراد به‌طور معمول پس از تجربه یک بحران هویتی شدید، اشتغال مذهبی بالایی پیدا می‌کنند و تجربه‌کردن تعارض در فرایند اکتشاف هویت، تعیین‌کننده اصلی تحول باورهای مذهبی است. گبلت، تامپسون و میلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت با رشد ایمان در دانشجویان دریافتند که سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مثبت با سطح ایمان و اکتشاف معنویت (خواست برای پرسشگری باورها، ارزش‌دهی به شک‌ها و گشودگی به تغییر) در ارتباط است. در این مطالعه، سبک هنجاری نیز با ایمان ارتباط مثبت داشت؛ اما با شک در مورد مذهب به‌صورت منفی در ارتباط بود و نیز سبک سردرگم تنها با پرسشگری باورها و انتظار تغییر آینده در باورها در ارتباط بود. علاوه‌براین، سیرلی و شوانولت<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه شکل‌گیری باورهای مذهبی در نوجوانان و جوانان

- 
1. Schwartz
  2. Hunsherger, Pratt & Pance
  3. Parker
  4. Gebelt, Thompson & Miele
  5. Searle & Schvaneveldt

۱۴ تا ۱۸ سال دریافتند که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در ارتباط مثبت و سبک سردرگم/اجتنابی در ارتباط منفی با شکل‌گیری باورهای مذهبی قرار دارند. تحلیل‌های بیشتر نشان دادند که پس از کنترل نقش قومیت، سن و جنسیت در پیش‌بینی شکل‌گیری باورهای مذهبی، سبک هویت اطلاعاتی، تعهد و تعصب مذهبی تعیین‌کننده‌های مهم شکل‌گیری باورهای مذهبی در نوجوانان و جوانان هستند. شیخ‌الاسلامی و عمرانیان (۲۰۱۶) با مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز دریافتند که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری روابط مثبتی با باورهای دینی (مؤلفه‌های فریضه‌های دینی و اخلاقیات) دارند؛ درحالی‌که سبک هویت سردرگم/اجتنابی به‌صورت منفی با باورهای دینی در ارتباط است. گرژالز و سامرز<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به مطالعه روابط بین سبک‌های هویت، تعهد و تعصبات مذهبی پرداختند. براساس یافته‌های این پژوهش، سبک هویت اطلاعاتی اثر مستقیم بر تعصبات مذهبی دارد و هر سه نوع سبک هویت، از مسیر تعهد بر تعصبات مذهبی اثر غیرمستقیم دارند و ۲۴ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کنند. افزون‌براین، نتایج مطالعات مقطعی و طولی دوریز، سوئنز و بیبرز<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، دوریز و سوئنز<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) و دوریز، اسمیتس و گوسنز<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که سبک‌های هویت با تعصبات مذهبی در ارتباط هستند. براساس این شواهد، بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعصبات مذهبی روابط مثبت و بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و تعصبات مذهبی روابط منفی برقرار است. یافته‌های مطالعاتی دیگر نیز نشان می‌دهند که وضعیت‌های هویت با باورهای مذهبی (اثنی‌عشران، ۱۳۷۸) و دینداری (سلطانی‌فر، ۱۳۸۳) در ارتباط هستند؛ درحالی‌که بین بحران هویت و دینداری ارتباط منفی وجود دارد و دینداری حدود ۱۱ درصد از تغییرات بحران هویت را تبیین می‌کند (نجفی، ۱۳۸۲). همچنین، سبک‌های هویت تابع تفاوت‌های جنسیتی هستند؛ اما در مجموع بین جهت‌گیری‌های مذهبی و سبک‌های هویت ارتباط وجود دارد (رضایی فرح‌آبادی و احقر، ۱۳۸۹). شایان ذکر است که بیشتر مطالعات برپایه وضعیت‌های هویت نظریه مارسیا (۱۹۸۰) انجام شده‌اند که روایی و پایایی آن در بیشتر مطالعات تأیید شده است (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹)؛ باین‌حال، به‌دلیل نگاه ایستا و پیامدی این الگو به هویت، از آن انتقاد نیز شده است (وان هوف، ۱۹۹۹). به‌طورکلی، پژوهش در شکل‌گیری هویت، چه براساس وضعیت‌های هویت و چه براساس سبک‌های هویت، به‌دلیل

- 
1. Sheikholeslami & Omranian
  2. Grajales & Sommers
  3. Duriez, Soenens & Beyers
  4. Duriez & Soenens
  5. Duriez, Smits, & Goossens
  6. Berzonsky & Adams
  7. Van Hoof

نقش آن در رشد و بهزیستی روان‌شناختی ضرورت دارد. براساس شواهد موجود، وضعیت‌های هویت با بهزیستی روان‌شناختی در ارتباط هستند (ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵). همچنین، سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری کارکرد مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی کارکرد منفی درقبال شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی دارند (بهادری و علی‌لو، ۱۳۹۱؛ مهدی‌زادگان و رئیسی، ۱۳۹۴). گذشته‌ازاین، یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی ورزشکاران بیانگر نقش سبک‌های هویت در شکل‌گیری عوامل انگیزشی و احساس موفقیت در ورزشکاران هستند (برقی‌مقدم، صالحیان، کندی، اسدی و درستکار روحانی، ۲۰۱۲). بیش‌تراینکه، سازه هویت در ورزشکاران نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار تمرینی (اندرسون، ۲۰۰۷)، تعهد ورزشی (دریک، ۲۰۰۸) و رشد مهارت‌های اجتماعی (مارتین، ۱۹۹۷) دارد که همگی بر اهمیت پرداختن به شکل‌گیری هویت در ورزشکاران دلالت دارند.

به‌طورکلی براساس آنچه گذشت، می‌توان چنین بیان کرد که باورهای دینی و تقید به آن‌ها نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بهبود بهزیستی روانی ایفا می‌کنند و ورزشکاران نیز بر پیامدهای مثبت این باورها اذعان دارند (فضل‌الهی و ملکی، ۱۳۹۳). ظهور باورها و گرایش‌های دینی نیازمند شکل‌گیری هویت دینی قوی در افراد است؛ ازاین‌رو، سبک‌های هویت و تعهد هویت ممکن است از مسیر شکل‌دهی هویت دینی در بروز باورهای دینی و پایبندی به آن‌ها نقش داشته باشند؛ براین‌اساس، در پژوهش حاضر، روابط ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز (به‌عنوان یک شاخص رفتاری از باورهای دینی) در ورزشکاران جوان مطالعه شدند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کمی حاضر از نوع مطالعات همبستگی (مدل‌یابی معادلات ساختاری) و مقطعی بود. جامعه آماری همه ورزشکاران مرد جوان در دامنه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال شهرستان گرگان در سال ۱۳۹۵ بودند که با توجه به نامشخص بودن آمار جامعه موردپژوهش، حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ نفر از طریق فرمول کوکران، برای جامعه نامحدود تعیین شد. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی خوشه‌ای ساده استفاده شد. بدین روش که هر باشگاه ورزشی به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و براساس فهرست اداره ورزش و جوانان شهر گرگان، ۴۰ باشگاه به‌صورت تصادفی (براساس جدول اعداد تصادفی) از بین ۲۸۵ باشگاه ورزشی این شهر انتخاب شدند و سپس، از ورزشکاران عضو باشگاه‌ها که رشته‌های مختلف

- 
1. Vleioras & Bosma
  2. Anderson
  3. Derick
  4. Martin

تیمی (بسکتبال، هندبال، والیبال، فوتبال و فوتسال) و انفرادی (کشتی، کاراته، جودو، تکواندو، ووشو، بدمینتون، صخره نوردی و پرورش اندام) بودند، به صورت تصادفی ۱۰ ورزشکار انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات به روش میدانی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شد. اطلاعات فردی شرکت‌کننده‌ها با استفاده از یک فرم پژوهشگرساخته متشکل از چهار سؤال برای تعیین سن، رشته ورزشی، سابقه ورزشی و سطح رقابتی گردآوری شد و برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد. **سیاهه سبک هویت!** برزونسکی (۱۹۹۲) این ابزار را ساخته است که دارای ۴۰ سؤال در چهار بعد سبک هویت اطلاعاتی (۱۱ سؤال)، سبک هویت هنجاری (۹ سؤال)، سبک هویت نامتمایز/اجتنابی (۱۰ سؤال) و بُعد تعهد (۱۰ سؤال) است. پاسخ‌های این ابزار روی پیوستار پنج‌درجه‌ای لیکرت از یک (کاملاً مخالف) تا پنج (کاملاً موافق) نمره‌دهی می‌شود. در نسخه اصلی این ابزار، ضرایب آلفا برای سبک اطلاعاتی برابر با ۰/۶۲، سبک هنجاری برابر با ۰/۶۶، سبک سردگم/اجتنابی برابر با ۰/۷۳ و تعهد برابر با ۰/۷۲ گزارش شده‌اند (برزونسکی، ۱۹۹۲). علاوه‌براین، روایی و پایایی نسخه فارسی این ابزار در مطالعات مختلف در ایران تأیید شده است (غضنفری، ۱۳۸۳؛ علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای بررسی روایی سازه نشان داد که مدل اندازه‌گیری چهارعاملی این ابزار برازش مطلوبی با داده‌ها دارد ( $GFI = 0.94$ ,  $CFI = 0.92$ ), همچنین، همسانی درونی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی برابر با ۰/۷۳، سبک هنجاری برابر با ۰/۸۱، سبک سردگم/اجتنابی برابر با ۰/۶۸ و تعهد برابر با ۰/۷۵ به دست آمد.

**پرسش‌نامه تقید به نماز:** پناهی (۱۳۸۲) این پرسش‌نامه را ساخته است که متشکل از ۲۰ سؤال روی یک عامل واحد است. پاسخ‌های پرسش‌نامه روی پیوستار پنج‌درجه‌ای لیکرت از یک (بسیار کم) تا پنج (بسیار زیاد) نمره‌دهی می‌شوند. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه در حد مطلوب و همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ گزارش شده است که بیانگر روایی و پایایی قابل‌قبول این ابزار است (پناهی، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر، نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی روایی سازه نشان داد که مدل اندازه‌گیری تقید به نماز برازش بالایی با داده‌های گردآوری شده دارد ( $GFI = 0.98$ ,  $CFI = 0.97$ ), همچنین، همسانی درونی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

در اجرای پژوهش، ابتدا مجوز اجرای پژوهش از اداره ورزش و جوانان شهر گرگان دریافت شد. سپس، فهرست باشگاه‌های ورزشی از اداره ذکرشده دریافت شد و نمونه‌گیری مرحله اول انجام شد.

## 1. Identity Style Inventory



پژوهشگران در محل باشگاه‌های منتخب حاضر شدند و پس از ارائه توضیحات مقدماتی درباره پژوهش، هدف از اجرای آن و تأکید بر ملاحظات اخلاقی (محرمانه‌بودن اطلاعات و استفاده از آن‌ها برای مقاصد علمی)، به صورت تصادفی از بین افراد داوطلب به تعداد موردنیاز نمونه‌گیری کردند. شرکت‌کننده‌ها پس از دریافت توضیحات لازم درباره نحوه پاسخ‌گویی، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند و آن‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار دادند. از ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، از ۳۷۷ پرسش‌نامه برای تحلیل‌های اصلی استفاده شد (نرخ بازگشت ۹۴/۲۵ درصد).

پس از گردآوری اطلاعات برای طبقه‌بندی و خلاصه‌سازی داده‌ها، از میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، جدول و شکل استفاده شد. در تحلیل داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین همسانی درونی ابزار اندازه‌گیری، از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین همبستگی‌های دوسویه بین متغیرها، از تحلیل عامل تأییدی برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری و درنهایت، از مدل معادلات ساختاری برای بررسی میزان برازش مدل مبنا با داده‌های گردآوری شده و تعیین روابط ساختاری استفاده شد. در پژوهش حاضر، از ریشه دوم برآورد میانگین واریانس خطای تقریب<sup>۲</sup> شاخص نیکویی برازش<sup>۳</sup> و شاخص برازش تطبیقی<sup>۴</sup> برای تعیین برازش مدل استفاده شد. دامنه موردقبول برای میانگین واریانس خطای تقریب مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۸ و برای دو شاخص شاخص نیکویی برازش و شاخص برازش تطبیقی مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ هستند (هو و بنتلر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). تمامی تحلیل‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی<sup>۶</sup> (اس.پی.اس.اس.) نسخه ۲۲ و لیزرل<sup>۷</sup> نسخه ۸/۵۳ انجام شدند.

## نتایج

شرکت‌کننده‌های پژوهش حاضر دارای میانگین سنی  $21/57 \pm 2/09$  سال و میانگین سابقه ورزشی  $4/73 \pm 7/27$  سال بودند. از نظر رشته ورزشی، ۱۸۳ نفر (۴۸/۵۴ درصد) در ورزش‌های تیمی و ۱۹۴ نفر (۵۱/۴۶ درصد) در ورزش‌های انفرادی مشارکت داشتند که سطح رقابتی ۱۶۹ نفر (۴۴/۸۳ درصد) در حد رقابت‌های شهرستان، ۱۲۳ نفر (۳۲/۶۳ درصد) در حد رقابت‌های استانی، ۷۶ نفر (۲۰/۱۶)

1. Kolmogorov-Smirnov (K-S)
2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
3. Goodness of Fit Index (GFI)
4. Comparative Fit Index (CFI)
5. Hu & Bentler
6. Statistical Package for Social Sciences (SPSS)
7. LISREL

درصد) در حد رقابت‌های کشوری و نه نفر (۲/۳۹ درصد) در حد رقابت‌های بین‌المللی بود. براساس آماره‌های توصیفی متغیرها (جدول شماره ۱)، شرکت‌کننده‌ها به ترتیب نمرات بالاتری در سبک هویت هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی گزارش کردند (شکل شماره ۱). برای تحلیل‌های استنباطی، ابتدا توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بررسی شد که نتایج حاصل نشان داد که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها از توزیع طبیعی برخوردار است ( $0.396 - 0.998 = Z_s$ ,  $0.389 - 0.898$ ,  $P_s$ ). نتایج آزمون تی تک‌گروهی برای برآورد پارامتر جامعه براساس اطلاعات نمونه مورد مطالعه (جدول شماره ۱) نشان داد که نمره سبک‌های هویت اطلاعاتی ( $p > 0.05$ ) و هنجاری ( $t = 3.97$ ,  $P > 0.001$ ) و همچنین، تعهد هویت ( $t = 13.56$ ,  $P > 0.001$ ) و تقید به نماز ( $t = 4.69$ ,  $P > 0.001$ )، بالاتر از سطح متوسط (ارزش آزمون سه) قرار دارد؛ درحالی‌که نمره سبک هویت سردرگم/اجتنابی پایین‌تر از حد متوسط است ( $t = 5.13$ ,  $p > 0.001$ ). نتایج ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۱) نشان داد که روابط دوسویه سبک هویت اطلاعاتی با تعهد هویت ( $r = 0.46$ ,  $P > 0.001$ ) و تقید به نماز ( $r = 0.43$ ,  $P > 0.001$ )، معنادار و مثبت است. به‌طور مشابه، سبک هویت هنجاری با تعهد هویت ( $r = 0.49$ ,  $P > 0.001$ ) و تقید به نماز ( $r = 0.66$ ,  $p > 0.001$ )، ارتباط معنادار و مثبت است؛ با این حال، ارتباط دوسویه سبک هویت سردرگم/اجتنابی با تعهد هویت ( $r = -0.52$ ,  $p > 0.001$ ) و تقید به نماز ( $r = -0.53$ ,  $P > 0.001$ ) معنادار و منفی است. علاوه‌براین، بین تعهد هویت و تقید به نماز ارتباط دوسویه معنادار، مثبت و قوی وجود دارد ( $r = 0.69$ ,  $P > 0.001$ ).

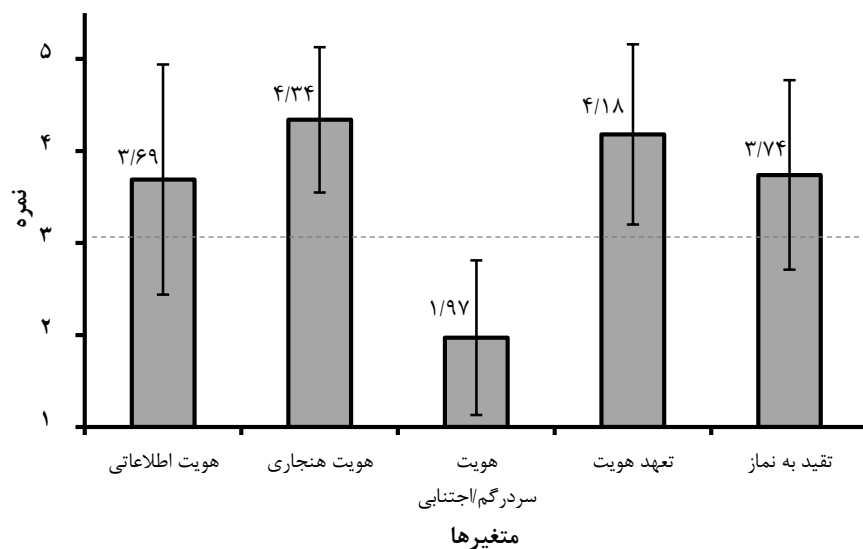
در ادامه، برای تعیین روابط علی بین متغیرهای پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. ابتدا، برازش مدل‌های اندازه‌گیری هریک از متغیرها به‌صورت جداگانه و سپس، در قالب مدل کلی اندازه‌گیری بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (جدول شماره ۲) نشان داد که مدل‌های اندازه‌گیری از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار هستند؛ بنابراین، در طرح مدل مبنا برای مدل‌یابی، از تمامی متغیرها و سؤال‌های مرتبط با آن‌ها استفاده شد. در مدل مبنا، سبک‌های هویت به عنوان متغیرهای مکنون برون‌زاد (مستقل) و تعهد هویت و تقید به نماز به‌عنوان متغیرهای مکنون درون‌زاد (وابسته) در نظر گرفته شدند. همچنین، سؤال‌های خرده‌مقیاس‌ها به‌عنوان نشانگرهای متغیرهای مکنون مربوطه لحاظ شدند. در این مدل، اثر مستقیم سبک‌های هویت بر تعهد هویت و تقید به نماز و همچنین، اثر مستقیم تعهد هویت بر تقید به نماز، به‌عنوان روابط ساختاری در نظر گرفته شدند. نتایج مدل معادلات ساختاری برای مدل مبنا نشان داد که مدل طرح‌شده برازش قابل‌قبولی با داده‌های گردآوری‌شده دارد ( $\chi^2 = 1519.34$ ,  $df = 730$ ,  $p > 0.001$ ,  $RMSEA = 0.058$ ,  $GFI = 0.93$ ,  $CFI = 0.91$ ). شکل

شماره دو ضرایب استاندارد شده مسیر برای مدل مبنا و جدول شماره سه نتایج آزمون‌های معناداری ضرایب مسیر را نشان می‌دهد. گفتنی است که در این شکل ضرایب مسیر مدل‌های اندازه‌گیری در داخل مستطیل-ها آمده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثر مستقیم سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد هویت ( $p > 0/05$ )،  $\beta = 0/27$ ، و تقید به نماز ( $\beta = 0/24$ ,  $p > 0/05$ ) و اثر مستقیم سبک هویت هنجاری بر تعهد هویت ( $\beta = 0/41$ ,  $p > 0/001$ ) و تقید به نماز ( $\beta = 0/49$ ,  $p > 0/001$ ) و نیز اثر مستقیم سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر تعهد هویت ( $\beta = -0/33$ ,  $p > 0/01$ ) و تقید به نماز ( $\beta = -0/34$ ,  $p > 0/01$ )، از لحاظ آماری معنادار است. همچنین، اثر مستقیم تعهد هویت بر تقید به نماز از لحاظ آماری معنادار است ( $P > 0/001$ )،  $\beta = 0/53$ ، بر اساس این نتایج، سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری اثری مثبت بر تعهد هویت و تقید به نماز و سبک هویت سردرگم/اجتنابی اثری منفی بر تعهد هویت و تقید به نماز دارند. همچنین، تعهد هویت اثری مثبت بر تقید به نماز دارد. علاوه بر این، نتایج مدل‌یابی نشان داد که سبک‌های هویت در مجموع ۴۱ درصد از تغییرات تعهد هویت را تبیین می‌کنند و تقید به نماز بر اساس سبک‌های هویت و تعهد هویت، ۵۸ درصد قادر به تبیین است. از بین سبک‌های هویت، بیشترین اثر بر تعهد هویت و تقید به نماز، به ترتیب مربوط به اثر منفی سبک هویت سردرگم/اجتنابی ( $\beta = -0/33$ ) و سبک هویت هنجاری ( $\beta = 0/49$ ) بود. در ادامه، اثرهای غیرمستقیم سبک‌های هویت از مسیر تعهد هویت بر تقید به نماز و اثر کلی سبک‌های هویت بر تقید به نماز محاسبه شدند (جدول شماره سه). یافته‌ها نشان داد که مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم (اثر کل) سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی، به ترتیب ۰/۳۸، ۰/۶۵ و ۰/۵۲- است که می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سبک هویت هنجاری به صورت مثبت، سبک هویت سردرگم/اجتنابی به صورت منفی و سبک هویت اطلاعاتی به صورت مثبت بیشترین اثر را بر تقید به نماز در نمونه مورد مطالعه دارند.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرها و نتایج آزمون‌های تی تک‌گروهی و ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	انحراف معیار $\pm$ میانگین	تی	۱	۲	۳	۴	۵
۱- هویت اطلاعاتی	۳/۶۹±۱/۲۵	۳/۹۷*	-				
۲- هویت هنجاری	۴/۳۴±۰/۷۹	۱۳/۵۶***	۰/۲۹*	-			
۳- هویت سردرگم/اجتنابی	۱/۹۷±۰/۸۴	۵/۱۳**	۰/۴۵**	-۰/۶۱***	-		
۴- تعهد هویت	۴/۱۸±۰/۹۸	۱۱/۹۱***	۰/۴۶**	۰/۴۹**	-۰/۵۲***	-	
۵- تقید به نماز	۳/۷۴±۱/۰۳	۴/۶۹**	۰/۴۳**	۰/۶۶***	-۰/۵۲***	۰/۶۹***	-

\* $p < 0/05$  , \*\* $p < 0/01$  , \*\*\* $p < 0/001$



شکل ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش (تعداد = ۳۷۷)

جدول ۲- شاخص‌های برازش برای مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری

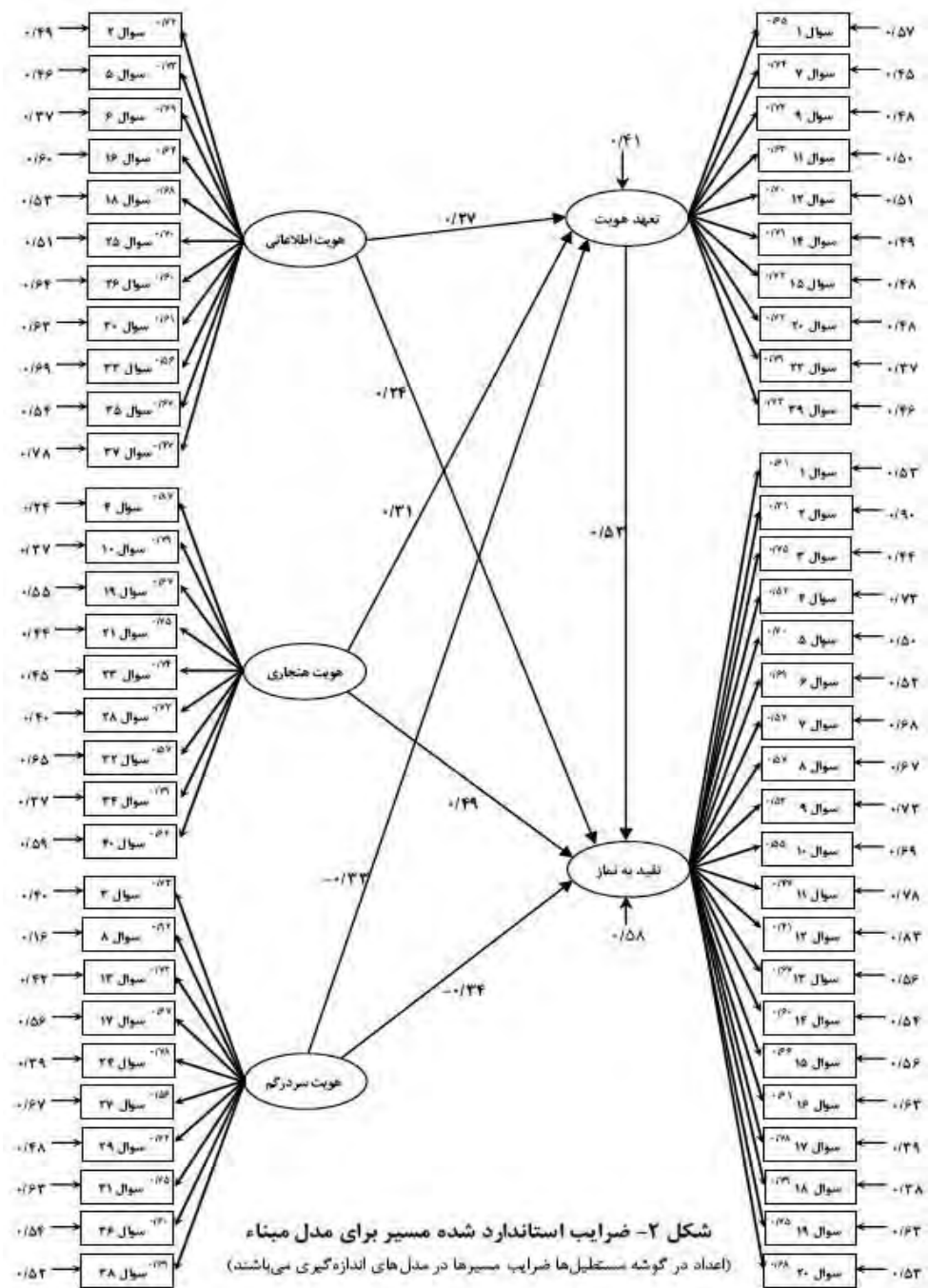
تحلیل‌ها	کای دو	درجه آزادی	کای دو بر درجه آزادی	میانگین واریانس خطای تقریب	شاخص نیکویی برازش تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی
مدل‌های اندازه‌گیری						
سبک هویت اطلاعاتی	۱۱۳/۹۶***	۴۴	۲/۵۹	۰/۰۲۹	۰/۹۶	۰/۹۵
سبک هویت هنجاری	۸۱/۲۷***	۲۷	۳/۰۱	۰/۰۳۴	۰/۹۵	۰/۹۵
سبک هویت سردرگم/اجتنابی	۶۹/۶۵***	۳۵	۱/۹۹	۰/۰۴۲	۰/۹۲	۰/۹۱
تعهد هویت	۱۰۲/۶***	۳۵	۲/۹۶	۰/۰۵۱	۰/۹۲	۰/۹۲
تقید به نماز	۴۹۱/۳***	۱۷۰	۲/۸۹	۰/۰۶۸	۰/۹۱	۰/۹۰
مدل کلی	۲۳۹۷/۱***	۱۷۰۰	۱/۴۱	۰/۰۵۳	۰/۹۳	۰/۹۳
مدل ساختاری	۲۸۴۷/۶***	۱۶۴۶	۱/۷۳	۰/۰۵۷	۰/۹۲	۰/۹۱

\*\*\*p < ۰/۰۰۱

جدول ۳- نتایج آزمون‌های معناداری ضرایب مسیر مدل ساختاری

مسیر	ضریب استاندارد شده	تی
اثر مستقیم		
سبک هویت اطلاعاتی ← تعهد هویت	۰/۲۷	۳/۲۹*
سبک هویت اطلاعاتی ← تقید به نماز	۰/۲۴	۲/۸۶*
سبک هویت هنجاری ← تعهد هویت	۰/۴۱	۶/۲۵***
سبک هویت هنجاری ← تقید به نماز	۰/۴۹	۷/۵۹***
سبک هویت سردرگم ← تعهد هویت	-۰/۳۳	۵/۶۸**
سبک هویت سردرگم ← تقید به نماز	-۰/۳۴	۵/۷۲**
تعهد هویت ← تقید به نماز	۰/۵۳	۱۱/۵۸***
اثر غیرمستقیم		
سبک هویت اطلاعاتی ← تقید به نماز	$۰/۲۷ \times ۰/۵۳ = ۰/۱۴$	-
سبک هویت هنجاری ← تقید به نماز	$۰/۳۱ \times ۰/۵۳ = ۰/۱۶$	-
سبک هویت سردرگم ← تقید به نماز	$-۰/۳۳ \times ۰/۵۳ = -۰/۱۸$	-
اثر کل		
سبک هویت اطلاعاتی ← تقید به نماز	$۰/۲۴ + ۰/۱۴ = ۰/۳۸$	-
سبک هویت هنجاری ← تقید به نماز	$۰/۴۹ + ۰/۱۶ = ۰/۶۵$	-
سبک هویت سردرگم ← تقید به نماز	$-۰/۳۴ - ۰/۱۸ = -۰/۵۲$	-

\*  $p < ۰/۰۵$ , \*\*  $p < ۰/۰۱$ , \*\*\*  $p < ۰/۰۰۱$



## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین روابط ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان بود. در ابتدا، یافته‌های پژوهش نشان داد که تقید به نماز در ورزشکاران جوان در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد و این قشر به ترتیب از سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی بیشتر از سبک هویت سردرگم/اجتنابی بهره می‌گیرند؛ درحالی‌که تعهد هویتی در آنان در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد. با این پیش‌فرض که شرکت‌کننده‌های پژوهش حاضر سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها را به درستی درک کرده‌اند و صادقانه و بادقت به آن‌ها پاسخ داده‌اند، در این صورت می‌توان بیان کرد که نمونه مورد مطالعه از سطح تقید به نماز مطلوب و از سبک‌های هویت سازگار بهره می‌گیرند. در ادامه، روابط ساده و دوسویه بین متغیرهای پژوهش بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری روابطی مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی روابطی منفی با تعهد هویت و تقید به نماز دارند. این یافته‌ها بدین معنی است که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری بالاتر با تعهد هویت و تقید به نماز بالاتر همراه است؛ درحالی‌که سبک هویت سردرگم/اجتنابی بالاتر با تعهد هویت و تقید به نماز پایین‌تر همراه است. در ادامه، نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری به صورت مستقیم و مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی به صورت مستقیم و منفی بر تعهد هویت و تقید به نماز اثرگذار هستند. سبک‌های هویت در مجموع قادر بودند ۴۱ درصد از تغییرات تعهد هویت و نیز سبک‌های هویت و تعهد هویت در مجموع ۵۸ درصد از تغییرات تقید به نماز را تبیین کنند. در کل، سبک هویت هنجاری به صورت مثبت، سبک هویت سردرگم/اجتنابی به صورت منفی و سبک هویت اطلاعاتی به صورت مثبت بیشترین اثر را بر تقید به نماز در نمونه مورد مطالعه داشتند. سبک هویت هنجاری با نشانگرهایی نظیر تبعیت از افراد مهم و ارزش‌های زندگی، ثبات و شک‌نداشتن درباره اعتقادات دینی و ارزش‌های زندگی مشخص می‌شود. مصادیق سبک هویت اطلاعاتی شامل مواردی نظیر تفکر درباره امور و مسائل زندگی، مطالعه درباره اعتقادات دینی و سیاسی، تلاش برای درک نظرهای افراد، نظرخواهی از متخصصان، چالش‌پذیری، تفکر درباره تصمیم‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با آن هستند. همچنین، سبک هویت سردرگم/اجتنابی با مصادیقی نظیر فقدان تفکر، نگرانی و اطمینان در مورد امور زندگی، فقدان آینده‌نگری، جدی‌نگرفتن زندگی و فرار از موقعیت‌های دشوار مشخص می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج گزارش شده در مطالعات پیشین هم‌راستا است و از آن حمایت می‌کنند. تامپسون و میلی (۲۰۰۹) ارتباط معناداری را بین سبک‌های هویت با رشد ایمان در دانشجویان گزارش کردند که در آن سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با سطح ایمان و اکتشاف معنویت به طور مثبت در ارتباط بودند که این یافته‌ها به طور ضمنی در پژوهش حاضر نیز تکرار

شدند. همچنین، این پژوهشگران دریافتند که سبک سردرگم تنها با پرسشگری باورها و انتظار تغییر آتی در باورها در ارتباط است که بیانگر تعهدنداشتن نمونه‌های مورد مطالعه به باورهای دینی است که با اثر منفی مشاهده‌شده در پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. علاوه بر این، این پژوهشگران دریافتند که سبک هویت هنجاری با شک در مورد مذهب به‌طور معکوس در ارتباط بود که این مطلب بیانگر تعهد زیاد به مذهب در افرادی است که در شکل‌گیری هویت فردی از سبک هویت هنجاری بهره می‌برند که این مطلب با اثر مثبت و قوی مشاهده‌شده سبک هویت هنجاری بر تقید به نماز در پژوهش حاضر هم‌خوان است. در مطالعه دیگر، سیرلی و شوانولت (۲۰۱۱) با مطالعه شکل‌گیری باورهای مذهبی در نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۱۸ سال دریافتند که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در ارتباط مثبت و سبک سردرگم/اجتنابی در ارتباط منفی با شکل‌گیری باورهای مذهبی قرار دارند. تحلیل‌های بیشتر نشان دادند که پس از کنترل نقش قومیت، سن و جنسیت در پیش‌بینی شکل‌گیری باورهای مذهبی، سبک هویت اطلاعاتی، تعهد و تعصب مذهبی تعیین‌کننده‌های مهم شکل‌گیری باورهای مذهبی در نوجوانان و جوانان هستند که این مطلب با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت دارد. همچنین، شیخ‌الاسلامی و عمرانیان (۲۰۱۶) در مطالعه نمونه‌ای از دانشجویان دریافتند که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری روابطی مثبت با باورهای دینی (مؤلفه‌های فریضه‌های دینی و اخلاقیات) دارند؛ در حالی که سبک هویت سردرگم/اجتنابی به‌صورت منفی با باورهای دینی در ارتباط است که این نتایج با شواهد به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر در توافق کامل است. در بیشتر مطالعات انجام‌شده در زمینه سبک‌های هویت و تعهد به مذهب به‌ویژه در ایران، به گزارش ضرایب همبستگی و نتایج مدل‌های رگرسیون اکتفا شده است و درباره تحلیل مسیر و مدل‌یابی گزارش‌های قابل توجهی در ادبیات پژوهشی وجود ندارند؛ باین‌حال، در یک مطالعه اخیر، گرژالز و سامرز (۲۰۱۶) با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به مطالعه روابط بین سبک‌های هویت، تعهد و تعصبات مذهبی پرداختند. براساس یافته‌های این پژوهشگران، سبک هویت اطلاعاتی اثری مستقیم بر تعصبات مذهبی دارد؛ اما سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی از مسیر تعهد هویت بر تعصبات مذهبی اثرگذارند؛ به‌طوری‌که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری اثری مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی اثری منفی بر تعهد هویت و تعصبات مذهبی دارند و سبک‌های هویت در مجموع ۲۴ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کنند. یافته‌های پژوهش ذکر شده درباره ماهیت مثبت و منفی بودن اثر سبک‌های هویت با پژوهش حاضر هم‌خوان است؛ در حالی که در زمینه نبود معناداری اثر مستقیم سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی بر تعصبات مذهبی، ناهم‌خوان است. در توضیح این ناهم‌خوانی باید متذکر شد که تقید به نماز به‌عنوان سازه‌ای که نشان‌دهنده تعهد رفتاری



افراد به مناسک و فریضه‌های دینی است مطرح می‌باشد؛ درحالی که تعصب مذهبی یک نوع تعهد بی-قیدوشرط و کورکورانه به مذهب است؛ در نتیجه، افرادی که در فرایند شکل‌گیری هویت به سمت‌وسوی سبک‌های هویت‌هنجاری و اجتنابی گرایش دارند، در صورتی به تعصبات مذهبی روی خواهند آورد که از تعهد هویت‌بالایی برخوردار باشند. از سوی دیگر، تعلیم و آموزه‌های مذهبی در بستر ادیان و فرهنگ‌های مختلف متفاوت هستند و این موضوع مقایسه‌ی نتایج حاصل از نمونه‌هایی با ادیان و فرهنگ‌های مختلف را محدود می‌کند. نتایج مطالعات مقطعی و طولی دوریز و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸) نیز با نتایج پژوهش حاضر در یک راستا قرار دارد. این پژوهشگران با بررسی ارتباط سبک‌های هویت و تعصبات مذهبی دریافته‌اند که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعصبات مذهبی، روابط مثبت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی با تعصبات مذهبی روابط منفی دارند. یافته‌های مطالعاتی با استفاده از سایر رویکردها نیز به طور ضمنی با شواهد پژوهش حاضر هم‌خوانی دارند. اثنی‌عشران (۱۳۷۸) با گزارش ارتباط بین وضعیت‌های هویت و باورهای مذهبی، سلطانی‌فر (۱۳۸۳) با گزارش ارتباط بین وضعیت‌های هویت و دینداری و رضایی فرح‌آبادی و احقر (۱۳۸۹) با گزارش ارتباط بین سبک‌های هویت و جهت‌گیری‌های مذهبی از آن جمله‌اند.

پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک‌های تحلیل‌عاملی و مدل‌یابی، شواهدی فراهم آورد که از مفهوم‌سازی سبک هویت برزونسکی (۱۹۹۲) حمایت شد. مفهوم‌سازی سبک‌های هویت در سه بعد اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی با داده‌های گردآوری‌شده از ورزشکاران جوان برآزش مطلوب داشت. براساس دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۲۰۰۸)، سبک هویت اطلاعاتی بر وجود تلاش‌های اکتشافی تأکید دارد. در این سبک، افراد اطلاعات مربوط به هویت را از طریق گستره‌ی وسیعی از منابع، به‌طور فعال جست‌وجو می‌کنند و نسبت به تجارب جدید گشودگی نشان می‌دهند. سبک اطلاعاتی سازگارانه‌ترین سبک هویت است که سازوکار کنارآمدن برای اداره‌ی موقعیت‌های روزانه را ارائه می‌دهد. در نقطه‌ی مقابل اکتشاف‌گرایی در سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری از طریق فقدان تلاش‌های اکتشافی مشخص می‌شود. در این سبک هویتی، فرد بدون بررسی دقیق و موشکافانه‌ی انتخاب‌های دیگر، اهداف، ارزش‌ها و تعهدات هویتی افراد مهم را می‌پذیرد. در واقع، سبک هنجاری براساس تقلید و تبعیت از افراد مهم در زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته‌ی ذهنی، تعهد غیرمنعطف و یک خودپنداره‌ی ثابت و سرکوب‌کننده‌ی اکتشاف است (شوارتز، ۲۰۰۱؛ برزونسکی، ۲۰۰۸). با مقایسه‌ی این دو سبک هویت می‌توان چنین استنباط کرد که سبک هویت اطلاعاتی ممکن است با گرایش‌های مذهبی معتدل‌تری در مقایسه با سبک هویت هنجاری همراه باشد. این استنباط در یافته‌های پژوهش حاضر تأیید شد و سبک هویت هنجاری اثر قوی‌تری بر تقید به نماز از خود نشان داد؛ البته لازم است توضیح

داده شود که ویژگی‌های نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر نیز ممکن است در این خصوص بی‌تأثیر نبوده باشند. در زمینه ورزش، مربیان نفوذ اجتماعی مثبت بالایی در ورزشکاران دارند و ورزشکاران به گونه‌ای با فرهنگ تبعیت از افراد مهم در شبکه اجتماعی خود تربیت می‌شوند. افزون‌بر این، ورزشکاران برای نیل به اهداف ورزشی و کسب موفقیت از الگوهای نقش بهره می‌جویند؛ به‌عنوان مثال، قریب به اتفاق قهرمانان و مدال‌آوران از گرایش‌های معنوی و مذهبی قابل مشاهده‌ای برخوردار هستند؛ از این‌رو، دور از انتظار نیست که ورزشکاران این‌گونه گرایش‌ها را در بهره‌مندی از الگوی نقش اتخاذ کنند. از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۲۰۰۸)، سبک هویت سردرگم/اجتنابی از طریق اجتناب از تلاش‌های اکتشافی درباره هویت، نپذیرفتن معیارهای هویتی توصیف‌شده به‌وسیله افراد مهم و ترجیح مطالبات موقعیتی و نیازهای کوتاه‌مدت فوری مشخص می‌شود. افراد سردرگم/اجتنابی تا حدی اکتشاف می‌کنند؛ اما چنین تلاش‌هایی اتفاقی هستند. سبک سردرگم/اجتنابی نماد برخورد طفره‌آمیز و مسامحه در مشکلات است و یک نوع راهبرد متمرکز بر هیجان است که با سطح پایینی از تعهد و اعتمادبه‌نفس و بی‌ثباتی خودپنداره همراه است (شوارتز، ۲۰۰۱؛ برزونسکی، ۲۰۰۸). ویژگی‌های توصیف‌شده برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی در مشاهده‌های پژوهش حاضر تکرار شدند. در پژوهش حاضر، سبک هویت سردرگم/اجتنابی اثری منفی بر تعهد هویت داشت؛ بدین معنی که این سبک هویتی با فقدان تعهد هویتی همراه است.

به‌طور کلی، شواهد پژوهش حاضر نشان دادند که با پیش‌فرض پاسخ‌گویی صادقانه و دقیق شرکت‌کننده‌ها، تقید به نماز در ورزشکاران جوان در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد و این قشر به ترتیب از سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی بیشتر از سبک هویت سردرگم/اجتنابی بهره می‌گیرند؛ در حالی که تعهد هویتی در آنان در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد. تقید به نماز در جوانان ورزشکار از سبک هویت هنجاری بیشترین تأثیر مثبت را دریافت کرد؛ بر این اساس، با توجه به آمادگی این قشر به تبعیت از افراد مهم، مشاوران روان‌شناختی، مربیان و والدین می‌توانند برای بهره‌مندی ورزشکاران جوان از پیامدهای مثبت تعالیم و آموزه‌های دینی، از الگوسازی و ترویج باورهای دینی، از طریق افراد مهم برای این قشر اقدام کنند. پژوهش‌های آینده با تمرکز بر نقش سبک‌های هویت در شکل‌گیری هویت ورزشی و پیامدهای روان-شناختی دخیل در عملکرد ورزشی (تعهد ورزشی، انگیزش ورزشی، رضایت ورزشی و غیره) می‌توانند به دانش موجود در این زمینه پژوهشی بیفزایند.

**منابع**

1. Aliakbari-Dehkordi, M., Khodaiee, A., Shekari, A., & Daneshvarpour, Z. (2013). Cross-group invariance of factorial structure of the Identity Style Inventory among Iranian adolescents. *Transformational Psychology: Iranian Psychologists*, 35, 237-248. (Persian).
2. Anderson, C. B., Mase, L. C., & Hergenroeder, A. C. (2007). Factorial and construct validity of the athletic identity questionnaire for adolescent. *Medicine and Science in Sports and Exercise*, 39(1), 59-69.
3. Asna-Ashran, S. (1999). The relationship of family patterns and religious beliefs with achieved, moratorium, foreclosed, and diffuse identities in Isfahan city's adolescents. (Unpublished master' thesis). Islamic Azad University, Rodehen Branch. (Persian).
4. Bahadori-Khosroshahi, J., & Mahmood-Alilou, M. (2012). The relationship of identity styles with meaning of life in university students. *Psychological Studies*, 8(2), 143-164. (Persian).
5. Barghi Moghaddam, J., Salehian, H., Kandi, H., Asadi, M., & Dorostkar Ruhani, N. (2012). Relationship between identity styles with motivation factors and success feeling among soccer players. *European Journal of Experimental Biology*, 2(3), 769-773.
6. Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
7. Berzonsky, M. D. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*, 60, 771-788.
8. Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 645-655.
9. Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Commentary re-evaluating the identity statuses paradigm still useful after 35 years. *Developmental Review*, 19, 557-59.
10. Bosch, L., & Card, N. (2012). A meta-analytic review of Berzonsky's Identity Style Inventory (ISI). *Journal of Adolescence*, 35, 333-343.
11. Derick, J. W. (2008). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student athletes. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*, 68(7-A), 28-34.
12. Duriez, B., Smits, I., & Goossens, L. (2008). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences*, 44, 1022-1031.
13. Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 119-135.

14. Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality*, 72, 877-910.
15. Eime, R. M., Young, J. A., Harvey, J. T., Charity, M. J., & W. R. Payne (2013). A systematic review of the psychological and social benefits of participation in sport for children and adolescents: Informing development of a conceptual model of health through sport. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 10, 98.
16. Erikson, E. H. (1950). *Childhood and society*. New York: Norton.
17. Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
18. Fazl-e-Elahi, S. A., & Maleki-Tavana, M. (2014). The psychological role of religious beliefs in improvement of athletes' performance. Paper presented at The 1<sup>st</sup> International Congress on Religious Culture and Thought, Qom. (Persian).
19. Gebelt, J. L., Thompson, S. K., & Miele, K. A. (2009). Identity style and spirituality in a collegiate context. *An International Journal of Theory and Research*, 9(3), 219–232.
20. Ghazanfari, A. (2004). Validation and normalization of Identity Style Inventory (ISI-6G). *Educational and Psychological Studies*, 17, 81-91. (Persian).
21. Ghorbani, J. (2005). The relationship of religious orientation with main personality traits in Cattell's 16 factors test. (Unpublished master's thesis). Shahid Beheshti University, Tehran. (Persian).
22. Grajales, T. E., & Sommers, B. (2016). Identity styles and religiosity: Examining the role of identity commitment. *Journal of Research on Christian Education*, 25(2), 188-202.
23. Hodaeyan, M., & Dadkhah, R. (1394). The role of sport in prevention of crime occurrence and social pathologies. Paper presented at The 2<sup>nd</sup> National Congress on Development and Promotion Solutions of Educational Science, Psychology, Consulting and Training in Iran. (Persian).
24. Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1-55.
25. Hunsherger, B., Pratt, M., & Pance, S. M. (2001). Adolescent identity formation: Religious exploration and commitment. *An International Journal of Theory and Research*, 1(4), 385-397.
26. Jafari, A., & Sadri, J. (2010). The relationship of religious beliefs with psychological health (A case study of Islamic Azad University's student). *Journal of behavioral Sciences*, 2(3), 123-138. (Persian).
27. Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551–558.

28. Markstrom, C. A. (1999). Religious involvement and adolescent psychosocial development. *Journal of Adolescent Research*, 22, 205-221.
29. Martin, J. J., Ekland, R. C., & Muscheltt, C. A. (1997). Factor Structure of the Athletic Identity Measurement Scale with athletes with disabilities. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 14(1), 74-82.
30. Mehdizadegan, A., & Raeesi, N. (2015). The relationship of religious beliefs, identity styles, and personality traits with depression in female students. *Scientific Research Quarterly of Woman and Culture*, 26, 33-54. (Persian).
31. Najafi, M., Ahadi, H., & Delavar, A. (2003). The relationship of family efficacy and religiosity with identity crisis. *Daneshvar Raftar*, 16, 17-26. (Persian).
32. Panahi, A. A. (2003). The relationship of adherence to prayer and anxiety in second year high school students of Qom city – 16 years old in 2002-2003. (Unpublished master's thesis). Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom. (Persian).
33. Parker, M. S. (1985). Identity and the development of religious thinking. *New Directions for Child Development*, 30, 43-60.
34. Rezaiee-Frahabadi, S., & Ahghar, Gh. (2010). The relationship between religious orientation and identity styles and comparison of them in Tehran city's middle school students. *National Studies Quarterly*, 43, 25-47. (Persian).
35. Safari, N., Miraghaiee, A. A., Ghazi, Sh., & Moradi, K. (2014). The relationship of adherence to prayer and psychological health in students of Khoramabad's Payame Noor University. *Yafteh*, 16(2), 71-79. (Persian).
36. Schwartz, J. S. (2001). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity theory and research: A review and integration. *An international Journal of Theory and Research*, 1(1), 7-85.
37. Searle, T. P., & Schvaneveldt, P. L. (2011). Adolescent identity style: An antecedent to adolescents' ability to articulate religious belief. *Family Science Review*, 17(2), 62-78.
38. Sheikholeslami, R., & Omranian, M. (2016). The Role of identity processing styles in religious beliefs. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, Special Issue (June), 430-438.
39. Soltanifar, A. (2004). The relationship between identity statuses and religiosity in high school and university students. (Unpublished master's thesis). Tarbiat Moallem University, Tehran. (Persian).
40. Statistic Center of Iran. (2016). Selected results of population and accommodation survey 2011. Tehran, Iran: Statistic Center of Iran. (Persian).
41. Van Hoof, A. (1999). The identity status field re-reviewed: An update of unresolved and neglected issues with a view on some alternative approaches. *Developmental Review*, 19, 497-556.

42. Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28, 397-409.

## استناد به مقاله

دانا، امیر، رفیعی، صالح، گوزل‌زاده، المیرا، شمسی، مریم. (۱۳۹۸). مدل ساختاری سبک‌های هویت، تعهد هویت و تقید به نماز در ورزشکاران جوان. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۸۵-۱۰۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4216.1302

Dana, A., Rafiee, S., Gozalzadeh, E., Shamsy, M. (2019). Structural Model of Identity Styles, Identity Commitment and Adherence to Prayer among Young Athletes. *Research on Educational Sport*, 7(16): 85-106. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4216.1302



## ارائه الگوی استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی (با کاربرد نظریه داده‌بنیاد)

اسکندر حسین‌پور<sup>۱</sup>، قدرت‌اله باقری<sup>۲</sup>، ابراهیم علیدوست قهفرخی<sup>۳</sup>، مجتبی امیری<sup>۴</sup>،

مجید جلالی فراهانی<sup>۳</sup>

۱. دکتری مدیریت ورزشی پردیس فارابی، دانشگاه تهران\*

۲. دانشیار مدیریت ورزشی پردیس فارابی، دانشگاه تهران

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۴. دانشیار مدیریت دولتی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۴

### چکیده

امروزه، فراهم کردن محیطی ایمن برای انجام فعالیت‌های ورزشی امری اساسی و مهم است. این پژوهش کیفی با هدف طراحی الگوی ایمنی در محیط‌های ورزشی با استفاده از رویکرد گلیزری نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. بدین منظور، ۲۵ نفر از خبرگان آشنا با حوزه ایمنی و مدیریت ورزشی به صورت هدفمند و براساس راهبرد گلوله‌برفی برای مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار انتخاب شدند و داده‌ها به صورت هدفمند و براساس راهبرد مجموعه‌ای از کدگذاری‌های باز، انتخابی و نظری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه به عنوان مقوله محوری، فرهنگ ایمنی، شایستگی و صلاحیت تخصصی، الزامات قانونی و اخلاقی (وظیفه‌شناسی، اخلاق‌مداری و قانون‌پذیری)، دستورالعمل‌های ایمنی، رعایت اصول بهداشتی، رویکرد مثبت زیست‌محیطی، وضعیت فیزیکی، روانی و تجهیزات فردی، مهندسی عوامل انسانی (ارگونومی)، فضا، اماکن و تجهیزات استاندارد، اقدامات پزشکی و خدمات اضطراری، فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز به عنوان دیگر مقولات ایمنی در محیط‌های ورزشی تعیین شدند. براساس این الگو توصیه می‌شود که به نقش مقوله‌های مختلف در ایمنی محیط‌های ورزشی برای پیشگیری از حوادث توجه شود. توجه ویژه به بسترها و عوامل ارتقادهنده ایمنی در محیط‌های ورزشی می‌تواند ایمنی در ورزش را ارتقا دهد و از بروز حوادث در ورزش پیشگیری کند.

**واژگان کلیدی:** ایمنی، ورزش، محیط ورزشی، رویکرد گلیزری، نظریه داده بنیاد.



**مقدمه**

امروزه، توسعه و رشد فعالیت‌های ورزشی نیاز ضروری جوامع ماشینی و صنعتی است (کاشف و حسین‌پور، ۱۳۹۱). اهمیت اجتماعی ورزش پیوسته افزایش می‌یابد و فعال بودن و ورزشی زندگی کردن هر روز بیشتر از روز قبل جزئی از روش زندگی بسیاری از اقشار جامعه می‌شود (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰، ۱۳۳). ورزش با زندگی مردم گره خورده است و پرداختن به آن شعاری است که همه مردم دنیا به آن ایمان دارند و تأثیر مطلوب جسمی و روانی آن روزبه‌روز با پیشرفت فناوری و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه با وسعت بیشتر اثبات می‌شود (غلامی ترکسلویه، مهدی‌پور و ازمشا، ۱۳۸۸، ۲۴)؛ بنابراین، ورزش و فعالیت‌های بدنی هر روز اهمیت بیشتری می‌یابند و نقش مهمی در برقراری و حفظ سلامت افراد، ایجاد می‌کنند (لی، سسو و پافن‌بارگر، ۲۰۰۰) و موجب ارتقای کیفیت زندگی و سطح رضایتمندی ورزشکاران می‌شود (غلامی ترکسلویه و همکاران، ۱۳۸۸)؛ با این حال، نتایج پژوهش‌های زیادی نشان داده است که فعالیت‌های ورزشی با وجود فواید بی‌شماری که دارند، افراد و ورزشکاران را دچار آسیب جسمانی فراوانی می‌کنند (فارسی، هلالی زاده، سیاح و راسخ، ۱۳۸۵). این آسیب‌ها می‌توانند دلایل متفاوتی مانند کیفیت نامناسب اماکن و تجهیزات ورزشی، آمادگی جسمانی نداشتن بازیکنان، آگاهی نداشتن برخی مربیان از انواع آسیب‌ها، وجود ضعف مهارتی و غیره داشته باشند (خسروزاده، گلپایگانی، بنی‌طالبی و قاسمی، ۱۳۸۷). این حوادث اغلب سبب آسیب‌دیدگی افراد و درنهایت، سبب درگیری قضایی، فضای روانی منفی بر ورزش، کاهش انگیزه ورزشکاران مبتدی، کاهش توانایی ورزشکاران حرفه‌ای و غیره می‌شوند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰، ۱۳۹) که علاوه بر هزینه‌های اقتصادی مرتبط با سلامتی، هزینه‌های روان‌شناختی بسیار جدی‌ای بر ورزشکاران و خانواده به‌طور خاص و کل جامعه به‌طور عام تحمیل می‌کنند (شاه‌منصوری و مظفری، ۱۳۸۵) و سبب خدشه‌دار شدن اعتبار ورزش می‌شوند (فارسی و همکاران، ۱۳۸۵). سالانه حوادث متعددی در کشور روی می‌دهند که به مرگ ورزشکاران منجر می‌شوند که جدیدترین مورد آن در آبان ماه ۱۳۹۵ روی داد که سقوط دروازه فوتسال سبب مرگ دانش‌آموز نه‌ساله‌ای در شهر ایذه شد (مرادی، ۱۳۹۵).

یکی از مهم‌ترین مواردی که باعث وقوع آسیب در بین ورزشکاران می‌شود، رعایت نکردن اصول ایمنی<sup>۲</sup> در ورزش است. به‌هنگام پرداختن به ورزش، اگر اصول ایمنی رعایت نشوند حوادث و مشکلات جبران‌ناپذیری به‌بار خواهد آورد (مظفری، ۱۳۸۸)؛ بنابراین، یکی از ملاحظات مهم و روبه‌رشد در ورزش توجه به ایمنی ورزشکاران در محیط‌های ورزشی است. ایمنی ورزشکاران در زمان پرداختن به

- 
1. Lee, Sesso & Paffenbarger
  2. Safety

ورزش یکی از مهم‌ترین عوامل کیفیت مطلوب در توسعه و رشد فعالیت‌های ورزشی است (صادقی نائینی، جعفری، صالحی و میرلوحی فلاورجانی، ۱۳۸۹). با توجه به سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، ایمنی از جمله نیازهای اولیه است (تاکانو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) و تا این نیاز فرد برطرف نشود نمی‌تواند از فضایی که در آن قرار گرفته است استفاده مطلوبی کند. در سال‌های اخیر، در دنیا نگرش‌ها درباره ایمنی تغییر یافته‌اند و ایمنی، دیگر یک اولویت نیست؛ بلکه بالاتر از آن یک ارزش است که همواره باید مدنظر قرار گیرد (خالقی‌نژاد و ضیاء‌الدینی، ۱۳۹۴). آگاهی از ایمنی نیز نشان‌دهنده ادراک افراد از خطر در محل کار و فعالیت است؛ بنابراین، هزینه‌کردن برای ارتقای ایمنی در واقع سرمایه‌گذاری در سازمان محسوب می‌شود (خاکپور و سمعی ظفرقندی، ۱۳۹۴).

تلاش برای به‌دست‌آوردن ایمنی در ورزش یکی از اعمال کلیدی است و توجه به اصول ایمنی و پیشگیری از حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی باید از اولویت بالایی در همه جوامع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه برخوردار باشد؛ بنابراین، حفظ و صیانت از افراد ورزشکار چه به‌لحاظ توجه به سرمایه انسانی و چه به‌لحاظ جلوگیری از اتلاف منابع مادی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (کاشف، ۱۳۸۸). در پژوهشی که ویتچ، باگلی، بال و سالمون<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در استرالیا انجام داد، دریافت که ۹۴ درصد از والدین طبقات اقتصادی اجتماعی مختلف ملبورن درباره بازی فرزندانشان و علت انتخاب آن معتقد بودند که ایمنی مهم‌ترین علت انتخاب بازی برای فرزندانشان بوده است.

برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های ورزشی نه‌تنها به‌سبب ملاحظات ذکر شده باید بحث ایمنی ورزشکاران در برابر خطر را جدی بگیرند، بلکه به‌لحاظ آموزشی نیز باید الگوهای مناسبی از تمامی مؤلفه‌های مرتبط با ایمنی ارائه کنند؛ زیرا، عوامل متعددی در این زمینه مؤثرند. تمامی مطالعاتی که در زمینه ایمنی ورزش انجام شده‌اند، عوامل سخت‌افزاری همانند زمین ورزش، فضا و مکان، سکوها و نحوه دسترسی را بررسی کرده‌اند و از سایر عواملی که سهم بیشتری در این زمینه داشتند، چشم‌پوشی شده است (کوزه‌چیان، گودرزی، خوانین و فرزنان، ۱۳۹۰؛ فارسی و همکاران، ۱۳۸۵، سیاح، دهخدا، عرب عامری و بیگدلی، ۱۳۸۴)؛ در حالی که عوامل مهم دیگری در این زمینه مؤثرند که از آن‌ها غفلت شده است. حوادث ناشی از شانس نیستند؛ بلکه اکثر آن‌ها از بی‌توجهی، رعایت‌نکردن اصول ایمنی، نداشتن تجهیزات مناسب و نبود آمادگی بدنی به‌وجود می‌آیند؛ بنابراین، توجه به یک ساختار منطقی برای پیشگیری از حوادث ضروری به‌نظر می‌رسد و فراهم‌کردن شرایطی ایمن برای انجام فعالیت‌های

---

1. Takano  
2. Veitch, Bagley, Ball & Salmon

ورزشی امری اساسی و مهم است که برای فراهم کردن این مهم باید به رعایت اصول ایمنی در تمامی عوامل مرتبط توجه شود.

فورد و تتریچ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی بیان کرد که بین ۵۰ تا ۹۰ درصد از حوادث و آسیب‌ها ناشی از خطای انسانی یا رفتارهای ناامن است. کلیسود، بوتیگگ و شری<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی بیان کردند که امروزه، تغییر جهت و تمرکز بیشتر بر عامل انسانی رویکردی روان‌شناختی در پژوهش‌های ایمنی است. رویکرد روان‌شناختی، باعث افزایش درک و فهم افراد از رفتارها می‌شود تا پژوهشگران را به پیش‌بینی رفتارهای ناامن و افراد را به مدیریت این رفتارها رهنمون کند. زوهر<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) در پژوهشی تأکید کرد که تعهد مدیریت به ایمنی عامل مهمی در پیشگیری از انواع حوادث است. تیلور و پلومیلی<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در پژوهش خود درباره علل واقعه ورزشگاه هیسلبرو در انگلستان که طی آن ۹۶ نفر کشته شدند، بی‌توجهی به حوادث گذشته، بی‌توجهی به استانداردهای ایمنی و ضعف مدیریت را از عوامل وقوع آن حادثه دانست. پوجانت و میترف<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) در پژوهشی علل و عوامل بحران در اماکن ورزشی را ناآگاهی بعضی افراد از وظایف و حدود عملکردشان دانست. آبرنتی و مک‌اولای<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) به این نکته اشاره کرد که ایمنی با ایجاد گزارش‌های ضروری، دستورالعمل‌ها و ایجاد فناوری‌های نرم‌افزاری خاص تضمین خواهد شد. ادوارد و نیکولای<sup>۷</sup> (۲۰۱۴) در بررسی خطرهای فعالیت‌های ورزشی در کشور روسیه بیان کردند که در همه جنبه‌ها احتمال خطر، اهمیت سطح خطر و مشخصات فنی خطر مورد توجه هستند و بنابراین، برای تجزیه و تحلیل دقیق خطرهای ذاتی در محیط‌های ورزشی توجه به بسیاری از عوامل ضروری است.

با وجود همه تلاش‌هایی که برای ارتقای ایمنی در ورزش، کاهش حوادث و ارائه یک نظریه پیشگیرانه از علل حوادث در ورزش بر پایه نگرش سخت‌افزاری (بهبود محیط فیزیکی) و نگرش نرم‌افزاری (آموزش و دستورالعمل‌ها، خط‌مشی و برنامه‌ها) انجام شده‌اند، از اهمیت عملکرد انسان و سایر عوامل در بروز پیامدهای سنگین و گاه جبران‌ناپذیر کاسته نشده است. نظریه‌های سنتی بیشتر بر رویکردهای فنی، مکانیکی و قانونی تأکید دارند؛ اما در واقع عملکرد انسان به‌هنگام انجام وظایف و یا تعامل با فناوری در انزوا قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به‌عنوان عضوی از یک تیم هماهنگ و متأثر از یک فرهنگ سازمانی عمل

- 
1. Ford & Tetrick
  2. Clissold, Buttigieg & Cieri
  3. Zohar
  4. Taylor & Plumely
  5. Pauchant & Mitroff
  6. Abernethy & MacAuley
  7. Eduard & Nikolay

می‌کند و فرهنگ سازمانی ضعیف عاملی مؤثر در بروز حوادث قلمداد می‌شود (نوری، علیمحمدی، ارقامی، گوهری و فرشاد، ۱۳۸۹). توجه به تمامی عوامل مرتبط با حوادث در سازمان‌های ورزشی (آموزش و پرداختن به ورزش) باعث می‌شود که ورزشکاران و مدیریت ورزش از خطرهای موجود آگاه باشند و پیوسته در مقابل آن محافظت شوند؛ بنابراین، فقط برپایه اقدام ایمنی سخت‌افزاری در اماکن ورزشی نمی‌توان رفتارهای ایمنی را نهادینه کرد، بلکه برای ورزش ایمن و دور از بحران عوامل متعددی سهیم هستند که هر کدام به نوبه خود باید مورد توجه قرار گیرند و به دیدی فراگیر نسبت به همه عوامل دخیل نیاز است؛ از این رو، با توجه به عوامل متعدد تأثیرگذار بر ایمنی و راه‌های پیشگیری از حوادث، ارائه چهارچوبی مدون برای این امر ضروری به نظر می‌رسد تا پژوهشگران علاوه بر فضاها و تجهیزات به بررسی سایر عوامل دخیل در این حوزه بپردازند و با انجام پژوهش‌های اصولی عوامل مهم و تأثیرگذار بر ورزشکاران و سایر ذی‌نفعان را مشخص کنند. شناسایی همه عوامل مرتبط اعم از ساختاری، فنی و روان‌شناختی، زیست‌محیطی و غیره می‌تواند در ارتقای سطح ایمنی و پیشگیری از حوادث ورزشی بسیار مؤثر باشد. یکی از ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌تواند این باشد که هنوز بخش بزرگ‌تری از عوامل و فرایندهای حوادث، مبهم است؛ از این رو، شناخت همه عوامل مرتبط با حوادث در این زمینه می‌تواند به درک بهتر پدیده کمک کند. در این پژوهش تلاش شده است الگوی استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی مبتنی بر پیشگیری از حوادث طراحی شود. این طرح می‌تواند الگویی برای کاهش عملکرد نایمن و از بین بردن شرایط نایمن و به دنبال آن، کاهش حوادث و آسیب‌ها در ورزش باشد. همچنین، این طرح می‌تواند به عنوان طرحی شماتیک از ایمنی مبتنی بر پیشگیری از حوادث مطرح شود که تأثیرات متقابل اجزا و مؤلفه‌های الگو را نشان دهد و بیانگر این مسئله باشد که در شرایط واقعی تا چه حد می‌توان از ایمنی در ورزش برخوردار بود و از وقوع حوادث در ورزش پیشگیری کرد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای این پژوهش به صورت کیفی و براساس راهبرد داده‌بنیاد است. همچنین، این پژوهش براساس دسته‌بندی مطالعات برمبنای هدف، به صورت بنیادی-اکتشافی است. در این پژوهش از روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحلیل داده‌ها استفاده شد؛ زیرا، اعتقاد بر این است که نظریه

داده‌بنیاد به دلیل مفهوم‌سازی‌هایی که از الگوهای اجتماعی دارد، فراتر از همه روش‌های تشریحی است (گلنیزر، ۲۰۰۸).

در این پژوهش، از بین رهیافت‌های مختلف نظریه‌سازی داده‌بنیاد، از رهیافت گلنیزری بهره گرفته شد. این رهیافت که در سال ۱۹۹۲ معرفی شد، در برخی منابع، نسخه کلاسیک نظریه داده‌بنیاد معرفی شده است (آرتینین، گیسکه و کوون، ۲۰۰۹). با وجود مشابهت‌های این رهیافت با رویکرد استراوس و کوربین<sup>۳</sup>، در مواردی تفاوت‌های اساسی با رویکرد ذکر شده دارد. از ویژگی‌های اساسی رویکرد گلنیزری این است که تمرکز و توجه پژوهش به نگرانی مشارکت‌کنندگان بیشتر از خود پژوهشگر است (گلنیزر، ۱۹۸۸). همچنین، در رویکرد گلنیزری، پژوهشگر نیاز دارد مدت زمانی طولانی در محیط پژوهش بماند تا بتواند نگرانی اصلی مشارکت‌کنندگان را شناسایی کند؛ به طوری که به مقوله محوری یا فرایندی که پاسخ مشکل را به تصویر می‌کشد، اجازه ظهور داده شود. به طور کلی، رویکرد ظاهرشونده در روش‌شناسی داده‌بنیاد، با گذر از سه گام اصلی کدگذاری حاصل می‌شود. براساس این رویکرد، سه گام اصلی کدگذاری عبارت‌اند از: کدگذاری باز، کدگذاری انتخابی (گام اول و دوم را کدگذاری حقیقی می‌نامند) و کدگذاری نظری (ساغروانی، مرتضوی، لگزیان و رحیم‌نیا، ۱۳۹۳). در کدگذاری باز، داده‌ها شکسته می‌شوند. سپس، به لحاظ مفهومی گروه‌بندی می‌شوند و مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها تولید می‌شوند (جونز و آلونی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). در این مرحله از کدگذاری، گردآوری آزاد داده‌ها تازمانی ادامه پیدا می‌کند که اثرهای مقوله‌ی محوری نمودار شود (گلنیزر، ۲۰۰۷). کدگذاری انتخابی نیز به معنی محدود کردن کدگذاری به آن دسته از متغیرهایی است که مربوط به متغیر محوری هستند (آرتینین، گیسکه و کوون، ۲۰۰۹). به عبارتی، زمانی که مقوله‌ی محوری نمودار شد، کدگذاری انتخابی آغاز می‌شود و مصاحبه‌ها در جهت متغیر محوری کدگذاری می‌شوند (گلنیزر، ۲۰۰۸). از دیگر اقدام‌هایی که در رویکرد گلنیزری باید به آن‌ها توجه کرد، عبارت‌اند از: یادداشت‌نگاری و نگارش نظریه. یادداشت‌ها گزارش نظریه‌پردازانه ایده‌هایی در مورد کدها و روابط بین آن‌ها هستند که به فکر تحلیلگر در هنگام کدگذاری خطوط می‌کنند (دانایی فر، الوانی و آذر، ۱۳۹۴). نظریه‌پردازان داده‌بنیاد یادداشت‌نگاری را مرحله‌ی میانی بین جمع‌آوری داده‌ها و نوشتن یک پیش‌نویس از نظریه می‌دانند (چامرز، ۲۰۰۸). در قدم بعدی، یادداشت‌ها دسته‌بندی می‌شوند که این کار کلید فرموله کردن نظریه برای ارائه

- 
2. Glaser
  3. Artinian, Giske & Cone
  1. Strauss and Corbin's Approach
  2. Main Concern
  3. Jones & Alony
  4. Charmaz

به دیگران است. هنگامی که یادداشت‌ها مرتب شدند، شروع به دریافتن روابط بین آن‌ها می‌کنیم. این فرایند کدگذاری نظری خوانده می‌شود که به تلفیق میان مفاهیم توسط یک الگوی ارتباطی اشاره دارد. کدهای نظری مفاهیم تکه‌تکه شده را به هم می‌بافند و چگونگی ارتباط ممکن میان کدهای حقیقی را که برای تلفیق به صورت یک نظریه مفروض هستند، مفهوم‌سازی می‌کنند. این فرضیه‌ها در یک نظریه با هم عمل می‌کنند و دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان را تشریح می‌کنند. در نهایت، زمانی که مقوله‌های مختلف به همدیگر و متغیر محوری مرتبط شدند، محصول نظریه داده‌بنیاد شکل می‌گیرد و شبیه به نظریه می‌شود. افرادی نظیر اعضای هیئت‌علمی رشته‌های مدیریت ورزشی، مهندسی بهداشت حرفه‌ای و مهندسی ایمنی، همه مدیران عالی، میانی و عملیاتی وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ملی، دبیران تربیت‌بدنی و همه افراد دارای تجربه در حوزه سازمان‌های ورزشی، جامعه آماری این پژوهش کیفی بودند. ملاک انتخاب این افراد مواردی نظیر داشتن تألیفات در زمینه ایمنی، متخصص و صاحب‌نظر در ادبیات ایمنی، صاحب‌نظر در ادبیات پیشگیری از حوادث، متخصص و صاحب‌نظر در مدیریت ورزش بودند. برای نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> و تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی<sup>۲</sup> استفاده شد. در این تکنیک، یک گروه اولیه برای مصاحبه انتخاب شدند. سپس، گروه‌های بعدی برای مصاحبه توسط همین گروه معرفی می‌شدند و نمونه‌گیری تازمانی تداوم یافت (۲۵ مصاحبه) که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید. به عبارت دیگر، فرایند انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها و به بیان واضح‌تر، تاجایی که امکان دستیابی به داده‌های جدیدتر فراهم نبود، ادامه یافت. مصاحبه‌های عمیق فردی با هر کدام از مشارکت‌کنندگان در مدت زمانی بین ۳۵ تا ۶۵ دقیقه طول کشید. در این پژوهش نیز برای دستیابی به روایی و پایایی، علاوه بر رعایت اصول گفته‌شده، از روش توافق دو کدگذار (شاخص تکرارپذیری) و کدگذاری پژوهشگر در یک فاصله زمانی مشخص (شاخص ثبات) استفاده شد؛ بدین صورت که چهار مصاحبه توسط یک پژوهشگر دیگر کدگذاری شدند و نتایج کدگذاری مقایسه شد. نتایج حاکی از تشابه قطعی بیش از ۶۵ درصد کدگذاری در هر مرحله بود؛ بنابراین، پایایی کدگذاری تأیید شد. همچنین، دو تن از متخصصان آشنا با نظریه داده‌بنیاد بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و تدوین نظریه نظارت داشتند.

## نتایج

- 
1. Purposive
  2. Snow ball

جدول شماره یک جزئیات مشارکت کنندگان را در مصاحبه‌ها نشان می‌دهد. با توجه به جدول می‌توان از متناسب بودن نمونه‌های پژوهش اطمینان حاصل کرد.

ردیف	سمت	رشته تحصیلی	تعداد	تحصیلات	حوزه فعالیت اجرائی دانشگاهی
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت ورزشی	۵	دکتری تخصصی	۳
		رفتار حرکتی	۱		
		مهندسی ایمنی و حفاظت	۲		
		مهندسی بهداشت حرفه‌ای	۱		
		مدیریت اجرایی (طراحی) مدیریت محیط زیست (با گرایش HSE)	۱		
۲	مدرس دانشگاه	مدیریت ورزشی	۱	دکتری تخصصی	۱
۳	ستادی آموزش و پرورش	برنامه ریزی در تربیت بدنی	۲	دکتری تخصصی	۲
۴	معاونت تربیت بدنی استان	مدیریت ورزشی	۱	دکتری تخصصی	۱
۵	تربیت بدنی ناجا	مدیریت ورزشی	۱	دانشجوی دکتری	۱
۶	دبیر فدراسیون	مدیریت ورزشی	۱	دکتری تخصصی	۱
۷	رئیس هیئت ورزشی	تربیت بدنی	۱	کارشناسی ارشد	۱
۸	رئیس اداره تربیت بدنی	مدیریت ورزشی قهرمان کشوری دو	۲	دانشجوی دکتری کارشناسی	۲

۹	دبیر درس تربیت‌بدنی	تربیت‌بدنی	۲	دانشجوی دکتری کارشناسی	۲
۱۰	مربی (لیگ ورزشی)	تربیت‌بدنی	۳	کارشناسی	۳

جدول ۱- ویژگی‌های نمونه‌های (مصاحبه‌شوندگان) پژوهش

در این پژوهش، پژوهشگر با خواندن مکرر مصاحبه‌های پیاده‌شده و توجه به کل مباحث مطرح‌شده، سعی کرده است به فهمی کلی از مصاحبه‌ها دست یابد و نگرانی اصلی مشارکت‌کنندگان را پیدا کند. سپس، با خواندن بخش‌های مختلف هر مصاحبه و تحلیل تک‌تک کلمات، عبارات، جملات، سطرها و پاراگراف‌ها، کدها، مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شدند. از بررسی کلیت مصاحبه‌های اجراشده، در تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام‌شده، ۲۶۲ کد، ۴۴ مفهوم (مقوله فرعی) و ۱۲ مقوله اصلی به‌دست آمدند که با تحلیل جزء‌به‌جزء بخش‌های مختلف آن‌ها نشان داده شد که مهم‌ترین نگرانی مشارکت‌کنندگان در زمینه ضعف ایمنی در محیط‌های ورزشی، استفاده‌نکردن از ظرفیت مدیریتی بوده است. نمونه‌هایی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان درباره موضوع پژوهش به شرح زیر است: «مدیریت از نظر رعایت ایمنی و پیشگیری از حوادث بهترین توانایی و فرصت را دارد؛ بنابراین، مسئولیت عمده وقوع حوادث بر عهده مدیریت است» (م ۹).

«اماکن و تجهیزات ورزشی باید روزانه بازرسی و ارزیابی شوند تا در صورت داشتن مشکل، تدبیر لازم صورت گیرد. همچنین، بر نحوه عملکرد ورزشکار، مربی، تماشاگران، پرسنل و غیره نظارت کامل وجود داشته باشد» (م ۱). «ورزشکار برای حضور در اماکن ورزشی باید از حداقل آمادگی بدنی برخوردار باشد. شروع فعالیت با گرم کردن و در پایان کار، بازگشت به حالت اولیه را مدنظر قرار دهد. همچنین، توانایی مقابله با استرس و اضطراب ناشی از فعالیت را داشته باشد» (م ۲). «تعداد زیادی از افراد به دلیل نامناسب بودن مکان و تجهیزات ورزشی با سن و جنسیت خود، صدمه می‌بینند؛ مثلاً نوجوانی که با توپ سایز بزرگ و سنگین بازی می‌کند» (م ۳). «افراد در محیط ورزشی باید از سهل‌انگاری، غفلت، تخلف و اشتباه در انجام وظایف خودداری کنند و وظیفه خود را با تعهد و احساس مسئولیت به‌انجام برسانند. همچنین، از لجاجت، عصبانیت و تعصب در محیط ورزش پرهیز کنند» (م ۵). «مربیان و مدرسان ورزشی باید دانش و آگاهی کافی از ساختار بدن (آناتومی، سیستم قلبی-عروقی، توانایی فرد و غیره)، نوع تمرین و تمرین‌های تخصصی هر رشته ورزشی داشته باشند» (م ۱۱). «افراد که به ورزش در اماکن ورزشی می‌پردازند، باید دارای پرونده پزشکی و کارت سلامت برای ورزش موردعلاقه خود باشند» (م ۹).



**مقوله‌های پژوهش:** در ادامه، به شرح هریک از مقوله‌ها و الگوی مفهومی حاصل از فرایند نظریه داده‌بنیاد پرداخته خواهد شد. در جدول شماره دو، فرایند ظهور مقوله و ویژگی‌های جسمی، روانی و تجهیزاتی فردی با توجه به متن مصاحبه‌ها، کدها، مفاهیم و مقوله مشخص شده است.

**جدول ۲- فرایند ظهور یکی از مقوله‌ها و ویژگی‌های فردی (جسمی، روانی و تجهیزات فردی)**

مقوله	مفهوم	واقعه	برخی از نقل قول‌ها (نکات کلیدی)
		اهمیت سطح آمادگی جسمانی	سطح آمادگی جسمانی مرتبط با اجرا و سلامتی
		اهمیت گرم کردن و برگشت به حالت اولیه	رعایت دستورالعمل گرم کردن و سرد کردن
		اهمیت استراحت کافی	استراحت کافی بین زمان‌های پرداختن به ورزش (فقدان خستگی)
	عوامل فیزیولوژیک	اهمیت سلامت بعد از ناهایت	گذراندن دوره ناهایت بعد از آسیب ورزشی و بیماری
		اهمیت سلامت جسمی فرد	شرایط مناسب و سلامت کامل اعضا با توجه به نیاز رشته (بینایی، شنوایی، نبود عوارض اندامی و غیره در رشته‌های ورزشی)
		اهمیت تغذیه ورزشکار	تغذیه مناسب ورزشکار (مناسب و متناسب با نوع فعالیت ورزشی)
		ضرر مواد نیروزا و الکلی	استفاده نکردن از مواد نیروزای غیرمجاز، الکل و داروهای کاهش وزن
		اهمیت تبحر در انجام مهارت	سطح مهارت و توانایی اجرایی متناسب با سطح فعالیت
		اهمیت تحمل و مقابله با استرس	توانایی تعدیل فشار و مقابله با استرس
ویژگی‌های فردی		برانگیختگی متناسب با رشته	توانایی مقابله با اضطراب و برانگیختگی نامناسب
		نداشتن هیجان کاذب	توانایی مقابله با هیجان‌های کاذب ناشی از موقعیت‌ها
	عوامل روان‌شناختی	اهمیت آمادگی ذهنی	آمادگی ذهنی ورزشکار برای ورزش
		مبارزه با فشارهای روانی	توانایی مقابله با فشارهای روانی ناشی از انتظارات از فرد
		اهمیت مقابله با ترس	توانایی مقابله با ترس ناشی از موفق نشدن
		اهمیت رفتارهای عاطفی مناسب	وضعیت عاطفی فرد

۱. در جدول، تنها به عنوان کدها اشاره شده است. این درحالی است که فراوانی هریک از کدها با هم متفاوت است.

سلامت روانی فرد	اهمیت سلامت کامل روانی
جنس مناسب لباس مورد استفاده فرد (لباس نخی یا مشابه آن)	اهمیت جنس و نوع لباس
نوع و جنس مناسب کفش مورد استفاده فرد	اهمیت کفش مناسب
داشتن تجهیزات مناسب و استاندارد مورد نیاز فرد (قلم‌بند در فوتبال، عینک در شنا، کلاه در اسکیت و غیره)	اهمیت تجهیزات مورد استفاده هر ورزش
استفاده نکردن از تجهیزات اضافی (گردن‌بند، ساعت، انگشتر و غیره)	نداشتن تجهیزات اضافی

جدول ۳- جزئیات مقوله‌های پژوهش

ردیف	مقوله اصلی	مفهوم (مقوله فرعی)	فراوانی تکرار
۱	مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه	برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی استفاده از اماکن و تجهیزات	۲۲
		ارزیابی، نظارت، کنترل عملکرد و ارائه بازخورد	۲۰
		تعهد و رهبری حرفه‌ای	۱۸
		سازمان‌دهی حرفه‌ای افراد و محیط کار	۱۹
۲	فرهنگ ایمنی	توانایی ذهنی و شناختی مدیر (تجزیه و تحلیل حوادث، حل مسئله و غیره)	۹
		یادگیری مقررات ایمنی	۱۴
		سیستم گزارش‌دهی ایمنی	۱۹
		آگاهی سازمانی از ایمنی	۷
۳	وضعیت زیست‌محیطی	حالات درک‌شده ایمنی (باور به ایمنی، نگرش درباره آن و اولویت‌دادن به آن)	۱۱
		شرایط آب‌وهوایی (سرما، گرما، طوفان‌ها و غیره)	۲۳
		شرایط محیطی (دوری از محیط‌های آلوده، فضولات صنعتی و غیره)	۱۸
		وضعیت امواج زیان‌بار (فرابنفش، ماکروبو، رادیواکتیو و غیره)	۵
۴	وضعیت بهداشتی	وضعیت مواد شیمیایی (سرب، فسفر، گازها، دوده و غیره)	۸
		بهداشت محیط	۱۹
		بهداشت حرفه‌ای	۴
		بهداشت فردی	۱۹
۵	الزام‌های قانونی - اخلاقی	بهداشت عمومی	۱۷
		احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی	۱۳
		قانون‌پذیری	۱۰
		رعایت اصول اخلاقی (اخلاق‌مداری)	۱۵
۶	تناسب فضا و اماکن ورزشی با فرد	۲۰	

۱۸	تناسب وسایل و تجهیزات ورزشی با فرد	عوامل مهندسی انسانی	
۶	تناسب سطح آموزش و محتویات آموزشی با فرد	(ارگونومیک)	
۱۷	موقعیت و شرایط مکانی اماکن ورزشی		
۲۲	وضعیت سخت‌افزاری اماکن ورزشی		
۲۳	وضعیت سخت‌افزاری تجهیزات ورزشی	وضعیت اماکن و تجهیزات ورزشی	۷
۱۲	شرایط فیزیکی اماکن ورزشی (رنگ، تهویه، فشار، رطوبت، نور، سرو صدا و غیره)		
۹	تجربه، دانش و آگاهی علمی	شایستگی و صلاحیت‌های تخصصی	۸
۲۱	آموزش علمی و اصولی		
۸	توانایی‌های تخصصی		
۱۸	اقدام‌های پیشگیرانه پزشکی (معاینات و کارت سلامت)		
۲۱	کمک‌های اولیه و خدمات اورژانسی	اقدام‌های پزشکی	۹
۴	خدمات و بازدیدهای دوره‌ای ضمن فعالیت		

### ادامه جدول ۳- جزئیات مقوله‌های پژوهش

ردیف	مقوله اصلی	مفهوم (مقوله فرعی)	فراوانی تکرار
		عوامل فیزیولوژیک (جسمی)	۲۳
۱۰	وضعیت ویژگی‌های فردی	عوامل روان‌شناختی	۱۳
		تجهیزات مورد استفاده فرد	۱۹
		فناوری در اماکن ورزشی	۱۱
		فناوری در تجهیزات ورزشی	۱۳
۱۱	فناوری اطلاعات	فناوری تشخیصی وضعیت جسمانی ورزشکاران	۴
		فناوری کنترل محیط فضای ورزشی	۷
		چک‌لیست‌های استاندارد ارزیابی اماکن و تجهیزات ورزشی	۱۷
		آیین‌نامه حفاظت فردی در استفاده از اماکن و تجهیزات ورزشی	۱۴
	دستورالعمل‌های ایمنی	استانداردهای ایزو در زمینه کیفیت تجهیزات و بهداشت حرفه‌ای	۶
		آیین‌نامه انضباطی در اماکن ورزشی	۵

### چهارچوب استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی

انتخاب ورودی و خروجی‌های فرایند، تعیین‌کننده مسیر این فرایند است. با توجه به اینکه نظریه داده بنیاد در این پژوهش با رویکرد پدیدارشنونده به کار گرفته شده است، الزامی برای استفاده از مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد برای نمایش نتیجه فرایند وجود ندارد (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۴) و

پژوهشگر براساس خلاقیت شخصی خود، فرایند مدل مفهومی برآمده از داده‌ها را شکل می‌دهد و میان مقوله‌های اقتباس‌شده از داده‌ها ارتباط برقرار می‌کند. براساس کدها، مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده از داده‌ها، چهارچوب ایمنی در محیط‌های ورزشی مبتنی بر پیشگیری از حوادث، در قالب شکل شماره یک نشان داده شده است. مقوله مرکزی در این فرایند، مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه شناخته شده است که ایمنی و اجزای آن به‌طور مستقیم متأثر از آن است.

در الگوی پیش‌رو، مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه به‌عنوان یک متغیر محوری در مرکز الگو قرار گرفته است و پنج مقوله فرهنگ ایمنی، ضوابط و دستورالعمل‌های ایمنی، شایستگی و صلاحیت تخصصی، ویژگی‌های فردی و رعایت اصول الزامات قانونی و اخلاقی در لایه اول و مقوله‌های اقدام‌های پزشکی و خدمات اضطراری، فضا و تجهیزات استاندارد، رعایت اصول بهداشتی، رویکرد مثبت زیست‌محیطی، مهندسی عوامل انسانی (ارگونومی) و فناوری اطلاعات و ارتباطات در لایه دوم و ممیزی ایمنی در لایه سوم در ارتباط با مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه قرار دارند. مقوله‌های شناسایی‌شده در لایه اول الگو، زمینه انجام اعمال ایمن و مقوله‌های لایه دوم، زمینه شرایط ایمن را فراهم می‌آورند و ممیزی ایمنی وضعیت لایه‌های قبلی را مورد ارزیابی نهایی قرار می‌دهد. این مقوله‌ها با تعامل و ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه، زمینه‌های انجام اعمال ایمن و به‌دور از خطر و زمینه ایجاد شرایط ایمن با حداقل خطر را برای افراد در محیط‌های ورزشی فراهم می‌آورند. به‌عبارت‌دیگر، مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه می‌تواند با به‌کارگیری همه مقوله‌های مرتبط در لایه‌های مختلف، به شناسایی خطر، ارزیابی و پیشگیری از آن‌ها اقدام کند و زمینه کاهش خطرها و بهبود فضای ایمن در محیط‌های ورزشی را فراهم کند. با توجه به یافته‌های پژوهش، مهیاکردن زمینه انجام اعمال ایمن و شرایط ایمن، بی‌خطر و با حداقل خطر، می‌تواند ایمنی را در یک محیط ورزشی نهادینه کند.



شکل ۱- روابط بین مقوله های ایمنی حاصل از تحلیل داده ها در مرحله کدگذاری نظری

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با روش کیفی و با رویکرد نظریه داده بنیاد برای ارائه الگوی استقرار ایمنی در محیط های ورزشی انجام شد. عناصر و مؤلفه های استقرار ایمنی در قالب یک الگو از عناصر مرتبط با هم، در قالب یک نظریه ارائه شده اند که از طریق این نظریه می توان ایمنی در محیط های ورزشی را به خوبی تفسیر و تبیین کرد.

در خصوص تبیین الگوی ایمنی و شناسایی مقوله های آن، دوازده مقوله عمده شامل فرهنگ ایمنی، مدیریت حرفه ای و متعهدانه، شایستگی و صلاحیت تخصصی، ضوابط و دستورالعمل های ایمنی، رعایت اصول بهداشتی، رویکرد مثبت به محیط زیست، ویژگی های فردی، مهندسی عوامل انسانی (ارگونومی)، فضا، اماکن و تجهیزات استاندارد، اقدام های پزشکی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و الزامات قانونی و

اخلاقی (وظیفه‌شناسی، اخلاق‌مداری و قانون‌پذیری) شناسایی شدند که هر کدام از این مقوله‌ها نیز شامل مفاهیم متعددی می‌شوند. سپس، براساس معیارهایی نظیر تکرار زیاد، مرکزی‌بودن، ارتباط با مقوله‌های دیگر، توانایی تأثیرگذاری بر مقوله‌های دیگر و ایجاد تغییرات در آن‌ها، «مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه» به‌عنوان مقولهٔ محوری ایمنی در محیط‌های ورزشی در نظر گرفته شد.

در مراحل پایانی این پژوهش، به حوزه‌های ایمنی در ورزش مبتنی بر پیشگیری از حوادث پرداخته شد. ادبیات موجود در این زمینه بیشتر معطوف به ایمنی فضاها و تجهیزات ورزشی بوده است؛ به‌گونه‌ای که برای پرداختن به ایمنی در حوزهٔ پیشگیری از حوادث، بیشتر توجه به ارتقای سطح فضاها و تجهیزات استاندارد بوده است که به‌کارنگرفتن فناوری روز و نبود استانداردهای موجود در اماکن ورزشی و تجهیزات را سبب وقوع حوادث در ورزش به حساب آورده‌اند. در این ارتباط، کوزه‌چیان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی چهار عامل آموزش افراد، بازبینی اماکن ورزشی، شاخص اسناد و اقدام فوری و اضطراری را الگوی ایمنی فضاها و ورزشی بیان می‌کنند. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با مدل‌هایی که در زمینهٔ پیشگیری از حوادث در سایر زمینه‌ها (حوادث شغلی و غیره) مطرح شده‌اند مانند مدل «ام. چهار» شامل مؤلفه‌های انسان، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ عوامل محیطی<sup>۳</sup> و مدیریت<sup>۴</sup>، «ای. سه» شامل آموزش<sup>۵</sup>، اقدام‌های مهندسی<sup>۶</sup> و اعمال قوانین ایمنی<sup>۷</sup>، «تی.ام.ای.پی.ام.» شامل انجام وظایف<sup>۸</sup>، تجهیزات<sup>۹</sup>، محیط کار<sup>۱۰</sup>، مسائل فردی<sup>۱۱</sup> و مدیریت بوده‌اند که هر کدام از این مدل‌ها به‌نوعی در تعدادی از مؤلفه‌ها با الگوی به‌دست‌آمده از ایمنی در محیط‌های ورزشی مشابهت‌هایی دارند. در اکثر پژوهش‌های ذکر شده، به‌طور عمده دو عامل در وقوع حوادث نقش اصلی دارند که عامل اول را با عنوان «اعمال نایمن» و دیگری را با عنوان «شرایط نایمن» می‌شناسند. در مورد اول (اعمال نایمن)، افراد در وقوع حادثه نقش اصلی را ایفا می‌کنند و در مورد بعدی (شرایط نایمن)، محیط و سایر عوامل که به‌عنوان خطرهای بالقوه در محیط وجود دارند، به‌عنوان علت اصلی

- 
1. Man
  2. Machine
  3. Material
  4. Management
  5. Education
  6. Engineering
  7. Enforcement
  1. TMEPM
  2. Task
  3. Material
  4. Environment
  5. Personal

وقوع حادثه شناخته می‌شوند که در این زمینه راهکارهای عملیاتی با عنوان‌های ذکر شده برای پیشگیری از حوادث مطرح شده‌اند.

به نظر می‌رسد که یافته‌های حاصل از این پژوهش بتواند به دلایل شرایط خاص محیط‌های ورزشی و نوع فعالیت، فهم جامع‌تری نسبت به مدل‌های موجود در خصوص ایمنی فراهم کند؛ بر همین اساس، پاسخ به سؤال پژوهش را؛ یعنی الگوی ایمنی در محیط‌های ورزشی مبتنی بر پیشگیری از حوادث چگونه باید باشد، می‌توان بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش به صورت الگوی ذکر شده و در قالب یک نظریه داده‌بنیاد بیان کرد.

مقوله‌های ایمنی در قالب الگوی مطرح شده، با همدیگر ارتباط مستقیم و غیرمستقیمی دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این مقوله‌ها مانند اجزای بدن به هم وابسته‌اند. برای سلامتی بدن همه اجزا مهم هستند و نقص هر کدام این سلامتی را مختل می‌کند؛ اگرچه ممکن است بعضی اجزا نقش مهم‌تری در این بین داشته باشند؛ بنابراین، تمامی مقوله‌ها در الگوی ایمنی جایگاه خود را دارند. در این الگو با وجود مقوله مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه، الگو کارایی و اثربخشی خود را نشان خواهد داد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت با وجود مدیریت به عنوان یک مقوله محوری، سایر اجزا می‌توانند جایگاه و نقش خود را به خوبی انجام دهند؛ بدین معنی که کارایی الگوی ایمنی به مدیریت بستگی دارد و با حذف مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه، الگو کارایی خود را از دست می‌دهد. همان‌گونه که در بدن تعدادی از اجزا مانند مغز، قلب و ریه سهم مهم‌تری در سلامتی دارند. مغز است که فعالیت‌ها و امور بدن را هماهنگ می‌کند؛ بنابراین، در الگوی مطرح شده، اگر به مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه به عنوان مرکز ثقل توجه شود، می‌تواند پاسخ‌گوی اهداف مورد نظر باشد. در این الگو، مدیریت با اتخاذ رویکردهای مناسب و با اقدام‌های لازم در هماهنگی بین مقوله‌ها سعی دارد و در صورت نبود این هماهنگ‌کننده، بی‌نظمی و سردرگمی بر الگو چیره خواهد شد. مدیریت حرفه‌ای متعهدانه به عنوان هسته مرکزی عمل می‌کند و با سایر مقوله‌ها ارتباط و تأثیرگذاری متقابلی دارد؛ برای مثال، مدیریت حرفه‌ای می‌تواند با به کارگیری تعهد زیاد همه افراد و روابط منطقی حاکم بر سازمان، سبب تغییر، رشد و ارتقای فرهنگ سازمانی قوی در ارتباط با ایمنی شود و فرهنگ ایمنی ارتقا یافته می‌تواند عملکرد مدیریت را در تمامی سطوح ارتقا دهد و در نهایت، سبب بهبود وضعیت ایمنی شود. در این الگو، تمامی مقوله‌ها هر کدام به نوعی سهم عمده‌ای در ارتقای سطح ایمنی دارند. این مقوله‌ها با همدیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط و تعامل هستند و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. همان‌گونه که در الگو نشان داده شده است، مقوله‌های فرهنگ ایمنی، شایستگی و صلاحیت تخصصی، ضوابط و دستورالعمل‌های ایمنی، ویژگی‌های فردی و الزام‌های قانونی و اخلاقی (وظیفه‌شناسی، اخلاق‌مداری و قانون‌پذیری)، علاوه بر ارتباط با مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه، در یک لایه از الگو با هم مرتبطند، بر همدیگر تأثیر

می‌گذارند و تأثیر می‌پذیرند؛ برای مثال، رعایت الزام‌های قانونی و اخلاقی، پذیرش و عمل به آن‌ها می‌تواند ارتقادهنده سطح فرهنگ ایمنی و برعکس، فرهنگ ایمنی رشدیافته می‌تواند سبب نهادینه‌شدن اصول قانونی و اخلاقی در ورزش شود. مقوله‌های لایه اول در ارتباط مستقیم با مقوله‌های لایه دوم هستند و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. نهادینه‌شدن مقوله‌های لایه‌های اول و وجود مقوله‌های لایه دوم با شرایط استاندارد می‌توانند سبب ارتقای ایمنی در ورزش شوند؛ برای مثال، با فرض وجود یک فضای ورزشی با تمام شرایط استاندارد، اگر ضوابط و دستورالعمل‌های ایمنی در استفاده از این محیط ورزشی رعایت شوند، وضعیت ایمنی ارتقا خواهد یافت و درغیراین صورت، پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

بنابراین، مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه با اتخاذ رویکرد صحیح در ارتباط با تدوین ضوابط و دستورالعمل ایمنی، آموزش و آگاهی‌دادن به ورزشکاران و استفاده از افراد دارای صلاحیت علمی و تخصصی در زمینه آموزش مناسب رشته‌های ورزشی، مربیگری، انتخاب و تعیین افراد وظیفه‌شناس، ترویج اخلاق‌مداری و قانون‌پذیری و همچنین، ایجاد یک فرهنگ سازمانی در زمینه رشد و نگرش مثبت به ایمنی در ورزش و بررسی شرایط افراد شرکت‌کننده در ورزش از حیث سلامت جسمی، روان‌شناختی و تجهیزات فردی، می‌تواند زمینه‌های انجام اعمال ایمن در محیط‌های ورزشی را فراهم آورد. همچنین، با برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی، به‌کارگیری تخصص مرتبط با حوزه فعالیت و شناخت کافی از مسئولیت‌های خود در بررسی فضاها، اماکن و تجهیزات ورزشی، مطابق با شرایط استاندارد و متناسب با وضعیت‌های مختلف ورزشکاران، به‌کارگیری اقدام‌های پزشکی لازم، استفاده از فناوری‌های روز در ورزش، رعایت اصول بهداشتی و پیشگیری از فعالیت ورزشی در محیط‌های آلوده می‌تواند زمینه ایجاد شرایط ایمن را برای پرداختن به ورزش در محیط‌های ورزشی فراهم آورند. مدیریت حرفه‌ای و متعهدانه باید مسئولیت‌پذیری و تعهدی آشکار و قوی را در بین افراد در محیط‌های ورزشی ایجاد کند و اطمینان حاصل نماید که این تعهد به پیشگیری از خطر و کاهش خطر در محیط‌های ورزشی منجر می‌شود. همچنین، مدیریت متعهد با اعتقاد به نیاز محیط‌های ورزشی به رشد مداوم در زمینه ایمنی با بهبود عملکرد، ایجاد انگیزه و مشارکت در بین افراد و قبول مسئولیت‌های فردی، برای بهبود اجرای مقوله‌های ایمنی تلاش کند و با فراهم‌آوردن زمینه برگزاری دوره‌های آموزشی و تبلیغی با هدف تواناکردن افراد برای انجام فعالیت به روش ایمن، اجرای دستورالعمل‌ها و رعایت اجباری آن‌ها، نهادینه‌کردن فرهنگ سازمانی قوی در زمینه فعالیت‌های ایمن و تأکید بر رعایت قانون و اصول اخلاقی و با کمک به بهبود و ارتقای وضعیت ساختاری محیط‌های ورزشی، تجهیزات، خدمات پزشکی و کمک‌های اولیه، زمینه را برای انجام فعالیت‌های ورزشی ایمن مهیا کند. به‌عبارت‌دیگر، یک مدیر متعهد و حرفه‌ای باید نسبت به کوچک‌ترین شرایط بالقوه خطر و کمبود وسایل موردنیاز در فضای



ورزشی حساس باشد و در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به برطرف کردن و کاهش خطر آن اقدام کند؛ بنابراین، هماهنگی بین همهٔ مقوله‌های ذکرشده و فراهم کردن شرایط ایمن و مناسب فعالیت و توسعهٔ اعمال ایمن در حد قابل قبول و بکارگیری مستمر ممیزی ایمنی می‌تواند در رشد و ارتقای ایمنی در محیط‌های ورزشی مؤثر باشد. جیمز ریزن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در مدل تحلیل حوادث خود با عنوان «مدل پنیر سوئیسی» بیان می‌کند که برای وقوع یک حادثه باید ترکیبی از خطاها و غفلت‌ها در سطوح مختلف روی دهد و همهٔ این عوامل در یک خط قرار گیرند. برخی از این عوامل نقایص موجود در فعالیت‌های انسان یا محیط کار و برخی دیگر مربوط به عوامل مدیریتی یا طراحی ضعیف در سیستم هستند؛ بنابراین، اگر در هر کدام از آنها، ملاحظات لازم در نظر گرفته شوند، احتمال وقوع حادثه به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت. سازمان‌ها می‌توانند با هوشمندی برای کاهش اعمال نایمن، نقایص نهفته در سطح مدیریتی را کاهش دهند (سیروس، ۱۳۸۴).

در این پژوهش، مقوله‌های مؤثر در ایجاد شرایط و موقعیت‌های ایمن در محیط‌های ورزشی و مقوله‌های مهم در فراهم کردن زمینهٔ انجام اعمال ایمن در پرداختن به ورزش و فعالیت، هماهنگ با نظریهٔ هانریچ<sup>۳</sup> (۱۹۵۹) است که علل عمدهٔ بروز حوادث را مربوط به عملکرد غیرایمن افراد و شرایط غیرایمن محیط کار می‌داند. یافته‌های هانریچ نشان داد که ۸۸ درصد از حوادث به دلیل اعمال نایمن<sup>۴</sup> و ۱۰ درصد به دلیل شرایط نایمن<sup>۵</sup> (خطر فیزیکی و مکانیکی موجود در محیط کار) روی می‌دهند و این دو عامل مهم‌ترین علل حوادث ذکر شده‌اند و تنها دو درصد از حوادث فاقد هرگونه تبیین علمی هستند. در این الگو سعی شده است مقوله‌هایی که می‌توانند زمینه را برای انجام اعمال ایمن و شرایط ایمن در محیط‌های ورزشی با هدف پیشگیری از حوادث فراهم آورند، شناسایی شوند و در قالب الگوی مناسب با منطقی خاص در کنار هم قرار گیرند.

بیشترین علل حوادث را رفتارهای نایمن تشکیل می‌دهند و این رفتارها آگاهانه یا ناآگاهانه، از غفلت، سهل‌انگاری، کنجکاوی، فرهنگ رقابت، جسارت، خطرپذیری، فقدان وظیفه‌شناسی، قانون‌گریزی، نبود آموزش لازم و غیره ناشی می‌شوند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که با به‌کارگیری مقوله‌های شناسایی شده در الگو، بتوان رفتارهای نایمن را به حداقل رساند. استفاده از آموزش‌های فنی و تخصصی رشته‌های ورزشی و نحوهٔ استفاده از اماکن و تجهیزات، نهادینه کردن فرهنگ ایمنی، الزام‌های قانونی، اخلاقی و به‌کارگیری دستورالعمل‌های ایمنی در پرداختن به فعالیت‌های ورزشی طبق قاعده و قانون در کنار

- 
1. James Reason
  2. Swiss Cheese Model
  3. Heinrich
  4. Unsafe Act
  5. Unsafe Condition

رهنمودهای مدیریتی و ایجاد انگیزه، هر کدام به‌نوعی می‌توانند بیشترین کارایی را در این زمینه داشته باشند. در همین رابطه، محمدی فام، فاطمی، گل محمدی و محجوب (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای در زمینه صنعت خودروسازی به ارزیابی رفتارهای نایمن با حوادث پرداخت و نشان داد که افزایش یک‌درصدی اعمال نایمن سبب سه‌برابری شدن حوادث شغلی می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد که فراهم‌شدن زمینه اعمال ایمن در هر حرفه اهمیت زیادی دارد؛ البته توجه به فراهم‌کردن زمینه اعمال ایمن به‌معنی کم‌توجهی به شرایط ایمن نیست و زمینه ایجاد شرایط ایمن نیز باید اهمیت زیادی داشته باشد و به آن توجه شود؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که تنها راه عملی پیشگیری از حوادث در ورزش و اثرهای سوء آن‌ها بر سلامت افراد، حذف خطرها و کاهش خطر آن‌ها، در به‌کارگیری مقوله‌ها در الگوی مطرح‌شده میسر است. نظر به کاربرد این الگو در مطالعات حوزه ایمنی ورزش که بخش مهم آن برای رسیدن به راهکارهای افزایش سلامت، پیشگیری از حوادث و کاهش آسیب‌پذیری افراد ورزشکار و سایر مراجعه‌کنندگان به محیط‌های ورزشی است، به‌کارگیری الگوی پیشنهادی می‌تواند ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد که الگوی ارائه‌شده در این پژوهش افق وسیع‌تری را در خصوص ابعاد ایمنی در ورزش ترسیم می‌کند و بر فهم پژوهشگران و مجریان امور درباره ابعاد و زوایای این مفهوم بیفزاید. یکی از محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی، امکان تفاسیر مختلف از پدیده مورد بررسی است و طبیعی است که تفسیر صورت‌گرفته از پدیده مورد مطالعه در این پژوهش، تنها یکی از تفاسیر ممکن و پذیرفتنی در مورد آن است. به‌هرحال، هر پژوهش نظری خالی از عیب و ایراد نیست و به نقد و ارزیابی مجدد نیاز دارد. این پژوهش با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، رهیافت گلیزری اجرا شد؛ از این رو، به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود از روش‌های نظام‌مند استراوسی و رویکرد ساختارگرا چامرز<sup>۱</sup> استفاده کنند و نتایج را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه کنند و نتایج این پژوهش را از جنبه‌های مختلف نقد کنند و آن را پالایش کنند.

## منابع

1. Abernethy, L., & MacAuley, D. (2003). Impact of school sports injury: Short report. *British Journal of Sports Medicine*, 37(4), 354-355.
2. Artinian, B. M., Giske, T., & Cone, P. H. (2009). *Glaserian grounded theory in nursing research: Trusting emergence*. New York: Springer Publishing.
3. Clissold, G., Buttigieg, D. M., & Cieri, H. D. (2012). A psychological approach to occupational safety. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 50, 92-109.

1. Charmaz Constructivist Approach

4. Charmaz, K. (2008). Grounded theory as an emergent method. *Handbook of emergent methods*, 155, 172., New York: The Guilford Press.
5. Danaee Fard, H., Alvani, S. M., & Azar, A. (2015). *Quantitative research methodology in management: A comprehensive approach*. Tehran: Saffar Publication. (Persian).
6. Eduard, N. Y., & Nikolay, V. (2014). Risk assessment in concessions: A case study of municipal sports facilities. Paper presented at The 21st International Economic Conference, Sibiu, Romania.
7. Farsi, A., Helalizada, M., Saya, M., Rasekh, N., & Darabi, H. (2005). An investigation into safety conditions in schools and suggestion as to improving those condition. *Research on Sport Science*, (13), 40-54. (Persian).
8. Ford, M. T., & Tetrick, L. E. (2008). Safety motivation and human resource management in North America. *International Journal of Human Resource Management*, 19(8), 1472-1485.
9. Gholami Torkesaluye, S., Mehdipour, A., & Azmsha, T. (2014) Safety and health assessment of multi-purposes sport halls and its relationship with sports injuries. *Applied Research of Sport Management*, 4(2), 23-34. (Persian).
10. Glaser, B. G. (2008). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2), 22-38.
11. Glaser, B. (2005). *The grounded theory perspective III: Theoretical coding*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
12. Glaser, B. G., & Holton. J. (2007). Remodeling grounded theory, historical social research/historische sozialforschung. *Supplement*, 19(32), 47-86.
13. Heinrich, H. W.,(1959). *Industrial Accident Prevention*, (4the, Ed), Mc Graw-Hill, U.S.A.
14. Jalali Farahani, M. (2010). *Sport facilities management*. Tehran: University Tehran Press. (Persian).
15. Jones, M., & Alony, I. (2011). Guiding the use of grounded theory in doctoral studies: An example from the Australian film industry. *International Journal of Doctoral Studies*, 6(N/A), 95-114.
16. Kashef, M., & Hossinnpour, E. (2011). *Management of safety and hygiene in sport places and fields*. Tehran: Hatmei Press. (Persian).
17. Kashef, M. (2009). *Sport facilities management*. Tehran: Bamdad Ketab Press. (Persian).
18. Khaleghnejad, A., & Ziaodini, M. (2016). Relationship between employees' safety climate and safety performance with respect to mediating effect of safety knowledge and safety motivation in Sarcheshmeh copper complex. *Journal of Health and Safety at Work*, 4(5), 69-85. (Persian).
19. Khosravizadeh, J., Golpaygani, M., Banitalebi, A., & Ghasemi, B. (2007). Prevalence and causes of sports injuries in basketball players of Premier League. *Journal of Sport Sciences*, (4), 45-52. (Persian).
20. Kozachyan, H., Godarzi, M., Khavanen, A., & Farzan, F. (2012). Safety analysis and explain the pattern of physical education in schools and sports halls. *Journal of Sport Management*, 11, 119-138. (Persian).

21. Khakpour, A. R., & Samiei Zafarghandi, A. (2015). Model for safety performance evaluation based on organizational factors affecting safety industries using Fuzzy Inference System. *Prevention*, 3(1), 25-34. (Persian).
22. Lee, M., Sesso, H. D., & Paffenbarger, R. S. (2000). Physical activity and coronary heart disease risk in men: Does the duration of exercise episodes predict risk? *Circulation*, 102(9), 981-986.
23. Mohammadfam, I., Bahrami, A., Fatemi, F., Golmohammadi, R., & Mahjub, H. (2008). Evaluation of the relationship between job stress and unsafe acts with occupational accidents in a vehicle manufacturing plant. *Avicenna Journal of Clinical Medicine*, 15(3), 60-66.
24. Moradi, N., (2017). Accidents Student sports during physical education lessons, Annual report of sports Accidents of Khuzestan General Education Department, 2, 5-7. (Persian).
25. Mozaffari, S. A. (2009). Planning and management of facilities and sporting venues. Tehran: Morabe Abi. (Persian).
26. Nouri Parkestani, H., Alimohammadi, I., Arghami, Sh., Gohari, M., & Farshad, A. (2010). Evaluation of reliability and validity of safety culture questionnaire. *Quarterly Journal of Iran Occupational Health*, 7, 18-25. (Persian).
27. Mitroff, I. I. (1992). Transforming the crisis-prone organization: preventing individual, organizational, and environmental tragedies. San Francisco: Jossey-Bass Publishers
28. Sadeghi Naeini, H., Jafari, H., Salehi, E., & Mirlouhi Falavarjani, A. (2012). Child safety in parks playgrounds (a case study in Tehran's sub-district parks). *Iran Occupational Health*. 7(3), 37-47. (Persian).
29. Saghraani, S., Mortazavi, S., Lagzian, M., & Rahimnia, F. (2014). Forcing theory on data or emerging theory from data: Theory building in humanities using grounded theory methodology. *Foundations of Education a Bi-annual Journal*, 4(1), 151-170. (Persian).
30. Saya, M., Dehekhoda, M., Arabeameri, E & Begdeli, M.(2006). Investigating the safety status of sports facilities in Kashan. National Conference on City and Sports, Tehran, Iran.
31. Syrus, A. (2006). Safety protection. Isfahan: Manny Press. (Persian).
32. Shah Mansouri, E., & Muzaffari, S. A. (2005). Study recessionary factors Sports in the field of hardware, software, and John Ware. *Journal of Sports Sciences*, (12), 87-106. (Persian).
33. Takano, T. (2007). Health and environment in the context of urbanization. *Environmental health and preventive medicine*, 12(2), 51.
34. Taylor, R., & Plumely, E. (1998). Question session where do we go from here? in sport studium after Hillsborough, Paper presented at the Sport Council, Sheffield, England, pp:102
35. Veitch, J., Bagley, S., Ball, K., & Salmon, J. (2006). Where do children usually play? A qualitative study of parents perceptions of influences on children's active free – play. *Health and Place*, 12, 383-393.

36. Zohar, D. (1980). Safety climate in industrial organizations: Theoretical and applied implications. *Journal of Applied Psychology*, 65, 95–102.

#### استناد به مقاله

حسین پور، اسکندر، باقری، قدرت‌اله، علیدوست قهفرخی، ابراهیم، امیری، مجتبی، جلالی‌فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). ارائه الگوی استقرار ایمنی در محیط‌های ورزشی (با کاربرد نظریه داده‌بنیاد). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۲۸-۱۰۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.3793.1263

Hosseinpour, E., Bagheri, Gh., Alidoust Ghahfarokhi, E., Amiri, M. (2019). Presenting a Model to Establish Safety in Sporting Environments (Using Grounded Theory). *Research on Educational Sport*, 7(16): 107-28. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.3793.1263

## نقش دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان در نیات رفتاری آنان نسبت به پوشاک ورزشی قلبی

عابد محمودیان<sup>۱</sup>، بهزاد ایزدی<sup>۲</sup>، وحید دلشب<sup>۳</sup>، سارا غریبی<sup>۴</sup>

۱. کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان\*
۲. استادیار گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان
- ۳ و ۴. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

### چکیده

یکی از روندهای جهانی که به‌صورت هشداردهنده‌ای در حال افزایش است، تولید، توزیع و مصرف کالاهای قلبی است؛ بر این اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر نیز تأثیر دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان در نیات رفتاری آنان نسبت به پوشاک ورزشی قلبی بود. مطالعه حاضر با روش پژوهش توصیفی - همبستگی انجام شد. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه کردستان بودند که با توجه به حجم جامعه آماری (۱۰۰۰۰)، حجم نمونه براساس جدول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰) تعداد ۳۷۳ نفر به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه‌های نگرانی اخلاقی، دانش، نگرش و نیات رفتاری، از مارکتی و شیلی (۲۰۰۹) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها توسط متخصصان تأیید شد و پایایی آن‌ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین مصرف‌کنندگان، متغیر نگرانی اخلاقی بر نگرش (۰/۴۱)، دانش بر نگرش (۰/۷۴) و نگرش بر نیات رفتاری (۰/۶۲-) اثر داشتند. همچنین، مدل ارائه‌شده دارای برازش مناسبی بود. می‌توان با طراحی بروشور، برنامه، فیلم و مستند برای افزایش نگرانی اخلاقی و افزایش آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان و بیان پیامدها و آسیب‌های خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی، سطح نگرش منفی مصرف‌کنندگان را نسبت به این‌گونه محصولات افزایش داد تا کمتر به خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی اقدام کنند.

**واژگان کلیدی:** نگرانی اخلاقی، دانش، نگرش، پوشاک ورزشی قلبی، نیات رفتاری.

**مقدمه**

جعل و تقلب پدیده‌ای جهانی است که در سال‌های اخیر رشدی فزاینده داشته است و پیامدهای منفی متعددی را به دنبال دارد که نه تنها گریبان‌گیر کسب و کارهای مشروع شده است، بلکه مصرف‌کنندگان، صاحبان مشاغل و حتی جامعه را نیز در بر گرفته است (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶). ائتلاف بین‌المللی ضد تقلب<sup>۱</sup> اعلام کرده است که صنعت کالاهای تقلبی در ۲۰ سال گذشته بیش از ۱۰۰۰۰ درصد افزایش داشته است (چودری و زیمرمن، ۲۰۱۳). همچنین، این ائتلاف تخمین زده است که پنج تا هفت درصد از تجارت جهانی، از تجارت کالاهای تقلبی تشکیل شده است و اعلام کرده است که درآمد حاصل از تجارت کالاهای تقلبی، در سراسر جهان در سال حدود ۶۰۰ میلیارد دلار است. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که از برندهای ورزشی معتبری نظیر آدیداس، نایک و پوما بیشتر از سایر برندهای معروف و معتبر ورزشی تقلب و کپی‌برداری می‌شود (آستوگلو و اردوغان، ۲۰۰۹). گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که بازار محصولات تقلبی در زمینه پوشاک ورزشی در حال رشد است. لیگ ملی فوتبال در ایالات متحده آمریکا گزارش داده است که درآمد حاصل از فروش کالاهای ورزشی تقلبی در سال ۲۰۱۲ بیش از ۴۰ میلیون دلار بوده است (یومار، ۲۰۱۵).

محصول جعلی محصولی غیرمجاز است که از علامت تجاری دیگر کالاهای ثبت‌شده استفاده می‌کند (چودری و زیمرمن، ۲۰۰۹). در تعریفی دیگر، کالاهای تقلبی محصولات غیرمجازی هستند که کیفیت پایین دارند و استانداردهای تولیدکننده اصلی را ندارند (نوردین، ۲۰۰۹). خرید یک محصول تقلبی یک عمل مجرمانه نیست؛ اما فردی که به خرید و مصرف یک محصول تقلبی اقدام می‌کند، در واقع، به صورت غیرمستقیم از یک فعالیت غیرقانونی حمایت کرده است؛ از این رو، خرید یا قصد خرید یک محصول تقلبی می‌تواند به عنوان سوءرفتار مصرف‌کننده در نظر گرفته شود (مارتینز و یایگر، ۲۰۱۶). از خطرهای احتمالی و پیامدهای مصرف برندهای تقلبی می‌توان به نبودن شرایط کار در کارگاه‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی، دستمزد ناعادلانه، شرایط کاری نامناسب، استفاده از کودکان کار، پرداخت نکردن مالیات، تحمیل ضرر مالی به مالکان برندهای اصلی، آسیب به اقتصاد کشور، کاهش فرصت‌های شغلی، تهدید سلامت افراد جامعه و بسیاری دیگر از این موارد اشاره کرد (آرگت، ۲۰۱۴). با وجود این جنبه‌های منفی، تقاضای مصرف محصولات تقلبی توسط مصرف‌کنندگان زیاد است؛

- 
1. Martinez & Jaeger
  2. International Anti-Counterfeit Coalition (IACC)
  3. Chaudhry & Zimmerman
  4. Atesoglu & Erdogan
  5. Umar
  6. Nordin
  7. Arget

بنابراین، پژوهشگران علاقه‌مندند عوامل مؤثر در ترغیب مصرف‌کنندگان به خرید محصولات تقلبی را پیدا کنند (مارتینز و یاگر، ۲۰۱۶). جنبه‌های محصول، زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی، محیط خرید و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله عواملی هستند که پژوهشگران نقش آن‌ها را در قصد خرید و مصرف کالاها تقلبی بررسی کرده‌اند و در پژوهش‌های گوناگون نتایج ضدونقیضی به دست آمده است. براساس نتایج بیشتر پژوهش‌ها، افراد جوان با درآمد پایین، مصرف‌کنندگان مادی‌گرا (فرناندس، ۲۰۱۳)، درک کیفیت کالاها تقلبی (پنز و استوتنجر، ۲۰۰۸)، تمایل به ایجاد هویت و ابراز خود (ویلکاکس، کیم و سین، ۲۰۰۹)، رسیدن به منافع مانند بهینه‌سازی و فریب دیگران (پرز، کاستانو و کوینتانیلا، ۲۰۱۰) و درک زرنگی از خرید محصولات تقلبی (پنز و استوتنجر، ۲۰۰۸) عوامل دیگری هستند که بر قصد خرید مصرف‌کنندگان کالاها تقلبی اثرگذارند. همچنین، بسیاری از مطالعات گذشته بر رابطه بین نگرش مصرف‌کننده و قصد خرید برای بررسی و توضیح رفتار خرید تمرکز داشته‌اند (جیرومنتی، ۲۰۱۳) و ابراز می‌کنند که نگرش، شاخصی عالی برای قصد خرید کالاها تقلبی است (میکائیدو و کریستوتولیدز، ۲۰۱۱).

باوجود انجام مطالعات متعدد در مورد کالاها و محصولات تقلبی به‌ویژه در زمینه ورزش در داخل و خارج از کشور، فقط تعداد محدودی از مطالعات خارجی انجام شده بر نقش دانش مصرف‌کننده و مسائل اخلاقی پدیده جعل و تقلب تمرکز کرده‌اند. در این پژوهش، رابطه سه عامل دانش، نگرانی اخلاقی و نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به پدیده جعل و تقلب با قصد رفتاری آنان در زمینه پوشاک ورزشی بررسی شده است. نگرش به‌عنوان یک موقعیت ذهنی نسبت به یک شیء و فرد است که می‌تواند بر وضعیت عاطفی نگهدارنده نگرش و اقدام‌های بعدی وی اثر بگذارد (آجنز و فیشباین، ۱۹۸۰). در بازاریابی، نگرش به‌عنوان ارزیابی کلی یک محصول یا خدماتی است که در طول زمان شکل گرفته است (سولومون، ۲۰۱۰). پرنر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نگرش مصرف‌کننده را به‌عنوان ترکیبی از باورها، احساسات و نیت رفتاری مصرف‌کننده نسبت به محصول و خدمات تعریف می‌کند. فرد می‌تواند نگرش

- 
1. Fernandes
  2. Penz and Stöttinger
  3. Wilcox, Kim & Sen
  4. Perez, Castaño & Quintanilla
  5. Jirotmontree
  6. Michaeiduou & Christodoulids
  7. Ajzen and Fishbein
  8. Solomon
  9. Perner



مطلوب و نامطلوبی نسبت به لباس‌های ورزشی قلبی داشته باشد و نگرش به نوبه خود تصمیم‌گیری برای مصرف لباس‌های ورزشی قلبی را تعیین می‌کند (خی و چنگ، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، نگرش پیش‌بینی‌کننده نیات رفتاری مصرف‌کننده است (مارلینا و ساردجونو، ۲۰۱۸). درحقیقت، رابطه بین نگرش و قصد رفتاری می‌تواند از لحاظ نظری از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده حمایت کند. با توجه به این نظریه باید گفت که نگرش با قصد فرد ارتباط دارد؛ بنابراین، می‌تواند برای تخمین رفتار پیش‌بینی‌کننده باشد (فاو، ۲۰۱۵). وقتی نگرش نسبت به محصول قلبی مطلوب باشد، پس احتمال دارد فردی محصولات قلبی را خریداری کند؛ باین حال، اگر نگرش نسبت به محصولات قلبی نامطلوب باشد، فرد ممکن است محصولات جعلی را خریداری نکند (مارکتی و شیلی، ۲۰۰۹؛ مارلینا و ساردجونو، ۲۰۱۸). در بسیاری از پژوهش‌ها و در رشته‌های مختلفی نیز این رابطه تأیید شده است (یانگ، لیو و ژو، ۲۰۱۲؛ جی و ارنست، ۲۰۱۳؛ علامه، پول، جابری، صالح‌زاده و اسدی، ۲۰۱۵؛ چیو و لنگ، ۲۰۱۶). از طرفی، نگرش تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی و شخصی مصرف‌کنندگان قرار دارد. به‌همین دلیل، در پژوهش حاضر، دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان به‌عنوان عوامل اثرگذار بر نگرش نسبت به پوشاک ورزشی قلبی مطرح می‌شوند. برس<sup>۹</sup> (۱۹۸۶) دانش را ساخت پیچیده مشخص شده توسط ساختار و محتوای اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه تعریف می‌کند. در تعریفی دیگر، دانش مصرف‌کننده شامل تمام اطلاعات مربوط به محصول و بازار است که در حافظه بلندمدت مصرف‌کننده ذخیره می‌شود و اجازه می‌دهد که مصرف‌کننده براساس آن در بازار عمل کند (بوزابیا و سالم، ۲۰۱۰). ممکن است دانش مصرف‌کنندگان از مسائل، درقبال مسئولیت‌های زیست‌محیطی و خرید و مصرف پوشاک، نقش داشته باشد. مصرف‌کنندگانی که دانش بیشتری درمورد مشکلات مربوط به پدیده جعل و تقلب در زمینه‌های اقتصاد و اشتغال و غیره دارند، احتمالاً نگرش مثبت بیشتری به خرید کالاهای غیرقلبی و نگرش منفی به خرید و مصرف کالاهای قلبی دارند (مارکتی و شیلی، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹).

- 
1. Xi & Cheng
  2. Marlyna & Sardjono
  3. Phau
  4. Marcketti & Shelley
  5. Yang, H. C., Liu, H., & Zhou
  6. Jee and Ernest
  7. Allameh, Pool, Jaber, Salehzadeh & Asadi
  8. Chiu & Leng
  9. Bers
  10. Bouzaabia & Salem

بازاریابان و تولیدکنندگان برندهای اصلی می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ذهنیتی منفی از خرید پوشاک ورزشی تقلبی به‌عنوان یک عمل نادرست درمیان عموم مردم ایجاد کنند و با آموزش و افزایش دانش مصرف‌کنندگان در مورد مزایای خرید و مصرف برندهای پوشاک ورزشی اصلی، نگرش منفی در مصرف‌کنندگان نسبت به پوشاک ورزشی تقلبی ایجاد کنند تا در نهایت، خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی را کاهش دهند (خی و چنگ، ۲۰۱۷). ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تقلب (۲۰۰۸) بیان کرد که بهترین روش برای کاهش تقاضا، خرید و مصرف محصولات تقلبی درمیان دانشجویان، ارتقای دانش و آگاهی از پیامدهای خرید و مصرف کالاهای تقلبی درمیان مصرف‌کنندگان جوان‌تر است. در همین راستا، این ائتلاف کمپینی را با عنوان «کمپین معلومات کالج» با تشکیل کلاس‌های بازاریابی و ارتباطات و با هدف ایجاد فرصتی برای دانشجویان برای ارتقای دانش آن‌ها و آگاهی آن‌ها از پدیده جعل و تقلب تشکیل داد. مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) بیان کردند که دانش زیاد مصرف‌کننده موجب ایجاد نگرش منفی نسبت به کالاهای تقلبی می‌شود و در نهایت، کاهش قصد خرید و مصرف محصولات تقلبی را به دنبال دارد. در نتیجه‌گیری‌ای مشابه، مارلینا و ساردجونو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «گزارش پژوهشی درباره دانش، تجربه و نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به داروهای تقلبی در جاکارتا: تحلیل و بررسی حقوقی» گزارش کردند که بین دانش مصرف‌کننده و نگرش منفی به کالاهای دارو رابطه‌ای مثبت وجود دارد. همچنین، بین دانش و قصد خرید داروهای تقلبی رابطه‌ای منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش دانش کاهش خرید داروهای تقلبی را به همراه دارد و برعکس.

از طرف دیگر، نگرانی اخلاقی با شیوه مصرف مرتبط است (مارکتی و شیلی، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹). مفهوم اخلاق را می‌توان به‌عنوان اصول، قوانین اخلاقی یا استانداردها معرفی کرد که رفتار یک گروه یا شخص را در خرید، انتخاب، فروش و استفاده از خدمات یا محصولات هدایت می‌کند (ریکولمی، مهدی و ریوس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت که نگرش اخلاقی فرد با در نظر گرفتن جنبه اخلاقی، باعث کاهش رفتار غیر اخلاقی می‌شود. اگر فرد سطح بالایی از اخلاق مربوط به ایده‌آلیسم داشته باشد، متوجه خواهد شد که خرید محصولات تقلبی اشتباه است (خی و چنگ، ۲۰۱۷). در واقع، اگر مصرف‌کنندگان به هنگام خرید و مصرف به وجود مسئله و مشکلی پی‌ببرند، دچار نگرانی اخلاقی می‌شوند و به احتمال زیاد، شیوه‌هایی را برای مقابله با رفتار خود اتخاذ می‌کنند (دیکسون، ۲۰۰۰).

- 
1. Riquelme, Mahdi, & Rios
  2. Dickson

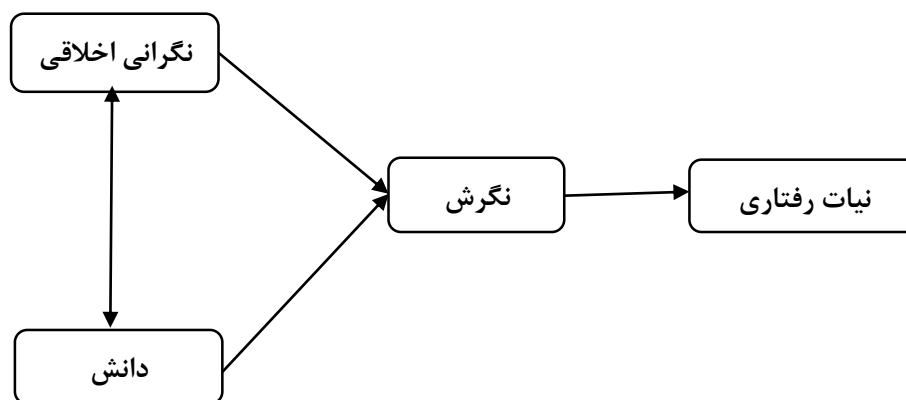
بسیاری از پژوهشگران بیان می‌کنند که مصرف غیراخلاقی تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی مصرف‌کنندگان نظیر هویت فرهنگی، قومیت، اخلاق، تحصیلات، جنسیت، سن و درآمد است (چو، جونگ‌یو و جانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). همچنین، پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که جوانان نسبت به مصرف‌کنندگان مسن بیشتر درگیر رفتار غیراخلاقی مانند خرید کالاهای تقلبی هستند (چوانگ و پرنده‌گاست<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). کویکاب، پهلوان، محمد و ثوراسامی<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی با عنوان «عوامل اثرگذار بر قصد خرید مصرف‌کنندگان محصولات جعلی: مطالعه تجربی در بازار مالزی» دریافتند که نگرانی اخلاقی بر نگرش نسبت به محصولات تقلبی اثر مثبت و معناداری داشت. مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود با عنوان «نگرانی، دانش و نگرش نسبت به محصولات تقلبی» رابطه بین نگرانی اخلاقی، دانش و نگرش نسبت به محصولات تقلبی را مثبت گزارش کردند؛ به طوری که دانشجویان با افزایش دانش، افزایش نگرانی اخلاقی و نگرش نسبت به محصولات و کالاهای تقلبی، تمایل بیشتری برای پرداخت و دادن هزینه بیشتری برای خرید کالاهای غیرتقلبی داشتند. نقش میانجیگری نگرش، براساس نظریه آجزین و فیشابن<sup>۴</sup> (۱۹۷۵) توجیه می‌شود. با توجه به این نظریه، اعتقادات بر نگرش تأثیر می‌گذارند که این به نوبه خود بر قصد خرید و نیت رفتاری تأثیر می‌گذارد. اگر مصرف‌کننده دارای اعتقاداتی مثبت در مورد محصولات تقلبی باشد، احتمال دارد که نگرش مطلوب نسبت به محصول تقلبی ایجاد شود و برعکس، اگر مصرف‌کننده اعتقاداتی منفی در مورد این نوع محصول تقلبی داشته باشد، او نگرش نامطلوبی نسبت به این محصول تقلبی پیدا خواهد کرد. علاوه بر توجیه نظری، شواهد تجربی نیز وجود دارند. پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که نگرش نسبت به خرید محصولات تقلبی، میان عوامل اجتماعی و شخصی با قصد مصرف‌کنندگان برای خرید محصولات تقلبی، نقش میانجی دارد (چودری و استامپف<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). پژوهش‌های کمی وجود دارند که نقش میانجی نگرش بین نگرانی اخلاقی و دانش مصرف‌کنندگان را در قصد خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی بررسی کرده باشند. مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) نقش میانجیگر نگرش نسبت به کالاهای تقلبی را در رابطه بین نگرانی اخلاقی و دانش مصرف‌کنندگان با نیت رفتاری آنان مثبت گزارش کرده‌اند. همچنین، کویکاب و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به کالاهای تقلبی می‌تواند رابطه نگرانی اخلاقی و نیت رفتاری مصرف‌کنندگان در مورد کالاهای تقلبی را میانجیگری کند.

- 
1. Cho, Jeong-Ju & Johnson
  2. Cheung & Prendergast
  3. Quoquab, Pahlevan, Mohammad & Thurasamy,
  4. Ajzen & Fishbein
  5. Chaudhry & Stumpf

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه مربوط به خرید و مصرف کالاهای لوکس بوده‌اند. پوشاک ورزشی نیز جزو این دسته از کالاها به‌شمار می‌آید. علاوه‌براین، پوشاک ورزشی معمولاً دارای قیمت پایین‌تری نسبت به برندها و کالاهای لوکس است. همچنین، پوشاک ورزشی علاوه‌براینکه دارای عملکرد نمادین است که از ویژگی‌های دسته کالاهای لوکس است، دارای ارزش کارکردی و بهبود عملکرد نیز است و آسایش را برای مصرف‌کنندگان به‌ارمغان می‌آورد (چیو، لی و وان، ۲۰۱۴). یکی از صنایعی که در حال حاضر در جهان در معرض جعل قرار دارد، صنعت وسایل ورزشی است که استقبال مصرف‌کنندگان را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین انگیزه‌های جاعلان برای نفوذ و رخنه در این صنعت دانست؛ بنابراین، صنعت ورزش به‌سرعت جهانی شده است؛ قلمرو آن همه جا را تسخیر کرده و در سراسر دنیا ریشه دوانیده است تا میلیاردها انسان از آن بهره‌مند شوند و هر روز محبوبیتش بیشتر می‌شود؛ به‌طوری‌که ورزش به یکی از پردرآمدترین حوزه‌های اقتصادی تبدیل شده است. تولید کالاهای ورزشی اکنون یکی از حوزه‌های مهم صنعتی با شاخه‌های گوناگون است (عبدالملکی، ۱۳۹۵). در نهایت، باید گفت که صنعت کالاهای ورزشی از صنایعی است که به‌شدت با بحران صنعت تولید کالاهای تقلبی روبه‌رو است. مطالعات قبلی بیان کرده‌اند که بیشتر، افراد جوان و کم‌درآمد تمایل بیشتری به خرید محصولات تقلبی دارند. همچنین، پوشاک ورزشی از کالاهای بسیار محبوب در میان جوانان است؛ بنابراین، دانشجویان با توجه به سن و درآمدشان، جامعه و نمونه مناسبی برای خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی هستند (کی‌لنگ، ۲۰۱۶). جعل و تقلید از پوشاک ورزشی زیاد است؛ زیرا، به مهارت فنی نیاز کمتری دارد (ترانساریمه، ۲۰۱۰). بسیاری از مدیران و بازاریابان برند اقدام‌های مستقلی علیه برندهای تقلبی انجام داده‌اند؛ اما برندهای تقلبی ورزشی همچنان در بازارهای جهانی به‌سرعت در حال رشد هستند (فیلیپس، ۲۰۰۷). باوجود اقدام‌های متعدد و مقررات اعمال‌شده، تولید و مصرف برندهای تقلبی در جهان همچنان وجود دارد؛ زیرا، قوانین و مقررات عمدتاً محدودیت تولید و عرضه برندهای تقلبی را به‌همراه دارند؛ باین‌حال، هر زمان که تقاضا باشد، عرضه نیز وجود خواهد داشت؛ براین‌اساس، برای کمک به بازاریابان و دولت‌ها در حل این مسئله، پژوهش‌ها و اقدام‌ها باید به‌سمت مصرف‌کننده و تقاضای مصرف‌برند تقلبی متمرکز شوند (خی و چنگ، ۲۰۱۷). به‌همین دلیل، درک عوامل مؤثر در نگرش و نیت رفتاری مصرف‌کنندگان محصولات تقلبی ورزشی

- 
1. Chiu, Lee & Won
  2. Keat Leng
  3. Transarime
  4. phillips

ضروری است. با وجود محبوبیت پوشاک ورزشی در میان مصرف‌کنندگان، تاکنون درباره مصرف پوشاک ورزشی تقلبی پژوهش آکادمیک انجام نشده است؛ از این رو، بررسی خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر نگرانی اخلاقی و دانش مصرف‌کنندگان بر نیت رفتاری مصرف‌کنندگان پوشاک ورزشی تقلبی است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی- همبستگی است که در آن دانشجویان دانشگاه کردستان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. با توجه به حجم جامعه آماری (۱۰۰۰۰)، از طریق جدول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰)، ۳۷۳ نفر دانشجوی به‌عنوان نمونه پژوهش حاضر به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه‌های چهارسؤالی نگرانی اخلاقی، پرسش‌نامه سه‌سؤالی دانش، پرسش‌نامه چهارسؤالی نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به پوشاک جعلی و پرسش‌نامه چهارسؤالی نیت رفتاری مصرف‌کنندگان، حاصل پژوهش مارکتی و شیلی (۲۰۰۹) بود. برای روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها از نظرهای کارشناسان و متخصصان و برای روایی سازه نیز از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. پژوهشگران مطالعه حاضر بعد از دریافت رضایت، در محیط دانشگاه به‌طور شفاهی و بیان اینکه اجباری در همکاری و تکمیل پرسش‌نامه نیست، پرسش‌نامه‌ها را توزیع کردند و از شرکت‌کنندگان خواستند که آن‌ها را تکمیل کنند. در نهایت، از ۳۷۳ پرسش‌نامه توزیع شده، ۳۵۵ پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. از این تعداد، ۳۱۲ پرسش‌نامه قابل تجزیه و تحلیل بودند. با احتساب ۳۱۲ پرسش‌نامه سالم، نرخ پاسخ ۰/۸۳ درصد بود. برای سازمان دادن، طبقه‌بندی و خلاصه کردن داده‌های

خام، از آمار توصیفی و در بخش آمار استنباطی، از آزمون مدل معادلات ساختاری برای بررسی برازش مدل پژوهش استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری اس.پی.اس.اس.<sup>۱</sup> نسخه ۲۳ و آموس نسخه ۲۳ انجام شد.

## نتایج

با توجه به نتایج آزمون آلفای کرونباخ که در تمامی شاخص‌ها مقدار آن مساوی یا بیشتر از ۰/۸ بود، می‌توان اذعان کرد که تمامی شاخص‌ها دارای پایایی مناسبی بودند و ابزار اندازه‌گیری از همسانی درونی خوبی برخوردار بود (جدول شماره یک). همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه نشان داد که همه سؤال‌ها دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۶ بودند و ساختار عاملی در نظر گرفته شده از برازش مطلوبی برخوردار بود. شاخص‌ها، منابع و همسانی درونی پرسشنامه‌ها، در جدول شماره یک نشان داده شده‌اند.

جدول ۱- شاخص‌ها، منابع و آلفای کرونباخ پرسش‌نامه‌ها

منبع	پایایی کل	تعداد گویه	شاخص
	۰/۸۰	۴	نگرانی اخلاقی مصرف‌کننده
مارکتی و شیلی	۰/۸۳	۳	دانش مصرف‌کننده
(۲۰۰۹)	۰/۸۹	۴	نگرش نسبت به پوشاک جعلی
	۰/۸۲	۴	نیات رفتاری مصرف‌کنندگان

نوع و فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های حاضر در پژوهش، در جدول شماره دو نشان داده شده‌اند. نتایج حاصل از این جدول گویای این است که بیشترین فراوانی در متغیر جنسیت مربوط به مردان با تعداد ۱۷۸ (۰/۵۷)، بیشترین فراوانی در متغیر تحصیلات مربوط به دانشجویان مقطع کارشناسی با تعداد ۲۱۱ (۰/۶۸) و در متغیر سن، بیشترین فراوانی با تعداد ۲۲۰ (۰/۷۱) مربوط به سنین ۲۰-۳۰ سال است.

1. Spss  
2. Amos

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

جنسیت		سطح تحصیلات				سن		
متغیر	مرد	زن	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	زیر ۲۰ سال	۳۰-۴۰	۴۱ به بالا
فراوانی	۱۷۸	۱۳۴	۲۱۱	۸۸	۱۳	۴۲	۲۲۰	۴۸
درصد	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۶۸	۰/۲۸	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۷۱	۰/۱۵
								۰/۰۰۶

از میان ۳۱۲ شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۲۲۹ نفر (۰/۷۳) آن‌ها اذعان کردند که تاکنون پوشاک ورزشی تقلبی خریداری کرده‌اند. همچنین، ۱۴ نفر (۰/۰۵) از آن‌ها به گزینه «خیر» و ۶۹ نفر (۰/۲۲) نیز به گزینه «نمی‌دانم» پاسخ دادند. اسامی و فراوانی برندهای جهانی کفش‌های ورزشی مورد مطالعه در پژوهش، در جدول شماره سه ارائه شده‌اند. با توجه به این جدول، شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بیشترین تمایل را برای خرید برند تقلبی جهانی آدیداس (۰/۲۵) و کمترین تمایل را برای خرید برند تقلبی جهانی نیوبالانس (۰/۰۳)، در هنگام خرید پوشاک ورزشی تقلبی دارند. با توجه به این نتایج، برندهای آدیداس، نایک و اسیکس به ترتیب بیشترین برندهای تقلبی خریداری شده در میان جوانان هستند.

جدول ۳- نوع و فراوانی برندهای ورزشی پژوهش

برندهای ورزشی								
اسامی	نایک <sup>۱</sup>	آدیداس <sup>۲</sup>	اسیکس <sup>۳</sup>	پوما <sup>۴</sup>	ریبوک <sup>۵</sup>	نیوبالانس <sup>۶</sup>	فیلا <sup>۷</sup>	سایر
فراوانی	۶۹	۸۰	۵۴	۳۶	۱۷	۱۱	۱۸	۲۷
درصد	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۹

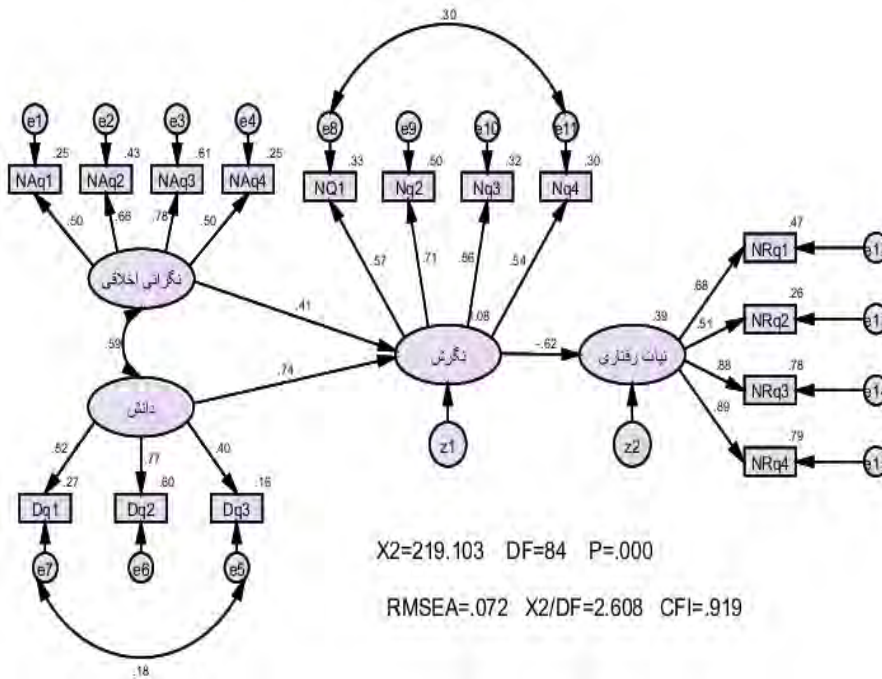
در جدول شماره چهار، همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است. با توجه به این جدول، بیشترین همبستگی بین متغیرهای نگرش و نگرانی اخلاقی (۰/۵۹۸) و کمترین همبستگی بین متغیرهای دانش و نگرانی اخلاقی (۰/۳۷۷) است.

1. Nike
2. Adidas
3. Asics
4. Puma
5. Reebok
6. Newbalance
7. Fila

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین متغیرهای مدل پژوهش

متغیر	نگرانی اخلاقی	دانش	نگرش	نیات رفتاری
نگرانی اخلاقی	۱			
دانش	۰/۳۷۷**	۱		
نگرش	۰/۵۹۸**	۰/۵۸۱**	۱	
نیات رفتاری	۰/۳۹۱**	۰/۵۲۰**	۰/۴۳۲**	۱

\*\*P≤0/01, \*P≤0/05



شکل ۲- مدل پژوهش در حالت معناداری



جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

نوع	درجه آزادی	خی دو نسبی	برازندگی شاخص	برازندگی تعدیل	نظریه‌ی تطبیقی	برازش خطای تقریب	واریانس	ریشه دوم	توکر-لوییس	هنجار شده	برازش
	۸۴	۲/۶۰	۰/۹۱۷	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۰۷		۰/۸۹	۰/۸۷		

نتایج جدول شماره پنج گویای این مطلب است که شاخص‌های نسبت خی دو به درجه آزادی مناسب هستند (کمتر از عدد سه) و شاخص‌های هنجار شده برازندگی، تعدیل برازندگی، برازندگی، توکر - لوییس و برازندگی تطبیقی که بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم واریانس خطای تقریب کمتر از ۰/۰۸ هستند، در حد قابل قبولی قرار دارند؛ بدین معنی که مدل پژوهش حاضر دارای برازش مناسب است و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است. به عبارتی، داده‌های حاصل از مطالعه مدل نظری پژوهش را حمایت و تأیید می‌کنند.

جدول ۶- ضرایب رگرسیونی مسیرهای مدل

معناداری	نسبت بحرانی	انحراف معیار	وزن رگرسیونی استاندارد شده	پژوهش مسیر	نگرانی اخلاقی
۰/۰۰۱	۳/۷۶۸	۰/۱۳۶	۰/۴۱۴	نگرش	<---
۰/۰۰۱	۴/۸۹۹	۰/۲۴۷	۰/۷۴۰	نگرش	<---
۰/۰۰۱	۷/۱۲۶	۰/۱۱۰	-۰/۶۲۳	نیات رفتاری	<---

تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و اثرهای کل مسیرهای مدل پژوهش در جدول شماره هفت بیان شده‌اند. با توجه به این جدول، بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به مسیر ارزش مصرفی لذت‌گرایانه - قصد خرید و کمترین تأثیر مستقیم مربوط به مسیر ارزش مصرفی فایده‌گرایانه - قصد خرید است.

1. Normed Fit Index(NFI)
2. Adjusted Goodness of Fit Index(AGFI)
3. Goodness of Fit Index(GFI)
4. Tucker Lewis Index(TLI)
5. Comparative Fit Index(CFI)
6. Root Mean Square Error of Approximation(RMSEA)

جدول ۷- تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و اثرهای کل متغیرهای پژوهش

ضرایب اثر در حالت استاندارد			مسیر		
اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم			
۰/۴۱۴	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰	نگرش	<---	نگرانی اخلاقی
۰/۷۴۰	۰/۷۴۰	۰/۰۰۰	نگرش	<---	دانش
-۰/۶۲۳	-۰/۶۲۳	۰/۰۰۰	نیات رفتاری	<---	نگرش

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه خرید محصولات جعلی، تأثیراتی تهدیدکننده بر اقتصاد جهانی و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد، توجه بیشتر پژوهش‌ها را به خود معطوف کرده است (تانگ، تیان و زایچکوکوسکی، ۲۰۱۴؛ کاسیم، بوگاری، سالاما و زین، ۲۰۱۶). با وجود انجام پژوهش‌های زیاد در زمینه رفتار خرید و مصرف محصولات تقلبی، هنوز سؤال‌های بی‌جواب زیادی باقی مانده‌اند. در چند سال اخیر، تلاش برای محدود کردن تقاضای مصرف‌کنندگان محصولات تقلبی، جزو اولویت‌های پژوهش در این زمینه قرار گرفته است؛ براین اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر نیز بررسی نقش نگرانی اخلاقی و دانش مصرف‌کنندگان در نیات رفتاری مصرف‌کنندگان برندهای تقلبی پوشاک ورزشی بود.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که سطح بالاتر نگرانی پاسخ‌دهندگان به احتمال بیشتر، باعث ایجاد نوعی نگرش منفی نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی می‌شود. در این مورد، افرادی که از تنوع مسائل اخلاقی مربوط به تولید، توزیع و خرید پوشاک ورزشی تقلبی بسیار آگاه هستند، به احتمال بیشتری درک خواهند کرد که رفتار خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی از نظر اخلاقی اشتباه است و همین امر موجب شکل‌گیری نگرشی منفی در آنان می‌شود. ضریب رگرسیونی مسیر نگرانی اخلاقی و نگرش نسبت به پوشاک ورزشی تقلبی حاکی از اثر مثبت و معنادار نگرانی اخلاقی بر ایجاد نگرش منفی نسبت به محصولات ورزشی تقلبی است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹)، کویکاب و همکاران (۲۰۱۷) و خی و چنگ (۲۰۱۷) مبنی بر اینکه نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان بر ایجاد نگرش منفی نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی اثر معنادار دارد، هم‌خوانی دارد. در واقع، هرچه نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان از خرید

1. Tang, Tian & Zaichkowsky
2. Kassim, Bogari, Salamah & Zain

و مصرف محصولات ورزشی قلبی بیشتر باشد، نگرش منفی شکل گرفته شدیدتر خواهد بود و رفتار خرید و مصرف محصولات قلبی کاهش می‌یابد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، دانش مصرف‌کنندگان بر شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به برندهای قلبی پوشاک ورزشی اثری مثبت و معنادار دارد. در واقع، افزایش دانش باعث ایجاد سطح بالاتر نگرش منفی می‌شود و در نتیجه، موجب کاهش خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعات مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) و مارلینا و ساردجونو (۲۰۱۸) مبنی بر اثر مثبت و معنادار دانش مصرف‌کنندگان بر ایجاد نگرش منفی نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی هم‌خوان است. در واقع، براساس نتایج حاصل از مدل پژوهش، افزایش دانش مصرف‌کنندگان می‌تواند ۰/۷۴ از ایجاد و شکل‌گیری نگرش منفی در مصرف‌کنندگان نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی را تبیین کند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران می‌توانند با ایجاد کمپین‌های تبلیغاتی ضد جعل و ضد تقلب و تولید برنامه‌ها و مستندها موجب افزایش اطلاعات عمومی، آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان از آثار و پیامدهای منفی خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی شوند.

همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر و ضریب رگرسیونی مسیر نگرش نسبت به پوشاک ورزشی قلبی و نیت رفتاری مصرف‌کنندگان در مدل پژوهش، حاکی از اثر منفی و معنادار نگرش مصرف‌کنندگان بر نیت رفتاری مصرف‌کنندگان هستند؛ براین اساس، می‌توان بیان کرد که ایجاد و شکل‌گیری نگرش منفی در مصرف‌کنندگان نسبت به پوشاک ورزشی قلبی موجب کاهش خرید و مصرف پوشاک ورزشی قلبی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات مارکتی و شیلی (۲۰۰۵، ۲۰۰۹) و کویکاب و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر اینکه نگرش منفی مصرف‌کنندگان بر نیت رفتاری آنان اثر منفی و معناداری دارد، هم‌خوان است. به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر بیانگر نقش میانجی نگرش منفی مصرف‌کنندگان نسبت به خرید و مصرف پوشاک ورزشی در رابطه نقش نگرانی اخلاقی با دانش مصرف‌کنندگان بر نیت رفتاری آنان است. به عبارت دیگر، می‌توان بیان کرد که افزایش نگرانی اخلاقی و آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان از پوشاک ورزشی قلبی موجب شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به این محصولات و در نتیجه، کاهش تقاضا، کاهش خرید و کاهش مصرف پوشاک ورزشی قلبی می‌شود.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تمایل به خرید برندهای قلبی در جامعه دانشجویان داخل کشور زیاد است؛ زیرا، از ۳۱۲ شرکت‌کننده در این پژوهش، ۲۲۹ نفر به صراحت اعلام کردند که به خرید برندهای پوشاک ورزشی قلبی اقدام کرده‌اند. همچنین، ۰/۲۲ (۶۹ نفر) از شرکت‌کنندگان توانایی تشخیص برندهای قلبی از برندهای اصلی را ندارند؛ بنابراین، می‌توان گفت که تمایل زیاد به خرید برندهای ورزشی قلبی و آگاهی و دانش کم مصرف‌کنندگان در این زمینه در داخل کشور، یکی از معضلات بازار ورزش کشور محسوب می‌شود؛ براین اساس، مدیران، سیاست‌گذاران، بازاریابان و

نمایندگی‌های برندهای اصلی در داخل کشور باید برای جلوگیری از افزایش این روند اقدام‌هایی را انجام دهند.

این مطالعه نه تنها به ادبیات جعل و تقلب کمک می‌کند، بلکه تنها مطالعه انجام شده در کشور است که تأثیر نگرانی اخلاقی و دانش مصرف‌کنندگان را بر فرایند خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی بررسی کرده است. مطالعه حاضر بینش جدیدی را به پژوهشگران علاقه‌مند به پدیده مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی و سیاست عمومی، به ویژه برای تولیدکنندگان، بازاریابان و ارائه‌دهندگان خدمات ضد جعل و ضد تقلب پوشاک ورزشی ارائه می‌دهد. همچنین، این مطالعه به کسانی که به مهارت‌های مصرف‌کنندگان نسبت به برندهای تقلبی پوشاک ورزشی علاقه‌مندند، کمک می‌کند. با توجه به کمک‌های عملی این مطالعه، سیاست‌گذاران می‌توانند از این یافته‌ها برای مبارزه با جعل و تقلب پوشاک ورزشی استفاده کنند. می‌توان با ایجاد بروشورها، کمپین‌ها، برنامه‌ها، فیلم و مستندها برای افزایش آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان در جهت پیامدهای منفی مختلف ناشی از خرید و استفاده از پوشاک ورزشی تقلبی، از جمله آسیب به اقتصاد کشور، محیط‌زیست، سلامت جسمانی، تولید داخلی و کمک به افزایش مشکلات اجتماعی، مانند استثمار کارگران، کودکان کار و رونق شغل‌های کاذب، نگرش ذهنی منفی ایجاد کرد تا در نهایت بتوان در اقدام مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی ممانعت به وجود آورد. در واقع، مالکان برندهای اصلی و سیاست‌گذاران می‌توانند با طراحی برنامه‌های تبلیغاتی برای توصیف و ویژگی‌های برندهای اصلی، نمایش محیط و شرایط کاری کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی، برجسته کردن مسائل اخلاقی مربوط به خرید و مصرف پوشاک ورزشی تقلبی، توسعه تبلیغات ضد جعل و ضد تقلب برای افزایش آگاهی و دانش مصرف‌کنندگان و تحریک و برجسته‌سازی نگرانی آنان، کاهش قصد خرید برندهای تقلبی را فراهم آورند.

برنامه‌ها باید بر افزایش دانش مصرف‌کنندگان با مرتبط جلوه‌دادن خرید و مصرف یک برند پوشاک ورزشی تقلبی به مباحث اخلاقی و نیز بر بیان پیامدهای ناشی از مصرف برند تقلبی، غیراخلاقی و اشتباه دانستن خرید و مصرف برند تقلبی، حمایت از کسب‌وکارهای نامشروع، آسیب‌های جسمانی و مالی، آلودگی زیست‌محیطی و غیره تمرکز کنند تا سطح دانش و نگرانی اخلاقی در مصرف‌کنندگان افزایش یابد و در نهایت، این برنامه‌ها نیات رفتاری مصرف‌کنندگان کالاهای تقلبی آنان را برای مصرف و تقاضای برندهای تقلبی پوشاک ورزشی کاهش دهند. اطلاع‌رسانی عمومی درباره خطرهایی که برندهای تقلبی پوشاک ورزشی افراد را تهدید می‌کنند، بازتاب و بزرگ‌نمایی رضایت مصرف‌کنندگان برندهای اصلی در رسانه‌های جمعی، نکوهش کردن برندهای تقلبی پوشاک ورزشی، تبلیغات گسترده

با هدف آشنا کردن مردم با معایب خرید و مصرف برندهای تقلبی پوشاک ورزشی، به نقد کشیدن تجربه بد مصرف کنندگان برندهای تقلبی پوشاک ورزشی و بازتاب گسترده آن از طریق ابزارهای تبلیغاتی، از جمله راه‌های افزایش اطلاعات و سطح دانش مصرف کنندگان و نگرانی اخلاقی آنان هستند. به نظر می‌رسد که در دنیای متلاطم امروز، مبارزه با جاعلان برندهای معتبر تاحدودی غیرممکن است و با حذف یکی از این شرکت‌های جعل کننده، شرکت دیگری در جای دیگر پدیدار می‌شود؛ بر این اساس، مدیران سازمان‌های صاحب برند باید به‌طور ریشه‌ای به حل این بحران بپردازند و بر مصرف کنندگان تمرکز کنند تا در بلندمدت تمایل آنان را به مصرف غیرفریبنده برندهای تقلبی کاهش دهند. برای کم کردن معضل خرید آگاهانه و روزافزون خرید و مصرف برندهای تقلبی ورزشی پیشنهاد می‌شود فروشندگان خریداران را از خرید و مصرف برندهای تقلبی آگاه کنند و کیفیت برندهای اصلی را نسبت به برندهای تقلبی، بیشتر نمایان کنند و از این طریق، دلایل قیمت بالاتر خود را به صورت منطقی برای افراد توضیح دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود مسئولان امر اقدام‌های لازم را برای فرهنگ‌سازی در زمینه غیراخلاقی بودن استفاده از محصولات جعلی همچون غیراخلاقی بودن تولید این محصولات انجام دهند. گروه‌ها، مجامع و ائتلاف‌هایی با موضوع مبارزه با جعل، جعل کننده، تولیدکننده و واردکننده برندهای تقلبی پوشاک ورزشی تشکیل دهند. با توجه به اینکه امروزه مهم‌ترین دغدغه شرکت‌های تولیدکننده برندهای اصلی جلوگیری از تولید و فروش برندهای تقلبی در جامعه است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی با هدف شناسایی راهبردهای بازاریابی مؤثر در مقابله با برندهای تقلبی پوشاک ورزشی انجام شوند.

## منابع

1. Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975). Belief, attitude. *Intention and Behavior: An Introduction to Theory and Research*.
2. Ajzen, I., & Fishbein, M. (1980). Understanding attitudes and predicting social behavior. Englewood Cliffs, N.J: Prentice-Hall.
3. Allameh, S. M., Pool, J. K., Jaber, A., Salehzadeh, R., & Asadi, H. (2015). Factors influencing sport tourists' revisit intentions: The role and effect of destination image, perceived quality, perceived value and satisfaction. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 27, 2, 191-207.
4. Argent, F. (2014). Online enforcement of counterfeit luxury goods: The China problem. *Global legal post*. Available at: <http://www.globallegalpost.com/bigstories/online-enforcement-of-counterfeit-luxury-goods-62665863/> (Accessed 5 May 2018).
5. Atesoglu, I., & Erdogan, H. H. (2009). The effects of brand imitation on ready-made clothing companies. *Electronic Journal of Textile Technologies*, 3(2), 43-49.

6. Bian, X., & Moutinho, L. (2011). Counterfeits and branded products: Effects of counterfeit ownership. *Journal of Product & Brand Management*, 20(5), 379-393.
7. Bouzaabia, R., & Salem, I. (2010). The relation between the consumer's knowledge and the browsing behavior. *Annals of "Dunarea de Jos" University of Galati Fascicle I: Economics and Applied Informatics*, 2, 59-70.
8. Brucks, M. (1985). The effects of product class knowledge on information search behavior. *Journal of Consumer Research*, 12(1), 1-16.
9. Chaudhry, P. E., & Stumpf, S. A. (2011). Consumer complicity with counterfeit products. *Journal of Consumer Marketing*, 28(2), 139-151.
10. Chaudhry, P. E., Zimmerman, A. (2013). Preserving intellectual property rights: Managerial insight into the escalating counterfeit market quandary. *Business Horizons*, 52(1), 57-66.
11. Chiu, W., & Leng, H. K. (2016). Consumers' intention to purchase counterfeit sporting goods in Singapore and Taiwan. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 28(1), 23-36.
12. Chiu, W., Lee, K.-Y., & Won, D. (2014). Consumer behavior toward counterfeit sporting goods. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 42(4), 615-624.
13. Cho, H., Jeong-Ju, Y., & Johnson, K. K. (2005). Ethical Ideologies: Do They Affect Shopping Behaviors and Perceptions of Morality?. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 97(3), 48.
14. Dickson, M. A. (2000). Personal values, beliefs, knowledge, and attitudes relating to intentions to purchase apparel from socially responsible businesses. *Clothing and Textiles Research Journal*, 18(1), 19-30.
15. Fernandes, C. (2013). Analysis of counterfeit fashion purchase behaviour in UAE. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*, 17(1), 85-97.
16. International Anti-Counterfeiting Coalition. (2008b) Campaign results. [WWW document]. URL <http://www.iacc.org/college/results.php> (accessed on 23 December 2008).
17. Jee, T. W., & Ernest, C. R. (2013). Consumers' personal values and sales promotion preferences effect on behavioral intention and purchase satisfaction for consumer product. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 25(1), 70-101.
18. Jirotmontree, A. (2013). Business ethics and counterfeit purchase intention: A comparative study on Thais and Singaporeans. *Journal of International Consumer Marketing*, 25(4), 281-288.
19. Kassim, N., Bogari, N., Salamah, N., & Zain, M. (2016). The relationships between collective-oriented values and materialism, product status signaling and product satisfaction: a two-city study. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 28(5), 807-826.
20. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610

21. Marcketi, Sara B., "Consumer Concern, Knowledge, and Atitude Towards Counterfeit Apparel Products: An Application of the Theory of Reasoned Action Theory" (2005). *Apparel, Events and Hospitality Management Conference Proceedings and Presentations*. 35. [http://lib.dr.iastate.edu/aeshm\\_conf/35](http://lib.dr.iastate.edu/aeshm_conf/35)
22. Marcketti, S. B., & Shelley, M. C. (2009). Consumer concern, knowledge and attitude towards counterfeit apparel products. *International Journal of Consumer Studies*, 33(3), 327-337.
23. Marlyna, H., & Sardjono, A. (2018). Research report on the knowledge, experience, and attitude of consumers towards counterfeit medicine in Jakarta: A legal analysis. *Law and Justice in a Globalized World*. Available at: (Accessed 10 March 2018).
24. Martinez, L. F., & Jaeger, D. S. (2016). Ethical decision making in counterfeit purchase situations: The influence of moral awareness and moral emotions on moral judgment and purchase intentions. *Journal of Consumer Marketing*, 33(3), 213-223.
25. Michaelidou, N., & Christodoulides, G. (2011). Antecedents of attitude and intention towards counterfeit symbolic and experiential products. *Journal of Marketing Management*, 27(9-10), 976-991.
26. Nordin, N. (2009). A study on consumers attitude towards counterfeit products In Malaysia. (Doctoral dissertation). University of Malaya, Kuala Lumpur.
27. Penz, E., & Stöttinger, B. (2008). Original brands and counterfeit brands – do they have anything in common? *Journal of Consumer Behaviour*, 7(2), 146-163.
28. Perez, M. E., Castaño, R., & Quintanilla, C. (2010). Constructing identity through the consumption of counterfeit luxury goods. *Qualitative Market Research: An International Journal*, 13(3), 219-235.
29. Perner, L. (2010) Consumer behavior: The psychology of marketing. [Online] Available at: <http://www.consumerpsychologist.com/>. (Accessed 18 March 2018).
30. Phau, I., Teah, M., & Chuah, J. (2015). Consumer attitudes towards luxury fashion apparel made in sweatshops. *Journal of Fashion Marketing and Management*, 19(2), 169-187.
31. Phillips, T. (2007). *Knockoff: The Deadly Trade in Counterfeit Goods: The True Story of the World's Fastest Growing Crimewave*. Kogan Page Publishers.
32. Prendergast, G., Chuen, L. H., & Phau, I. (2002). Understanding consumer demand for nondeceptive pirated brands. *Marketing Intelligence & Planning*, 20(7), 405-416.
33. Quoquab, F., Pahlevan, S., Mohammad, J., & Thurasamy, R. (2017). Factors affecting consumers' intention to purchase counterfeit product: Empirical study in the Malaysian market. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 29(4), 837-853.
34. Riquelme, H. E., Mahdi Sayed Abbas, E., & Rios, R. E. (2012). Intention to purchase fake products in an Islamic country. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 5(1), 6-22.
35. Salmon, F. (2010). Counterfeiting statistics still atrocious. Available at: <http://www.portfolio.com/ views/blogs/market movers/2008/01/21/ counterfeiting - statistics-still atrocious> (Accessed 29 May 2012).
36. Tang, F., Tian, V.-I., & Zaichkowsky, J. (2014). Understanding counterfeit consumption. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 26(1), 4-20.

37. Transcrime,. (2010). Anti-brand counterfeiting in the EU: Report on international and national existing standards. Milan, Italy: Joint Research Centre on Transnational Crime.
38. Umar, B. (2015). Fight against counterfeit sports products grows as business booms. The street. Available at: <http://www.iacc.org/college/results.php> (Accessed 13 February 2015).
39. Wilcox, K., Kim, H. M., & Sen, S. (2009). Why do consumers buy counterfeit luxury brands? *Journal of Marketing Research*, 46(2), 247-259.
40. Xia, E. A. C., & Cheng, K. T. G. (2017). The determinants of purchase intention on counterfeit sportswear. *Journal of Applied Structural Equation Modeling*, 1(1), 13-26.
41. Yang, H. C., Liu, H., & Zhou, L. (2012). Predicting young Chinese consumers' mobile viral attitudes, intents and behavior. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 24(1), 59-77.

#### استناد به مقاله

محمودیان، عابد، ایزدی، بهزاد، دلشب، وحید، غریبی، سارا. (۱۳۹۸). نقش دانش و نگرانی اخلاقی مصرف‌کنندگان در نیت رفتاری آنان نسبت به پوشاک ورزشی تقلبی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۴۸-۱۲۹.  
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5924.1468

Mahmoudian, A., Izadi, B. Delshab, V., Gharibi, S. (2019). The Role of Consumer's Knowledge and Ethical Concern on Their Behavioral Intention to Purchase Sport Counterfeit Apparel. *Research on Educational Sport*, 7(16): 129-48. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5924.1468





## تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش میانجی خرد سازمانی

علی صابری<sup>۱</sup>، صمد گودرزی<sup>۲</sup>

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران\*

۲. دکتری مدیریت ورزشی، مدرس موسسه آموزش عالی پاسارگاد، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۸

### چکیده

امروزه، اثربخشی مهم‌ترین مقصد سازمان‌ها است و دانش، حیاتی‌ترین منبع رقابت سازمانی به‌شمار می‌رود؛ از این رو، هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش میانجی خرد سازمانی بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود که با استفاده از روش معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش همه کارکنان وزارت ورزش و جوانان به تعداد ۴۰۰ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۶ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند که در نهایت پس از توزیع و جمع‌آوری داده‌ها، از ۱۹۲ پرسش‌نامه برای تحلیل استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه‌های استاندارد شده خرد سازمانی، اثربخشی سازمانی و مدیریت دانش بود که روایی آن با نظرخواهی از اساتید مدیریت ورزشی تأیید شد و پایایی آن در یک مطالعه مقدماتی از طریق آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۷۸ به‌دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار استنباطی و با استفاده از معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس. انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مدیریت دانش بر اثربخشی سازمانی تأثیر مستقیم داشت. همچنین، مدیریت دانش از طریق خرد سازمانی بر اثربخشی سازمانی به‌صورت غیرمستقیم تأثیر داشت. با توجه به نتایج به‌مدیران سازمان‌های ورزش پیشنهاد می‌شود که از خرد سازمانی به‌عنوان متغیری اثرگذار بر اثربخشی بیشتر مدیریت دانش بر اثربخشی سازمانی بهره‌گیرند.

**واژگان کلیدی:** مدیریت دانش، خرد سازمانی، اثربخشی، وزارت ورزش و جوانان.

## مقدمه

امروزه، یکی از مهم‌ترین ارکان تجزیه و تحلیل فعالیت‌های سازمانی تعیین اثربخشی آن است. اثربخشی سودمندترین و ارزشمندترین مقصد مدیران سازمان‌ها است؛ از این رو، تلاش مدیران و سازمان‌های مختلف برای پی‌بردن به موضوع‌ها و عوامل درگیر در افزایش اثربخشی سازمان پایان‌ناپذیر است (فی و دینسون، ۲۰۰۳). اثربخشی سازمانی یک مفهوم واحد و منفرد نیست؛ بلکه موضوعی بسیار پیچیده است که مشتمل بر ترجیح‌ها و انتظارات متفاوتی است (منصوری بروجنی، ۱۳۹۵). به اعتقاد کیو و لاین<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، اثربخشی سازمانی روشی است که سازمان‌ها چگونگی تحقق موفقیت‌آمیز مأموریت-هایشان را از طریق راهبردهای سازمانی، ارزیابی می‌کنند. دراکر<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) نیز اثربخشی سازمانی را انجام درست کار می‌داند و آن را کلید موفقیت سازمان محسوب می‌کند (اردلان، اسکندری و گیلانی، ۱۳۹۱). بدون شک، سازمان‌های ورزشی‌ای که به‌عنوان متولیان اصلی ورزش نقش مهمی در توسعه، ترویج و رشد ورزش در هر دو بعد ورزش همگانی و قهرمانی برعهده دارند، همانند سازمان‌های دیگر تحقق اهداف خود را در اولویت قرار می‌دهند. علاوه بر این، مدیران سازمان‌های ورزشی عمدتاً تحت تأثیر توجه و حساسیت افراد جامعه به اثربخشی‌شان، در پی اثربخشی کوتاه‌مدت و کسب برتری در صحنه رقابت با سازمان‌های رقیب هستند. این موضوع زمینه انجام پژوهش و بررسی بیشتر را در مورد اثربخشی سازمان‌های ورزشی کشور برجسته می‌کند. افزون بر این، قرن بیست و یکم قرن دانش است. دانش، قدرت است و همچنین، یکی از حیاتی‌ترین منابع رقابت‌های سازمانی به‌شمار می‌رود. مشخص شده است که دانش سازمانی ممکن است از کل دارایی‌های سازمانی مهم‌تر باشد. به‌همین دلیل از جمله عوامل اصلی و کلیدی تأثیرگذار در اثربخشی سازمانی، توجه به مدیریت دانش در سازمان‌ها است (اردلان و همکاران، ۱۳۹۱)؛ زیرا، در دنیای امروزی، بخش بزرگ‌تری از کارها و فعالیت‌های ما مبتنی بر اطلاعات است و زمان کمتری برای کسب تجربه و به‌دست آوردن دانش وجود دارد. در این شرایط، سازمان‌ها براساس میزان دانش خود با یکدیگر رقابت می‌کنند و در این میان، مدیریت دانش با در اختیار داشتن ابزارهای لازم، فرصت خوبی را برای بهسازی عملکرد منابع انسانی و نیز مزایای رقابتی ایجاد می‌کند (هرسی و بلانچارد، ۲۰۰۱). همچنین، دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند که ماهیت تغییرات محیطی را پیش‌بینی کنند و تصمیم‌های مناسب‌تری را برای مواجهه با آن تغییرات بگیرند. توانایی سازمان‌ها در کسب دانش، سازمان‌دهی و توزیع آن موجب بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و کارآمدتر شدن فرایندها

- 
1. Effectiveness
  2. Fey & Denison
  3. Ku & Lin
  4. Draker
  5. Hercy & Belanchard

می‌شود (لین، وو و یین، ۲۰۱۲)؛ از همین رو، سازمان‌ها به صورت فزاینده‌ای روی سیستم‌های مدیریت دانش سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ زیرا، معتقدند که دانش موجب مزیت رقابتی برای سازمان می‌شود. ارائه تعریف مفهومی واحدی برای مدیریت دانش بسیار دشوار است؛ زیرا، مفهومی وسیع است که فرایندهای متفاوتی را در برمی‌گیرد؛ اما با توجه به تعاریف مختلف می‌توان عنوان کرد که مدیریت دانش فرایند خلق، تسهیم، انتقال و به‌کارگیری دانش در سازمان برای رسیدن به اهداف سازمانی است (علی، ۲۰۱۷). سیدنقوی، نریمانی و غلامحسینی (۱۳۸۹) رابطه معناداری را بین مدیریت دانش و اثربخشی سازمان کشف کردند. همچنین، آنان اذعان کردند که مدیریت دانش می‌تواند به‌عنوان یک سازوکار، نقش میانجی را میان رابطه عوامل سازمانی (فرهنگ و رهبری سازمانی) و اثربخشی سازمانی ایفا کند. رئیسی، حسینی، طالب پور و نظری (۱۳۹۲) در پژوهش خود در زمینه سازمان‌های ورزشی منتخب کشور دریافتند که بین مدیریت دانش و فرایندهای آن با اثربخشی سازمانی در سازمان‌های ورزشی کشور رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. منصوری بروجنی، اتقیا، مختاری و نظریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که مدیریت دانش با اثربخشی رابطه معناداری دارد. به علاوه، مدیریت دانش قابلیت پیش‌بینی اثربخشی سازمانی را دارد. همچنین، براساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون چندگانه، ابعاد مدیریت دانش در مجموع قادر به تبیین ۳۰ درصد از واریانس اثربخشی سازمانی بودند و در بین این ابعاد، دو مؤلفه به‌کارگیری دانش و ثبت و ضبط دانش، به ترتیب بیشترین توان پیش‌بینی معنادار را برای اثربخشی سازمانی داشتند. چین تسای<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خود رابطه مثبت و معناداری را میان فرایندهای مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی مشاهده کرد. وی دریافت که مدیریت دانش عاملی قوی برای پیش‌بینی اثربخشی سازمانی بود و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده در میان فرایندهای مدیریت دانش برای اثربخشی سازمانی، به‌کارگیری و انتقال دانش در سازمان بود. در پژوهش اسمیت، میلز و دیون<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، فرایندهای کسب، به‌کارگیری و حفظ و ضبط دانش با اثربخشی سازمانی رابطه معنادار و مثبتی داشتند؛ اما فرایند تغییر و تبدیل دانش با اثربخشی سازمانی رابطه معناداری نداشت. سنتوبلی، سرچیون و اسپوسیتو<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که به‌کارگیری مدیریت دانش متناظر با ماهیت سازمان موجب بهبود اثربخشی و کارایی سازمان می‌شود.

- 
1. Lin, wu and yen
  2. Ali
  3. Chin Tsai
  4. Smith, Mills and Dion
  5. Centobelli, cerchion and Esposito

یکی دیگر از عوامل توانمندسازی کارکنان برای افزایش اثربخشی، خرد سازمانی<sup>۱</sup> است. در واقع، سازمان‌هایی موفق خواهند بود که بتوانند دانش، بینش و رفتار خردمندان‌های را در مدیران و کارکنان خود ایجاد کنند. مفهوم خرد حدود ۵۰۰۰ سال پیش ایجاد شد و از آن زمان تاکنون در زمینه فلسفی مورد بحث قرار گرفته است؛ برای مثال، سقراط اشاره کرد که تخصص، دانش و خرد، منابعی از نیرو هستند و باید به خوبی برای اهداف سیاسی و اجرایی با هدف کسب سلامت و رفاه استفاده شوند (ایزاک، ۲۰۱۳).<sup>۲</sup> خرد، موضوعی مشترک در مدیریت، علم سازمان و اقتصاد به شمار می‌رود که هم در موضوع‌های اقتصاد و هم در موضوع‌های مدیریتی اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل می‌شوند (اکمکچی، ترمان و اکر، ۲۰۱۴).<sup>۳</sup> رویکردهای متعددی در مورد خرد وجود دارند؛ رویکرد فلسفی که بر اساس کار روشنفکران تاریخی مانند سقراط، ارسطو و افلاطون پایه‌گذاری شده است که در این پژوهش مدنظر نیست؛ بلکه دیدگاهی مدنظر است که بیان می‌کند تفکر منطقی مؤلفه‌ی اساسی در خرد است. ارسطو در بحث اخلاقیات خود، به مفهوم عمیق‌تری از خرد وارد شده است و معتقد است که خرد همان کاربرد عملی تشخیص و تدبیر است. تأکید افلاطون بر دانش و تأکید ارسطو بر عمل، در بردارنده‌ی این نکته است که خرد مفهومی کلی است و از دانستن و عمل کردن سخن می‌گوید. دانش، در حوزه شناخت مهم است؛ اما به صورت شناخت محض باقی می‌ماند و خرد گام بعدی این شناخت است؛ یعنی از دانش به ترکیبی از دانش و عمل منتهی می‌شود. در حقیقت، دانستن به تنهایی کافی نیست. در واقع، خرد به تعادل و آن چیزی که درست می‌دانیم، اشاره دارد و ترکیبی از تفکر و عمل برای حفظ منافع مشترک است (جیگاس و فیتزجرالد، ۲۰۱۱).<sup>۴</sup> کیتچنر و برنر<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) بیان کردند که خرد نماینده‌ی آگاهی از رویدادهای ناشناخته و پیامدهای دانش برای حل مسائل دنیای واقعی و قضاوت است. میچام<sup>۶</sup> (۱۹۸۳) اعلام کرد که خرد عبارت است از کاربرد دانش به همراه درک جایز الخطاب بودن آن، همراه با احتیاط و نگرانی در مورد پیامدهای اجتماعی. استرنبرگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) متذکر می‌شود که بر اساس نظریه‌ی تعادل، خرد استفاده از هوش، خلاقیت، تجربه و ارزش‌هایی است که به منافع مشترک منجر می‌گردد و زمانی اتفاق می‌افتد که به علاقه‌مندی‌های فرد، گروه و سازمان، در کوتاه‌مدت و بلندمدت توجه شود. این تعریف دو حوزه در تعادل را در برمی‌گیرد: یکی، تعادل در علاقه‌مندی‌ها و دوم، تعادل بین

- 
1. Organizational Wisdom
  2. Izak
  3. Ekmekçi, Teraman and acer
  4. Gygax & Fitzgerald
  5. Kitchener & Brenner
  6. Meacham
  7. Sternberg

پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت. در صورتی که چنین تعادلی روی دهد، به منافع مشترک منجر می‌شود. در واقع، منافع مشترک زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به فراتر از اهداف خود بیندیشد و به آنچه برای خود و سازمانش مناسب است، فکر کند. خرد با ساختارهایی مانند هوش، خلاقیت و دانش متفاوت است و دلیل آن این است که خرد از هر دو بعد شناخت درون‌فردی و عمل بررسی می‌شود. براساس نظریه تعادل، رهبری که هوش و تجربه کافی دارد، لزوماً خردمند نیست. حتی اگر بداند که چه کاری باید انجام دهد، آن رهبر در صورتی خردمند است که بتواند بهترین راه را برای رسیدن به منافع مشترک بیابد (یانگ، ۲۰۱۱)؛ بدین ترتیب، این‌گونه استدلال می‌شود که امروزه، خرد و نه دانش، اولویت اصلی سازمان‌ها است. خرد سازمانی نه تنها توانایی انتخاب مؤثر و به‌کارگیری دانش مناسب در یک موقعیت خاص را بیان می‌کند، بلکه توانایی جمع‌آوری، یکی کردن و ارتباط این دانش با ابزارهای قابل قبول سازمانی نیز است (موسوی، سرلک و عباسی، ۱۳۹۲). خرد سازمانی به صورت صلاحیت سازمان برای توسعه روش‌های سازمانی در استفاده از فضایل و اعمال افراد برای تصمیم‌گیری مؤثر و سلامت سازمان تعریف می‌شود (رونی و مک‌کنا، ۲۰۰۸). شاهرخی، نویدی و شوقی (۱۳۹۴) در پژوهش خود تأثیر خرد سازمانی و مؤلفه‌های آن شامل خودشناسی، مدیریت هیجان‌ها، نوع دوستی، الهام‌بخشی، قضاوت، دانش زندگی، مهارت زندگی و تمایل به یادگیری را بر اثربخشی کارکنان آموزش و پرورش استان مرکزی تأیید کردند. بول و هیجبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نیز خرد سازمانی را یکی از عوامل مؤثر در اثربخشی می‌دانند. پینهیرو، راپوزو و هرناندز<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که خرد سازمانی بر کارایی و اثربخشی سازمان تأثیر می‌گذارد. همچنین، بسیاری از سازمان‌ها برای موفقیت، خود مدیریت دانش را پیاده می‌کنند؛ ولی به سطح عملکرد موردنیازشان نمی‌رسند که شاید یکی از دلایل این موضوع نبود خرد سازمانی در میان کارکنان و مدیران سازمان باشد. وایل<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) نیز عنوان می‌کند که مدیران دانشی موفق حتماً باید از دانش تخصصی برخوردار باشند و حال آنکه در عصر جهانی شدن، دانش حرفه‌ای و تخصصی رهبران در اداره موفق سازمان کافی نیست و اگر رهبران عنصر مهم خرد را نداشته باشند، نمی‌توانند سازمان خود را به سرمنزل مقصود برسانند. استقرار مدیریت دانش در یک سازمان با هدف تسهیل در خلق، تسهیم و به‌کارگیری دانش انجام می‌گیرد؛ دانشی که معمولاً به صورت ضمنی و در ذهن کارکنان سازمان وجود دارد. وجود خرد سازمانی در یک سازمان کارکنان را به داشتن انگیزه و ارتباط با یکدیگر تشویق می‌کند و فرایند مدیریت دانش

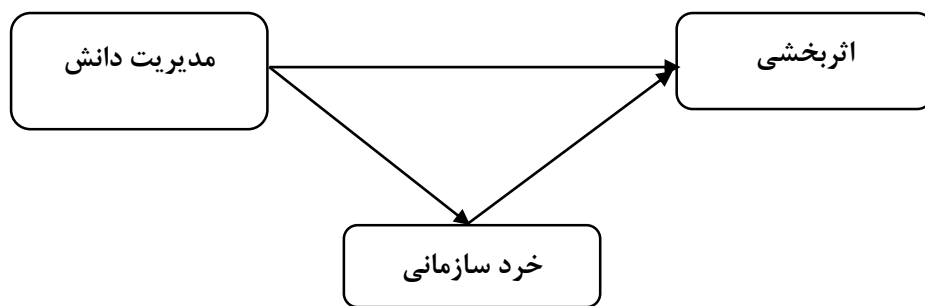
- 
1. Yang
  2. Rooney & McKenna
  3. Boal & Hooijberg
  4. Pinheiro
  5. Vaill

را آسان می‌کند (هاموند، لستر، اسمیت و پالانسکی، ۲۰۱۷). مدیریت دانش فرایند گسترده‌ای است. دانشی که در فرایند مدیریت دانش تولید، ارائه و تسهیم می‌شود، باید در خدمت حل مسائل سازمانی و نیل به اهداف سازمانی باشد؛ از این رو، فرایند مدیریت دانش موجب بهبود خرد در افراد دانشور و عوامل انتقال دانش در سازمان می‌شود. افزون بر این، مدیریت دانش به بهبود اثربخشی و کارایی سازمان کمک شایانی می‌کند (اسدی و یسه‌سری، ۱۳۹۰). مار، گوپتا، پیکه و روز<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) مدیریت دانش را به‌عنوان عبارتی جامع برای یک گروه از فرایندها و اعمال تعریف می‌کنند که ارزش شرکت را با توسعه اثربخشی تولید و کاربرد سرمایه فکری افزایش می‌دهند و این مهم با تأثیرگذاری بر خرد سازمانی انجام می‌گیرد. در واقع، خرد سازمانی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا دانش تولیدشده در فرایند مدیریت دانش را به قدرتی بالقوه در جهت رسیدن به بهره‌وری زیاد در سازمان تبدیل کنند. همچنین، خرد سازمانی به کارکنان و مدیران کمک می‌کند تا منافع فردی خود را در راستای منافع سازمانی تغییر دهند و این همان اقدامی است که مدیریت دانش با تسهیم دانش در بین کارکنان انجام می‌دهد (شوقی، زمانی مقدم و جعفری، ۱۳۹۶). مرتضی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۶) نیز معتقدند که رهبران اخلاق‌مدار، نیت خوب، دانش و خرد را درهم می‌آمیزند و رفتارهای آنان موجب ترغیب کارکنان به بروز رفتارهای مناسب می‌شود. علاوه بر آن، میتراف<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) عنوان می‌کند که خرد همچون اهرمی است که کارکنان را در ارائه رفتارهای درست سازمانی، تسهیم دانش و رسیدن به توسعه پایدار یاری می‌کند. جنکس<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) خرد را یکی از عوامل مهم در فرایند مدیریت دانش در سازمان می‌داند. سابهاروال<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود عنوان می‌کند که مدیریت دانش آکادمیک، دانش و چرخه داده تا خرد سازمانی را در برمی‌گیرد.

به‌طور خلاصه، با توجه به اینکه اثربخشی سودمندترین و ارزشمندترین مقصد مدیران سازمان‌ها است، سازمان‌های ورزشی از جمله وزارت ورزش و جوانان عمدتاً تحت تأثیر توجه و حساسیت افراد جامعه به اثربخشی‌شان، در پی اثربخشی به دستیابی به اهداف خود هستند و نظر به اهمیت و کارکرد مدیریت دانش در بهبود اثربخشی سازمانی، با وجود مدیریت دانشی که در وزارت ورزش و جوانان انجام شده است، تصمیم‌های گرفته‌شده به اثربخشی سازمانی منتج نشده‌اند. با توجه به تأثیر مدیریت دانش بر خرد سازمانی و لزوم خرد سازمانی برای اثربخشی مدیریت دانش، به نظر می‌رسد که تصمیم‌های گرفته‌شده با خرد سازمانی همراه نبوده‌اند و خرد سازمانی به‌عنوان یک متغیر میانجی، در تأثیر مدیریت

- 
1. Hammond, Laster, smith and palaneski
  2. Marr, Gupta, pike and Roos
  3. Murtaza
  4. Mitroff
  5. Jennex
  6. Sabharwal

دانش بر اثربخشی سازمانی عمل می‌کند. با بررسی ادبیات پژوهش، پژوهشی که ارتباط میان مدیریت دانش و خرد سازمانی با اثربخشی را بررسی کند، تاکنون انجام نشده است. برای پوشش این شکاف، چهارچوب نظری پژوهش حاضر در شکل شماره یک ارائه شده است. در این چهارچوب، مدیریت دانش به‌عنوان متغیر مستقل، خرد سازمانی به‌عنوان متغیر میانجی و اثربخشی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، براساس هدف از پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی است که در آن رابطه میان متغیرها براساس هدف پژوهش تحلیل می‌شود و به‌طور مشخص مبتنی بر معادلات ساختاری است. همه کارکنان رسمی و پیمانی وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران که دارای مدرک کارشناسی به بالا بودند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند (حدود ۴۰۰ نفر). در پژوهش حاضر، از فرمول کوکران برای تعیین تعداد نمونه‌های موردنیاز استفاده شده است (حافظنیا، ۱۳۸۴) که حداقل ۱۹۶ نمونه موردنیاز است. با توجه به احتمال برگشت‌ندادن پرسش‌نامه‌ها، ۲۲۰ پرسش‌نامه پخش شدند که پس از جمع‌آوری و کنارگذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص، در نهایت ۱۹۲ پرسش‌نامه وارد فرایند تجزیه و تحلیل شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسش‌نامه است. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش از پرسش‌نامه حاوی ۷۸ سنجه با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) استفاده شد. برای سنجش متغیرهای خرد سازمانی (۳۴ سنجه) از پرسش‌نامه براون و گرین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) استفاده شد که شامل هشت مؤلفه است: خودشناسی، مدیریت هیجان، نوع‌دوستی، الهام‌بخشی، قضاوت، دانش زندگی،

1. Brown & Greene



مهارت زندگی و تمایل به یادگیری. برای سنجش مدیریت دانش (۲۴ سنجه) از پرسش‌نامه لوسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) استفاده شد که شامل شش مؤلفه است: دانش‌آفرینی، جذب دانش، سازمان‌دهی دانش، ذخیره دانش، انتشار دانش و کاربرد دانش. همچنین، برای سنجش اثربخشی (۲۰ سنجه) از پرسش‌نامه اثربخشی چن<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) استفاده شد که شامل چهار مؤلفه است: استرس شغلی، رضایت شغلی، عملکرد شغلی و تمایل به ماندن در خدمت. در این پژوهش، برای اطمینان پاسخ‌دهندگان از محرمانه بودن پاسخ‌های آنان هیچ سؤال جمعیت‌شناختی‌ای پرسیده نشد. برای اطمینان از روایی محتوایی و ظاهری پرسش‌نامه، ویرایش اولیه آن مورد بررسی متخصصان و صاحب‌نظران در این زمینه قرار گرفت و با توجه به نظرها و پیشنهادهای آنها، اصلاحات لازم در سنجها انجام شد و پس از تأیید روایی، پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. در مطالعه‌ای مقدماتی روی ۳۰ نفر از اعضای جامعه مورد مطالعه، پایایی پرسش‌نامه‌های ذکر شده از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۷۸ به دست آمد.

برای برازش و آزمودن فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی<sup>۳</sup> و نسخه دوم نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس.<sup>۴</sup> استفاده شد. این روش بهترین ابزار برای تحلیل پژوهش‌هایی است که در آنها روابط بین متغیرها پیچیده، حجم نمونه، اندک و توزیع داده‌ها غیرطبیعی است (دایمنتوپولوس، ساراستد، فوچز، ویلزینسکی،<sup>۵</sup> ۲۰۱۲). از آنجایی که اثر تعاملی دو متغیر با توزیع طبیعی، در بیشتر مواقع دچار چولگی می‌شود، بهتر است از روش پی.ال.اس. برای بررسی تحلیل اثر تعاملی استفاده شود که به توزیع طبیعی حساسیت نداشته باشد. برای تحلیل مدل‌ها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی، ابتدا باید به بررسی برازش مدل و سپس، آزمودن فرضیه‌های پژوهش پرداخت (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). بررسی برازش مدل در سه بخش برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی انجام می‌شود.

## نتایج

### مدل اندازه‌گیری

برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی ترکیبی<sup>۶</sup> و آلفای کرونباخ پرداخته شده است. برای سنجش

- 
1. Lawson
  2. Chen
  3. Partial Least Squares (PLS)
  4. Smart PLS
  5. Diamantopoulos, sarestedt, Fuches and wilczynski
  6. PLS-SEM
  7. Composite Reliability

روایی همگرا نیز از شاخص میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود، میانگین واریانس استخراجی استفاده شده است که نتایج آنها در جدول شماره یک آورده شده است.

جدول ۱- گزارش معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی

متغیرها	عنوان در مدل	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha $\geq$ 0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR $\geq$ 0.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE $\geq$ 0.5)
دانش آفرینی	DaA	۰/۸۷۴	۰/۸۳۴	۰/۵۳۹
جذب دانش	JaD	۰/۸۳۶	۰/۷۷۵	۰/۵۱۲
سازمان‌دهی دانش	SaD	۰/۸۴۶	۰/۷۶۴	۰/۵۸۴
انتشار دانش	EnD	۰/۸۹۹	۰/۸۴۷	۰/۵۴۹
ذخیره دانش	ZaD	۰/۸۹۷	۰/۸۴۶	۰/۶۹۳
کاربرد دانش	KaD	۰/۹۱۸	۰/۸۶۶	۰/۶۸۶
مهارت زندگی	MoZ	۰/۹۰۲	۰/۸۶۹	۰/۷۸۲
دانش زندگی	DaZ	۰/۸۸۲	۰/۸۲۱	۰/۷۲۵
الهام‌بخشی	EIB	۰/۸۰۲	۰/۷۷۲	۰/۵۸۲
قضاوت	Ghz	۰/۸۴۲	۰/۸۰۲	۰/۶۱۲
نوع دوستی	NoD	۰/۸۸۲	۰/۸۴۲	۰/۵۲۳
خودشناسی	KhS	۰/۹۰۳	۰/۸۸۱	۰/۷۹۱
مدیریت هیجان‌ها	MoH	۰/۸۶۸	۰/۸۳۲	۰/۷۰۵
تمایل به یادگیری	TaY	۰/۸۵۸	۰/۷۹۲	۰/۵۸۴
مدیریت دانش	MoD	۰/۸۱۲	۰/۷۸۱	۰/۷۲۶
خرد سازمانی	KhS	۰/۷۹۱	۰/۷۳۶	۰/۶۸۵
اثربخشی سازمانی	AsB	۰/۸۰۶	۰/۷۴۱	۰/۷۱۳

همان‌طور که در جدول شماره یک مشخص است، همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بیشتر از ۰/۷ است؛ در نتیجه، نتایج پژوهش حاضر در مورد این دو معیار برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند. همچنین، با توجه به نتایج جدول، میانگین واریانس استخراجی همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۵ است؛ در نتیجه، روایی همگرای مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود. در قسمت روایی واگرا، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها مقایسه می‌شود. در جدول شماره دو، نتایج روایی واگرایی مدل آمده است.

## 1. Average Variance Extracted

جدول ۲. همبستگی‌های میان متغیرها و مقادیر میانگین واریانس استخراجی

متغیرها	آرتزنی	دانش	جذب دانش	سازماندهی دانش	انتشار دانش	ذخیره دانش	کاربرد دانش	مهارت زندگی	دانش زندگی	الهام بخشی	قضاوت	نوع دوستی	نوع دوستی	هیجانات	مدیریت	یادگیری	تعمیل به
دانش آرتزنی	۰/۷۳۴																
دانش جذب	۰/۵۳۹	۰/۷۱۵															
سازماندهی دانش	۰/۶۴۱	۰/۲۴۱	۰/۷۶۴														
انتشار دانش	۰/۳۲۱	۰/۶۴۶	۰/۲۰۸	۰/۷۴۰													
ذخیره دانش	۰/۴۹۰	۰/۶۳۱	۰/۶۴۱	۰/۵۴۱	۰/۸۳۲												
کاربرد دانش	۰/۷۱۲	۰/۴۶۰	۰/۶۹۲	۰/۳۳۸	۰/۶۸۳	۰/۸۲۸											
مهارت زندگی	۰/۵۲۰	۰/۴۸۱	۰/۴۳۵	۰/۳۱۵	۰/۲۲۹	۰/۵۷۰	۰/۸۸۴										
دانش زندگی	۰/۶۰۳	۰/۵۶۲	۰/۵۰۱	۰/۴۹۷	۰/۴۸۳	۰/۳۳۳	۰/۵۳۲	۰/۸۵۱									
الهام بخشی	۰/۵۳۸	۰/۴۰۱	۰/۳۳۷	۰/۶۸۱	۰/۱۴۸	۰/۴۸۳	۰/۲۹۸	۰/۳۴۸	۰/۷۶۲								
قضاوت	۰/۴۵۸	۰/۳۷۴	۰/۴۵۲	۰/۳۱۷	۰/۴۹۳	۰/۵۴۳	۰/۴۱۹	۰/۶۹۴	۰/۴۷۶	۰/۷۸۲							
نوع دوستی	۰/۶۶۱	۰/۵۱۷	۰/۵۴۲	۰/۳۸۵	۰/۵۲۷	۰/۶۰۳	۰/۶۱۴	۰/۶۸۲	۰/۵۶۸	۰/۷۰۳	۰/۷۲۳						
نوع دوستی	۰/۳۹۴	۰/۶۷۲	۰/۳۴۸	۰/۶۵۵	۰/۶۲۲	۰/۳۲۷	۰/۵۶۱	۰/۳۶۱	۰/۳۶۷	۰/۲۹۴	۰/۳۵۷	۰/۸۸۹					
مدیریت هیجانات	۰/۵۷۹	۰/۱۶۳	۰/۷۲۰	۰/۴۴۱	۰/۶۴۸	۰/۴۳۸	۰/۳۴۹	۰/۵۳۸	۰/۵۱۶	۰/۶۸۴	۰/۵۳۷	۰/۸۳۹					
تعمیل یادگیری	۰/۵۳۸	۰/۲۲۴	۰/۴۹۸	۰/۵۲۱	۰/۳۶۸	۰/۶۰۳	۰/۴۸۳	۰/۷۲۱	۰/۴۴۱	۰/۶۳۷	۰/۴۲۵	۰/۷۵۴	۰/۴۷۶	۰/۷۶۴			

همان‌گونه که در جدول شماره دو برگرفته از روش فورنل و لاکر (۱۹۸۱) مشخص است، مقدار جذر میانگین واریانس استخراجی متغیرها در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است؛ از این رو، می‌توان گفت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به بیان دیگر، روایی و اگرایی مدل در حد مناسبی است.

### مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری با روش پی.ال.اس.، در این پژوهش از ضرایب R Squares یا  $R^2$  و معیار  $Q^2$  استفاده می‌شود.  $R^2$  معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان‌دهنده تأثیری است که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد.  $Q^2$  معیاری است که استون و گیزر (۱۹۷۵) آن را معرفی کرد و قدرت

پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). مقادیر  $R^2$  و  $Q^2$  برای سازه‌های مدل، در جدول شماره سه آمده‌اند.

جدول ۳- مقادیر  $R^2$  و  $Q^2$ 

متغیرها	عنوان در مدل	$R^2$	$Q^2$
مهارت زندگی	MoZ	۰/۶۲۴	۰/۴۹۸
دانش زندگی	DaZ	۰/۷۸۵	۰/۵۹۸
الهام‌بخشی	EIB	۰/۶۴۸	۰/۴۵۲
قضاوت	Ghz	۰/۳۹۲	۰/۳۰۷
نوع‌دوستی	NoD	۰/۵۶۷	۰/۳۸۰
خودشناسی	KhS	۰/۵۴۶	۰/۴۲۴
مدیریت هیجان‌ها	MoH	۰/۶۹۴	۰/۵۰۱
تمایل به یادگیری	TaY	۰/۴۳۱	۰/۳۶۵
خرد سازمانی	KhS	۰/۵۳۷	۰/۴۸۶
اثربخشی سازمانی	AsB	۰/۶۳۷	۰/۵۹۴

هرچه مقادیر  $R^2$  مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. هرچه مقادیر  $Q^2$  مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی بهتر مدل است. با توجه به جدول شماره سه و مقادیر به‌دست‌آمده برای سازه‌های مدل می‌توان گفت که برازش قوی مدل ساختاری پژوهش تأیید می‌شود.

### مدل کلی

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار نیکویی برازش که تننهاوس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) ارائه کرده‌اند، استفاده می‌شود. این معیار از طریق رابطه شماره یک محاسبه می‌شود.

GOF

رابطه (۱):

$$= \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

به طوری که  $\text{Communalities}$  نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و  $R^2$  نیز دارای میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است.

1. Goodness of Fit
2. Tenenhaus

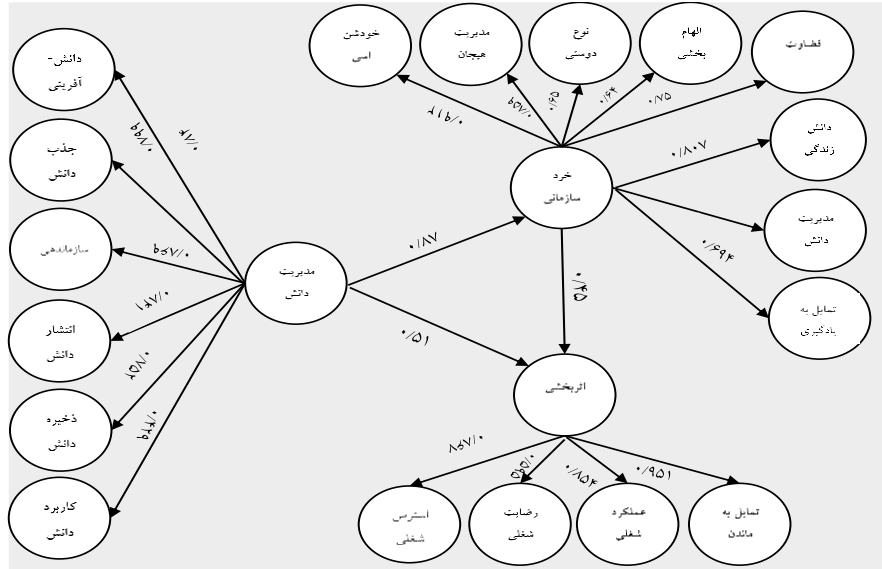
مقدار GOF مدل عبارت است از:

$$GOF = \sqrt{0/528 \times 0/825} = 0/55$$

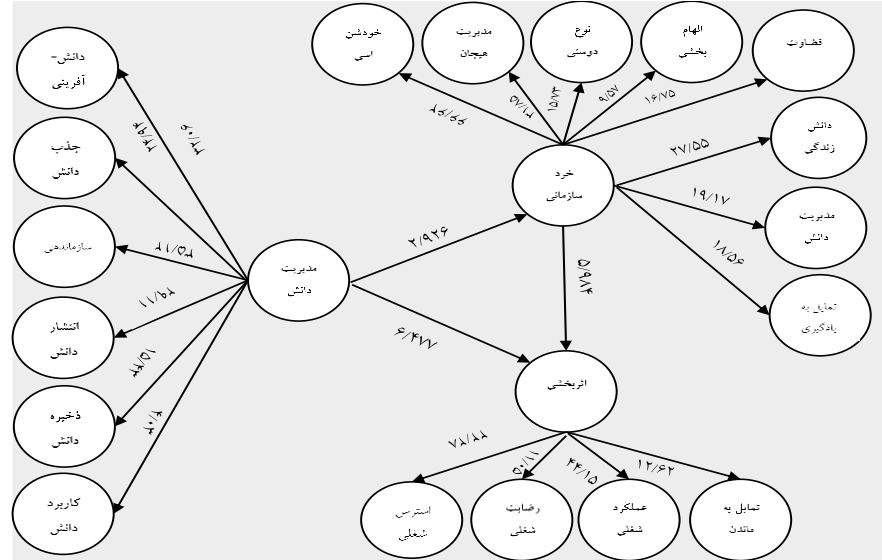
با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای نیکویی برازش معرفی شده‌اند (وتسلز و همکاران، ۲۰۰۹)، حاصل شدن ۰/۵۵ برای معیار نیکویی برازش نشان‌دهنده برازش کلی قوی مدل پژوهش است.

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش پی‌ال‌اس. نشان می‌دهد که پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی می‌توان به بررسی و آزمون مسیرهای مدل پرداخت و به یافته‌های پژوهش رسید. در این بخش، ضرایب معناداری Z و ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط بررسی می‌شود که نتایج مربوط به ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوطه در شکل شماره دو و نتایج مربوط به ضرایب معناداری در شکل شماره سه آورده شده است.

هنگامی که مقادیر ضریب معناداری (تی) در بازه بیشتر از ۱/۹۶ باشد، بیانگر معنادار بودن پارامتر مربوطه و متعاقباً تأیید مسیرهای مدل پژوهش است. همان‌طور که در شکل شماره سه مشاهده می‌شود و در جدول شماره چهار آورده شده است، با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها که همه بیشتر از ۱/۹۶ است، نشان می‌دهد که مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان تأثیر دارد. علاوه بر این، مدل نشان می‌دهد که مدیریت دانش بر خرد سازمانی تأثیر می‌گذارد و همچنین، خرد سازمانی بر اثربخشی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.



شکل ۲- مدل آزمون شده پژوهش به همراه ضرایب استاندارد



شکل ۳- مدل آزمون شده پژوهش در حالت ضرایب معناداری

بنابراین، با توجه به تأیید شدن تأثیر مدیریت دانش بر خرد سازمانی و همچنین، تأثیر خرد سازمانی بر اثربخشی، میانجی بودن خرد سازمانی در رابطه بین مدیریت دانش و اثربخشی تأیید می‌شود. همچنین، با تأیید شدن نقش میانجیگری خرد سازمانی، مدیریت دانش دارای اثری غیرمستقیم، مثبت و معناداری برابر با  $(0.511 \times 0.878 = 0.448)$  بر اثربخشی است. در این پژوهش، از آزمون سوبل که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌رود، استفاده شد. در آزمون سوبل، یک مقدار از طریق رابطه شماره دو به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از  $1/96$ ، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد.

$$Z - value = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times s_a^2) + (a^2 \times s_b^2) + (s_a^2 \times s_b^2)}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این رابطه،  $a$  مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی،  $b$  مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته،  $S_a$  خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی و  $S_b$  خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته است.

$$Z - value = \frac{0/87 \times 0/45}{\sqrt{(0/45^2 \times 0/114^2) + (0/87^2 \times 0/121^2) + (0/114^2 \times 0/121^2)}}$$

مقدار  $Z$ -value حاصل از آزمون سوبل برابر با  $28/43$  شده است که به دلیل بیشتر بودن از مقدار  $1/96$  می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر متغیر میانجی خرد سازمانی در رابطه میان مدیریت دانش و اثربخشی معنادار است.

برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی، از آماره شمول واریانس<sup>۲</sup> استفاده شد که مقداری بین صفر و یک را اختیار می‌کند و هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی است. در واقع، این مقدار نسبت اثر غیرمستقیم بر اثر کل را می‌سنجد. شمول واریانس از طریق رابطه شماره سه به دست می‌آید.

$$VAF = \frac{a \times b}{(a \times b) + c} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در این رابطه،  $a$  مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی،  $b$  مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته و  $c$  مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته است.

- 
1. Sobel
  2. Variance Accounting for (VAF)

$$VAF = \frac{0/87 \times 0/45}{(0/87 \times 0/45) + 0/51}$$

مقدار ۰/۴۳ برای شمول واریانس بدین معنی است که نزدیک به چهل درصد از اثر مدیریت دانش بر اثربخشی، به‌طور غیرمستقیم و از طریق خرد سازمانی تبیین می‌شود.

جدول ۴- تحلیل مسیر مدل

نتیجه	آماره تی	تخمین	متغیر وابسته	اثر	متغیر مستقل
***	۴/۶۱	۰/۵۱۱	اثربخشی	←	مدیریت دانش
***	۷/۶۳	۰/۸۷۸	خرد سازمانی	←	مدیریت دانش
***	۴/۵۷	۰/۴۵۶	اثربخشی	←	خرد سازمانی
***	۲۸/۴۳	۰/۴۳۴		←	نقش میانجی خرد سازمانی

با توجه به مقدار ضریب معناداری (آماره تی) به‌دست‌آمده برای مسیرهای بین متغیرهای مدل در شکل شماره سه و جدول شماره چهار، نشان می‌دهد که مدیریت دانش بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان و همچنین، بر خرد سازمانی تأثیرگذار است. علاوه‌براین، خرد سازمانی هم به‌طور مستقیم بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان تأثیر گذار است و هم در تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان نقشی میانجی دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اثربخشی سودمندترین و ارزشمندترین مقصد مدیران سازمان‌ها است. سازمان‌های ورزشی از جمله وزارت ورزش و جوانان عمدتاً تحت تأثیر توجه و حساسیت افراد جامعه به اثربخشی‌شان، در پی اثربخشی در دستیابی به اهداف خود هستند. در قرن حاضر، دانش یکی از حیاتی‌ترین منابع رقابت سازمانی به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو، مدیریت دانش و خرد سازمانی از عوامل مهم تأثیرگذار بر اثربخشی سازمانی هستند. افزون‌براین، مدیران دانشی موفق حتماً باید از دانش تخصصی برخوردار باشند و حال آنکه در عصر جهانی شدن، دانش حرفه‌ای و تخصصی رهبران در اداره موفق سازمان کافی نیست و اگر رهبران از عنصر مهم خرد برخوردار نباشند، نمی‌توانند سازمان خود را به سرمنزل مقصود برسانند؛ بنابراین، در این پژوهش سعی شد نقش میانجی خرد سازمانی در تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه اول نشان داد که مدیریت دانش بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان تأثیر



معناداری دارد؛ بدین معنی که با استفاده از مدیریت دانش شاهد افزایش اثربخشی وزارت ورزش و جوانان خواهیم بود. بهبود تمام عواملی که به موفقیت یک سازمان منجر می‌شود، مانند تصمیم‌های منطقی و برپایه دانش، تدوین راهبردهای مناسب، خلاقیت سازمانی، کیفیت محصولات و خدمات و غیره، درگرو دسترس‌پذیری و استفاده کارآمد از دانش برتر و بهتر است. به همین سبب، مدیریت دانش با جذب، سازمان‌دهی، ذخیره‌سازی، اشاعه و کاربرد دانش، دانش موردنیاز کارکنان و مدیران وزارت ورزش و جوانان را فراهم می‌آورد تا تصمیم‌گیری‌هایش در زمینه ورزش همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی برپایه دانش باشد و بدین وسیله موجب دستیابی به اهداف تعیین شده و افزایش اثربخشی در وزارت ورزش و جوانان می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج مطالعات سیدنقوی و همکاران (۱۳۸۹)، رئیسی و همکاران (۱۳۹۲)، منصوری بروجنی و همکاران (۱۳۹۵)، چین‌تی‌سای (۲۰۰۹)، اسمیت و همکاران (۲۰۱۰) و سنتوبلی و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه دوم نشان داد که خرد سازمانی بر اثربخشی وزارت ورزش و جوانان تأثیر معناداری دارد. به نظر می‌رسد که خرد سازمانی با شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های خود و در نتیجه، کاهش استرس، کنترل احساسات و هیجان‌های شخصی، افزایش میزان دقت و تمرکز بر تصمیم‌گیری، نوع دوستی و نگاه سیستمی به موفقیت و شکست دیگران، الهام‌بخشی همراه با تفکر منطقی طبق اصول و قوانین، قضاوت اعمال رفتارهای خود با ارزش‌ها و اهداف سازمانی، دانش و مهارت زندگی کردن، کمک به تعادل بین کار و زندگی، بهبود روابط اجتماعی و تمایل به یادگیری و افزایش دانش و آگاهی کارکنان موجب تصمیم‌گیری بهتر و سیستمی و منطبق با معیارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود و اثربخشی را در وزارت ورزش و جوانان افزایش می‌دهد. بدون شک، از آنجایی که وزارت ورزش و جوانان مخاطبان زیادی دارد که هویت خود را در آن سازمان جست‌وجو می‌کنند، تنها تصمیم‌هایی می‌توانند به اثربخشی بهتر سازمان منجر شوند که خردمندان باشند و تعادلی به منافع مخاطبان، سازمان و کارکنانش و همچنین اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت داشته باشد و همچنین، درحین تصمیم‌گیری، به ملاحظات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه کند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج مطالعات شاهرخی و همکاران (۱۳۹۴)، بول و هیجبرگ (۲۰۰۱) و پنهیرو و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه سوم نشان داد که مدیریت دانش بر خرد سازمانی وزارت ورزش و جوانان تأثیر معناداری دارد. مدیریت دانش بخشی از فرایند عظیم مدیریت خرد و یکی از ویژگی‌های رهبر خردمند است. مدیریت خرد فراتر از مدیریت دانش و امری کل‌نگر است و خود شامل مدیریت دانش است. همان‌طور که بیان شد، خرد با دانش ضمنی، درک، قضاوت، بینش، اخلاق و اقدام مناسب در موقعیت‌های اجتماعی مرتبط است و مدیریت خرد، مدیریت این دانش ضمنی افراد است؛ اما مدیریت دانش، با دانش آشکار افراد سروکار دارد. مدیریت دانش مبتنی بر ایجاد، تسهیم و انتقال

دانش است. به‌طور کلی، خرد به‌صورت توانایی استفاده درست از دانش یا توانایی قضاوت درست در مورد مسائل مربوط به زندگی و رفتار تعریف می‌شود. فرایند مدیریت دانش با خردسازمانی که شامل خرد تمام اعضای سازمان است، عجین شده است و موجب بهبود خرد سازمانی می‌شود. مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تولید و ذخیره به‌موقع دانش زمینه ایجاد خرد سازمانی را فراهم می‌کنند و با ایجاد زیرساخت‌های مدیریت دانش و تسهیم دانش مطلوب‌تر می‌توانند به خرد سازمانی دست یابند و منافع فردی خود را در خدمت منافع سازمانی پیش برند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های شوقی و همکاران (۱۳۹۶)، مارو و همکاران (۲۰۰۳)، مرتضی و همکاران (۲۰۱۶)، میترا (۲۰۱۶) و جنکس (۲۰۱۷) همسو است. نتایج فرضیه چهارم نشان داد که خرد سازمانی نقشی میانجی در تأثیرگذاری مدیریت دانش بر اثربخشی سازمانی دارد. می‌توان گفت که بخش مهمی از اطلاعات درون سازمان‌ها همواره به‌صورت ضمنی و در ذهن کارکنان است و مدیریت دانش بر آن است تا این اطلاعات را به‌اشتراک بگذارد تا سازمان مسیر تحرک و ترقی خود را در جهت دانش‌محوری به‌سرعت طی کند و باعث اثربخشی سازمان شود؛ اما شواهد و قراین حاکی از آن هستند که باوجود مدیریت دانش در بسیاری از سازمان‌ها از جمله وزارت ورزش و جوانان، این سازمان‌ها اثربخشی لازم را ندارند؛ زیرا، از مدیریت دانش در جای درست استفاده نمی‌کنند. در این میان، باید خاطر نشان کرد که تنها انتقال دانش و اطلاعات در سازمان مهم نیست، بلکه به‌پدیده دیگری به نام خرد سازمانی نیاز است تا دانش درست به‌طور درست در جای مناسب به‌اشتراک گذاشته شود و در نهایت، باعث اثربخشی سازمان شد. با توجه به نتایج پژوهش، به‌نظر می‌رسد که می‌توان نتیجه گرفت مدیریت دانش شرط لازم برای اثربخشی وزارت ورزش و جوانان است؛ ولی شرط کافی نیست و اگر وزارت ورزش و جوانان بخواهد اثربخش باشد، باید در کنار مدیریت دانشی که انجام می‌دهد، به خرد سازمانی نیز توجه کند. پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان وزارت ورزش و جوانان، در کنار مدیریت دانش با تشکیل کارگاه‌ها و دوره‌هایی برای توسعه دانش عملی کارکنان، توسعه فرایندهای فراشناختی مربوط به مدیریت دانش و محدودیت‌ها، قطعی‌نبودن و تناقض‌های مربوط به آن، یادگیری از تجارب گذشته و نیز توسعه خودآگاهی برای مشاهده خود به‌عنوان بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر، به بهبود خرد سازمانی نیز توجه کنند. برای اینکه از دانش موجود و مدیریت آن به‌صورت بهتر و در جای مناسب استفاده شود تا تصمیم‌هایی درست اتخاذ شوند و باعث اثربخشی وزارت ورزش و جوانان شوند.

## منابع

1. Ardalan, M. R., Eskandari, A., & GHilani, M. (2013). Knowledge leadership, organizational intelligence and organizational effectiveness. *Strategy Management Studies*, 12, 71-100. (Persian).

2. Asadi Vasyehsari, N. (2012). Investigating the impact of mediating role of knowledge management on relationship between culture, structure and strategy with organizational effectiveness. (Unpublished master's thesis). University of Mazandaran, Babolsar. )Persian).
3. Barclay, D., Higgins, C., & Thompson, R. (1995). The partial least squares (PLS) approach to causal modeling: Personal computer adoption and use as an illustration. *Technology Studies*, 2(2), 285-309.
4. Bierly, P. E., Kessler, E. H., & Christensen, E. W. (2000). Organizational learning, knowledge and wisdom. *Journal of Organizational Change Management*, 13(6), 595-618.
5. Boal, K. B., & Hooijberg, R. (2000). Strategic leadership research: Moving on. *The Leadership Quarterly*, 11(4), 515-549.
6. Brown, S. C., & Greene, J. A. (2006). The wisdom development scale: Translating the conceptual to the concrete. *Journal of College Student Development*, 47(1), 1-19.
7. Centobelli, P., Cerchione, R., & Esposito, E. (2018). Aligning enterprise knowledge and knowledge management systems to improve efficiency and effectiveness performance: A three-dimensional Fuzzy-based decision support system. *Expert Systems with Applications*, 91, 107-126.
8. Chen, S. Y. (2005). Evaluating the learning effectiveness of using web-based instruction: An individual differences approach. *International Journal of Information and Communication Technology Education (IJICTE)*, 1(1), 69-82.
9. Chin Tsai, C. H. (2009). A study of the correlations between the knowledge management and the administrative effectiveness of general affairs office in the elementary schools in Taoyuan County. (Master's Thesis) Kun Shan University, Taiwan.
10. Davari, A., & Rezazadeh, A. (2014). Structural equation modeling with PLS software. Tehran Jahad daneshgahi publisher, Tehran. )Persian).
11. Diamantopoulos, A., Sarstedt, M., Fuchs, C., Wilczynski, P., & Kaiser, S. (2012). Guidelines for choosing between multi-item and single-item scales for construct measurement: A predictive validity perspective. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 40(3), 434-449.
12. Ekmekçi, A. K., Teraman, S. B. S., & Acar, P. (2014). Wisdom and management: A conceptual study on wisdom management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 1199-1204.
13. Fey, C. F., & Denison, D. R. (2003). Organizational culture and effectiveness: Can American theory be applied in Russia? *Organization Science*, 14(6), 686-706.
14. Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
15. Gygax, M., & Fitzgerald, S. (2011). Enriching the positive organizational behavior framework with wisdom. *International Journal of Business Research*, 11(2), 23-41.
16. Hafezniya, M. R. (2003). Introduction to Research Methods in humanities. Samt publisher, Tehran.
17. Hammond, M. M., Lester, G., Clapp-Smith, R., & Palanski, M. (2017). Age diversity and leadership: enacting and developing leadership for all ages. In *The Palgrave Handbook of Age Diversity and Work* (pp. 737-759): Springer

18. Hercy, P., & Belanchard, K. (2001). *Organizational behavior management*. (A. Alagheband, translator). Tehran: Amir Kabir Publication.
19. Izak, M. (2013). The foolishness of wisdom: Towards an inclusive approach to wisdom in organization. *Scandinavian Journal of Management*, 29(1), 108-115.
20. Jennex, M. (2017). Re-examining the Jennex Olfman knowledge management success model. Paper presented at the Proceedings of the 50th Hawaii International Conference on system sciences.4375-4384. URI: <http://hdl.handle.net/10125/41691>.
21. Kitchener, K. S., & Brenner, H. G. (1990). 10 wisdom and reflective judgment: Knowing in the face of uncertainty. *Wisdom: Its nature, origins, and development*, 212-229
22. Lawson, Sh. (2003). "Examining the relationship between organizational culture and knowledge management". Dissertation, United States: International Nova South eastern University.
23. Lin, C., Wu, J. C., & Yen, D. C. (2012). Exploring barriers to knowledge flow at different knowledge management maturity stages. *Information & Management*, 49(1), 10-23.
24. Mansoori, V., Atghiya, N., Mokhtari, M., & Nazariyan, A. (2017). The relationship between knowledge management and organizational effectiveness in the staff of the Ministry of Sports and Youth, *Contemporary studies in Sport Management*, 6(11), 41-50. (Persian).
25. Marr, B., Gupta, O., Pike, S., & Roos, G. (2003). Intellectual capital and knowledge management effectiveness. *Management Decision*, 41(8), 771-781.
26. Meacham, J. A. (1983). *Wisdom and the context of knowledge: Knowing that one doesn't know*: D. Kuhn, J. A. Meacham (Eds.), on the development of developmental psychology (Vol. 8, pp. 111-134). New York: Karger Publishers.
27. Mitroff, I. I. (2016). *Wisdom: How the Leaders of Purpose-Driven Organizations Manage from Their Values*. In *Combatting Disruptive Change* (pp. 47-63): Springer.
28. Mosavi, M., Sarlak, M. A., Abasi, S., & Moradi, M. (2014). Measurement and evaluation of organizational and managerial wisdom at different levels of governmental organizations with an attitude toward philosophical dimensions. *Management Improvement*, 7(21), 141-154. (Persian).
29. Murtaza, G., Abbas, M., Raja, U., Roques, O., Khalid, A., & Mushtaq, R. (2016). Impact of Islamic work ethics on organizational citizenship behaviors and knowledge-sharing behaviors. *Journal of Business Ethics*, 133(2), 325-333.
30. Pinheiro, P., Raposo, M., & Hernández, R. (2012). Measuring organizational wisdom applying an innovative model of analysis. *Management Decision*, 50(8), 1465-1487.
31. Raesi, M., Hosseini, E., Talebpoor, M., & Nazari, V. (2014). The fit of regression equation of knowledge management and organizational effectiveness in Iran. *Selected Sport Organizations*, 5(4), 47-65. (Persian).
32. Rooney, D., & McKenna, B. (2008). Wisdom in public administration: Looking for a sociology of wise practice. *Public Administration Review*, 68(4), 709-721.
33. Sabharwal, A. (2019). The Transformative Role of Institutional Repositories in Academic Knowledge Management. In *Digital Curation: Breakthroughs in Research and Practice* (pp. 41-62): IGI Global.

34. Seyednaghavi, M. A., Narimani, M., & Gholam Hosseni. H. (2011). Culture and strategy and its influence on organizational effectiveness: Looking at knowledge management. *Vision of Public Administration*, 1(1), 9-24. (Persian).
35. Shahrokhi, F., Navidi, A., & SHoghi, B. (2016). The impact of organizational wisdom on the effectiveness of education staff in Markazi orovince. *Educational Management Innovations*, 11(1), 61-75. )Persian).
36. Shoghi, B., Zamanimoghdam, A., & Jafari, P. (2018). The effect of knowledge management on organizational wisdom based on the mediating role of emotional intelligence: A case study at Islamic Azad University, Tehran. *Journal of Research and Innovation in the Humanities*, 7(1), 155-186. )Persian).
37. Smith, T. A., Mills, A. M., & Dion, P. (2010). Linking business strategy and knowledge management capabilities for organizational effectiveness. *International Journal of Knowledge Management (IJKM)*, 6(3), 22-43.
38. Sternberg, R. J. (2003). WICS: A model of leadership in organizations. *Academy of Management Learning and Education*, 2(4), 386-401.
39. Vaill, P. B. (2007). *Interpersonal Relations in Organizations and the Emergence of Wisdom*. E. H. Kessler J. R. Bailey (Eds.) *Handbook of organizational and managerial wisdom*, 327.
40. Yang, S. (2011). Wisdom displayed through leadership: Exploring leadership related wisdom. *Leadership Quarterly*, 22, 616-632.

#### استناد به مقاله

صابری، علی،، گودرزی، صمد. (۱۳۹۸). تأثیر مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش میانجی خرد سازمانی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۶۸-۱۴۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5942.1477

saberi, A., Goodarzi, S. (2019). The Impact of Knowledge Management on the Effectiveness of the Ministry of Youth and Sports with Emphasis on the Role of Mediator Organizational Wisdom. *Research on Educational Sport*, 7(16): 149-68. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5942.1477

## مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران)

علیرضا حجی‌پور<sup>۱</sup>، مهرزاد حمیدی<sup>۲</sup>، سیدنصرالله سجادی<sup>۳</sup>، محمد خبیری<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران\*

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۳. استاد گروه مدیریت ورزشی دانشگاه تهران

۴. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران بود. روش پژوهش، همبستگی و ازلحاظ هدف، کاربردی بود. جامعه آماری این پژوهش تمام فوتبالیست‌های لیگ آزادگان کشور در فصل ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بودند. نمونه آماری ۲۲۳ بازیکن بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های اخلاق ورزشی و فرهنگ سازمانی استفاده شد که روایی آن‌ها به تأیید ۱۰ تن از اساتید رسید و پایایی آن به وسیله آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۹۴ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری با هدف بررسی روابط علی بین متغیرهای مشاهده شده استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین فرهنگ سازمانی و اخلاق ورزشی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تحلیل مسیر تأییدی حاکی از برازش ارتباط بین فرهنگ سازمانی و اخلاق ورزشی بود. تمامی بارهای عاملی بین مؤلفه‌ها و عوامل در سطح معقولی قرار داشتند و مدل از برازش مناسبی برخوردار بود و در نهایت مدل مفهومی پژوهش تأیید شد. براساس یافته‌ها، اخلاق ورزشی بیشتر توسط ادراک ارزشمندی و تأثیرپذیری مستقیم بازیکنان از تعاملات موجود در فوتبال و اطرافیان متأثر می‌شود که متولیان فوتبال کشور باید برای شناسایی کدهای اخلاق ورزشی در فوتبال، نوع فرهنگ سازمانی و عوامل مؤثر در انگیختگی بازیکنان تلاش کنند و از این طریق به توانمندسازی بازیکنان در جهت پاسخ‌گویی برآیند.

**واژگان کلیدی:** اخلاق ورزشی، فرهنگ سازمانی، ورزشکاران نخبه، لیگ فوتبال

## مقدمه

به طور سنتی، ورزش منادی رشد و تکامل منش بوده است و از همین رو، به صورت ذاتی با اخلاق عجین شده است (کاشف، ۱۳۸۰، ۳). اخلاق، سازه‌ی جداناپذیری از زندگی انسان است. فارغ از هر نژاد، فرهنگ، سیاست و طبقه اجتماعی، مسائل اخلاقی نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌کنند (یوسفی، شریفیان، قهرمان تبریزی و زرکی، ۱۳۹۵، ۲۶). در میان مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره، آنچه از همه بیشتر مورد بی‌مهری واقع شده است، بحث فرهنگی و اخلاقی ورزش است؛ موضوعی که در جوامع مختلف و از جمله جامعه خودمان کمتر به آن پرداخته شده است (حجی‌پور، ۱۳۹۶، ۵). شاید به جرات بتوان گفت که آنچه به یک رویداد ورزشی کوچک یا بزرگ زیبایی می‌بخشد، نمایش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی است (ندایی و علوی، ۱۳۸۷، ۱۸۹)؛ از این رو، در دنیای پیچیده و در حال تغییر امروز، بقای سازمان‌ها در گرو عوامل مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها داشتن فرهنگ سازمانی قوی است. فرهنگ سازمانی را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و ارزش‌های حاکم بر سازمان‌ها دانست. مطالعه‌های بسیاری نشان داده‌اند که سازمان‌های دارای پشتوانه قوی فرهنگی از اثربخشی بیشتری برخوردارند و از راهبردهای رقابتی کارآمدتری بهره‌مندند (قربانی، منوریان و شریفی، ۱۳۸۷، ۲). شاین<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در تعریف فرهنگ سازمانی بیان می‌کند که فرهنگ الگویی از مفروض‌های مشترکی است که گروه فرامی‌گیرد؛ به طوری که مشکلات انطباق‌پذیری خارجی و هماهنگی داخلی گروه را حل می‌کند و به سبب عملکرد و تأثیر مثبتش معتبر دانسته می‌شود. وی الگویی را برای فرهنگ سازمانی ارائه داده است که انسجام درونی و تطابق بیرونی مؤلفه‌های آن هستند (شاین، ۲۰۰۴، ۸۱). فرهنگ قوی به ایجاد احساس بهتر برای کارکنان و انجام بهتر کارها منجر می‌شود. فرهنگ قوی سازمان موجب افزایش تعهد افراد به سازمان و ایجاد همسویی میان اهداف کارکنان و اهداف سازمانی می‌شود و این عامل مؤثری در جهت افزایش بهره‌وری است. هم‌چنین سازمان‌هایی که رفتار اخلاقی دارند، شانس موفقیت بیشتری نسبت به سازمان‌هایی دارند که رفتارهای غیراخلاقی و غیرصادقانه دارند. موفق‌ترین سازمان‌ها دارای فرهنگی هستند که همسو با ارزش‌های قوی اخلاقی هستند (هسمر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، ۷۶). یکی از نتایج مهم وجود فرهنگ سازمانی قوی این است که جابه‌جایی کارکنان را به شدت کاهش می‌دهد (رضاییان، ۱۳۹۰، ۵۳). فرهنگ سازمانی قوی موجب می‌شود که افراد بدون اینکه پاداشی از سازمان دریافت کنند، فراتر از شرح شغل خود فعالیت کنند، وظیفه‌شناس و باوجدان باشند، نسبت به سازمان احساس مسئولیت کنند و با نوع دوستی در سازمان

---

1. Ethics  
2. Shine  
3. Hesmer

به افزایش کارایی و اثربخشی منجر شوند که در ورزش از آن به‌عنوان «اخلاق ورزشی» یاد می‌شود (رستگار، فتوت و آبدارزاده، ۱۳۹۳، ۶۰)؛ از این‌رو، ضروری است که در مورد متغیر اخلاق ورزشی توضیح‌های مختصری ارائه شوند. معادل واژه «اخلاق»، واژه «اتیکس» است که از ریشه یونانی اتوس<sup>۲</sup> مشتق شده است و به‌معنای «منش» است و واژه مورالیتی<sup>۳</sup> که از ریشه لاتینی «مورال»<sup>۴</sup> مشتق شده است و به‌معنای «عادت و رفتار» آمده است (محمدی و گل‌وردی، ۱۳۹۲)؛ بر این اساس، منش ورزشی را می‌توان مترادف با اخلاق ورزشی دانست (حجی‌پور، شریفیان و نورایی، ۱۳۹۱، ۱۱). اخلاق ورزشی در بردارنده این است که ورزشکار تمایل دارد چگونه و با چه پیش‌زمینه‌هایی در میداين ورزشی شرکت کند (والراند و لوزیر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴، ۲۳۱)؛ با این وجود، تا به امروز سه دیدگاه نظری برای درک هرچه بهتر گرایش به منش ورزشی وجود دارند. اولین دیدگاه نظریه شناختی - اجتماعی بندورا (۱۹۸۶) است که بیان می‌کند الگوها و تشویق‌های ارائه‌شده تعیین‌کننده باورهای افراد ورزشکار درباره رفتارهای بهنجار و نابهنجار در محیط‌های ورزشی هستند. هان<sup>۶</sup> (۱۹۸۳) رویکرد دیگر را ارائه کرد که مضامینی از مدل رشدی - ساختاری به‌ویژه ظرفیت شخص را در پذیرش توافقی‌های انجام‌شده در مسائل اخلاقی را در برمی‌گیرد. والراند و لوزیر (۱۹۹۴) دیدگاه روانی - اجتماعی را که سومین دیدگاه نظری درباره اخلاق ورزشی است، ارائه کرده‌اند. همچنین، عوامل مؤثر در اخلاق ورزشی عبارت‌اند از: احترام به قوانین و مقررات، احترام به مسئولان، احترام به حریفان، احترام به تصمیم داوران، عکس‌العمل در برابر اشتباه‌ها و تفکر بردگرایی (حجی‌پور، ۱۳۹۱، ۵۸۵). نخبه در کلی‌ترین مفهوم آن به گروهی از اشخاص گفته می‌شود که در هر جامعه‌ای مواضع رفیع را در اختیار دارند. به بیان جزئی‌تر، نخبه مشتمل بر گروهی از افراد است که در رشته‌ای خاص برتری دارند. معمولاً نخبگان ورزشی دربرگیرنده تمام ورزشکارانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فردند یا دارای استعداد و قابلیت‌هایی عالی در زمینه رشته ورزشی هستند (اقدسی، ۱۳۷۱، ۱۰). رابینز<sup>۷</sup> معتقد است که در یک سازمان، فرهنگ نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کند: مرز سازمانی است؛ یعنی سازمان‌ها را از هم تفکیک می‌کند؛ نوعی احساس هویت به پیکره اعضا تزریق می‌کند؛ باعث می‌شود که در افراد نوعی تعهد نسبت به چیزی به وجود آید که فراتر از منافع شخصی فرد است؛ از نظر اجتماعی، نوعی برچسب به حساب می‌آید که می‌تواند از طریق ارائه استانداردهای مناسب (در رابطه با آنچه باید اعضای سازمان بگویند یا انجام دهند) اجزای سازمان

- 
1. Ethics
  2. Ethos
  3. Morality
  4. Moral
  5. Vallerand & Losier
  6. Hun
  7. Robbins



را به هم متصل می‌کند و سرانجام، یک عامل کنترل به حساب می‌آید که موجب به وجود آمدن یا شکل دادن به نگرش‌ها و رفتار کارکنان می‌شود (رابینز، ۲۰۰۲، ۹۳). فرهنگ سازمانی که محصول فرعی فرهنگ اجتماعی است، به نوبه خود بر ارزش‌ها، اخلاق، نگرش‌ها، پیش‌فرض‌ها و انتظارات فرد اثر می‌گذارد و در رفتار وی جلوه‌گر می‌شود (کریتنر و کینیکی، ۲۰۰۳، ۴۸). شجیع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱) ایدئولوژی اخلاقی دانشجویان ورزشکار حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را با یکدیگر مقایسه کردند و دریافتند که حضور در میادین ورزش حرفه‌ای می‌تواند بر ایدئولوژی اخلاقی دانشجویان تأثیرگذار باشد (شجیع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری، ۱۳۹۱، ۲۹). رحیمی و آقابابایی (۱۳۹۲) بیان کردند که فرهنگ سازمانی بر رفتار فردی، عملکرد سازمانی، انگیزه شغلی، خلاقیت و نوآوری، تعهد و اخلاق حرفه‌ای تأثیر می‌گذارد (رحیمی و آقابابایی، ۱۳۹۲، ۶۲). درباره موضوع فرهنگ سازمان‌های ورزشی، قربانی، اسدی، گودرزی و شفيعی (۱۳۸۶)، مدل فرهنگ سازمانی دنیسون را در سطح سازمان تربیت‌بدنی به کار گرفتند و با سازمان‌های جهانی دیگر مقایسه کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که سازمان تربیت‌بدنی دارای فرهنگ سازمانی متوسط است که هم از ویژگی ثبات و تمرکز داخلی و هم از ویژگی انعطاف و تمرکز خارجی در سطحی متوسط برخوردار بود. با توجه به یافته‌های مطالعه قربانی و همکاران، سازمان‌های صفی و ستادی کشور فرهنگ سازمانی متوسط (و نه ایده‌آلی) دارند (قربانی، اسدی، گودرزی و شفيعی، ۱۳۸۶، ۳۴). یوسفی، شریفیان و قهرمان تبریزی (۱۳۹۲، ۲) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی عملکرد مربیان ورزشی در ترویج اخلاق ورزشی در ورزشکاران تیم‌های پایه» به این نتیجه رسیدند از آنجایی که مربیان در ارتباط مداوم با ورزشکاران هستند، باید سعی کنند ارزش‌های ورزشی را فقط در برد خلاصه نکنند و چنین تفکری را در ورزشکاران خود پرورش دهند که هدف از شرکت در ورزش فقط برد نیست و در ترویج مؤلفه‌هایی همچون تعهد ورزشی و مسئولیت‌های اجتماعی تلاش بیشتری کنند. شجیع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱، ۲۹) تأثیر ایدئولوژی بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران بر تصمیم‌گیری اخلاقی آنان را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی اخلاقی بازیکنان تأثیر معناداری بر تبیین واریانس تصمیم‌گیری اخلاقی بازیکنان دارد و خرده‌مقیاس ایده‌آل‌گرایی نقش بارزتری در این خصوص ایفا می‌کند؛ از این رو، نقش مربیان و مدیریت باشگاه‌ها بسیار با اهمیت است و بهبود شناخت و آگاهی‌های اخلاقی بازیکنان ممکن است بتواند مسئله اخلاق را در فوتبال ایران برای همیشه، از درون و نه از طریق اجبارهای قانونی، حل کند. برخی مانند ادگار شاین فرهنگ را الگویی از مفروض‌های بنیادین می‌دانند که در اثر اندوختن، از دشواری‌های سازگاری بیرونی و یکپارچگی درونی از سوی گروهی معین، آفریده، کشف یا پرورده شده است. پذیرفته‌شده‌ترین تعریف از فرهنگ سازمانی عبارت است از الگویی از ارزش‌ها و

باورهای مشترک که به افراد در درک کارکردهای سازمانی کمک می‌کند و هنجارهایی برای رفتار در سازمان برای افراد فراهم می‌کند (بیگلیاردی، دورمیو و گلاتی، ۲۰۱۲، ۳۹)؛ بنابراین، برای شناخت سازمان، بررسی رفتار و عملکرد اعضای یک سازمان و انجام هرگونه اقدام جدیدی در سازمان، آگاهی از فرهنگ سازمانی گامی بنیادی و مهم به حساب می‌آید (قیومی، مظفری و محمدپناه، ۱۳۹۳، ۳۷). پژوهشی دیگر نشان داد که ارزش‌های فرهنگی سازمان شامل احترام به فرد، نوآوری، ثبات و تهاجم با تعهد عاطفی، رضایت شغلی و تسهیم اطلاعات رابطه‌ای قوی دارند (جوهری کامل و کوثرنشان، ۱۳۸۸، ۲۱). نتایج پژوهش شهزاد، لقمان، خان و شابییر (۲۰۱۲) نشان داد که اگر کارکنان متعهد باشند و هنجارها و ارزش‌های مشابه سازمانی داشته باشند، می‌توانند عملکرد سازمانی را در جهت دستیابی به اهداف کلی سازمان افزایش دهند (شهزاد، لقمان، خان و شابییر، ۹۷۸). به عقیده جورج اورول متفکر توانای انگلستان، ذات ورزش نوین بیان می‌کند که ورزش نوین هیچ نشانی از بازی جوانمردانه و منصفانه ندارد. همچنین، ورزش نوین به عداوت، حسادت و فخرفروشی، بدون در نظر گرفتن هیچ‌یک از قوانین محدود می‌شود و دربردارنده نوعی لذت سادیستی از تماشای خشونت است. (یوسفی، شریفیان و قهرمان تبریزی، ۱۳۹۲، ۲). حسینی و عباسی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که به‌کارگیری ورزشکاران مقید به رعایت اخلاق و قانون در باشگاه‌های فوتبال، آموزش عملی اخلاق ورزشی توسط مربیان فوتبال و ورزشکاران این رشته ورزشی که مقید و پای‌بند به رعایت اخلاق و قانون هستند و در نهایت، تدوین منشور اخلاق ورزشی برای باشگاه‌ها، از جمله راهکارهای نهادینه‌کردن اخلاق ورزشی در فوتبال هستند (حسینی و عباسی، ۱۳۹۱، ۱۵۵). یافته‌های پژوهش شجاع، کوزه چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱) نشان داد که بهبود شناخت و آگاهی‌های اخلاقی بازیکنان ممکن است بتواند مسئله اخلاق را در فوتبال ایران برای همیشه از درون و نه از طریق اجبارهای قانونی حل کند که در این بین نقش مربیان و مدیریت باشگاه‌ها بسیار بااهمیت است (شجاع، کوزه چیان، احسانی و امیری، ۱۳۹۱، ۳۷). راوی<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «دفاع از ارزش‌ها و نیاز به اخلاق در ورزش: فرصتی برای ترویج فرهنگ ورزش» به این نتیجه رسید که اخلاق ورزشی به‌عنوان یک بخش از رویداد ورزشی بر ارزش‌های سنتی هند تأکید دارد که اخلاق در هر بخش از زندگی برجسته است. امروزه، می‌بینیم میدان‌های مقدس ورزش آلوده به آفت‌هایی شده‌اند که بیشتر ماهیت ضداخلاقی دارند؛ یعنی همان آفت‌هایی که ورزش داعیه مبارزه با آن‌ها را دارد؛ آفت‌هایی همچون رقابت غیرسالم، غیرجوانمردانه و برخلاف قوانین و مقررات. بازی جوانمردانه که امروز شعار محافل ورزشی است، آنچنان که باید بعضی از ورزشکاران، مربیان و حتی مدیران و دست‌اندرکاران آن را رعایت

- 
1. Bigliardi, Dormio & Galati
  2. George ovule
  3. Ravee

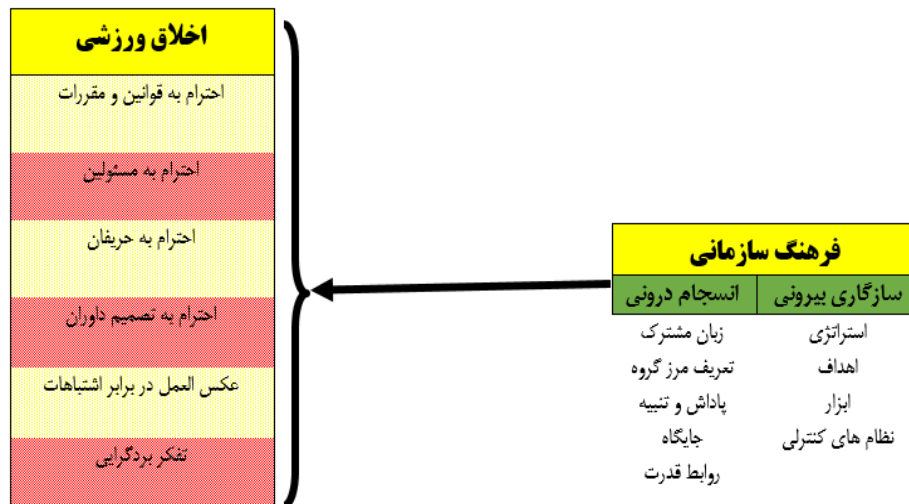
نمی‌کنند و استفاده از داروها و مواد محرک، تسهیل‌کننده و نیروزا که بسیاری از آن‌ها برای سلامتی تن و روان مضر هستند، در سطوح مختلف سنی و ورزشی در حال گسترش هستند (خیری، اسدی، فراهانی و گودرزی، ۱۳۹۱، ۳). در جامعه ورزش، مسئله اخلاق ورزشی در ورزش کشور به عنوان امری ضروری مطرح است و مشکلات اخلاقی شماری از ورزشکاران در نزد مدیران ورزش کشور به یکی از معضلات فرهنگی تبدیل شده است (خدایی، ۲۰۰۶، به نقل از حجی‌پور، ۱۳۹۱، ۳۸۷). براساس مطالعه جامعی که پژوهشگر در این حوزه انجام داد، به پژوهشی که مشابه یا نزدیک موضوع مطالعه حاضر باشد، برخورد نکرد؛ بنابراین، خلأ پژوهشی در این حوزه کاملاً روشن است که این دلیل محکمی بر ضرورت و اهمیت اجرای این پژوهش و پژوهش‌هایی از این قبیل در ایران است. در کشورمان، رشد سجایای اخلاقی و رعایت موازین آن مورد تأکید مسئولان است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، پرداختن به این سؤال که فوتبالیست‌ها از نظر رعایت موازین اخلاقی در چه موقعیت و از نظر فرهنگ سازمانی در چه سطحی می‌باشند، بسیار اهمیت دارد (خبیری، ۱۳۸۱، ۶). در چند دهه اخیر، از پژوهش‌هایی که در زمینه اخلاق ورزشی انجام شده‌اند، نتایج بسیار جالب توجه و در عین حال غیرمنتظره‌ای به دست آمده است. احترام به قوانین، حریفان، داوران و تماشاگران، به همراه گذشت، بردباری، جوانمردی، نداشتن خشونت و تهاجم، به کارنبردن الفاظ زشت، استفاده نکردن از داروهای نیروزا (دوپینگ) و مسائلی از این قبیل، از آن جمله هستند (ندایی و علوی، ۱۳۸۷، ۱۹۰)؛ البته نتایج پژوهش‌های مختلف همگی یکسان نیستند؛ به عنوان مثال، در پژوهشی که اخیراً انجام شد، از مجموع ۸۰۳ جوان ورزشکار، نزدیک به ۱۰ درصد به تقلب خود اعتراف کردند، ۱۳ درصد تلاش کردند به حریف خود آسیب برسانند، ۳۱ درصد تصدیق کردند که با مقامات و مسئولان رسمی مشاجره کرده‌اند، ۱۳ درصد اذعان کردند که هم‌تیمی کمتر ماهر خود را مسخره کرده‌اند و ۲۷ درصد نیز بر رفتار غیرورزشی (غیراخلاقی) خود صحنه گذاشتند (شیلدز و بردمایر، ۲۰۰۶، ۳). در مدل ورزش قهرمانی و حرفه‌ای که امروزه به صنعت ورزش تبدیل شده است، همانند مکتب مرکانتیلیسم اصالت بر منفعت و سود بیشتر است. با توجه به حاکم‌بودن فلسفه برد (برد به معنای همه چیز) یا ایده آل افلاطونی که در آن ورزشکار و تیم برنده ستایش می‌شوند، غایت در این مدل قهرمان‌شدن است و نه چیز دیگر. در این راه، همانند سیاست ماکیاوولی هنگامی که هدف وسیله را توجیه می‌کند، اخلاق جایگاهی ندارد و صرفاً از اخلاق حرفه‌ای یاد می‌شود که نگاه آن تنها به زمین بازی خلاصه می‌شود و این دیدگاه در تضاد با قرآن است (خدایی، ۱۳۸۵، به نقل از حجی‌پور، شریفیان و نورایی، ۱۳۹۱، ۳۸۶). امروزه، در حالی که حاشیه‌ها و فساد اخلاقی موجود در فوتبال به چالشی همه‌گیر در سراسر دنیا تبدیل شده‌اند،

بسیاری از کودکان، نوجوانان و جوانان شاهد رسوایی و رفتارهای غیراخلاقی الگوهای اجتماعی خود هستند و این امر می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه به دنبال داشته باشد. برپایه نظر متخصصان، هر رفتار پیامدهایی به دنبال دارد و جوانان در فرهنگی متأثر از رسانه‌ها بزرگ می‌شوند؛ جایی که می‌بینند دروغ، بی‌حرمتی، رفتارهای زشت و ناپسند توسط ورزشکاران، مربیان و سایر افراد درگیر در ورزش موردعلاقه‌شان عادی می‌شود و اخلاق مانع پیشرفت در محیط‌های حرفه‌ای محسوب می‌شود (شجیع، ۱۳۹۳، ۱۸۹). فوتبال ایران نیز به‌طور گسترده‌ای با پدیده بی‌اخلاقی و پیامدهای آن روبه‌رو است. از برخوردهای زنده بازیکنان با یکدیگر در مقابل چشم مردم و ده‌ها دوربین تلویزیونی گرفته تا بیانیه‌های زنده مربیان سرشناس علیه یکدیگر، فحاشی تماشاچیان ناراضی به داوران، ورزشکاران و مربیان، همه‌وهمه نشان‌دهنده وضعیتی هستند که از دیدگاه برخی از کارشناسان فوتبال ایران «بحران» نامیده می‌شود. در هر پدیده پول‌ساز و تجاری‌ای مانند فوتبال که تأمین‌کننده منافع بسیاری از افراد و ابزار قدرت است، ایجاد و بروز مسائل ساده و پیچیده اخلاقی در آن طبیعی و قابل پیش‌بینی است؛ اما نحوه روبرویی و کنترل آن‌ها امری است که به چالشی فراگیر در وضعیت کنونی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، یک تصمیم اشتباه یا غیراخلاقی می‌تواند زمینه ایجاد چندین مسئله جدید و درنهایت، چرخه‌ای تصاعدی از مسائل اخلاقی گوناگون را فراهم کند (شجیع، کوزه چیان، احسانی و امیری، ۱۳۹۳، ۲). رقابت، به‌ویژه در فوتبال ممکن است رفتارهای غیراخلاقی یا ضد اجتماعی را تقویت کند. چنین مواردی مانند پرخاشگری و توهین به رقیب یا داور به‌طور مکرر در رسانه‌ها نیز قابل مشاهده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که برای درک بهتر ارتباط ورزش رقابتی با توسعه رفتارهای اخلاقی در محیط‌های ورزشی، انجام پژوهش‌های بیشتری لازم است (میلر و همکاران، ۲۰۰۴، ۱۹۴). اینکه مدیران ورزشی آینده باید درباره فرهنگ و اخلاق ورزشی مطالعه کنند، امری قطعی است و این علم، دیگر موضوعی کم‌ارزش، نامربوط یا درعمل بسیار دشوار نخواهد بود. در دنیا، پژوهش‌های نسبتاً خوبی در زمینه بررسی رفتار، فرهنگ و اخلاق ورزشکاران با عناوینی همچون روحیه ورزشی، بازی جوانمردانه، اخلاق ورزشی و اخلاق در ورزش انجام شده‌اند؛ با این وجود، هنوز پژوهش‌های بسیار بیشتری در زمینه بررسی ویژگی‌های اخلاقی، فرهنگی و رفتاری ورزشکاران از دیدگاه‌های مختلف و در سطوح متفاوت لازم است انجام شوند تا بتوان به نتایجی دقیق‌تر و نسخه‌ای کارآمدتر در مورد این ویژگی‌ها رسید (حجی‌پور، ۱۳۹۶، ۷). اعمال اخلاقی و غیراخلاقی در فوتبال ملت‌ها و به‌ویژه در کشور ما گاهی اوقات اتفاق می‌افتند و این اعمال که از سوی بازیکنان، مربیان، تماشاگران و غیره انجام می‌شوند، به‌نوعی متفاوت هستند... صرفاً در زمینه اخلاق ورزشی و فرهنگ سازمانی به‌صورت جداگانه پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند و پژوهشگران به نتایجی نیز دست یافته‌اند؛ اما با بررسی‌های انجام‌شده درباره مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران به‌ویژه

در فوتبال، پژوهشگر مطالعه‌ای مشابه با این موضوع را مشاهده نکرد؛ از این رو، با توجه به اینکه کشور ما فوتبال حرفه‌ای دارد و از فوتبال‌لیست‌های نخبه برخوردار است، ضرورت الگو و مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران به عنوان برند اخلاقی- فرهنگی در ورزش و فوتبال، وجود دارد تا در کشور استفاده شود. به نظر می‌رسد که این پژوهش می‌تواند به کشور و به خصوص فوتبال ما کمک کند.

### مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش، متغیر فرهنگ سازمانی، متغیر مستقل و اخلاق ورزشی، متغیر وابسته در نظر گرفته شد. ادگار شاین برای فرهنگ سازمانی مدلی ارائه کرده است که شامل این موارد است: الف- سازگاری بیرونی: شامل رسالت و استراتژی، اهداف ابزار و نظام‌های کنترل است؛ ب- انسجام درونی: شامل زبان مشترک، تعریف مرز گروه، پاداش و تنبیه‌ها، جایگاه و روابط قدرت است (شاین، ۲۰۰۴، ۸۱). همچنین، اعرابی و رحیم‌زاده (۱۳۸۶) پژوهش خود را با همین ابعاد انجام داده‌اند (اعرابی و رحیم‌زاده، ۱۳۸۶، ۲۸). دیدگاه روانی- اجتماعی<sup>۱</sup> والراند و لوزیر (۱۹۹۴) یک مدل مفهومی اخلاق ورزشی مشتمل بر احترام و اهمیت به قوانین، مسئولان، حریفان، داوران، عکس‌العمل در برابر اشتباه‌ها و تفکربردگرای است (والراند و لوزیر، ۱۹۹۴، ۲۳۲). در مطالعه حجی‌پور، شریفیان و نورایی (۱۳۹۱)، این ابعاد نیز برای اخلاق ورزشی بررسی شده‌اند (حجی‌پور، شریفیان و نورایی، ۱۳۹۱، ۳۸۸). در خصوص رابطه این دو متغیر، رحیمی و آقابابایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «رابطه فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای: اعضای هیئت‌علمی دانشگاه کاشان» به این نتیجه رسید که فرهنگ سازمانی بر اخلاق حرفه‌ای تأثیر می‌گذارد (رحیمی و آقابابایی، ۱۳۹۲، ۶۱). همچنین، نتایج پژوهش شریف‌زاده و کاظمی (۱۳۹۲) با عنوان «تأثیر فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای بر اثربخشی سازمان» نشان داد که بین فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (شریف‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۲، ۶۲). بر مبنای نظرهای ذکر شده و ارتباط این دو متغیر، تاکنون مدلی که نشانگر این رابطه باشد، مشاهده نشده است؛ بنابراین، شکل شماره یک به عنوان مدل مفهومی پژوهش طراحی شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، از نوع کاربردی و به‌لحاظ روش، از نوع توصیفی-همبستگی است که از عمده‌ترین مزایای آن قابلیت تعمیم نتایج است. از حیث ارتباط بین متغیرهای پژوهش، پژوهش از نوع علی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسش‌نامه استفاده شد. با توجه به جدول شماره یک، پرسش‌نامه اول، پرسش‌نامه اخلاق ورزشی<sup>۱</sup> والراند، بریر، بلانچارد، پروونچر<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) است که شامل ۲۵ پرسش است و دربردارنده مؤلفه‌های احترام و اهمیت به قوانین و مسئولان، احترام و اهمیت به حریفان، احترام به تصمیم داور، عکس‌العمل در برابر اشتباه‌ها و برد به هر قیمت است. این پرسش‌نامه با مقیاس لیکرتی پنج‌رتبه‌ای که با امتیاز یک برای عبارت «اصلاً با من ارتباطی ندارد» تا امتیاز پنج برای عبارت «کاملاً با من ارتباط دارد» امتیازگذاری شد. تنها پرسش‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۵؛ یعنی سؤال‌هایی که بر مفهوم موردنظر دلالت می‌کنند، به‌طور معکوس امتیازگذاری شدند تا با امتیازگذاری سایر مفاهیم هم‌جهت شوند. پرسش‌نامه دوم، پرسش‌نامه فرهنگ سازمانی<sup>۳</sup> اعرابی و رحیم‌زاده (۲۰۰۷) است که برحسب مدل ادگار شاین طراحی شده است و با توجه به جامعه آماری در ورزش بومی‌سازی شده است و دارای ۲۱ سؤال است. براساس جدول شماره یک، فرهنگ سازمانی شامل ابعاد سازگاری بیرونی (رسالت و استراتژی، اهداف، ابزار و نظام‌های کنترل) و انسجام درونی (زبان

1. Multidimensional Sportmanship Orientations Scale (MSOS)

2. Vallerand, Brière, Provencher

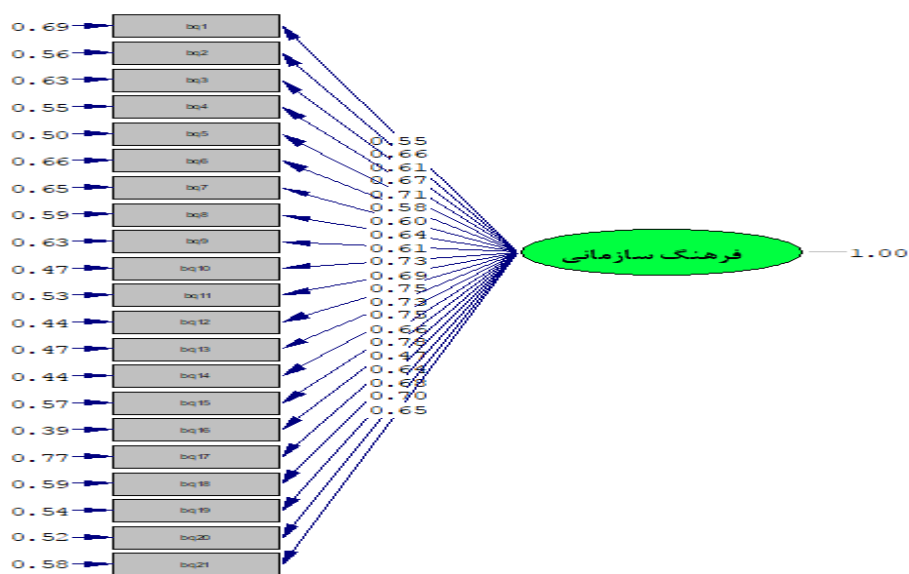
3. Organizational Culture Assessment Intrusment (OCAI)

مشترک، تعریف مرز گروه، پاداش و تنبیه‌ها، جایگاه و روابط قدرت) است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت انجام شده است. روایی صوری و محتوایی با نظر ۱۰ تن از اساتید و اعضای هیئت‌علمی گرایش مدیریت ورزشی دانشگاه تعیین و تأیید شد. برای تعیین روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد که با توجه به شکل شماره دو، در پرسش‌نامه فرهنگ سازمانی تمامی بارهای عاملی مربوط به گویه‌ها بالای ۰/۵ بودند که نشان می‌دهد مدل پژوهش از روایی سازه برخوردار است و شاخص‌های نیکویی برازش تناسب کامل الگو با داده‌های مشاهده‌شده را تأیید می‌کنند. براساس شکل شماره سه، در پرسش‌نامه اخلاق ورزشی تمامی بارهای عاملی مربوط به گویه‌ها بالای ۰/۵ بودند؛ به جز سؤال‌های ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۹، ۲۰ و ۲۵ که به علت داشتن بار عاملی ضعیف از مجموعه سؤال‌ها حذف شدند. پایایی پرسش‌نامه‌ها به وسیله آزمون آلفای کرونباخ برای اخلاق ورزشی برابر با ۰/۸۸ و برای فرهنگ سازمانی برابر با ۰/۹۴ محاسبه شد. تمام بازیکنان فوتبال لیگ یک (آزادگان) کشور در فصل ۹۶-۱۳۹۵، جامعه آماری پژوهش بودند که ۴۳۲ فوتبالیست بودند. با توجه به روش آماری پژوهش، تعداد سؤال‌های دو ابزار (۴۰ سؤال) و برای اطمینان از بازگشت تعداد مناسب پرسش‌نامه، تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه از هر دو ابزار، میان بازیکنان باشگاه‌های حاضر در لیگ یک کشور فصل ۹۶-۱۳۹۵، به صورت تصادفی توزیع شدند. طبق جدول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰)، نمونه آماری برابر با ۲۰۳ تعیین شد و در نهایت، ۲۲۳ پرسش‌نامه قابل بررسی بودند و تجزیه و تحلیل شدند. برای تحلیل طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> و برای تحلیل داده‌ها با هدف بررسی روابط علی بین متغیرهای مشاهده‌شده (مستقل) و مکنون (وابسته)، از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل<sup>۲</sup> استفاده شد. از آزمون ضریب همبستگی پیرسون<sup>۳</sup> برای تعیین ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش و سپس، از طریق تحلیل مسیر، رابطه علی میان آن‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس.<sup>۴</sup> و لیزرل<sup>۲</sup> بررسی شد.

- 
1. Kolmogorov-Smirnov test
  2. Lisrel
  3. Pearson Correlation Coefficient
  4. Statistical Package for Social Science (SPSS)
  5. Linear Structural Relations (Lisrel)

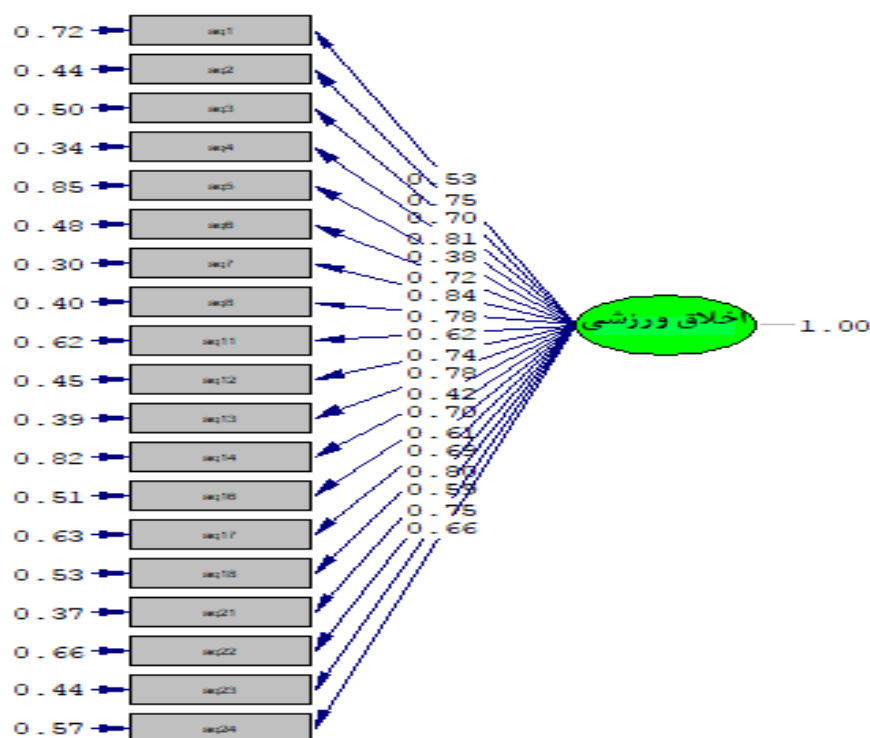
جدول ۱- سنجه‌های مربوط به زیرمؤلفه‌های پرسش‌نامه‌ها

پرسش‌نامه	تعداد گویه	سؤال‌های زیرمؤلفه‌ها
اخلاق ورزشی	۲۵	احترام به قوانین احترام به مسئولان احترام به حریف احترام به داور برخورد با اشتباه‌ها تفکر بردگرایی
فرهنگ سازمانی	۲۱	سازگاری بیرونی (سطحی) انسجام درونی (عمقی)



شکل ۲- تحلیل عاملی پرسش‌نامه فرهنگ سازمانی





شکل ۳- تحلیل عاملی پرسش‌نامه اخلاق ورزشی

### نتایج

بررسی وضعیت تأهل نمونه‌های پژوهش نشان داد که بیشتر جامعه مورد مطالعه؛ یعنی ۶۱ درصد (۱۳۶ نفر) مجرد و ۳۹ درصد (۸۷ نفر) متأهل بودند. براساس جدول شماره دو، درمیان گروه‌های سنی، افراد ۲۵-۳۰ سال بیشترین فراوانی را داشتند. از نظر تحصیلات، چهار درصد از ورزشکاران مدرک تحصیلی متوسطه به پایین و ۴۸/۹ درصد دیپلم و ۳۸/۶ درصد کاردانی و ۸/۵ درصد مدرک کارشناسی داشتند. بررسی شغلی ورزشکاران نخبه نشان داد که به لحاظ شغلی، ۶/۷ درصد دانشجوی بودند، ۳۱/۸ درصد شغل آزاد داشتند، ۴۲/۶ درصد ورزشکار بودند و ۱۸/۸ درصد سایر مشاغل را داشتند.

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ورزشکاران نخبه

ردیف	طبقه سنی ورزشکاران		تحصیلات ورزشکاران		وضعیت شغلی ورزشکاران	
	گروه سنی	فراوانی درصد	سطح تحصیلات	فراوانی درصد	عنوان شغل	فراوانی درصد
۱	زیر ۲۰ سال	۱۸	متوسطه به پایین	۹	دانشجو	۱۵
۲	۲۵-۲۰	۶۱	دیپلم	۱۰۹	آزاد	۷۱
۳	۳۰-۲۵	۹۱	کاردانی	۸۶	ورزشکار	۹۵
۴	۳۵-۳۰	۴۹	کارشناسی	۱۹	سایر مشاغل	۴۲
۵	بالتر از ۳۵	۴	-	-	-	-
	جمع کل	۲۲۳	جمع کل	۲۲۳		۲۲۳

جدول شماره سه نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف را برای وضعیت توزیع داده‌ها نشان می‌دهد. براساس این جدول، در تمامی متغیرهای پژوهش مقدار پی کمتر از ۰/۰۵ است؛ بدان‌معناکه فرض طبیعی نبودن توزیع داده‌ها رد می‌شود و داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردارند.

جدول ۳- نتیجه آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

مؤلفه	Z کلموگروف-اسمیرنوف	مقدار پی
احترام به قوانین	۱/۰۷	۰/۱۳
احترام به مسئولان	۰/۹۵	۰/۱۷
احترام به حریف	۱/۱۹	۰/۱۱
احترام به داور	۰/۶۸	۰/۳۵
برخورد با اشتباه‌ها	۱/۲۲	۰/۰۹
تفکر بردگرایی	۱/۱۸	۰/۱۴
سازگاری بیرونی	۰/۸۹	۰/۳۹
سازگاری درونی	۱/۲۳	۰/۰۹

برای بررسی وضعیت اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. مطالعه جدول شماره چهار مشخص می‌کند که بین میانگین تمامی مؤلفه‌های اخلاق ورزشی و میانگین فرضی

سه تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که میانگین اخلاق ورزشی بالاتر از میانگین فرضی است؛ بدان معناکه اخلاق ورزشی در شرایط نسبتاً خوب و مطلوبی قرار دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در سنجش سؤال اول

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا	معناداری
مؤلفه اخلاق ورزشی	۴/۲۶	۰/۷۶	۲۴/۷۸	۲۲۲	۱/۲۶	۱/۱۶	۱/۳۶	۰/۰۰۱
	۳/۴۱	۰/۹۰	۶/۹۱	۲۲۲	۰/۴۱	۰/۲۹	۰/۵۳	۰/۰۰۱
	۳/۸۷	۰/۶۹	۱۸/۷۷	۲۲۲	۰/۸۷	۰/۷۸	۰/۹۶	۰/۰۰۱
	۴/۰۴	۰/۸۸	۱۷/۸۰	۲۲۲	۱/۰۴	۰/۹۳	۱/۱۶	۰/۰۰۱
	۳/۵۰	۰/۷۶	۹/۸۶	۲۲۲	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۰۰۱
	۴/۱۲	۰/۶۸	۲۴/۴۲	۲۲۲	۱/۱۲	۱/۰۳	۱/۲۱	۰/۰۰۱
	۳/۸۴	۰/۵۵	۲۲/۷۲	۲۲۲	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۹۲	۰/۰۰۱
مؤلفه سازگاری بیرونی	۳/۶۰	۰/۶۸	۱۳/۱۲	۲۲۲	۰/۶۰	۰/۵۱	۰/۶۹	۰/۰۰۱
	۳/۵۴	۰/۷۴	۱۰/۷۷	۲۲۲	۰/۵۴	۰/۴۴	۰/۶۳	۰/۰۰۱
مؤلفه سازگاری درونی	۳/۵۷	۰/۶۸	۱۲/۵۹	۲۲۲	۰/۵۷	۰/۴۸	۰/۶۶	۰/۰۰۱
	(مجموع)							

طبق جدول شماره پنج، بین تمامی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی و اخلاق ورزشی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ براین اساس، بین سازگاری بیرونی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباه‌ها، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین، بین سازگاری درونی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباه‌ها، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. در نهایت، بین فرهنگ سازمانی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباه‌ها، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی پیرسون در خصوص ارتباط مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی و اخلاق ورزشی

مؤلفه	ضریب	احترام به قوانین	احترام به مسئولان	احترام به حریف	احترام به داور	برخورد با اشتباه‌ها	تفکر بردگرایی	اخلاق ورزشی
سازگاری بیرونی	همبستگی پیرسون معناداری	۰/۲۳ *۰/۰۰۱	۰/۳۴ *۰/۰۰۱	۰/۳۰ *۰/۰۰۱	۰/۲۵ *۰/۰۰۱	۰/۲۹ *۰/۰۰۱	۰/۳۵ *۰/۰۰۱	۰/۴۰ *۰/۰۰۱
سازگاری درونی	همبستگی پیرسون معناداری	۰/۱۹ *۰/۰۰۵	۰/۳۵ *۰/۰۰۱	۰/۲۵ *۰/۰۰۱	۰/۲۵ *۰/۰۰۱	۰/۳۵ *۰/۰۰۱	۰/۳۳ *۰/۰۰۱	۰/۳۸ *۰/۰۰۱
فرهنگ سازمانی	همبستگی پیرسون معناداری	۰/۲۲ *۰/۰۰۱	۰/۳۶ *۰/۰۰۱	۰/۲۹ *۰/۰۰۱	۰/۲۶ *۰/۰۰۱	۰/۳۴ *۰/۰۰۱	۰/۳۶ *۰/۰۰۱	۰/۴۱ *۰/۰۰۱

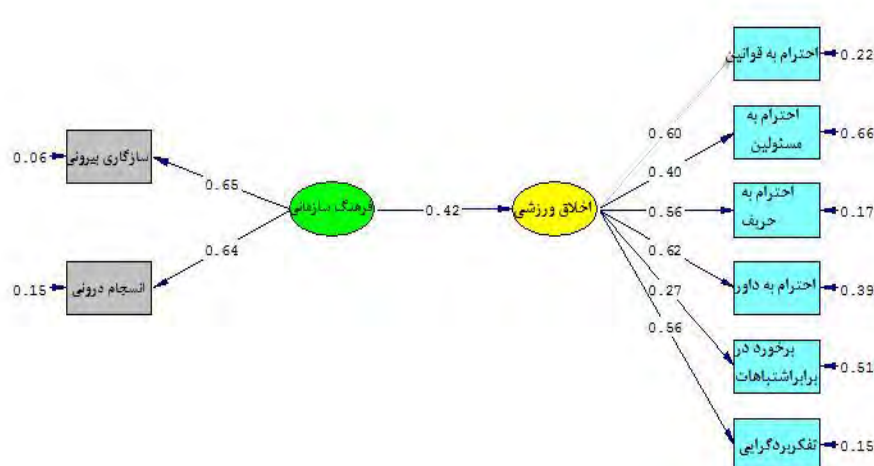
برای برازش رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران، از تحلیل مسیر تأییدی (مدل ساختاری) استفاده شد؛ براین اساس، جدول شماره شش نتایج برازش ارتباط ذکر شده را نشان می‌دهد. با توجه به جدول، همه شاخص‌های مدل به خوبی برازش شده‌اند. برازندگی نرم‌نرم شده مدل را از جهت مقایسه بین مقادیر کای اسکوتر مدل مستقل و کای اسکوتر مدل اشباع شده ارزیابی می‌کند. دامنه پذیرش این مدل مقادیر بالای ۰/۹۰ هستند. برازندگی تعدیل یافته شاخص برازش مقایسه‌ای بتلر (برازندگی تعدیل یافته) نامیده می‌شود که یکی از پرکاربردترین و مناسب‌ترین شاخص‌های تفسیری در زمینه تأیید برازش خوب یا ضعیف مدل است. این شاخص برازش مدل موجود را با مدل مستقل مقایسه می‌کند و یکی از مزیت‌های شاخص، حساسیت نداشتن آن به میزان حجم نمونه است. دامنه پذیرش این شاخص بین ۰/۹۰ تا یک است. نیکویی برازش تعدیل شده علاوه بر اینکه نسبت واریانس بازتولید شده را به کمک برآورد مقدار کوواریانس مشاهده شده محاسبه می‌کند، میزان شاخص نیکویی برازش را بر اساس میزان درجه آزادی مدل تنظیم می‌کند. میزان قابل قبول برای این شاخص بالاتر از ۰/۸ است.

1. Non-Normed Fit Index (NNFI)
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
4. Goodness of Fit Index (GFI)

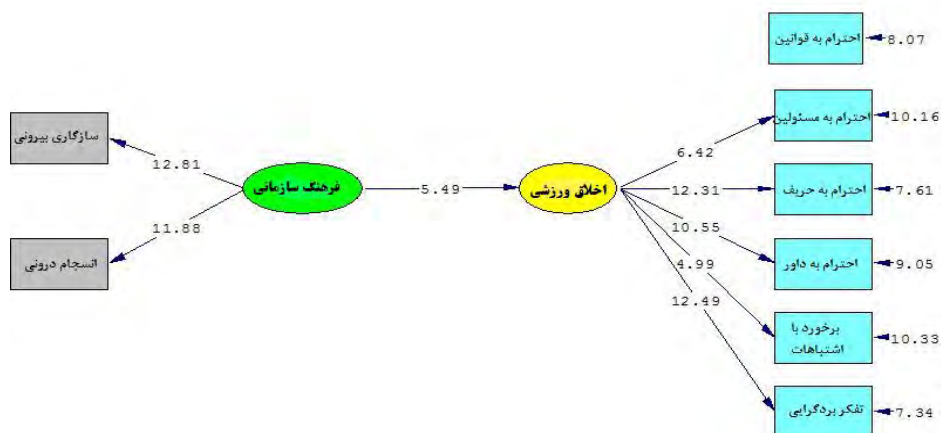
جدول ۶- مقادیر شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	مقدار	حدمجاز
برازندگی تعدیل یافته	۰/۹۶	بالاتر از ۰/۹
نیکویی برازش تعدیل شده	۰/۸۵	بالاتر از ۰/۸
برازندگی نرم شده	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹
برازندگی نرم نرم شده	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹

در شکل شماره چهار، نتایج تحلیل مسیر مدل نهایی پژوهش را در قالب مدل تخمین استاندارد نمایش داده است. همان‌طور که در شکل مشخص است، تمامی بارهای عاملی بین مؤلفه‌ها و عوامل در سطح معقولی (بیشتر از ۰/۴) قرار دارند. براساس شکل شماره چهار، در بخش ورودی (مدل اندازه‌گیری X)، بارهای عاملی بین فرهنگ سازمانی با سازگاری بیرونی ( $\lambda = 0/65$ ) و سازگاری درونی ( $\lambda = 0/65$ ) هستند. در بخش خروجی (مدل اندازه‌گیری Y) نیز بارهای عاملی بین اخلاق ورزشی با احترام به قوانین ( $\lambda = 0/60$ )، احترام به مسئولان ( $\lambda = 0/40$ )، احترام به حریف ( $\lambda = 0/56$ )، احترام به داور ( $\lambda = 0/39$ )، برخورد در برابر اشتباهات ( $\lambda = 0/51$ )، برخورد با اشتباهات ( $\lambda = 0/51$ ) و تفکر بردگرایی ( $\lambda = 0/15$ ) هستند؛ بنابراین، با توجه به جدول و شکل مربوط به نتیجه تحلیل مسیر می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده است و روابط تنظیم‌شده متغیرها براساس چهارچوب نظری پژوهش منطقی بوده است.



شکل ۴- مدل نهایی ارتباط بین فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی براساس مدل ضرایب استاندارد شده



شکل ۵- مدل نهایی ارتباط بین فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی براساس مدل اعداد معناداری

### بحث و نتیجه‌گیری

اخلاق ورزشی سازمان به‌واسطه مؤلفه‌های خود، پیامدهای خوب و مثبتی را از جمله ایجاد فرهنگ سازمانی اخلاقی به همراه دارد. اخلاق ورزشی در سطح باشگاهی، بهره‌وری سازمانی و ایجاد مزیت رقابتی و در سطح ملی، تعالی اخلاق جامعه و رشد و توسعه پایدار را به دنبال خواهد داشت. همچنین، فرهنگ سازمانی اخلاقی، تحول و رقابت جهان سالم را میسر می‌کند و در صورتی که اخلاق به صورت فرهنگ در سازمان متبلور شود، موجب نهادینه شدن مدل اخلاق ورزشی مبتنی بر مبانی فرهنگی و دینی در سازمان می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران بود. خروجی نرم‌افزار لیزر نشان داد که بین فرهنگ سازمانی و اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه، با ضریب استاندارد ۰/۴۲ ارتباط وجود دارد. این یافته به این نکته اشاره دارد که سازگاری بیرونی و انسجام درونی احتمالاً باعث بهبود عوامل مرتبط با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران می‌شوند. با توجه به این یافته پیشنهاد می‌شود که ضعف‌ها و قوت‌های فرهنگ سازمانی در باشگاه‌های فوتبال شناسایی شوند و متناسب با آن‌ها راهبردهای مورد نیاز طراحی و اعمال شوند تا به تبع آن، شاهد بروز رفتارهای اخلاقی باشیم. نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های شجاع، کوزه چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱)، رحیمی و آقابابایی (۱۳۹۲) و رستگار و آبدارزاده (۱۳۹۳) هم‌راستا است؛ برای مثال، جواهری کامل و کوثرنشان، (۱۳۸۸) بیان کردند که ارزش‌های فرهنگی سازمان شامل احترام به فرد، نوآوری، ثبات و تهاجم با تعهد عاطفی، رضایت شغلی و تسهیم اطلاعات

رابطه‌ای قوی دارد. این یافته پژوهش با نتیجه پژوهش شجاع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۳) ناهمسو است که از دلایل ناهمسوبودن، اشاره آن‌ها به حاشیه‌ها و فساد اخلاقی موجود در فوتبال و رسوایی و رفتارهای غیراخلاقی الگوهای اجتماعی است. همچنین، تفاوت ابزار و جامعه آماری پژوهش از دلایل دیگر ناهمسویی است.

در پژوهش حاضر، در بین ابعاد متغیر فرهنگ سازمانی، مؤلفه سازگاری بیرونی (رسالت و استراتژی، اهداف، ابزار و نظام‌های کنترل) نسبت به مؤلفه انسجام درونی (زبان مشترک، تعریف مرز گروه، پاداش و تنبیه‌ها، جایگاه و روابط قدرت) وضعیت بهتری داشت. این نتیجه احتمالاً بدین دلیل است که اگر در باشگاه‌های فوتبال فرهنگ سازنده، ابزار و نظام‌های کنترلی حاکم باشند، فوتبالیست‌ها به تعامل و انسجام با دیگران، انجام وظایف و طرح‌هایی تشویق می‌شوند که به رشد، پیشرفت، کارایی و اثربخشی آن‌ها منجر می‌شود. این نوع فرهنگ و باورهای هنجاری، ارتقای جایگاه و نوع دوستی را تأیید می‌کند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های رضاییان (۱۳۹۰) و رستگار، فتوت و آبدارزاده (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد. نتایج حاصل از مدل ارتباطی بین متغیرهای پژوهش بیانگر بالاترین ضریب استاندارد برای مؤلفه سازگاری بیرونی از متغیر فرهنگ سازمانی (۰/۹۰) و مؤلفه انسجام (۰/۷۹) و ارتباط آن با اخلاق ورزشی است که احتمالاً حاکی از این است که اگر بازیکنان در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل باشگاه مشارکت داشته باشند و کمتر توسط دستورالعمل‌های باشگاهی محدود شوند، به‌طور طبیعی و درونی انگیزه می‌شوند و به‌صورت خلاق در راستای بهره‌وری هرچه بیشتر باشگاه و رضایت هواداران و مدیران، شاهد تعهد و محترم‌شمردن قراردادهای اجتماعی و در نتیجه، بروز رفتار اخلاقی خواهند بود. در حقیقت، فرهنگ مشارکتی، نیازهای عاطفی و روانی کارکنان مانند احترام، عزت‌نفس، ارزشمندبودن بازیکن را در باشگاه برآورده می‌کند که این می‌تواند عاملی انگیزشی در جهت بروز رفتارهای اخلاقی در ورزش و به‌ویژه در فوتبال باشد. این نتیجه با نتایج مطالعات رابینز (۲۰۰۲)، رحیمی و آقابابایی (۱۳۹۲) و بیگیلاردی و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. هم‌جهت‌بودن این نتیجه با پژوهش رابینز (۱۳۸۱) بدین دلیل است که وی معتقد است فرهنگ سازمان نوعی احساس هویت به پیکره اعضا تزریق می‌کند که این مفهوم موجب به‌وجود آمدن یا شکل‌دادن به رفتارهای اخلاقی در ورزش می‌شود که موجب تقویت اخلاق ورزشی می‌گردد. یافته پژوهش با نتایج پژوهش رحیمی و آقابابایی (۱۳۹۲) از این نظر همسو است که آن‌ها بیان می‌کنند فرهنگ سازمانی بر رفتار فردی، عملکرد سازمانی، انگیزه شغلی، خلاقیت و نوآوری و نیز تعهد و اخلاق حرفه‌ای تأثیر می‌گذارد. یافته پژوهش با نتایج مطالعه بیگیلاردی و همکاران (۲۰۱۲) از این جهت هم‌راستا است که با پذیرفته‌شده‌ترین تعریف از فرهنگ سازمانی که ادگار شاین ارائه کرده است، منطبق است؛ باین حال، یافته اخیر این پژوهش با نتایج پژوهش خیری، اسدی، فراهانی و گودرزی (۲۰۱۲) ناهم‌خوان است که از دلایل این ناهم‌خوانی

می‌توان به متفاوت بودن ابزار ارزیابی، متفاوت بودن جامعه آماری و نیز روش‌شناسی پژوهش اشاره کرد.

براساس نتایج پژوهش حاضر، بین فرهنگ سازمانی و تمام ابعاد اخلاق ورزشی نمونه مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود دارد. این ارتباط شاید حاکی از آن باشد که مدیران در تعیین اهداف و رسالت باشگاه‌ها با استفاده از نظام‌های کنترلی مناسب (انسجام بیرونی)، مرزبندی و خطوط قرمز فرهنگی و اخلاقی را براساس منشور اخلاقی لیگ و ابزارهای پاداش و تنبیه (انسجام درونی) برنامه‌ریزی، به بازیکنان آموزش داده‌اند و اخلاق ورزشی به صورت اثربخش و عمیقی آگاهی‌بخشی و نهادینه شده است. نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات رایبیز (۲۰۰۲)، شاین (۲۰۰۴)، حسینی و عباسی (۱۳۹۱) و شجاع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱) همسو است؛ زیرا، بر مبنای نظر حسینی و عباسی (۱۳۹۱)، به‌کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاق و قانون در سازمان‌ها، آموزش عملی اخلاق توسط کارکنان مقید و پای‌بند به رعایت اخلاق و قانون و در نهایت، تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها، از جمله راهکارهای نهادینه‌کردن اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها هستند. این یافته پژوهش با پژوهش شجاع، کوزه‌چیان، احسانی و امیری (۱۳۹۱) از این حیث هم‌راستا است که آن‌ها نقش مدیران باشگاه‌ها را در بهبود وضعیت اخلاقی بسیار مؤثر می‌دانند. این یافته با دیدگاه یوسفی، شریفیان و قهرمان تبریزی (۲۰۱۳) هم‌خوانی ندارد؛ زیرا، وی معتقد است که ورزش نوین به عداوت، حسادت و فخرفروشی، بدون در نظر گرفتن هیچ‌یک از قوانین محدود می‌شود و در بردارنده نوعی لذت از تماشای خشونت است. به عبارت دیگر، عدم توجه به اخلاق یک جنگ منهای تیراندازی با تفنگ است. به طور کلی، براساس نظریه منطق بازی<sup>۱</sup> در محیط‌ها و فضاهای فوتبالی ممکن است خواسته‌ها و انتظاراتی از فوتبالیست‌ها داشته باشند که در تضاد با پیامدهای اخلاقی و فرهنگی آن‌ها باشد؛ در نتیجه، محیط فوتبالی سبب می‌شود که فوتبالیست‌ها تعهدات اخلاقی خود را به دلیل منافع هم‌تیمی‌هایشان کنار بگذارند و از نظر منطق اخلاقی و فرهنگی در سطح پایین‌تری قرار گیرند. به عبارت دیگر، بازیکن فوتبال در کنار هم‌تیمی‌های خود بیشتر تلاش می‌کند تا مطابق رفتار مورد قبول تیم و هم‌بازی‌های خود رفتار کند. بنابراین، اخلاق ورزشی، بیشتر از طریق ادراک ارزشمندی و تأثیرپذیری مستقیم بازیکنان از تعاملات موجود در محیط فوتبالی (فرهنگ سازمانی) و عوامل و اطرافیان متأثر می‌شود. بنابراین مربیان فوتبال باید توجه بیشتری به مسائل مربوط به اخلاق ورزشی کنند و با منش و رفتار مناسب خود طی تمرین‌ها و مسابقه‌ها، ورزشکاران را به گرایش بیشتر به اخلاق ورزشی فراخوانند. در هر حال، باشگاه‌هایی که در آن‌ها منشور فرهنگی حمایت از ایده‌ها و افکار نوآورانه حاکم است، زمینه ارتقای تنظیمات درونی- بیرونی و اخلاق ورزشی را فراهم می‌آورند. مدیران باشگاه‌های فوتبال



کشور باید در نظر داشته باشند که بهبود شاخص‌های سازگاری درونی و بیرونی به بهبود اخلاق ورزشی منتج می‌شود. همچنین، اخلاق ورزشی به‌عنوان بخشی از رویدادهای ورزشی که در میدین و صحنه-های ورزشی بروز می‌یابد، به‌نحوی در رفتارها و عملکردهای ورزشکاران به گونه‌های مختلف، حاکی از فرهنگ و ارزش‌های سازمانی حاکم بر باشگاه است. این یافته با بخشی از نتایج پژوهش‌های ندایی و علوی (۱۳۸۷) و راوی (۲۰۱۵) همسو است؛ زیرا، به‌عنوان مثال، راوی در پژوهش خود بیان می‌کند که اخلاق ورزشی به‌عنوان یک بخش از رویداد ورزشی، بر ارزش‌های سنتی هند تأکید دارد که اخلاق در هر بخش از زندگی برجسته است.

به‌طور اساسی، مشخص کردن اهداف کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت، ترسیم چشم‌انداز فوتبال، توسعه یادگیری در فوتبال کشور، افزایش هماهنگی و انسجام در بخش‌های مختلف فوتبال، افزایش توانمندی، تیم‌گرایی و توسعه قابلیت‌ها، تزریق ایده‌های جدید به باشگاه‌های فوتبال و تشویق خلاقیت و نوآوری حرفه‌ای، تغییر درجه رسمیت‌گرایی بر مبنای سازه‌های فرهنگ فوتبالی، راهکارهای مناسب برای ایجاد تأثیر مطلوب و زمینه‌سازی برای بروز عملکردهای اخلاقی در فوتبال، از جمله پیشنهاد‌های کلی قابل‌ارائه محسوب می‌شوند؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش علاوه بر تأیید کاربردپذیری فرهنگ سازمانی در تبیین اخلاق ورزشی، بر نقش مهم ابعاد فرهنگی در مؤلفه‌های اخلاق ورزشی تأکید دارد و مؤید آن است که فرهنگ سازمانی مطلوب برای بروز اخلاق ورزشی و تقویت مبانی اخلاقی در ورزش، حاصل ایجاد شرایطی است که با ویژگی‌های فرهنگ سازمانی قابل‌شناسایی است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود متولیان فوتبال کشور در شناسایی کدهای اخلاق ورزشی در فوتبال، نوع فرهنگ سازمانی و نیز عوامل مؤثر در انگیختگی بازیکنان تلاش کنند و از این طریق به توانمندسازی بازیکنان در جهت پاسخ‌گویی بآیند.

## منابع

1. Aghdasi, M. T. (1992). Studying and comparing the self-esteem of athletic and non-athlete students. (unpublished master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian).
2. Araabi, S. M., & Rahimzadeh, M. (2007). The study of organizational culture depends on new industries. *Journal of Industrial Management Studies*, 5, 27-42. (Persian).
3. Bigliardi, B., Dormio, A., & Galati, F. (2012). The impact of organizational culture on the job satisfaction of knowledge workers. *Journal of Information and Knowledge Management Systems*, 42 (1), 36-51.
4. Cretaner, R., & Kinic, A. (2003). Management of organizational behavior. (A. A. Farhangi, & H. Safarzadeh, translators). Tehran: Pouyesh Publications.
5. Ghaiyoomi, A. A., Mozaffar H., & Mohammad Panah, M. R. (2014). Identify and prioritize the factors affecting organizational change organizational culture (The case

- of social and cultural deputy of Tehran). *Cultural Management Magazine*, 25, 35-47. (Persian).
6. Ghorbani, M. H., Asadi, H., Goodarzi, M., & Shafiee, M. (2007). Organizational culture studies physical education organization of Islamic republic of Iran based on Denison model and comparison with the global average. *The Publication Harkat*, 39, 33-48. (Persian).
  7. Ghorbani, M. H., Monavarian, A., & Sharifi, M. (2008). Organizational culture relying on Denison's model. Shiraz University, Shiraz. (Persian)
  8. Hajipour, A. R. (2017). Modeling role of organizational culture and self-determined motivation on sports ethics elite athletes Iran (Case study: League one Iranian football). (Unpublished doctoral dissertation). Alborz University, Tehran. (Persian).
  9. Hajipour, A., Sharifian, E., & Noraei, T. (2012). An investigation of the relationship between the winning tendencies of the elite athletes in the South Khorasan province (Iran) with their sports achievement. *International Journal of Sport Studies*. 2(8), 385-392. (Persian).
  10. Hersey, P., & Blanchard, K. H. (1993). *Management of organizational behavior: Utilizing human resources*. Englewood Cliffs, N.J: Prentice- Hall.
  11. Hesmer, L. T. (2004). *Ethic in management*. (M. Arabi, translator). Tehran: Cultrual Research Office Publication.
  12. Hosseini, N., & Abbasi, E. (2012). Guidelines institutionalizing professional ethics in organizations from the perspective of Islamic teachings. *Islamic and Administrative Studies*, 1, 129-154. (Persian).
  13. Javaheri Kamel, M., & Kosarneshan, M. R. (2009). Investigating the relationship between leadership, organizational culture learner organization activity and employee satisfaction. *Bimonthly Human Development Police*, 25, 19-32. (Persian).
  14. Kashef, M. (2001). Ethics and compare them with the sport in the ancient olympic games. *Olympic*, 20, 3-68. (Persian).
  15. Khabiri, M. (2002). Investigating the difference between observance of ethical standards among athletes and non-athlete women. *Journal of Motion*, 13, 5-19. (Persian).
  16. Khayri, A., Asadi, H., Farahani, A., & Goodarzi, M. (2012). Analysis of the levels of sport ethics personality and purposefulness of athlete students in the country: Presenting causal models. (Unpublised doctoral dissertation). Payame Noor University, Tehran. (Persian).
  17. Khodayi, M. (2006). *Ethics in Sport*. Available at: [Http://www.seratnews.ir](http://www.seratnews.ir) (Accessed Release Date: November 23, 2011 - 15:55). (Persian).
  18. Miller, B. W., Roberts, G. C., & Ommundsen, Y. (2004). Effect of motivational climate on sportpersonship among competitive youth male and female football players. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 14(3), 193-202.
  19. Mohammadi, M., & Golverdi, M. (2013). The components of professional ethics in the organization with the pattern of religious principles. *Two Quarterly Journal of Islamic Studies and Management*, 2, 180-161. (Persian).
  20. Morgan, D. W. & Krejcie, R. V. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, Vol.30, 607-610.
  21. Nedayi, T. & Alavi, Kh. (2008). Ethics in sport and fair play approach. *Journal of Qom University*, 2, 188-220. (Persian).

22. Rahimi, H., & Agha Babaei, R. (2013). The relationship between organizational culture and professional ethics: Faculty members of Kashan University. *Quarterly Journal of Education Strategies in Medical Sciences*, 6(2), 61-67. (Persian).
23. Rastegar, A. A., Fotovat, B., & Abdarzadh, P. (2014). The effect of organizational culture on organizational citizenship behavior (Case study: Physical education department staff in Tehran province). *Journal of Management and Exercise Physiology North*, 2(1), 57-68. (Persian).
24. Ravi, D. S. (2015). Championing virtues and need for ethics in sports: Time for promotion of a sports culture. *International Journal of Academic Research*, 2(4), 30-34.
25. Rezaeian, A. (2011). *Management principles* (22th ed.). Tehran: Samt Publication. (Persian).
26. Robbins, S. (2002). *Organizational behavior, concepts, theories and applications*. (A. Parsian, & S. M. Arabs, translators). Tehran: Cultural Research Bureau. (Persian).
27. Schein, E. (2004). *Organizational culture*. (M. E. Mahjoub, translator). Tehran: Fra. (Persian).
28. Shahzad, F., Luqman, R. A., Khan, A. R., & Shabbir, L. (2012). Impact of organizational culture on organizational performance: An overview. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3(9), 975-985.
29. Shajie, R. (2014). *Modern perspectives in soccer sociology*. Tehran: Afkar Publication. (Persian).
30. Shajie, R., Kouzehchian, H., Ehsani, M., & Amiri, M. (2012). The effect of Iranian footballer's ideology on their ethical decision making. *Sports Psychology Studies*, 2, 27-38. (Persian).
31. Shajie, R., Kouzehchian, H., Ehsani, M., & Amiri, M. (2014). Demographic factors related to ethical decision making of soccer players. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 9(2), 1-12. (Persian).
32. Sharifzadeh, F., & Kazemi, M. (1998). *Management and organizational culture*. Tehran: Ghomes Publication. (Persian).
33. Shields, D. L., & Bredemeier, B. L. (2006). Sports and character development. *Research Digest*, 7(1), 1-8.
34. Vallerand, R.J., Brière, N.M., C., & Provencher, P. (1997). Development and validation of the Multidimensional Sportpersonship Orientation Scale (MSOS). *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 19, 197-206.
35. Vallerand, R. J., & Losier, G. F. (1994). Self-determined motivation and sportsmanship orientations: An assessment of their temporal relationship. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 16, 229-245.
36. Yousefi, S., Sharifian, E., & Ghahraman Tabrizi, K. (2013). Evaluate the performance of the national team coaches in the promotion of ethics athletic Basic. (Unpublished masyer's thesis). University of Kerman, Kerman. (Persian).
37. Yousefi, S., Sharifian, E., Ghahraman Tabrizi, K., & Zoraki, P. (2016). Relationship between ethical standards of coaches and attitudes of sports aggression in athletes of national national teams. *Research Sport Management and Motor Behavior*, 24, 25-38. (Persian).

استناد به مقاله

حجی‌پور، علیرضا، حمیدی، مهرزاد، سجادی، سیدنصرالله، خبیری، محمد. (۱۳۹۸). مدل رابطه‌ای فرهنگ سازمانی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۹۲-۱۶۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4428.1326

Hajipour, A., Hamidi, M., Sajjadi, S. N., Khabiri, M. (2019). Relational Model of Organizational Culture with Sport Ethics of Elite Athletes in Iran (Case Study: Iran Football League). Research on Educational Sport, 7(16): 169-92. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4428.1326



## تأثیر کیفیت ادراک‌شده پخش تلویزیونی و وابستگی بینندگان به تلویزیون بر قصد حضور در استادیوم فوتبال

مسعود فریدونی<sup>۱</sup>، معصومه کلاته‌سیف‌ری<sup>۲</sup>

۱. دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۴

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت ادراک‌شده پخش تلویزیونی و وابستگی بینندگان به تلویزیون بر قصد حضور در استادیوم فوتبال بود. این پژوهش از نوع همبستگی، مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری بود که به روش میدانی انجام شد. جامعه آماری دانشجویان پسر علوم ورزشی دانشگاه‌های منتخب استان‌های تهران و البرز بودند که بازی استقلال تهران- تراکتورسازی تبریز از سری مسابقات دوره هفدهم جام خلیج فارس را که در استادیوم آزادی انجام شده بود، از تلویزیون تماشا کردند. برای تعیین تعداد حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری، با در نظر گرفتن پنج تا ۱۵ پرسش‌نامه برای هر متغیر، ۲۲۵ پرسش‌نامه درست جمع‌آوری شد. شیوه نمونه‌گیری، تصادفی در دسترس بود. ابزار پژوهش براساس مطالعات نظری و پژوهش‌های اخیر، در قالب یک پرسش‌نامه ۱۵ سؤالی طراحی و تنظیم شد. برای روایی ظاهری و محتوایی، پرسش‌نامه طراحی‌شده در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان بازاریابی و اساتید مدیریت ورزشی قرار داده شد و نسخه نهایی با رفع ایرادها و نقاط ابهام اصلاح و ویرایش شد. پایایی اولیه ابزار پژوهش از طریق یک مطالعه راهنما صورت گرفت و روایی سازه نیز با تکیه بر خروجی نرم‌افزار آماری تأیید شد. نتایج حاصل از اجرای مدل در نرم‌افزار آموس نشان داد که اثر کیفیت ادراک‌شده از تماشای پخش زنده بازی و وابستگی به تلویزیون، بر تصمیم به حضور تماشاگران در استادیوم مؤثر است؛ بنابراین، برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی باید به عوامل افزایش‌دهنده کیفیت ادراک‌شده پخش تلویزیونی در نظر بینندگان وابسته به تلویزیون توجه کنند.

**واژگان کلیدی:** پخش زنده فوتبال، وابستگی بینندگان، قصد حضور در استادیوم، دانشجویان.

## مقدمه

امروزه، تلویزیون رسانه‌ای مؤثر در توسعه ابعاد مختلف ورزش است. این رسانه، علاوه بر صدا تصویر را نیز به مخاطبان انتقال می‌دهد که این امر حسی قوی نسبت به سایر رسانه‌ها در بینندگان ایجاد می‌کند. از طریق تلویزیون، رویدادهای مهم و بزرگ ورزشی در سراسر جهان در دسترس هستند و مشتاقان ورزش می‌توانند در کشور و در خانه خود، به تماشای رویدادهای ورزشی بپردازند. نمای بسته، حرکت آهسته، بازپخش و زوایای مختلف دوربین‌های پخش تلویزیونی، لذت و هیجان ناشی از مسابقه را دوچندان می‌کنند و بینندگان تلویزیونی نسبت به تماشاگرانی که در استادیوم حضور دارند، برتری دارند. اگر پخش تلویزیونی دارای کیفیت بالایی باشد، مخاطبان را برای دیدن مسابقه مشغوف می‌کند و حتی ممکن است آنان را به حضور مستقیم در استادیوم ترغیب کند (مقدس، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های بازاریابی اخیر بر ارزیابی کیفیت متمرکز شده‌اند تا عواملی را که بر درک مثبت مشتریان از تجربه کالاها مؤثر هستند، شناسایی کنند. به عبارت دیگر، یعنی چه عناصری از کالاهای تجربه‌ای بیشترین اهمیت را برای مشتریان دارند و چه عناصری درک از کیفیت تجربه را ارتقا می‌دهند. ورزش‌های تماشایی (یعنی ورزش‌هایی که تماشاگران برای دیدن آن‌ها در محل مسابقه یا رویداد حاضر می‌شوند یا مسابقه را از تلویزیون تماشا می‌کنند)، به مثابه تجربه‌ای از یک کالا و براساس نوع خدمات ارائه شده در مکان مسابقه دسته‌بندی می‌شوند و این امر نکته بازاریابی قابل توجهی است. بیشتر مطالعات درباره ورزش‌های تماشایی، به طور کلی به رضایت مخاطبان با تمرکز بر تماشاگرانی پرداخته‌اند که مسابقات را در داخل استادیوم تماشا می‌کنند. به هر حال، تماشاگران می‌توانند مسابقات ورزشی حرفه‌ای را با حضور در مکان بازی‌ها تماشا کنند؛ اما ممکن است از طریق تلویزیون یا سایر وسایل ارتباط جمعی مسابقه را تماشا کنند. مطالعات قبلی رسانه‌های ورزشی، بر افزایش هیجان و لذت ناشی از پخش مسابقات از تلویزیون تمرکز کرده‌اند. برخلاف این سابقه مطالعاتی، در این پژوهش، هدف نویینی مبنا قرار داده شده است. یکی از اهداف انجام این پژوهش، تعیین اثر میزان کیفیت ادراک شده پخش تلویزیونی از یک مسابقه ورزشی بر رفتار خرید بلیت و تماشای مسابقه تماشاگران است. ظرفیت تکمیل شده استادیوم و اطلاعات دریافت شده از بینندگان تلویزیونی (تماشاگرانی که از طریق تلویزیون مسابقه را دنبال می‌کنند)، کیفیت ادراکی آنان را از هدایت می‌کند.

پژوهش‌های بازاریابی قبل، در ارزیابی کیفیت تلاش کرده‌اند عواملی را که به درک مثبت مشتریان از کالا یا خدمات تجربه‌ای منجر می‌شوند، شناسایی کنند. مشتریان هنگامی که درباره کیفیت یک رویداد، کالا یا خدمات مطمئن نیستند (دگونگالو، ۲۰۱۰)، رسانه‌ها را جست‌وجو می‌کنند تا اطلاعاتی

را درباره کالا یا خدمات دریافت کنند (کیم و برگ، ۲۰۱۷) و براساس نتایج جست‌وجو تصمیم‌گیری کنند؛ بنابراین، نقش اصلی بازاریابان در کالاها یا خدمات تجربه‌ای، ارائه اطلاعات به مشتریان برای درک فوق‌العاده آنان از کیفیت آن کالا یا خدمت است (کورتز، ۲۰۱۷). درواقع، کالا یا خدمات تجربه‌ای، آن دسته از کالاها یا خدمات هستند که مشتریان تا قبل از تجربه آن‌ها، درک کاملی نمی‌توانند از آن‌ها داشته باشند؛ به‌عنوان مثال، خریده‌های اینترنتی از دسته کالاهای تجربه‌ای هستند که خریدار تا قبل از دریافت آن‌ها نمی‌تواند کالا را لمس یا تجربه کند. حضور در استادیوم و تماشای مسابقات ورزشی نیز از دسته خدمات تجربه‌ای در ورزش است که تماشاگران تا قبل از تماشا نمی‌توانند آن را تجربه کنند. به‌عبارت‌دیگر، در خرید کالا یا خدمات تجربه‌ای، تجربه گذشته اشخاص از یک کالا یا خدمت نقش مهمی را در تصمیم به خرید آن کالا یا خدمت ایفا می‌کند؛ از این‌رو، بازاریابان باید عواملی را که بر تجربه گذشته مشتریان اثر دارند، شناسایی کنند (کورتز، ۲۰۱۷). ورزش‌های تماشایی به‌عنوان کالا یا خدمات تجربه‌ای دسته‌بندی می‌شوند که درک از کیفیت آن‌ها بسیار مهم است. مطالعات قبلی بازاریابان ورزشی حرفه‌ای، اثر عناصر مختلف یک ورزش را روی درک تماشاگران از کیفیت آزمون کرده‌اند (ایونو و باکیرتزوگلو، ۲۰۱۶).

ایونو و باکیرتزوگلو (۲۰۱۶) تأکید کرده‌اند که رضایت تماشاگر به‌طور اساسی از انتظارات او، عملکرد درک‌شده و تأیید نتیجه بازی تأثیر می‌گیرد. همچنین، تودرکیس، کامبیدکس و لایوس و (۲۰۰۱) تأکید کردند که رابطه مثبتی بین کیفیت خدمات بازی و رضایت از بازی وجود دارد. تماشاگران ورزش‌های حرفه‌ای را می‌توانند با حضور یافتن در استادیوم محل برگزاری بازی‌ها یا از طریق کانال‌های تلویزیونی یا دیگر رسانه‌ها مسابقات را تماشا کنند. این دو دسته از تماشاگران درآمدهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. درحالی‌که تماشاگران حاضر در استادیوم از طریق فروش بلیت و تبلیغات محیطی و غیره موجب درآمدزایی باشگاه می‌شوند، کانال‌های تلویزیونی از طریق پخش تبلیغات، حقوق رسانه‌ای و غیره منابع مالی سرشاری را ایجاد می‌کنند (هوارد و کرامپتون، ۲۰۱۳). به‌هرحال، مطالعات قبلی بر رضایت تماشاگران حاضر در استادیوم و عناصر مؤثر در رضایت آنان و قصد بازگشت آنان متمرکز شده بودند یا این مطالعات روی تماشاگران تلویزیونی و هیجان و لذت ناشی از تماشای مسابقه انجام شده بودند؛ اما سابقه انجام پژوهشی که اثر کیفیت ادراک‌شده از تماشای پخش زنده بازی را بر قصد حضور در استادیوم برای تماشای حضوری بررسی کرده باشد، یافت نشد؛ بنابراین، این مطالعه بر

- 
1. Kim & Berg
  2. Cortés
  3. Ioannou & Bakirtoglou
  4. Theodorakis
  5. Howard & Crompton



تماشاگران تلویزیونی ای متمرکز است که بازی را از طریق کانال‌های تلویزیونی تماشا می‌کنند، کیفیت بازی را درک می‌کنند و برای حضور در استادیوم تصمیم‌گیری می‌کنند. در این زمینه، نظریه سیگنالینگ اثرهای اطلاعات نامتقارن را بر رفتار مصرف‌کنندگان تشریح می‌کند (کانلی و همکاران، ۲۰۱۱). هنگامی نامتقارنی اطلاعات روی می‌دهد که مردم دانش متفاوتی از یک کالا یا خدمات دارند. به عبارت دیگر، فروشندگان و خریداران هر کدام سطحی از اطلاعات راجع به کیفیت یک محصول دارند. این نامتقارنی سبب می‌شود که فروشندگان دست‌به‌کار شوند و با فرستادن نشانگرها یا همان سیگنال‌ها، به انتقال پیام سعی کنند و خریداران را مجاب کنند که محصول را خریداری کنند. برطبق نظریه سیگنالینگ کانلی، فروشندگان می‌توانند با فرستادن سیگنال بر نامتقارنی اطلاعات خریداران چیره شوند و آنان را به خرید ترغیب کنند. سیگنال‌ها نشانگرهایی در راستای کیفیت محصولات هستند؛ به خصوص وقتی که کیفیت کالا یا خدمات به راحتی برای مصرف‌کنندگان آشکار نیست. هسته نظریه سیگنالینگ این است که فروشندگان سیگنال‌هایی را به خریداران (مشتریان) ارائه می‌دهند که کیفیت محصول را به مشتریان انتقال می‌دهد؛ زیرا، خریداران نسبت به فروشندگان اطلاعات کمتری درباره محصول دارند. نظریه سیگنالینگ در زمینه یک فرستنده سیگنال و یک دریافت‌کننده سیگنال است. فرستنده سیگنال کسی است که اطلاعات مهمی راجع به کالا یا خدمات دارد. به طور معمول، سیگنال به عنوان یک فرم از ارتباطات است که درک دریافت‌کننده را از کالا یا خدمات ارتقا می‌دهد. دریافت‌کننده (مشتری در پژوهش بازاریابی) یک طرف بیرونی است که اطلاعات مهمی از کالا یا خدمات ندارد.

ماولانوا، بنبونا و کوفاریس (۲۰۱۲) تأکید کردند که مشتریان، برند، قیمت، طراحی فیزیکی و شهرت فروشنده را به عنوان نشانه‌های کیفیت محصول تفسیر می‌کنند. به بیان دیگر، خریداران به طور مستقیم کیفیت محصولات را قبل از خرید، براساس نظریه سیگنالینگ ارزیابی می‌کنند، همچنین، آنان در پژوهش خود گزارش دادند که فروشندگان تجارت الکترونیک نسبت به فروشندگان سنتی، از سیگنال‌های مختلفی (اطلاعات بازاریابی، لگوی کارهای اعتباری، گفت‌وگوی زنده، پاسخ خریداران، سیاست‌های امنیتی، سیاست‌های حریم خصوصی و سیاست‌های بازگشت مشتریان) استفاده می‌کنند. از آنجایی که مشتریان نمی‌توانند به طور فیزیکی کیفیت محصول را در محیط تجارت الکترونیک ارزیابی کنند، وبسایت‌ها سیگنال‌های فراوانی را راجع به کیفیت محصولات به فروشندگان ارائه می‌دهند.

- 
1. Connelly
  2. Mavlanova

درمورد کالاهای تجربه‌ای که کیفیت محصول پس از خرید مشخص می‌شود، اغلب نامتقارنی اطلاعاتی بیشتری بین فروشندگان و خریداران وجود دارد (کرمانی و روا، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، فروشندگان سیگنال‌های بیشتری از قبیل آگهی، تصویر برند، گارانتی و قیمت به مشتریان ارسال می‌کنند. تماشاگران ورزشی تلویزیون به بازی‌ها به چشم یک کالای تجربه‌ای نگاه می‌کنند. هستهٔ محصول، بازی بین دو تیم است و برخلاف محصولات فیزیکی، ملموس نیستند (بوهر و نوفا، ۲۰۱۲). نتایج رویدادهای ورزشی و مقدار هیجانی که یک بازی ایجاد می‌کند و به‌طور کلی بازی، یک خدمت ناشناخته است؛ برای مثال، دو تیم ممکن است بازی نه‌چندان جالبی انجام دهند؛ درحالی‌که رکوردهای قبلی عملکرد بزرگی بوده‌اند. بسیار مشکل است که تماشاگران ورزشی که دانش کمی دربارهٔ یک ورزش دارند، بتوانند کیفیت یک بازی را پیش‌بینی کنند. تیم‌های ورزشی و تیم‌های بازاریابی رویدادهای ورزشی، از سیگنال‌های مختلفی استفاده می‌کنند تا کیفیت ادراک‌شده را از یک رویداد افزایش دهند. دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای تطبیقی گروه‌های مرجع ممکن است بر رفتار افراد تأثیر بگذارند. گروه‌های مرجع برای اعضای خود مشخص می‌کنند که برای انجام عمل یا فکر کردن، به یک روش خاص عمل کنند. چهار پاسخ متفاوت در برابر گروه‌های فشار وجود دارند: قبول کردن، پیوستن، رد کردن و نادیده‌گرفتن (برون و همکاران، ۲۰۰۸). در ادبیات نظری مشتری، بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که رفتار خرید، توسط گروه‌های فشار مشتریان به چندین صورت می‌تواند تأثیرگذار باشد (یانگ، وانگ و مورالی، ۲۰۱۴؛ پارک و منچاندا، ۲۰۱۵). گاهی انتخاب مشتری تحت تأثیر گروه‌های همسالان یا فشار ناشی از گروه‌های مرجع است.

عواملی که مردم را برمی‌انگیزاند تا از استادیوم‌های ورزشی دیدن کنند و به تماشای مسابقات بروند، متنوع هستند؛ اما یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها، هیجان‌های بازی یا تجربهٔ بودن در جو حاضر در استادیوم مسابقات است (لی و همکاران، ۲۰۱۲). ورود به استادیوم و تجربهٔ بودن در استادیوم اثری مثبت بر وفاداری تماشاگران هر دو تیم می‌گذارد و سطح درگیری و وابستگی هواداران با تیم را افزایش می‌دهد (هیس و پریچر، ۲۰۱۳).

بنابراین، یک راهبرد مناسب بازاریابی با هدف تشویق هواداران برای حضور در استادیوم، در نظر داشتن کیفیت بازی است و به‌طور مستقیم تماشاگرانی آن را درک می‌کنند که در استادیوم حضور دارند. اگر

- 
1. Kirmaniv & Rao
  2. Buhler and Nufer
  3. Yang
  4. Park and Manchanda
  5. Lee
  6. Hayes & Preacher
  7. Strategy

تماشاگران تلویزیونی درک کنند که در صورت حاضر شدن در استادیوم، چقدر به آن‌ها خوش می‌گذرد و هیجان زیادی را تجربه می‌کنند، به احتمال فراوان در آینده در استادیوم حاضر می‌شوند. مفهوم ظرفیت تکمیل‌شده استادیوم از حضور افراد متفاوت است. ظرفیت تکمیل‌شده، نسبت تعداد تماشاگرانی است که در روز بازی استادیوم را پر می‌کنند، به کل ظرفیت استادیوم. نرخ ظرفیت اشغال‌شده استادیوم، همان‌طور که در اسکرین تلویزیون نشان داده می‌شود، عامل مهمی در تصمیم‌گیری تماشاگران خواهد بود که در بازی‌های بعدی در استادیوم حاضر شوند؛ البته تماشاگران میزان وفاداری و عناصر روان‌شناختی مختلفی را مدنظر قرار می‌دهند تا در استادیوم حاضر شوند. به عقیده شانک، پیت، لی و بوسیلی (۲۰۱۷)، از دیگر عوامل حضور در استادیوم می‌توان به رفتار گروه‌های مرجع (از مفاهیم کلیدی در نظریه‌های گروه‌های فشار) اشاره کرد؛ زیرا، در مطالعات قبلی نشان داده شده است که فعالیت‌های گروه دوستان یا همسالان یکی از عناصر مهم مؤثر در حضور افراد در استادیوم هستند.

منطقی است که وقتی کیفیت یک بازی بالا است، نرخ ظرفیت تکمیل‌شده استادیوم بالا خواهد بود؛ همچنان که در صفحه‌نمایش تلویزیونی این موضوع نشان داده می‌شود و بینندگان تلویزیونی که بازی را به صورت زنده از کانال تلویزیونی تماشا می‌کنند، از کیفیت بازی و میزان پرشدن استادیوم مطلع می‌شوند. بینندگان تلویزیونی میزان پرشدن استادیوم را به‌عنوان یک سیگنال کیفیت رویداد دریافت می‌کنند و تحت‌تأثیر گروه‌های مرجع همچون دوستان، هواداران و غیره و یا به‌طور مستقل، برای حضور در استادیوم تصمیم‌گیری می‌کنند. پژوهش‌های اخیر درباره اهمیت پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی، به ابعاد گسترده این موضوع پرداخته‌اند. مقدس، حمیدی و جعفری (۱۳۹۳) در پژوهش خود دریافتند که متخصصان، مدیران و قهرمانان پخش تلویزیونی رویدادهای ورزشی، از طریق بالا بردن سطح آگاهی‌های علمی و عملی قهرمانان، موجب توسعه ورزش قهرمانی می‌شوند و میزان علاقه‌مندی جامعه به آن رشته را افزایش می‌دهند و نیز خانواده‌ها را مجاب می‌کنند که فرزندان خود را به ورزش ترغیب کنند. فراهانی و علیدوست (۱۳۹۳) تأکید کردند که سه دسته موانع سیاسی و اجتماعی، حقوقی و قانونی و نیز مدیریتی و ساختاری، در راستای تحقق حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی قرار دارند. پیوند عمیق سیاست و ورزش در عرصه باشگاه‌داری حرفه‌ای، تعارض با مسائل اعتقادی و شرعی، انحصاری بودن صداوسیما و فقدان شبکه‌های تلویزیونی خصوصی، وجود مشکلات قانونی در خصوص حق پخش تلویزیونی در کشور، کم‌کاری دولت و سازمان تربیت‌بدنی در ارائه لایحه‌های مؤثر و کارآمد، بی‌ثباتی و ضعف در مدیریت و اداره باشگاه‌های حرفه‌ای، کمبود نیروی انسانی متخصص و خلاق و نبود اتحادیه‌های مستقل برای باشگاه‌ها، مدیران و بازیکنان. رضایی، امیری و کوزه چیان

(۱۳۹۵) بیان کردند که هفت دسته موانع اصلی شامل عوامل حقوقی و قانونی، اقتصادی و سیاسی، مدیریتی و ساختاری، معنایی و نیز رفتاری و محیطی در ارتباط متقابل باشگاه‌های فوتبال و سازمان صداوسیما وجود دارند. همچنین در ایران، فضای رسانه‌ای به‌طور گسترده مورد توجه مدیران و کارشناسان حوزه ورزش است. رویکرد رسانه به ابعاد مختلف ورزش به‌خصوص با توجه ویژه‌ای به سطوح عملکرد بالای ورزشی (ورزش قهرمانی و حرفه‌ای) و رشته‌های محدود همچون فوتبال همراه است. خط‌مشی تلویزیون با توجه به انحصاری بودن این رسانه در ایران و نقش محوری آن در جلب تماشاگران ورزشی برای استقبال از تماشای مسابقات و حضور در استادیوم، می‌تواند نقش سازنده‌ای در درآمدزایی باشگاه‌های ورزشی و سازمان لیگ داشته باشند (عرب‌نرمی، گودرزی، سجادی و خبیری، ۱۳۹۵). دیتمور و هوچینز<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) اذعان کردند که باوجود ظهور فناوری‌های دیجیتال و موبایل، لیگ‌های بزرگ و شبکه‌های تلویزیونی همچنان از کنترل معناداری بر توزیع محتوای ورزشی محبوب جامعه استفاده می‌کنند. لیگ‌ها به بی‌اعتمادی از طرف پخش تلویزیونی دامن زده‌اند و آنان با شبکه‌های تلویزیونی در رابطه با پوشش اخبار و حق پخش با یکدیگر مذاکره می‌کنند. لیگ‌ها از این مذاکره‌ها به‌عنوان مزیت رقابتی برای جلوگیری از نوآوری‌های فناورانه که ممکن است به ضرر هر دو طرف باشند، استفاده می‌کنند. شرکت‌های فناوری جدید توسط شبکه‌های پخش تلویزیونی راه‌اندازی شده‌اند تا نقض حق کپی‌رایت را در بحث‌های حقوقی و رسانه‌های خبری دنبال و پیگیری کنند. امروزه اجرای حق کپی‌رایت و کنترل سرمایه فکری، از منابع مهم قدرت در جهان هستند. فوجاک<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) ذکر کردند که ارزش پخش تلویزیونی برپایه تعامل محتوا و ارزیابی بینندگان از برنامه پخش شده است. این ارزیابی کمک می‌کند که پخش تلویزیونی فعال و پویا و دوجانبه باشد. چنین امری موجب می‌شود که بینندگان پخش تلویزیونی احساس کنند که شبکه‌های تلویزیونی برای آنان ارزش قائل هستند. او<sup>۳</sup>، سانگ و وان (۲۰۱۷) در پژوهش تحلیل عاملی دو در دو، مطالعه‌ای تجربی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که پرشدن استادیوم‌های کوچک‌تر تأثیری مثبت بر ارزیابی مخاطبان وفادار از پخش تلویزیونی داشت.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد که ظرفیت اشغال‌شده استادیوم همان‌طور که در تلویزیون نشان داده می‌شود، به‌عنوان یک سینگال کیفیت درک‌شده تیم ورزشی استفاده می‌شود. مطالعه حاضر از نظریه سیگنالینگ برای ارزیابی اثر ظرفیت اشغال استادیوم بر مخاطبان تلویزیونی و درک کیفیت ادراک‌شده آنان از یک بازی فوتبال و قصد تماشاگران تلویزیونی برای حضور در استادیوم استفاده کرد. چالش

- 
1. Dittmore & Hutchins
  2. Fujak
  3. Oh

مهم این پژوهش بر حضور گسترده تماشاگران در مسابقات ورزشی متمرکز است؛ زیرا، با سکوهایی خالی، بخش قابل توجهی از درآمدهای اختصاصی تیم‌ها ناشی از فروش بلیت مسابقه، کاهش می‌یابد؛ تیم‌ها حمایت اجتماعی خود را از دست می‌دهند؛ کانون‌های هواداری شور و اشتیاق خود را برای حمایت از تیم از دست می‌دهند؛ فلسفه ساخت استادیوم‌ها و تجهیز آنان با تجهیزات پیشرفته با چالش روبه‌رو می‌شود و به اقتصاد باشگاه‌های ورزشی و ورزش کشور آسیب می‌رسد؛ از این‌رو، مدیران باشگاه‌های ورزشی و سازمان لیگ فوتبال کشور و فدراسیون باید بر حضور تماشاگران در استادیوم و فرهنگ‌سازی تماشای مسابقات در استادیوم مبادرت کنند. نتایج این پژوهش می‌تواند از طریق سیاست‌های بازاریابی به این امر مهم کمک کند.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی، مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است که به روش میدانی انجام شد. جامعه آماری دانشجویان پسر علوم ورزشی مقطع کارشناسی پنج دانشگاه منتخب استان‌های تهران و البرز (دانشگاه تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، شهید رجایی و دانشگاه خوارزمی) بودند که یکی از مسابقات لیگ برتر (بازی استقلال تهران - تراکتورسازی تبریز) را که در استادیوم آزادی انجام شده بود، از تلویزیون تماشا کردند. شایان ذکر است که برای دسترسی به دانشجویانی که بتوانند به پرسش‌نامه پاسخ دهند، به کلاس‌های ورزشی دانشگاه‌ها مراجعه شد تا علاقه‌مندان به ورزش که بازی فوتبال موردنظر را تماشا کرده بودند، بتوانند پاسخ‌گوی پرسش‌نامه باشند. برای تعیین تعداد حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری، در نظر گرفتن پنج تا ۱۵ پرسش‌نامه برای هر متغیر قاعده مناسبی است. شیوه نمونه‌گیری تصادفی در دسترس بود و از هر دانشگاه، ۴۵ پرسش‌نامه سالم در تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد شدند.

نحوه توزیع پرسش‌نامه، تصادفی در دسترس بود. امکان دسترسی نظام‌مند به تماشاگران بازی نبود؛ از این‌رو، سعی شد به صورت حضوری و با پرسیدن سؤال، غربالگری انجام شود و پرسش‌نامه در اختیار دانشجویانی قرار گیرد که دسترسی به تلویزیون داشته‌اند و توانسته‌اند مسابقه استقلال - تراکتورسازی را تماشا کنند. برای اینکه از دانشگاه‌های منتخب در نمونه حضور داشته باشند و از آنجایی که حجم جامعه نامعلوم بود، استفاده از روش‌های نظام‌مند تا حدود زیادی محدودیت داشت؛ بنابراین، سعی شد از هر دانشگاه ۴۵ پرسش‌نامه سالم جمع‌آوری شود.

با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر در مدل، ۲۲۵ پرسش‌نامه سالم جمع‌آوری شدند. ابزار پژوهش نیز براساس مرور ادبیات نظری و تصحیح پرسش‌نامه او و همکاران (۲۰۱۷)، در قالب ۱۵ گویه بود. هفت گویه به کیفیت ادراک شده، پنج گویه به قصد حضور در استادیوم و سه گویه به میزان وابستگی

به تلویزیون اختصاص داشتند. برای روایی ظاهری و محتوایی، پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان رسانه ورزشی و اساتید مدیریت ورزشی قرار داده شد و نسخه نهایی با رفع ایرادها و نقاط ابهام، اصلاح و ویرایش شد. برای جمع‌آوری پاسخ شرکت‌کنندگان، از طیف پنج‌ارزشی لیکرت (از یک = کاملاً مخالفم تا پنج = کاملاً موافقم) استفاده شد.

برای تعیین روایی سازه از روایی همگرا و واگرا استفاده شد. برای بررسی روایی همگرا، متوسط واریانس‌های استخراجی<sup>۱</sup> و پایایی ترکیبی<sup>۲</sup> برای تمامی سازه‌ها محاسبه شدند. نتایج نشان داد که همه سازه‌ها مقادیر قابل قبول برای VE بالاتر از ۰/۵ و CR بالاتر از ۰/۶ را برآورده می‌کنند که نتایج در جدول شماره یک گزارش شده است. همچنین، روایی واگرا از مقایسه مجذور ضرایب همبستگی میان هر دو سازه با مقدار VE سازه در این پژوهش بررسی شد. برای تأیید روایی واگرا، مجذور ضرایب همبستگی<sup>۳</sup> میان سازه‌ها باید کمتر از واریانس تبیین شده هر سازه باشد که نتایج نشان داد برای همه سازه‌ها این شرط برقرار است.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌های ذکر شده در جامعه آماری پژوهش، در یک مطالعه مقدماتی ۳۰ پرسش‌نامه توزیع شدند که نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای هر سه متغیر بالاتر از ۰/۷ قرار گرفت و تأیید شدند. پس از جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری، برای تعیین روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بار عاملی هر یک از گویه‌ها و نقش هر کدام از آن‌ها در تبیین مؤلفه‌های اصلی با استفاده از چرخش واریماکس<sup>۴</sup> انجام شد. برای تأیید کفایت نمونه از آزمون کیسر-میر-اوکلین<sup>۵</sup> استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره یک آورده شده است. از آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین جهت و شدت رابطه بین متغیرها استفاده شد. برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، به ترتیب از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس. و آموس<sup>۶</sup> استفاده شد.

## نتایج

جدول شماره یک نشان می‌دهد که حجم نمونه‌ها برای تحلیل متناسب بود. آزمون کرویت بارتلت<sup>۸</sup> که به دلیل بیان کفایت همبستگی بین گویه‌ها استفاده شد نیز از لحاظ آماری معنادار بود ( $P \leq 0/05$ ).

- 
1. Variance Extracted (VE)
  2. Composite Reliability (CR)
  3. Squared Multiple Correlation (SMC)
  4. Varimax rotation
  5. Kaiser- Meyer- Olkin
  6. SPSS
  7. AMOS
  8. Cruet Bartlett

نتیجهٔ آزمون آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه نیز بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ پایایی مطلوب ابزار پژوهش است.

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و پایایی

گویه‌ها	بار عاملی	درصد واریانس	درصد واریانس جمعی	VE	CR	KMO	آلفای کرونباخ
<b>کیفیت ادراک شده از تماشای پخش زنده بازی</b>							
تماشای بازی‌ها، انتظارات من را پاسخ می‌دهد.	۰/۶۷	۴۷/۶۲	۴۷/۶۲	۰/۷۸	۰/۷۰		
من از تماشای بازی‌ها (از طریق تلویزیون) لذت می‌برم.	۰/۷۲	۱۴/۵۷	۶۲/۱۹	۰/۶۹	۰/۸۱		
من راضی هستم که از طریق تلویزیون بازی‌ها را تماشا کنم.	۰/۷۶	۱۲/۶۹	۷۴/۸۸	۰/۸۱	۰/۶۹		
در پخش تلویزیونی، ظرفیت تکمیل‌شدهٔ استادیوم، نشان از کیفیت بالای بازی دارد.	۰/۶۶	۸/۸۸	۸۳/۷۶	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۷۳۳	۰/۸۱
تلویزیون تمام آنچه را که در جریان بازی اتفاق می‌افتد، با جزئیات کامل نشان می‌دهد.	۰/۵۴	۷/۷۹	۹۱/۵۵	۰/۸۳	۰/۸۶		
وضعیت سکوه‌های استادیوم (پر یا خالی بودن) را به خوبی از تلویزیون می‌توانم درک می‌کنم.	۰/۶۷	۴/۵۵	۹۶/۱	۰/۸۰	۰/۸۳		
<b>قصد حضور در استادیوم</b>							
اگر فرصتی به دست آورم، به محل برگزاری بازی می‌روم.	۰/۷۳	۵۵/۸۹	۵۵/۸۹	۰/۷۷	۰/۷۲		
من به دیگران توصیه می‌کنم که برای تماشای بازی‌ها به محل استادیوم بروند.	۰/۷۸	۱۴/۷۷	۷۰/۶۶	۰/۷۲	۰/۷۴		
وقتی بازی‌ها را از تلویزیون تماشا می‌کنم، تشویق می‌شوم که به استادیوم بروم.	۰/۷۷	۱۱/۲۵	۸۱/۹۱	۰/۷۸	۰/۸۱		
وقتی بازی‌ها را از تلویزیون تماشا کردم، آرزو کردم کاش می‌توانستم به استادیوم بروم تا از نزدیک بازی‌ها را ببینم.	۰/۷۳	۹/۴۲	۹۱/۳۴	۰/۸۱	۰/۸۰		
اگر فرصتی به دست آورم که بتوانم برای تماشای بازی به استادیوم بروم، من فوتبال را به سایر رشته‌های ورزشی ترجیح می‌دهم.	۰/۷۱	۸/۶۵	۱۰۰	۰/۷۵	۰/۷۹		

ادامه جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و پایایی

گویه‌ها	بار عاملی	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	VE	CR	KMO	آلفای کرونباخ
وابستگی به تلویزیون							
تلویزیون به من کمک می‌کند که تصمیم بگیرم کدام بازی را تماشا کنم.	۰/۸۱	۶۳/۸۱	۶۳/۸۱	۰/۸۳	۰/۷۶		
تلویزیون به من کمک می‌کند، کدام بازی ارزش رفتن به استادیوم را دارد.	۰/۷۴	۲۰/۸۵	۸۴/۶۷	۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷
تلویزیون به من کمک می‌کند که آخر هفته‌ها برای تماشای مسابقات در استادیوم، برنامه‌ریزی کنم.	۰/۸۳	۱۵/۳۲	۱۰۰	۰/۸۱	۰/۷۲		

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به همراه ضرایب همبستگی در جدول شماره دو آورده شده است. میانگین کیفیت ادراک شده از تماشای پخش زنده بازی برابر با ۴/۲۵ است. میانگین وابستگی به تلویزیون برابر با ۴/۱۸ است و قصد حضور در استادیوم میانگینی برابر با ۴/۰۵ دارد. کیفیت ادراک شده همبستگی مطلوبی با قصد حضور در استادیوم دارد ( $r = 0/74$ ).

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به همراه ضرایب همبستگی

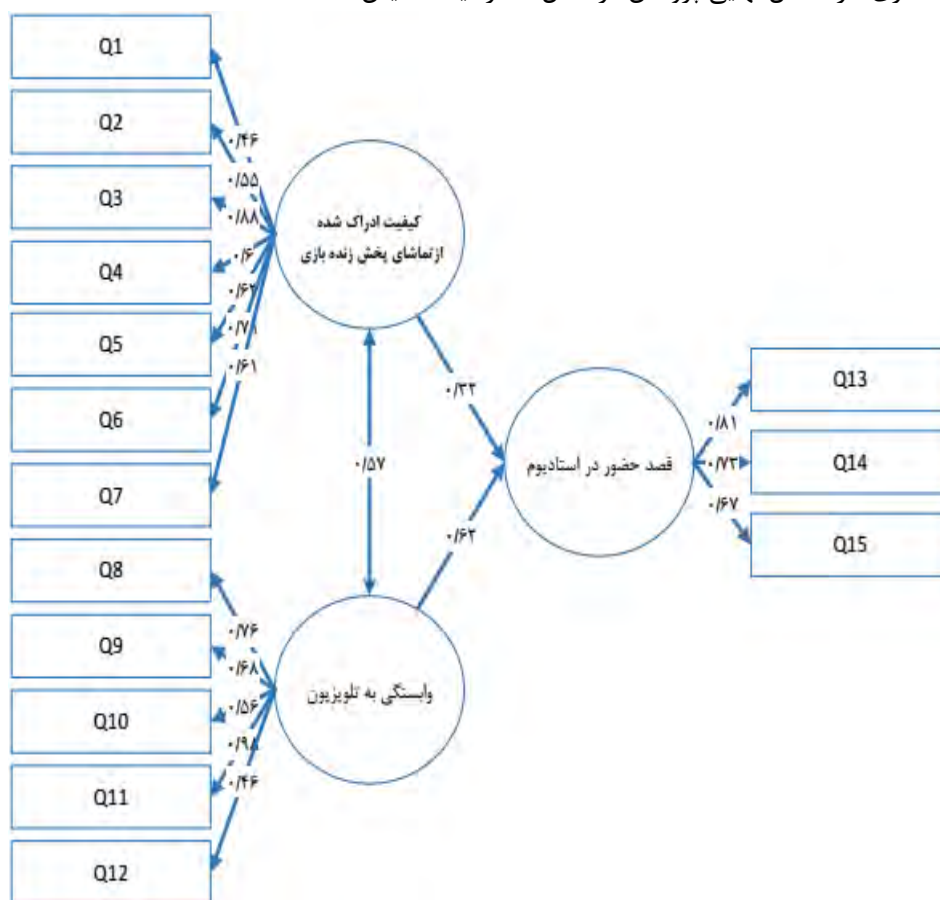
شماره	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱	کیفیت ادراک شده از تماشای پخش زنده بازی	۴/۲۵	۰/۴۳	۱	۰/۵۵	۰/۷۲
۲	وابستگی به تلویزیون	۴/۱۸	۰/۶۵	۰/۵۵	۱	۰/۷۴
۳	قصد حضور در استادیوم	۴/۰۵	۰/۶۶	۰/۷۲	۰/۷۴	۱

$P < 0/001$

با تکیه بر ادبیات نظری، پژوهشگران این مطالعه در پی آن بودند که اثر کیفیت ادراک شده از تماشای پخش زنده بازی و وابستگی به تلویزیون را (به‌عنوان متغیرهای برون‌داد) بر قصد حضور در استادیوم (متغیر درون‌داد) مطالعه کنند؛ از این رو، پس از انجام آمار توصیفی، برای اجرای مدل از نرم‌افزار آموس استفاده شد. نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش نشان داد که کیفیت درک شده از پخش تلویزیونی بازی‌ها با قصد حضور در استادیوم شرکت‌کنندگان در پژوهش، رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین،



وابستگی به تلویزیون نیز با قصد حضور تماشاگران تلویزیونی برای تماشای حضوری رابطه مثبت و معناداری دارد. مدل نهایی پژوهش در شکل شماره یک نمایش داده شده است.



شکل ۱- نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری

نتایج حاصل از اجرای مدل در نرم‌افزار آموس در جدول‌های شماره سه و شماره چهار آورده شده است. شاخص‌های برازش مطلق، برازش تطبیقی و مقتصد نشان دادند که مدل برازش مطلوبی دارد.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل در نرم‌افزار آموس

تفسیر	ملاک	مدل ۱	اختصار	نام شاخص	شاخص‌ها
برازش مطلوب	$GFI > 0/9$	0/96	GFI	شاخص نیکویی برازش	
برازش مطلوب	$AGFI > 0/9$	0/9	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	شاخص‌های برازش مطلق
برازش مطلوب	$RMR > 0/05$	0/027	RMR	ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده	
برازش مطلوب	$NNFI > 0/9$	0/96	NNFI (TLI)	برازش هنجار نشده (توکر - لويس)	
برازش مطلوب	$NFI > 0/9$	0/96	NFI	شاخص برازش هنجار شده یا شاخص بنتلر - بونت	شاخص‌های برازش تطبیقی
برازش مطلوب	$CFI > 0/9$	0/98	CFI	شاخص برازش تطبیقی	
برازش مطلوب	$RFI > 0/9$	0/91	RFI	برازش نسبی	
برازش مطلوب	$IFI > 0/9$	0/98	IFI	برازش افزایشی	
برازش مطلوب	$RMSEA < 0/1$	0/05	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	
برازش مطلوب	بین ۱ تا ۳	1/56	CMIN/df	کای - اسکوئر بهنجار شده به درجه آزادی	شاخص‌های برازش مقتصد
برازش مطلوب	بیشتر از 0/05	0/36	(PNFI)	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	
برازش مطلوب	بیشتر از 200	223	Hoelter	شاخص هولتر	

جدول ۴- ضرایب مسیر مدل نهایی پژوهش

سطح معناداری	ضریب بتا	مسیر
۰/۰۰۱	۰/۳۲	← قصد تماشای بازی‌ها در استادیوم
۰/۰۰۱	۰/۶۲	← قصد تماشای بازی‌ها در استادیوم
۰/۰۰۱	۰/۵۷	↔ وابستگی به تلویزیون

ضرایب مسیر مدل نهایی پژوهش در جدول شماره چهار آورده شده‌اند. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، هر دو متغیر برون‌زا اثر معناداری ( $P < ۰/۰۰۱$ ) بر متغیر درون‌زا دارند؛ به‌طوری‌که وابستگی به تلویزیون با ضریب اثر ۰/۳۲ و پخش زنده بازی با ضریب اثر ۰/۶۲، بر قصد تماشای بازی‌ها در استادیوم تأثیرگذار هستند. همچنین، کیفیت ادراک‌شده از بازی با ضریب تأثیر ۰/۵۷ بر وابستگی به تلویزیون تأثیرگذار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت ادراک‌شده از پخش تلویزیونی بر استقبال از بازی‌ها و قصد حضور در استادیوم اثر مثبت و معناداری داشت. این یافته از پژوهش با یافته‌های مطالعات ریوا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳)، ایوننو و باکیرتزوگلو (۲۰۱۶) و او و همکاران (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد. اگر پخش تلویزیونی بازی‌ها انتظارات مخاطبان را پاسخ دهد و اگر تماشای بازی‌ها لذت مخاطبان را به‌همراه داشته باشد، سیگنال‌های ارسالی نشان می‌دهند که کیفیت بازی‌ها مطلوب است؛ از این‌رو، در تبادلات و گفت‌وگوهای گروه‌های مرجع همچون گروه‌های هواداران، دوستان و جوامع برندی زیر فشار همکاران گروه، مخاطبان پخش تلویزیونی تصمیم می‌گیرند که در استادیوم حضور یابند. کیفیت مطلوب رسانه‌ها در پخش تلویزیونی، پخش تلویزیونی همراه با جزئیات مسابقات است. اگر ظرفیت تکمیل‌شده استادیوم بالا باشد، کیفیت ادراک‌شده مسابقه نزد مخاطبان تلویزیونی مطلوب خواهد بود؛ بر این اساس، محتمل خواهد بود که گروه‌های مخاطبان تلویزیونی برای تماشای مسابقات برای رفتن به استادیوم و قرارگرفتن در جو مطلوب و تماشا و تجربه لذت و هیجان زنده مسابقه مشتاق شوند.

این مطالعه تأکید کرد که درک بینندگان تلویزیونی از کیفیت یک بازی فوتبال با در نظر گرفتن میزان ظرفیت اشغال‌شده استادیوم است. پژوهشگران دریافته‌اند که کیفیت ادراک‌شده مطلوب قصد

تماشاگران را برای حضور در استادیوم افزایش خواهد داد و آنان را ترغیب می‌کند که دوستان خود را نیز برای تماشای مسابقه توجیه و تشویق کنند. انجام بازی در استادیوم‌های بزرگ، اما سکوهایی با تراکم کم، در نگاه بینندگان به معنی استقبال کم از بازی است. از نگاه فنی، کارگردانان پخش تلویزیونی باید در نظر داشته باشند که از کدام صحنه‌های استادیوم استفاده کنند. سکوهایی خالی یا سکوهایی با تراکم کم، ممکن است در نظر بینندگان به معنی این باشند که این بازی چندان جذابیت ندارد. از دیگر ویژگی‌های کیفیت ادراک شده نزد تماشاگران تلویزیونی، نمایش جزئیات حوادث بازی است؛ از این رو، کارگردانان تلویزیونی باید صحنه‌های هیجان‌برانگیز در جریان بازی را از دست ندهند و آن‌ها را برای مخاطبان تلویزیونی پخش کنند.

تماشاگران ورزشی‌ای که ورزش‌های تماشایی را از تلویزیون تماشا می‌کنند، میزان ظرفیت اشغال شده استادیوم را به عنوان یک سیگنال (در این پژوهش، منظور عنصری است که بعدی از کیفیت را نشان می‌دهد) کیفی بازی در نظر می‌گیرند (بولر و نوfer، ۲۰۱۲). به ویژه در رویدادهای ورزشی‌ای که ظرفیت بالایی از استادیوم اشغال می‌شود، سیگنال‌هایی قوی برای مخاطبان تلویزیونی ارسال می‌شوند که نشان‌دهنده آن هستند که بازی از کیفیت بالایی برخوردار است. به هر حال، پژوهش‌های اخیر که روی کیفیت خدمات انجام شده‌اند، نشان داده‌اند که کیفیت خدمات عنصری کلیدی برای قصد حضور در استادیوم برای تماشای یک مسابقه است (کیم، لاواتر و لی، ۲۰۰۶)؛ بنابراین، در راستای مطالعات قبلی، نتایج این پژوهش نیز تأکید کرد که کیفیت ادراک شده از تماشای یک بازی بر قصد حضور در استادیوم بینندگان تلویزیونی اثر دارد.

بر اساس نتایج مطالعات قبلی، سیگنال‌های متنوع برای فرستادن اطلاعات ارسال می‌شوند. سیگنال‌ها، عناصری نمادین همچون نام تجاری و دسترسی به اطلاعات کالا هستند (ماولانووا و همکاران، ۲۰۱۲). اگرچه ارسال این سیگنال‌ها عناصر اصلی در بازاریابی هستند، کاربرد آن‌ها در بازاریابی ورزشی رویدادهای ورزشی محدود است؛ زیرا، به نظر می‌رسد که تعیین کیفیت محصولات تجربی یا خدمات تجربه‌ای همچون بازی‌های ورزشی از طریق ارسال چنین سیگنال‌هایی مشکل است. نتیجه این پژوهش نشان داد که ظرفیت تکمیل شده یک استادیوم، یک سیگنال از کیفیت یک رویداد است و از دیدگاه گروه‌های همسالان یا گروه‌های دوستان، این سیگنال می‌تواند بر کیفیت ادراک شده توسط تماشاگران از پخش بازی‌ها مؤثر باشد.

بسیاری از پژوهشگران بر حضور در ورزشگاه و کیفیت بازی تأکید کرده‌اند. برخی از این مطالعات تأکید کرده‌اند که کیفیت بازی با حضور در استادیوم ارتباطی مثبت دارد و برعکس، حضور تماشاگران

در استادیوم به کیفیت بالای رویداد منجر می‌شود. یامامورا و شین (۲۰۰۹) بیان کردند که هرچه کیفیت بازی‌های یک لیگ بهتر شود، سرعت حضور تماشاگران در استادیوم‌ها افزایش می‌یابد. آمار لیگ ملی فوتبال ایالت متحده نشان داد که شانس بالای پیروزی در خانه ارتباطی مثبتی با حضور زیاد در بازی‌ها دارد و تعادل رقابتی را متعادل می‌کند (کوتز و هامفری، ۲۰۱۰).

به‌هرحال، مطالعات مختلفی ارتباط بین کیفیت مسابقات و حضور در مسابقات را بررسی کرده‌اند. فولرتون و میلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) ذکر کردند که کیفیت بازی موجب حضور بیشتر تماشاگران در بازی‌ها می‌شود. همچنین، به عقیده آن‌ها، عملکرد بازی از قبیل برنده شدن تیم محبوب، به حضور زیاد تماشاگران در بازی‌ها منجر می‌شود. پژوهشگران قبلی تعداد واقعی تماشاگران حاضر در استادیوم را در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که در این پژوهش، میزان ظرفیت اشغال شده بر صفحه‌نمایش تلویزیون و اثر آن بر قصد تماشاگران برای حضور در استادیوم تحت تأثیر فشار دوستان بود.

نتایج نشان داد که اگر ظرفیت اشغال شده استادیوم بالا باشد، کیفیت ادراک شده از بازی‌ها نزد افراد ارتقا می‌یابد و در نتیجه، قصد حضور در استادیوم برای تماشای مسابقه افزایش خواهد داشت. در این پژوهش، ظرفیت تکمیل شده استادیوم که در تلویزیون نمایش داده می‌شود، به جای تعداد واقعی حاضران در استادیوم در نظر گرفته شد؛ زیرا، استادیوم‌ها با توجه به مکان و مقیاس تیم‌های بومی، متفاوت هستند. شهرهای کوچک طبیعی است که استادیوم‌های کوچک‌تری دارند. همچنین، تیم‌های کوچک نیز استادیوم‌های بزرگی ندارند؛ در نتیجه، چگونگی تراکم حاضران در استادیوم می‌تواند معیار سنجش بهتری از کیفیت یک رویداد باشد. اگر بازی در یک استادیوم بزرگ برگزار شود و از این بازی استقبال زیادی نشود، سکوه‌های خالی در تلویزیون تماشاگران خانگی را مجاب می‌کنند که از این بازی استقبال زیادی نشده است و این بازی در نزد بینندگان تلویزیون کیفیتی عالی ندارد و در واقع، تماشاگرپسند نبوده است؛ از این رو، کیفیت ادراک شده از بازی در نزد بینندگان تلویزیونی کاهش می‌یابد؛ اما اگر بازی فوتبال در یک استادیوم کوچک برگزار شود و ظرفیت استادیوم تقریباً به‌طور کامل تکمیل شود، در نظر بینندگان تلویزیون آشکار می‌شود که از بازی استقبال خوبی شده است و بازی کیفیت خوبی دارد؛ در نتیجه، قصد آن‌ها برای حضور در استادیوم افزایش خواهد یافت.

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که وابستگی به تلویزیون بر تصمیم تماشاگران به حضور در استادیوم تأثیر می‌گذارد. این یافته از پژوهش با یافته‌های مطالعات بوهر و نوپر (۲۰۱۲)، فوجاک و همکاران (۲۰۱۷)، او و همکاران (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد. نتایج حاصل از این یافته به این نکته اشاره دارد که بینندگان متعصب تلویزیون از تماشای صحنه‌های جذاب و پخش زنده مسابقات تلویزیونی لذت می‌برند و برای تماشای زنده مسابقات نیز تصمیم می‌گیرند. تبلیغات جذاب تلویزیونی قبل از

بازی دو تیم محبوب یا برتر، احتمالاً تماشاگران تلویزیونی را برای رفتن به استادیوم ترغیب می‌کنند. همچنین، تلویزیون می‌تواند توضیحات مربوط به کیفیت تیم‌های مسابقه‌دهنده را از قبل به تماشاگران تلویزیونی انتقال دهد و بدین ترتیب، آن‌ها را توجیه کند که کدام بازی ارزش رفتن به استادیوم را دارد. تلویزیون می‌تواند به مخاطبان خود اطلاعات کاملی راجع به برنامه مسابقات تیم‌های مختلف ارائه دهد تا مخاطبان برای رفتن به استادیوم برنامه‌ریزی کنند.

به هر حال، این مطالعه نشان داد که نظریه سیگنالینگ و فشار ناشی از همکار یا دوست (اعضای گروه دوستان یا گروه مرجع)، اثر قابل توجهی بر تماشاگران تلویزیونی برای قصد حضور در استادیوم دارند؛ بنابراین، جایگاه‌های تکمیل شده تأییدی است بر اینکه کیفیت بازی در حال اجرا بالا است و در نتیجه، تعداد تماشاگرانی که در آینده به تماشای مسابقات می‌آیند نیز بیشتر خواهد شد. این مطلب برای بازی‌های جام آزادگان نیز می‌تواند استفاده شود. آمارها نشان داده‌اند که در فصل ۲۰۱۴-۲۰۱۵ در بازی‌های همه باشگاه‌های زیرنظارت فیفا در کل دنیا، حدود هشت هزار نفر به طور میانگین از هر بازی دیدن کرده‌اند که این تعداد ظرفیتی کمتر از ۲۰ درصد از کل ظرفیت تماشاگران استادیوم‌ها بوده است. این آمار نشان می‌دهد که بسیاری از تیم‌ها نیازی ندارند که استادیوم تازه‌ای بسازند یا استادیوم خود را گسترش دهند؛ اما هر باشگاه باید به فکر پرکردن ظرفیت استادیوم خود باشد. به طور عملیاتی، باشگاه‌ها می‌توانند جایگاه تماشاگران را سازمان‌دهی کنند و مکان‌های خالی را با تبلیغات کانون هواداران یا بنرهای سازمان‌های خیریه یا تبلیغات حامیان مالی پر کنند و بدین ترتیب، تماشاگران را در مکان‌های مناسبی متمرکز کنند تا ظرفیت خالی استادیوم در تلویزیون پخش نشود و دوربین‌های پخش تلویزیونی باید جایگاه تکمیل شده استادیوم را نمایش دهند. افزون‌براین، حضور بنرهای حامیان مالی می‌تواند درآمدزایی خوبی برای باشگاه داشته باشد (لی، ۲۰۱۵)؛ حتی بنرهای حمایت از سازمان‌های خیریه همچون محک می‌توانند چهره خوبی را از باشگاه در اجتماع و نیز مسئولیت اجتماعی باشگاه را نشان دهند.

راه‌های مختلفی برای افزایش تعداد تماشاگران حاضر در استادیوم بررسی و مطالعه می‌شوند. همچنین، عنصر دیگری که می‌تواند علاوه بر ارتباط کیفیت ادراک شده و بر قصد حضور در استادیوم تأثیر بگذارد، وابستگی تماشاگران به تلویزیون است. تماشاگران با وابستگی زیاد به تلویزیون، قادرند سیگنال‌های ارسالی از تلویزیون را در زمان پخش مسابقه دریافت کنند و با تصمیم به حضور تماشاگران در استادیوم تحت تأثیر گروه‌های مرجع قرار گیرند. هرچه تماشاگران به تلویزیون بیشتر حساس باشند، سیگنال‌های بیشتری از تلویزیون در زمان پخش مسابقات دریافت می‌کنند. تماشاگران ورزشی به بازی‌ها به شکل ورزش تجربه‌ای یا کالای تجربه‌ای نگاه می‌کنند (بوهر و نوfer، ۲۰۱۲)؛ کورتز،

۲۰۱۷). بازی‌ها هیچ‌گاه ورزش مطمئنی نیستند (دوگانوگلو، ۲۰۱۰). در واقع، بهترین تیم‌ها با بهترین عملکرد در بازی‌های قبلی، تضمینی نمی‌دهند که بازی‌های بعدی را ببرند؛ بنابراین، مردم با تکیه بر اطلاعات قبلی این رویدادها را تماشا کنند یا براساس عادت همیشگی‌شان، یک تیم را همیشه انتخاب می‌کنند و هوادار آن می‌مانند یا بدین دلیل که با یک سازمان در ارتباط هستند، تماشای بازی تیم خود را انتخاب می‌کنند (وان، گریو، زاپالاک و پیس ۲۰۰۸؛ والاسی، ویلسون و میلوچ ۲۰۱۱). در حال حاضر، رقابت بر سر حق پخش تلویزیونی بین باشگاه‌های مختلف دنیا و شرکت‌های فناوری اقماری شدید است. به طرز جالبی، تماشاگران حاضر در استادیوم نیز بسیار مشتاق هستند در مکانی بنشینند که دوربین‌های پخش تلویزیونی حرکات آن‌ها را مدنظر قرار دهند؛ حتی تماشاگران ممکن است چند ساعت زودتر در مکان استادیوم حاضر شوند تا در مکان‌های یادشده قرار گیرند و در عوض، تماشاگرانی که دیر می‌رسند این گزینه را نخواهند داشت؛ از این رو، دوربین‌ها فضاهایی را در تلویزیون نشان می‌دهند که به سرعت توسط تماشاگران پر شده‌اند و فضاهای خالی نمایش داده نمی‌شوند. براساس یافته‌های حاصل از مدل مبنی بر تأثیر وابستگی به تلویزیون بر قصد تماشای بازی در استادیوم، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های ورزشی و تلویزیون با همدیگر همکاری کنند تا توجه مشتریان را برای تماشای ورزش با راه‌های مختلف امتحان کنند. چنین همکاری‌هایی می‌توانند نوعی هم‌افزایی ایجاد کنند و تعداد بینندگان تلویزیونی را افزایش دهند و حق پخش تلویزیونی و درآمدهای ناشی از آن را افزایش دهند. همچنین، با توجه به یافته‌های حاصل از مدل پژوهش پیشنهاد می‌شود که پخش تلویزیونی دوربین‌های خود را به گونه‌ای مستقر کند که دوربین‌ها بتوانند ظرفیت تکمیل شده بیشتری از استادیوم را نشان دهند و بدین ترتیب، قابلیت دیده شدن تیم‌ها را بهتر کنند.

## منابع

1. Arabnarmi, B., Goodarzi, M., Sjjadi, S., N., & Khabiri, M. (2017). TV and public sport development: A grounded theory. *Sport Management Studies*, 8(40), 17-38. (Persian).
2. Buhler, A., & Nufer, G. (2010). *Relationship marketing in sports*. Oxford: Butterworth-Heinemann.
3. Connelly, B.L., Certo, S.T., Ireland, R.D. and Reutzel, C.R. (2011), "Signaling theory: a review and assessment", *Journal of Management*, 37(1), 39-67.
- Cortés, G. L. (2017). The influence of symbolic consumption on experience value and the use of virtual social networks. *Spanish Journal of Marketing – ESIC*, 21(1), 39-51.

- 
1. Doganoglu
  2. Wann
  3. Wallace

4. Dawar, N., & Parker, P. (1994). Marketing universals: Consumers' use of brand name, price, physical appearance, and retailer reputation as signals of product quality. *Journal of Marketing*, 58(2), 81-95.
5. Dittmore, S. W., & Hutchins, B. (2016). Privilege over Innovation: Sports broadcasting, mobile television, and the case of Aereo. *Journal of Legal Aspects of Sport*, 27, 3-18.
6. Doganoglu, T. (2010). Switching costs, experience goods and dynamic price competition. *Quantitative Marketing and Economics*, 8(2), 167-205.
7. Fujak, H., Frawley, S., & Bush, S. (2017). Quantifying the value of sport broadcast rights. *Media International Australia*, 164(1), 1-13.
8. Fullerton, T. M. Jr., & Miller, W. A. (2017). Rivalries, tradition, and recession proof collegiate football attendance in El Paso. *Journal of Sports Economics & Management*, 7(2), 58-77.
9. Hayes, A. F., & Preacher, K. J. (2013). Statistical mediation analysis with a multi categorical independent variable. *British Journal of Mathematical and Statistical Psychology*, 64(3), 451-470.
10. Hooman, H. A. (2016). Structural equation modeling using laser software (with corrections). Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (SAMT). (Persian).
11. Howard, D. R., & Crompton, J. L. (2013). *Financial sport (3rd Ed.)*. : Fit Publishing, Morgantown, WV.
12. Ide, J. K., Parkerson, J., Haertel, G. D., & Walberg, H. J. (1981). Peer group influence on educational outcomes: A quantitative synthesis. *Journal of Educational Psychology*, 73(4), 472-484.
13. Ioannou, P., & Bakirtoglou, P. (2016). The relationship between stadium factors on spectators' satisfaction in Greek Soccer Super League. *Journal of Human Sport & Exercise*, 11(4), 437-514.
14. Jalali Farahani, M., & Ali Doust Qahfarokhi, I. (2013). Analysis of obstacles to the realization of the right to broadcast television in professional sport of Iran. *Physiology and Management Studies in Sports*, (13), 47-59. (Persian).
15. Jeong-Yoo, K., & Nathan, B. (2017). Reexamining the Schmalensee effect. *Economics: The Open-Access, Open-Assessment E-Journal*, 14(5), 1-12.
16. Kim, H., LaVetter, D. and Lee, J. (2006), "The influence of service quality factors on customersatisfaction and repurchase intention in the Korean professional basketball league", *International Journal of Applied Sports Sciences*, Vol. 18 No. 1, pp. 39-58.
17. Kirmani, A., & Rao, A. R. (2000). No pain, no gain: A critical review of the literature on signaling unobservable product quality. *Journal of Marketing*, 64(2), 66-79.
18. Lee, K.J. (2015), "Suwon and Seoul introduced sponsorship banner covered second floor of their home", *Chosun Media*, April 17, available at: [http://news.chosun.com/site/data/html\\_dir/2015/04/17/2015041702374.html](http://news.chosun.com/site/data/html_dir/2015/04/17/2015041702374.html)
19. Mavlanova, T., Benbunan-Fich, R., & Koufaris, M. (2012). Signaling theory and information asymmetry in online commerce. *Information & Management*, 49(5), 240-247.
20. Moghadas, M., Hamidi, M., & Jafari, A. (2014). Comparison of the views of specialists, managers and heroes about the role of television broadcasting sports events in the development of championship sport. *Communication Management in Sports Media*, 1(4), 24-31. (Persian).
21. Nelson, P. (1970). Information and consumer behavior. *The Journal of Political Economy*, 78(2), 311-329.



22. Oh, T., Sung, H., & Kwon, K. D. (2017). Effect of the stadium occupancy rate on perceived game quality and visit intention. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 18(2), 166-179.
23. Park, H. M., & Manchanda, P. (2015). When harry met with sally: An empirical analysis of multiple peer effects in casino gambling behavior. *Marketing Science*, 34(2), 179-194.
24. Rezaei, Sh., Amiri, M., & Kouzechian, H. (2016). Examining the obstacles to the development of mutual relations between football clubs and the IRIB in Iran. *Sports Management*, 31, 189-206. (Persian).
25. Rui, B., Abel, C., Masayuki, Y., Antonio, R., & Joao, M. (2013). The role of service quality and ticket pricing on satisfaction and behavioral intention within professional Football. *International Journal of Sports Marketing & Sponsorship*, 14(4), 88-100.
26. Shonk, D., Pate, J., Lee, C., & Bosley, A. (2017). Examining the psychological commitment and motivation for attending a non-ticketed event: A case study of ESPN's college game day. *Journal of Issues in Intercollegiate Athletics*, (10), 147-161.
27. Theodorakis, N., Kambitsis, C., & Laios, A. (2001). Relationship between measures of service quality and satisfaction of spectators in professional sports. *Managing Service Quality*, 11(6), 431-438.
28. Wallace, L., Wilson, J., & Miloch, K. (2011). Sporting facebook: A content analysis of NCAA organizational sport pages and Big 12 conference athletic department pages. *International Journal of Sport Communication*, 4(4), 422-444.
29. Wann, D. L., Grieve, F. G., Zapalac, R. K., & Pease, D. G. (2008). Motivational profiles of sport fans of different sports. *Sport Marketing Quarterly*, 17(1), 6-19.
30. Yang, Z., Wang, J., & Mourali, M. (2014). Effect of peer influence on unauthorized music downloading and sharing: The moderating role of self-construal. *Journal of Business Research*, 68(3), 516-525.

#### استناد به مقاله

فریدونی، مسعود، کلاته‌سیفاری، معصومه. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت ادراک‌شدهٔ پخش تلویزیونی و وابستگی بینندگان به تلویزیون بر قصد حضور در استادیوم فوتبال. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۱۹۳-۲۱۲. شناسهٔ دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5231.1397

Freydoni, M., Kalateh Seifari, M. (2019). The Impact between the Perceived Quality of Television Broadcasting and the Dependence of Viewers on the Television on the Intention to Attend the Football Stadium. *Research on Educational Sport*, 7(16): 193-212. (Persian).  
Doi: 10.22089/RES.2018.5231.1397

## شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده بنیاد)

محمدصادق افروزه<sup>۱</sup>، حسین زارعیان<sup>۲</sup>، بهلول کاظمی کرانی<sup>۳</sup>

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه جهرم\*

۲. استادیار مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه جهرم

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

### چکیده

در دو دهه اخیر، توجه به پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش، مورد تأکید قرار گرفته است که تاکنون از این موضوع در ورزش ایران غفلت شده است؛ از این رو، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش بود. با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی موضوع خشونت علیه کودکان در ورزش، از روش پژوهش کیفی از نوع داده بنیاد و به شیوه گلیزر (۱۹۹۲) استفاده شد. فهرست مقدماتی با استفاده مطالعات اولیه فراهم شد که در ادامه با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با پایایی توافق درون موضوعی مناسب با ۱۶ از نخبگان، مربیان و کارشناسان آگاه از موضوع پژوهش، داده‌های مورد تأیید جمع آوری شدند. برای روایی مصاحبه‌ها نیز از منابع و تحلیلگران متعدد، داده‌های حداکثری و ثبت آنان بهره گرفته شد. داده‌ها با روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند و نتایج کدگذاری باز به شناسایی ۹۸ نشان در دو حوزه ابعاد و بسترها منجر شد. در حیطه ابعاد، نشان‌ها در هفت مفهوم طبقه‌بندی شدند و در نهایت، در کدگذاری گزینشی، سه مؤلفه خشونت کلامی، بدنی و روانی شناسایی شدند. در حوزه بسترها نیز نه مقوله ناآگاهی، تابو، خرده فرهنگ، ساختار خانواده، ساختار باشگاه، ویژگی‌های شخصیتی عوامل باشگاه، امیال شخصی، یادگیری اجتماعی و موقعیت کودک طبقه‌بندی شدند. در کدگذاری گزینشی، سه مؤلفه زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی شدند. به نظر می‌رسد عوامل تشکیل دهنده‌ای که در بروز پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش ایران نقش ایفا می‌کنند، چهار عنصر فرد، خانواده، جامعه و باشگاه هستند که نقصان در هر عنصر می‌تواند راه را برای خشونت علیه کودک هموار کند. پیشنهاد می‌شود که ابتدا قوانین به صورت شفاف و سختگیرانه تدوین شوند و استانداردها ابلاغ شوند و در این راستا، رسانه و سازمان‌های غیردولتی نیز به آموزش‌های حمایتی و قانونی خانواده‌ها، باشگاه و کودکان همت گمارند.

**واژگان کلیدی:** خشونت کلامی، خشونت بدنی، ورزش، کودکان.

## مقدمه

پدیده خشونت به مثابه یکی از معضلات بزرگ جامعه متمدن امروزی است که با پیشرفت‌های اخیر بشر، تغییر الگوهای زندگی و روابط انسانی به ویژه بسط الگوهای جدید زندگی اجتماعی، مسائل اخلاقی و مشکلات مرتبط به آن نیز اشکال جدیدتری به خود گرفته است (بختیار نصرآبادی، بهردان و بهردان ۱۳۹۰). نظریه‌های مختلفی در حوزه خشونت وجود دارند که به تبع آن، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از دیدگاه جامعه‌شناسان مطرح شده‌اند؛ از جمله خشونت کنشگرانه که گونه‌ای از خشونت آشکار است که کنشگران اجتماعی دستگاه‌های انضباطی و سرکوبگر اعمال می‌کنند و می‌توان آن را در قالب جرم، جنایت، ترور و ناآرامی‌های مدنی مشاهده کرد (پاکمان، ۲۰۰۹). همچنین، نوع دیگری از خشونت که نظام‌مند و قاعده‌مند است، به عنوان خشونت سیستمی اعمال می‌شود، سبب از خودبیگانگی است و عموماً به صورت نامرئی است، از دیگر گونه‌های خشونت کنش‌پذیرانه است که ناشی از خصوصیات هویتی هر فرد در جامعه است و معمولاً ناخواسته روی می‌دهد (ژیژک، ۱۳۹۲). مرتن<sup>۴</sup> (۱۹۷۵) در نظریه موسوم به آنومی<sup>۵</sup> به این رویکرد توجه داشت که چگونه اهداف فرهنگی مطلوب و فرصت‌ها در جامعه، گاهی به کج‌روی‌های اجتماعی از جمله خشونت منجر می‌شوند. در جامعه مباحث دیگری در مورد خشونت یافت می‌شوند که گاهی با واژه «پرخاشگری»<sup>۶</sup> قرابت دارند؛ هر چند این واژه‌ها متفاوت هستند (تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱) کما این که نظریه‌هایی مانند نظریه غریزی فروید که قواعد حاکم بر نظام موجودات زنده را در انسان نیز مستول می‌داند پرخاشگری را نمادی از خشونت فردی می‌داند (جیل و زیگلر، ۱۹۹۲)؛ اما شاید مهم‌ترین و مرسوم‌ترین گونه خشونت، خشونت نمادین باشد که ذهن را نشانه می‌گیرد و شامل چهار گونه توجیهی، عاطفی، اخلاقی و زبانی است (بورديو، ۲۰۰۸) و در بیشتر حوزه‌های جامعه به صورت ملموس مشاهده می‌شود که یکی از این حوزه‌ها به صورت خاص در ورزش است. تعریف سازمان بهداشت جهانی از خشونت، استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت یا تهدید در برابر خود یا شخص دیگر یا علیه یک گروه یا جامعه است که در نتیجه وقوع آن، احتمال ایجاد آسیب روحی و جسمی،

- 
1. Violence
  2. Packman
  3. Žižek
  4. Merton
  5. Anomie
  6. Aggression
  7. Hjelle & Ziegler
  8. Bourdieu
  9. WHO

مرگ یا محرومیت وجود دارد (کراگف، دالبرگ، مرسی، زوی و لوزانو، ۲۰۰۲). این در صورتی است که تری و جکسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) خشونت در ورزش را به عنوان رفتاری خارج از قواعد ورزشی می دانند که ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد؛ البته مصداق خشونت در حوزه های کسب و کار، آموزش و ورزش می تواند شامل ابعاد منحصر به فردی شود؛ هر چند اسمیت<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) خشونت را متنوع می داند و بین خشونت بدنی، خشونت بینابینی<sup>۴</sup>، خشونت شبه جنایی<sup>۵</sup> و خشونت جنایی تفاوت قائل است. به هر حال، با توجه به پژوهش های موجود می توان خشونت را در چند حیطه طبقه بندی کرد که یکی از این طبقه ها، خشونت های جنسی است. معمولاً در بسیاری از موارد سوء استفاده های جنسی انکار می شوند؛ مگر در صورتی که شهادت افراد آن را تأیید کند (فلویری و مک لیلان، ۱۹۹۸). این یک رویکرد رسانه ای است که معمولاً به جای توجه به عوامل، چنین مواردی را تنها به ضعف اخلاقی نسبت می دهند (هارتیل، ۲۰۱۳).<sup>۶</sup> بیشتر نظریه های مرتبط با سوء استفاده جنسی، بر پنهان کاری و سوء استفاده از قدرت تکیه دارند (وارد، پولاسک و بیچ، ۲۰۰۶).<sup>۷</sup> با وجود همه موارد، سازمان های ورزشی به غیر از افرادی که به طور مستقیم در اتهام ها دخیل هستند، به پاسخ دادن به سوء استفاده از کودک تمایلی ندارند. رسیدن به پذیرش واقعیت سوء استفاده از کودک در ورزش، روندی آهسته و دشوار است؛ اما ایجاد حفاظت از کودکان در واحد ورزشی نشانگر تغییر قابل توجهی در نگرش به ورزش است (بوکوک، ۲۰۰۸)؛ اما در این موضع، تنها سوء استفاده جنسی از کودک مطرح نیست و گاهی سوء استفاده های عاطفی از کودکان نیز به میان می آیند که نوع تهدیدهای مریبان در کودکان یا برد به هر قیمت برای ورزشکاران نخبه، از این نوع است (گریوس و دان، ۲۰۰۴).<sup>۸</sup> بریکندریج، برینگر و بی شاپ<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) نیز با تأکید به میزان خشونت های عاطفی و روانی، آن را بسیار شایع تر از آزارهای جنسی در حیطه ورزش عنوان کرده اند. آزارهای جنسی نیز به عنوان بخشی از خشونت هستند که در واقع، بعد از حادثه محکومیت پول هیکسون، مربی شنای المپیک بریتانیا، به خاطر آزارهای جنسی در سال ۱۹۹۳، به مرور به آن ها تأکید و توجه شد (بریکندریج، ۲۰۰۱)؛ اما بسترهای رواج و بسط

- 
1. Krug, Dahlberg, Mercy, Zwi & Lozano
  2. Terry & Jackson
  3. Smith
  4. Borde Line Violence
  5. Quasi Criminal Violence
  6. Fleury, T., & McLellan
  7. Hartill
  8. Ward, Polaschek & Beech
  9. Boocock
  10. Gervis & Dunn
  11. Brackenridge, Bringer & Bishopp

خشونت‌ها نیز متنوع هستند؛ به‌صورتی که تسلط مربیان در رابطهٔ مربی و ورزشکار ناشی از تجربیات مربی، سن بیشتر مربی و دسترسی وی به منابع و پاداش (تامینوسن و استراچان، ۱۹۹۶)، ظرفیت سوءاستفادهٔ مربیان را افزایش می‌دهند. کروس (۱۹۸۶) معتقد است که یکی از عوامل سوءاستفادهٔ مربیان، استقلال‌نداشتن ورزشکار و کنترل زیاد مربی است. الکساندر، استافورد و لیوز (۲۰۱۱) خشونت‌های زبانی مانند جوک‌های مستهجن و جنسی، تعادل‌نداشتن قدرت ورزشکار کودک و مربی و اعتماد زیاد بین کودک و مربی ورزش را از عوامل آزارهای جنسی در اماکن ورزشی دانسته‌اند. نتایج پژوهش پرن (۲۰۱۱) نشان داد که چندین مشکل مؤثر در افشای سوءاستفادهٔ جنسی در سازمان‌های ورزشی وجود دارند که مهم‌ترین آن، آموزش‌ندیدن مدیران برای رسیدگی به این موارد و همچنین، احساس صلاحیت‌نداشتن خود برای رسیدگی به موارد سوءاستفاده است. برخی از پژوهشگران حیطهٔ وسیع‌تری را بررسی کرده‌اند؛ مانند ورتمن<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۶) که سه حیطهٔ خشونت‌های روانی، فیزیکی و جنسی را در ورزشکاران زیر ۱۸ سال بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعهٔ آن‌ها نشان داد که به‌ترتیب ۳۸ درصد، ۱۱ درصد و ۱۸ درصد از ورزشکاران این خشونت‌ها را تجربه کرده‌اند. علاوه‌براین، سوءاستفادهٔ جنسی در ورزش در هر دو جنس مشهود بوده است؛ اما در زنان و دختران درصد بیشتری از سوءاستفاده گزارش شده است. همچنین، سوءاستفاده در ورزشکاران مبتدی نسبت به ورزشکاران نخبه فراگیری بیشتری دارد (لیای، پرتی و تانن‌بام، ۲۰۰۲؛ فاستینگ، براکیندریج و ساندگت-برگین، ۲۰۰۳). این درحالی است که پرن و بانن (۲۰۱۲) اعلام کردند که دو تا شش درصد از قربانیان خشونت جنسی در ورزشکاران را پسران تشکیل می‌دهند. تحقیقات در جامعهٔ ورزشی بریتانیا نشان داده شده که ۷۵ درصد از آسیب‌های عاطفی و ۲۴ درصد از آسیب‌های فیزیکی در ورزشکاران زیر سن ۱۶ گزارش شده‌اند و با این حال، نرخ سقط جنین تنها کمتر از یک درصد بوده است (تیسن، لوکاسین، ون دن دول و ون کالاموس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). همچنین، به عقیدهٔ بلیک‌مور، لسلی هربرت، آرنی و پارکینسون (۲۰۱۷)، با توجه به سوءاستفادهٔ جنسی از کودک در سایر زمینه‌ها، سوءاستفادهٔ جنسی از کودک درون‌سازمانی با تأثیرات متعدد و فراگیر و مرتبط با رفاه

- 
1. Thomlinson & Strachan
  2. Crosset
  3. Alexander, Stafford & Lewis
  4. Parent
  5. TineVertommen
  6. Leahy, Pretty & Tenenbaum
  7. Fasting, Brackenridge & Sundgot-Borgen
  8. Parent & Bannon
  9. Tiessen-Raaphorst, Lucassen, van den Dool & van Kalmthout
  10. Blakemore, LeslieHerbert, Arney & Parkinson

روانی، جسمی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی قربانیان بازماندگان ارتباط دارد. پرت و فورتیر (۲۰۱۷) نیز معتقدند با توجه به اذعان پژوهشگران به این مقوله اجتماعی هنوز می‌توان غفلت مدیران در بروز آن را مشهود دانست. استرلینگ و کر (۲۰۰۸) در پژوهش خود روی زنان نخبه ورزشکار به این نتیجه رسیدند که ورزشکاران معمولاً توسط رفتارهای زبانی، رفتارهای فیزیکی و بی‌توجهی یا حمایت‌های ویژه، مورد سوء رفتار عاطفی مریبان قرار گرفته‌اند. رومین، ون کالمتوس، بریدولد و لوکاسن (۲۰۱۳) با بررسی در جامعه ورزشی هلند نشان دادند که ۱۱ درصد از افراد ۱۲ سال به بالا قربانی یا شاهد خشونت‌های کلامی، ۱۲ درصد قربانی برخوردهای فیزیکی و در حدود یک درصد قربانی تجاوز جنسی در ورزش بوده‌اند. رومین و همکاران به شناسایی راهکارهای مبارزه با این معضل نیز پرداخته‌اند. پرت (۲۰۱۱) اقدام‌هایی نظیر آموزش مدیران ورزش، حمایت از اقدام‌های پیشگیرانه و نیز نظارت بر تصمیم‌گیرندگان در مجموعه‌های ورزشی را از اقدام‌های کاهش و مبارزه با سوءاستفاده از کودکان در ورزش عنوان کرد. این راهبردها به ایجاد راهکارهای شفاف برای حمایت از کودکان منجر می‌شوند و طرح شکایت از متخلفان را فراهم می‌کنند. ورزشکاران به‌طور مداوم با خواسته‌های کنترل خود مواجه می‌شوند؛ اما پژوهش‌های قبلی و شواهد تجربی نشان می‌دهند که ورزشکاران همیشه قادر به پاسخ‌گویی به این خواسته‌ها نیستند. براساس مدل قدرت کنترل خود، افراد قدرت کنترل محدودی دارند که پس از خواندن کنترل خود (به‌عنوان مثال، تنظیم توجه) می‌توانند به‌طور موقت از بین بروند. هنگامی که کودکان قدرت کنترل خود را ازدست می‌دهد که در حال تمرین‌های شدید هستند؛ و در این زمان کمتر به دنبال رژیم‌های ورزشی خود هستند و تمایل به بدتر شدن دارند (اینگرت، ۲۰۱۷). کاووسان و استرنجر (۲۰۱۷) متغیرهای انگیزشی و اخلاقی را پیش‌بینی‌کننده‌های مهم رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی ورزشکاران می‌دانند و اولویت سالم‌سازی را از عوامل روانی مریبان و ورزشکاران می‌دانند. به‌هرحال، با توجه به محیط‌های ورزشی‌ای که در تمام دنیا وجود دارند و اتفاق‌های این‌چنینی، در ایران نیز گاهی برخی اخبار غیررسمی در مورد سوءاستفاده از کودکان در رشته‌های مختلف به‌خصوص در فوتبال مطرح می‌شوند. پژوهش‌های زیادی درباره خشونت‌های خانگی و زنان انجام شده‌اند؛ اما در حوزه ورزش این پژوهش‌ها حتی در دنیا نیز بسیار انگشت‌شمار هستند (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۱). در ایران، این مطالعات در حوزه‌هایی غیر از ورزش مورد توجه بوده‌اند؛ به‌صورتی که چلبی و رسول‌زاده (۱۳۸۱) سه عامل ارزش کودک، نظم در خانواده و تضاد را از عوامل

- 
1. Parent & Fortier
  2. Stirling & Kerr
  3. Romijn van Kalmthout, Breedveld & Lucassen
  4. Englert
  5. Kavussanu & Stanger

خشونت در خانواده‌های ایرانی مطرح کردند و نتیجه گرفتند که در صورت ارتقای نظم در خانواده‌ها، به میزان قابل توجهی از میزان خشونت کاسته می‌شود. علاوه بر این، برخی پژوهشگران از جمله فولادی‌راد (۱۳۹۱) در ایران، علاوه بر تأثیر عامل خانواده، تلویزیون را نیز یکی از عوامل مؤثر در توسعه خشونت علیه کودکان و پرخاشگری کودکان نام برده است. از موارد دیگر خشونت در جامعه ایران در مقاله کفاشی (۱۳۸۱) بیان شده است. به عقیده وی، تحصیلات والدین، پایین بودن سطح اقتصادی و وضعیت شغلی والدین تأثیر معناداری بر خشونت علیه کودکان دارند. همچنین، کریمی، محقق کمال، امینی هارونی، احمدی و جرجان شوستری (۱۳۹۴) خشونت علیه کودکان را در ایران بسیار گسترده می‌دانند و حیطه‌هایی مانند کار، سیگار، تنبیه و مراقبت ناکافی را از مهم‌ترین وجهه‌های خشونت علیه کودکان می‌دانند که در بسیاری از استان‌ها با شدت و ضعف وجود دارند. همان‌طور که گفته شد، حیطه‌های گسترده‌ای در حوزه خشونت وجود دارند. توسعه و فراگیر شدن ورزش در کشور، پژوهشگران مطالعه حاضر را بر آن داشته است تا به شناسایی مصادیق و بسترهای بروز این موارد در ورزش کشور مذهبی ایران بپردازند و تاحدامکان راه‌های کاهش و مبارزه با آن را شناسایی کنند. در مفاهیم کودک‌آزاری، آزار جسمی، آزار جنسی، غفلت و بسیاری مفاهیم، اشتراک نظری مشاهده نشد؛ اما در این پژوهش، همه این موارد در قالب خشونت علیه کودکان قلمداد شدند. پژوهشگران مطالعه حاضر معتقدند که شناسایی پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش می‌تواند با هشدار و پیشنهاد به جامعه ورزش و خانواده‌ها، علاوه بر کاهش موارد خشونت، به حسن‌نیت خانواده‌ها نسبت به ورزش و نیز توسعه اخلاقیات، حرفه‌گری باشگاه‌ها و سوق‌دهی بیشتر جامعه به ورزش منجر شود.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به مبهم‌بودن پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش، این پژوهش از منظر راهبرد، کیفی است. در این مطالعه، از منظر اجرا، از روش داده بنیاد استفاده شد. پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی، از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهده‌ها و غیره استفاده می‌کند و داده بنیاد شامل سبک‌های متعددی است که در این پژوهش از رهیافت ظاهرشونده مربوط به اثر گلیرز<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. در مرحله اول پژوهش، با مطالعه پیشینه پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، فهرست مقدماتی از مصادیق و بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش شناسایی شد. فهرست مقدماتی به‌عنوان سؤال‌های مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها مدنظر قرار گرفت و سپس، پروتکل مصاحبه تدوین شد. پژوهشگر قبل از انجام مصاحبه با هریک از

- 
1. Emergent
  2. Glaser

نخبگان و کارشناسان، راهنمای مصاحبه را برای آن‌ها ارسال کرد. در ادامه، مصاحبه‌های کیفی نیمه-ساختاریافته به وسیله نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند تا مرحله اشباع نظری انجام شدند که در نهایت با ۱۶ نفر مصاحبه شد. مصاحبه‌شوندگان، مدیران باشگاه‌های ورزشی (سه نفر)، مربیان ورزش‌های سطوح پایه (پنج نفر) و ورزشکاران (دو نفر)، جامعه‌شناسان (یک نفر)، حقوقدان (یک نفر)، روان‌شناسان (یک نفر) و اعضای هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی (سه نفر)، به‌ویژه افراد آشنا با موضوع پژوهش بودند. در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شوند، مصاحبه‌های انجام‌شده در کمترین زمان ممکن، از زمان انجام مصاحبه به صورت خطبه‌خط تحلیل و کدگذاری شدند. کدگذاری به صورت باز و محوری انجام شد. پس از انجام مصاحبه، تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش زمینه‌محور انجام شد؛ بدین صورت که پس از اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها، نظرهای مختلف در گروه‌های مفهومی یکسان، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند و سپس، به صورت کیفی تحلیل شدند. فرایند تحلیل داده‌ها با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه زمینه‌ای، طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. این سه مرحله مطابق نظریه زمینه‌ای به شکل الف- کدگذاری باز؛ ب- کدگذاری محوری و ج- کدگذاری انتخابی انجام شدند. در نهایت، پس از مرحله مصاحبه و با استناد به تحلیل عوامل به دست آمده، فرایند کدگذاری باز و محوری انجام شده، فرایند کدگذاری انتخابی انجام شد. در هر بخش که شامل مصادیق خشونت و بسترهای بروز آن بود، برای مؤلفه‌بندی از پنج عضو هیئت‌علمی آشنا با مقوله خشونت بهره گرفته شد که نظر خود را برای جاگذاری صحیح نشان‌ها در محورهای موردنظر اعلام کنند. برای تأیید پایایی مصاحبه‌های انجام‌شده نیز از توافق درون‌موضوعی بهره برده شد؛ بدین ترتیب که یکی از اعضای هیئت‌علمی آشنا با کدگذاری به همراه پژوهشگر مطالعه حاضر، دو مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون‌موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد. نتایج در جدول شماره یک گزارش شده است.

$$\text{درصد توافق درون‌موضوعی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

- 
1. Open Coding
  2. Axial Coding
  3. Selective Coding



جدول ۱- محاسبی پایایی درون موضوعی

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقاتها	تعداد عدم توافقاتها	پایایی بین دو کدگذار
۱	F4	۱۸	۸	۲	٪۸۸
۲	C5	۲۰	۸	۴	٪۹۰
۳	F3	۱۷	۷	۳	٪۸۲
	کل	۵۵	۲۳	۹	٪۸۳

همان‌طور که در جدول شماره یک گزارش شد، تعداد کل کدها که توسط پژوهشگر و همکار پژوهش به ثبت رسیده است، برابر با ۵۵، تعداد کل توافقاتها بین این کدها برابر با ۲۳ و تعداد کل عدم توافقاتها بین این کدها برابر با ۹ است. از آنجایی که پایایی بین دو کدگذار ۸۸ درصد است و با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه از پایایی مناسبی برخوردار است. برای روایی مصاحبه‌ها از منابع، تحلیلگران متعدد و داده‌های حداکثری و ثبت آنان بهره گرفته شد.

## نتایج

بعد از مصاحبه با صاحب‌نظران و شناسایی کدهای مؤثر در شناسایی مصادیق خشونت در ورزش علیه کودکان، به کدگذاری محوری پرداخته شد که کدهای نامتناسب و غیرمرتبط حذف شدند و در نهایت، ۲۸ نشان شناسایی شدند و نتایج در سه محور خشونت کلامی، بدنی و روحی مطابق با جدول شماره دو گزارش شده است. مؤلفه خشونت کلامی به سه مقوله فحاشی، فریاد و صحبت‌های غیراخلاقی تقسیم شد. مؤلفه خشونت بدنی به دو مقوله خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم شد و خشونت روحی نیز به اجبار و توجه غیرمتعارف طبقه‌بندی گردید.

جدول ۲- شناسایی ابعاد خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان‌ها
خشونت کلامی	فحاشی	مربی و کادر به کودکان فحاشی می‌کنند. هوشدن از طرف تماشاگران برای تحقیر کودک فریادزدن بر سر کودکان در حین مسابقه و درمقابل تماشاگران مربیان و عوامل باشگاه در تمرین‌ها بر سر کودکان فریاد می‌زنند. خطاب‌شدن با اسامی خاص توسط مربیان
	فریادزدن	گفتن طنز یا داستان‌های جنسی برای کودکان در حین تمرین پرسش‌های جنسی از کودکان در مورد خود یا والدین مکالمه‌های طولانی غیرضروری کادر با ورزشکار
خشونت بدنی	فیزیکی	لگدزدن یا مشت‌زدن به کودکان ورزشکار تنبیه بدنی ورزشکار توسط کادر فنی اجبار بازیکن برای بازی با غیرهمسالان اجبار ورزشکار به دست‌دادن با کادر ایجاد رابطه جنسی با ورزشکار توسط کادر باشگاه استفاده از کودکان دارای صورت یا اندام جذاب برای همکاری با مربی برای آموزش
	جنسی	اجبار ورزشکار به برقراری رابطه نامشروع با دیگران لمس‌های بی‌مورد به اندام‌های جنسی ورزشکار نوازش کردن کودکان در حین ورزش یا تمرین لمس‌بدن ورزشکار به قصد لذت
خشونت روحی	اجبار	اجبار ورزشکار به ملاقات در ساعات غیرتمرینی با کادر توقع‌های بالاتر از توانایی جسمی اجبار ورزشکار به برهنه تمرین کردن تهدید ورزشکاران توسط کادر باشگاه به‌کارگیری مربیان ناهمجنس نگاه‌های خاص به کودکان در حین ورزش نشان‌دادن حرکات خاص دست به کودک ایجاد جذابیت جنسی برای ورزشکار توسط کادر باشگاه دیدن بدن ورزشکار در حین تعویض لباس بی‌توجهی به کودکان ورزشکار

سپس، کدها در قالب بسترهای بروز خشونت علیه کودکان در ورزش، محوربندی شدند. با توجه به نزدیکی نتایج به مدل سه‌شاخگی میرزایی اهرنجانی (۱۳۸۴)، مقوله‌ها توسط سه عضو هیات علمی در سه محور تقسیم‌بندی شدند.

جدول ۳- شناسایی بسترهای زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان‌ها
زمینه‌ای	ناآگاهی	ناآگاهی کودکان در مواجهه با هر سه نوع خشونت تشخیص‌ندادن تفاوت توجه و سوءاستفاده توسط غیر از اعضای خانواده ناآگاهی والدین ورزشکار از حقوق کودک ورزشکار خود ناآگاهی از استفاده مناسب از فضای مجازی و افراد مجاز تابوبودن صحبت از مسائل جنسی تابوبودن آموزش مسائل جنسی توسط مدارس، باشگاه یا خانواده
	تابوها	تابوبودن شکایت از تجاوزهای جنسی در امکان ورزشی تابوبودن افشای خشونت توسط کودکان و والدین مذاهب التقاطی و غیرمرسوم کودک
	خرده‌فرهنگ	اعتماد کامل به کادر باشگاه‌های ورزشی توسط والدین استفاده از الگوی ظاهری ورزشکاران غربی وجود فرهنگ فحش در ورزش بالابودن نرخ خشونت در جامعه ورزشی رواج تنبیه کودک برای توسعه مهارت ورزشی ترویج خشونت در رسانه‌های ورزشی

براساس کدگذاری‌ها، جدول شماره سه بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه زمینه‌ای نشان می‌دهد که شامل سه مقوله ناآگاهی، تابو و خرده‌فرهنگ شدند.

جدول ۴- شناسایی بسترهای زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان
	ساختار خانواده	سنتی بودن خانواده‌های ایرانی نبود روابط صمیمی اعضای خانواده با یکدیگر وجود والدینی با سطح اجتماعی پایین نبود حمایت‌های قوی والدین سالارگزینی در خانواده حذف خانواده‌محوری و ایجاد بیرون‌محوری نبود امکان طرح مشکلات اعضای خانواده وجود مشاجرات در زندگی خانوادگی کودک وجود طلاق در خانواده کودک
	ساختار باشگاه	نبود مدیران توانمند باشگاهی نوع ورزش و میزان تماس عوامل باشگاه با کودک وضعیت استخدام عوامل باشگاه نبود مشاوران حقوق ورزشی نبود نظارت کافی توسط هیئت‌ها و اداره کل بر آکادمی‌ها نبود سخت‌گیری در تأیید صلاحیت مربیان ارزیابی‌نشدن مربیان توسط کودکان نبود دوربین‌های مداربسته در محوطه‌های باشگاه دسترسی افراد غیرمسئول به کودکان نبود امکان حضور والدین در تمرین‌ها استفاده از مربیان با سابقه آزاد جنسی در کودکی وجود افراد آشنا در کادر گاهی مسئله‌ساز است منطقه جغرافیایی باشگاه یا آکادمی سطح تحصیلات عوامل باشگاه دقیق نبودن فرایند ثبت‌نام و مشخص نبودن وضعیت سرپرست اصلی میزان دسترسی کودک به اطلاعات موردنیاز

در ادامه کدگذاری‌ها، جدول شماره چهار بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه ساختاری نشان می‌دهد که شامل ساختار خانواده و باشگاه می‌باشد.

مؤلفه	مقوله	نشان
	ویژگی‌های شخصیتی کادر باشگاه	ارسال پیام‌های غیراخلاقی به کودک قول‌های توجه و بازی بیشتر به بازیکن توسط مربی تفاوت سطح اقتصادی عوامل با کودکان توانایی سوءاستفاده از قدرت توسط عوامل باشگاه اختلال در سلامت جنسی کادر باشگاه پایین‌بودن سلامت ذهنی عوامل باشگاه متأهل‌بودن یا مجردبودن عوامل پدربودن یا مادربودن عوامل نداشتن رضایت از شغل کادر و عوامل باشگاه خویش‌دارنبودن اخلاقی عوامل کمبود اخلاق حرفه‌ای در باشگاه‌ها و آکادمی‌ها میزان سن و سال عوامل و مربیان در تماس با باشگاه روش‌های مهارت و سبک رهبری مربیان اعتیاد عوامل باشگاه به موادمخدر یا مشروبات الکلی داشتن تجربه خشونت در کودکی در عوامل باشگاه
	امیال شخصی	لذت‌بردن کودک از لمس بدن وی ترس ورزشکار از مربیان تمایل شدید کودکان به حضور در مسابقات تمایل ورزشکار به جلب توجه وجود تجربه‌های جنسی در بین کودکان عزت‌نفس نداشتن ورزشکاران تمایلات همجنس‌گرایانه در کودک
رفتاری	یادگیری اجتماعی	یادگیری از همسالان و ایجاد حس تجربه‌کردن مشاهده تندخویی و پرخاشگری داغ‌ننگ برخی از کودکان
	موقعیت کودک	وجود مشکلات حضانت و بدسرپرستی وضعیت بومی‌بودن و مهاجربودن کودک وجود معلولیت در کودک مدت زمان حضور کودک در باشگاه میزان آشنایی کودک با عوامل باشگاه

همچنین، در ادامه کدگذاری‌ها، جدول شماره پنج بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه رفتاری نشان می‌دهد که شامل دو مقوله ویژگی‌های شخصیتی کادر باشگاه و امیال شخصی و موقعیت کودک و یادگیری اجتماعی می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی و شناسایی پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش ایران پرداخته شد. این پژوهش که حاصل روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با افراد موثق است، نشان داد که خشونت در ورزش می‌تواند به سه صورت کلامی، بدنی و روحی باشد که دو مؤلفه بدنی و روانی با نتایج پژوهش ورتمن و همکاران (۲۰۱۶) هم‌خوانی داشتند.

مؤلفه خشونت کلامی به سه مقوله فحاشی، فریاد و صحبت‌های غیراخلاقی به‌صورت محوری کدبندی شد که با نتایج مطالعات استرلینگ و کر (۲۰۰۸) و رومین و همکاران (۲۰۱۳) هم‌خوانی داشت. این پژوهشگران تجربه‌های زیادی را از این نوع خشونت (زبانی/ کلامی) در جوامع محلی ورزشی خود گزارش داده‌اند. در کدبندی محوری، خشونت روحی نیز شامل اجبار و توجه غیرمتمعارف بود که در واقع بیشترین اتفاق نظر پژوهشگران روی این مؤلفه خشونت بوده است که پژوهشگرانی از جمله گریوس و دان (۲۰۰۴)، استرلینگ و کر (۲۰۰۸)، رومین و همکاران (۲۰۱۳) و ورتمن و همکاران (۲۰۱۶) نیز آن را تأیید کرده‌اند. احمدی و زنگنه (۱۳۸۳) خشونت روحی و کلامی را در ایران بیش از خشونت بدنی گزارش کرده‌اند که این موضوع می‌تواند اهمیت آن را تأیید کند. علاوه‌براین، بلالی و حسنی (۱۳۸۸) توجه به این دو نوع خشونت را برعکس خشونت جسمی، تأخیر در آشکارشدن صدمه‌های آن می‌دانند که می‌تواند در آینده افراد مؤثر باشد. شاید یکی از دلایل بروز این پدیده خشونت کلامی در جامعه ورزش، ساختار خانواده‌های سنتی ایران باشد که پدرسالاری در آن‌ها وجود داشته است و این به‌منزله تأیید وجود پرخاشگری به‌عنوان پدیده‌ای زیست‌شناختی و طبیعی است که در طول تاریخ زمینه‌ساز و تداوم‌بخش فرهنگ پدرسالاری<sup>۱</sup> یا پدرسالاری شده است (گیدنز، ۱۳۸۶). همه این خشونت‌ها ناشی از بسترهایی هستند که در ادامه در مورد آن‌ها بیشتر بحث می‌شود. همچنین، مؤلفه خشونت بدنی به دو مقوله خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم شد. بهروزی، فرزادی و فرامرزی (۱۳۹۵) تأکید کردند که در دوره‌های اخیر، معمولاً خشونت فیزیکی روند کاهشی داشته است؛ ولی این خشونت می‌تواند بر میزان پرخاشگری کودکان اثری مستقیم داشته باشد؛ البته باید گفت که خشونت کلامی در مرحله اول چرخه خشونت است و خشونت جنسی و بدنی در چرخه دوم است که هرکدام دارای ابعاد گوناگونی است. مطابق نظریه آنومی مرتن و برخلاف نظر دورکیم<sup>۲</sup> در بیشتر موارد، این خشونت در طبقه‌های ضعیف اجتماعی بارز است؛ زیرا، فرصت‌های رسیدن به اهداف برای همه مردم یکسان نیست؛ بنابراین، طبقه پایین جامعه بیشتر به سمت کج‌روی‌هایی مانند خشونت

---

1. Partiarthal  
2. Giddens  
3. Durkheim

از جمله کلامی، بدنی و جنسی کشیده می‌شود (نایینی، مؤیدی‌فر، سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش، در سه حوزه زمین‌های، ساختاری و رفتاری تأیید شدند. بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش، در مؤلفه زمین‌های شامل سه مقوله ناآگاهی، تابو و فرهنگ ورزش است. به ادعان بسیاری از پژوهشگران از جمله بلیک‌مور و همکاران (۲۰۱۷)، آگاهی و آموزش می‌تواند تأثیر بسزایی بر کاهش خشونت علیه کودکان داشته باشد. سهراب‌زاده و راوندی (۱۳۹۶) آموزش در مدرسه و فرایندهای جامعه‌پذیری را و پرت (۲۰۱۱) آموزش مدیران ورزشی را از ارکان افزایش آگاهی ذکر نموده‌اند. افزایش آگاهی جز از طریق آموزش میسر نیست که این فرایند نیز می‌تواند از سه طریق خانواده، جامعه و باشگاه ورزشی انجام شود؛ اما لازم است نوع آموزش‌ها نیز مدنظر باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که آموزش‌ها در چند حیطه از جمله آموزش حقوقی به والدین از طریق جامعه، آموزش مقابله با خشونت علیه کودکان از طریق خانواده و جامعه و درنهایت، آموزش مدیریت فضای مجازی در اختیار کودکان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها ارائه شود. همچنین، در برخی موارد، این خشونت‌ها ناشی از تلقی فرد از خود است که از طریق جامعه با شخصی قوی‌تر، باهوش‌تر یا ثروتمندتر به وی القا شده است که این مورد به نظریه برچسب‌زنی مشهور است و معمولاً در محیط‌های ورزشی می‌تواند فرصت بروز داشته باشد؛ زیرا، در این مکان‌ها، برخی افراد مهارت و قدرت بیشتری دارند و این امکان برای آن‌ها وجود دارد که به زیردستان یا بازیکن‌های ضعیف برچسب‌های خارج از اخلاق بزنند که این خود زمینه بروز خشونت جمعی را برای آن‌ها آسان می‌کند. مقوله بعدی شناسایی‌شده در مؤلفه زمین‌های، فرهنگ رایج و تابوهای موجود در جامعه است که می‌تواند به رشد خشونت علیه کودکان دامن بزند. باید گفت جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند. رحیمی شاد (۱۳۹۵) به دو عامل فرهنگی مؤثر در ایجاد خشونت؛ یعنی «خرده‌فرهنگ خشونت» و «بحران هویت» در جامعه اشاره کرده است که در فرهنگ عمومی، بیش از صلح و گفت‌وگو و اندیشه‌ورزی، جنگاوری برجسته شده است و در ادبیات فارسی و بیش از سایر متون به حماسه رستم و سهراب پرداخته شده است. دشنام‌دادن، استفاده از واژگان تحقیرآمیز و به‌کارگیری اسامی حیوانات در مخاطب قراردادن کسانی که از آن‌ها رنجیده‌ایم و دلخور هستیم، حتی برای اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و دانش‌آموزان در فرهنگ بسیاری از ایرانیان بسیار پرکاربرد و غیرقبیح است؛ بنابراین، می‌توان برخی از خشونت‌های رایج در ورزش علیه کودکان از جمله خشونت کلامی را محصول خرده‌فرهنگ‌های رایج جامعه بدانیم که اصلاح این خرده‌فرهنگ‌ها با انتقال تدریجی از پارادایم سنتی به پارادایم جدید و با آموزش‌های صحیح در آینده میسر می‌شود. گیدنز (۱۳۸۷) معتقد است که خشونت بخشی از یک فرهنگ است که دربردارنده

## 1. Labeling Perspectives

جنگ‌ها، قتل‌ها و جنایت‌های خشونت‌باری است که میزان آن‌ها در مقایسه با سایر جوامع بیشتر است. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که تابوی آموزش و مهم‌تر از آن، آشکار کردن و افشای خشونت‌ها به ویژه تجاوزهای جنسی علیه کودکان معمولاً به بستری برای توسعه آن بدل شده است؛ همان‌طور که فلوری و مک‌کلند (۱۹۹۸) و وارد و همکاران (۲۰۰۶) نیز پنهان‌کاری این نوع خشونت‌ها را تأیید کرده‌اند. باید گفت که رسانه‌ها به‌مثابه صدای جامعه گاهی از مسیر خود خارج می‌شوند و به‌جای پراختن به تحلیل خشونت‌های جنسی در جامعه، پیش‌فرض ضعف اخلاقی را مرتب تکرار کرده‌اند (هارتیل، ۲۰۱۳).

مؤلفه بعدی، ساختار بود که شامل دو مقوله ساختار خانواده و باشگاه شناسایی بود. خشونت در ورزش آموختنی است؛ زیرا، هنگامی که افرادی مانند مربی و ورزشکار به دیدن و مشاهده خشونت در محیط خود عادت دارند، گرفتار پویایی‌های تنش‌زا یا نومیدکننده وضعیت خاص اجتماعی می‌شوند که آنان را به‌سوی شکل‌های افراطی‌تر خشونت سوق می‌دهد و امکان بروز خشونت شبه‌جنایی و حتی جنایی بین آنان را افزایش می‌دهد (رحمتی، ۱۳۹۰)؛ بدین ترتیب، در محیط‌های ورزشی، این رویکردها به تدریج به درونی‌شدن عمیق خشونت به‌عنوان بخشی از شخصیت مربیان و ورزشکاران منجر می‌شوند و رفتار خشونت‌آمیز را در هنگام رویارویی با تضاد و وضعیت‌ها یا کنش‌های متقابلی که نامناسب و تهدیدکننده هستند، به‌مثابه شیوه‌ای قابل‌قبول، طبیعی و بهنجار بروز می‌دهند (کاکلی، ۱۹۹۸). جامعه‌پذیری خشونت ابتدا از خانواده شکل می‌گیرد و سپس، با نظام آموزشی، رسانه‌ها و گروه‌های همسالان بسط می‌یابد (مکتوبیان، قاسمی و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۴). ساختار خانواده‌های ایرانی که نشئت‌گرفته از جامعه و فرهنگ آن است، مقدمات رشد بسیاری از خشونت‌های را فراهم می‌کند. گاهی خشونت در خانواده‌ها شروع می‌شود و به جامعه نیز منتقل می‌گردد و گاهی پایه خشونت و پذیرش آن در جامعه و افراد بیرون از خانواده بنیان نهاده می‌شود. چلبی و رسول‌زاده (۱۳۸۱) با تأکید بر نظریه بوم‌شناختی خشونت به تأثیر چندجانبه خشونت اشاره کرده‌اند و ساختار خانواده را یکی از ابعاد آن دانسته‌اند که تأییدی بر نتایج پژوهش حاضر است. بنابر نظریه چرخه خشونت می‌توان گفت که خشونت آموخته‌شده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تازمانی که عوامل ترمیمی نظیر حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی وارد عمل نشوند، این چرخه معیوب ادامه می‌یابد و اولین منبع این یادگیری، خانواده و ساختار آن است که می‌تواند ظرفیت بازتولید و قبول آن را در سطح جامعه مهیا کند. روش‌های کاهش پرخاشگری و خشونت در خانواده‌ها، اصلاح روابط و دوری از سالارگزینی، ایجاد و تقید به اعتقادات و ارزش‌های صحیح مذهبی و توسعه محبت به‌عنوان کانون گرم و امن برای کودک، می‌توانند در ساختارسازی کنشگری خانواده برای مبارزه با خشونت علیه کودک در خارج از



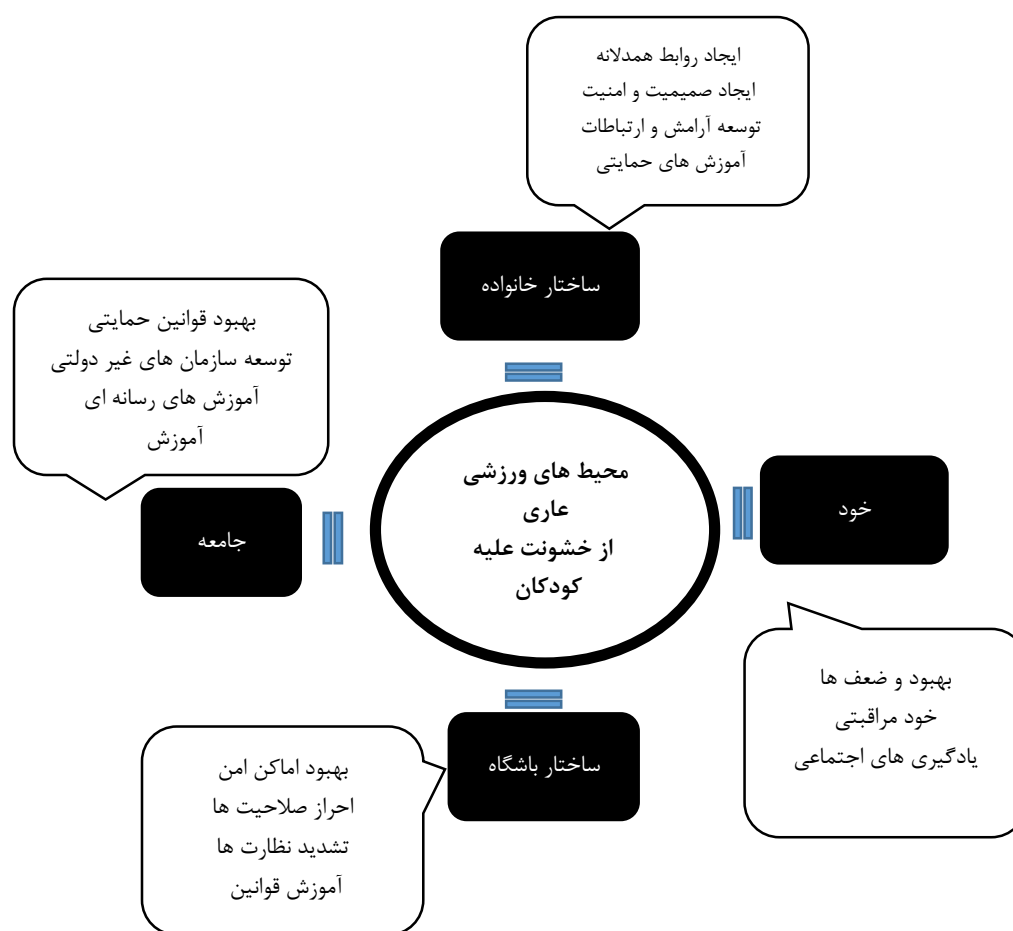
خانه مفید باشند. یکی دیگر از مقوله‌های مؤلفه ساختار، ساختار باشگاه شناسایی شد. معمولاً کمتر پژوهشگری ساختارهای فیزیکی را از عوامل خشونت‌ها تلقی کرده است که از آن جمله می‌توان به سالم‌سازی‌های محیطی و روانی اشاره کرد که کاووسان و استرنجر (۲۰۱۷) بر آن تأکید کرده‌اند؛ اما باید به این نکته اذعان کرد که در استانداردهایی که در ورزش بریتانیا برای مبارزه با خشونت علیه کودکان در ورزش تدوین شده‌اند، بر موارد فیزیکی باشگاه به صورت مستقیم تأکید شده است؛ از آن جمله، نظارت بر باشگاه‌ها برای مرحله‌بندی رسیدگی به شکایت‌های مرتبط با خشونت است که جزو استانداردهای چندگانه است. همچنین، یکی از مهم‌ترین عوامل در ساختار باشگاه تأیید صلاحیت مربیان پایه، داوطلبان و هر کسی است که با کودکان در ارتباط است؛ خواه در حوزه نظافت، خواه در حوزه حمل‌ونقل و خواهد در حوزه آموزش باشد (حمایت از کودکان در واحد ورزشی؛ ۲۰۰۳) که در ایران کمتر بر آن تأکید می‌شود. این در صورتی است که در بریتانیا بررسی نداشتن سوءپیشینه برای کار در رده پایه، اساسی‌ترین و مهم‌ترین بخش کار در چنین رده‌ای است. با بررسی همه‌جانبه تمامی زوایای زندگی شخصی مربی موردنظر و در صورت نداشتن هیچ‌گونه سوابق کیفری، اجازه کار در چنین رده‌ای برای او صادر می‌شود. دوره‌های موردنظر و نیز نداشتن سوءپیشینه هر سه سال یکبار تمدید می‌شود و مربیان نه تنها باید یک‌بار دیگر در چنین دوره‌هایی شرکت کنند، بلکه به نداشتن سوءپیشینه جدید نیز نیاز دارند (تقوی، ۲۰۱۶). علاوه‌براین، بهزادفر (۱۳۹۰) رابطه ویژگی‌های جمعیت شناختی با آزارهای جنسی را معنادار دانست که خود می‌تواند منبع الهامی برای مدیران باشگاه برای مدیریت خشونت علیه کودکان در ورزش دانست. تامینوسن و استراچان (۱۹۹۶) نیز توجه مدیران را به میزان سن و تجربه مربیان ورزشی معطوف کرده‌اند. علاوه‌براین، آموزش مدیران (پرنت، ۲۰۱۱) و اقدام‌های پیشگیرانه مانند نصب دوربین‌های مداربسته، تأیید صلاحیت‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و عوامل باشگاه و والدین توسط باشگاه، ایجاد قوانین سخت‌گیرانه و دوری از پنهان‌کاری می‌توانند به کاهش مجراهای بروز خشونت کمک کنند.

آخرین مؤلفه شناسایی‌شده، مؤلفه رفتاری بود که شامل چهار مقوله ویژگی‌های شخصیتی، امیال شخصی، موقعیت اجتماعی و یادگیری اجتماعی بود. اگر ویژگی‌های شخصیتی را به صورت اکتسابی در نظر بگیریم، آن‌ها را به خصوصیات رفتاری عوامل می‌توان مربوط دانست که بسیاری از آن‌ها در حوزه تأیید صلاحیت‌ها می‌توانند قرار بگیرند؛ اما مهم‌ترین نشان و کدی که هم پژوهشگران شناسایی کردند و هم در این مقاله شناسایی شد، میزان قدرت مربیان یکی از عوامل است که یکی از مؤثرترین مجراهای خشونت می‌تواند باشد؛ البته باید میزان قدرت مربیان با روابط صمیمی و وابستگی کودک

به مربی را نیز در نظر گرفت؛ همان‌طور که سنس و بریکندریج<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نیز به آن اذعان کرده‌اند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که روابط مربی و کودک ورزشکار در حد حرفه‌ای بماند که بتواند از وابستگی یا دیکتاتوری که هر دو مفردی برای خشونت هستند، جلوگیری شود. عوامل فردی خود حیطه متنوعی دارد که لنهارت<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) ویژگی‌ها و امیال شخصی را در بروز خشونت‌ها مؤثر دانست و آن را جزو طیف عوامل فردی در انواع بروز خشونت قرار داد و مکتوبیان و همکاران (۱۳۹۴) نیز به تأثیر ویژگی‌های شخصی و فردی اذعان کردند. طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۶۳)، رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش که به آن «یادگیری ابزار» گفته می‌شود یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران که به آن «مدل‌سازی» گویند؛ بنابراین، کودکان از هر طریق می‌آموزند که رفتارهای همسالان خود را تحلیل یا مدل‌سازی کنند. اگر افرادی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، درازای خشونت پاداش دریافت کنند، این امر حتی می‌تواند به درونی‌شدن خشونت در آن‌ها بینجامد. بوردیو (۱۳۸۷) معتقد است که جهان ساخته مفاهیم اجتماعی و تاریخی است و در همین برساختگی است که سلسله‌مراتب پدید می‌آیند و به بازتولید خشومتی که به‌گونه‌ای نمادین اعمال می‌شود، منجر می‌شوند؛ بنابراین، اگر جهان و به‌طور خاص، جوامع برساخته هستند، می‌توانند به‌گونه‌ای دیگر بازسازی شوند؛ از این‌رو، مقاومت در برابر سلطه و خشونت نمادین تنها در قالب دگراندیشی امکان‌پذیر خواهد بود. علاوه‌براین، کودکان در طی فعالیت‌های ورزشی گاه دچار رخوت و سستی می‌شوند و کنترل قدرت خود را از دست می‌دهند که به عقیده اینگرت (۲۰۱۷)، از دست‌دادن کنترل می‌تواند بروز خشونت علیه کودک را فراهم کند. همچنین، عزت‌نفس کم از عوامل شناسایی‌شده بروز خشونت بود که بریکندریج (۲۰۰۱) نیز به آن اشاره کرده است. می‌توان به توسعه ویژگی‌های شخصیتی کودک در رشد وی توجه کرد که مجموعه زیادی از عوامل مانند شکست‌ها و موفقیت‌ها، حلقه‌های ارتباطی با همسالان و جامعه، بازی‌ها و روابط همدلی در خانواده، همگی در رشد عزت‌نفس کودکان تأثیرگذارند. موقعیت‌های سرپرستی و وضعیت‌های جسمانی کودک در صورت فراهم‌نبودن ابزارهای نظارتی بر باشگاه ورزشی، همگی می‌توانند منابع خشونت علیه وی باشند. این سازمان‌دهنده‌های اجتماعی و نابرابری‌های سازمان‌یافته مانند پناهنده‌ها و مهاجران، نابرابری‌های طبقاتی، قومی و نژادی می‌توانند ابزار برای خشونت باشند (تانگ،<sup>۴</sup> ۱۳۸۷). احتمالاً خرده‌فرهنگ ملی‌گرای و بومی‌گزینی هنوز در ارزش‌های ایرانیان وجود دارد و نوعی غریبه‌ستیزی، افراد را به خشونت علیه آنان سوق می‌دهد. پیشنهاد می‌شود از خطاب قراردادن کودکان با نام، نژاد و قومیت

- 
1. Cense & Brackenridge
  2. Lenhart
  3. Bandura
  4. Tang

آن‌ها اجتناب شود و از جداکردن آنان درحین تمرین یا مسابقه جلوگیری شود. به‌هرحال، با توجه به انواع خشونت و بسترهای بروز آن می‌توان پیشنهاد داد که چهار نوع فیلتر در چهار حوزه مکانی در نظر گرفته شوند که می‌توان از آن به‌عنوان 4s یاد کرد که شامل ساختار خانواده، ساختار باشگاه، خود و جامعه هستند که هرکدام از این منظرها باید فیلترهای حمایتی و ارتقادهنده مفرها و بسترهای خشونت علیه کودکان را محدود کنند. براساس نتایج می‌توان مدل زیر را برای شناسایی و ایجاد فیلتر 4s ارائه کرد.



شکل ۱- مدل 4s فیلتر خشونت علیه کودکان در ورزش

## 1. Structure of Family, Structure of Club, Society, Self

همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود، تمام فیلترها برای به‌وجود آمدن محیط ورزشی ایمن برای کودکان باید هر چهار حوزه را در نظر داشته باشد و تنها در صورتی این امر میسر خواهد بود که هر چهار حوزه با یک رویکرد واحد و البته بومی به وظایف حمایتی خود عمل کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، وظایف خانواده، جامعه، باشگاه و خود فرد می‌تواند به‌صورت کلی شامل موارد زیر باشد که هر کدام از وظایف با توجه به محیط، میزان ظرفیت‌های فرد و ورزش و باشگاه، متنوع‌تر و یا محدودتر اعمال شود.

به‌طور کلی، ابعاد و مجازات خشونت علیه کودکان در کشور حتی فاقد قوانین منحصربه‌فردی است و در این پژوهش، ابعاد آن در ورزش در سه منظر خشونت کلامی، بدنی و روانی و نیز بسترهای آن در سه حوزه زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی شد.

### منابع

1. Ahmadi, H., & Zanganeh, M. (2004) Sociological study of the factors affecting the violence of husbands against women in the family. *Journal of the Sociological Association of Iran*, 3, 172-187. (Persian).
2. Alexander, K., Stafford, A., & Lewis, R. (2011). *The experiences of children participating in organized sport in the UK*. Edinburgh: Dunedin Academic Press.
3. Bakhtiyar Nasrabadi, H. A., Behradan, M. S., & Behradan, H. R. (2011). The relation between critical rationality and ethics of society. *Strategic Quarterly*, 59, 139-166.
4. Bandura, Albert (1963). *Social learning and personality development*. New York: Holt, Rinehart, and Winston
5. Behroozi, N., Farzadi, F., & Faramarzi, H. (2016). The relationship of physical and emotional violence with managing anger and aggressive behaviors of children with oppositional disorder with mediating relationship between parent-child and empathy. *Quarterly Journal of Mental Health of the Child*, 3(3), 43-58. (Persian).
6. Behzadfar, F. (2011) *Investigating individual and social factors on the incidence of sexual abuse among women working in Tehran*. (Unpublished master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran. (Persian).
7. Belali Meybodi, F., & Hasani, M. (2009) Frequency of violence against women by their spouses in Kerman city. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 15(3), 300-307. (Persian).
8. Blakemore, T., LeslieHerbert, J., Arney, F., & Parkinson, S. (2017). The impacts of institutional child sexual abuse: A rapid review of the evidence. *Child Abuse & Neglect*, 74, 35-48.
9. Boocock, S. (2008). The child protection in sport unit. *Journal of Sexual Aggression*, 8(2), 99-106.
10. Bourdieu, P. (2008). *About television and the dominance of journalism*. (N. Fakouhi, translator). Tehran: Eshyn Publication. (Persian).
11. Brackenridge, C. (2001). *Spoilsports: Understanding and preventing sexual exploitation in sport*. London: Routledge.

12. Brackenridge, C., Bringer, J., & Bishopp, D. (2005). Managing cases of abuse in sport. *Child Abuse Review*, 14, 259-274.
13. Cense, M., & Brackenridge, C. (2001). Temporal and developmental risk factors for sexual harassment and abuse in sport. *European Physical Education Review*, 7(1), 61-79.
14. Chalabi, M., & Rasoulzadeh Aghdam, S. (2002). The effects of family order and conflict on violence against children. *Sociology*, 4(2), 26-54. (Persian).
15. Child Protection in Sport Unit. (2003). Standards for safeguarding and protecting children in sport. Child Protection in Sport Unit: Leicester. Available at: <file:///C:/Users/hamshahry/Downloads/english-standards.pdf> (Accessed 14 July 2018)
16. Coakley Jay J. (1998)"Sport in Society: Issues and Controversies" Boston.New York McGraw-Hill Inc.
17. Crosset, T. (1986). Male coach female athlete relationships. Paper presented at the Norwegian Confederation of Sport Conference on Coaching Female Top-Level Athletes. Sole, Norway.
18. Englert, C. (2017). Ego depletion in sports: Highlighting the importance of self-control strength for high-level sport performance. *Current Opinion in Psychology*, 16, 1-5.
19. Fasting, K., Brackenridge, C., & Sundgot-Borgen, J. (2003). Experiences of sexual harassment and abuse among Norwegian elite female athletes and non-athletes. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 74(1), 84-97.
20. Fleury, T., & McLellan, K. (2009). *Playing with fire*. Chicago, IL: Triumph.
21. Fooladi, F. (2012). The study of the relationship between television violence and real violence among children. *Media Studies*, 7(18), 113-125.
22. Gervis, M., & Dunn, N. (2004). The emotional abuse of elite child athletes by their coaches. *Child Abuse Review*, 13, 215-223.
23. Giddens, A. (2008). *Sociology*. (M. Sabouri, translator). Tehran: Publication of Ney. (Persian).
24. Hartill, M. (2013). Concealment of child Sexual abuse in sport. *Quest*, 65(2), 241-254.
25. Hjelle, L. A., & Ziegler, D. J. (1992). *Personality theories: Basic assumptions, research, and applications*. New York : McGraw-Hill.
26. Kaffashi, M. (2010). The effect of the order and conflict in the family on violence against children. *Social Research*, 3(6), 75-108.
27. Karimi, S., Mohagheghi Kamal, S. H., Ghayed Amini Harouni, G., Ahmadi, S., & Jorgjara Shoshtari, Z. (2015). Ecological study of violence against children in Iran: A cluster analysis. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 25(130), 87-99. (Persian).
28. Kavussanu, M., & Stanger, N. (2017). Moral behavior in sport. *Current Opinion in Psychology*, 16, 185-192.
29. Krug, E. G., Dahlberg, L. L., Mercy, J. A., Zwi, A. B., & Lozano, R. (2002). World report on violence and health. World Health Organization. Available at: [http://apps.who.int/iris/bitstream/10665/42495/1/9241545615\\_eng.pdf](http://apps.who.int/iris/bitstream/10665/42495/1/9241545615_eng.pdf) (Accessed 11 March 2018).

30. Leahy, T., Pretty, G., & Tenenbaum, G. (2002). Prevalence of sexual abuse in organised competitive sport in Australia. *Journal of Sexual Aggression*, 8(2), 16–36.
31. Lenhart, Sh. A. (2004). *Clinical aspects of sexual harassment and gender discrimination: Psychological consequences and treatment interventions*. New York: Routledge.
32. Maktoobian, M., Ghasemi, V., & Hashemianfar, S. A. (2015) Expression of data model foundation on the sociological survey of sexual abuse and women's insecurity in hospital. *A Survey on Social Issues in Iran*, 6(1), 151-192. (Persian).
33. Mirzaei Ahrenjani, H., & Sarlak, M. (1997). A moment of organizational epistemology: The evolution, schools and management applications. *Peak Noor Quarterly*, 3(3), 69-78. (Persian).
34. Nayini, H., Moeed Far, S., Seraj Zadeh, H., & Feizi, A. (2015). Anomy Durkim & Merton's Theory: Similarities, differences and methods of measurement. *Quarterly Journal of Social Welfare*, 17(66), 9-52. (Persian).
35. Packman, C. (2009). Towards a violent absolute: Some reflections on Žižekian theology and violence. *International Journal of Zizek Studies*, 3(1), 1-11.
36. Parent, S. (2011). Disclosure of sexual abuse in sport organizations: A case study. *Journal of Child Sexual Abuse*, 20(3), 322-337.
37. Parent, S., & Bannon, J. (2012). Sexual abuse in sport: What about boys? *Children and Youth Services Review*, 34, 354–359.
38. Parent, S., & Fortier, K. (2017). Prevalence of interpersonal violence against athletes in the sport context. *Current Opinion in Psychology*, 16, 165-169.
39. Rahimi Shad, A. (2016). The impact of culture on violence, fanoos analytical news. Available at: <http://www.fanoosedu.ir/?p=1847> (Accessed 3 November). 2018 (Persian).
40. Romijn, D., van Kalmthout, J., Breedveld, K., & Lucassen, J. (2013) VSK-monitor 2013. Voortgangsrapportage Actieplan Naar een veiliger sportklimaat. Utrecht. <https://www.tweedekamer.nl> (Accessed 5 november 2018 )
41. Smith, M. D. (1983). What is sports violence? A sociological perspective. In J. H. Goldstein (Ed.), *Sports Violence* (pp.33–45). New York: Springer-Verlag.
42. Sohrabzadeh, M., & Mansourian Ravandi, F. (2017). The experience of women's living from verbal violence in the family. *Woman in Culture and Arts*, 9(2), 245-264. (Persian).
43. Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2008). Defining and categorizing emotional abuse in sport. *European Journal of Sport Science*, 8(4), 173-181.
44. Taghavi, M. (2016). The strategies of the football federation of England to counter the sexual abuse of children. Available at: <http://www.bbc.com/persian/sport-38116510> (Accessed 15 May 2017). (Persian).
45. Tang, R (2008). *Review and review: An introduction to feminist theories*. (M. Najm Iraqi, translator). Tehran: Ney Publication. (Persian).
46. Thomlinson, P., & Strachan, D. (1996). *Power and ethics in coaching*. National Coaching Certification Program. Ottawa: Coaching Association of Canada
47. Tiessen-Raaphorst, A., Lucassen, J., van den Dool, R., & van Kalmthout, J. (2008). *Weinig over de schreef. Een onderzoek naar onwenselijk gedrag in de breedtesport*, [tps://www.scp.nl](https://www.scp.nl) (Accessed vember 2018)

48. Vertommen, T., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Kampen, J., Brackenridge, C. H., Rhind, D. J. A., ..., & Eede, F. A. D. (2016). Interpersonal violence against children in sport in the Netherlands and Belgium. *Child Abuse & Neglect*, 51, 223-236.
49. Ward, T., Polaschek, D. L. L., & Beech, A. R. (2006). *Theories of sexual offending*. Chichester, England: John Wiley & Sons.
50. Žižek, S. (2013) *Violence of the five look under the eye*. (A. R. Pak Nohad, translator, 4th Ed.). Tehran: Publication of Ney.

#### استناد به مقاله

افروزه، محمدصادق، زارعیان، حسین، کاظمی کرانی، بهلول. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده بنیاد). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۴-۲۱۳.  
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5963.1479

Afrozeh, M. S., Zarean, H., Kazemi Korani, B. (2019). Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach). *Research on Educational Sport*, 7(16): 213-34. (Persian).  
Doi: 10.22089/RES.2018.5963.1479

## اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی با میانجیگری نقش رسانه و قابلیت تعاملی افراد

فاطمه مولایی فرد پیله رود<sup>۱</sup>، میر حسن سیدعامری<sup>۲</sup>، رحیم رضانی نژاد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی پردیس دانشگاهی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۲. استاد مدیریت ورزشی دانشگاه ارومیه\*

۳. استاد مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی مبتنی بر نقش واسطه‌ای رسانه و قابلیت تعاملی افراد بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شهروندان استان گیلان دارای فعالیت ورزشی بودند و براساس جدول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰) نمونه آماری برای جامعه بیش از ۱۰ هزار نفر ۳۸۴ نفر برآورد شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه مشارکت ورزشی، پرسش‌نامه مشارکت در فضای مجازی ورزشی، پرسش‌نامه قابلیت تعاملی و پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی بودند که هرکدام چهار بعد و ۱۶ سؤال را در برمی‌گرفتند. برای ارزیابی روایی محتوایی و صوری از نظرهای ۱۲ متخصص (شش کارشناس ورزش همگانی و شش استاد مدیریت ورزشی) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر در نرم‌افزار پی‌ال‌اس. استفاد شد. نتایج نشان داد که مشارکت ورزشی دارای اثر مستقیم و معناداری بر مشارکت رسانه‌ای، قابلیت تعاملی و سرمایه اجتماعی بود. آزمون سوبل در تحلیل روابط میانجی نشان داد که اثر غیرمستقیم مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی از هر دو مسیر میانجی مشارکت رسانه‌ای و قابلیت تعاملی از اثر مستقیم آن بیشتر بود؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که مشارکت ورزشی به‌طور مستقیم سبب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ اما مداخله‌هایی مانند آموزش تعاملات و مشارکت رسانه‌ای اثر آن را افزایش می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت ورزشی، ورزش همگانی، ورزش شهروندی، رسانه‌های اجتماعی، توان تعاملی.



**مقدمه**

شواهد بیانگر این هستند که امروزه کارکردهای ورزش در زندگی شهروندی از مقوله تندرستی و رقابت ورزشی فراتر رفته است و ارزش‌های اجتماعی آن بیش‌ازپیش پدیدار شده است. یکی از جنبه‌های اجتماعی ورزش مربوط به بحث جامعه‌پذیری، دوستیابی و مشارکت در گروه‌های مرجع سنی، ورزشی، هواداری و غیره است (ابیویه، حاجی‌فتحعلیان و دانایی، ۲۰۱۳) که دربرگیرنده نوعی سرمایه فردی و اجتماعی است؛ از این رو، همواره ورزش نه فقط به عنوان عاملی برای تأمین، تقویت و حفظ سرمایه جسمانی و سرمایه روان‌شناختی، بلکه به عنوان فضایی پویا برای شکل‌گیری، احیا، حفظ و توسعه ارتباطات میان فردی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا، فعالیت بدنی منظم و هدفمند با عنوان مشارکت ورزشی، مهم‌ترین ابزار برای دستیابی به سلامت و نشاط اجتماعی پایدار و همه‌گیر محسوب می‌شود. منظور از مشارکت ورزشی، تأمین سلامتی و بهبود زندگی همه انسان‌ها به وسیله ورزش با کم‌هزینه‌ترین برنامه‌ها است؛ سیاستی که به معنی خلق فرصت‌ها و محیط مطلوب از طریق همکاری تمام سازمان‌های درگیر (دولتی و غیردولتی) است تا هر فردی بدون توجه به جنسیت، سن، توانایی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی و نژاد بتواند در فعالیت‌های جسمانی و ورزشی شرکت کند (گزارش برنامه ششم توسعه بخش ورزش و جوانان، ۱۳۹۵)؛ البته مهم‌ترین بخش مشارکت در ورزش، حوزه ورزش همگانی و شهروندی است؛ زیرا، سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی موجب کاهش هزینه‌ها در بخش‌های بهداشت و درمان و پایین آوردن سطح ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌شود (مرادی، هنری و احمدی، ۱۳۹۰).

مشارکت ورزشی ماهیت چندگانه فردی - اجتماعی دارد؛ از این رو، مشارکت ورزشی متأثر از عوامل مختلفی است که مطالعات فراوانی نیز برای تحلیل این عوامل انجام شده‌اند؛ اما برخی عوامل به دلیل پویایی زیاد، همواره برای پژوهشگران و مدیران ابهام‌های زیادی دارند؛ برای مثال، رسانه تقریباً پویاترین عنصر محیطی و اجتماعی و نگرش تقریباً پویاترین عنصر فردی و روان‌شناختی است که به عنوان عوامل کلیدی اثرگذار بر مشارکت ورزشی، ارتباط تنگاتنگ و پیچیده‌ای با هم دارند. افزون‌براین، نگرش افراد تحت‌تأثیر جریان‌های رسانه‌ای و ارتباط‌های میان فردی همواره سبب تغییر رفتار آن‌ها می‌شود (هنری، احمدی و مرادی، ۱۳۹۱). در همین راستا، اندیشمندان علوم اجتماعی یک عامل مهم در مشارکت‌پذیری افراد و داشتن سرمایه اجتماعی را قابلیت تعامل‌پذیری و توانایی برقراری ارتباط توسط افراد می‌دانند (صادقی و بهامیریان، ۲۰۱۵). پژوهشگران برای توانایی ارتباطی ویژگی‌های مختلفی را مانند داشتن مهارت کلامی، اشتراک‌ها، شناخت متقابل و شبکه روابط ذکر کرده‌اند. پژوهش‌های مختلف همواره از قابلیت تعاملی و توان ارتباطی به عنوان حلقه‌ای واسط در

تحلیل روابط بین متغیرهای اجتماعی و میان فردی بهره می‌گیرند (صادقی و بهامیریان، ۲۰۱۵)؛ البته نوع و میزان تعامل در محیط‌های مختلف مانند ورزش، هنر و رسانه متفاوت است و پیامدهای متفاوتی نیز دارد. افزون‌براین، فضای ورزش خود فضایی تعاملی است که افراد را در یک شبکه اجتماعی به تعامل و کنش متقابل وامی‌دارد و عرصه بروز رفتارها، نگرش‌ها و بازنمایی‌های معنادار در قرن حاضر شده است (سانتوس، بروا و پاولوسکی، ۲۰۱۶).

براین اساس، سرمایه اجتماعی را مجموعهٔ هنجارهای سیستم اجتماعی می‌دانند که سبب افزایش همکاری اعضای آن جامعه و کاهش هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. سرمایه اجتماعی همان داشتن دوستان، همراهان و ارتباطات عمومی‌تر است که به افراد فرصت‌هایی می‌دهد تا از سرمایه مالی و انسانی خود استفاده کنند (پارسامهر، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی است که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینهٔ اعضای یک اجتماع می‌شود. کشورها، جوامع و گروه‌هایی که دارای شبکه‌های غنی و گسترده‌ای از انجمن‌های مدنی مانند سازمان‌های بشردوستانه، گروه‌های زیست‌محیطی، باشگاه‌های ورزشی و غیره هستند، باید از صفاتی مانند اعتماد اجتماعی، تعهد و تحمل اجتماعی، تعاون و همکاری سطح بالا، مشارکت رسمی و داوطلبانه برخوردار باشند؛ زیرا، این ویژگی‌ها سرمایه اجتماعی را بازتولید می‌کنند (دلانی و کینی، ۲۰۰۵). جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها به هر دلیلی کاهش می‌یابد، با گسیختگی‌ها و شکاف‌های شگرفی روبه‌رو می‌شوند. اندیشمندان حوزهٔ سرمایه اجتماعی نیز بر این عقیده‌اند که اگر سرمایه اجتماعی بازآفرینی نشود، فرسوده و نابود می‌شود یا اگر روابط اجتماعی حفظ نشوند، به تدریج از بین می‌روند و هنجارها به ارتباطات منظم بستگی دارند؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی باید پیوسته بازتولید شود؛ درغیراین صورت، در صورت کاهش یا پایین آمدن آن، مشکلات زیادی پدید خواهند آمد (رفیعی جیردهی و حبیب زاده خطبه سرا، ۱۳۹۳).

از طرف دیگر، مشارکت در فضاهای مجازی و حقیقی مانند رسانه، ورزش، هنر و مذهب می‌تواند به بازآفرینی سرمایه اجتماعی کمک شایانی کند. نتایج برخی پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد اول اینکه، سرمایه اجتماعی در ایران به صورت عمومی کم است. دوم اینکه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیش از سرمایه اجتماعی بین‌گروهی در ایران فعال است و به علاوه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیش از پیش در حال فرسایش و تقلیل است (شارع‌پور و حسینی، ۱۳۸۷). این درحالی است که ورزش به واسطهٔ قابلیت‌های زیاد ارتباطی و تعاملی میان فردی می‌تواند در هر دو رویکرد درون‌گروهی و

- 
1. Santos, Breuer & Pawlowski
  2. Delaney & Keaney

برون‌گروهی نقش مؤثری در تقویت و پویایی شبکه روابط اجتماعی ایفا کند. در نگاهی به وسعت و قلمروی سرمایه اجتماعی و ابزارهای ارتباطات میان‌فردی، می‌توان چشم‌اندازی از میزان تأثیر رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی را مشاهده کرد. شاید رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون گاهی حتی به‌دلیل کاهش حضور در فضاهای جمعی عاملی در کاهش سرمایه اجتماعی هستند؛ اما رسانه‌های اجتماعی جدید این تعامل را حداقل در فضای مجازی شکل می‌دهند. در همین راستا، به‌واسطه پیشرفت‌های عظیم در فناوری ارتباطات، زندگی امروز را می‌توان شامل دو بخش فضای فیزیکی (شهروندان) و فضای مجازی (کاربران) دانست که بیشتر افراد ساعت‌های زیادی را به‌صورت هم‌زمان در این دو فضا سپری می‌کنند و ارتباطات پیچیده و قوی نیز بین رفتار و عملکرد افراد در این دو فضا وجود دارند. افزون‌براین، ویژگی برجسته فضاهای مجازی، رسانه‌ای و آنلاین، سرعت و حجم سرسام‌آور انتشار اطلاعات نوشتاری، صوتی و تصویری است؛ به‌طوری‌که افراد مختلف روزانه در معرض جریان عظیمی از اطلاعات قرار دارند (قاسمی و کشاورز، ۱۳۹۴).

وجود چنین اتمسفر جدید سبب شده است که عمده تعاملات مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به این فضا کشیده شود. رسانه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی مختلف هنری، ورزشی، تجاری و غیره، پیوسته در حال نزدیک‌شدن به مشتریان و مخاطبان خود از طریق شبکه‌های اجتماعی هستند. تقریباً هر فردی در حرفه خود می‌داند که رمز موفقیت در جهان رقابتی امروز، حضور مؤثر، آنلاین و گسترده در فضای مجازی و رسانه‌ای است؛ از این‌رو، رفتار انسان‌ها به‌شدت تحت تأثیر برآیند زندگی آن‌ها در این دو فضای فیزیکی و مجازی است (عبدالملکی، نوری‌زاده و شاه‌محمدی، ۱۳۹۴)؛ به‌عنوان مثال، افرادی که در ورزشگاه‌ها کنار هم فعالیت هواداری دارند، در صفحات رسانه‌ای و مجازی نیز به مباحث حاشیه‌ای آن می‌پردازند و اثرهای قوی‌تر و بیشتری بر همدیگر خواهند داشت؛ البته باوجود مزایای فراوانی که رشد شبکه‌های ارتباطی مجازی دارد، این شبکه‌ها چالش‌هایی اساسی نیز پیش روی زندگی انسان‌ها گذاشته‌اند که یکی از آن‌ها به بحث تحرک، فعالیت بدنی، تندرستی و نشاط مربوط می‌شود و از معضله‌های جهانی در این زمینه است. وجود قابلیت‌های زیاد تفریحی و فراغتی در فضای مجازی سبب شده است تا توان رقابتی ورزش با سایر تفریح‌های مجازی به‌چالش کشیده شود؛ از این‌رو، تحلیل ارتباط بین رسانه و ورزش دو محور معکوس و متضاد دارد: از یک‌سو، رسانه به افزایش گرایش به ورزش در برخی افراد کمک می‌کند و از سوی دیگر، در برخی افراد فرایند معکوس اتفاق می‌افتد. در این پژوهش، رویکرد اول مورد بحث است و هدف، بررسی نقش رسانه در مشارکت در ورزش و سرمایه اجتماعی است.

مرور و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تأثیر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی و نقش رسانه‌ها نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت در ورزش، همبستگی قوی‌ای

وجود دارد. سیپل (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بخش عمده‌ای از اثر گذاری ورزش بر سرمایه اجتماعی از طریق سه سازوکار است: افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و تقویت اخلاق‌گرایی. دانوارد، پالوسکی و رایسایت (۲۰۱۱) نیز دریافتند که نوع و میزان اثر ورزش بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با فرهنگ مختلف متفاوت است. لیندستروم (۲۰۱۱) نشان داد زنان و مردانی که میزان فعالیت بدنی کمی داشتند، به افزایش دادن فعالیت بدنی خود متمایل بودند؛ اما برای انجام این کار به حمایت اجتماعی نیاز داشتند. همچنین کسانی که اعتماد کمی را تجربه می‌کردند، نسبت به کسانی که تحت حمایت گروه‌های مرجع قرار داشتند، میزان فعالیت بدنی کمی داشتند. برا، ژانگ، پسا و گا (۲۰۱۶) در پژوهشی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فعالیت جسمانی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی فرصت‌هایی را نصیب جامعه کرده‌اند تا بتوانند فرهنگ‌های مثبت را به آرامی به جامعه القا کنند و فعالیت بدنی نیز می‌تواند از این قابلیت شبکه‌های اجتماعی بهره‌مند شود. سانتوس و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی نقش تعاملات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در افزایش شرکت‌کنندگان در برنامه‌های جسمانی پارک‌ها نشان دادند که حضور در گروه‌های ورزشی و تماس‌های مجازی با افراد ورزشکار، یکی از انگیزه‌های حضور افراد در برنامه‌های ورزشی پارک‌ها بود. ابیویه (۲۰۱۶) پژوهشی را در زمینه تأثیر کمپین‌های رسانه‌ای بر بهبود فعالیت بدنی در بزرگسالان انجام داد. وی نشان داد که رسانه‌های جمعی اثر روشنی بر ترویج پیاده‌روی داشتند؛ اما تأثیر کمی بر دستیابی شرکت‌کنندگان به سطح رضایت‌بخش از فعالیت بدنی داشتند. همچنین، رسانه‌ها در کاهش بی‌حرکی در افراد مؤثر بوده‌اند. فارادولی و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در زندگی زنان نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی در بیشتر جنبه‌ها به جز در بخش‌های مرتبط با تغذیه و فعالیت بدنی، نقشی منفی در زندگی زنان دارند.

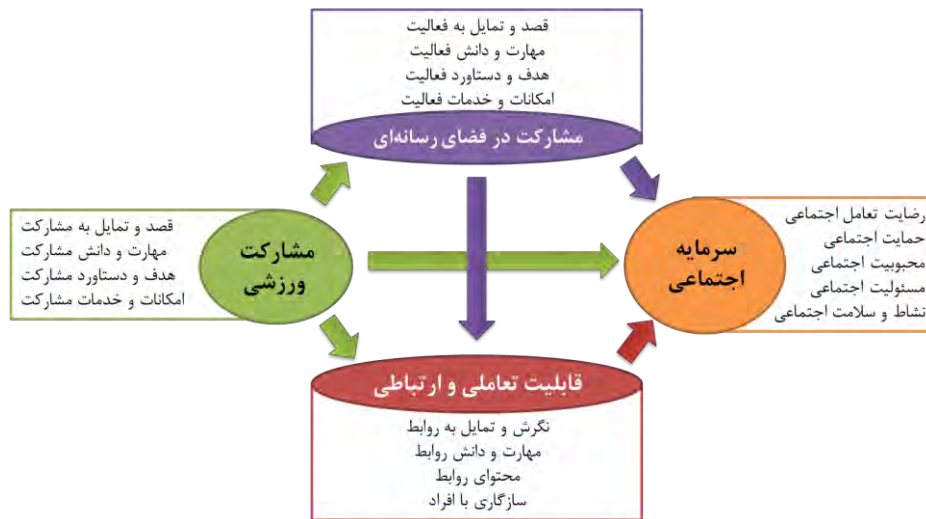
در داخل کشور، شارع‌پور و حسینی راد (۱۳۸۷) در بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در شهر بابل نشان دادند که مؤلفه‌های ارتباطات دوستانه، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، روابط همسایگی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه، همبستگی معناداری با مشارکت ورزشی دارند. کریمیان (۱۳۹۲) با بررسی نقش اوقات فراغت مبتنی بر فعالیت‌های بدنی در سرمایه اجتماعی نشان دادند که ورزش و فعالیت‌های بدنی شرایطی را فراهم می‌کنند تا فرد با تعامل و برقراری ارتباط با سایر افراد و احساس تعلق به گروه، منافع و مصالح جمع را محترم بشمارد. پارسامهر (۱۳۹۲) نیز

- 
1. Sseippel
  2. Downward, Pawlowski & Raseiute
  3. Lindström
  4. Berra, Zhang, Pease & Gaa

در بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در میان نوجوانان نشان داد که نوجوانان دارای مشارکت اجتماعی بیشتر به فعالیت‌های ورزشی توجه بیشتری دارند و برعکس. در پژوهشی دیگر، پارسامهر و جسمانی (۲۰۱۱) دریافتند که بین سرمایه اجتماعی و مصرف ورزش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا نیز تمایل کمتری به پرداختن به ورزش دارند. عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه میزان مصرف رسانه‌های ورزشی و میزان سرمایه اجتماعی ورزشکاران المپید ورزش محلات تهران به این نتیجه رسیدند که بین میزان استفاده از رسانه‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی ورزشکاران شرکت‌کننده در این المپید، رابطه مستقیم و مثبتی برقرار است. عبدالملکی، علیدوست قهفرخی و گودرزی (۱۳۹۴) با بررسی رابطه استفاده از رسانه‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران نشان دادند که میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان تربیت‌بدنی و غیرتربیت‌بدنی و ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری داشت که این تفاوت به نفع دانشجویان تربیت‌بدنی و ورزشکار بود. اسلامی مرزنگلاته (۱۳۹۳) نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی شهر گرگان رابطه معناداری وجود دارد. نورعلی‌وند (۱۳۹۵) گزارش کرد که سرمایه اجتماعی به‌طور معناداری در تبیین مشارکت ورزشی زنان استان ایلام نقش دارد. خطیب‌زاده (۱۳۹۵) در تبیین الگوی مشارکت ورزشی منظم نشان داد که رسانه‌ها بیشترین میزان اثر را در تغییر نگرش و ایجاد انگیزش برای فعالیت ورزشی دارند. مجیدی (۱۳۹۵) در طراحی الگوی مشارکت در ورزش‌های ماجراجویانه، مشارکت ورزشی را به سه بخش قبل از مشارکت (ترجیح‌ها، آماده‌سازی و غیره) مشارکت (روش، تجارب، تعامل و غیره) و پس از مشارکت (برآیندها، ارزیابی و غیره) تقسیم کرد.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که باوجود انجام مطالعات فراوان در زمینه بررسی روابط رسانه با ورزش و رابطه ورزش با سرمایه اجتماعی، نقش رسانه به‌عنوان یک متغیر بسیار مهم و میانجی اثرگذار در رابطه با تأثیر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی یا روابط چندگانه آن‌ها بررسی نشده است؛ البته پژوهش‌های نسبتاً فراوانی نقش مثبت مشارکت ورزشی را در افزایش سرمایه اجتماعی گزارش کرده‌اند؛ اما بیشتر این پژوهش‌ها تحلیل‌هایی یک‌طرفه و بدون در نظر گرفتن متغیرهای میانجی مهم و کلیدی را انجام داده‌اند. پژوهش‌های بسیاری مانند مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۱) نقش رسانه‌های گروهی را در مشارکت ورزشی بررسی کرده‌اند؛ اما به نقش مشارکت ورزشی در مشارکت رسانه‌ای کمتر توجه شده است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر این سؤال مطرح است که آیا مشارکت ورزشی با در نظر گرفتن نقش میانجی رسانه و قابلیت تعاملی در افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر دارد؟ همچنین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال‌ها است که در فضای اجتماعی نوین، مشارکت ورزشی چه میزان و چه نوع اثری بر سرمایه اجتماعی دارد؟ مشارکت در رسانه‌های نوین اجتماعی و

مجازی در رابطه مشارکت ورزشی و سرمایه اجتماعی تاچه اندازه نقش دارد؟ متغیر قابلیت ارتباطی چگونه اثر رسانه و مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی را تعدیل و هدایت می کند؟ برای پاسخ به برخی از این سؤالها، به تعریف چهارچوبی مفهومی از رابطه مشارکت ورزشی و سرمایه اجتماعی و آزمون تجربی آن نیاز است. یکی از مناسبترین راهها برای پاسخ به سؤالهای مطرح شده، استفاده از مطالعات پیمایشی و آزمون سؤالهای فرضیه بندی شده است. اهمیت مدل سازی بدین دلیل است که مبانی اصلی دانش در هر حوزه ای بر پایه مدل های مناسب شناسایی شده توسط دانشمندان است؛ نه یافته های جزئی و پراکنده؛ زیرا، داده ها در قالب مدل می توانند کشف، تبیین و تعبیر شوند؛ البته مدل سازی از فراگردهای اجتماعی، جهان اجتماعی را لزوماً به طور کامل معرفی نمی کند؛ اما ابزاری به دست می دهد که درک مکانیسم های اساسی آن را آسان تر می کند (صفاری، ۱۳۹۱). در همین راستا، فقدان مدل های با قابلیت تحلیل بالا و دارای مصادیق بیرونی در توسعه رابطه بین ورزش، رسانه و جامعه، پژوهشگر را بر آن داشت تا به طراحی و تبیین مدلی در این زمینه بپردازد. در مدل مفهومی شکل شماره یک، روابط مفروض میان متغیرهای پژوهش ارائه شده اند. همان گونه که این مدل نشان می دهد، مشارکت ورزشی به عنوان متغیر مستقل، رسانه و قابلیت تعاملی به عنوان متغیر میانجی و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده اند.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نظر نوع، توصیفی-همبستگی، از لحاظ راهبردی، فرایندی، از حیث هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی بود. این مطالعه به دلیل شرایط و پیش‌فرض‌های مربوط به متغیرهای پژوهش و روابط بین آن‌ها، روی شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی انجام گرفته است. جامعه آماری شهروندان دارای فعالیت ورزشی در استان گیلان بودند. نمونه آماری براساس جدول مورگان و کرجسی<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) (برای جامعه بیش از ۱۰ هزار نفر)، تعداد ۳۸۴ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای از هشت شهرستان استان گیلان با توزیع میدانی (۲۵۰ نفر) و توزیع در فضای مجازی (۲۰۰ نفر) انجام شد. از بین پرسش‌نامه‌های دریافتی، ۳۸۴ پرسش‌نامه که به صورت کامل و مناسب پاسخ داده شده بودند، برای تحلیل انتخاب شدند. در جدول شماره یک، مشخصات فردی نمونه آماری آورده شده است.

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی نمونه آماری پژوهش

متغیر	زیرمجموعه	تعداد	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۲۳۰	۵۹/۸
	متأهل	۱۵۴	۴۰/۲
سن (سال)	زیر ۳۰	۶۱	۱۶
	۳۰ تا ۳۵	۲۰۰	۷۱/۱
وضعیت شغلی	بیشتر از ۳۵	۱۲۳	۱/۸
	رسمی	۹۰	۲۳
	آزاد	۶۰	۱۶
	بیکار	۱۱۰	۲۹
درآمد	در حال تحصیل	۱۲۴	۳۲
	زیر ۲ میلیون	۹۵	۲۵
	بین ۲ تا ۵ میلیون	۱۸۵	۴۸
	۵ میلیون به بالا	۱۰۴	۲۷

از مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه به عنوان ابزارهای پژوهش استفاده شده است. مصاحبه اکتشافی به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه ورزش همگانی، جامعه‌شناسی ورزش و رسانه‌های ورزشی استان گیلان انجام شد. از مصاحبه برای شناسایی متغیرها و تکمیل پرسش‌نامه حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شد. از مجموع متغیرهای شناسایی شده، پس از بررسی و غربالگری، متغیرهایی که از لحاظ تعداد، بیشترین تکرار و تأکید را

1. Strategy
2. Krejcie, R. V., & Morgan

در مصاحبه‌ها، مقالات، اسناد و گزارش‌ها داشتند، در قالب پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته، تدوین شد. پرسش‌نامه دارای مقیاس پنج‌ارزشی لیکرت (بسیارمخالف تا بسیار موافقم) بود. پرسش‌نامه‌ها عبارت بودند از: پرسش‌نامه مشارکت ورزشی، پرسش‌نامه مشارکت در فضای مجازی ورزشی، پرسش‌نامه قابلیت تعاملی و پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی. هر کدام از پرسش‌نامه‌ها شامل چهار بعد و ۱۶ سؤال بودند. در مرحله روایی سنجی (آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تأییدی)، پنج سؤال به دلیل پایین بودن مقدار آن‌ها از مقدار مبنا حذف شدند.

برای ارزیابی روایی محتوایی و صوری از کارشناسان ورزش همگانی (شش نفر) و اساتید مدیریت ورزشی (شش نفر) نظرخواهی شد. بعد از تأیید روایی محتوایی، ابتدا ابزار در یک مطالعه راهنما بین ۴۰ نفر از جامعه آماری توزیع شد که ضریب آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/88$ ) محاسبه شد. براساس آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، سطح معناداری تمام مؤلفه‌ها بیشتر از  $0/05 < \alpha$  است؛ بنابراین، توزیع تمام داده‌ها طبیعی است. برای بررسی رابطه فرضیه‌های آماری از روش مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی. ال. اس (داوری و رضازاده، ۱۳۹۶)، برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل عاملی تأییدی و برای تحلیل فرضیه‌های اصلی پژوهش از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار پی. ال. اس. استفاده شد.

## نتایج

یافته‌های پژوهش شامل دو بخش کلی روایی سنجی برازش مدل و تحلیل روابط بین متغیرهای بود. بررسی برازش مدل بیرونی: مدل‌یابی پی. ال. اس. در دو مرحله انجام می‌شود: در مرحله اول، مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی) از طریق تحلیل‌های روایی و پایایی و تحلیل عاملی تأییدی بررسی می‌شود؛ در مرحله دوم، مدل ساختاری (مدل درونی) با برآورد مسیر بین متغیرها بررسی می‌شود. در جدول شماره دو و شکل شماره دو، بارهای عاملی متغیرها قابل مشاهده هستند.

- 
1. Kolmogorov-Smirnov
  2. P.L.S



جدول ۲- ضرایب بار عاملی پرسش‌نامه‌های پژوهش

مشارکت ورزشی			مشارکت در فضای رسانه		
بار عاملی	گویه	ابعاد (بارعاملی)	بار عاملی	گویه	ابعاد (بارعاملی)
۰/۹۰	۱		۰/۸۰	۱	
۰/۸۳	۲	قصد و تمایل به مشارکت	۰/۷۳	۲	قصد و تمایل
۰/۶۰	۳	(۰/۶۶)	۰/۸۱	۳	(۰/۷۲)
			۰/۸۰	۴	
۰/۶۷	۱		۰/۸۲	۱	
۰/۸۱	۲	مهارت و دانش مشارکت	۰/۷۷	۲	مهارت و دانش
۰/۷۴	۳	(۰/۸۵)	۰/۸۱	۳	(۰/۸۷)
۰/۷۸	۴		۰/۷۸	۴	
۰/۸۵	۱	هدف و دستاورد	۰/۷۶	۱	هدف و دستاورد
۰/۸۴	۲	مشارکت	۰/۷۷	۲	(۰/۸۷)
۰/۷۰	۳	(۰/۹۰)	۰/۷۷	۳	
۰/۷۳	۴		۰/۸۲	۴	
۰/۸۲	۱		۰/۷۸	۱	
۰/۷۸	۲	امکانات و خدمات	۰/۸۴	۲	امکانات و خدمات
۰/۸۳	۳	مشارکت	۰/۸۳	۳	(۰/۸۸)
		(۰/۷۸)	۰/۸۰	۴	
قابلیت تعاملی و ارتباطی			سرمایه اجتماعی		
بار عاملی	گویه	ابعاد (بارعاملی)	بار عاملی	گویه	ابعاد (بارعاملی)
۰/۶۵	۱		۰/۸۴	۱	
۰/۸۳	۲	نگرش و تمایل به روابط	۰/۸۷	۲	تعامل اجتماعی
۰/۸۰	۳	(۰/۷۴)	۰/۸۷	۳	(۰/۸۵)
۰/۸۱	۴		۰/۸۹	۴	
۰/۷۴	۱		۰/۸۰	۱	
۰/۸۸	۲	مهارت و دانش روابط	۰/۸۸	۲	حمایت اجتماعی
۰/۸۸	۳	(۰/۸۷)	۰/۸۹	۳	(۰/۸۹)
۰/۷۹	۴		۰/۷۸	۴	
۰/۸۹	۱		۰/۷۹	۱	
۰/۸۷	۲	محتوای روابط	۰/۸۰	۲	محبوبیت اجتماعی
۰/۸۷	۳	(۰/۸۶)	۰/۸۱	۳	(۰/۸۳)
			۰/۸۰	۴	
۰/۷۸	۱		۰/۷۴	۱	
۰/۸۲	۲	سازگاری با افراد	۰/۸۳	۲	مسئولیت اجتماعی
۰/۸۳	۳	(۰/۸۸)	۰/۸۰	۳	(۰/۸۴)
۰/۷۸	۴		۰/۷۰	۴	
			۰/۷۶	۱	
			۰/۷۵	۲	نشاط و سلامت اجتماعی
			۰/۸۱	۳	(۰/۶۳)
			۰/۷۴	۴	

در مدل پژوهش حاضر، همان‌گونه که در جدول شماره دو مشخص است، تمام اعداد ضرایب بارهای عاملی پر سش‌ها از ۰/۴ بیشتر است؛ یعنی واریانس شاخص‌ها با سازه مربوطه‌اش در حد قابل قبول است که نشان‌دهنده مناسب بودن این معیار است. برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از سه نوع روایی استفاده شد: روایی محتوا، روایی همگرا و روایی واگرا. روایی محتوا با نظر سنجی خبرگان تأیید شد. برای تعیین پایایی پر سش‌نامه از دو معیار (ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب) استفاده شد. در جدول‌های شماره سه و شماره چهار، نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا به‌طور کامل آورده شده است.

جدول ۳- ضرایب پایایی و روایی همگرای متغیرهای پژوهش

متغیرها	روایی همگرا	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	متغیرها	روایی همگرا	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
قصد و تمایل به مشارکت	۰/۵۶	۰/۹۳	۰/۹۱	تعامل اجتماعی	۰/۵۳	۰/۸۱	۰/۷۱
مهارت و دانش مشارکت	۰/۵۸	۰/۹۳	۰/۹۲	حمایت اجتماعی	۰/۵۰	۰/۷۵	۰/۷۰
هدف و دستاورد مشارکت	۰/۶۲	۰/۸۶	۰/۷۹	محبوبیت اجتماعی	۰/۵۱	۰/۷۵	۰/۷۵
امکانات مشارکت	۰/۵۷	۰/۸۴	۰/۷۵	مسئولیت اجتماعی	۰/۵۹	۰/۹۰	۰/۸۶
قصد و تمایل	۰/۶۶	۰/۸۸	۰/۸۲	نشاط و سلامت اجتماعی	۰/۵۷	۰/۸۷	۰/۸۱
مهارت و دانش	۰/۵۸	۰/۸۷	۰/۸۵	نگرش و تمایل به روابط	۰/۵۸	۰/۸۷	۰/۸۲
هدف و دستاورد	۰/۶۵	۰/۸۳	۰/۷۸	مهارت و دانش روابط	۰/۵۱	۰/۸۸	۰/۸۴
امکانات و خدمات	۰/۶۳	۰/۹۱	۰/۸۹	محتوای روابط	۰/۵۴	۰/۸۹	۰/۸۵
				سازگاری با افراد	۰/۵۹	۰/۹۱	۰/۸۸

### 1. Average Variance Extracted (AVE)

## جدول ۴- روایی و اگری متغیرهای پژوهش

ماتریس	قصد و تعایل به مشارکت	مهارت و دانش مشارکت	هدف و دستاورد مشارکت	امکانات و خدمات مشارکت	قصد و تعایل	مهارت و دانش	هدف و دستاورد	امکانات و خدمات	تعامل اجتماعی	حمایت اجتماعی	محبوبیت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی	نشاط و سلامت اجتماعی	نگرش و تعایل به روابط	مهارت و دانش روابط	محتوای روابط	سازگاری با افراد
تعایل به مشارکت	۰/۷۵																
مهارت مشارکت	۰/۶۸	۰/۷۶															
دستاورد مشارکت	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۷۹														
امکانات مشارکت	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۷۷	۰/۷۵													
قصد و تعایل	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۸۱												
مهارت و دانش	۰/۳۱	۰/۲۳	۰/۷۵	۰/۶۳	۰/۵۷	۰/۷۶											
هدف و دستاورد	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۶۸	۰/۵۹	۰/۵۴	۰/۷۵	۰/۸۱										
امکانات و خدمات	۰/۴۰	۰/۳۶	۰/۶۱	۰/۶۲	۰/۶۵	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۷۹									
تعامل اجتماعی	۰/۳۴	۰/۲۰	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۵۴	۰/۵۷	۰/۶۹	۰/۷۳									
حمایت اجتماعی	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۴۷	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۶۴	۰/۶۵	۰/۷۱	۰/۶۶	۰/۷۱							
محبوبیت اجتماعی	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۶۴	۰/۵۹	۰/۵۷	۰/۶۷	۰/۷۱						
مسئولیت اجتماعی	۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۵۲	۰/۶۵	۰/۶۹	۰/۷۷					
سلامت اجتماعی	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۵۳	۰/۵۹	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۵۴	۰/۶۴	۰/۵۹	۰/۶۱	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۷۵				
نگرش به روابط	۰/۷۲	۰/۲۳	۰/۴۷	۰/۳۲	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۵	۰/۵۸	۰/۵۱	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۵۲	۰/۵۷	۰/۷۶			
مهارت روابط	۰/۳۴	۰/۲۶	۰/۵۶	۰/۴۰	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۵۴	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۴۷	۰/۵۰	۰/۳۰	۰/۶۸	۰/۶۶	۰/۷۱		
محتوای روابط	۰/۱۸	۰/۳۶	۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۵۹	۰/۴۸	۰/۴۲	۰/۵۶	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۵۲	۰/۶۵	۰/۷۳	
سازگاری یا افراد	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۴۲	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۲۳	۰/۶۷	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۷۹

براساس این مطالب و نتایج خروجی‌های نرم‌افزار در جدول‌های شماره سه و شماره چهار، ابزار اندازه‌گیری از روایی (محتوا، همگرا و واگرا) و پایایی مناسب برخوردار است. بررسی برازش مدل درونی: مدل درونی بیانگر ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش است. با استفاده از مدل درونی می‌توان فرضیه‌های پژوهش را بررسی کرد. در جدول‌های شماره پنج و شماره شش و شکل شماره دو نتایج برازش مدل درونی مشاهده می‌شود.

جدول ۵- برازش مدل درونی پژوهش (مقدار معناداری)

مشارکت در فضای رسانه	قابلیت تعامل و ارتباطی	سرمایه اجتماعی	
۳۰/۰۰	۵/۰۷	۳/۸۵	مشارکت در فضای رسانه
	۴/۶۰	۳/۴۵	مشارکت ورزشی
		۴/۹۲	قابلیت تعامل و ارتباطی

جدول ۶- نتایج برازش مدل درونی

ضریب تعیین	ضریب قدرت پیش بینی	سازه‌ها
۰/۸۱	۰/۵۲	حمایت اجتماعی
۰/۷۳	۰/۵۲	محبوبیت اجتماعی
۰/۶۹	۰/۴۸	مسئولیت اجتماعی
۰/۸۵	۰/۵۰	نشاط و سلامت اجتماعی
۰/۸۴	۰/۴۹	نگرش و تمایل به روابط
۰/۸۳	۰/۴۸	مهارت و دانش روابط
۰/۸۴	۰/۵۷	محتوای روابط
۰/۷۷	۰/۵۳	سازگاری با افراد
۰/۸۰	۰/۴۲	قصد و تمایل به مشارکت
۰/۷۲	۰/۳۶	مهارت و دانش مشارکت
۰/۶۷	۰/۳۴	هدف و دستاورد مشارکت
۰/۸۱	۰/۴۱	امکانات و خدمات مشارکت
۰/۸۳	۰/۴۵	قصد و تمایل
۰/۸۳	۰/۴۹	مهارت و دانش
۰/۷۰	۰/۵۱	هدف و دستاورد
۰/۷۵	۰/۵۲	امکانات و خدمات
۰/۷۴	۰/۴۶	تعامل اجتماعی

در نهایت، در جدول شماره هفت برازش کلی مدل آورده شده است. سه مقدار ۰/۳۶، ۰/۲۵ و ۰/۰۱ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این معیار معرفی شده‌اند. برازش کلی مدل با توجه به مقدار ۰/۷ در سطح قوی برآورد شد.

جدول ۷- برآزش کلی مدل پژوهش

سازه‌ها	قصد و تمایل به مشارکت	مهارت و دانش مشارکت	هدف و دستاورد مشارکت	امکانات و خدمات مشارکت	قصد و تمایل	مهارت و دانش	هدف و دستاورد	امکانات و خدمات	سازگاری با افراد
میانگین مقادیر اشتراکی <sup>۱</sup>	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۵۴	۰/۵۹	۰/۷۴	۰/۶۵	۰/۷۳
ضریب تعیین <sup>۲</sup>	۰/۸۰	۰/۷۳	۰/۶۷	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۸۱	۰/۶۶
سازه‌ها	تعامل اجتماعی	حمایت اجتماعی	محبوبیت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی	نشاط و سلامت اجتماعی	نگرش و تمایل به روابط	مهارت و دانش روابط	محتوای روابط	
میانگین مقادیر اشتراکی	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۵۹	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۵۳	۰/۶۶	۰/۶۸	
ضریب تعیین	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۸۶	۰/۸۴	۰/۸۳	۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۷۳	

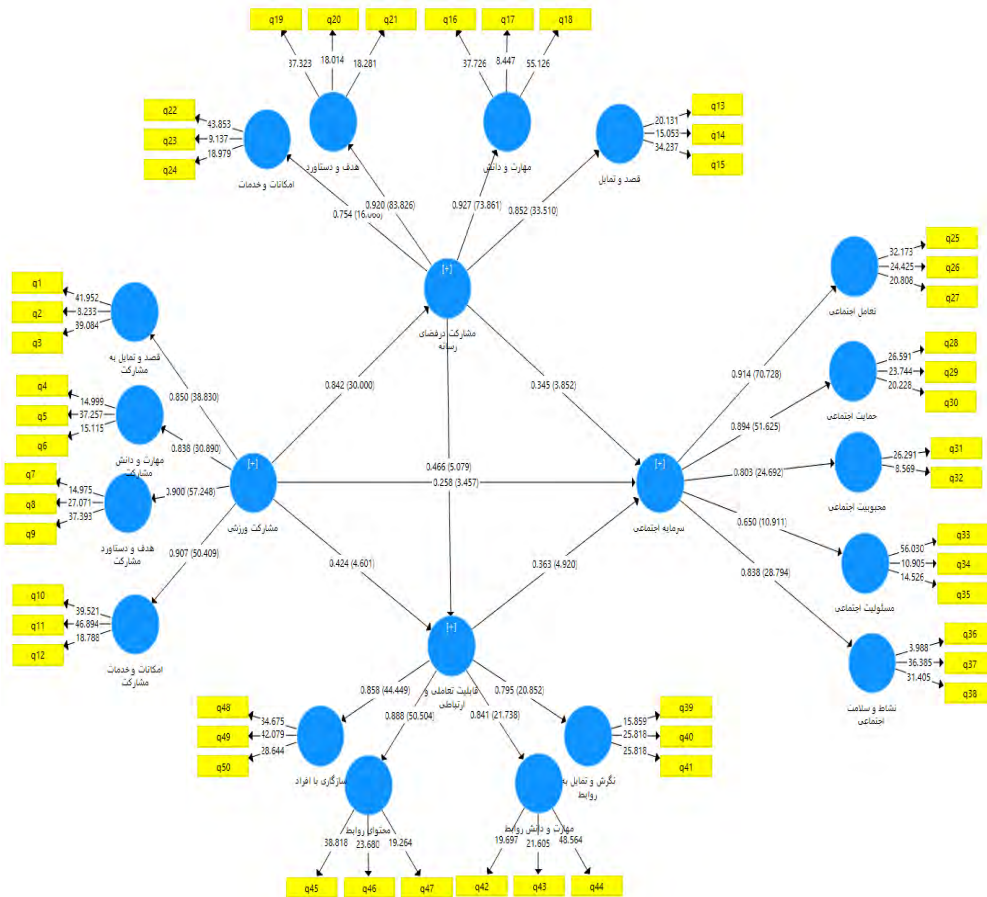
$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} = \sqrt{0/61 \times 0/47} = 0/37$$

برای معناداربودن ضریب مسیر لازم است مقدار تی هر مسیر بیشتر از عدد ۱/۹۶ باشد. براساس شکل شماره دو مشخص می‌شود که هدف و دستاورد مشارکت (۰/۹۰)، مهارت و دانش مشارکت (۰/۸۵)، امکانات و خدمات مشارکت (۰/۷۸) و قصد و تمایل به مشارکت (۰/۶۶)، به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین مشارکت ورزشی هستند. امکانات و خدمات مشارکت در فضای رسانه (۰/۸۸)، هدف و دستاورد مشارکت در فضای رسانه (۰/۸۷)، مهارت و دانش مشارکت در فضای رسانه (۰/۸۷) و قصد و تمایل به مشارکت در فضای رسانه (۰/۷۲)، به ترتیب اثر معناداری بر تبیین مشارکت در فضای رسانه هستند. سازگاری با افراد (۰/۸۸)، مهارت و دانش روابط (۰/۸۷)، محتوای ارتباط (۰/۸۶) و نگرش و تمایل به روابط (۰/۷۴)، به ترتیب بیشترین میزان اثر و معناداری را در تبیین قابلیت‌های تعاملی و ارتباطی دارند. حمایت اجتماعی (۰/۸۹)، تعامل اجتماعی (۰/۸۵)، مسئولیت اجتماعی (۰/۸۴)، محبوبیت اجتماعی (۰/۸۳) و نشاط و سلامت اجتماعی (۰/۶۳)، به ترتیب نقش معناداری بیشتری در تبیین سرمایه اجتماعی دارند.

براساس تحلیل مسیر (شکل شماره دو و جدول شماره هشت) مشخص شد که مشارکت ورزشی، ۸۲ درصد از تغییرات مشارکت در فضای رسانه، ۶۰ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی و ۳۶ درصد از

1. Communality
2. R Square

تغییرات متغیر قابلیت‌های تعاملی و ارتباطی را به‌صورت مستقیم و معنادار تبیین می‌کنند. مشارکت در فضای رسانه نیز ۳۱ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی و ۴۹ درصد از تغییرات متغیر قابلیت‌های تعاملی و ارتباطی را به‌صورت مستقیم و معنادار تبیین می‌کند. درنهایت، متغیر قابلیت‌های تعاملی و ارتباطی ۵۷ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی را به‌صورت مستقیم و معنادار تبیین می‌کند. آزمون سوبل<sup>۱</sup> در تحلیل روابط میانجی نشان داد که اثر غیرمستقیم مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی از هر دو مسیر میانجی مشارکت رسانه‌ای (۰/۶۲) و قابلیت تعاملی (۰/۶۳)، از اثر مستقیم آن بیشتر است.



شکل ۲- مدل آزمون شده پژوهش (بارهای عاملی و ضرایب معناداری)

1. Sobel Test

براساس جدول شماره هشت، نتایج ضرایب مسیر و سطح معناداری مدل پژوهش آورده شده است.

جدول ۸- نتایج ضرایب مسیر و سطح معناداری مدل پژوهش

معناداری (آماره تی)	ضریب مسیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۵۴/۴۵	۰/۸۲	مشارکت رسانه‌ای	مشارکت ورزشی
۶/۷۲	۰/۳۶	قابلیت تعاملی	مشارکت ورزشی
۲/۲۳	۰/۶۰	سرمایه اجتماعی	مشارکت ورزشی
۹/۳۶	۰/۴۹	قابلیت تعاملی	مشارکت رسانه‌ای
۴/۸۴	۰/۳۱	سرمایه اجتماعی	مشارکت رسانه‌ای
۱۳/۰۱۰	۰/۵۷	سرمایه اجتماعی	قابلیت های تعاملی و ارتباطی

شاخص شمول واریانس	آزمون سوبل	فرضیه‌های میانجی
۰/۶۲	۲/۲۶	مشارکت رسانه‌ای
۰/۶۳	۷/۳۳	قابلیت تعاملی

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، تحلیل اثر نقش‌های رسانه‌های نوین و قابلیت ارتباطی افراد بر میزان و نوع اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی بود. در پژوهش حاضر، برای تبیین هرچه بهتر ارتباط رسانه- ورزش- ارتباطات در ورزش شهروندی نسبت به پژوهش‌های قبلی، به ساخت پرسش‌نامه‌ها براساس تحولات جدید حوزه ورزش- رسانه اقدام شد و ابعاد جامع‌تر و نوین‌تری برای متغیرهای پژوهش شناسایی و استفاده شد؛ زیرا، با توجه به پویایی مشارکت ورزش و رسانه و تغییرات روزافزون آن به تحلیل مستمر آن نیاز است. در این پژوهش، سعی شد ابعاد تعریف شده بیشترین نزدیکی را به مصداق‌های واقعی داشته باشند.

تحلیل عاملی نشان داد که دستاورد مشارکت، مهارت و دانش مشارکت، امکانات و خدمات مشارکت و نیز قصد و تمایل به مشارکت، به ترتیب دارای تأثیر معناداری بر تبیین مشارکت ورزشی بودند. در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت از آنجایی که بیشتر افراد دیدگاه پیامدی (و نه فرایندی) به مقوله مشارکت اجتماعی دارند، درنهایت، دستاوردها و مزایا اهمیت بیشتری از مهارت، شناخت و خدمات

دارند. خطیب‌زاده (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود نشان داد که در نهایت، نتیجه مشارکت و باز خورد آن به مشارکت ورزشی مستمر می‌انجامد؛ از این رو، در تبلیغات و بازاریابی اجتماعی برای ترغیب مردم به مشارکت ورزشی لازم است ویتترین مناسب و جذابی از مزایا و کارکردهای فعالیت ورزشی ارائه شود. افزون‌براین، داشتن فعالیت ورزشی منظم و مفید به دانش کاربردی نیاز دارد که بهترین راه دسترسی مستمر به آن رسانه است. همچنین، فعالیت‌های ورزشی، دائم در حال پویایی و نوآوری هستند و این تغییرات در فضای رسانه‌ای به مشتریان می‌رسند. مشارکت ورزشی لزوماً محدود به حضور فیزیکی با سایر ورزشکاران و افراد مشارکت‌کننده نیست؛ بلکه در فضای رسانه ارتباطات مستمری بین فعالان ورزش در جریان است.

در این پژوهش، امکانات و خدمات مشارکت رسانه‌ای، هدف و دستاورد مشارکت رسانه‌ای، مهارت و دانش مشارکت رسانه‌ای و قصد و تمایل به مشارکت رسانه‌ای، به ترتیب اثر معناداری بر تبیین مشارکت در فضای رسانه داشتند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت به دلیل کاهش اعتماد به رسانه‌های ملی و افزایش سرسام‌آور گرایش به شبکه‌های اجتماعی جدید، این رسانه‌های نوین نقش بسیار مؤثری در جامعه امروز ایفا می‌کنند؛ اما بیشتر این شبکه‌ها یکی پس از دیگری فیلتر می‌شوند و از دسترسی معمولی خارج می‌شوند؛ از این رو، دسترسی مناسب به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی یکی از دغدغه‌های مهم است که در این یافته نیز توسط پاسخ‌دهندگان در اولویت قرار گرفته است (قاسمی و کشاورز، ۱۳۹۶). برا و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فعالیت جسمانی را بررسی کردند و به این نتیجه رسید که شبکه‌های اجتماعی در دنیای امروز فرصت‌هایی را نصیب جامعه کرده‌اند تا بتواند فرهنگ‌های مثبت را به آرامی به جامعه القا کند و فعالیت بدنی نیز می‌تواند از این قابلیت شبکه‌های اجتماعی بهره‌مند شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، سازگاری با افراد، مهارت و دانش روابط، محتوای ارتباط و نگرش و تمایل به روابط، به ترتیب بیشترین میزان معناداری و اثر را بر تبیین قابلیت‌های تعاملی و ارتباطی داشتند. شواهد مختلف بیانگر این هستند که تحولات دو دهه اخیر در زندگی شهروندی و اجتماعی سبب شده‌اند که تعاملات مستقیم بین طبقات اجتماعی و اقشار مختلف کاهش یابند. این مسئله خود سبب کاهش شناخت متقابل بین این گروه‌های مرجع جمعیتی در جامعه می‌شود. مشارکت ورزشی، مشارکت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی به عنصر ارتباط پیوند خورده‌اند؛ بنابراین، سازگارپذیری افراد نقش مهمی در شروع، حفظ و توسعه روابط اجتماعی دارد. همچنین، حمایت اجتماعی، تعامل اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، محبوبیت اجتماعی و نشاط و سلامت اجتماعی، به ترتیب تأثیر معنادار بیشتری بر تبیین سرمایه اجتماعی داشتند و همه ابعاد سرمایه اجتماعی از اولویت بالایی برخوردار بودند؛ اما حمایت اجتماعی بیشترین ضریب تأثیر را به خود اختصاص داد. یکی از دلایل این اولویت



می‌تواند ناشی از ارتباط عنصر حمایت با میزان دانش و مهارت کم بسیاری از افراد برای انجام فعالیت ورزشی باشد. لیندستروم (۲۰۱۱) نیز نشان داد زنان و مردانی که فعالیت بدنی کمی داشته‌اند، به افزایش دادن فعالیت بدنی خود متمایل بوده‌اند؛ اما برای انجام این کار به حمایت اجتماعی نیاز داشتند. از نظر آن‌ها، کسانی که اعتماد کمی را تجربه می‌کردند نسبت به کسانی که در حمایت گروه‌های مرجع قرار داشتند، میزان فعالیت بدنی کمی داشتند. علاوه بر این، ورزش به‌عنوان یکی از مظاهر فردی-اجتماعی، علاوه بر حفظ و بقای سلامت روحی و جسمی آحاد جامعه، برای ایفای صحیح نقش-های فردی، خانوادگی و اجتماعی اهمیت دارد. سانتوس و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان داده‌اند که حضور در گروه‌های ورزشی و تماس‌های مجازی با افراد ورزشکار، یکی از انگیزه‌های حضور افراد در برنامه‌های ورزشی پارک‌ها بوده است.

تحلیل مسیر نشان داد که مشارکت ورزشی اثر مستقیم و معناداری بر مشارکت رسانه‌ای، قابلیت تعاملی و سرمایه اجتماعی داشت. آزمون سوبل در تحلیل روابط میانجی نشان داد که اثر غیرمستقیم مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی از هر دو مسیر میانجی مشارکت رسانه‌ای و قابلیت تعاملی نیز معنادار است؛ اما از اثر مستقیم آن بیشتر است. یکی از جنبه‌های اجتماعی ورزش مربوط به بحث جامعه‌پذیری، دوست‌یابی و مشارکت در گروه‌های مرجع سنی، ورزشی، هواداری و غیره است. از ورزش همواره به‌عنوان فضایی پویا برای شکل‌گیری، احیا، حفظ و توسعه ارتباطات میان‌فردی یاد می‌شود؛ اما فعالیت ورزشی به‌تنهایی نمی‌تواند این مؤلفه‌ها را در حد بالایی احیا یا تقویت کند؛ از این رو، نقش عوامل میانجی بیرونی مانند رسانه و عوامل میانجی درونی مانند قابلیت ارتباطی در افراد، در میزان و نوع اثرگذاری مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده است. سیپل<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود در نروژ به این نتیجه رسید که بخش عمده‌ای از اثرگذاری ورزش بر سرمایه اجتماعی از طریق سه سازوکار است: افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و تقویت اخلاق‌گرایی. کریمیان (۱۳۹۲) نیز نشان داد که ورزش و فعالیت‌های بدنی شرایطی فراهم می‌کنند تا فرد با تعامل و برقراری ارتباط با سایر افراد و احساس تعلق به گروه، منافع و مصالح جمع را محترم بشمارد.

با توجه به افزایش انتشار پرسرعت و پرحجم اطلاعات نوشتاری، صوتی و تصویری در فضای رسانه‌ای از یک طرف و تغییرات زیاد در خدمات مربوط به باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی از طرف دیگر، اکنون فعالیت ورزشی از دید عموم یک مقوله تخصصی محسوب می‌شود و بهره‌مندی از مزایای آن نیازمند داشتن تعاملات و ارتباطات مناسب و غنی است؛ بنابراین، داشتن قابلیت تعاملی و ارتباطی زیاد، هم‌زمان هم به یادگیری و مهارت ورزشی بالا و هم به ارتقای سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. روداک،

---

1. Sseippel

هاتچینس و روو (۲۰۱۰) گزارش کردند که معاشرت با افراد ورزشی و بازاریابی اجتماعی برای ورزشی، به طور مستقیم ذهنیت ورزشی در افراد ایجاد می‌کند؛ بنابراین، اهمیت و تأثیر بیشتری نسبت به گروه‌گرایی خواهد داشت. می‌توان گفت که در گذر زمان عادت‌های رفتاری تغییر می‌کنند و در نوسان هستند. همچنین، به خاطر دستیابی به فناوری‌های جدید از جمله اینترنت و بی‌اعتمادی ناشی از وقایع جهان و ترس از آینده متزلزل، گرایش‌های ورزشی همواره در حال تغییر هستند؛ در نتیجه، ضرورت دارد بر اساس تنوع علایق ورزشی، به افزایش انتشار اطلاعات ورزشی از طریق شبکه‌های اجتماعی و مجازی جدید اقدام شود. اسلامی مرزنگلاته (۱۳۹۳) و نورعلی‌وند (۱۳۹۵) نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان رابطه معناداری وجود دارد. عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان تربیت‌بدنی و غیرتربیت‌بدنی و ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری داشت و در دانشجویان تربیت‌بدنی ورزشکار بیشتر بود.

بر پایه روابط تحلیل‌شده می‌توان مکانیسم ارتباط ورزش- رسانه- جامعه برای شهروندان را به صورتی نظام‌مند تجزیه و تحلیل کرد و به نوعی دسته‌بندی جدید دست یافت که مبتنی بر مطالعات پیشین، تجارب مدیران و ادراک متخصصان است. این مدل چهارچوبی مناسب برای مطالعات آینده در این حوزه است و می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد؛ زیرا، شناختی جامع بر پایه شناسایی عوامل کلیدی و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر پدید می‌آورد و قابلیت ارزیابی مستمر را ایجاد می‌کند. مدل ارائه‌شده به خوبی می‌تواند ظرفیت ابعاد مختلف در جذب مردم به سوی ورزش با اهداف اجتماعی را نشان دهد. مدل حاضر ساخت‌های اساسی ارتباط بین مشارکت ورزشی و سرمایه اجتماعی شهروندان را نشان می‌دهد و در سطح خود قادر به تبیین کارکردهای پیش‌بینی‌شده آن است. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در بازاریابی اجتماعی برای ورزش، به انتقال بهتر اطلاعات و ارتقای دانش، بیشتر به جنبه‌های ارتباطی و تعاملی تأکید شود؛ زمینه آموزش انواع الگوهای صحیح فعالیت بدنی، در فضاهای عمومی و جمعی فراهم شود؛ در برنامه‌ها و محتواهای رسانه‌ای بر مؤلفه‌های نگرشی مثبت، مقدم بر سایر مقوله‌ها تمرکز شود؛ به تفاوت‌های بین انواع رسانه‌های فعال در کشور و کارکردهای آن‌ها در ترویج مشارکت ورزشی توجه شود و بر اساس معیارهای مشخص اولویت‌بندی شوند؛ ارتباط نیازها و علاقه‌های مشارکت‌کنندگان در ورزش همگانی با انواع رسانه‌ها و نقش‌های چندگانه آن‌ها، از طریق نظرسنجی‌های رسانه‌ای تعیین شود؛ مراکز و سازمان‌های متولی ورزش همگانی، در ابعاد تبلیغاتی و خدماتی به استفاده مناسب از رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی جدید توجه کنند.

## تشکر و قدردانی

در پایان، از همکاری و مساعدت هیئت ورزشی همگانی استان گیلان نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

1. Abdolmaleki, H., Ali Dost Qahfarhi, I., & Goodarzi, M. (2015). Investigating the relationship between the use of sports media and social capital of students of Tehran University. *Contemporary Research on Sport Management*, 5(10), 13-24. (Persian).
2. Abdolmaleki, H., Nourizadeh, A., & Shah Mohammadi, S. (2013). A survey on the relationship between the amount of sports media consumption and the social capital of athletes participating in the first Olympiad in Tehran's neighborhood sports. Paper presented at the Second Student Sports Student Conference. Shahid Beheshti University, Tehran. (Persian).
3. Abioye AI, Hajifathalian K, Danaei G. Do mass media campaigns improve physical activity? a systematic review and meta-analysis. *Arch Pub Health*. 2013;71(20):1-10. doi: 10.1186/0778-7367-71-20
4. Ahmadi, S., Mokhtari, M., & Zarei, H. (2015). The relationship between physical self-esteem and attitude toward exercise with women's sports participation using the structural Z Equivalent Model. *Applied Research in Sport Management*, 4(15), 41-51. (Persian).
5. Berra, D. P., Zhang, J. J., Pease, D. G., & Gaa, J. P. (2016). Dimensions of spectator identification associated with women's professional basketball game attendance. *International Journal of Sport Management*, 4(1), 59-91.
6. Chalak, M. (2017). Designing a participation model in adventure sports activities. (Unpublished doctoral dissertation). Kharazmi University, Tehran. (Persian).
7. Davari, A., & Rezazadeh, A. (2017). Structural equation modeling with PLS software (4th ed.). Tehran: Jahad University Press. (Persian).
8. Delaney, L., & Keaney, E. (2005). Sport and social capital in the United Kingdom: statistical evidence from national and international survey data. *Dublin: Economic and Social Research Institute and Institute for Public Policy Research*, 32, 1-32.
9. Downward, P., Pawlowski, T., & Raseiute, S. (2011). Sport, trust and social capital. *Proceeding of the XIII and III ESEA Conferences on Sport Economies*. Prague, Czech Republic.
10. Eslame, M. (2014). Relationship between social capital and women's participation in sport activity (Case study: Women in Gorgan). *Social Capital Management*, 1(2), 139-159. (Persian)
11. Fardouly; J. Pinkus; R. Vartanian; L (2017) The impact of appearance comparisons made through social media traditional media, and in person in women's everyday lives. *BodyImage-No: 20-31-39 journal homepage www.elsevier.com/locate/bodyimage*
12. Ghasemi, H., & Keshavara, L. (2017). Sports and media with applied approach. Tehran: Science and Sports. (Persian).
13. Honary, H., Ahmadi, A. H., & Moradi, M. (2012). Investigation of the role of sports media in the development of sport championship sports. *Sports Management Studies*, 45, 145-158. (Persian).

14. Jahangir, K., Aghahosini, T., Shokrchizadeh, P., Sharifiana, M., & Mousavi Nafchi, S. M. (2012). Investigating the role of Leisure time based on physical activity on social capital (Social norms, participation) of the faculty members of Isfahan University of Medical Sciences. *Journal of Health Systems Research*, 9(11). 1167-1177. (Persian).
15. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610.
16. Khatibzadeh, M. (2016). Regular sports participation pattern design. (Unpublished doctoral dissertation). University of Trabiāt Modarres, Tehran. (Persian( .
17. Lindström, M. (2011). Social capital, desire to increase physical activity and leisure-time physical activity: A population-based study. *Public Health*, 125, 442-447,
18. Majidi, C. Moharramzadeh; M. (2016). Strategy for development of adventure sports in Sanandaj city using SWOT. analysis *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, Fall and Winter 2016. Number 12 pages.;27-44. (Persian).
19. Moradi, M., Honary, H., & Ahmadi, A. H. (2011). Comparison of the following effective components of communication roles, social participation, education and nationalization of the national media in public sport. *Communication Research*, 64, 51-70. (Persian).
20. Nora Ali Vand, A. (2015). Investigating the role of social capital in explaining sports participation (Case study: Women in Ilam province). *Journal of Social-Cultural Development Studies*, 3(59), 127-149. (Persian( .
21. Parsamehr, M. (2013). Investigating the Motives of Individuals Participating in Sport Activities (Experimental Test of Theory of Planning). *Research Journal on Sport Management and Motor Behavior*, 4(8), 12-24, (Persian)
22. Parsamehr, M., & Jesmani, S. (2011). The role of social capital on Sport consumption. *Journal of Research in Sport Management and Motor Behavior*, 1(9), 1-17. (Persian).
23. Rafiei Jirodi, A. Habibzadeh Khotbeh Sara; R. (2014) Social Capital of the Young and Older Generations and Factors Affecting its Erosion, *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, Volume 2, Number 40, Spring, Pages 153-127. (Persian).
24. Report of the Sixth Program of Sports and Youth Development. (2017). Strategy Paper Ministry of Sports, 42-86. (Persian).
25. Ruddock, A., Hutchins, B., & Rowe, D. (2010). Contradictions in media sport culture: The reinscription of football supporter traditions through online media. *European Journal of Cultural Studies*, 13(3), 323-339.
26. Sadeghi, M., & Bahamiryan, M. (2015). Study the relationship between social capital of organization and empowering staff of universities: A case study of applied science centers of Kermanshah. *International Journal o Economy, Management and Social Sciences*, 4(2), 139-146.
27. Saffari, M. (2012). Designing the pattern of general sports development in Iran. (Unpublisheddoctoral dissertation). Tarbiat Modares University, Tehran. (Persian( .
28. Santos, P., Breuer, C., & Pawlowski, T. (2016). Promoting sport for all to agespecific target groups: The impact of sport infrastructure. *European Sport Management Quarterly*, 9(2), 103-118.

29. Sharipoor, M., & Hosseini Rad, A. (2008). The study of the relationship between social capital and sport participation (Case study of citizens aged 15-29 in Babol). *Movement*, 37, 131-153 (Persian).
30. Sseippel, O. (2006). Sport and social capital. *Acta Sociologica*, 49(2), 169-183.

## استناد به مقاله

مولایی فرد پیلهرود، فاطمه، سیدعامری، میرحسن، رضانی نژاد، رحیم. (۱۳۹۸). اثر مشارکت ورزشی بر سرمایه اجتماعی با میانجیگری نقش رسانه و قابلیت تعاملی افراد. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۵۶-۲۳۵. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6036.1485

Molaiyard Pilehrood, F., Sayyed Ameri, M. H., Ramezani Nejad, R. (2019). The Effect of Sports Participation on Social Capital by Mediating the Role of Media and the Interactive Ability of Individuals. *Research on Educational Sport*, 7(16): 235-56. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.6036.1485

**بررسی کیفیت خدمات آموزشی دانشکده‌های علوم ورزشی با رویکرد گسترش کیفیت****عملکرد (مطالعه موردی: دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان)****مهر علی همتی نژاد<sup>۱</sup>، سپیده شبانی<sup>۲</sup>، رسول فرجی<sup>۳</sup>**

۱. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

**چکیده**

پژوهش حاضر با هدف تحلیل شکاف کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه گیلان، بر مبنای مدل سروکوال-کانو و پیاده‌سازی مدل گسترش کیفیت عملکرد انجام شد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بود و از رویکردهای کیفی و کمی برای جمع‌آوری داده‌ها و دستیابی به اهداف استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه گیلان بودند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسش‌نامه‌های سروکوال و کانو برای مرحله کمی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای مرحله کیفی بودند. از پرسش‌نامه سروکوال برای ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی و از پرسش‌نامه کانو برای شناسایی و دسته‌بندی نیازهای دانشجویان استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید متخصصان رسید و پایایی آن‌ها نیز در یک مطالعه مقدماتی و به روش آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۲ و ۰/۸۵ برای پرسش‌نامه‌های ادراکات و انتظارات سروکوال و کانو محاسبه شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که در همه ابعاد کیفیت خدمات آموزشی، شکاف منفی وجود داشت ( $P \leq 0/05$ ). بیشترین شکاف منفی کیفیت در بعد عناصر عینی ( $-2/16$ ) = تفاوت میانگین‌ها مشاهده شد. در نهایت، ۱۵ نیاز اساسی به‌عنوان ندای مشتری شناسایی شدند و وارد ماتریس خانه کیفیت مدل گسترش کیفیت عملکرد شدند و ۲۰ مشخصه فنی برای بهبود آن‌ها استخراج گردیدند. در نهایت، می‌توان گفت که تأمین فضای آموزشی بیشتر، تدارک تجهیزات آموزشی و آزمایشگاهی به‌روز، تقویت روش‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی دانشکده، آموزش و توجیه کارکنان دانشکده برای پاسخ‌گویی بهتر به دانشجویان و همچنین، انجام کارها به‌صورت دقیق و در زمان وعده داده شده از جمله اقدام‌های مهم برای بهبود کیفیت خدمات آموزشی دانشکده مورد مطالعه هستند.

**واژگان کلیدی:** دانشکده علوم ورزشی، کیفیت خدمات آموزشی، گسترش کیفیت عملکرد، مدل سروکوال.

## مقدمه

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، علاوه بر تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه و تولید دانش، نقش عمده‌ای در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور برعهده دارند. در این میان، دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی علوم ورزشی بر اساس رسالت خود می‌توانند در تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه و حل مسائل جامعه ورزشی مفید واقع شوند (فاضل بخششی، آقایایی و اکبری یزدی، ۱۳۹۶). در همین راستا، ارزیابی کیفیت خدمات یکی از دغدغه‌های مؤسسات آموزشی برای بهبود نحوه ارائه خدمات است. سازمان‌ها ناچارند برای بقا و ارتقای جایگاه خود شرایطی فراهم آورند که بیشترین رضایت مشتریان خود را جلب کنند. از یک سو، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، سرعت گسترش اطلاعات، تغییرات فناوری‌ها و جهانی شدن اقتصاد و از سوی دیگر، تناسب نداشتن محتوای برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه و مطلوب نبودن سطح دانش و مهارت‌های اکتسابی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، نظام‌های آموزش عالی را وارد دوران جدیدی کرده‌اند که رقابت و کیفیت از ویژگی‌های اصلی آن است (خطیبی، سجادی و سیف پناهی، ۱۳۹۰). آموزش عالی باید علاوه بر توجه به بحران ناشی از تنگناهای مالی و گسترش کمی، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت نیز بپردازد. بی‌توجهی به کیفیت خدمات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پیامدهایی چون افت تحصیلی، وابستگی علمی، فقدان کارآفرینی و ضعف تولید دانش را به همراه خواهد داشت (همتی نژاد و همتی نژاد، ۱۳۹۳).

یکی از راه‌های ارتقای کیفیت در دانشگاه‌ها، شناسایی نیازها و خواسته‌های دانشجویان و افزایش رضایت آن‌ها است (جیسوس، آرگیولیس و باتالا بیوسکیوتس، ۲۰۱۶). امروزه، از مدل‌های مدیریت کیفیت جامع، سروکوال<sup>۱</sup>، کانو<sup>۲</sup> و گسترش کیفیت عملکرد و موارد مشابه برای ارزیابی کیفیت خدمات در آموزش عالی استفاده می‌شود (خسروی زاده و زهره‌وندیان، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر، در بسیاری از پژوهش‌ها از الگوی تلفیقی سروکوال، کانو و گسترش کیفیت عملکرد<sup>۳</sup> برای ارزیابی کیفیت خدمات و شناسایی نیازهای مشتریان استفاده شده است (همتی نژاد، قلی زاده و شبانی، ۲۰۱۵؛ خسروی زاده و زهره‌وندیان، ۱۳۹۶؛ فاضل بخششی، آقایایی و اکبری یزدی، ۱۳۹۶). گسترش کیفیت عملکرد به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریت کیفیت جامع<sup>۴</sup> رویکردی است که در قلمرو آموزش می‌تواند در شناسایی نیازهای دانشجویان و بهبود اثربخشی و رضایت آنان در نیل به اهداف آموزشی، با ارائه راه‌حل‌های عملیاتی برای برنامه‌ها و خدمات باکیفیت مؤثر باشد (ژیان‌پور، زینالی پور و احمدی، ۱۳۹۱). این مدل فرایندی نظام‌یافته است که با اعتقاد به تأمین نیازها و

- 
1. Jesus, Argüelles & Batalla-Busquets
  2. SERVQUAL
  3. KANO
  4. Quality Function Deployment (QFD)
  5. Total Quality Management

خواسته‌های مشتری شروع می‌شود و پس از جمع‌آوری این خواسته‌ها که ندای مشتری<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند، آن‌ها را به مشخصه‌های کیفی تبدیل می‌کند (میرفخرالدینی، اولیا و جمالی، ۱۳۸۸). مدل کانو نیز یک مدل رضایت مشتری است که خصوصیات یک محصول یا خدمت؛ یعنی نیازهای اساسی<sup>۲</sup>، عملکردی<sup>۳</sup> و انگیزشی<sup>۴</sup> اثرگذار بر رضایت مشتری را تفکیک می‌کند. نیازهای اساسی، خصوصیات ابتدایی و اولیه‌ای هستند که باید در هر کالا یا خدمتی موجود باشند و مشتریان این خصوصیات را بدیهی و ضروری می‌دانند؛ البته تأمین این نیازها موجب افزایش رضایت مشتریان نمی‌شود؛ اما در صورتی که برآورده نشوند، موجب ناراضی‌های شدید مشتریان می‌گردند (فرلن و کرادتی، ۲۰۱۰).<sup>۵</sup> نیازهای عملکردی به آن دسته از نیازها مربوط می‌شوند که برآورده‌نکردن آن‌ها موجب ناراضی‌های مشتریان می‌شود و در مقابل، برآورده‌کردن کامل و مناسب آن‌ها رضایت و خشنودی مشتری را به همراه خواهد داشت. در نهایت، نیازهای انگیزشی در مدل کانو خواسته‌هایی جذاب هستند که در زمان کاربرد محصول، از دید مشتری به‌عنوان یک نیاز و الزام تلقی نمی‌شوند؛ ولی ارائه آن‌ها در محصول هیجان و رضایت بسیار زیادی را در مشتری پدید می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر، تأمین این ویژگی‌ها باعث رضایت زیاد مشتری می‌شود و اگر تأمین نشوند، مشتریان احساس ناراضی‌های نخواهند داشت (میرفخرالدینی، اولیا و جمالی، ۱۳۸۸). در نهایت، در مدل سروکوال، کیفیت خدمات یک سازمان از ابعاد مختلفی همچون عوامل ظاهری و ملموسات، قابلیت اعتبار، پاسخ‌گویی، اطمینان و همدلی بررسی می‌شود. پاراسورامان، زیتهامل و بری<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۸ مقیاس سروکوال را برای شناسایی عوامل اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم کیفیت خدمات، از طریق تحلیل شکاف بین اداراکات و انتظارات مشتریان از خدمات ارائه کردند (مرادی و همتی، ۱۳۸۹).

اعتقاد بر این است که استفاده‌نکردن از روش‌های علمی در ارزیابی و بهبود کیفیت خدمات، بهره‌گیری نامناسب از سرمایه‌های فکری جامعه و سیاست‌گذاری ضعیف در امر آموزش را به همراه خواهد داشت (نورالنساء، سقائی و صمیمی، ۱۳۸۷)؛ از همین رو، پژوهش‌های زیادی در زمینه کیفیت خدمات در سازمان‌های مختلف خدماتی همچون دانشگاه‌ها انجام شده‌اند که در آن‌ها از ابزارهای متفاوتی برای ارزیابی کیفیت خدمات استفاده شده است. خطیبی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خدمات آموزشی دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه تهران نشان دادند که در همه ابعاد کیفیت خدمات بین وضع موجود و وضع مطلوب شکاف منفی وجود دارد. خسروی‌زاده و زهره‌وندیان (۱۳۹۶) از مدل ترکیبی سروکوال، کانو و گسترش کیفیت عملکرد برای ارزیابی خدمات گروه علوم ورزشی دانشگاه اراک استفاده کردند. نتایج حاکی از آن بود که در همه ابعاد کیفیت خدمات شکاف

- 
1. Voice of the Customer
  2. Basic
  3. Performance
  4. Excitement
  5. Furlan & Corradetti
  6. Parasuraman, Zeithaml & Berry



منفی وجود دارد. در بیشتر پژوهش‌های گذشته، ادراک مشتریان از خدمات ارائه‌شده و نیز انتظارات آن‌ها، ملاک ارزیابی کیفیت خدمات بوده‌اند. در همین راستا، نتایج مطالعات خطیبی، سجادی و سیف‌پناهی (۱۳۹۰)، قلاوندی، بهشتی‌راد و قلعه‌ای (۱۳۹۱)، همتی‌نژاد و همتی‌نژاد (۱۳۹۳) و فاضل بخششی، آقایی و اکبری یزدی (۱۳۹۶) نشان داد که بین ادراکات و انتظارات مشتریان سازمانی شکاف منفی وجود دارد و کیفیت خدمات آموزشی در جوامع مورد مطالعه کم است.

دانشجویان، کارکنان، اعضای هیئت‌علمی، جامعه و صنایع مشتریان عمده آموزش عالی هستند که در این میان نظرهای دانشجویان به‌عنوان اصلی‌ترین مشتریان می‌توانند در بهبود کیفیت خدمات نقش بسزایی داشته باشند. در طی تحصیل، دانشجویان خدمات آموزشی متنوعی را دریافت می‌کنند؛ بنابراین، ارزیابی آنان از خدمات آموزشی ارائه‌شده می‌تواند یکی از شاخص‌های کیفیت در دانشگاه در نظر گرفته شود (ساهنی، ۲۰۰۶). همچنین، دانشجویان تعامل بیشتری با نظام آموزشی دارند. آن‌ها بخش ادغام‌شده در فرایند آموزش و کسانی هستند که در فرایند آموزش، دانش و مهارت دریافت می‌کنند و آن را با خود به محیط‌های کاری می‌برند؛ بنابراین، درک و برآورده کردن یا فراتر رفتن از انتظارات دانشجویان برای دانشگاه‌ها بسیار مهم است؛ در نتیجه، دانشگاه‌ها باید کیفیت خدمات خود را به گونه‌ای بهبود بخشند که اهداف دانشجویان برآورده شود. افزون‌بر این، در بین دوره‌های مختلف آموزش عالی، کیفیت آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا، وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص را در عرصه آموزش و پژوهش برعهده دارد (مدهوشی، زالی و نجیمی، ۱۳۸۸). آموزش عالی برای انجام وظایف خود در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیازمند اقدام‌های نظام‌مند مختلفی است. یکی از این اقدام‌ها، ایجاد ساختار نیرومند تحصیلات تکمیلی با فرایندهای مدیریتی دقیق و متفاوت از سطح کارشناسی و در نظر گرفتن کارکردها و فرایندهای ویژه این مقطع تحصیلی است (قدیمی، ۱۳۹۳). شناخت نیازها و دغدغه‌های این دانشجویان، حمایت مادی و معنوی، ایجاد بستر مناسب، تهیه ابزارها و سایر امکانات آموزشی و پژوهشی از جمله اقدام‌هایی هستند که می‌توانند زمینه بروز استعدادهای دانشجویان تحصیلات تکمیلی را فراهم کنند (قدیمی، ۱۳۹۳).

بهینه‌سازی و ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی در دانشگاه، مستلزم شناخت و ارزیابی دقیق آن است و دسترسی به این هدف با به‌کارگیری شیوه‌های علمی و جامع ارزیابی امکان‌پذیر می‌شود و نقش اساتید و دانشجویان در این خودارزیابی بسیار حیاتی است. با وجود تأکید بر کسب بازخورد از مشتریان، اغلب بین تلقی مدیریت از ادراک و انتظار دریافت‌کنندگان خدمت و ادراک و انتظار واقعی آن‌ها تناسب وجود ندارد و این امر موجب صدمه دیدن کیفیت خدمت می‌شود. در چنین حالتی، تصمیم‌گیران نمی‌توانند به‌درستی اولویت امور را تعیین کنند و این امر باعث می‌شود که عملکرد

خدمت نتواند پاسخ‌گوی انتظار مشتریان باشد؛ بنابراین، شکاف کیفیت به وجود می‌آید (میرفخرالدینی، اولیا و جمالی، ۱۳۸۸).

در میان رشته‌های علمی دانشگاهی، تربیت‌بدنی و علوم ورزشی از جمله رشته‌هایی است که طی سال‌های اخیر از نظر تعداد دانشکده‌ها و مراکز علمی و همچنین، تعداد دانشجویان رشد کمی قابل توجهی داشته است؛ اما آنچه از خروجی دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان این رشته در جامعه مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده این حقیقت است که از نظر کیفی، رشته تربیت‌بدنی آنچنان که باید توسعه نیافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که ضعف کیفی نیروی انسانی و منابع دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی و همچنین، تناسب‌نداشتن برنامه درسی دانشجویان با نیازهای جامعه، باعث بی‌انگیزگی و کاهش علاقه دانشجویان شده‌اند (ذوالاکتاف، ۱۳۸۳؛ همتی‌نژاد و همتی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ فاضل‌بخششی و همکاران، ۱۳۹۶).

ارتقای کیفیت خدمات آموزشی دانشگاه‌ها براساس رویکردهای جدید، مستلزم شناسایی انتظارات دانشجویان دانشگاه‌ها و ارائه الزامات کلیدی عملکرد برای برآوردن انتظارات آنان است. ناآگاهی از انتظارات دانشجویان به معنی صرف منابع در اموری است که برای آن‌ها بی‌اهمیت است و این امر می‌تواند سبب نارضایتی دانشجویان شود (رنجبر، بهرامی، زارع، نصیری، عرب، هادی‌زاده و حاتمی‌نصب، ۲۰۱۰). در بررسی عملکرد دانشگاهی نیز لازم است که ضعف‌ها و قوت‌های دانشگاه از ابعاد ساختاری و کارکردی مشخص شوند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، درصد پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها هستیم: آیا بین ادراکات و انتظارات دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم ورزشی دانشگاه گیلان از کیفیت خدمات آموزشی آن شکافی وجود دارد؟ خواسته‌های دانشجویان در کدام طبقه از خواسته‌های اساسی، عملکردی و انگیزشی قرار می‌گیرند؟ با کاربرد روش گسترش کیفیت عملکرد، کدام مشخصه‌های فنی را می‌توان برای تأمین خواسته‌های اساسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ارائه کرد؟

دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان به‌عنوان یکی از قطب‌های علمی این رشته در ایران، از اثرگذارترین دانشکده‌های تربیت‌بدنی در توسعه کمی و کیفی تربیت‌بدنی و ورزش در جامعه است؛ بنابراین، ارتقای کیفیت خدمات آموزشی این دانشکده نقش بسزایی در تزریق نیروی انسانی کیفی و تولید دانش در ورزش کشور خواهد داشت. پژوهش‌هایی در زمینه ارزیابی کیفیت خدمات در برخی از دانشکده‌های تربیت‌بدنی کشور انجام شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر دانشگاه و دانشکده، فرایند کیفیت‌سنجی برای هر دانشکده اقتضای خاص و منحصر به فردی دارد؛ بر همین اساس، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان در صورتی که قصد رقابت و حضور مؤثر در جامعه را دارد، باید بداند کیفیت خدمات آن از دیدگاه دانشجویان در مقایسه با سایر رقبا در چه جایگاه و رتبه‌ای قرار دارد. شناسایی نیازها و خواسته‌های دانشجویان این دانشکده و برنامه‌ریزی برای برطرف کردن نیازهای آنان می‌تواند گامی مهم در راستای پیشرفت این دانشکده و رقابت با دیگر دانشکده‌های علوم ورزشی کشور باشد. افزون‌براین، با ارتقای کیفیت خدمات این دانشکده

می‌توان میزان رضایتمندی دانشجویان را افزایش داد و تمایل به ادامه تحصیل و همکاری علمی را افزایش داد. نکته قابل توجه این است که در اغلب پژوهش‌های گذشته و به‌ویژه پژوهش‌هایی که با استفاده از مدل سروکوال انجام شده‌اند، تنها به بررسی ادراکات و انتظارات کیفیت خدمات و درنهایت، تعیین شکاف بین این دو بسنده شده است و به راهکارهای مربوط به بهبود فرایند ارائه خدمات اشاره نشده است. این درحالی است که یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر، استفاده از مدل کانو برای شناسایی و دسته‌بندی خواسته‌های دانشجویان و استفاده از تکنیک گسترش کیفیت عملکرد برای تدوین مشخصه‌های فنی موردنیاز با هدف رفع خواسته‌های اساسی آنان بود. ازسوی دیگر، در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه سنجش کیفیت خدمات آموزشی، دیدگاه دانشجویان کارشناسی بررسی شده است (عارفی، زندی و شهودی، ۱۳۹۰؛ خطیبی، سجادی و سیف‌پناهی، ۱۳۹۰؛ همتی‌نژاد و همتی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ فاضل بخششی، آقایی و اکبری یزدی، ۱۳۹۶)؛ حال آنکه در پژوهش حاضر، با توجه به رشد کمی و کیفی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نقش آن‌ها در آینده ورزش کشور، به بررسی دیدگاه آنان در این حوزه پرداخته شده است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت کیفیت خدمات آموزشی در دانشکده‌ها، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی ارائه‌شده به دانشجویان دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان انجام شد تا نقاطضعف و قابل‌بهبود آن شناسایی شوند. به نظر می‌رسد که نتایج این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت کمک به دانشکده برای انطباق هرچه‌بیشتر با انتظارات دانشجویان برای بهبود خدمات باشد که در نهایت، ارتقای علمی آن در محیط رقابتی دانشگاهی را نیز می‌تواند در پی داشته باشد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر ازمنظر هدف، کاربردی است و از رویکردهای کیفی و کمی برای پاسخ به سؤال‌ها و دستیابی به اهداف آن استفاده شده است. در بخش کیفی پژوهش، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته‌ای با هفت نفر از اساتید (با سابقه معاونت آموزشی و مدیریت گروه‌های آموزشی)، سه نفر از کارکنان آموزش (کارشناسان تحصیلات تکمیلی و مدیر آموزش) و دو نفر از دانشجویان دکتری دانشکده (درمجموع ۱۲ نفر) انجام شدند. در بخش کمی نیز داده‌های حاصل از پرسش‌نامه سروکوال و کانو برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شدند. جامعه آماری این پرسش‌نامه دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی دانشگاه گیلان (۱۶۲ نفر) بودند. برای تعیین حجم نمونه در مرحله کمی، پرسش‌نامه سروکوال بین ۳۰ نفر از دانشجویان به‌عنوان نمونه مقدماتی توزیع شد که انحراف معیاری برابر با ۰/۴۷ به‌دست آمد. سپس، براساس فرمول زیر (برگرفته از پژوهش میرفخرالدینی و همکاران، ۱۳۸۸)، حجم نمونه در سطح خطای ۰/۰۵ برابر با ۱۱۰ نفر تخمین زده شد. با توزیع تصادفی پرسش‌نامه‌ها درمیان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده، درنهایت ۱۰۸ پرسش‌نامه صحیح بازگردانده شدند و تجزیه و تحلیل آماری شدند.

$$n = \frac{N \times Z_{\alpha/2}^2 \times \delta^2}{\varepsilon^2(N-1) + Z_{\alpha/2}^2 \times \delta^2}$$

$$n = \frac{162 \times (1.96)^2 \times (0.47)^2}{(0.05)^2(162 - 1) + (1.96)^2 \times (0.47)^2} = 110$$

پرسش‌نامه سروکوال شامل ۲۸ گویه در مقیاس لیکرت هفت‌ارزشی (کاملاً نامناسب = یک تا کاملاً مناسب = هفت) است که پنج بعد کیفیت خدمات آموزشی (ملموسات، اعتبار، پاسخ‌گویی، تضمین (اطمینان) و همدلی) را در دو بخش ادراکات و انتظارات می‌سنجد. این پرسش‌نامه با مبنای استاندارد پرسش‌نامه استاندارد کیفیت خدمات سروکوال (پاراسورامن، زیتهامل و بری، ۱۹۸۵) و تعدیل گویه‌های آن با استفاده از پرسش‌نامه‌های کبریایی و رودباری (۱۳۸۴)، خطیبی، سجادی و سیف‌پناهی (۱۳۹۰) و میرفخرالدینی، اولیا و جمالی (۱۳۸۸)، در دو بخش ادراکات و انتظارات طراحی شد. از نظرهای تخصصی اساتید مدیریت ورزشی نیز برای بررسی روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه سروکوال استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه‌های ادراکات و انتظارات در یک مطالعه مقدماتی و به روش آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۲ به دست آمد. پس از بررسی نوع توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و با توجه به غیرطبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون غیرپارامتری ویلکاکسون برای مقایسه داده‌های مربوط به ادراکات و انتظارات و تعیین شکاف کیفیت در سطح  $P \geq 0.05$  استفاده شد. از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. نسخه ۱۹ نیز برای انجام محاسبات کمی و آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

پس از بررسی و تحلیل شکاف گویه‌های پرسش‌نامه سروکوال، گویه‌های دارای شکاف منفی به‌عنوان ورودی مدل کانو انتخاب شدند. در این پرسش‌نامه، هر سؤال دو بخش داشت: بخش اول مربوط به ویژگی‌هایی از خدمات است که جنبه مثبت دارند و کاربر هنگام استفاده از خدمات اماکن ورزشی دانشگاهی باید با آن‌ها روبه‌رو شود؛ بخش دوم مربوط به ویژگی‌هایی از خدمات است که جنبه منفی دارند و کاربر نباید با آن‌ها روبه‌رو شود. برای هر بخش از سؤال‌ها، پاسخ‌دهنده می‌توانست به هر یک از پنج گزینه (بسیار موافقم، یک نیاز ضروری است، نظر خاصی ندارم، مخالفم؛ اما قابل تحمل است، مخالفم و قابل تحمل نیست) پاسخ دهد. پاسخ‌های موجود در پرسش‌نامه کانو براساس بیشترین فراوانی در شش طبقه شامل نیازهای اساسی،

- 
1. Kolmogorov-Smirnov
  2. Wilcoxon
  3. SPSS
  4. Must be (M)

عملکردی، انگیزشی، بی تفاوت، معکوس<sup>۴</sup> و سؤال برانگیز<sup>۵</sup> دسته بندی می شوند (شکل شماره یک). با توجه به شکاف منفی کیفیت در همه گویه های پرسش نامه سروکوال پژوهش حاضر، پرسش نامه کانو با ۲۸ سؤال و دو رویکرد منفی و مثبت طراحی شد و پس از تأیید روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان و محاسبه پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ( $\alpha = 0/857$ )، بین ۹۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان توزیع شد که در نهایت، ۸۵ پرسش نامه بازگشت داده شدند و تجزیه و تحلیل گردیدند. برای برآورد حجم نمونه در پرسش نامه کانو نیز از نمونه مقدماتی (۳۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی) استفاده شد و با توجه به انحراف معیار محاسبه شده (۰/۳۶)، حجم نمونه در این بخش با توجه به فرمول ذکر شده، ۹۰ نفر برآورد شد. پس از شناسایی هریک از گویه های کیفیت خدمات در قالب یکی از نیازهای تعریف شده مدل کانو، نیازهای اساسی آموزشی دانشجویان برای بهبود وضعیت موجود و کاهش شکاف منفی کیفیت وارد مرحله بعدی پژوهش و تشکیل خانه کیفیت در مدل گسترش کیفیت عملکرد شدند. در نهایت، برای تکمیل ماتریس ارتباطات خانه کیفیت و تعریف مشخصه های فنی، از نظرهای تخصصی تیم گسترش کیفیت عملکرد شامل هفت نفر از اساتید، سه نفر از کارکنان آموزش و دو نفر از دانشجویان دکتری، در قالب مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد (بخش کیفی پژوهش).

- 
1. One-Dimensional (O)
  2. Attractive (A)
  3. Indifferent (I)
  4. Reversal (R)
  5. Questionable (Q)



شکل ۱- نحوه تحلیل پرسش‌نامه کانو (ویتل و لوفگرن، ۲۰۰۵)

## نتایج

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه سروکوال نشان داد که از میان ۱۰۸ دانشجوی پاسخ‌دهنده، ۶۹ نفر (۴۵/۹ درصد) پسر و ۳۹ نفر (۵۴/۱ درصد) دختر بودند. همچنین، ۷۸ نفر (۷۲/۲ درصد) از دانشجویان در مقطع کارشناسی‌ارشد و ۳۰ نفر (۲۷/۸ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. با توجه به توزیع غیرطبیعی داده‌ها، نمره ادراکات و انتظارات دانشجویان با استفاده از آزمون ویلکاکسون مقایسه شد که در همه ابعاد، نمره ادراکات دانشجویان از کیفیت خدمات (وضعیت موجود) به‌طور معناداری کمتر از انتظارات آن‌ها بود و در هر پنج بعد خدمات آموزشی، شکاف منفی کیفیت مشاهده شد (جدول شماره یک).

جدول ۱- نتایج آزمون ویلکاکسون در مقایسه ادراکات و انتظارات دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی

سطح معنی-داری	آماره Z	تفاوت میانگین‌ها (شکاف)	مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه‌ها	میانگین و انحراف معیار	ابعاد کیفیت
۰/۰۰۱*	-۸/۹۱۶	-۲/۱۶	۲۲/۵۰ ۵۷۵۵/۵۰	۱۱/۲۵ ۵۴/۸۱	۴/۱۹±۰/۸۵ ۶/۳۵±۰/۶۳	ادراکات انتظارات
۰/۰۰۱*	-۸/۸۶۷	-۱/۷۴	۳۸ ۵۷۴۱	۱۹ ۵۴/۶۷	۴/۶۱±۱/۱۱ ۶/۳۵±۰/۶۹	ادراکات انتظارات
۰/۰۰۱*	-۹/۰۰۹	-۱/۸۴	۵ ۵۸۸۱	۲/۵۰ ۵۵/۴۸	۴/۶۳±۱/۱۶ ۶/۴۷±۰/۶۱	ادراکات انتظارات
۰/۰۰۱*	-۸/۹۷۵	-۱/۹۴	۲/۵۰ ۵۷۷۵/۵۰	۲/۵۰ ۵۴/۴۹	۴/۵۳±۱/۲۵ ۶/۴۷±۰/۵۴	ادراکات انتظارات
۰/۰۰۱*	-۸/۷۵۱	-۱/۵۴	۳۳ ۵۴۲۷	۱۶/۵۰ ۵۳/۲۱	۴/۸۷±۱/۰۴ ۶/۴۱±۰/۶۱	ادراکات انتظارات

\* در ۰/۰۵ P ≥ معنادار است.

براساس اطلاعات جدول شماره یک، بیشترین شکاف منفی کیفیت مربوط به بعد عناصر عینی (۲/۱۶-) بود. ابعاد اطمینان (۱/۹۴-)، پاسخ‌گویی (۱/۸۴-)، قابلیت اعتبار (۲/۱۵-) و همدلی (۱/۵۴-) نیز به ترتیب در رتبه‌های بعدی شکاف منفی قرار گرفتند. در همین راستا، شکاف هر یک از گویه‌های کیفیت خدمات آموزشی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان نیز در جدول شماره دو گزارش شده است.

جدول ۲- میانگین امتیاز ادراکات و انتظارات در هر یک از گویه‌های خدمات آموزشی و شکاف بین آن‌ها

ابعاد کیفیت	گویه‌ها	ادراکات	انتظارات	تفاوت میانگین‌ها
عناصر عینی	۱. جذابیت تسهیلات فیزیکی (ساختمان و تجهیزات)	۴/۱۹±۱/۴۱	۶/۳۵±۰/۹۷	-۲/۱۶
	۲. حضور اساتید و کارکنان با پوشش مناسب و ظاهری	۵/۴۵±۱/۴۴	۶/۱۴±۱/۰۱	-۰/۶۹
	۳. قابلیت استفاده از اینترنت با کیفیت عالی	۳/۳۱±۱/۵۳	۶/۷۱±۱/۷۸	-۳/۴۰
	۴. کارآمدی و به‌روزرسانی تجهیزات آموزشی	۳/۵۶±۱/۴۲	۶/۵۷±۰/۸۴	-۳/۰۱
قابلیت اعتماد	۵. آگاه کردن دانشجو از نتایج ارزیابی‌های به‌عمل آمده	۴/۶۶±۱/۷۴	۶/۲۴±۰/۹۴	-۱/۵۸
	۶. کسب نمره بهتر در صورت تلاش بیشتر توسط دانشجو	۴/۸۹±۱/۷۱	۶/۴۵±۰/۸۳	-۱/۵۶
	۷. ارائه منظم و مرتبط مطالب درسی در کلاس	۴/۹۶±۱/۵۶	۶/۵۲±۰/۷۷	-۱/۵۶
	۸. درستی و اطمینان در ثبت و استفاده از اطلاعات	۵/۰۳±۱/۵۷	۶/۱۳±۰/۹۹	-۱/۱۰
	۹. ارائه خدمات الکترونیکی (سیستم انفورماتیک)	۳/۹۹±۱/۳۷	۶/۴۴±۰/۹۳	-۲/۴۵
	۱۰. اجرای کارها و خدمات وعده داده شده	۳/۹۹±۱/۵۰	۶/۳۵±۰/۹۷	-۲/۳۶
	۱۱. به‌روزرسانی بردهای آموزشی	۴/۷۸±۱/۳۶	۶/۲۹±۰/۹۰	-۱/۵۱

ادامهٔ جدول ۲- میانگین امتیاز ادراکات و انتظارات در هریک از گویه‌های خدمات آموزشی و شکاف بین آن‌ها

ابعاد کیفیت	گویه‌ها	ادراکات	انتظارات	تفاوت میانگین‌ها
پاسخ‌گویی	۱۲. دردسترس بودن اساتید راهنما و مشاور به‌هنگام	۵/۰۶±۱/۵۳	۶/۷۴±۰/۴۹	-۱/۶۸
	۱۳. دسترسی آسان دانشجویان به مدیریت برای انتقال	۴/۴۴±۱/۴۳	۶/۳۷±۰/۸۴	-۱/۹۳
	۱۴. وجود نظام بازخورد برای بهبود عملکرد کیفیت	۳/۷۴±۱/۳۷	۶/۴۱±۰/۷۸	-۲/۶۷
	۱۵. وجود رویه‌های استاندارد مانند اعلام ساعت‌هایی برای مراجعه	۴/۷۸±۱/۵۹	۶/۴۵±۰/۸۱	-۱/۶۷
	۱۶. آمادگی کارکنان حوزهٔ آموزش برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانشجویان	۴/۸۷±۱/۵۳	۶/۲۸±۰/۸۴	-۱/۴۱
	۱۷. ارائهٔ منابع اطلاعاتی مناسب به دانشجویان	۴/۸۹±۱/۶۰	۶/۵۳±۰/۷۷	-۱/۶۴
	اطمینان	۱۸. تسهیل مشارکت دانشجویان در بحث و تبادل نظر	۵/۱۵±۱/۵۷	۶/۳۱±۰/۷۵
۱۹. تنوع برنامه‌های ورزشی و فوق‌برنامه		۴/۰۳±۱/۵۳	۶/۲۲±۱/۸۶	-۲/۱۹
۲۰. تنظیم برنامهٔ آموزشی اعم از تئوری و عملی با کیفیت عالی		۴/۲۶±۱/۴۸	۶/۴۱±۰/۸۵	-۲/۱۵
۲۱. آماده‌کردن دانشجو برای شغل آینده		۳/۸۳±۱/۶۳	۶/۶۵±۰/۷۵	-۲/۸۲
۲۲. در نظر گرفتن ساعات مشاورهٔ مناسب و کافی برای دانشجویان		۴/۴۴±۱/۸۳	۶/۵۲±۰/۷۶	-۲/۰۸
۲۳. برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی در حوزهٔ مربوطه		۵/۴۴±۱/۶۰	۶/۷۳±۰/۵۵	-۱/۲۹
همدلی		۲۴. ارائهٔ تکالیف متناسب و مرتبط با درس به	۵/۰۷±۱/۴۵	۶/۳۹±۰/۸۵
	۲۵. رفتار توأم با احترام اساتید با دانشجویان	۵/۶۶±۱/۴۰	۶/۵۷±۰/۶۴	-۰/۹۱
	۲۶. برخورد مناسب کارکنان آموزش با دانشجویان	۵/۳۵±۱/۴۳	۶/۵۶±۰/۷۰	-۱/۲۱
	۲۷. وجود مکان آرام و مناسب برای مطالعه	۳/۹۸±۱/۸۴	۶/۶۳±۰/۶۶	-۲/۶۵
	۲۸. حل مسائل و مشکلات دانشجویان به‌صورت محرمانه توسط اساتید	۴/۲۸±۱/۴۰	۵/۸۹±۱/۱۲	-۱/۶۱

با توجه به داده‌های جدول شمارهٔ دو می‌توان گفت که گویهٔ «قابلیت استفاده از اینترنت با کیفیت عالی در دانشکده» (۳/۴۰-) دارای بیشترین شکاف منفی کیفیت در بعد عناصر عینی بود. در بعد اعتبار نیز گویهٔ «ارائهٔ مناسب خدمات الکترونیکی (خدمات انفورماتیک آموزش)» بیشترین شکاف منفی کیفیت (۲/۳۶-) را داشت. همچنین، در ابعاد پاسخ‌گویی، تضمین و همدلی، به‌ترتیب گویه‌های «وجود نظام بازخورد برای بهبود عملکرد کیفیت» (۲/۶۷-)، «آماده‌کردن دانشجویان برای شغل آینده با ارائهٔ آموزش‌های نظری و عملی» (۲/۸۲-) و «وجود مکانی آرام و مناسب برای مطالعه در دانشکده» (۲/۶۵-)، بیشترین شکاف منفی کیفیت آموزشی را داشتند. پس از مشخص شدن شکاف گویه‌ها، ۸۵ دانشجو به پرسش‌نامهٔ کانو پاسخ دادند و براساس آن، انواع نیازهای دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی با توجه به رویکرد کانو تعیین شدند که در جدول شمارهٔ گزارش شده‌اند.



جدول ۳- نوع نیاز هریک از گویه‌های کیفیت خدمات آموزشی براساس بیشترین فراوانی

نتیجه	طبقه‌بندی فازی ویژگی‌ها						گویه‌ها
	اساسی	عملکردی	آرته‌پذیری	تفاوت‌زا	معمول	سؤال برآیندی	
براساس بیشترین فراوانی							
عملکردی	۲۱	۳۳	۲۳	۸	۰	۸۵	۱. جذابیت تسهیلات فیزیکی (ساختمان دانشکده، کلاس‌ها و کتابخانه دانشکده)
انگیزشی	۲۰	۱۹	۲۶	۱۷	۲	۸۵	۲. حضور اساتید و کارکنان با پوشش مناسب و ظاهری مرتب و منظم در دانشکده
اساسی	۵۷	۱۶	۴	۷	۰	۸۵	۳. قابلیت استفاده از اینترنت با کیفیت عالی در دانشکده
اساسی	۶۴	۱۰	۴	۷	۰	۸۵	۴. کارآمدی و به‌روزرسانی تجهیزات آموزشی
عملکردی	۳۱	۳۵	۱۳	۵	۰	۸۵	۵. اجرای کارها و خدمات وعده‌داده شده از سوی مسئولان و کارکنان آموزشی
عملکردی	۲۲	۲۳	۱۷	۲۱	۱	۸۵	۶. آگاه کردن دانشجویان از نتایج ارزیابی‌های به‌عمل آمده از وی
عملکردی	۱۶	۴۱	۱۵	۹	۲	۸۵	۷. کسب نمره بهتر در صورت تلاش بیشتر دانشجویان
اساسی	۲۸	۲۰	۲۲	۱۵	۰	۸۵	۸. ارائه منظم و مرتبط مطالب درسی در کلاس
اساسی	۲۸	۱۶	۱۴	۲۷	۰	۸۵	۹. ثبت صحیح اطلاعات فردی دانشجویان و استفاده مطمئن از
اساسی	۴۹	۱۸	۶	۱۲	۰	۸۵	۱۰. ارائه مناسب خدمات الکترونیکی (سیستم انفورماتیک
اساسی	۳۹	۱۶	۱۱	۱۹	۰	۸۵	۱۱. به‌روزرسانی بردهای آموزشی برای اطلاع به‌موقع دانشجویان
اساسی	۴۴	۲۴	۹	۸	۰	۸۵	۱۲. در دسترس بودن اساتید راهنما و مشاور به‌هنگام نیاز
عملکردی	۲۶	۲۷	۱۶	۱۶	۰	۸۵	۱۳. دسترسی آسان دانشجویان به مدیریت برای انتقال
اساسی	۳۰	۲۵	۱۴	۱۵	۱	۸۵	۱۴. وجود نظام بازخورد (نظرسنجی و نیازسنجی) برای بهبود عملکرد خدمات آموزشی
عملکردی	۲۰	۲۹	۲۱	۱۵	۰	۸۵	۱۵. وجود رویه‌های استاندارد مانند اعلام ساعت‌هایی برای مراجعه دانشجویان به استاد
اساسی	۳۴	۲۵	۱۳	۱۲	۱	۸۵	۱۶. آمادگی کارکنان حوزه آموزش برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانشجویان
اساسی	۲۹	۲۵	۱۶	۱۵	۰	۸۵	۱۷. ارائه منابع مطالعاتی مناسب به دانشجویان
عملکردی	۱۸	۲۵	۲۴	۱۶	۲	۸۵	۱۸. تسهیل مشارکت دانشجویان در بحث و تبادل نظر درباره موضوع درس توسط استاد
انگیزشی	۲۰	۲۳	۲۶	۱۴	۱	۸۵	۱۹. تنوع برنامه‌های ورزشی و فوق برنامه
انگیزشی	۲۴	۲۴	۲۶	۱۱	۰	۸۵	۲۰. تنظیم برنامه‌های آموزشی اعم از تئوری و عملی با کیفیت و انعطاف عالی

ادامه جدول ۳- نوع نیاز هریک از گویه‌های کیفیت خدمات آموزشی براساس بیشترین فراوانی

طبقه‌بندی فازی ویژگی‌ها							
نتیجه براساس بیشترین فراوانی	مجموع سؤال بر فراز پژ	معمول رتبه	زیاد تفاوت	انگیزشی پژ	عملکردی	اساسی	گویه‌ها
اساسی	۸۵	۰	۱۵	۷	۱۹	۴۴	۲۱. آماده کردن دانشجویان برای شغل آینده با ارائه آموزش‌های نظری و عملی
انگیزشی	۸۵	۱	۱۳	۲۵	۲۲	۲۴	۲۲. در نظر گرفتن ساعات مشاوره مناسب و کافی توسط اساتید
اساسی	۸۵	۰	۶	۳	۱۶	۶۰	۲۳. برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی در حوزه مربوطه
اساسی	۸۵	۲	۱۶	۲۲	۱۶	۲۷	۲۴. ارائه تکالیف متناسب و مرتبط با درس به دانشجویان از سوی
عملکردی	۸۵	۰	۱۴	۱۶	۲۸	۲۷	۲۵. رفتار توأم با احترام اساتید با دانشجویان در دانشکده
اساسی	۸۵	۰	۱۶	۱۶	۱۸	۳۵	۲۶. برخورد مناسب کارکنان آموزش با دانشجویان
اساسی	۸۵	۱	۶	۳	۱۸	۵۷	۲۷. وجود مکان آرام و مناسب برای مطالعه در دانشکده
عملکردی	۸۵	۱	۲۷	۲۰	۲۵	۱۱	۲۸. حل مسائل و مشکلات دانشجو به صورت محرمانه توسط اساتید و کارکنان

براساس نتایج جدول شماره سه، از مجموع ۲۸ گویه مورد بررسی، ۱۵ گویه به عنوان نیازهای اساسی، نه گویه به عنوان عملکردی و چهار گویه نیز به عنوان نیازهای انگیزشی دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی شناسایی و طبقه‌بندی شدند. در نهایت، ۱۵ نیاز اساسی شناسایی شده در این پژوهش به عنوان ندای مشتری (خواسته-های اساسی دانشجویان) در نظر گرفته شدند. براساس نظر تیم گسترش کیفیت عملکرد پژوهش، ۲۰ مشخصه فنی برای دستیابی به خواسته‌های دانشجویان شناسایی شدند. در جدول شماره چهار، خانه کیفیت تبدیل خواسته‌های دانشجویان به ویژگی‌های خدمت نشان داده شده است. ماتریس خانه کیفیت اطلاعات مفیدی را درباره چگونگی ارضای خواسته‌های مشتری ارائه می‌دهد و با عمل به نتایج آن می‌توان بهبود چشمگیری را در رفع نیاز مشتری ایجاد کرد. مواردی در این ماتریس آمده‌اند، به شرح زیر هستند:

**ندای مشتریان:** یا همان خواسته‌های مشتریان که براساس مدل سروکوال و کانو مشخص شدند؛

**ویژگی‌های خدمت:** در این قسمت، برای ترجمه ندهای مشتریان به ویژگی‌های خدمت از نظرهای گروه پژوهش استفاده شد؛

**ماتریس ارتباطات:** منظور، قسمت وسط ماتریس است که در این قسمت ارتباط بین ویژگی‌های خدمت با ندهای مشتریان توسط علامت‌های خاص به صورت ارتباط قوی، متوسط و ضعیف مشخص شده است؛

**ماتریس همبستگی‌ها:** همان سقف خانه کیفیت است. در این قسمت، در صورت وجود همبستگی مثبت یا منفی بین ویژگی‌های خدمت، بنابه نظرهای تیم پژوهش، این همبستگی‌ها با علامت‌های خاص مشخص شده‌اند؛

**نرخ بهبود:** نرخ بهبود از تقسیم برنامه سازمان بر ارزیابی سازمان به دست آمده است؛  
**ارزیابی سازمان:** اعداد منظور شده در این قسمت همان میانگین خدمات ادراک شده توسط مشتریان (دانشجویان) هستند؛

**برنامه سازمان:** در این قسمت، گروه پژوهش با توجه به درجه سختی رسیدن به اهداف و برنامه سازمان در جهت بهبود وضعیت، هریک از ندهای مشتریان را در بازه یک تا پنج مشخص کرده‌اند؛  
**میزان اهمیت:** میانگین انتظارات مشتریان (دانشجویان) در مورد هریک از نیازها در این قسمت قرار گرفته است؛

**وزن مطلق ندهای مشتریان:** حاصل ضرب میزان اهمیت در نرخ بهبود؛

**وزن نسبی ندهای مشتریان:** تقسیم وزن مطلق هر کدام از ندها بر حاصل جمع اوزان مطلق؛

**وزن مطلق ویژگی‌های خدمت:** با توجه به ارتباط بین ویژگی‌های خدمت با خواسته‌های مشتریان و درجه اهمیت آن‌ها و با استفاده از این فرمول محاسبه می‌شود:  $wj = \sum_{i=1}^n widij$

**وزن نسبی ویژگی‌های خدمت:** تقسیم وزن مطلق هر کدام از ویژگی‌ها بر حاصل جمع اوزان مطلق؛

**دستیابی به هدف:** ضرب وزن نسبی هر کدام از ویژگی‌ها در درجه سختی رسیدن به آن‌ها.

با توجه به نظر تیم مصاحبه، مشخصه‌های فنی تعیین شده برای بهبود کیفیت خدمات آموزشی شامل «اولویت-بندی و تخصیص بهینه بودجه»، «وجود یک برنامه دقیق و تعریف شده»، «استفاده از منابع انسانی متخصص»، «طراحی نظام ارزیابی عملکرد آموزشی»، «تفویض اختیار به اساتید در ارائه سرفصل آموزشی»، «برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی برای کارکنان»، «بازخورد مرحله به مرحله»، «وجود آزمون‌های سنجش متناوب و دوره‌ای»، «بازبینی و به‌روزرسانی سرفصل دروس»، «استفاده از بردهای الکترونیکی»، «استفاده از منابع و کتب به‌روز»، «شایستگی در IT»، «شفاف‌سازی قوانین و مقررات»، «دسترسی به هیئت علمی و تعیین ساعات مشاوره»، «به‌روزرسانی اتوماسیون‌های اداری»، «تسهیم دانش و تجربیات با سازمان‌های مرتبط»، «راه‌اندازی وبلاگ برای اطلاع‌رسانی»، «برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای اساتید»، «نظارت و کنترل» و «راه‌اندازی کارتابل اختصاصی برای اساتید» بودند (جدول شماره چهار). پس از تعیین مشخصه‌های فنی، خانه کیفیت ترسیم شد. در نهایت، ارتباطات بین مشخصه‌های فنی با یکدیگر و با نیازهای مشتریان، درجه سختی رسیدن به هریک از مشخصه‌ها و اهمیت هریک از نیازها توسط نظرهای هیئت مصاحبه مشخص شدند. نتایج ماتریس خانه کیفیت خدمات آموزشی دانشکده علوم ورزشی گیلان (جدول شماره چهار) نشان داد که «وجود آزمون‌های سنجش متناوب و دوره‌ای» با وزن مطلق ۴۷۰/۷، «استفاده از منابع انسانی متخصص» با وزن مطلق ۴۶۳/۳ و «کنترل و نظارت» با وزن مطلق ۴۵۱/۵، با اهمیت‌ترین مشخصه‌های فنی در مقایسه با سایر مشخصه‌ها بودند. «اولویت‌بندی و تخصیص بهینه بودجه»، «استفاده از منابع انسانی متخصص» و «شایستگی در IT» از جمله مشخصه‌های فنی‌ای بودند که از نظر درجه دشواری تحقق و دستیابی به آنان در برنامه فعلی سازمان، بیشترین امتیاز و اهمیت را داشتند. همچنین، داده‌های مربوط به خواسته‌های دانشجویان (جدول



## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که در همه ابعاد کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان، شکاف منفی وجود داشته است و میزان تحقق خواسته‌های دانشجویان در تمام موارد کمتر از انتظارات آن‌ها بوده است. قلاوندی و همکاران (۱۳۹۱)، همتی‌نژاد و همتی‌نژاد (۱۳۹۳) و خسروی‌زاده و زهره‌وندیان (۱۳۹۶) نیز در ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی جوامع مورد مطالعه خود با استفاده از مدل سروکوال به نتایج مشابهی دست یافتند که با نتایج پژوهش حاضر در یک‌راستا است. شکاف منفی کیفیت در ابعاد پنج‌گانه خدمات در هر دانشکده یا دانشگاهی ممکن است با توجه به تنوع رشته‌های تحصیلی، تعداد دانشجو و اعضای هیئت‌علمی، قدمت دانشگاه، فرهنگ سازمانی حاکم، فضای فیزیکی و امکانات آموزشی متفاوت باشد (خطیبی و همکاران، ۱۳۹۰). بیشترین شکاف منفی کیفیت در پژوهش حاضر، مربوط به بعد عناصر عینی بود که به‌طور عمده بر کیفیت شرایط فیزیکی محیط ارائه خدمت، تسهیلات و تجهیزات و ظاهر آراسته اساتید و کارکنان دانشکده اشاره دارد و نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که منابع اطلاعاتی و امکانات و زیرساخت‌های دانشگاهی مانند امکانات کتابخانه‌ای، ابزارها و لوازم آزمایشگاهی در دانشگاه‌ها، نقش مهمی در توسعه آموزش دارند. به عقیده اتقیا (۱۳۹۱)، زمانی که دانشجویان از وضعیت کلاس‌ها، زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی رضایت چندانی ندارند، بازنگری مسئولان و توجه بیشتر آنان به کیفیت فضاهای آموزشی و تجهیزات موجود در کلاس‌های تحصیلات تکمیلی ضرورت پیدا می‌کند. قدیمی‌بودن ساختمان دانشکده و کلاس‌ها، ضعف در تجهیزات آزمایشگاهی و مجزانبودن بخش مرجع کتابخانه از سالن مطالعه و امانات آن ممکن است در ادراک دانشجویان از فضای دانشکده تأثیر منفی گذاشته باشند و دلیلی بر نارضایتی دانشجویان و شکاف منفی کیفیت در این بخش باشند؛ بنابراین، توجه بیشتر مسئولان به ساختمان دانشکده، کلاس‌ها، کتابخانه و تجهیزات آزمایشگاهی و آموزشی و نیز کارآمدی و به‌روزرسانی تجهیزات آزمایشگاهی و کتب کتابخانه‌ای در کنار آراستگی ظاهری اساتید و کارکنان می‌تواند در ادراک دانشجویان از خدمات آموزشی تأثیرگذار باشد.

سایر نتایج پژوهش نشان داد که بعدها اطمینان (۱/۹۴-)، پاسخ‌گویی (۱/۸۴-)، قابلیت اعتبار (۱/۷۴-) و همدلی (۱/۵۴-)، به‌ترتیب بیشترین شکاف منفی کیفیت را پس از بعد عناصر عینی را دارند. بعد اطمینان بر ایجاد حس اعتماد و اطمینان در دانشجویان، تسهیل مشارکت آن‌ها در بحث و تبادل نظر درباره موضوع درس تأکید دارد. مهم‌ترین الزامات آموزشی را باید به‌ترتیب در ساختار، اساتید و محتوای دوره‌های آموزشی جست‌وجو کرد (رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۳). نتایج مطالعه چو (۲۰۰۴) نشان داد که مهم‌ترین خواسته‌های کیفی درک شده توسط دانشجویان به محتوای عملی دوره آموزشی و اساتید با معلومات و دانش کافی در

بخش آموزش مربوط است. به نظر می‌رسد که اگر در دانشگاه‌ها پیش‌ازپیش آموزش‌های عملی و نظری لازم و متناسب با شغل آینده به دانشجویان ارائه شوند، اساتید دانش تخصصی کافی در حوزه مربوطه را داشته باشند، اساتید خارج از ساعت‌های کلاس نیز وقت کافی برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانشجویان در نظر بگیرند و در نهایت، اساتید امکان بحث و تبادل نظر را در کلاس‌ها فراهم آوردند، می‌توان شکاف منفی کیفیت در این بعد را به حداقل ممکن کاهش داد. به نظر می‌رسد که ضعیف بودن محتوای آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، نامشخص بودن منابع تدریس در بعضی مواقع، به‌روزی نبودن محتوای آموزشی و انتخاب سلیقه‌ای دروس، از جمله مشکلات دانشجویان در این مقطع باشند که ادراک منفی آنان از کیفیت خدمات را فراهم کرده‌اند.

در بعد پاسخ‌گویی، اطلاع‌رسانی‌های دقیق و به‌موقع برنامه‌ها، در دسترس بودن کارکنان و مربیان برای پاسخ به سؤال‌ها و خواسته‌های دانشجویان و نیز ارائه سریع و به‌موقع خدمات، از جمله موارد مهم و قابل توجه هستند که باید در برنامه‌ریزی‌ها مدنظر قرار گیرند. بحرینی، شاه‌علیزاده و نورایی (۱۳۸۸)، عباسیان، چمن، موسوی، امیری، غلامی، ملکی و راعی (۱۳۹۲)، فروغی ابری، یارمحمدیان و ایستکی (۲۰۱۱) و اخلاقی، امینی و اخلاقی (۲۰۱۲) در بررسی کیفیت خدمات دانشگاه‌های مورد مطالعه خود، بیشترین شکاف منفی کیفیت را در بعد پاسخ‌گویی گزارش کردند. وجود شکاف منفی در بعد پاسخ‌گویی را می‌توان با توجه بیش‌ازپیش به مواردی از قبیل در دسترس بودن اساتید به‌هنگام نیاز دانشجویان، برنامه و زمان‌بندی مشخص برای مراجعه دانشجویان و پاسخ‌گویی به آنان و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با ریاست دانشکده برای انتقال انتقادات و پیشنهادها کاهش داد. توجه به این موارد احتمالاً می‌تواند در رفع ابهام‌های علمی دانشجویان و نیز بهبود روابط استاد و دانشجو مؤثر باشد. از سوی دیگر، ارائه منابع مطالعاتی مناسب و مفید و کافی بودن منابع معرفی شده و مثال‌ها و تکالیف ارائه شده در کلاس موجب ارتقای ساختار دوره می‌شوند و به یادگیری دروس و کسب مهارت تحلیل در دانشجویان منجر می‌شوند. بیشتر اساتید دانشکده مورد مطالعه زمان‌های مشخصی را به مراجعه دانشجویان و پرسش و پاسخ اختصاص می‌دهند؛ اما با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که باید اساتید در تخصیص وقت به دانشجویان تجدیدنظر کنند. همچنین، به نظر می‌رسد که مدیریت دانشکده بهتر است جلسه‌هایی را برای آگاهی از نیازها و خواسته‌های دانشجویان برگزار کند و پاسخ‌گوی انتقادات و پذیرای پیشنهادهای دانشجویان باشد. ضعف در اطلاع‌رسانی‌های دقیق و به‌موقع برنامه‌ها، دسترسی نداشتن به کارکنان و مربیان برای پاسخ به سؤال‌ها و خواسته‌های دانشجویان در برخی مواقع، می‌تواند دلیل بر شکاف منفی کیفیت در این بعد باشند.

بعد قابلیت اعتماد بر توانایی کارکنان در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به دانشجویان تأکید دارد. آگاهی دانشجو از نتایج ارزیابی‌های به‌عمل آمده از وی، کسب نمره بهتر در صورت تلاش بیشتر، ارائه منظم مطالب درسی در کلاس، اجرای کارها و خدمات وعده داده شده از سوی مسئولان آموزشی و به‌روزرسانی بردهای آموزشی، از جمله

مواردی هستند که در ایجاد حس اعتماد و اطمینان در دانشجویان مؤثرند. برگزاری امتحان‌ها در طول ترم و ارائه بازخوردهای مناسب به دانشجویان، نه تنها در پیشرفت تحصیلی دانشجویان نقش دارند، بلکه انگیزه لازم برای تلاش بیشتر را در آنان ایجاد خواهند کرد. ارائه طرح درس به دانشجویان توسط اساتید در آغاز دوره‌های تحصیلات تکمیلی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا، دانشجویان با اهداف و رسالت‌های این دوره و نیز با کم‌کیفیت دروس آشنا می‌شوند. مجموع عوامل ذکر شده، در نهایت می‌تواند شکاف منفی بعد قابلیت اعتماد را کاهش دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که ارائه‌نشدن طرح درس از سوی برخی از اساتید در ابتدای ترم، موجب ادراک منفی دانشجویان و نارضایتی آنان می‌شود. همچنین، شکاف منفی در این بعد می‌تواند ناشی از ضعف در ارائه خدمات کارکنان بخش آموزش و انتظارات نسبتاً زیاد دانشجویان از دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان به‌عنوان یکی از قطب‌های ورزشی مهم کشور باشد.

بعد همدلی که کمترین شکاف منفی کیفیت خدمات آموزشی در پژوهش حاضر را داشت، بر رفتار محترمانه استادان و کارکنان آموزشی دانشکده با دانشجویان، حساسیت و آگاهی نسبت به تقاضاها، پرسش‌ها و شکایت‌های مطرح‌شده از سوی دانشجویان، ارائه تکالیف مرتبط با درس و وجود مکانی آرام و مناسب برای مطالعه در دانشکده تأکید دارد. وورجانینگروم<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) بیان کرد که از جمله نیازهای شناسایی‌شده دانشجویان، ساده‌سازی جریان امور اداری، گشاده‌رویی و برخورد مناسب اعضای کادر اداری، ارزیابی و تغییر نگرش‌ها و توانایی‌های کادر اداری دانشگاه است و این موارد می‌توانند بر بهبود ادراک دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی تأثیری مثبت داشته باشند. در پژوهش توفیقی، صادقی‌فر، حموزاده، افشاری، فروزان‌فر و تقوی‌شهری (۱۳۹۰)، بیشترین شکاف منفی کیفیت در بعد همدلی مشاهده شده است که علت آن در نبود مکانیسمی مناسب برای بیان نظرها و پیشنهادهای دانشجویان و حجم زیاد کارهای اجرایی در آموزش گزارش شده است. مدهوشی و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند که رفتار استادان با دانشجویان تا حدود زیادی سازنده جوی است که می‌تواند یادگیری را آسان کند یا برعکس، خسته‌کننده و دشوار کند؛ بنابراین، اساتید می‌توانند با اداره کلاس‌ها به‌صورت پویا، انعطاف‌پذیر و سازنده، بیش‌ازپیش دانشجویان را علاقه‌مند به فراگیری دانش کنند؛ البته پیش‌شرط چنین آموزشی این است که اساتید روحیه انتقادپذیری داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که پذیرای عقاید دانشجویان باشند و کاستی‌های خود را اصلاح کنند.

نتایج تحلیل رویکرد کانو در این پژوهش حاکی از آن بود که نیازهای اساسی شناسایی‌شده در بعد ملموسات، گویه‌های قابلیت استفاده از اینترنت با کیفیت عالی و کارآمدی و به‌روزرسانی تجهیزات و مواد آموزشی (آزمایشگاه‌ها و وضعیت رفاهی و تجهیزات کمک آموزشی در کلاس‌ها) هستند؛ بنابراین، می‌توان گفت که ضرورت توجه مسئولان به این مورد و رفع کاستی‌های آن باعث پیشگیری از بی‌رضایتی دانشجویان می‌شود. زنجیرچی، ابراهیم‌زاده و عرب (۱۳۹۰) و رضوانی و درگاهی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش‌های خود نیاز به اینترنت

با کیفیت را به‌عنوان یک نیاز اساسی و مؤثر در رضایت دانشجویان دسته‌بندی کردند. جذابیت تسهیلات فیزیکی جزو نیازهای عملکردی و حضور اساتید و کارکنان با پوشش مناسب و آراسته جزو نیازهای انگیزشی دانشجویان در پژوهش حاضر بودند. خطیبی و همکاران (۱۳۹۰) معتقدند که جذابیت ظاهری تسهیلات فیزیکی و همچنین، ظاهر آراسته و حرفه‌ای کارکنان در ادراک مثبت دریافت‌کنندگان خدمات تأثیرگذار هستند. فاضل بخششی و همکاران (۱۳۹۶) و اتقیا و کریمی (۱۳۹۲) توجه به وضعیت معماری و ظاهری فضاهای آموزشی را عاملی انگیزاننده برای دانشجویان برشمردند. عارفی و همکاران (۱۳۹۰) و بحرینی و همکاران (۱۳۸۸) امکانات فیزیکی قابل توجه و مناسب بودن محیط فیزیکی کلاس درس را از جمله نیازهای اساسی دانشجویان عنوان کردند که این نتایج با پژوهش حاضر هم‌راستا است. مشخصه‌های فنی تعیین‌شده تیم گسترش کیفیت عملکرد متناظر با رفع نیازها و خواسته‌های دانشجویان در این بخش، «ولویت‌بندی در تخصیص بهینه بودجه»، «شایستگی در IT»، «شفاف‌سازی قوانین و مقررات» و «برگزاری کلاس‌های توجیهی برای کارکنان» بودند. در همین زمینه، فاضل بخششی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود قوانین و مقررات آموزشی شفاف و حمایت‌کننده و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی با کیفیت مناسب را از جمله مشخصه‌های فنی برای کاهش شکاف آموزشی در دانشکده‌های علوم ورزشی برشمردند.

در بعد قابلیت اعتماد، گویه‌های ارائه مناسب خدمات الکترونیکی (سیستم انفورماتیک آموزش)، به‌روزرسانی بردهای آموزشی برای اطلاع به‌موقع دانشجویان، درستی و اطمینان در ثبت و استفاده از اطلاعات فردی دانشجویان و ارائه منظم و مرتبط مطالب درسی در کلاس، جزو نیازهای اساسی دانشجویان بودند. اساسی بودن گویه‌های ذکرشده از منظر دانشجویان نشان‌دهنده ضعف دانشکده و عوامل آن در فراهم کردن حداقل‌های ممکن برای دانشجویان و کسب رضایت آنان است. با توجه به مفهوم نیازهای اساسی، مسئولان آموزشی دانشکده و دانشگاه بهتر است به حداقل نیازهای آموزشی دانشجویان توجه بیشتری کنند تا نارضایتی آن‌ها فراهم نشود. عارفی و همکاران (۱۳۹۰) توصیف روشن و واضح مطالب درسی را جزو نیازهای اساسی دانشجویان برشمردند. پیش از این، محمدی و وکیلی (۱۳۸۹) در پژوهش خود به عملکرد ضعیف کارکنان آموزش در ثبت صحیح و بدون اشتباه نمرات دانشجویان اشاره کرده بودند. گویه‌های «اجرای کارها و خدمات وعده‌داده‌شده از سوی کارکنان»، «کسب نمره بهتر در صورت تلاش بیشتر توسط دانشجو» و «آگاه کردن دانشجو از نتایج ارزیابی‌های به‌عمل آمده از وی» جزو نیازهای عملکردی دانشجویان طبقه‌بندی شدند که توجه به آن‌ها رضایتمندی بیشتر دانشجویان از سیستم آموزشی دانشکده را به‌همراه خواهد داشت. میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود آگاه کردن دانشجو از نتایج ارزیابی‌های به‌عمل آمده از وی و اجرای کارها و خدمات وعده‌داده‌شده از سوی کارکنان را جزو نیازهای عملکردی و کسب نمره بهتر در صورت تلاش بیشتر توسط دانشجو را جزو نیازهای اساسی طبقه‌بندی کردند. بحرینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود انجام کارها و خدمات وعده‌داده‌شده به دانشجویان را از مهم‌ترین نیازهای دانشجویان



برشمردند. رضوانی و درگاهی (۱۳۹۱) نیز به تنوع در ارزیابی دانشجویان اشاره کردند و آن را از جمله نیازهای عملکردی دانشجویان برشمردند. عارفی و همکاران (۱۳۹۰) روشن بودن معیارهای ارزیابی دانشجویان و روشن بودن قوانین و مقررات آموزشی را جزو نیازهای اساسی دانشجویان طبقه‌بندی کردند. مشخصه‌های فنی ارائه‌شده توسط تیم گسترش کیفیت عملکرد پژوهش حاضر با هدف بهبود کیفیت در این بعد، شامل «به‌روزرسانی اتوماسیون‌های اداری»، «استفاده از بردهای الکترونیکی»، «راه‌اندازی وبلاگ برای اطلاع‌رسانی»، «بازخورد مرحله‌به‌مرحله»، «وجود یک برنامه دقیق و تعریف‌شده» و «استفاده از منابع انسانی متخصص همراه با تفویض اختیار تصمیم‌گیری به آنان» بودند.

گویه‌های «دردسترس بودن اساتید راهنما و مشاور»، «آمادگی کارکنان آموزش برای پاسخ‌گویی به دانشجویان»، «ارائه منابع مطالعاتی مناسب» و «وجود نظام بازخورد (نظرسنجی و نیازسنجی)» از جمله نیازهای اساسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در بعد پاسخ‌گویی بودند. با توجه به نتایج این بخش، به نظر می‌رسد که اساتید دانشکده باید درباره تخصیص وقت به دانشجویان تجدیدنظر کنند و ساعات بیشتری را به دانشجویان زیرنظر راهنمایی و مشاوره خود قرار دهند تا رضایت دانشجویان در این زمینه فراهم شود. همچنین، وجود یک نظام بازخورد و سنجش دوره‌ای نیازهای دانشجویان در دانشکده، با توجه به یافته‌های این بخش ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه، بحرینی و همکاران (۱۳۸۸) اولویت‌بندی نیازهای دانشجویان و نیز آمادگی و دانش کارکنان آموزش برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های دانشجویان را از مهم‌ترین نیازها برشمردند. میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود گویه‌های ارائه منابع مطالعاتی مناسب و وجود نظام بازخورد (نظرسنجی و نیازسنجی) برای بهبود عملکرد کیفیت را جزو نیازهای اساسی و دردسترس بودن اساتید راهنما و مشاور را جزو نیازهای عملکردی و دسترسی آسان به مدیریت برای انتقال نظرها را جزو نیازهای انگیزشی دانشجویان قرار داده‌اند. رضوانی و درگاهی (۱۳۹۱) در پژوهش خود انعطاف در ارائه محتوای آموزشی، کیفیت محتوای آموزشی و پاسخ به موقع اساتید و دردسترس بودن آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل انگیزشی برای دانشجویان عنوان کردند. در این پژوهش، از جمله نیازهای عملکردی دانشجویان در این بعد پاسخ‌گویی را می‌توان گویه‌های «دسترس آسان دانشجویان به مدیریت برای انتقال نظرهای خود» و «وجود رویه‌های استاندارد مانند اعلام ساعت‌هایی برای مراجعه دانشجو به استاد» برشمرد که با نتایج پژوهش میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. راهکارهای مطرح‌شده توسط تیم گسترش کیفیت عملکرد، برای کاهش یا حذف شکاف در گویه‌های این بعد شامل «وجود یک برنامه دقیق و تعریف‌شده»، «استفاده از منابع انسانی متخصص»، «طراحی نظام ارزیابی عملکرد آموزشی»، «برگزاری کلاس‌های توجیهی برای کارکنان»، «وجود آزمون‌های سنجش متناوب و دوره‌ای»، «وجود سیستم نظارت و ارزشیابی»، «راه‌اندازی کارتابل‌های اختصاصی برای اساتید» و «معرفی منابع مطالعاتی به‌روز» هستند. همچنین، برای پرکردن شکاف انتظارات و ادراکات می‌توان به استفاده از اساتید باتجربه و با توانایی علمی زیاد، شرح وظایف روشن و اثربخش برای تمام

کارکنان دانشکده و برخورد مسئولانه و شفاف منابع انسانی دانشکده اشاره کرد. به‌طور کلی، وجود نیروی انسانی توانمند در دانشکده می‌تواند کلید پیشبرد اهداف و برنامه‌ریزی‌ها باشد و با وجود سیستم اداری اثربخش و نیروهای انسانی چابک و کارا، سطح بهره‌وری دانشکده را افزایش دهد.

در بعد اطمینان، آماده‌کردن دانشجویان برای شغل آینده با ارائه آموزش‌های نظری و عملی، برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی در حوزه مربوطه و ارائه تکالیف متناسب و مرتبط با درس به دانشجویان از سوی اساتید، نیازهای اساسی دانشجویان بودند. با توجه به یافته‌ها، تجدیدنظر در برنامه آموزشی برای کاربردی‌تر کردن آموزش‌های دانشگاهی و آماده‌کردن دانشجویان برای شغل آینده باید در دستور کار مدیران و مسئولین قرار گیرد؛ البته لازم است ذکر شود که تغییر محتوای دروس آموزشی از عهده دانشکده خارج است و در این زمینه دانشکده‌ها می‌توانند رای‌زنی‌های مرتبط را با مقامات مسئول و تصمیم‌گیرنده در این حوزه، انجام دهند. اتقیا (۱۳۹۱) پیشنهاد می‌کند که دانشجویان کیفیت روش‌های تدریس اعضای هیئت‌علمی را به‌صورت دوره‌ای و منظم ارزیابی کنند و در صورت مشاهده ضعف و نقص در این زمینه، کارگاه‌هایی آموزشی برای اعضای هیئت‌علمی با هدف تغییر و اصلاح روش‌های تدریس و کسب مهارت‌های تدریس به‌روز و مناسب برگزار شوند. بات و رحمان<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) تخصص اساتید را به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل بر رضایت دانشجویان در آموزش عالی شناسایی کرده‌اند. در پژوهش عارفی و همکاران (۱۳۹۰)، تسلط اساتید بر روش‌های متنوع تدریس، برخورداری از تجربه عملی لازم در حوزه مربوطه و به‌روزرسانی محتوای دروس با یافته‌های روز دنیا، در زمره نیازهای عملکردی دانشجویان بودند. تسهیل مشارکت دانشجویان در بحث و تبادل نظر درباره موضوع درس توسط استاد، نیاز عملکردی و تنوع برنامه‌های ورزشی و فوق‌برنامه، تنظیم برنامه‌های آموزشی اعم از تئوری و عملی با کیفیت و انعطاف عالی و در نظر گرفتن ساعات مشاوره مناسب و کافی توسط اساتید، نیازهای انگیزشی دانشجویان در این بعد بودند. بحرینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود اختصاص ساعات کاری مناسب به دانشجویان از سوی اساتید را در زمره نیازهای اساسی اولویت‌بندی کردند. میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۸۸) نیز آماده‌کردن دانشجویان برای شغل آینده با ارائه آموزش‌های نظری و عملی، تنظیم برنامه‌های آموزشی با کیفیت و انعطاف عالی و برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی و نیز تسهیل مشارکت دانشجویان در بحث و تبادل نظر درباره موضوع درس توسط استاد و تنوع برنامه‌های فوق‌برنامه را به‌ترتیب جزو نیازهای اساسی، عملکردی و انگیزشی دانشجویان طبقه‌بندی کردند. در پژوهش حاضر، «بازبینی در سرفصل دروس»، «بازخورد مرحله‌به‌مرحله»، «تفویض اختیار به اساتید در ارائه سرفصل‌های آموزشی»، «برگزاری دوره‌های مربیگری و داوری» و «تسهیم دانش با سازمان‌های مرتبط» مشخصه‌های فنی‌ای بودند که برای پاسخ به نیازهای اساسی دانشجویان، به‌طور مشخص در این بعد ارائه شدند و برای بهبود کیفیت خدمات آموزشی، توجه به آن‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد.

گویه‌های «وجود مکان آرام و مناسب برای مطالعه»، «ارائه تکالیف متناسب و مرتبط با درس به دانشجویان از سوی اساتید» و «برخورد مناسب کارکنان آموزش با دانشجویان» جزو نیازهای اساسی دانشجویان در بعد همدلی بودند. به نظر می‌رسد که با توجه به قدمت ساختمان دانشکده و جدانبودن بخش امانات کتابخانه از سالن مطالعه آن، دانشجویان از ناآرام بودن فضای مطالعه رضایت چندانی نداشتند و بر این عقیده بودند که حداقل‌های لازم در این بخش برای آنان در دانشکده فراهم نیست. میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۸۸) و رضوانی و درگاهی (۱۳۹۱) رفتار توأم با احترام اساتید با دانشجویان در دانشکده و حل مسائل و مشکلات آنان به صورت محرمانه را جزو نیازهای عملکردی و حل مسائل و مشکلات دانشجو به صورت محرمانه توسط اساتید و کارکنان را جزو نیازهای انگیزشی طبقه‌بندی کرده‌اند. «جداسازی فضای کتابخانه به دو بخش مجزا و تفکیک فضای مطالعه از بخش امانات کتاب»، «برگزاری کلاس‌های توجیهی برای کارکنان» و «وجود طرح درس و بازبینی در سرفصل دروس»، راهکارها و مشخصه‌های فنی تیم مدل گسترش کیفیت عملکرد برای بهبود کیفیت خدمات در این بخش از پژوهش حاضر بودند.

به نظر می‌رسد که طبقه‌بندی نیازهای دانشجویان و اتخاذ راهبردهای مناسب برای هر طبقه می‌تواند کیفیت آموزشی را تا حد قابل‌قبولی ارتقا دهد (زنجیری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، شناسایی عواملی که باعث رضایت دانشجویان می‌شوند، مسئله‌ای بدیهی و مهم است و در سایه پی‌بردن به اولویت‌های آنان می‌توان موفق‌ترین راهبردها را با استفاده از مدل‌ها و تکنیک‌ها تدوین کرد. در پژوهش حاضر، نیازهای اساسی دانشجویان علوم ورزشی در حوزه خدمات آموزشی شناسایی شدند و به‌عنوان ندای مشتریان وارد خانه کیفیت مدل گسترش کیفیت عملکرد شدند و نیز با استناد به ماتریس گسترش کیفیت عملکرد و مشخصه‌های مطرح‌شده توسط تیم گسترش کیفیت عملکرد، راهکارهایی برای کاهش یا حذف شکاف در این بخش ارائه شدند. نتایج ماتریس خانه کیفیت خدمات آموزشی نشان داد که «وجود آزمون‌های سنجش متناوب و دوره-ای»، «استفاده از منابع انسانی متخصص» و «کنترل و نظارت»، بااهمیت‌ترین مشخصه‌های فنی در مقایسه با سایر مشخصه‌ها بودند. به نظر می‌رسد که همبستگی بالای تخصیص بودجه، کنترل و نظارت و وجود آزمون‌های سنجش متناوب و دوره‌ای با سایر مشخصه‌ها حاکی از آن است که وجود یک برنامه دقیق و تعریف‌شده برای کارهای وعده‌داده‌شده، استفاده از نیروی انسانی متخصص و آموزش کارکنان و افزایش دانش آنان درخصوص برخورد با دانشجویان و عمل به برنامه‌های تدوین‌شده در موعد مقرر، می‌تواند کمک چشمگیری به بهبود شکاف منفی کیفیت خدمات آموزشی موجود کنند. وجود یک برنامه دقیق و تعریف‌شده، استفاده از منابع انسانی متخصص، کنترل و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها، تخصیص بودجه، تخصیص ساعات مشاوره به دانشجویان، تعیین معیارهای ارزیابی عملکرد، تخصص و شایستگی اساتید در تدریس و کسب بازخورد مستمر از مشخصه‌های فنی‌ای بودند که پیش‌تر نیز در پژوهش‌های میرفخرالدینی و همکاران

## 1. Strategy

(۱۳۸۸)، مدهوشی و همکاران (۱۳۸۸) و عارفی و همکاران (۱۳۹۰) به آن‌ها اشاره شده بود. پورسلطانی (۲۰۱۷) در آسیب‌شناسی کیفیت سیستم آموزشی دانشگاه پیام نور نیز به ضرورت وجود قوانین و مقررات شفاف آموزشی به‌عنوان راهکاری برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های دانشجویان اشاره کرده است. عارفی و همکاران (۱۳۹۰) و خسروی‌زاده و زهره‌وندیان (۱۳۹۶) نیز شایستگی در IT، کفایت نیروی انسانی متخصص، افزایش ساعات مشاوره اساتید به دانشجویان، بازنگری در سرفصل دروس و تعیین معیارهای درست ارزیابی را از جمله مشخصه‌های فنی‌ای برشمردند که توجه به آن‌ها بهبود کیفیت و رضایت دانشجویان را به‌همراه خواهد داشت. فاضل بخششی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده از منابع علمی به‌روز و متناسب با سرفصل‌های تعریف‌شده، رعایت سرانته اساتید به دانشجو، استفاده از اساتید باتجربه و با توانایی زیاد و شرح وظایف روشن و اثربخش برای تمام کارکنان را مهم‌ترین مشخصه‌های فنی مستخرج از ماتریس گسترش کیفیت عملکرد در پژوهش خود برشمردند. همتی‌نژاد و همتی‌نژاد (۱۳۹۳) نیز به برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کارکنان و اعضای هیئت‌علمی در جهت ارتقای کیفیت و بهبود مهارت‌های فنی و ارتباطی اشاره کرده‌اند. همچنین، آنان به برگزاری دوره‌هایی برای دانشجویان برای آشناکردن آنان با محدودیت‌های موجود اداری و اجرایی در نظام آموزش عالی با هدف تعدیل انتظارات آنان اشاره کردند.

به‌نظر می‌رسد که اجرای راهبردهای ارتقای کیفیت خدمات آموزشی با اولویت‌بندی مؤلفه‌های کیفیت مبتنی بر نیاز، می‌تواند اثربخشی بیشتری در خدمات آموزشی داشته باشد. در همین زمینه، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای آشناکردن کارکنان و اساتید دانشکده با خدمات آموزشی، نحوه درست پاسخ‌گویی و ارتباط با دانشجو، ارزیابی عملکرد و بهبود گروه‌های کاری و جو سازمانی در راستای ایجاد احساس مسئولیت بیشتر در اعضا و همچنین، ارزیابی کارکنان با در نظر گرفتن رفتار، دانش و زمان پاسخ‌گویی آنان به دانشجویان، ضروری به‌نظر می‌رسد و در برآورده کردن انتظارات دانشجویان مؤثر خواهد بود. در خصوص کیفیت فضاهای آموزشی و تجهیزات موجود در کلاس‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ضرورت توجه بیشتر مسئولان دانشکده احساس می‌شود؛ زیرا، با توجه به نتایج پژوهش حاضر به‌نظر می‌رسد که فضاهای آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی موجود پاسخ‌گوی نیازهای دانشجویان این دوره نیستند و توجه به ابعاد کمی و کیفی فضاهای کالبدی دانشکده را ضروری می‌نماید. بازبینی در سرفصل دروس، تنظیم طرح درس مناسب از سوی اساتید، وجود یک برنامه دقیق و تعریف‌شده، ارزیابی و کنترل برنامه‌های تدوین‌شده به‌طور مستمر و دوره‌ای، اولویت‌بندی در تخصیص بودجه با توجه به نیازهای اساسی دانشجویان و بررسی شکاف‌های موجود در ارائه کیفیت خدمات آموزشی، از دیگر راهکارهایی هستند که با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان ارائه کرد.

**منابع**

1. Abbasian, M., Chaman, R., Mousavi, S. A., Amiri, M., Gholami Taromsar, M., Maleki, F., & Raei, M. (2013). Gap analysis between students' perceptions and expectations of quality of educational services using SERVQUAL model. *Qom University of Medical Sciences Journal*, 7(1), 2-9. (Persian).
2. Akhlaghi, E., Amini, S. H., & Akhlaghi, H. (2012). Evaluating educational service quality in technical and vocational colleges using SERVQUAL model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 5285-5289.
3. Arefi, M., Zandi, K., & Shahoudi, M. (2011). The quality of the field of education at the University of Kordestaan. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 7(1), 125-150. (Persian).
4. Atghia, N. (2012). Assessing the quality of postgraduate courses in physical education and sport sciences in state universities of the country from the viewpoint of students, faculty members and managers of these courses. *Sport Management Studies*, 16, 13-36. (Persian).
5. Atghia, N., & Karimi, K. (2013). The investigation of the attitudes of MA physical education and sport sciences students of Payam Noor University (PNU) to the existing status of education and research in this University. *New Trends in Sport Management*, 1(1), 79-96. (Persian).
6. Bahreini, K., Shahalizadeh Kalkhoran, M., & Noraie, F. (2009). Service quality study in Islamic Azad University, based on SERVQUAL model and QFD: Islamic Azad University, Aliabad Katool branch. *Journal of Industrial Strategic Management*, 6(14), 62-79. (Persian).
7. Butt, B. Z., & Rehman, U. (2010). A study examining the students' satisfaction in higher education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 5446-5450.
8. Chou, S. (2004). Evaluating the service quality of undergraduate nursing education in Taiwan-using quality function deployment. *Nurse Education Today*, 24, 310-318.
9. Fazel Bakhsheshi, M., Aghaei, A., & Akbari Yazdi, H. (2018). Analyzing the quality function deployment in faculty of physical education and sports science of Kharazmi University based on SERVQUAL model. *Journal of Sport Management and Development*, 6(2), 47-69. (Persian).
10. Foroughi Abari, A. A., Yarmohammadian, M. H., & Esteki, M. (2011). Assessment of quality of education a non-governmental university via SERVQUAL model. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 2299-2304.
11. Furlan, R., & Corradetti, R. (2010). An alternative approach to analyze customer or employee satisfaction data based on Kano model. *Quality Technology & Quantitative Management*, 7(1), 1-13.
12. Ghadimi, E. (2014). Educational quality of postgraduate education in Iran's higher education system. *Today's Culture*. Available from 26 February 2014 at: <http://farhangemrooz.com/news/12820/>. (Persian).
13. Ghalavandi, H., Beheshtirad, R., & Ghale'ei, A. (2012). Investigating the quality of educational services in the University of Urmia through SERVQUAL model. *Journal of Development and Management Process*, 25(3), 49-66. (Persian).

14. Hemmati Nezhad, Z., & Hemmatinezhad, M. A. (2014). Evaluation educational service quality of physical education and sport sciences faculty of the University of Guilan according to SERVQUAL model. *Organization Behavior Management in Sport Studies*, 1(3), 11-28. (Persian).
15. Hemmatinezhad, M. A., Gholizadeh, M. H., & Shabani, S. (2015). A survey on service quality of the sport facilities of the physical education and sport sciences faculty of the Guilan University and students needs assessment based on SERVQUAL-Kano model. *International Journal of Basic Sciences and Applied Research*, 4, 28-44.
16. Jesus, M., Argüelles, M., & Batalla-Busquets, J. A. (2016). Perceived service quality and student loyalty in an online university. *International Review of Research in Open and Distributed Learning*, 17(4), 264-279.
17. Kebriaei, A., & Roudbari, M. (2005). Quality gap in educational services at Zahedan University of medical sciences: Students viewpoints about current and optimal condition. *Iranian Journal of Medical Education*, 5(1), 53-60. (Persian).
18. Khatibi, A., Sajadi, S. N., & Seif Panahi, J. (2011). Study of the quality of educational services of faculty of physical education of Tehran University from the perspective of undergraduate students. *Sport Management Studies*, 3(9), 77-94. (Persian).
19. Khosravi Zadeh, A., & Zohrevandian, K. (2017). Assessment service quality at the sport science department in Arak University based on integrated approach include SERVQUAL, Kano and quality function deployment. *Sport Science Research Institute of Iran*, 5(12), 37-60. (Persian).
20. Lofgren, M., & Witell, L. (2005). Kano's theory of attractive quality and packaging. *Quality Management Journal*, 12(3), 7-30.
21. Madhoshi, M., Zali, M. R., & Najimi, N. (2009). Building the house of quality in higher education. *Quarterly Journal of Research and Planning in High Education*, 15(1), 121-154. (Persian).
22. Mirfakhroini, H., Owlia, M., & Jamali, R. (2009). Quality management reengineering in higher education institutions (Case study: Graduate students of University of Yazd). *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 3(53), 57-131. (Persian).
23. Mohammadi, A., & Vakili, M. (2010). Measuring students' satisfaction of educational Services Quality and relationship with services quality in Zanjan University of Medical Sciences. *Journal of Medical Education Development*, 2(3), 48-56. (Persian).
24. Moradi, H., & Hemmati, A. (2010). Customer satisfaction measurement of service quality using Kano-Servoqual model. Paper presented at the Second International Financial Services Marketing Conference, Tehran. (Persian).
25. Noorossana, R., Saghaei, A., Shadalouie, F., & Samimi Y. (2008). Customer satisfaction measurement to identify areas for improvement in higher education research services. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 14(3), 97-119. (Persian).
26. Poursoltani Zarandi, H. (2017). The pathology of the quality of educational services in Payam-e-Noor University of Karaj. *International Journal of Economic Perspectives*, 11(1), 988-997.
27. Parasuraman, A., Zeithaml, V. A., & Berry, L. L. (1985). A conceptual model of service quality and its implications for future research. *the Journal of Marketing*, 49(4), 41-50.

28. Rahnavard, F. A., & Abbaspour, B. (2004). A QFD application in satisfying customers' exceptions in higher education. *Management Studies in Development and Evolution*, 11(41, 42), 209- 222. (Persian).
29. Ranjbar Ezat Abadi, M., Bahrami, M. A., Zare Ahmad Abadi, H., Nasiri, S., Arab, M., Hadizadeh, F., & Hataminasab, S. H. (2010). Gap analysis between perceptions and expectations of service recipients through SERVQUAL approach in Yazd, Afshar hospital. *Toloo-e Behdasht*, 9(29), 75-85.
30. Rezvani, H. R., & Dargahi, H. (2012). Identifying and categorization of e-learning system's characteristics based on the Kano model in Iran's virtual universities. *Education Strategies in Medical Sciences*, 5(3), 149-155. (Persian).
31. Sahney, S. D., Banwet, K., & Karunes, S. (2006). An integrated framework for quality in education: Application of quality function deployment, interpretive structural modeling and path analysis. *Total Quality Management*, 17(2), 265-285.
32. Tofighi, Sh., Sadeghifar, J., Hamouzadeh, P., Afshari, S., Foruzanfar, F., & TaghaviShahri, S. M. (2011). Quality of educational services from the viewpoints of students SERVQUAL model. *Scientific Journal of Education Strategies in Medical Sciences*, 4(1), 21-26. (Persian).
33. Wurjaningrum, F. (2008). Design of education service quality improvement of Airlangga University by applying quality function deployment (QFD) model. *International Conference on Service Systems and Service Management*, 30 June-2 July, Melbourne, Australia. DOI: 10.1109/ICSSSM.2008.4598543
34. Zanjirchi, S. M., Ebrahimzadebi, R., & Arab, S. M. (2011). Kano model and its application in evaluating students' needs. *Fifth quality assessment conference in university system*. Tehran. College of Technical Faculties. (Persian).
35. Zhianpour, H., Zeinalipour, H., & Ahmadi, R. (2012). Applying QFD to transform the voice of customers in service training into educational requirements (Case study: Astan Quds Razavi Central Library Organization). *Public Management Researches*. 5 (15), 85-112. (Persian).
36. Zolaktaf, V., Kargarfard, M., & Karami, H. R. (2002). Upgrading the undergraduate curriculum for faculty. *Olympic*, 12(3), 7-20. (Persian).

## استناد به مقاله

همتی نژاد، مهرعلی، شهبانی، سپیده، فرجی، رسول. (۱۳۹۸). بررسی کیفیت خدمات آموزشی دانشکده‌های علوم ورزشی با رویکرد گسترش کیفیت عملکرد (مطالعه موردی: دانشکده علوم ورزشی دانشگاه گیلان). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۸۴-۲۵۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5827.1454

Hematinezhad, M. A., Shabani, S., Faraji, R. (2019). Investigating Educational Services Quality in Faculties of Sport Sciences via Quality Function Deployment (QFD) (Case Study of Faculty of Sport Sciences at University of Guilan). Research on Educational Sport, 7(16): 257-84. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5827.1454





**تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه****داده‌بنیاد****جواد کریمی<sup>۱</sup>، همایون عباسی<sup>۲</sup>، حسین عیدی<sup>۳</sup>**

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه\*

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

**چکیده**

این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده‌بنیاد انجام شد. پژوهش حاضر در چهارچوب رویکرد کیفی انجام شده است و داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. جامعه آماری همه افراد متخصص و خبره در زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش شامل اساتید مدیریت ورزشی (شش نفر)، اساتید جامعه‌شناسی (شش نفر) و افراد خبره در ادارات ورزش و جوانان (پنج نفر) بودند. روش انتخاب نمونه به شیوه هدفمند بود. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعه پژوهش‌های پیشین و مصاحبه عمیق و باز بود. برای سنجش اعتبار، انتقال و تأییدپذیری، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه شدند؛ آن‌ها متن نظریه را مطالعه کردند و نقطه‌نظرهای آن‌ها اعمال شدند. روش استفاده‌شده برای قابلیت اعتماد، روش توافق درون‌موضوعی بود. میانگین میزان توافق درون‌موضوعی برابر با ۰/۷۵ گزارش شد. در این مطالعه، از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۰ استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش شامل مواردی نظیر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بعد سلامت، بعد پرورشی و اخلاقی، شور و نشاط، روابط اجتماعی، هویت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی بود. راهبردهای پیشنهادی برخاسته از پژوهش، تهیه زیرساخت‌ها، جایابی ورزش در فرهنگ عمومی و وضع قوانین مربوط به مشارکت ورزشی هستند.

**واژگان کلیدی:** اجتماعی، پیامد، داده‌بنیاد، مشارکت، ورزش.

**مقدمه**

از نیمه دوم قرن بیستم، به علت پیشرفت صنعت و فناوری در جهان (گسترش اینترنت و شبکه‌های مجازی اجتماعی)، انسان‌ها تحرک کمتر و رفاه و آسایش بیشتری نسبت به دهه‌های گذشته داشته‌اند؛ ساعات کار فیزیکی آن‌ها کم شده است و به ساعت‌های اوقات فراغت اضافه گردیده است (پوررنجبر و زیتونلی، ۱۳۹۵). گسترش اوقات فراغت و پیشرفت روزافزون فناوری‌های پیشرفته، پدیده‌ای به نام فقر حرکتی را با خود به همراه داشته است که بر جنبه‌های مختلف جسمی، روانی و اجتماعی زندگی افراد تأثیر گذاشته است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). در دهه‌های اخیر، دولت‌ها و سیاست‌گذاران از استفاده از ورزش‌های سنتی برای مبارزه با طیف وسیعی از مشکلات اجتماعی حمایت کرده‌اند (گیلچریست و ویتون، ۲۰۱۶). ورزش، پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که پیوندی پویا با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد و باید به عنوان بخشی از نیازهای ساختاری انسان مورد توجه افراد جامعه باشد. یکی از علل مهم ترقی و توسعه کشورهای پیشرفته، اهتمام ارکان این جوامع به اصل مهم ورزش و تعمیم آن در سطوح مختلف است (فرجی، ۱۳۹۰). ورزش بر نهادها، گروه‌ها و سایر عناصر اجتماعی می‌تواند آثاری داشته باشد و این بدان معنی است که دستاوردهای ورزش و فعالیت‌های بدنی، به طور کلی یک شاخص عمومی است که می‌توان از طریق آن درباره سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه داوری کرد. همچنین، داده‌ها و عوامل اجتماعی موجود در جامعه در پیشرفت و ترقی ورزش نقش اساسی و مهمی دارند (شهبازی، سلامی، صادقی و شیرزادی، ۱۳۹۵). مشارکت در فعالیت ورزشی به سرعت در حال رشد است و در بسیاری از زمینه‌های ملی و در سراسر گروه‌های مختلف رواج یافته است (تورپ و اولیو، ۲۰۱۶).

مشارکت اجتماعی اثر فشارهای زندگی مانند تأمین هزینه‌های سنگین زندگی، مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی را با افزایش حمایت‌های اجتماعی، عاطفی و روانی کاهش می‌دهد و احساس امنیت را نیز در افراد تقویت می‌کند (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸؛ قاسمی، فائقی و امیر، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد تعاریفی که از مشارکت ورزشی ارائه شده‌اند، بیشتر به ورزش‌های سنتی و غیررسمی پرداخته‌اند و انجام پژوهش‌های بیشتر و تفسیرهای مناسب‌تری از مشارکت ورزشی لازم است (کینگ و چورچ، ۲۰۱۵). پژوهش‌های انجام شده در زمینه بسیاری از فعالیت‌های ورزشی، شیوه‌های خاصی از سبک زندگی را در هر فعالیت نشان داده‌اند و اهمیت هویت، شیوه زندگی، شیوه مصرفی و مشارکت جامعه در جذب شرکت‌کنندگان در ورزش را نشان داده‌اند (فرناندزریو و سوارز، ۲۰۱۴؛ کینگ و

- 
1. Gilchrist & Wheaton
  2. Thorpe & Olive
  3. King & Church
  4. FernándezRío & Suarez

چورچ، ۲۰۱۵). فعالیت‌های خارج از منزل و فعالیت‌های پرماجرا، برای هویت ملی و گردشگری به مراتب از اهمیت زیادی برخوردار هستند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۵).

اهمیت حرکت و ورزش‌های سلامت‌محور برای سلامت جامعه و داشتن جمعیتی سالم و پویا به حدی است که برخی جامعه‌شناسان آن را دین مدنی جامعه معاصر دانسته‌اند (مرتضایی، ناظمی و اندام، ۱۳۹۵). ورزش همگانی پدیده‌ای نوظهور است که اولین بار توسط شورای اروپا در سال ۱۹۹۶ مطرح شد. از دیدگاه شورای ورزش اروپا، ورزش همگانی عبارت است از فعالیت‌های بدنی آزاد، داوطلبانه و اختیاری که در اوقات فراغت انجام می‌شوند؛ امکان پرداختن به آن‌ها برای همگان وجود دارد و هدف اصلی آن‌ها تفریح، توسعه و بهسازی انسان‌ها است (جوادی‌پور و سمیع‌نیا، ۱۳۹۳)؛ براین اساس، قرن بیست و یکم به عصر ورزش‌های همگانی معروف شده است (رضوی، نیازی و برومند، ۱۳۹۴). هدف اصلی ورزش همگانی، شناسایی راهکارهای جلب مشارکت اجتماعی افراد است؛ اما توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی<sup>۳</sup> را نتیجه انباشت سرمایه اجتماعی و از ضرورت‌های جامعه جدید محسوب می‌کنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). هنگامی که این فعالیت‌ها در زمینه‌ها و فضاهای مناسب انجام شوند، ظرفیت برای جذب جوانان و افراد مسن‌تر افزایش می‌یابد (هامبرستون، ۲۰۱۱). اماکن ورزشی، مکان‌هایی هستند که اجتماعات در آن از طریق مشارکت ورزشی شکل می‌گیرند (تیلور و خان، ۲۰۱۱). بدین دلیل که این فضاها محلی برای اجتماع و دوستی‌ها هستند، برای جوانان ارزش ویژه دارند و حس تعلق اجتماعی را برای افراد به‌رمغان می‌آورند (براون، ۲۰۱۶). خصوصیات شخصی مانند شایستگی، رفتار و ظرفیت‌ها در تعامل با محیط زیست ممکن است شکل گیرند و به شکل مثبت و منفی به وجود آیند (کوت و هانکوخ، ۲۰۱۴). شواهد موجود نشان می‌دهند که یکی از مشکلات اجتماعی مشارکت ورزشی، در شایستگی‌ها، انتظارات و باورهای جوانان است که به‌طور بالقوه به‌صورت شخصی و اجتماعی شکل می‌یابند (لارسون، والکر، راسک و دیاز، ۲۰۱۵؛ لرنر، ۲۰۱۵).

بشر امروز بیش از هرچیز به کنش‌های متقابل پرمایه در شبکه‌های اجتماعی و ارتباطاتی وسیع نیاز دارد تا بتواند از ساختار شکنی و هنجار شکنی آمیخته با زندگی اجتماعی خود جلوگیری کند یا حداقل

- 
1. Thorpe & Wheaton
  2. Sport for All
  3. Social Participation
  4. Humberstone
  5. Taylor & Khan
  6. Brown
  7. Cote & Hancock
  8. Larson, Walker, Rusk & Diaz
  9. Lerner

روندی معکوس برای آن‌ها تعریف کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). مشارکت اجتماعی، از یک سو، آگاهی مشارکت کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت را می‌طلبد و از سوی دیگر، به وجود سازمان‌هایی نیاز دارد تا افراد بتوانند به واسطه آن استعدادهای خود را پرورش دهند و در جریان رشد و توسعه جامعه، حضوری فعال داشته باشند (موسوی، ۱۳۹۴). شرکت در فعالیت‌های مثبت ممکن است شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد (سندفورد، دیونکامب و ارمور؛ ۲۰۰۸)؛ بنابراین، بدین دلیل که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به وجود آورد و برای جامعه و ملت مفید باشد، اهمیتی فراوان دارد و می‌تواند نیاز جوانان را به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسائل شخصی و خانوادگی و حل مسائل اجتماعی برآورده کند (طالب‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱).

ورزش با درگیر کردن گروه‌های در معرض خطر که اغلب از طبقات محروم هستند، می‌تواند ابزار سیاست‌گذاری مؤثری برای جلوگیری از بزهکاری جوانان باشد. تجربیات ورزشی بر روند درونی (مثلاً کنجکاوی، تمایل به شرکت در فعالیت‌ها و ابتکار عمل) به سمت رشد شخصی اهمیت دارند (لرنر، ۲۰۱۵). تجربه مثبت در مشارکت ورزشی با زمان مشارکت در برنامه ارتباط دارد و سطوح بالاتری از لذت درک شده را برای فرد تقویت می‌کند. همچنین، تجربیات ورزشی مثبت می‌تواند به عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند. علاوه بر این، متغیرهای زمان و برنامه‌های ورزشی باید در رویکردی جامع برای درک جوانان در ورزش مورد توجه قرار گیرند (ریوردایتو و همبارتو، لاریسا و آلسایدیس، ۲۰۱۷).

آثار مثبت دیگر مشارکت اجتماعی در ورزش می‌تواند سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد در تمامی دوره‌های زندگی، ارتقای کیفیت زندگی اقشار مختلف مردم (مظفری، کلاته‌آهنی، شجیع و هادوی، ۱۳۹۰)، افزایش امید به زندگی، افزایش نشاط، کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی، بالابردن بهره‌وری نیروی کار، توسعه همه‌جانبه جامعه، ایجاد همدلی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، کمک به فرایند جامعه‌پذیری افراد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶)، تغییر نگرش و دیدگاه‌ها، بهبود ادراک، بهبود روابط انسانی و اجتماعی، احساس آسودگی و آرامش، تسکین اختلالات روانی و کسب مهارت‌های حرکتی، کسب تجارب خلاق و تقویت اعتماد به نفس و خودباوری (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵)، روابط اجتماعی مثبت، تقویت بنیه جسمانی و پرورش ابعاد روانی و اجتماعی (سیف‌پناهی شعبانی، ۱۳۹۳)، احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ویلیام و برادزینسکی، ۲۰۰۸)، کسب سلامتی و آمادگی جسمانی، لذت و نشاط، انگیزه بهبود روابط شغلی و زندگی، پیشگیری از بیماری‌ها، درمان آن‌ها و تعامل اجتماعی (عزیزی، جلالی و کبیری، ۱۳۹۰).

1. Sandford, Duncombe & Armour
2. Reverdito, Humberto, Larissa & alcides
3. William & Brudzynski

تعامل و شناخت اجتماعی، نشاط و شادابی، پیشگیری از مفسد اجتماعی و انحراف‌های اخلاقی، گسترش تعاملات اجتماعی و غنی‌سازی اوقات فراغت (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) باشند. غلبه بر ناامیدی و چالش‌ها از جمله عواملی است که ممکن است با درک بهتر از تجربه مثبت توسط جوانان، در ورزش باشد (اگنس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴)؛ از این رو، ورزش ممکن است یکی از فرصت‌های معدودی باشد که جوانان در محیط‌هایی با خطر اجتماعی زیاد، تجربه مثبتی کسب می‌کنند (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). تورمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نیز اشاره می‌کند که ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و این روند به افرادی نیاز دارد که شخصیت خود را در جامعه نشان دهند. ارتباط ورزشی بر اعمال پرخاشگری فرد تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را کاهش می‌دهد (راتن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعه لیراس و پیچی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) نشان داد که تغییر اجتماعی می‌تواند نتیجه تغییرات حاصل از ورزش باشد و مشارکت در ورزش می‌تواند حس همبستگی و خودمفهومی و نیز روند یادگیری فرد را افزایش دهد. طالب‌زاده و جعفری (۱۳۹۱) دریافتند که ورزش می‌تواند یادگیری فیزیکی، عاطفی و ذهنی را تحریک کند. این نشان می‌دهد که ورزش نه تنها شخصیت مثبت، بلکه می‌تواند یادگیری و همچنین، اهداف آموزشی را تحریک کند. به عقیده ایرزاهانیه، انتانمایزورا، آیدانازیما و هاسلینا<sup>۵</sup> (۲۰۱۷)، ورزش، وسیله‌ای برای توسعه است. آن‌ها معتقدند که مشارکت می‌تواند سبک زندگی سالمی را برای جوانان ایجاد کند و از انجام فعالیت‌های منفی در اوقات فراغت جوانان جلوگیری کند.

با نگاهی اجمالی بر پژوهش‌های انجام‌شده پیشین مشخص می‌شود که بیشتر آن‌ها به بررسی تک‌بعدی پیامدها و آثار مشارکت در ورزش پرداخته‌اند.

بنابراین، ضرورت بررسی جامع برای رسیدن پژوهشگران به درکی جمعی از آنچه در این زمینه انجام شده است، ضروری است. گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوع‌هایی شده است که به طور ذاتی ماهیت اجتماعی دارند. ماهیت اجتماعی، ما را به این سمت می‌کشاند تا ورزش را با شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی پیوند دهیم و مفاهیمی وضع کنیم که از طریق پی‌ریزی مبانی نظام‌های فرعی نو مانند جامعه‌شناسی ورزش، زمینه این پیوند و ارتباط فراهم شود؛ به گونه‌ای که این مباحث و نظام‌های فرعی تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی ورزش را تحت پوشش قرار دهند؛ بنابراین، پرداختن به جنبه‌های اجتماعی ورزش اهمیت دارد. جامعه‌شناسی ورزشی با هدف توجه به فرایندهای اجتماعی‌ای که در کنار ورزش روی می‌دهند، مانند اجتماعی‌شدن، رقابت و مسابقه، همکاری، ایجاد

- 
1. Agans
  2. Turman
  3. Rutten
  4. Lyras & Peachey
  5. IrzaHanie, Intan Maizura, AidaNazima & Haslina

تحرك و تحول اجتماعی، به مطالعه رابطه ورزش و اجتماع می‌پردازد (کوکلی، ۱۳۹۳). طبقه‌بندی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، نیاز پژوهشگران را به یک چهارچوب کاربردی نشان می‌دهد؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند الگوی مناسبی را برای پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، براساس مبانی نظری و مصاحبه‌های انجام‌شده تدوین کند. نتایج این پژوهش عوامل پیامدهای مشارکت ورزشی را شناسایی می‌کند و درنهایت، راهبردهای کاربردی را برای اجرایی شدن و تقویت مشارکت اجتماعی در ورزش پیشنهاد می‌کند؛ بنابراین، این پژوهش با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش» انجام شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش، تبیین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش است، از روش کیفی استفاده شده است؛ براین اساس، نخست به بررسی پیامدهای اجتماعی حاصل از مشارکت در ورزش پرداخته شد. سپس، با اجرای مصاحبه و طرح پرسش‌های باز برای اکتشاف و توصیف نگرش مصاحبه‌شوندگان، انبوهی از متغیرها و پیامدهای اجتماعی حاصل از مشارکت ورزشی جمع‌آوری شدند و درنهایت، به کمک روش نظریه‌برخاسته از داده‌ها و طی فرایندی به شیوه کدگذاری باز و محوری، یافته‌های پژوهش دسته‌بندی شدند و متغیرها و پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی تبیین شدند. در این پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، با ۱۷ نفر از اساتید و خبرگان مدیریت ورزشی، جامعه‌شناسی و افراد باتجربه و نخبه‌آدارات ورزش‌وجوانان استان کرمانشاه، به‌صورت باز مصاحبه شد؛ بدین ترتیب که، نخست طبق شناخت پژوهشگر و با در نظر گرفتن اهداف پژوهش، با خبرگان منتخبی که شایستگی پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده را داشتند، مصاحبه شد. سپس، آن‌ها خبرگان دیگری را معرفی کردند تا نمونه‌گیری ادامه یابد. با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات، چنانچه هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف نگرش‌های مصاحبه‌شونده باشد و نیز با در نظر گرفتن زمان و منابع در دسترس، ۱۰ تا ۱۵ نمونه برای مصاحبه کافی خواهد بود (کوال؟ ۱۹۹۶). از مصاحبه یازدهم به بعد، تکرار در داده‌های دریافتی مشاهده شد و در مصاحبه پانزدهم، میزان داده‌های دریافتی از مصاحبه‌شونده‌ها به اشباع رسید؛ اما، به دلیل اطمینان از داده‌های دریافتی، انجام مصاحبه تا مصاحبه هفدهم ادامه یافت. در این پژوهش از دو مرحله استفاده شد: مرحله نخست، روش کدگذاری باز بود. برای مفهوم‌سازی داده‌ها و تحلیل اطلاعات، یکی از روش‌ها استفاده از کدگذاری باز است تا با استفاده از آن بتوان داده‌ها را در مقوله‌های مشخص دسته‌بندی کرد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم از عمق داده‌ها به سطح

- 
1. Koakley
  2. kvale

آورده می‌شوند. همچنین، تحلیلگر به نحوه شکل‌دهی مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد (استراس و کوربین؛ ۱۳۸۷)؛ در مرحله بعد، فرایند کدگذاری محوری انجام شد. کدگذاری محوری، فرایند تبدیل مفاهیم به مؤلفه‌ها است. برای این کار، نظریه پرداز مفهومی از مجموعه مفاهیم مرحله کدگذاری باز را به عنوان مقوله انتخاب می‌کند و طی فرایندی سایر مفاهیم هم‌معنا را به آن مرتبط می‌کند. این کدگذاری بدین دلیل محوری قلمداد می‌شود که حول محور یک مقوله پژوهش انجام می‌شود. برای تجزیه و تحلیل و کدبندی مصاحبه‌ها از نرم‌افزار کیفی مکس کیودا نسخه ۱۰ بهره گرفته شد. برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه شدند؛ آن‌ها متن نظریه را مطالعه کردند و نقطه نظرهای آن‌ها اعمال شدند. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مطالعه و بازبینی شد و مواردی برای اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شد. پایایی داده‌ها از طریق نشان دادن مسیر تصمیم‌های پژوهشگران و همچنین، قراردادن تمامی داده‌های خام، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید قرار گرفتند و با حساسی دقیق صاحب‌نظران، درستی تمام گام‌های پژوهش تأیید شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون، معمولاً از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه برای نمونه انتخاب می‌شوند. هریک از مصاحبه‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخصی دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس، کدهای مشخص شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این روش برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هریک از مصاحبه‌ها، کدهایی که در فاصله زمانی مشابه یکدیگرند، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. روش محاسبه درصد توافق درون موضوعی بازآزمون به صورت رابطه زیر است:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد کل کدها} \times 2}{\text{تعداد توافقات}} \times 100$$

در پژوهش حاضر، سه مصاحبه از میان مصاحبه‌ها انتخاب شدند و یکی از پژوهشگران در فاصله یک ماه آن‌ها را کدگذاری کرد. نتایج این کدگذاری در جدول شماره یک درج شده است.

جدول ۱- قابلیت اعتماد آزمون

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	درصد توافق
۳	۱۱	۴	۰/۷۲
۹	۱۰	۳	۰/۹۰
۱۵	۱۱	۴	۰/۷۲
مجموع	۳۲	۱۲	۰/۷۵

1. Strauss & Corbin
2. MAXQDA





ادامهٔ جدول ۲- نتایج حاصل از کدگذاری اولیهٔ پیامدهای مشارکت اجتماعی در ورزش

ردیف	کدهای محوری	کدهای باز	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سلامت	پرورشی و اخلاقی	شور و نشاط	روابط اجتماعی	اجتماعی	کاهش آسیب‌های اجتماعی	هویت اجتماعی
۱۲	تقویت روابط دوستی						*				
۱۳	اتحاد اجتماعی		*								
۱۴	افزایش کار گروهی						*				
۱۵	سلامت اجتماعی			*							
۱۶	پذیرش اجتماعی		*								
۱۷	تکریم حرمت						*				
۱۸	افزایش انگیزه					*					
۱۹	احساس مثبت به دیگران		*								
۲۰	ارتقای خودباوری					*					
۲۱	کسب جایگاه اجتماعی								*		
۲۲	حمایت اجتماعی		*								
۲۳	ارتقای خودآگاهی								*		
۲۴	سلامت فکر و اندیشه			*							
۲۵	افزایش احساس تعهد								*		
۲۶	سلامت معنوی			*							
۲۷	شور و هیجان گروهی						*				
۲۸	امنیت اجتماعی		*								
۲۹	پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی					*					
۳۰	لذت اجتماعی						*				
۳۱	سلامت روحی و روانی			*							
۳۲	سلامت جسمانی			*							
۳۳	لذت فردی						*				
۳۴	کاهش مصرف دخانیات							*			
۳۵	کاهش بزهکاری								*		

نتایج جدول شمارهٔ دو نشان می‌دهد که ۳۵ کد باز برای پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش تعریف شده‌اند. این ۳۵ کد در قالب هشت کد محوری تعریف شدند که نتایج آن در جدول شمارهٔ سه ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
۱	انسجام اجتماعی	حس یگانگی اجتماعی، کاهش پیش‌داوری قومی و محلی، اتحاد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، تعلق اجتماعی
۲	اعتماد اجتماعی	پذیرش اجتماعی، حمایت اجتماعی، احساس مثبت به دیگران، امنیت اجتماعی
۳	سلامت	سلامت جسمانی، سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی
۴	پرورشی و اخلاقی	پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی
۵	شور و نشاط	لذت فردی، لذت اجتماعی، شور و هیجان گروهی
۶	روابط اجتماعی	ایجاد احترام، تقویت روابط دوستی، افزایش کار گروهی، تکریم حرمت
۷	هویت اجتماعی	کسب جایگاه اجتماعی، ارتقای خودآگاهی، افزایش احساس تعهد
۸	کاهش آسیب‌های اجتماعی	کاهش مصرف دخانیات، کاهش بزهکاری، کاهش مصرف نوشیدنی‌های الکلی، کاهش پرخاشگری، دوری از فضای مجازی، کاهش بی‌عدالتی و نابرابری

براساس نتایج جدول شماره سه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، شامل مواردی نظیر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سلامت، پرورشی و اخلاقی، شور و نشاط، روابط اجتماعی، هویت اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی هستند. این پیامدها هر کدام شامل پیامدهای متعدد اجتماعی هستند که گزارش شده‌اند: ۱- انسجام اجتماعی: حس یگانگی اجتماعی، کاهش پیش‌داوری قومی و محلی، اتحاد اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تعلق اجتماعی؛ ۲- اعتماد اجتماعی: پذیرش اجتماعی، حمایت اجتماعی، احساس مثبت به دیگران و امنیت اجتماعی؛ ۳- سلامت: سلامت جسمانی، سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی؛ ۴- پرورشی و اخلاقی: پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری و پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی؛ ۵- شور و نشاط: لذت فردی، لذت اجتماعی و شور و هیجان؛ ۶- روابط اجتماعی: ایجاد احترام، تقویت روابط دوستی، افزایش کار گروهی و تکریم حرمت. ۷- هویت اجتماعی: کسب جایگاه اجتماعی، ارتقای خودآگاهی و افزایش احساس تعهد؛ ۸- کاهش آسیب‌های اجتماعی: کاهش مصرف دخانیات، کاهش بزهکاری، کاهش مصرف نوشیدنی‌های الکلی، کاهش پرخاشگری، دوری از فضای مجازی و کاهش بی‌عدالتی و نابرابری.

## بحث و نتیجه‌گیری

گسترش ورزش به‌عنوان بعد مهمی از روند زندگی و تأثیر ورزش بر رفتار انسان و نهادهای اجتماعی تشکیل‌دهنده جامعه و زمینه‌های فرهنگی جامعه، موجب شده است که مریبان تربیت‌بدنی و جامعه‌شناسان به مطالعه این مقوله توجه بیشتری کنند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، بر مبنای ضرورت، هدف ما در این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بود.

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، یکی از اصلی‌ترین پیامدهای مشارکت در ورزش، «انسجام اجتماعی» است؛ بدین معنی که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند باعث همراهی با دیگران شود و بر اساس اینکه مشارکت در ورزش بر پایه دوستی‌ها و همدلی‌ها بنا شده است، می‌تواند سبب اتحاد و انسجام اجتماعی شود. درباره جایگاه فعالیت‌های ورزشی در نظریه‌های جامعه‌شناسی باید خاطر نشان کرد که نهاد ورزش قادر است در برخی موارد مانند مسابقات ورزشی در سطح ملی و جهانی، افراد یک جامعه و حتی یک ملت را دور هم جمع کند و به نوعی احساس وحدت و یکپارچگی را ترویج کند (بایرنر، ۱۹۸۷). مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی، محصول انباشت سرمایه اجتماعی و از ضرورت‌های جامعه جدید محسوب می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، مشارکت در ورزش نیز می‌تواند حاصل سرمایه اجتماعی باشد و آثار اجتماعی متنوع و مثبتی را در جای‌جای جامعه به‌نمایش بگذارد. مشارکت ورزشی با ایجاد روحیه، حس یگانگی اجتماعی و انسجام اجتماعی راه را برای تعاملات بیشتر هموار می‌کند و نگاهی تعاملی به روابط افراد در جامعه دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های روش‌شناسی اربطانی (۱۳۸۶)، تورمن (۲۰۰۸)، لیراس و پیچی (۲۰۱۱) و ایرزاهانی و همکاران (۲۰۱۷)، همسو بود. از این رو ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و باعث تقویت حس همبستگی می‌شود. این مطلب بدین معنی است که تعامل افراد در فضاهای ورزشی نه تنها به مشارکت اجتماعی آن ختم می‌شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان پلی برای رسیدن به دیدگاه‌های مشترک و انسجام گروهی و اجتماعی باشد؛ بنابراین، باید برنامه‌هایی در جهت تشویق و ترغیب افراد به مشارکت در ورزش در نظر گرفته شوند تا بتوان از طریق گردهم‌آیی افراد و ایجاد روحیه همدلی و مشارکت به انسجام اجتماعی رسید. این امر زمانی می‌تواند به موفقیت برسد که نه تنها برنامه‌های دولت، در راستای مشارکت اجتماعی از طریق ورزش گام بردارد، بلکه افراد نیز میل و رغبت کافی برای تجمع کردن در مکان‌های ورزشی در سطوح مختلف داشته باشند.

از دیگر پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، «اعتماد اجتماعی» است. ورزش و مشارکت ورزشی می‌تواند به‌عنوان کارکرد تطبیق‌شناخته شود. با توجه به جوامع صنعتی می‌توان گفت که ورزش تنها

زمینه برای فعالیت‌هایی است که کارشان رشد دادن و تکامل بخشیدن به مهارت‌های بدنی است (گیدنز؛ ۱۳۷۸). در صورت تطبیق فرد با اجتماع، اعتماد اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. همچنین، وجود مشارکت اجتماعی اثر فشارهای زندگی مانند تأمین هزینه‌های سنگین زندگی، مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی را با افزایش حمایت‌های اجتماعی، عاطفی و روانی کاهش می‌دهد و احساس امنیت را نیز در افراد تقویت می‌کند (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، تجربیات ورزشی مثبت می‌توانند به عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس یافته‌های پژوهش، مشارکت در ورزش می‌تواند زمینه پذیرش و حمایت اجتماعی را فراهم آورد؛ بدین معنی که زمانی که فرد در بستر اجتماع به فعالیت در زمینه‌های ورزشی می‌پردازد؛ احساس مثبت بودن در اجتماع را به دست می‌آورد و در کنار دیگران به ورزش می‌پردازد، به تبع آن، پذیرش وی در اجتماع نیز افزایش می‌یابد و دیگران نیز با وی در ارتباط هستند و از او در شرایط مختلف حمایت می‌کنند. احساس مثبت حاصل از مشارکت در ورزش سبب ترغیب فرد به مشارکت‌های اجتماعی بیشتر می‌شود و وی را به عنوان جزئی از جامعه دارای هویت می‌کند. زمانی که افراد در محیط‌های اجتماعی سالم مانند محیط‌های ورزشی حاضر می‌شوند و به فعالیت می‌پردازند، حس امنیت اجتماعی را بیشتر درک می‌کنند و این امر آثار زیادی بر اجتماعی شدن آن‌ها دارد.

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی، «سلامت» است. ورزش با ایجاد شور و نشاط و تشویق افراد به انجام فعالیت‌های سالم در محیط‌های سالم، می‌تواند عاملی اثرگذار بر ابعاد مختلف سلامت باشد. اهمیت حرکت و ورزش‌های سلامت‌محور برای سلامت جامعه و داشتن جمعیتی سالم و پویا به حدی است که برخی جامعه‌شناسان آن را دین مدنی جامعه معاصر دانسته‌اند (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، ورزش شرایطی را فراهم می‌کند که افراد با درگیر شدن در فعالیتی که به سود آن‌ها و جامعه است، شرکت کنند. احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ویلیام و برادزینسکی، ۲۰۰۸) و کسب سلامتی و آمادگی جسمانی (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) از پیامدهای مشارکت ورزشی هستند؛ باین حال، نمی‌توان از پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی در خصوص سلامت روحی و روانی، سلامت فکر و اندیشه، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی غافل شد. از ورزش می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تقویت سلامت همه جامعه افراد و جامعه نام برد. مشارکت در ورزش نه تنها فرد را از لحاظ سلامت فردی مانند سلامت جسمانی و روحی و روانی پرورش می‌دهد، بلکه می‌توان آثار سلامت را در جامعه نیز مشاهده کرد؛ بنابراین، سازمان‌های ذی‌ربط در خصوص مشارکت ورزشی باید به این اصل مهم توجه کنند که شرکت در فعالیت ورزشی نقش مهمی در سلامت فرد و جامعه دارد

و می‌تواند از ایجاد بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. این موضوع در جوامع پیشرفته به‌خوبی درک شده است و در برنامه‌های حوزه سلامت، از فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل توسعه جوامع استفاده می‌شود؛ بنابراین، توجه به این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است.

پیامد اجتماعی دیگر مشارکت در ورزش، «جنبه پرورشی و اخلاقی» دارد. براساس یافته‌های پژوهش، پرورش روح و روان، استقلال شخصیت، افزایش انگیزه، ارتقای خودباوری، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی از عواملی هستند که در اثر مشارکت در ورزش حاصل می‌شوند. شرکت در فعالیت‌های مثبت ممکن است شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد (سندفورد و همکاران، ۲۰۰۸). از آنجایی که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به‌وجود آورد و برای جامعه و ملت مفید باشد، اهمیت فراوان دارد و می‌تواند نیاز جوانان را به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسائل شخصی و خانوادگی و حل مسائل اجتماعی برآورده کند (طالب‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱). تورمن (۲۰۰۸) نیز اشاره می‌کند که ورزش در ادغام و اتصال افراد نقش دارد و این روند به افرادی نیاز دارد که شخصیت خود را در جامعه نشان دهند. بلانچارد (۱۳۸۵) نیز معتقد است کسانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، ایده شخصی قوی‌تری نسبت به کسانی که دارند که در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند. طالب‌زاده و جعفری (۱۳۹۱) دریافتند که ورزش می‌تواند یادگیری فیزیکی، عاطفی و ذهنی را تحریک کند. این نشان می‌دهد که ورزش نه تنها شخصیت مثبت، بلکه می‌تواند یادگیری و همچنین اهداف آموزشی را تحریک کند. مشارکت در ورزش در انگیزه بهبود روابط شغلی و زندگی مؤثر است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) و موجب تقویت اعتمادبه‌نفس و خودباوری (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) می‌شود. تجربیات ورزشی بر روند درونی (مثلاً کنجکاوی، تمایل به شرکت در فعالیت‌ها و ابتکار عمل) به‌سمت رشد شخصی اهمیت دارند (لرنر، ۲۰۱۵). مشارکت در ورزش امری اجتناب‌ناپذیر در جامعه است و ملتی که با این پدیده اجتماعی انس بگیرد، می‌تواند برای خود جنبه رقابتی خلق کند.

«شور و نشاط» حاصل از مشارکت ورزشی، پیامد اجتماعی دیگری است که به‌واسطه ورزش حاصل می‌شود. این مطلب در نتایج پژوهش‌های مختلفی اثبات شده است. روشندل اربطانی (۱۳۸۶) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۰) شور و لذت و نشاط را حاصل از مشارکت در ورزش می‌دانند. تجربه مثبت در مشارکت ورزشی با زمان مشارکت در برنامه ارتباط دارد و سطوح بالاتری از لذت درک‌شده را برای فرد تقویت می‌کند. همچنین، تجربیات ورزشی مثبت می‌توانند به‌عنوان نشانگری مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی جوانان استفاده شوند. علاوه‌براین، به متغیرهای زمان و برنامه‌های ورزشی، باید در رویکردی جامع برای درک جوانان در ورزش توجه شود (ریلر و همکاران، ۲۰۱۷). درواقع، ورزش با ایجاد فضایی عاری از هرگونه تعصب، غرض‌ورزی و تاریکی می‌تواند شادی و نشاط و

شور را به‌ارمغان آورد و جامعه‌ای شاد را ایجاد کند. فرد با قرارگرفتن در شرایطی که خود را از بند زندگی کلیشه‌ای خارج می‌کند و در فضایی ورزشی و در ارتباط با دیگران قرار می‌دهد، نه تنها از نشاط و شادی بهره می‌گیرد، بلکه شور و نشاط را نیز به دیگران هدیه می‌دهد و نشاط اجتماعی شکل می‌گیرد.

پیامد اجتماعی دیگر مشارکت در ورزش، «روابط اجتماعی» است. جامعه‌شناسان بر این باورند که قلمرو فعالیت‌های ورزشی ذاتی نیستند؛ بلکه از طریق قواعد و قراردادهای توسط واکنشگران اجتماعی خلق می‌شوند. این معانی تحت پوشش معانی اجتماعی قرار دارند (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹). جوانان می‌توانند در فضاهای ورزشی جمع شوند و اجتماعاتی را از طریق مشارکت ورزشی شکل دهند (تیلور و خان، ۲۰۱۱). بدین دلیل که این فضاها محلی برای اجتماع و دوستی‌ها هستند، برای جوانان ارزش ویژه دارند و حس تعلق اجتماعی را برای افراد به‌ارمغان می‌آورند (براون، ۲۰۱۶). فرد با شرکت در فعالیت‌های ورزشی در ارتباط با دیگران است و احترام و دوستی حاصل از مشارکت اجتماعی به واسطه ورزش بر کسی پوشیده نیست. در واقع، مشارکت در ورزش به توسعه همه‌جانبه جامعه، ایجاد همدلی، تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، کمک به فرایند جامعه‌پذیری افراد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶)، بهبود روابط انسانی و اجتماعی (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۵) و تقویت روابط اجتماعی مثبت (سیف‌پناهی شعبانی، ۱۳۹۳) می‌پردازد. همچنین، باید ذکر کرد که از طریق ورزش امکان سنجش مهارت‌های حرکتی و توسعه زمینه‌های این مهارت‌ها برای انسان و انطباق حرکتی او با محیط‌هایی که انسان‌ها را می‌سازند، فراهم آمده است (الخولی، ۱۳۸۱)؛ براین اساس، می‌توان بیان کرد که ورزش در ارتباط با محیط اجتماعی است و می‌تواند از آن اثر بپذیرد. این ارتباط باعث تطبیق فرد با اجتماع می‌شود؛ بنابراین، ورزش از مهم‌ترین عواملی است که مشارکت در آن باعث انطباق‌پذیری فرد و محیط اجتماعی می‌شود؛ از این‌رو، ارتباط اجتماعی از طریق مشارکت ورزشی می‌تواند به وجود آید. زمانی که فرد در این مکان‌ها با دیگران تعامل پیدا می‌کند، به نقطه‌نظرهای مشترکی با دیگران دست پیدا می‌کند که برای وی ارزش‌آفرین هستند و می‌توانند در تکریم حرمت‌ها و تقویت روابط دوستی با اهمیت باشند. در واقع، با این روابط اجتماعی کار گروهی افزایش می‌یابد و فرد خود را جزئی از جامعه محسوب می‌کند که این امر به تقویت روابط اجتماعی منجر می‌شود.

دیگر پیامد اجتماعی مشارکت ورزشی، «هویت اجتماعی» است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بسیاری از فعالیت‌های ورزشی، شیوه‌های خاصی از سبک زندگی را در هر فعالیت نشان داده‌اند و اهمیت هویت و مشارکت اجتماعی را در جذب شرکت‌کنندگان در ورزش به‌نمایش گذاشته‌اند (فرناندز ریو و سوارز، ۲۰۱۴؛ کینگ و چورچ، ۲۰۱۵). از نگاه گیدنز (۱۳۷۸)، پیکر ما فقط نوعی

موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن را به ما تخصیص داده باشند، بلکه بدن مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها است و غوطه‌ور شدن عملی آن در کنش‌های متقابل زندگی روزمره، یکی از ارکان عمده نگاه‌داشت هویت است. براساس این دیدگاه، از آنجایی که فعالیت‌های ورزشی با بدن در ارتباط هستند، می‌توانند هویت فرد را در اجتماع شکل دهند. فعالیت‌های ورزشی برای کسب هویت از اهمیت زیادی برخوردار هستند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۵). فرد با کسب جایگاه مناسب از طریق شرکت در فعالیت‌های ورزشی، جایگاه خود را در بین دوستان و جامعه پیدا می‌کند و به میزان قابل توجهی با دستیابی به این جایگاه اجتماعی به خودآگاهی می‌رسد. زمانی که فرد خود را در جامعه پیدا می‌کند و با دیگران در ارتباط است، نسبت به جامعه و مشارکت اجتماعی متعهد می‌شود و برای کسب هویت و معرفی بیشتر خود به جامعه سعی می‌کند. مشارکت اجتماعی، از یک سو، آگاهی مشارکت‌کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت را می‌طلبد و از سوی دیگر، به وجود سازمان‌هایی نیاز دارد تا افراد بتوانند به واسطه آن استعداد‌های خود را پرورش دهند و در جریان رشد و توسعه جامعه، حضوری فعال داشته باشند (موسوی، ۱۳۹۴)؛ از این رو، اگر به دنبال هویت اجتماعی مناسب در افراد هستیم و می‌خواهیم آن‌ها را با جامعه سازگار کنیم، باید آن‌ها را به سوی مشارکت در ورزش فراخوانیم.

شاید مهم‌ترین پیامد اجتماعی مشارکت در ورزش به «کاهش آسیب‌های اجتماعی» مربوط باشد؛ زیرا، زمانی که افراد و جوانان بیشتری به ورزش گرایش پیدا می‌کنند، نه تنها پیامدهای ذکرشده قبلی را به دنبال دارد، بلکه به میزان قابل توجهی آسیب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. این میزان کاهش آسیب‌ها در جامعه می‌تواند نویدبخش جامعه‌ای سالم و پرنرزی باشد و راه توسعه اجتماعی را هموار کند. خروج از فقر حرکتی و رسیدن به وضع مطلوب، نیازمند ابزارهای شایسته‌ای مانند فعالیت‌های ورزشی به‌عنوان ابزاری چندبعدی با تأثیرات گسترده بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی نظیر پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحراف‌های اخلاقی است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). ورزش با درگیر کردن گروه‌های در معرض خطر که اغلب از طبقات محروم هستند، می‌تواند ابزار سیاست‌گذاری مؤثری برای جلوگیری از بزهکاری جوانان باشد. به عقیده ابرزاهانیه و همکاران (۲۰۱۷)، ورزش وسیله‌ای برای توسعه است. مشارکت می‌تواند سبک زندگی سالمی را برای جوانان ایجاد کند و از انجام فعالیت‌های منفی در اوقات فراغت جوانان جلوگیری کند. در واقع، مشارکت در ورزش برای هر جامعه‌ای ضروری است و از مهم‌ترین برنامه‌ها و راهبردهای توسعه است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ورزش یک نهاد اجتماعی است که در گسترش و تقویت ارزش‌هایی که رفتار را تنظیم می‌کنند و یافتن راه‌حل‌های قابل قبول در زمینه حل مشکلات زندگی، کارکردهای اساسی دارد



(ادواردز، ۱۹۸۳)؛ بنابراین، مشارکت در فعالیتهای ورزشی می‌تواند علاوه بر آثار مثبت اجتماعی و تقویت ابعاد آن، میزان انحرافهای اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد و به‌عنوان یک مسیر، درجهت اعتلای جامعه سالم و شاداب گام بردارد. این جنبه از پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، خود را درمیان نوجوانان و جوانان بیشتر نمایان می‌کند. ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند از میزان انحرافهای اجتماعی بکاهد و فضایی را برای شور و نشاط درمیان جوانان ایجاد کند. توجه به زیرساخت‌های ورزشی می‌تواند زمینه‌هایی را ایجاد کند که افراد در تعامل و مشارکت بیشتر، ارزش‌های اجتماعی را درک کنند و مسائل و مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهند. این امر نه‌تنها باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود، بلکه نقش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را دارد. به پیروی از مبانی نظری پژوهش و به‌ویژه با استفاده از یافته‌های پژوهش و همچنین، تجارب و تأملات پژوهشگران مطالعه حاضر درباره موضوع مورد مطالعه، پیشنهادها و راهکارهای زیر درجهت بهبود مشارکت ورزشی، به سیاستگذاران حوزه ورزش ارائه می‌شوند:

#### الف- تهیه زیرساخت‌های ورزشی

۱- از فعالیت سازمان‌های ورزشی مردم‌نهاد که می‌توانند باعث مشارکت بیشتر در ورزش شوند، حمایت شود. این بخش می‌تواند با داشتن برنامه‌های مناسب افراد بسیاری را در مشارکت ورزشی دخیل کند؛ ۲- ساخت اماکن ورزشی در محلات و بخش‌های کوچک شهر امکان دستیابی بیشتر تمامی اقشار را به اماکن ورزشی به‌وجود می‌آورد و سبب می‌شود مشارکت ورزشی بیشتری مشاهده شود. این اقدام نه‌تنها موجب می‌شود که افراد به امکانات و تأسیسات ورزشی به‌راحتی دسترسی داشته باشند، بلکه می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها در ورزش بیفزاید؛ ۳- گسترش مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در گسترش مشارکت ورزشی از ملزومات این پدیده اجتماعی است. نهادهای دولتی و غیردولتی با درگیر شدن در مشارکت ورزشی، نه‌تنها مشارکت دیگران در ورزش را بهبود می‌بخشند، بلکه خود نهادها نیز در این مشارکت سهیم می‌شوند؛ ۴- ظرفیت‌سازی فرهنگی و رسانه‌ای از عوامل بسیار مهم و حیاتی است. این امر با ارائه دیدی مناسب به افراد، مشارکت ورزشی را بهبود می‌بخشد و آگاهی‌های لازم را به افراد می‌دهد؛ ۵- توسعه و تقویت ورزش در مناطق روستایی کشور از ضروریات راهبرد تهیه زیرساخت‌ها در مشارکت ورزشی است. زمانی که علاوه بر شهرها، توجه و تمرکز بر اجرای برنامه‌های ورزشی در روستاها و نواحی کوچک داشته باشیم، استعدادهای بیشتری جذب ورزش می‌شوند و به‌تبع آن، مشارکت ورزشی بیشتری حاکم می‌شود؛ ۶- محوریت‌بخشی به طرح آمایش سرزمین و استفاده از تمامی ظرفیتهای جغرافیایی کشور در مشارکت ورزشی از راهبردهای اساسی

است. توسعه مراکز ورزشی خرد، محله‌محور و روستا‌محور باعث رواج مشارکت و ایجاد حلقه‌های ورزشی متناسب با فرهنگ هر منطقه می‌شود؛ ۷- زمینه‌سازی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی و توجه به مشارکت ورزشی اقشار آسیب‌پذیر از دیگر راهبردهای توسعه زیرساخت در جهت مشارکت ورزشی هستند؛ زیرا، بسیاری از افراد ممکن است سطح درآمدی پایینی داشته باشند و توانایی حضور در اماکن ورزشی را نداشته باشند؛ بنابراین، اقدام‌هایی باید انجام شوند تا تمامی افراد در شرایط برابر توانایی مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را داشته باشند.

### ب- جایابی ورزش در فرهنگ عمومی

۱- یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های جایابی ورزش در فرهنگ عمومی، داشتن تفکر راهبردی در سازمان‌های ورزشی است. سازمان‌های ورزشی باید با دیدی راهبردی آشفتگی‌های سازمانی در توسعه مشارکت ورزشی را کاهش دهند و با آموزش منابع انسانی بتوانند با برنامه‌هایی اساسی، ورزش را به‌عنوان یک فرهنگ عمومی و اجتماعی در جامعه معرفی کنند. توسعه ورزش‌ها و بازی‌های بومی و محلی می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند. این امر نه تنها از حس رقابت بین افراد می‌کاهد، بلکه به‌عنوان راهبردی اساسی در جهت تحکیم روابط و افزایش مشارکت ورزشی بین افراد است؛ ۲- تقویت روحیه ورزش‌خواهی و ورزش‌دوستی نیز موجب ارتقای مشارکت ورزشی می‌شود و آثاری نظیر انگیزه مشارکت در ورزش را به‌همراه دارد؛ ۳- معرفی ورزش به‌مثابه الگوی تعامل جمعی می‌تواند از راهبردهای جایابی ورزش در فرهنگ عمومی باشد. از این طریق می‌توان افراد را به ورزش و مشارکت ورزشی تشویق و ترغیب کرد تا به‌وسیله آن بتوانند تعاملات اجتماعی خود را افزایش دهند و در جامعه دارای جایگاه و هویت اجتماعی باشند؛ ۴- سازمان‌های ذی‌ربط در امر مشارکت ورزشی می‌توانند با آگاهی‌بخشی درمورد فواید مشارکت ورزشی، افراد را به ورزش مشتاق کنند و زمینه‌های پرورش فرهنگ ورزشی را ایجاد کنند؛ ۵- تأکید بر مشارکت ورزشی به‌عنوان شاخص توسعه اجتماعی در سازمان‌ها، جامعه و اقشار مختلف می‌تواند حس وطن‌دوستی را برانگیزاند و مشارکت در ورزش را برای همگان تقویت کند.

### ج- وضع قوانین

۱- تصویب قوانین مربوط به لزوم تأمین بودجه موردنیاز در زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش می‌تواند به بهبود این پدیده اجتماعی کمک کند و زمینه‌های مالی و زیرساختی را برای آن تأمین کند؛ ۲- وضع قوانین مشارکت ورزشی در سازمان‌های دولتی از راهبردهای دیگر برای تقویت مشارکت ورزشی است. سازمان‌های دولتی هم می‌توانند با وضع قوانین در جهت گرایش افراد سازمان خود به فعالیت‌های ورزشی و هم در جهت تهیه و وضع قوانین هم‌راستا با سازمان‌های ورزشی در امر اعتلای فرهنگ ورزش و مشارکت در ورزش گام بردارند؛ ۳- وضع قانون افزایش سطح سرانه فضاهای ورزشی

از دیگر راهبردهای اصلی و اساسی است. با توجه به پایین بودن سرانه ورزشی در کشور، از ضرورت‌های اصلی توسعه مشارکت ورزشی، افزایش سطح سرانه فضاها و اماکن ورزشی است؛ ۴- راهبرد ایجاد همگرایی در دستگاه‌های اجرایی در جهت گرایش به فعالیت‌های ورزشی و رسیدن به اهداف سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی می‌تواند زمینه مشارکت اجتماعی در ورزش را ایجاد کند؛ ۵- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی بخش ورزش و حمایت از بخش خصوصی در تقویت زیرساخت‌های ورزشی می‌تواند راهبردی مؤثر در جهت مشارکت ورزشی باشد.

در پایان، باید اشاره کرد که تاکنون پژوهشی در راستای تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش، مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد انجام نشده است. این پژوهش سعی کرده است پیامدهای اجتماعی مشارکت ورزشی را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کند و با توجه به آن راهبردهایی مناسب را برای ایجاد مشارکت‌های بیشتر افراد در فعالیت‌های ورزشی تدوین کند؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر پژوهش‌های آینده در زمینه ارتباط ورزش و جامعه داشته باشد و به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آینده در نظر گرفته شود.

## منابع

1. Agans, J., Champine, R., DeSouza, L., Mueller, M. K., Johnson, S. K., & Lerner, R. M. (2014). Activity involvement as an ecological asset: Profiles of participation and youth outcomes. *Journal of Youth and Adolescence*, 43, 919-932.
2. Al-Kholui, A. (2002). *Community structure*. (M. R. Sheikhi, translator). Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (SAMT). (Persian).
3. Azizi, B., Jalali, M., & Khabiri, M. A. (2011). Survey of the attitudes of students living in university of Tehran dormitories towards sport for all. *Journal of Sport Management*, 5(3), 75-91. (Persian).
4. Bairner, A. (1996). Sportive nationalism and nationalist politics: A comparative analysis of Scotland, sport the Republic of Triland, and Sweden. *Journal of Sport & Social*, 20(3), 314-330.
5. Blanchard, C. (2006). *Anthropology of sport*. (A. R. Hassanzadeh, & H. R. Ghorbani, translators). Tehran: Publication of Thoughts. Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, Research Deputy, Anthropology Research Institute. (Persian).
6. Brown, K. M. (2016). The role of belonging and affective economies in managing outdoor recreation: mountain biking and the disengagement tipping point. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 15, 35-46.
7. Cote, J., & Hancock, D. J. (2014). Evidence-based policies for youth sport programmes. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8, 51-65.
8. Edwards, H. (1983). *Sociology of sport*. Homewood, IL: Dorsey Press.
9. Faraji, R., & Pour Soltani, H. (2011). Evaluation of the performance of all physical education departments of Iranian provinces based on EFQM model. *Sport Management Studies*, 9, 177-192. (Persian).

10. Fernández-Río, J., & Suarez, C. (2014). Feasibility and students' preliminary views on parkour in a group of primary school children. *Physical Education and Sport Pedagogy*, 21(3), 281-294.
11. Ghassemi, V., Faeqi, S., & Amir, A. (2013). Measurement of social capital and its leveling in different classes of Isfahan's 41 areas in 2013-2012. *Journal of Social Development Studies*, 5(3), 7-29. (Persian).
12. Giddens, A. (1999). *Modernity and individuality (Society and personal identities in the new age)*. (N. Mofeghian, translator). Tehran: Nay Publishing. (Persian).
13. Gilchrist, P., & Wheaton, B. (2016). Lifestyle and adventure sport amongst youth. In K. Green, & A. Smith (Eds.), *Routledge handbook of youth sport* (pp. 186-200). London: Routledge.
14. Humberstone, B. (2011). Engagements with nature: Ageing and windsurfing. In B. Watso, & J. Harpin (Eds.), *Identities, cultures and voices in leisure and sport* (pp. 159-169). Eastbourne: Leisure Studies Association.
15. IrzaHanie, A., Intan Maizura, A., AidaNazima, A., & Haslina, H. (2017). Youth's sport participation akd social character in Malaysia. *International Journal of Information, Business and Management*, 9(2), 161-169.
16. Javadipour, M., & Samienia, M. (2013). Explanation of strategic position and presentation of development strategy in Sport for all in Iran. *Management of Sport and Movement Sciences*, 3(5), 15-28. (Persian).
17. Kamran, F., & Ershadi, K. (2007). Examining the relationship between social capital and mental health networks. *Journal of Social Research*, 2(3), 29-54 (Persian).
18. King, K., & Church, A. (2015). Questioning policy, youth participation and lifestyle sports. *Leisure Studies*, 34(3), 282-302.
19. Kovaclj, J. (2013). *Exercise in the community*. (Sajadi,s.a . akbari,h. bozhmehrani,s. bakhshandeh.h translator). Tehran: Bamdad Ketab.
20. Larson, R. W., Walker, K. C., Rusk, N., & Diaz, L. B. (2015). Understanding youth development from the practitioner's point of view: A call for research on effective practice. *Applied Developmental Science*, 19, 74-86.
21. Lerner, R. M. (2015). Promoting positive human development and social justice: Integrating theory, research and application in contemporary developmental science. *International Journal of Psychology*, 50, 165-173.
22. Lyras, A., & Peachey, W. J. (2011). Integrating sport for development and praxis. *Sport Management Review*, 14, 314-326.
23. Mahdizadeh, R., Andam, R., & Rozbehani, Sh. (2013). Barriers to development of sport for all in University. *Research on University Sport*, 3, 109-126. (Persian)
24. Mousavi, Z. (2015). Strategies to promote social participation of students in the prevention of drug abuse and psychotropic. *Journal of Social Health and Addiction*, 2(7), 63-82. (Persian).
25. Mortzaei, L., Nazemi, M., & Andam, R. A. (2015). Comparison of motivations for women's participation in recreational water sports (Case study: Women of Khorasan Razavi province). *New Trends in Sport Management*, 2(7), 63-73. (Persian).
26. Mozafari, A. M., Kalate Ahani, K., Shajei, A. R., & Hadavi, F. (2011). Describes the attitude and orientation for people to physical activity and sports in the Islamic Republic of Iran. *Olympic*, 1(49), 69-81. (Persian).

27. Naderian Jahromi, M. (2010). *Fundamentals of sociology in sport*. Tehran: Bamdad Ketab. (Persian).
28. PourRanjbar, M., & Zaitounli, A. (2015). Health-centered and public health at Kerman University of Medical Sciences. *Journal of Prevention and Health*, 4, 42-55. (Persian).
29. Razavi, M. H., Niazi, M., & Boroumand Dolagh, M. (2014). Designing and developing a strategy for the development of sport for all using scientific perspective in Mashhad. *Applied Research of Sport Management and Biology*, 3(9), 49-60. (Persian).
30. Reverdito, R. Humberto, M. Larissa, G. alcides, j (2017). Effects of youth participation in extra-curricular sport programs on perceived self-efficacy: A multilevel analysis. *Perceptual and Motor Skills*, 1-16. DOI: 10.1177/0031512517697069.
31. RoshanandelArbalani, T. (2007). Explaining the status of public media in institutionalizing public sport. *Motion Magazine*, 33, 165-177. (Persian).
32. Rutten, A. E., Dekovic, M., Stamp, G., J. Schuengel, C., Hoeksma, J., B., & Beista, Gj. (2008). On- and of field anti-social and pro-social behavior in adolescent soccer behavior: A multi level study. *Journal of Adolesences*, 31, 371-387.
33. Sandford, A., Duncombe, R., & Armour, K. M. (2008). The role of physical activities/sport in tackling youth disaffection and anti-social behaviour. *Educational Review*, 60(4), 419-435.
34. Seifpanahi Shabani, J. (2009). *Design and development of athletic sports development strategy Kurdistan*. (unpublished master's thesis). Tehran University, Tehran. (Persian).
35. Shahbazi, M., Salami, M., Sadeghi, M., & Shirzadi, R. (2016). *The foundations of Tehran's sports sociology* (2nd ed.). Tehran: Bamdad Ketab.
36. Talebzade, F., & Jafari, P. (2012). How does sport and art could be effective in filed of social, cognitive and emotional learning. *Procedia-Social & Behavioral Sciences*, 47, 1610-1615.
37. Taylor, M. F., & Khan, U. (2011). Skate-park builds, teenaphobia and the adolescent need for hang-out spaces: the social utility and functionality of urban skate parks. *Journal of Urban Design*, 16(4), 489-510.
38. Thorpe, H., & Olive, R. (2016). *Women in action sport cultures: Identity, politics and experience*. Basingstoke: Palgrave, 4, 1-11.
39. Thorpe, H., & Wheaton, B. (2015). *Understanding and responding to the trends of young people: Action sports in New Zealand communities*. Paper presented at the Sport New Zealand Annual Conference, Auckland.
40. Turman, P. D. (2008). Coaches' immediacy behaviors as predictors of athletes' perceptions of satisfaction and team cohesion. *Western Journal of Communication*, 72(2), 162-179.
41. William, E., & Brudzynski, L. (2008). Motivations and barriers to exercise among college student. *Journal of Exercise Physiology Online (JEPonline)*, 11(5), 1-11.

استناد به مقاله

کریمی، جواد، عباسی، همایون، عیدی، حسین. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مشارکت در ورزش بر اساس نظریه داده بنیاد. پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۰۶-۲۸۵. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6136.1500

Karimi, J., Abbasi, H., Eydi, H. (2019). Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory. Research on Educational Sport, 7(16): 285-306. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.6136.1500



## مدل‌یابی اثر حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر

ناصر بای<sup>۱</sup>، اکرم اصفهانی‌نیا<sup>۲</sup>

۱. گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران\*  
 ۲. گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی اثر حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری همه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم (۱۰، ۱۱ و ۱۲) شهرستان آزادشهر در استان گلستان (۱۰۸۶ نفر) بودند که براساس فرمول کوکران، ۲۴۸ دانش‌آموز به شیوه انتخاب تصادفی ساده به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسش‌نامه‌های حمایت اجتماعی والدین دانکن و همکاران (۲۰۰۵)، شایستگی ادراک‌شده ژیانگ و همکاران (۲۰۰۴)، جو مدرسه اندرسون و همکاران (۲۰۰۷) و لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی مور و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شد. روایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید پنج نفر از اساتید مدیریت ورزشی رسید و ضریب پایایی پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، به ترتیب  $\alpha = 0/89$ ،  $\alpha = 0/91$ ،  $\alpha = 0/78$  و  $\alpha = 0/81$  محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه، بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دختران دانش‌آموز اثری مثبت و معنادار داشتند. با توجه به نقش مثبت حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر میزان لذت از مشارکت در فعالیت‌های بدنی دختران دانش‌آموز، مشارکت والدین در فعالیت‌های بدنی در کنار دختران خود، حمایت والدین از برنامه‌های ورزشی مدارس، ارائه برنامه‌های ورزشی در مدارس براساس قابلیت‌های ورزشی دانش‌آموزان و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر، پیشنهاد می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** حمایت اجتماعی، شایستگی، جو مدرسه و لذت مشارکت در فعالیت‌های بدنی.



## مقدمه

فعالیت بدنی منظم مزایای جسمانی و روانی بسیاری دارد که این مزایا شامل تمامی گروه‌های سنی می‌شود؛ اما برای کودکان و نوجوانان مهم‌تر است؛ با این وجود، تعداد کمی از کودکان و نوجوانان فعالیت بدنی مناسب برای کسب این مزایا دارند (گراستن و وات، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای مرتبط با سلامتی در دوران کودکی پیش‌بینی‌کننده مهم این رفتارها در سنین بزرگسالی هستند (جین و جون، ۲۰۱۳). باد، مک‌کوئین، ایلر، هایر-جوشو، آسلاندر و برونسن<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در این باره بیان می‌کنند که رفتارهای مرتبط با سلامتی همچون فعالیت‌های بدنی منظم، نقش بسیار مهمی در سلامتی افراد در آینده ایفا می‌کنند؛ اما میزان فعالیت‌های بدنی به دلایل گوناگون همچون توسعه فناوری‌های نوین، تغییر شیوه زندگی و گرایش بیشتر مردم به فعالیت‌های ذهنی کم‌تر شده است و بیشترین کاهش فعالیت بدنی بین دوران کودکی و نوجوانی و در میان دختران روی داده است. کاهش فعالیت‌های بدنی در بین افراد جامعه هزینه‌های بهداشتی و درمانی سرسام‌آوری را به مردم و دولت‌ها تحمیل می‌کند (هوار، استاورسکی، جنینگز و کینگول، ۲۰۱۷) که کشور ما نیز از این امر مستثنا نیست (احمدی، سلطانی و عبدولی، ۱۳۹۵)؛ از این رو، توجه به فعالیت‌های بدنی و تدوین برنامه‌های جامعی که بتوانند اقشار مختلف مردم به خصوص دانش‌آموزان را تحت پوشش قرار دهند و زمینه مشارکت آن‌ها را در فعالیت‌های بدنی سازمان‌یافته افزایش دهند، ضروری به نظر می‌رسد.

برای افزایش میزان مشارکت کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های بدنی، آگاهی از نیازها و انتظارات آن‌ها از این فعالیت‌ها ضروری است. یکی از مهم‌ترین انتظارات افراد از مشارکت در فعالیت‌های بدنی، کسب لذت است. لذت ورزشی به‌عنوان یک عامل ذاتی و عاطفی مرتبط با انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های بدنی تعریف شده است (دیس‌مور و بیل، ۲۰۱۱). از دیدگاه دادلی، اوکلی، پیرسون و کوتون<sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، لذت ورزشی اصطلاحی پیچیده است که با مواردی مانند علاقه، سرگرمی، دوست‌داشتن و انگیزش درونی مرتبط است. پژوهشگران بیان می‌کنند که لذت‌بردن، از عناصر مهم شکل‌دهنده نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به فعالیت‌های بدنی و همچنین، یک هدف مهم و بامعنی برای معلمان تربیت‌بدنی است (مایکل، کافیلد، ساره، لی و فولتون، ۲۰۱۶). لذت‌بردن دانش‌آموزان از فعالیت‌های بدنی در مدارس به احتمال بسیار زیاد بر تصمیم‌های آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های

- 
1. Grasten & Watt
  2. Jin & Yun
  3. Budd, McQueen, Eyler, Haire-Joshu, Auslander & Brownson
  4. Hoare, Stavreski, Jennings & Kingwell
  5. Dismore & Bailey
  6. Dudley, Okely, Pearson & Cotton
  7. Michael, Coffield, Sarah, Lee & Fulton

بدنی در آینده اثری مثبت خواهد داشت (کراوز، ۲۰۱۴). همچنین، افزایش لذت بردن از فعالیت بدنی در میان کودکان احتمالاً باعث کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرفعال مانند تماشای تلویزیون یا بازی‌های کامپیوتری خواهد شد (کالتر و وودز، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، لذت بردن شایع‌ترین انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های بدنی است و عاملی مهم در پیش‌بینی تعهد ورزشی محسوب می‌شود (اسکانلان، سایمونز، کارپنتر، اشمیت و کیلر، ۱۹۹۳). آداجی و ویلوبیز<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که لذت بردن دانش‌آموزان از درس تربیت‌بدنی به افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها در طول زمان منجر می‌شود و نوجوانان با عزت‌نفس بیشتر، به‌طور مرتب ورزش می‌کنند.

عوامل بسیاری وجود دارند که می‌توانند بر میزان لذت از فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند که حمایت اجتماعی والدین از جمله این عوامل است. عوامل اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با انجام فعالیت‌های بدنی در دانش‌آموزان هستند و به‌وسیله مقدار نفوذ اعمال شده توسط والدین، دوستان، معلمان و بستگان برای انجام فعالیت‌های جسمانی مشخص می‌شوند و این تأثیر ممکن است به‌طور مستقیم از طریق حمایت اجتماعی و به‌طور غیرمستقیم از طریق مدل‌سازی رفتار روی دهد (داویسون، کاتینگ و بریج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳). تمرین فعالیت بدنی و حمایت والدین و دوستان، انواع مختلفی از تأثیرات عوامل اجتماعی را که اغلب در نوجوانان مطالعه می‌شوند، نشان می‌دهند (ادوردسون و گورلی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). مدل‌سازی رفتار انسان یکی از ساختارهای نظریه یادگیری اجتماعی است و فرض می‌کند که رفتار انسانی از دیدگاه رفتار و تجربیات یادگیری از افراد مهم اجتماعی به‌دست می‌آید و تغییر می‌یابد (راودسپ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). تعاملات مختلف کودکان با والدین موجب ادراک حمایت اجتماعی در کودکان می‌شود. پژوهشگران بر این امر تأکید می‌کنند که اعتقادات کودکان درباره عوامل اجتماعی مانند حمایت والدین، می‌تواند نگرش‌ها و ارزش‌های آنان را نسبت به فعالیت‌های بدنی و درگیر شدن در آن‌ها شکل دهد (ملوی، دیکسون، هامر و اسنیوتتا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). از این دیدگاه می‌توان چنین دریافت که حمایت اجتماعی والدین در فعالیت‌های بدنی به‌عنوان یک مدل برای کودکان و نوجوانان عمل می‌کند و می‌تواند بر بسیاری از رفتارهای آن‌ها از جمله کسب لذت اثری مثبت داشته باشد (سالوی، هی، بوکر و هرمنز<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، کودکان و نوجوانان با داشتن والدین فعال در فعالیت‌های بدنی

- 
1. Krause
  2. Coulter & Woods
  3. Scanlan, Simons, Carpenter, Schmidt & Keeler
  4. Adachi & Willoughbys
  5. Davison, Cutting & Birch
  6. Edwardson & Gorely
  7. Raudsepp
  8. Molloy, Dixon, Hamer & Sniehotta
  9. Salvy, Haye, Bowker & Hermans

بیشتر احتمال دارد که درگیر فعالیتهای جسمانی باشند که این امر بر میزان نشاط و شادابی آنها نیز اثرگذار خواهد بود (تروست و لاپرینزی، ۲۰۱۱).

عوامل فردی همچون شایستگی ادراک شده به همراه عوامل بیرونی می‌توانند بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای بدنی و پیامدهای آن اثرگذار باشند. به‌طور کلی، شایستگی ادراک شده به‌عنوان قضاوت یک فرد از توانایی‌ها و مهارت‌های خود برای انجام مهارت یا حرکت خاصی تعریف شده است (بکر و داویسون، ۲۰۱۱). در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان در مورد نحوه شایستگی خود در فعالیتهای بدنی تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند (ژیانگ، مک‌براید و برونی، ۲۰۰۴). در این دوره، برخی از دانش‌آموزان چنین می‌پندارند که دارای مهارت لازم برای انجام فعالیتهای جسمانی هستند و برخی دیگر خود را فاقد چنین مهارت‌هایی می‌دانند. اینکه دانش‌آموزان چه برداشتی در خصوص مهارت‌های خود دارند، عاملی بسیار مهم در میزان مشارکت آنها در فعالیتهای جسمانی مدرسه و خارج از آن است (چن و چن، ۲۰۱۲). دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند شایستگی کمتری در مهارت‌های جسمانی دارند، اغلب عملکردی ضعیف‌تر از سطح مهارتی خود را به‌نمایش می‌گذارند. علاوه بر این، ادراک شایستگی دانش‌آموزان ممکن است بر واکنش عاطفی آنها به فعالیتهای بدنی نیز تأثیر بگذارد. دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند توانایی انجام مهارت‌های جسمانی خاصی را ندارند، به‌ندرت از مشارکت در فعالیتهای بدنی و جسمانی لذت می‌برند (کاپرینی، کووان، ولدویزن، هی، استیون و فوت، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، ادراک مثبت دانش‌آموزان از شایستگی‌های خود موجب افزایش مشارکت آنان در فعالیتهای بدنی می‌شود که این امر می‌تواند بر توسعه قابلیت‌های جسمانی و روانی آنها اثری مثبت داشته باشد (لیو و گیل، ۲۰۱۱).

در کنار حمایت والدین و شایستگی ادراک شده، جو سازمانی مدارس نیز عاملی مؤثر در بروز رفتارهای مرتبط با فعالیتهای بدنی در کودکان و نوجوانان دانش‌آموز است. جو مدرسه اصطلاحی پیچیده و چندبعدی است. این اصطلاح به‌عنوان فضایی توصیف شده است که شامل هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات است (پیتری، ۲۰۱۴). جو مدرسه به کیفیت زندگی در مدرسه اشاره می‌کند و شامل ابعاد وسیعی مانند میزان مشارکت دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان در فعالیتهای مختلف مدرسه، ایمنی و محیط مدرسه می‌شود (مکنیل، پراتر و بوش، ۲۰۰۹). جو مدرسه عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی

- 
1. Trost & Loprinzi
  2. Baker & Davison
  3. Xiang, McBride & Bruene
  4. Chen & Chen
  5. Cairney, Kwan, Velduizen, Hay, Steven & Faught
  6. Lyu & Gill
  7. Petrie
  8. MacNeil, Prater & Busch

درزمینه احساسات، عواطف و پیامدهای رفتاری دانش‌آموزان است. همچنین، جو مدرسه بر میزان سازگاری، سلامت ذهنی و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (مکسول، رینالدز، لی، ساباسیک و برومهید، ۲۰۱۷). علاوه‌براین، جو مدرسه بر سایر رفتارهای دانش‌آموزان مانند انجام فعالیت‌های بدنی نیز اثر می‌گذارد. نگرش و نگاه معلمان و کارکنان مدارس به فعالیت‌های بدنی و آگاهی آنان از اهمیت این فعالیت‌ها، انجام فعالیت‌های بدنی توسط معلمان و کارکنان مدارس، قوانین مدرسه درباره فعالیت‌های بدنی، توجه به ساعت‌های درس تربیت‌بدنی، ترغیب دانش‌آموزان به انجام فعالیت‌های بدنی توسط همکلاسی‌ها و دوستان، دردسترس بودن امکانات ورزشی، برگزاری مسابقات ورزشی و فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی، از جمله عوامل مهم تشکیل‌دهنده جو مدارس هستند که می‌تواند بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی و پیامدهای آن مانند کسب لذت و نشاط اثرگذار باشند (هابین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جو مدرسه در خصوص فعالیت‌های بدنی، عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی در رابطه با میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی است (کیلی، پارا-مدینا، دودا و کانوی، ۲۰۱۰). ادراک مثبت دانش‌آموزان از جو مدرسه، علاوه‌بر افزایش مشاکت آنان در فعالیت‌های بدنی، می‌تواند بر میزان لذت، نشاط، اجتماعی‌شدن و افزایش اعتمادبه‌نفس آنان نیز اثری مثبت داشته باشد (مورتون، آتکین، کورد، سرکی و ون‌سلیجز، ۲۰۱۶). پژوهش‌های بسیاری درزمینه عوامل مؤثر در میزان مشارکت در فعالیت‌های بدنی و پیامدهای آن همچون کسب لذت انجام شده‌اند. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی روی ۵۸۴ دختر و پسر نوجوان دریافتند که تکلیف‌مداری، توانایی جسمانی ادراک‌شده و اطمینان از خودنمایی جسمانی، از جمله عوامل مؤثر در لذت از فعالیت بدنی بودند. داروغه‌عارفی، بحرالعلوم و حسنی‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی که روی رزمی‌کاران نوجوان انجام دادند، مشاهده کردند که شایستگی ادراک‌شده و زیرمقیاس‌های مشارکت والدین، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر لذت ورزشی اثرگذار بودند. همچنین، تأثیر مثبت مشارکت والدین بر لذت ورزشی این ورزشکاران تأیید شد. کایرنی و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی روی ۲۲۶۲ دانش‌آموز پایه چهارم در کانادا مشاهده کردند که سطح بالای شایستگی ادراک‌شده موجب افزایش لذت دانش‌آموزان از مشارکت در فعالیت‌های بدنی می‌شود. برازندل<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) با انجام پژوهشی روی ۱۰۸ دانش‌آموز پایه پنجم تا هشتم دریافت که بین ادراک شایستگی و میزان لذت از فعالیت‌های بدنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چنگ، مندونسا و فاریاس

- 
1. Maxwell, Reynolds, Lee, Subasic & Bromhead
  2. Hobin
  3. Kelly, Parra-Medina, Dowda & Conway
  4. Morton, Atkin, Corder, Suhrcke & Van Sluijs
  5. Brazendale

جونپور<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «فعالیت‌های بدنی در نوجوانان: تجزیه و تحلیل اثر خانواده و دوستان» مشاهده کردند که میزان فعالیت بدنی دوستان بر میزان فعالیت نوجوانان اثری مثبت و معنادار دارد. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که حمایت اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب افزایش فعالیت بدنی نوجوانان دختر و پسر می‌شود. نتایج پژوهش شن، سنتیو، گارن، مارتین، کولیک، سامرز و مک‌کاتری<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) با عنوان «بررسی حمایت اجتماعی والدین و شایستگی ادراک شده در میزان لذت از فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر» نشان داد که حمایت والدین از فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان خود در مدارس موجب افزایش لذت این دانش‌آموزان از این فعالیت‌ها می‌شود. همچنین، ادراک شایستگی دانش‌آموزان از خود نیز اثری مثبت و معنادار بر میزان لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دارد. جاکولا، یلی-پیپاری، وات و لیوکونن<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) با انجام یک مطالعه طولی روی ۳۳۳ دانش‌آموز فنلاندی دریافتند که ادراک شایستگی بر رفتارهای فعالیت بدنی دانش‌آموزان مورد مطالعه در سال‌های بعد، اثرگذار بوده است؛ بدین معنا که دانش‌آموزان با شایستگی ادراک شده بالا در سال‌های بعد نیز بیشتر در فعالیت‌های بدنی شرکت کردند. جانسون، اروین، کپ و بیگل<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر جو انگیزشی مدارس بر فعالیت بدنی و لذت دانش‌آموزان پرداختند. نتایج نشان داد که جو انگیزشی مدارس مانند توانمندسازی دانش‌آموزان، دادن نقش‌های مهم و یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی، بر لذت دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی اثری مثبت داشته‌اند. باد و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی که روی دختران دانش‌آموز آمریکایی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی والدین و جو مدارس اثری مثبت بر میزان لذت از فعالیت‌های بدنی در این دانش‌آموزان دارد.

با توجه به کاهش فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان و به خصوص دانش‌آموزان دختر (جانسون و همکاران، ۲۰۱۷)، توجه به عوامل مرتبط و مؤثر در مشارکت آنان در فعالیت‌های بدنی و همچنین، پیامدهای حاصل از مشارکت در این فعالیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. آگاهی از چرایی مشارکت دانش‌آموزان دختر در فعالیت‌های بدنی مانند کسب نشاط و لذت می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر آنان را در فعالیت‌های بدنی سازمان‌یافته در مدارس و خارج از آن افزایش دهد. یکی از مهم‌ترین دلایل مشارکت دانش‌آموزان دختر در فعالیت‌های بدنی، کسب لذت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل بسیاری مانند حمایت والدین (شن و همکاران، ۲۰۱۶)، شایستگی ادراک شده (برازندل، ۲۰۱۳)، جو مدرسه (جانسون و همکاران، ۲۰۱۷)، میزان مهارت‌های حرکتی (دادلی و همکاران، ۲۰۱۱) و نوع فعالیت‌های

- 
1. Cheng, Mendonca, & Farias Junior
  2. Shen, Centeio, Garn, Martin, Kulik, Somers & McCaughtry
  3. Jaakkola, Yli-Piipari, Watt & Liukkonen
  4. Johnson, Erwin, Kipp & Beighle

بدنی (دیسمر و بیلی، ۲۰۱۱) می‌توانند موجب افزایش لذت مشارکت در فعالیت‌های بدنی شود؛ باوجوداین، بررسی عوامل مؤثر در میزان لذت مشارکت از فعالیت‌های دربین دانش‌آموزان دختر موضوعی است که تاکنون در کشور ما بررسی نشده است که این امر ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌کند. افزون‌براین، این پژوهش بر جنبه‌های کاربردی استوار است و امیدوار است پیشنهادهای ارزنده و مفیدی را به متولیان همچون معلمان تربیت‌بدنی و مدیران مدارس ارائه کند؛ بنابراین، با توجه به موارد ذکرشده و وجود خلأ علمی دراین‌زمینه، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی برخی از عوامل مؤثر در لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر معادلات ساختاری است که به‌صورت میدانی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش همه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم (۱۰-۱۲) شهر آزادشهر به تعداد ۱۰۸۶ نفر در سال ۱۳۹۶ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۸۴ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسش‌نامه‌های حمایت اجتماعی والدین دانکن، دانکن و استریکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، شایستگی ادراک‌شده ژیانگ و همکاران (۲۰۰۴)، جو مدرسه اندرسون، کلاس و جورجیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی مور، بین، هینس، دودا، گاتین و باربیو<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) استفاده شد. پرسش‌نامه‌های حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده، جو مدرسه و لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی، به‌ترتیب دارای پنج، چهار، شش و ۱۰ گویه هستند که براساس مقیاس پنج‌ارزشی لیکرت سنجیده می‌شوند. برای تعیین روایی محتوایی پرسش‌نامه‌های پژوهش، از نظرهای پنج نفر از اساتید مدیریت ورزشی استفاده شد و سپس، برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها، یک مطالعه مقدماتی (با تکمیل کردن پرسش‌نامه‌ها توسط ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر آزادشهر) انجام شد و ضریب پایایی پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای متغیرهای ذکرشده به‌ترتیب  $\alpha = 0/89$ ،  $\alpha = 0/91$ ،  $\alpha = 0/78$  و  $\alpha = 0/81$  به‌دست آمد که حاکی از ثبات ابزار اندازه‌گیری بود. پس از تعیین روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری و همچنین، هماهنگی با مدیریت آموزش و پرورش استان گلستان و شهرستان آزادشهر، پرسش‌نامه‌ها دربین جامعه آماری توزیع شدند و ۲۸۴ پرسش‌نامه سالم جمع‌آوری شدند. در این پژوهش، از آمار توصیفی برای سازمان‌دادن، خلاصه‌کردن، طبقه‌بندی کردن و توصیف داده‌ها شامل فراوانی‌ها، میانگین‌ها و انحراف استاندارد استفاده شده است.

- 
1. Duncan, Duncan & Strycker
  2. Anderson, Klassen & Georgiou
  3. Moore, Yin, Hanes, Duda, Gutin & Barbeau

برای آزمون مدل پژوهش، از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. این روش، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای پژوهش و سؤال‌های پرسش‌نامه است. به عبارت دیگر، مدل‌یابی معادلات ساختاری روش آماری قدرتمندی است که مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری را با یک آزمون آماری، هم‌زمان ترکیب می‌کند. بدین منظور، از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. نسخه دو استفاده شد.

## نتایج

داده‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در بخش توصیفی، برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها بررسی شدند. نتایج نشان داد که بیشتر آزمودنی‌ها (۴۸/۹ درصد) دارای سابقه فعالیت ورزشی سه تا چهار سال بودند. همچنین، ورزش مورد علاقه بیشتر آزمودنی‌ها (۵۴/۲ درصد) ورزش‌های گروهی بودند. ملاک‌های سه‌گانه فورنل و لارکر برای بررسی ثبات درونی یا پایایی سازه‌ها مدنظر قرار گرفتند. بررسی بار عاملی متغیرهای مشاهده‌شده به‌عنوان اولین ملاک بررسی، نشان داد که میزان بار عاملی و مقادیر تی به‌دست‌آمده برای متغیرهای مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است (شکل شماره دو). دومین ملاک بررسی پایایی سازه‌ها، ضریب دیلون-گلدشتاین یا پایایی ترکیبی (شاخص سازگاری درونی مدل اندازه‌گیری) سازه‌ها است که باید بیشتر از ۰/۷ باشد. مقادیر به‌دست‌آمده برای این شاخص نیز حاکی از پایایی قابل قبول سازه‌ها بود (جدول شماره یک). میانگین واریانس استخراج‌شده، سومین ملاک برای بررسی ثبات درونی سازه‌ها است که در جدول شماره یک ارائه شده است. مقادیر بیشتر از ۰/۵ برای این ملاک قابل قبول هستند (سیدعباس‌زاده، امانی ساری بگلو، خضری آذر و پاشوی، ۱۳۹۱). با توجه به نتایج جدول شماره یک، سازه‌ها و نشانگرهای آن‌ها از پایایی قابل قبولی برای استفاده در پژوهش برخوردار هستند.

- 
1. Smart PLS
  2. Fornell & Larcker
  3. Composite Reliability (CR)
  4. Average Variance Extracted (AVE)

جدول ۱- شاخص‌های بررسی پایایی سازه‌های پژوهش

گویه‌ها	سازه	بار عاملی	ارزش تی	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
۱		۰/۶۹	۱۶/۶۷			
۲	حمایت اجتماعی والدین	۰/۶۰	۱۰/۷۷	۰/۵۱	۰/۸۳	۰/۷۴
۳		۰/۷۳	۱۹/۳۵			
۴		۰/۷۳	۲۰/۰۰			
۵		۰/۷۴	۲۳/۹۰			
۶		۰/۵۲	۸/۸۳			
۷	شایستگی ادراک شده	۰/۷۷	۲۴/۹۷	۰/۵۶	۰/۸۳	۰/۷۳
۸		۰/۸۶	۴۹/۸۱			
۹		۰/۸۱	۲۹/۸۰			
۱۰	جو مدرسه	۰/۹۴	۹۴/۰۸	۰/۶۹	۰/۹۳	۰/۹۲
۱۱		۰/۷۲	۱۲/۶۰			
۱۲		۰/۹۳	۸۹/۳۹			
۱۳		۰/۷۱	۱۱/۶۱			
۱۴		۰/۹۴	۹۴/۰۸			
۱۵		۰/۷۰	۱۱/۸۱			
۱۶	لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۰/۸۲	۳۵/۰۰	۰/۵۳	۰/۹۰	۰/۸۸
۱۷		۰/۶۳	۱۲/۹۹			
۱۸		۰/۷۶	۲۳/۷۲			
۱۹		۰/۵۱	۹/۹۲			
۲۰		۰/۸۱	۳۰/۸۰			
۲۱		۰/۷۱	۱۴/۷۷			
۲۲		۰/۶۹	۱۶/۳۵			
۲۳		۰/۶۹	۱۶/۲۲			
۲۴		۰/۶۸	۱۱/۴۱			
۲۵		۰/۶۴	۱۳/۶۰			

برای اینکه یک سازه از روایی تشخیصی یا واگرایی قابل قبولی برخوردار باشد، جذر میانگین واریانس استخراج شده یک سازه باید بیشتر از همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به نتایج جدول شماره دو می‌توان چنین بیان کرد که سازه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر از روایی تشخیصی خوبی برخوردار هستند. همچنین، در مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش پی.ال.اس، برای بررسی کیفیت یا برازش مدل اندازه‌گیری یا به عبارتی ابزارهای



اندازه‌گیری، شاخص بررسی اعتبار اشتراک<sup>۱</sup> در نظر گرفته می‌شود. برای بررسی این شاخص، مجموع مجذورات مشاهده‌ها برای هر بلوک متغیر مکنون<sup>۲</sup> و مجموع مجذورات خطاهای پیش‌بینی برای هر بلوک متغیر مکنون<sup>۳</sup> در نظر گرفته می‌شوند. مقادیر مثبت این شاخص نشان‌دهنده کیفیت مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به نتایج جداول شماره دو و شماره سه می‌توان چنین بیان کرد که ابزارهای مورد استفاده در پژوهش از کیفیت مناسبی برخوردارند.

جدول ۲- نتایج بررسی روایی تشخیصی سازه‌های پژوهش

سازه‌ها	۱	۲	۳	۴
۱ حمایت اجتماعی والدین	۱/۰۰			
۲ شایستگی ادراک شده	۰/۷۲*	۱/۰۰		
۳ جو مدرسه	۰/۵۳*	۰/۵۲*	۱/۰۰	
۴ لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۰/۷۴*	۰/۸۵*	۰/۶۵*	۱/۰۰

\* جذر میانگین واریانس استخراج شده

جدول ۳- نتایج بررسی شاخص اعتبار اشتراک سازه‌های پژوهش

سازه	آماره	مجموع مجذورات مشاهده‌ها برای متغیر مکنون	مجموع مجذورات خطاهای پیش‌بینی برای متغیر مکنون	مشاهدات برای هر بلوک/ خطاهای پیش‌بینی برای هر بلوک - ۱
حمایت اجتماعی والدین	۱۴۲۰	۱۰۹۳/۳۶	۰/۲۳	
شایستگی ادراک شده	۱۱۳۶	۷۸۹/۶۰	۰/۳۰	
جو مدرسه	۱۷۰۴	۶۴۰/۸۵	۰/۶۲	
لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۲۸۴۰	۱۸۲۵/۶۲	۰/۳۵	

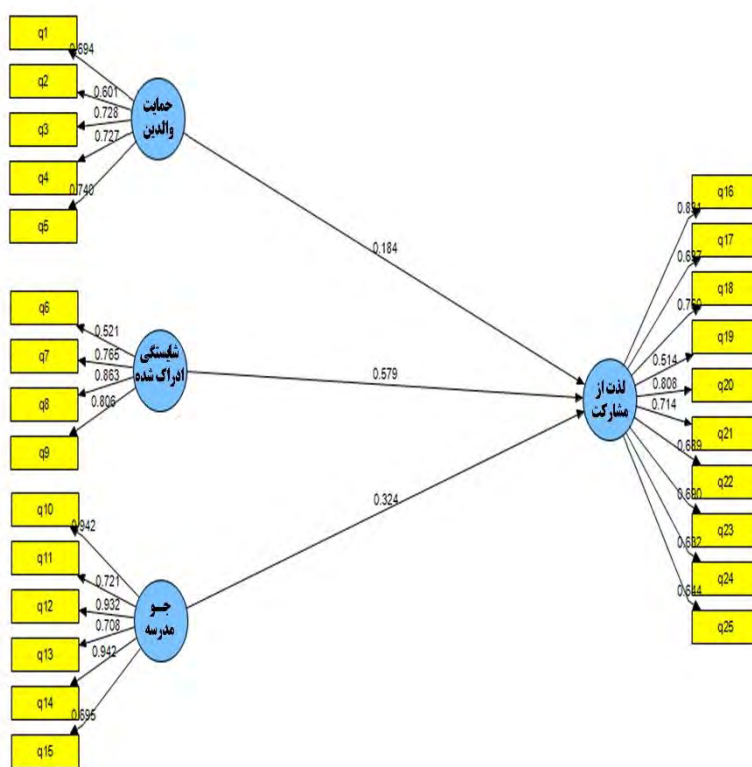
نتایج پژوهش نشان داد که اثر حمایت اجتماعی والدین بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دختران دانش‌آموز، مثبت و معنادار است ( $t = \beta, ۷۵/۳ = ۰/۱۸$ ). یافته دیگر پژوهش نشان داد که شایستگی ادراک شده نیز دارای اثری مثبت و معنادار بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی است ( $\beta, = ۰/۵۸$ ). در نهایت، اثر مثبت و معنادار جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی تأیید شد ( $t = ۱۲/۱۱$ ). ( $t = \beta, ۴۴/۸ = ۰/۳۲$ ).

1. Construct Cross Validated Commuality
2. Sum Of Squares Of Observation For Block
3. Sum Of Squared Prediction Errors For Block

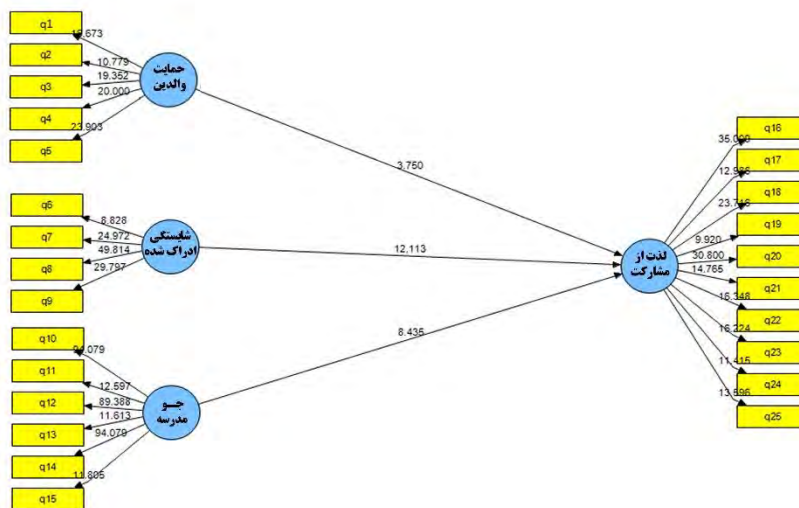
جدول ۴- اثر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک پژوهش

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	آماره تی	آماره بتا
حمایت اجتماعی والدین	لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۳/۷۵	۰/۱۸
شایستگی ادراک‌شده	لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۱۲/۱۱	۰/۵۸
جو مدرسه	لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی	۸/۴۴	۰/۳۲

$-۱/۹۶ \leq t \text{ value} \leq ۱/۹۶$



شکل ۱- مدل آزمون‌شده پژوهش در حالت تخمین استاندارد



شکل ۲- مدل آزمون شده پژوهش در حالت اعداد معناداری

## بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، مطالعه نقش حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر بود. نتایج پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی والدین بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر آزادشهر، اثری مثبت و معنادار دارد. این نتیجه با نتایج مطالعات شن و همکاران (۲۰۱۶) و باد و همکاران (۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر این واقعیت است که هر چقدر حمایت اجتماعی والدین از دختران خود بیشتر باشد، لذت آنان از مشارکت در فعالیت‌های بدنی نیز بیشتر خواهد شد. منظور از حمایت‌های اجتماعی والدین یا دوستان در ورزش، هرگونه رفتار آنها است که باعث ترغیب، انجام و ادامه فعالیت جسمانی در فرد می‌شود. در این میان، حمایت‌های خانواده، والدین و دوستان تأثیر بسزایی بر این امر دارند؛ زیرا، فرزندان با والدین و دوستانشان به‌عنوان یک الگو و نیروی حمایتی تعامل دارند. حمایت اجتماعی می‌تواند از طریق روش‌های مستقیم و غیرمستقیم موجب تقویت رفتار شود. حمایت اجتماعی مستقیم، به داشتن فعالیت بدنی در کنار هم یا انجام وظایف خانه برای ایجاد فرصت برای فرد با هدف داشتن فعالیت بدنی مربوط می‌شود؛ مانند نگهداری و مراقبت از اعضای خانواده و انجام وظایف خانه؛ به طوری که دیگر اعضا بتوانند در فعالیت‌های ورزشی شرکت کنند. حمایت غیرمستقیم به صورت از جمله فعالیت‌هایی مانند تشویق یا صحبت کردن با یک عضو خانواده یا دوستان برای شروع یک برنامه ورزشی تعریف شده است. در این میان، حمایت اعضای خانواده نقش

مهمی در مشارکت ورزشی ایفا می‌کند. حمایت خانواده به صورت مستمر، بر میزان مشارکت افراد در فعالیت بدنی تأثیرگذار است و برعکس، فقدان حمایت اجتماعی سبب کاهش سطح مشارکت در فعالیت ورزشی می‌شود. از آنجایی که فعالیت‌های بدنی و ورزش یکی از عوامل اجتماعی شدن تلقی می‌شوند، می‌توان اظهار کرد که رویه و حمایت خانواده و دوستان که با عنوان «حمایت اجتماعی» نام برده می‌شوند، در مشارکت فعالیت‌های بدنی تأثیر مستقیم و بسزایی بر اجتماعی شدن افراد دارند؛ زیرا، با حضور یافتن آنان در عرصه فعالیت‌های بدنی، مجموعه‌ای از ضوابط و روابط اجتماعی شدن مانند تلاش برای هدف مشترک، احترام به قوانین و حقوق دیگران، مسئولیت پذیری و غیره را فرامی‌گیرند. همچنین، حمایت والدین از کودکان خود برای مشارکت در فعالیت‌های بدنی می‌تواند به عنوان یک عامل انگیزشی مهم عمل کند و بروز چنین رفتارهایی را تقویت کند که این امر بر پیامدهای حاصل از فعالیت‌های بدنی همچون لذت و نشاط اثری مثبت خواهد داشت. چنگ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافتند که میزان فعالیت بدنی دوستان بر میزان فعالیت دانش‌آموزان اثری مثبت و معنادار دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که فعالیت بدنی پدران بر میزان فعالیت بدنی پسران نوجوان و فعالیت بدنی مادران بر میزان فعالیت بدنی دختران نوجوان، اثری مثبت و معنادار دارند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب افزایش فعالیت بدنی نوجوانان دختر و پسر می‌شود. از آنجایی که والدین نقش مهم و محوری در شکل‌گیری رفتارهای دانش‌آموزان دارند، تعامل مثبت و سازنده بین آن‌ها و آموزش و پرورش و به خصوص مدارس می‌تواند بروز رفتارهای مثبت در دانش‌آموزان همچون مشارکت در فعالیت‌های بدنی و کسب لذت از آن‌ها را تسهیل کند. یکی از مهم‌ترین موارد در این خصوص، آگاه کردن والدین از اهمیت درس تربیت‌بدنی در رشد سلامت ذهنی و جسمانی دانش‌آموزان است. بسیاری از والدین علاوه بر نداشتن دیدگاه درست نسبت به درس تربیت‌بدنی، آن را درسی بی‌اهمیت می‌پندارند و شاید یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی دانش‌آموزان به درس تربیت‌بدنی، بی‌اهمیت بودن این درس از دیدگاه والدین دانش‌آموزان می‌باشد. آگاهی والدین از فواید درس تربیت‌بدنی می‌تواند حمایت والدین از این درس مهم و ترغیب فرزندان خود به مشارکت فعال در این درس را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، در کنار تغییر نگرش والدین به درس تربیت‌بدنی، اقدام‌های عملی مانند ارتباط مداوم بین والدین و معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی و لذت بیشتر آنان از این فعالیت‌ها را فراهم کند. والدین باید از وظایف معلمان تربیت‌بدنی آگاه باشند و در اجرای برنامه‌های فعالیت‌های بدنی به آن‌ها کمک کنند. کمک والدین به معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند از خرید وسایل ورزشی و کمک آموزشی تا ترغیب فرزندان خود به مشارکت فعال در این فعالیت‌ها، متفاوت باشد. یکی دیگر از روش‌های افزایش حمایت والدین از فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان، برگزاری مسابقات ورزشی مدارس با حضور

والدین است. حضور والدین در مسابقات درون‌مدرسه‌ای و بین‌مدرسه‌ای، نه تنها به‌عنوان یک عاملی انگیزشی برای دانش‌آموزان عمل می‌کند، بلکه این افراد می‌توانند نقش مهمی در برگزاری این مسابقات ایفا کنند که این امر می‌تواند رابطه بین والدین و آموزش و پرورش را تقویت کند. استفاده از والدین به‌عنوان داور، مربی، مسئولان فنی و حتی حمایت‌کنندگان مالی، علاوه بر کمک به سیستم آموزش و پرورش، می‌تواند نقش مهمی را در ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در چنین برنامه‌هایی ایفا کند. با توجه به اهمیت حمایت اجتماعی ادراک‌شده از سوی والدین بر میزان لذت از مشارکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر، ترغیب دانش‌آموزان دختر به انجام فعالیت‌های بدنی توسط والدین، مشارکت والدین در فعالیت‌های بدنی در کنار دختران خود، تسهیل حضور دختران در فعالیت‌های بدنی درون و خارج از مدرسه توسط والدین و برگزاری مسابقات ورزشی برای دانش‌آموزان در مدارس با حضور والدین پیشنهاد می‌شوند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که شایستگی ادراک‌شده بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر آزادشهر اثری مثبت و معنادار دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های داروغه‌عارفی و همکاران (۱۳۹۵)، کایرنی و همکاران (۲۰۱۲)، برازندل (۲۰۱۳) و شن و همکاران (۲۰۱۶) هم‌خوانی دارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیان می‌کند که هرچقدر شایستگی ادراک‌شده دختران از خود بیشتر باشد، میزان لذت آنان از مشارکت در فعالیت‌های بدنی مدارس نیز بیشتر خواهد بود. شایستگی نیازی روان‌شناختی است که برای پیگیری و تسلط بر چالش‌های بهینه، انرژی و انگیزش لازم را فراهم می‌کند. همچنین، شایستگی نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط تعریف شده است که بیانگر دنبال کردن چالش‌های بهینه و تسلط بر آن‌ها با استفاده از استعدادها و مهارت‌های خود است. از سوی دیگر، دستیابی به مهارت، نیاز به شایستگی را در یادگیرندگان تأمین می‌کند و یادگیرندگانی که با موفقیت از چالش‌ها گذر می‌کنند، به شایستگی ادراک‌شده می‌رسند. هنگامی که پرداختن به فعالیتی نیاز روان‌شناختی (نیاز شایستگی) فرد را تأمین می‌کند، فرد احساس رضایت و خشنودی دارد. این موضوع موجب برانگیخته شدن فرد به تکرار یا ادامه آن کار می‌شود. این انرژی روانی یا همان انگیزش، نیروی محرکه انجام فعالیت‌ها است که ناشی از تأمین نیازهای روان‌شناختی است؛ بنابراین، انتظار می‌رود فردی که در ورزش خود به شایستگی ادراک‌شده دست می‌یابد، انگیزش لازم را برای انجام آن کار دارد و برعکس، اگر فرد در آن حوزه به ادراک شایستگی نرسیده باشد، انگیزه لازم را برای انجام آن فعالیت ندارد. همچنین، شایستگی ادراک‌شده بیانگر ارزیابی فرد از میزان توانمندی‌های خود است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند ورزشکارانی که ارزیابی مثبتی از خود دارند، برای ادامه فعالیت‌های بدنی و ورزشی خود تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین، ادراک شایستگی موجب افزایش لذت، نشاط و رضایت فرد از انجام فعالیت‌های بدنی می‌شود. جاکولا

و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی در این زمینه دریافتند که ادراک شایستگی بر رفتارهای فعالیت بدنی دانش‌آموزان مورد مطالعه، در سال‌های بعد اثرگذار بوده است؛ بدین معنی که دانش‌آموزان با شایستگی ادراک‌شده بالا در سال‌های بعد نیز بیشتر در فعالیتهای بدنی شرکت کردند. شن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی حمایت اجتماعی والدین و شایستگی ادراک‌شده در میزان لذت از فعالیتهای بدنی دانش‌آموزان دختر پرداختند. نتایج نشان داد که ادراک شایستگی دانش‌آموزان از خود نیز اثری مثبت و معنادار بر میزان لذت از شرکت در فعالیتهای بدنی دارد. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ادراک دانش‌آموزان از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود، به صورت مثبت می‌تواند نقش مهمی را در رفتارهای آن‌ها از جمله مشارکت در فعالیتهای بدنی و کسب لذت ایفا کند؛ بنابراین، آگاه‌کردن دختران دانش‌آموز از توانمندی‌های جسمانی و مهارتی خود، توجه به قابلیت‌های ورزشی دانش‌آموزان دختر توسط معلمان تربیت‌بدنی و تقویت و بهبود برنامه‌های ورزشی مدارس با هدف حضور بیشتر دانش‌آموزان دختر در فعالیتهای بدنی ساختاریافته برای توسعه مهارت‌های جسمانی آنان پیشنهاد می‌شوند.

بخش دیگری از نتایج پژوهش نشان داد که جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیتهای بدنی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر آزادشهر اثری مثبت و معنادار دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۱۷) و باد و همکاران (۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان بخش مهمی از زمان زندگی خود را در مدارس سپری می‌کنند، مدرسه و جو آن یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌دهی رفتارهای آنان است. عوامل بسیاری در مدرسه وجود دارند که به شکل‌گیری جو آن کمک می‌کنند که از آن جمله می‌توان به معلمان و کارکنان و رفتارهای آنان، فرهنگ و سیاست‌های مدرسه، کیفیت تعاملات بین معلمان و دانش‌آموزان، امکانات و شیوه‌های تدریس اشاره کرد. مدارس، علاوه بر داشتن مسئولیت در ارتقای مهارت‌های علمی دانش‌آموزان، فرصت‌هایی را نیز برای توسعه مهارت‌های ارتباطی، عاطفی و رفتاری فراهم می‌کنند. همچنین، مدارس و جو آن‌ها می‌توانند نقش مهمی در ارتقای وضعیت سلامتی دانش‌آموزان ایفا کنند؛ زیرا، بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای مرتبط با سلامتی دانش‌آموزان، در طی این سال‌ها در این جو و فضا شکل می‌گیرند. گراتسن و وات (۲۰۱۶) در این باره بیان می‌کنند که جو مدارس عاملی مهم در شکل‌گیری رفتارهای فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان است و ادراک مثبت دانش‌آموزان از این فضا بر تلاش آنان در فعالیتهای بدنی، تمایل به فعال‌بودن، میزان فعالیتهای بدنی در مدرسه و خارج از آن و کسب لذت و نشاط اثری مثبت دارد که این تأثیرات در دانش‌آموزان دختر بیشتر مشاهده می‌شوند. از آنجایی که عوامل بسیاری در شکل‌گیری جو مدرسه اثرگذار هستند، میزان تأثیر هر یک از این موارد بر فعالیتهای بدنی دانش‌آموزان و پیامدهای آنان متفاوت است. جانسون و همکاران (۲۰۱۷) معتقد

هستند که از بین عوامل شکل‌دهندهٔ جو مدارس، معلمان تربیت‌بدنی نقش بسیار مهمی دارند و رفتارهای این معلمان از قبیل دانستن نام دانش‌آموزان، تعامل با دانش‌آموزان، اجتناب از کنار گذاشتن دانش‌آموزان از فعالیت‌های بدنی، تنوع در انجام فعالیت‌های بدنی، تلاش برای مشارکت دادن تمامی دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی و تشویق و ترغیب دانش‌آموزان می‌توانند میزان لذت آن‌ها را از انجام فعالیت‌های بدنی افزایش دهند. همچنین، سایر عوامل نیز مانند نگرش مثبت مدیران مدارس به فعالیت‌های بدنی، کیفیت امکانات و تجهیزات ورزشی، مدت زمان درس تربیت‌بدنی، توجه به فعالیت‌های فوق‌برنامهٔ ورزشی، مشارکت هم‌کلاسی‌ها در فعالیت‌های بدنی و آموزش و یادگیری مهارت‌های حرکتی در فعالیت‌های بدنی می‌توانند بر میزان لذت از مشارکت در فعالیت‌های بدنی اثرگذار باشند. با توجه به اینکه میزان فعالیت‌های بدنی در دانش‌آموزان دختر کم‌تر از دانش‌آموزان پسر در مدارس است (جاکولا و همکاران، ۲۰۱۶)، ایجاد جوی مثبت در مدارس دخترانه می‌تواند بر میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های بدنی و کسب لذت بیشتر اثرگذار باشد؛ بنابراین، آگاه کردن مدیران مدارس از اهمیت فعالیت‌های بدنی برای دانش‌آموزان دختر، ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر، توجه بیشتر به درس تربیت‌بدنی، افزایش امکانات ورزشی مدارس و تدوین برنامه‌های ورزشی آموزشی و رقابتی برای دانش‌آموزان دختر پیشنهاد می‌شوند.

در نهایت، از این پژوهش و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که دو دسته عوامل فردی و محیطی بر میزان لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر اثرگذارند. در این پژوهش، نقش حمایت اجتماعی والدین، جو مدارس و شایستگی ادراک‌شده در لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر متوسطه بررسی شد؛ اما سایر عوامل از جمله انگیزهٔ دانش‌آموزان، سطح مهارت‌های حرکتی و ورزشی دانش‌آموزان، نوع فعالیت‌های بدنی (فردی یا گروهی) و هدفمند بودن برنامه‌های تربیت‌بدنی در مدارس نیز می‌توانند بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه اثرگذار باشند که می‌توان آن‌ها را جزو محدودیت‌های پژوهش در نظر گرفت.

## منابع

1. Adachi, P., & Willoughbys, T. (2014). It's not how much you play, but how much you enjoy the game: The longitudinal associations between adolescents' self-esteem and the frequency versus enjoyment of involvement in sports. *Journal of Youth and Adolescence*, 43, 137-145.
2. Ahmadi, N., Soltani, S., & Abdoli, B. (2016). Relationship between physical self-efficacy and goal orientation with physical activity enjoyment in adolescent girls and boys. *Sport Psychology Journal*, 8(2), 117-126.

3. Anderson, C. J. K., Klassen, R. M. & Georgiou, G. K. (2007). Inclusion in Australia: What Teachers Say They Need and What School Psychologists Can Offer. *School Psychology International* 28(2), 131-147.
4. Baker, B. L., & Davison, K. K. (2011). I know I can: A longitudinal examination of precursors and outcomes of perceived athletic competence among adolescent girls. *Journal of Physical Activity and Health*, 6(3), 192-199.
5. Brazendale, K. (2013). An empirical study of children's enjoyment and perceived competence in physical education and its effect on their physical education participation outside of school. (Doctoral Dissertation). Florida Atlantic University, Florida.
6. Budd, E. L., McQueen, A., Eyler, A. A., Haire-Joshu, D., Auslander, W. F., & Brownson, R. C. (2018). The role of physical activity enjoyment in the pathways from the social and physical environments to physical activity of early adolescent girls. *Preventive Medicine*, 111, 6-13
7. Cairney, J., Kwan, M. Y. W., Veldhuizen, S., Hay, J., Steven, R. B., & Faught, B. (2012). Gender, perceived competence and the enjoyment of physical education in children: A longitudinal examination. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 9, 1-8.
8. Chen, S., & Chen A. (2012). Youth physical activity behavior and energy-balance knowledge: An expectancy-value perspective. *Journal of Teaching Physical Education*, 31, 329-343.
9. Cheng, L. A., Mendonca, G., & Farias Junior J. C. (2014). Physical activity in adolescents: Analysis of the social influence of parents and friends. *Journal of Pediatrics*, 90, 35-41.
10. Coulter, M., & Woods, C. B. (2011). An exploration of children's perceptions and enjoyment of school-based physical activity and physical education. *Journal of Physical Activity and Health*, 8(5), 645-654.
11. Daroge Arefi, N., Bahrololom, H., & Hoesininia, S. R. (2015). Relationship between parental involvement with perceived competence and sport enjoyment of martial teenage boys. *Sport Management and Motor Behavior Research*, 23, 163-175. (Persian).
12. Davison, K. K., Cutting, T. M., & Birch, L. L. (2003). Parents' activity-related parenting practices predict girls' physical activity. *Medicine Science of Sports Exercise*, 35, 1589-1595.
13. Dismore, H., & Bailey, R. (2011). Fun and enjoyment in physical education: Young people's attitudes. *Research Papers in Education*, 26(4), 499-516.
14. Dudley, D. A., Okely, A. D., Pearson, P. H., & Cotton, W. (2011). A systematic review of the effectiveness of physical education and school sport interventions targeting physical activity, movement skills and enjoyment of physical activity. *European Physical Education Review*, 17(3), 353-378.
15. Duncan, S. C., Duncan, T. E., & Strycker, L. A. (2005). Sources and types of social support in youth physical activity. *Health Psychology*, 24(1), 3-10.
16. Edwardson, C. L., & Gorely, T. (2010). Parental influences on different types and intensities of physical activity in youth: a systematic review. *Psychology of Sport and Exercise*, 11, 522-535.



17. Grasten, A., & Watt, A. (2016). Perceptions of motivational climate, goal orientations, and light- to vigorous-intensity physical activity engagement of a sample of Finnish grade 5 to 9 students. *International Journal of Exercise Science*, 9, 291-305.
18. Hoare, E., Stavreski, B., Jennings, G. L., & Kingwell, B. A. (2017). Exploring motivation and barriers to physical activity among active and inactive Australian adults. *Sports*, 5(3), 47-54.
19. Hobin, E., Leatherdale, S., Manske, S., Dubin, J., Elliott, S., & Veugelers, P. (2012). A multilevel examination of factors of the school environment and time spent in moderate to vigorous physical activity among a sample of secondary school students in grades 9–12 in Ontario, Canada. *International Journal of Public Health*, 57, 699-709.
20. Jaakkola, T., Yli-Piipari, S., Watt, A., & Liukkonen, J. (2016). Perceived physical competence towards physical activity, and autonomous motivation and enjoyment in physical education as longitudinal predictors of adolescents' self – reported physical activity. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 19(9), 750-754.
21. Jin, J., & Yun, J. (2013). Three frameworks to predict physical activity behavior in middle school inclusive physical education: a multilevel analysis. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 30, 254-270.
22. Johnson, C. E., Erwin, H. E., Kipp, L., & Beighle, A. (2017). Student perceived motivational climate, enjoyment, and physical activity in middle school physical education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 36, 398-408.
23. Kelly, E. B., Parra-Medina, D., Dowda, M., & Conway, T. L. (2010). Correlates of physical activity in black, Hispanic, and white middle school girls. *Journal of Physical Activity and Health*, 7, 184-193.
24. Krause, T. (2014). Meeting the needs and interests of today's high school student. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 85(2), 10-13.
25. Lyu, M., & Gill, D. L. (2011). Perceived physical competence, enjoyment, and effort in same-sex and coeducational physical education classes. *Educational Psychology*, 31(2), 247-260.
26. MacNeil, A. J., Prater, D. L., & Busch, S. (2009). The effects of school culture and climate on student achievement. *International Journal of Leadership in Education*, 12(1), 73-84.
27. Maxwell, S., Reynolds, K. J., Lee, E., Subasic, E., & Bromhead, D. (2017). The impact of school climate and school identification on academic achievement: Multilevel modeling with student and teacher Data. *Frontiers in Psychology*, 8, 1-21.
28. Michael, S. L., Coffield, E., Sarah M., Lee, S. M., & Fulton, J. E. (2016). Variety, enjoyment, and physical activity participation among high school students. *Journal of Physical Activity and Health*, 13, 223-230.
29. Molloy, G. J., Dixon, D., Hamer, M., & Sniehotta, F. F. (2010). Social support and regular physical activity: Does planning mediate this link? *British Journal of Health Psychology*, 15, 859-870.
30. Moore, J. B., Yin, Z., Hanes, J., Duda, J., Gutin, B., & Barbeau, P. (2009). Measuring Enjoyment of Physical Activity in Children: Validation of the Physical Activity Enjoyment Scale. *Journal of Applied Sport Psychology*, 21(1), 116-129.

31. Morton, K. L., Atkin, A. J., Corder, K., Suhrcke, M., & Van Sluijs, E. M. F. (2016). The school environment and adolescent physical activity and sedentary behavior: A mixed-studies systematic review. *Obesity Reviews*, 17, 142-158.
32. Petrie, K. (2014). The relationship between school climate and student bullying. *TEACH Journal of Christian Education*, 8(1), 26-35.
33. Raudsepp, L. (2006). The relationship between socio-economic status, parental support and adolescent physical activity. *Acta Paediatrica*, 95, 93-98.
34. Salvy, S. J., Haye, K., Bowker, J. C., & Hermans, R. C. (2012). Influence of peers and friends on children's and adolescents' eating and activity behaviors. *Physiology & Behavior*, 106, 369-378.
35. Scanlan, T. K., Simons, J. P., Carpenter, P. J., Schmidt, G. W., & Keeler, B. (1993). The sport commitment model: Development for the youth-sport domain. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 15(1), 16-38.
36. Seyed Abbaszade, M. M., Amani Saribegloo, J., Khezri Azar, H., & Pashoi, G. (2012). An introduction to structural equation modeling by PLS method and its application in behavioral sciences. Uromia: Uromia University Publication. (Persian)
37. Shen, B., Centeio, E., Garn, A., Martin, J., Kulik, N., Somers, C., & McCaughtry, N. (2016). Parental social support, perceived competence and enjoyment in school physical activity. *Journal of Sport and Health Science*, xx, 1-7.
38. Trost, S. G., & Loprinzi, P. D. (2011). Parental influences on physical activity behavior in children and adolescents: a brief review. *American Journal of Lifestyle Medicine*, 5, 171-181.
39. Xiang, P., McBride, R. E., & Bruene, A. (2004). Forth graders' motivation in an elementary physical education running program. *Elementary School Journal*, 104, 253-266.

#### استناد به مقاله

بای، ناصر، اصفهانی‌نیا، اکرم. (۱۳۹۸). مدل‌یابی اثر حمایت اجتماعی والدین، شایستگی ادراک‌شده و جو مدرسه بر لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی دانش‌آموزان دختر. پژوهش در ورزش‌تربیتی، ۷(۱۶): ۲۶-۳۰۷.  
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5430.1417

Bai, N., Esfehani Nia, A. (2019). Modeling Effect of Parents' Social Support, Perceived Competence and School Climate on Pleasure from Participation in Physical Activity of Female Students. *Research on Educational Sport*, 7(16): 307-26. (Persian).  
Doi: 10.22089/RES.2018.5430.1417



## راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

### پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

## فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

### پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: ..... نام خانوادگی: ..... تحصیلات: .....

تاریخ شروع اشتراک: ..... از شماره: .....

شغل: .....

نشانی پستی: .....

کدپستی: ..... صندوق پستی: ..... نشانی الکترونیکی: ..... تلفن: ..... به پیوست

رسید بانکی شماره: ..... مورخ: .....

به مبلغ ..... ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ



## **Modeling Effect of Parents' Social Support, Perceived Competence and School Climate on Pleasure from Participation in Physical Activity of Female Students**

**N. Bai<sup>1</sup>, A. Esfehni Nia<sup>2</sup>**

1. Department of Physical Education and Sport Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran\*
2. Department of Physical Education and Sport Science, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran.

**Received: 2018/04/30**

**Accepted: 2018/08/14**

---

---

### **Abstract**

The purpose of present research was to modeling effect of parents' social support, perceived competence and school climate on pleasure from participation in physical activity of female students. The research method is descriptive correlational type and population of present study consisted of all female secondary high school students (10, 11 and 12) in the Azadshahr city of Golestan province (N=1086), which according to Cochran formula, 248 students were selected as sample size by simple sampling method. For collecting research data, Duncan et al (2005) parents' social support questionnaire, Xiang et al (2004) perceived competence questionnaire, Anderson et al (2007) school climate questionnaire and Moore et al (2009) pleasure from participation in physical activity questionnaire were used. Validity of the questionnaires was verified by 5 masters of sport management and internal consistency of questionnaires by using Cronbach's alpha was determined respectively 0.89, 0.91, 0.78 and 0.81. Descriptive and inferential statistics methods were used for data analysis. The results of study showed that parents' social support, perceived competence and school climate have a positive and significant effect on the pleasure from participation in physical activity of female students. Considering the positive role of parents' social support, perceived competence and school climate on the pleasure from participation in physical activity of female students: parent participation in physical activity with their daughters, parent support for school sports programs, provide sports programs in schools based on the sporting capabilities of students and creating more opportunities for sports participation of female student recommended.

**Keywords:** Social Support, Competence, School Climate, Pleasure from Participation in Physical Activity.

---

---

## **Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory**

**J. Karimi<sup>1</sup>, H. Abbasi<sup>2</sup>, H. Eydi<sup>3</sup>**

1. Ph.D. Student of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah
2. Assistant professor of sports management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah\*
3. Assistant professor of sports management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah

**Received: 2018/07/21**

**Accepted: 2018/10/16**

---

---

### **Abstract**

This research was conducted with the aim of studying the social consequences of participation in sport, based on the data theory of the foundation. The present study was conducted within the framework of a qualitative approach and the required data were collected using semi-structured interviews. The statistical population of this study was all experts in social participation in sport, including sports management professors (6 students), sociology (6 people) and experts in sports and youth departments (5 people). The sampling method was snowball mode. The data collection method was a study of previous research and a deep and open interview. To assess credibility, transfer, and verifiability, they provided the participants with the findings of the research, and they examined the text of the theory and their views. The method used for reliability was an intra-subject agreement method. The average agreement within the subject was 0.75. The software used by MAXQDA version 10. Based on the findings of semi-structured interviews, the most important outcomes of social participation in sport include social cohesion, social trust, health dimension, educational and ethical dimension, vitality, social relationships, social identity and social harm reduction. Proposed strategies derived from research include the provision of infrastructure, the placement of sports in general culture, and the rules for sports participation.

**Keywords:** Social, Outcome, Grounded Theory, Participation, Sport

---

---

---

\* Corresponding Author

Email: habbasi003@gmail.com

## **Investigating Educational Services Quality in Faculties of Sport Sciences via Quality Function Deployment (QFD) (Case Study of Faculty of Sport Sciences at University of Guilan)**

**M. A. Hematinezhad<sup>1</sup>, S. Shabani<sup>2</sup>, R. Faraji<sup>3</sup>**

1. Professor of sport management, University of Guilan
2. PhD student of sport management, University of Guilan
3. Assistant Professor of Sport Management, Azerbaijan Shahid Madani University\*

**Received: 2018/05/12**

**Accepted: 2018/09/12**

---

### **Abstract**

The present study aimed at analyzing the gap of the quality educational services provided for postgraduate sport sciences students, based on the SERVQUAL-KANO model and executing Quality Function Deployment (QFD) in Faculty of Sport Sciences at University of Guilan. The study is applied in terms of its purpose, and quantitative and quantitative research methods were used to collect data and achieve the goals. The statistical population consisted of all postgraduate students of sport sciences at University of Guilan. The research measurement instruments were SERVQUAL and KANO questionnaires employed to assess the quality of educational services as well as identify and categorize students' needs for the quantitative section. In addition, semi-structured interviews were conducted for the qualitative section of the study. Face and content validity of the questionnaires was confirmed by experts. Moreover, their reliability was measured via a pilot study and using Cronbach's alpha coefficient ( $\alpha=0.91$ ,  $\alpha=0.92$  and  $\alpha=0.85$ ) respectively for perceptions and exceptions of the SERVQUAL, and KANO questionnaires). The results showed that, there are negative quality gaps in all dimensions of the quality of educational services ( $P<0.05$ ). The widest gap was observed in objective elements (mean difference= -2.16). Finally, 15 basic needs were identified and imported into the house of quality matrix of QFD as voice of the customer, and 20 specifications were extracted for improvement. It can concluded that providing more educational spaces, preparation of updated educational and laboratory equipment, improvements in the communication and information methods of faculties, justification of faculty staff to better respond to students, and accurate performance of educational services in a timely manner are among the important measures for improving the quality of educational services in the faculties.

**Keywords:** Faculty of Sport Sciences, Quality of Educational Services, Quality Function Deployment (QFD), SERVQUAL.

---

---

\* Corresponding Author

Email: faraji@azaruniv.ac.ir



## **The Effect of Sports Participation on Social Capital by Mediating the Role of Media and the Interactive Ability of Individuals**

**F. Molaifard Pilehrood<sup>1</sup>, M. H. Sayyed Ameri<sup>2</sup>,  
R. Ramezani Nejad<sup>3</sup>**

1. Ph.D. Student of Sport Management Pardis University of Urmia, University of Urmia, Urmia, Iran
2. Professor of Sport Management , University of Urmia \*
3. Professor of Sport Management, University of Guilan

**Received: 2018/06/30**

**Accepted: 2018/10/16**

---

---

### **Abstract**

The aim of the present study was to analyze the effect of sports participation on social capital based on the mediating role of media and interactive ability of individuals. The research method was descriptive-correlational. The population of the study consisted of citizens of Guilan province with athletic activities and a sample of 384 people was estimated by the Morgan table for more than 10,000 people. The research tools included sport participation questionnaire, participate in sports cyberspace questionnaire, interactive capability questionnaire, and social capital questionnaire, each containing 4 dimensions and 16 questions. To assess the content validity of 12 specialists (6 expert sport and sport management expert 6) was used. To analyze the data was used the Structural equation modeling in pls software. The results showed that sport participation had a direct and significant effect on media participation, interactivity and social capital. Meanwhile, Sobel test in the analysis of mediator relations showed that the indirect effect of sports participation on social capital from both the medium of media participation and the interactive capability is more than its direct effect. Therefore, it can be argued that although sports participation directly increases social capital, interventions such as training interactions and media participation increase its impact.

**Keywords:** Sports Participation, Sport for All, Citizenship Sports, Social Media, Interactive Power.

---

---

---

\* Corresponding Author

Email:Ha\_ameri2003@yahoo.com

## **Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach)**

**M. S. Afroozeh<sup>1</sup>, H. Zarean<sup>2</sup>, B. Kazemi Korani<sup>3</sup>**

1. Assistant Professor of Sport Management, Jahrom University\*
2. Assistant Professor of Sport Management, Sport Sciences Research Institute
3. M.Sc Student of Jahrom University

**Received: 2018/06/10**

**Accepted: 2018/09/12**

---

### **Abstract**

In the last two decades, attention has been paid to the phenomenon of violence against children in sport, which has so far been neglected in Iranian sport. Therefore, the purpose of this study was to identification and analysis the dimensions of violence against children in the field of sport. Considering the qualitative and exploratory nature of the violence against children in sport, the method of qualitative research was applied to the grounded theory and Glaser method (1992). The preliminary list was provided using preliminary studies. Subsequently, semi-structured interviews with appropriate intercoder reliability were gathered with 16 of the elite, coaches and experts aware of the subject of the research. For the validity of the interviews from multiple sources and analyzes, and maximum data with recorded were used. The data were then analyzed by three-step, open, axial, and selective coding .Open coding results led to identifying 98 cods in two dimensions and substrates. In the area of violence against the child 7 concepts and finally, in the selective coding, three components of verbal, physical and psychological violence were identified. In the context of the basics, 9 concepts consist Unawareness, taboo, subculture, family structure, club structure, personality characteristics of the club factors, personal desires, social learning and child position were classified and in the selective coding of the three contextual, structural and behavioral components were identified. It seems that the factors contributing to the phenomenon of violence against children in Iran's sport include the four elements of the self, structure of family, society and structure of club, and the deficiency in each element can pave the way for violence against the child. It is suggested that rules and regulations be formulated in a transparent and rigorous manner, and in this regard, media and non-governmental organizations will also be empowered to support the legal education of families, clubs and children.

**Keywords:** Verbal Violence, Physical Violence, Sports, Children

---

---

\* Corresponding Author

Email: [sadegh.afroozeh@jahromu.ac.ir](mailto:sadegh.afroozeh@jahromu.ac.ir)

## **The Impact between the Perceived Quality of Television Broadcasting and the Dependence of Viewers on the Television on the Intention to Attend the Football Stadium**

**M. Freydoni<sup>1</sup>, M. Kalateh Seifari<sup>2</sup>**

1. Ph.D of Sport Management, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. Associate Professor of Sport Management, University of Mazandaran, Babolsar, Iran \*

**Received: 2017/12/15**

**Accepted: 2018/04/30**

---

### **Abstract**

The purpose of this research was investigating the impact between the perceived quality of television broadcasting and the dependence of viewers on the television on the intention to attend the football stadium. This research is a correlation type based on structural equation modeling that was done by field method. The statistical population was sport sciences male students of selected universities in Tehran and Alborz provinces, who watched television play of Esteghlal of Tehran- Tractor Sazi of Tabriz from the Premier League series held at Azadi Stadium. In order to determine the number of sample size in the structural equation modeling, with the consideration of 5 to 15 questionnaires for each variable, the researcher collected 225 correct questionnaires. The research tool was based on theoretical studies and recent research in the form of a questionnaire of 15 questions was designed. For visual and content validity, a questionnaire was designed for the ten sport marketing experts and sports management professors and the final version was corrected by correcting and removing defects and ambiguities. The initial reliability of the research instrument was determined by a pilot study and the structural validity of the instrument confirmed by the output of the statistical software. The results showed that the effect of perceived quality of watching live broadcast play and television dependency is effective on the decision to attend the audience in the stadium. The Organizers of sporting events should pay attention to the factors that increase the perceived quality of television broadcasting to TV viewers.

**Key words:** Live Football Broadcast Play, Dependency Audiences, Intention to Attend the Stadium, The Students

---

---

\* Corresponding Author

Email: mkalateh@umz.ac.ir

**Relational Model of Organizational Culture with Sport  
Ethics of Elite Athletes in Iran  
(Case Study: Iran Football League)**

**A. R. Hajipour<sup>1</sup>, M. Hamidi<sup>2</sup>, S. N. Sajjadi<sup>3</sup>, M. khabiri<sup>4</sup>**

1. Ph.D. student of sport planning & management, university of Tehran \*
- 2, 4. Associate professor of sport management department university of Tehran
3. Professor of sports management department university of Tehran

**Received: 2017/07/03**

**Accepted: 2017/08/30**

---

---

**Abstract**

The purpose of the present study was to set a relational model of organizational culture with sports ethics of elite athletes in Iran. In terms of its objective, the research was applied, using correlation method. The statistical population of the research consisted of all the football players of the Azadegan League in the season, 2016-2017. The statistical sample consisted of 223 players who were selected randomly. To collect data, the researcher used a questionnaire of sports ethics and organizational culture. Its validity was obtained by ten Professors and its reliability by Cronbach's alpha, being 0/88 and 0/94 respectively. To analyze the data, the structural equation method was used to study the causal relationships between the observed variables. Findings show that there is a positive and significant relationship between organizational culture and sports ethics. The results of the confirmatory path analysis test indicated the fitting of relationship between organizational culture and sports ethics. All factor loadings between components and agents were at a reasonable level and the model had a proper fitting which finally confirmed the conceptual model of the research. Therefore, on the basis of these findings, sport ethics is mostly influenced by perceiving value and direct impression of players from interactions in football. Thus, the authorities should identify the codes of sports ethics in football, the type of organizational culture as well as the motivating factors of the players in order to strengthen them in being responsible.

**Keywords:** Sports Ethics, Organizational Culture, Elite Athletes, Football League.

---

---

---

\* Corresponding Athour

Email: Ahajipour\_55@yahoo.com

## **The Impact of Knowledge Management on the Effectiveness of the Ministry of Youth and Sports with Emphasis on the Role of Mediator Organizational Wisdom**

**A. saberi<sup>1</sup>, S. Goodarzi<sup>2</sup>**

1. Professor assistant of sport management, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran \*
2. PHD student of sport management, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

**Received: 2018/06/08**

**Accepted: 2018/08/20**

---

### **Abstract**

Today, effectiveness is the most important goal of organizations and knowledge is the most critical source of organizational competition. Hence, the aim of this study was to examine the impact of knowledge management on the effectiveness of the Ministry of Youth and Sports, with emphasis on the role of mediator organizational wisdom. The research method was descriptive-correlational, and was conducted using the structural equation method. The statistical population of the study consisted of all employees of the Ministry of Sports and Youth, which included 400 people and the sample size was determined using the Cochran formula, such that finally, after the distribution and collection of data, 192 questionnaires were used for analysis. The data gathering tool was a standardized organizational wisdom, organizational effectiveness and knowledge management questionnaires whose validity was confirmed by a survey of sports management professors and its reliability in a preliminary study through Cronbach's alpha was 0.86, 0.89 and 0.78, respectively. Data analysis was conducted at the level of inferential statistics using structural equations. The findings showed that knowledge management had a direct impact on organizational effectiveness, and knowledge management through organizational wisdom had an indirect effect on organizational effectiveness. The results suggest to managers of sports organizations that they should take advantage of organizational wisdom as a variable affecting knowledge management, which ultimately results to organizational effectiveness.

**Keywords:** Knowledge Management, Organizational Wisdom, Organizational Effectiveness, Ministry of Youth and Sports.

---

---

\* Corresponding Author

Email: Ali\_saberi1364@ut.ac.ir

## **The Role of Consumer's Knowledge and Ethical Concern on Their Behavioral Intention to Purchase Sport Counterfeit Apparel**

**A. Mahmoudian<sup>1</sup>, B. Izadi<sup>2</sup>, V. Delshab<sup>3</sup>, S. Gharibi<sup>4</sup>**

1. MA of Marketing Management in Sport, Faculty of Humanities and Social Sciences, university of Kurdistan\*
2. Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, university of Kurdistan
- 3, 4. MA of Marketing Management in Sport, Faculty of Humanities and Social Sciences, university of Kurdistan

**Received: 2018/06/01**

**Accepted: 2018/08/05**

---

---

### **Abstract**

One of the most warning global processes which boosting is manufacturing, distributing and consuming of counterfeit products. Thus aiming of present study was to investigate the effect of consumer's knowledge and ethical concern on their behavioral intention to purchase sport counterfeit Apparel. It was descriptive- correlative type. Statistical population of study was all of the students in Kurdistan University which based on their number (10000), for statistical sample 373 individual was randomly selected using Krejcie and Morgan (1970) table. In order to measure study variables, questionnaires of ethical concern, knowledge, attitude, and behavioral intention adapted from Marcketti and Shelley (2009) was used. Validity and accuracy of questionnaires was confirmed by experts and specialists and their reliability was confirmed by Cronbach's alpha test. To analyses research data structural equation model (SEM) was utilized. Results showed that among consumers, there is an effect of ethical concern on attitude (0.41), knowledge on attitude (0.74), and attitude on behavioral intention (0.62). Also the presented model indicated an adequate fitness. By designing brochures, programs, film and document aiming to enhance consumer's ethical concern and knowledge and awareness, through declaring effects and injuries of purchasing and consuming sport counterfeit clothes, one can enhance consumer's negative attitude toward these products to decrease their purchase and consumption.

**Keyword:** Ethical concern, Knowledge, Attitude, Sport counterfeit Apparel, Behavioral intention.

---

---

---

\* Corresponding Author

Email: a.mahmoudian@hum.uok.ac.ir

## **Presenting a Model to Establish Safety in Sporting Environments (Using Grounded Theory)**

**E. Hosseinpour<sup>1</sup>, Gh. Bagheri<sup>2</sup>, E. Alidoust Ghahfarokhi<sup>3</sup>,  
M. Amiri<sup>4</sup>, M. Jalali Farahani<sup>3</sup>**

1. Ph.D of Sport Management, Colleg of Farabi- Trhran University \*
2. Assistant Professor of Sport Management, Colleg of Farabi- Trhran University
3. Associate Professor of Sport Management, Tehran University
4. Associate Professor of governmental management, Tehran University

**Received: 2017/02/22**

**Accepted: 2017/07/20**

---

---

### **Abstract**

Today, creating a safe environment for sporting activities is an important and vital issue. The present qualitative study with the aim of designing a safety model in sports was conducted using Glaserian Grounded theory which is a data-based theory. To this end, on the basis of snowball technique, 25 experts in safety and sport management participated in this study. They participated in an unstructured in-depth interview. Data obtained from the interview were analyzed by using a set of open, theoretical, selected, note taking and classifying codes simultaneously. Results showed that professional and committed management could be regarded as the main factor and safety culture, Specialized competence, legal and ethical requirements (responsibility, abiding by ethics and law), safety instructions, complying with health requirements, positive environmental approach, physical, mental and individual equipments, ergonomics, sporting sites and buildings, and standard sporting facilities, medical actions and emergency services are other important factors needed to be taken into consideration. Information technology (IT) and communication are also two other factors worth mentioning in safe sporting. According to sporting safety model, it is recommended that we consider the role of different factors in safe sporting activities in order to prevent injuries. It is also suggested that we should take reasonable actions to improve safety in sports. By paying enough attention to essentials and factors which promote the safety in sporting activities, we can achieve safety in sporting, hence preventing the sporting injuries.

**Keywords:** Safety, Sports, Sporting Environments, Glaserian Approach, Grounded Theory

---

---

---

\* Corresponding Author

Email: E.hossinpur@ut.ac.ir

## **Structural Model of Identity Styles, Identity Commitment and Adherence to Prayer among Young Athletes**

**A. Dana<sup>1</sup>, S. Rafiee<sup>2</sup>, E. Gozalzadeh<sup>3</sup>, M. Shamsy<sup>4</sup>**

1. Department of Physical Education, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran\*

2. Assistant Professor of Sport Science Research Institute of Iran (SSRI), Tehran, Iran

3. Department of Physical Education, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran

4. Master of General Psychology, Gorgan, Iran

**Received: 2017/05/27**

**Accepted: 2017/09/21**

---

### **Abstract**

The purpose of this study was to determine the structural relationships of identity styles, identity commitment and adherence to prayer among young athletes. To this end, 377 young athletes were selected using a simple random cluster sampling method from the Gorgan city's club athletes and completed personal information form, identity style inventory and adherence to prayer questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equation modeling at 95 percent confidence level. Pearson correlation coefficients showed that information and normative identity styles had positive relationships and diffuse/avoidant identity style had negative relationships with identity commitment and adherence to prayer. Structural equation modeling indicated that information and normative identity styles impacted directly and positively on identity commitment and adherence to prayer, whereas diffuse/avoidant identity style impacted negatively. Overall, identity styles were able to explain 41% of variance in identity commitment and also identity styles and identity commitment explained a total of 58% of variance in adherence to prayer. Based on the total direct and indirect effects, normative, diffuse/avoidant and information identity styles had the greatest effect on adherence to prayer in the sample. On the basis of findings, normalization and promotion of religious beliefs through important individuals in athletes' social network can increase their adherence to prayer.

**Keywords:** Identity Style, Identity Commitment, Adherence to Prayer, Youth Athletes.

---

---

\* Corresponding Author

Email: amirdana@iaut.ac.ir



## **Content Analysis of Physical Education and Student Sport Researches in Iran**

**H. Ghasemi<sup>1</sup>, M. Asgarshamsi<sup>2</sup>**

1. Associate Professor of the Postgraduate center of Payame Noor University (PNU)
2. PhD student of the sport management Postgraduate Center of Payame Noor University, (Author), physical education teacher and instructor PNU University in Ramsar Branch\*

**Received: 2018/06/02**

**Accepted: 2018/10/07**

---

### **Abstract**

Purpose of the research was content analysis of physical education and student sport researches in Iran. This was mixed method based on content analysis to evaluate content of the articles. The statistical sample is the whole number and includes articles published in Iran up to the end of 2017, (N= 843papers). The majority of the researches were published in the journal of growth and motor learning in the Tehran University (87 papers). The main topic of researches is in the fields of sport management: Organizational Behavior of Physical education teachers & Students; Psychology: motivation, students' self-esteem; Motor behavior: motor learning and perceptual-motor function; Physiology: science Exercise, Nutrition, Composition; Sport Medicine: rehabilitation and correction of abnormalities. In the 55% of the researches, the semi- experimental method was used; and 97% of them had a practical purpose, & the group of students with 62% of the dominant analysis level. 72% studies were conducted on students. 98.5% of researches used cross-sectional data, 55.5% with the research protocol tool. Longitudinal data were not used. 15% of researches were conducted in the Tehran and 10% nationally. 70.5% were published by three authors. 55% of the researches had, at least, one female author. Research trend has grown substantially since 2011. Therefore, it is expected that these researches, in addition to identification of existing and past problems and limitations, direct a future approach aiming at discovering opportunities and orientation of administrative & headquarter employees toward health, the creation of cultural, educational & moral values in student sport.

**Keywords:** Physical Education and Student Sport, Content Analysis, Physical Education and Student Sport Researches, Iran.

---

---

\* Corresponding Author

Email: asgarshams.m@gmail.com

## **Explaining the Factors Affecting the Success of the Intramural Sports Olympiad**

**V. Saatchian<sup>1</sup>, M. Keshtidar<sup>2</sup>, M. Ranaei<sup>3</sup>, B. Azizi<sup>4</sup>**

1. Assistant Professor in Sport Management, Imam Reza International University, Mashhad, Iran
2. Associate Professor in Sport Management, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran \*
3. MS in Sport Management & physical educator in city of mane & samalghan.
4. PhD student of sport management Ferdowsi University of Mashhad

**Received: 2017/07/03**

**Accepted: 2017/08/30**

---

### **Abstract**

The purpose of this study was to explain the factors affecting the success of the intramural sports Olympiad from the viewpoint of the teachers of physical education, students and Parents. The research method was descriptive survey and The statistical population consisted of all the teachers of physical education in North Khorasan, school principals and parents of students in Maneh and Samalghan (535 people). Based on the relative proportions of teachers and principals among 150 teachers and teachers, 150 were selected by sample teachers, 50 students were selected for students and 50 were selected as the final sample. Using factor analysis, six factors of cultural resources, financial resources, human resources, material resources and facilities, management resources and technology resources were identified as factors affecting the success of the sport Olympiad in the school and the importance of the factors from the viewpoint of the subjects was examined. Accordingly, the highest average among the components is related to the component of "cultural resources" and the lowest average is related to the component of "technology resources". Finally, according to the results, it is suggested that a special attention be paid to the cultural source for better planning of the sporting Olympiad in order to increase the various aspects of the health of the students to improve the useful social relations along with the spirit they are refreshed.

**Keywords:** Intramural Sports Olympiad, Student Sport, Sporting Events, Success.

---

---

\* Corresponding Author

Email: keshtidar@um.ac.ir

## **Designing the Subjective Well-being Pattern of Athletes Participating in Educational Sport**

**M. H. Mottaghi Shahri<sup>1</sup>, F. Ghafouri<sup>2</sup>, H. Honari<sup>3</sup>,  
J. Shahlaee Bagheri<sup>3</sup>**

1. PhD Student of Sport Management, Faculty of Physical Education, Allameh Tabataba'i university
2. Associate Professor, Faculty of Physical Education, Allameh Tabataba'i university\*
3. Associate Professor, Faculty of Physical Education, Allameh Tabataba'i university

**Received: 2018/01/20**

**Accepted: 2018/07/23**

---

---

### **Abstract**

The purpose of this study was to design a Subjective well-being pattern for athletes participating in educational sport. In this research, exploratory blended research Plans were also used. The statistical population of the study consisted of all athletes participating in sport education in schools and universities in Mashhad. In the qualitative part of the research, the participants included 14 specialists. In this research, interviews and a questionnaire were used for collecting information. In the first part of the study, a semi-structured interview was used and in the second part, the data from the qualitative research were prepared in the form of a tool (questionnaire). In order to analyze the research data, Structural Equation Method was used using PLS software. The results of the research revealed that the components of the welfare of growth (development), political welfare, physical well-being, social well-being, work welfare (job), psychological well-being, spiritual well-being (meaning) and emotional well-being (positive and negative affection) are the most important indicators of Subjective well-being of athletes participating in exercise education. With regard to the results of this study, it has been shown that educational exercise plays an important role in improving the Subjective well-being of individuals, especially in the well-being of growth. Therefore, planning to improve the level of participation of people in exercise education is well understood to improve Subjective well-being.

**Keywords:** Subjective Well-Being, Sports Participation, Educational Sport

---

---

---

\* Corresponding Author

Email: Farzad Ghafouri@yahoo.com



## Table of Contents

• <b>Designing the Subjective Well-being Pattern of Athletes Participating in Educational Sport</b> .....	7
M. H. Mottaghi Shahri, F. Ghafouri, H. Honari, J. Shahlaee Bagheri	
• <b>Explaining the Factors Affecting the Success of the Intramural Sports</b> .....	8
V. Saatchian, M. Keshtidar, M. Ranaei, B. Azizi	
• <b>Content Analysis of Physical Education and Student Sport Researches in Iran</b> .....	9
H. Ghasemi, M. Asgarshamsi	
• <b>Structural Model of Identity Styles, Identity Commitment and Adherence to Prayer among Young Athletes</b> .....	10
A. Dana, S. Rafiee, E. Gozalzadeh, M. Shamsy	
• <b>Presenting a Model to Establish Safety in Sporting Environments (Using Grounded Theory)</b> .....	11
E. Hosseinpour, Gh. Bagheri, E. Alidoust Ghahfarokhi, M. Amiri, M. Jalali Farahani	
• <b>The Role of Consumer's Knowledge and Ethical Concern on Their Behavioral Intention to Purchase Sport Counterfeit Apparel</b> .....	12
A. Mahmoudian, B. Izadi, V. Delshab, S. Gharibi	
• <b>The Impact of Knowledge Management on the Effectiveness of the Ministry of Youth and Sports with Emphasis on the Role of Mediator Organizational Wisdom</b> .....	13
A. saberi, S. Goodarzi	
• <b>Relational Model of Organizational Culture with Sport Ethics of Elite Athletes in Iran(Case Study: Iran Football League)</b> .....	14
A. R. Hajipour, M. Hamidi, S. N. Sajjadi, M. khabiri	
• <b>The Impact between the Perceived Quality of Television Broadcasting and the Dependence of Viewers on the Television on the Intention to Attend the Football Stadium</b> .....	15
M. Freydoni, M. Kalateh Seifari	
• <b>Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach)</b> .....	16
M. S. Afroozeh, H. Zarean, B. Kazemi Korani	
• <b>The Effect of Sports Participation on Social Capital by Mediating the Role of Media and the Interactive Ability of Individuals</b> .....	17
F. Molaifard Pilehrood, M. H. Sayyed Ameri, R. Ramezani Nejad	
• <b>Investigating Educational Services Quality in Faculties of Sport Sciences via Quality Function Deployment (QFD) (Case Study of Faculty of Sport Sciences at University of Guilan)</b> .....	18
F M. A. Hematinezhad, S. Shabani, R. Faraji	
• <b>Sociological Explanation of Social Consequences of Participation in Sport based on Grounded Theory</b> .....	19
J. Karimi, H. Abbasi, H. Eydi	
• <b>Modeling Effect of Parents' Social Support, Perceived Competence and School Climate on Pleasure from Participation in Physical Activity of Female Students</b> .....	20
N. Bai, A. Esfehiani Nia	



## Scientific Advisors

- Dr. R. Andam** (Associate Professor, Shahrood University of Technology)  
**Dr. B. Arabnarmi** (Assistant Professor, Damghan University)  
**Dr. H. Bagheri** (Assistant Professor, Shahrood University of Technology)  
**Dr. M. Bashiri** (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)  
**Dr. F. Emami** (Assistant Professor, Islamic azad university, Ayatollah amoli branch)  
**Dr. M. Esmaeili** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)  
**Dr. M.R. Esmaeili** (Ph.D Physical Education and Sports Science)  
**Dr. H. Eydi** (Assistant Professor, Razi University)  
**Dr. R. Faraji** (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)  
**Dr. H. Ghasemi** (Associate Professor, Payame Noor University of Tehran)  
**Dr. M.H. Ghorbani** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)  
**Dr. M. Halaji** (Assistant Professor, Farhangian University)  
**Dr. M. Kashtidar** (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad)  
**Dr. E. Khosravi Zadeh** (Associate Professor, University of Arak)  
**Dr. M. Malaei** (Assistant Professor, University of Guilan)  
**Dr. E. Mohamadi Torkamani** (Ph.D. Sport Management)  
**Dr. M.M. Rahmati** (Associate Professor, University of Guilan)  
**Dr. A. Saberi** (Assistant Professor, university of Tehran, College of Farabi)  
**Dr. H. R. Safari Jafarloo** (Assistant Professor, jahrom University)  
**Dr. Z. Taslimi** (Ph.D. Sport Management)  
**Dr. M. Vahdani** (Ph.D. Sport Management)  
**Dr. H. Zareian** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)





## **Research on Educational Sport**

- **Chairman Manager:** Ali Sharif Nejad (Assistant Professor)
- **Editor in Chief:** Reza Andam (Associate Professor)
- **Associate Editor:** Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)
- **Managing Director:** Samira Gholamian
  
- **Editorial Board:**
  - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
  - **Hasan Asadi** (Professor, University of Tehran; Sport Management)
  - **Mohammad Esmaeil Afzalpour** (Professor, University of Birjand; Physiology Sport)
  - **ValiAllah Dabidi Roshan** (Professor, University of Mazandaran; Physiology Sport)
  - **Reza Rajabi** (Professor, University of Tehran; Sport Medicine)
  - **Farhad Rahmani Nia** (Professor, University of Guilan; Physiology Sport)
  - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
  - **Mahdi Talebpour** (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
  - **Mehrdad Anbarian** (Professor, Bu Ali Sina University; Bio mechanic)
  - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)
  
- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher: Sport Sciences Research Institute**
- **Publication: Kiamarsi**
- **Volume 16; Spring & Summer 2019**
- **Address: 4<sup>st</sup> Floor 3, 5<sup>th</sup> Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran-I.R.Iran.**
- **Postal Code: 1587958711**
- **Tel: +98-21-88750884**
- **Fax: +98-21- 88747796**
- **E-mail: journal@ssrc.ac.ir**
- **Website: Journals.ssrc.ac.ir**



# **Research on Educational Sport**

**7th Year, No 16**  
**Spring & Summer 2019**



**In the name of God**